

Süleymaniye U Kütüphanesi	
Kısmı	۳۰۳۲
Yeni Kayıt No	
Esk. Kay.	614

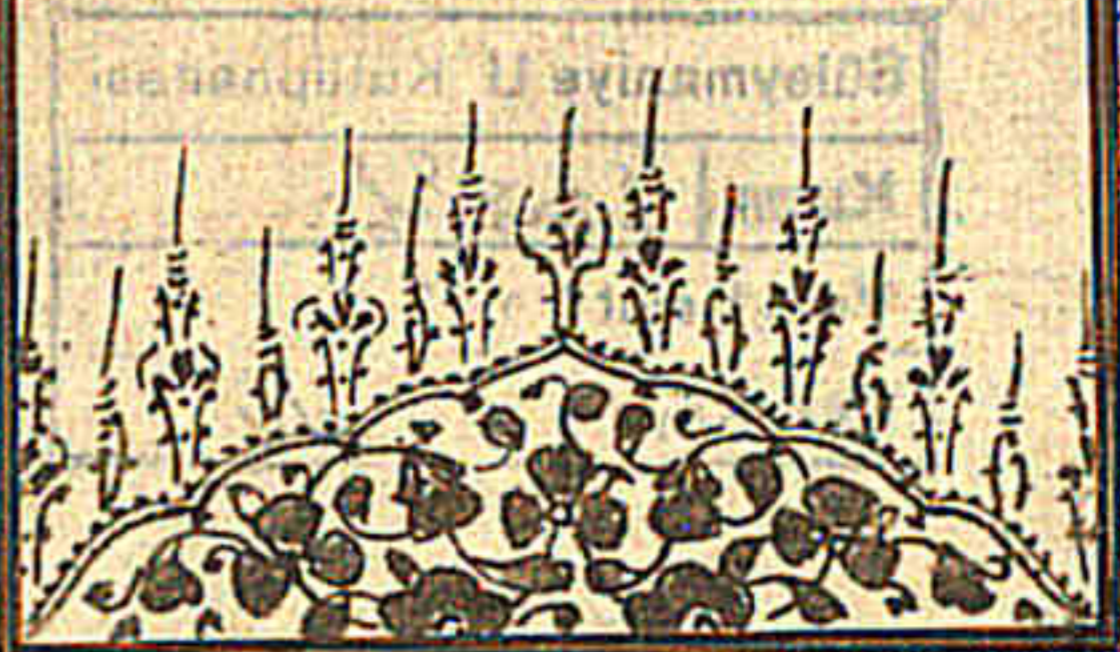
1

109
۳۲



۳۱۳

[Faint, mostly illegible handwritten text in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page.]



بسم الله الرحمن الرحيم وبه العون

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسولنا محمد وآله وصحبه أجمعين
وبعد معلوم اوله که او فاقده واقع اولان اجازات صحیحہ تک مفوضای عقد لری
اوزر زبانه اجر نظری مجله یا موقبله و یا منجمله لازم کلوب اگر سکوت غنما اولو جیب
نیجه اولوراید یعنی انتم مجتهدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین بیان ایند کلمری
اوزر عمل اولنوب اما مجله و موقبله مسالکتک و مقاطعات صورت لری بتک
جواری وعدم جواری کتب فقهده نصیح اولنا مشبدی و ننگه آنه سجانه و تخاصی نظری
بو بلده مبارکه که تک فسخی بنسرتقد قد نصکره بعد الفتح اسلام بناسی فصله در جو
جواب و بر لکینه کوم مرحوم و مغفور له ابو الفتح سلطان محمد خان علیه الرحمه
والفقیر آن حضرت لری بنا ایلدی کی جامع لطیف و معبد قدیم و نظیری همیشه و ندیم
اولان جامع ایا صوفیه به و سائر مساجد شریفه به اوقاف اقتضای اید و با اول فتح
اولمغله نفوسک کثره اولنا مغن عرقه موقوفه به بنا و ماسیجا ایدر کرسنه
بولنا مغله لاجل الرغبه والاعتبار سانه بر مقدار آفته اوزر زبانه مقاطعه اعتبار ایلدی
طالیننه و بر یلوب اقتضای آنکه مشایخ اسلام رحمهم الله الملک العظم حضرت آن
فتواری و بر مشرور بوند نصکره سلاطین ناصیه جز مرحوم و مغفور له سلطان
سلیمان خان صبت علی مرآقه فطرات الفقیر آن حضرت لری دولت زمانه کلکده
اول عصره بولنان کنار علماء اگر مهم الله فی دار البقاء و ابقی الله آثارهم الی دار الفنا
حضرات مجله و موقبله اعتبار اولنمفده اوقافک عقارات اجنبا و رغبت اولنمغه
باعث اولور دیو فتواری و بر وب اول عصره نصکره کلامه فضلاء روم و فحول و قوم
اعنی مشایخ اسلام رحمهم الله الملک العزیز العظام کذک فتواری و بر مکل بعض مواده
اختلاف لری اولمغله اختلاف لری بتک کتب فتاوی و تفحصه محتاج اولوب
سلفه کجند صاحب همت و عزیمت اولمغله بد نام و سعی اتمام ایلدینا و بدن

مطالبه

مطالبه انتقال ایدر لری ایدکی حالاً عصره و نه هم کی اهم فاصرار با بنده اولنمغه فوکلک
شخص لری منیع امر عسبر اولد بنده نامدا نسخ جلیله به اشترایا خود استغاره
ایتمک امر عظیم اولد یعنی بر صاحب عزت و بشارتک تقوی و جمع اولنمغنی تنبیهی
شوق اولمغین بو تقیر و خلی قدر الامکان تنبع و اهتمام اید و بجمع ایلدی کم
فتواری شریفه به اوج قطعه اعتبار ایدوب اولکی قطعه ص اجار بن فتواری محله
الوب اوزر بر باب اوزر زبانه ترتیب ایدوب جامع الاجار بن دیو نام و بر دم
ایکنجی قطعه ده مقاطعات فتواری بنی محله الوب الکی قسم اوزر زبانه ترتیب ایلدم
اوکنجی قطعه صراضی امیریه فتواری بنی جمع ایدوب بکری ایدکی باب اوزر زبانه ترتیب
ایلدم قطعه اولی اجاره معجله و موقبله فتواری ایدر که اوزر زبانه باب اوزر زبانه در

- ۵ اولکی باب اجنبا اوقاف بیاننده در اولدخی ایکی فصل اوزر زبانه در
- ۵ فصل اول توسیع مسجد بیاننده در
- ۶ فصل ثانی ترسیم اوقاف بیاننده در
- ۷ ایکنجی باب فراغ بیاننده در اولدخی اوج نوع اوزر زبانه در
- ۷ نوع اول فراغ بالوقایف بیاننده در
- ۸ نوع ثانی فراغ قطعی بیاننده در اولدخی ایکی قسم اوزر زبانه در
- ۸ قسم اول فراغ قطعی معتبر بیاننده در اولدخی درت فصل اوزر زبانه در
- ۸ فصل اول کمال عقل و صحتده اولنکرک فراغی بیاننده در
- ۸ فصل ثانی مسوغ شرعی ایلد فراغ ولی و وضعی بیاننده در
- ۹ فصل ثالث صغیرک قبل البلوغ فوتندز مقدم و آلد سنه
و اوغلی و آرایکن اناسی بند من موئنده آخر فراغی بیاننده در
- ۹ فصل رابع متولی محلول کندکی اوغله اجر مشلیله
و زوجه سنه اجر مشلیله اکثر ایلد ایجاری بیاننده در
- ۹ قسم ثانی فراغ قطعی غیر معتبر بیاننده در اولدخی بی فصل اوزر زبانه در
- ۹ فصل اول بلا مسوغ شرعی و لیسک و وصیتک فراغی بیاننده در
- ۱۰ فصل ثانی فراغ معسوه بیاننده در
- ۱۰ فصل ثالث متولی کندکی نفسنه و آلد سنه و فرند آشنه و زوجه سنه
و متوفانک اولاد صغاری و صیسنه ایجاری بیاننده در

۱۱	فصل رابع مجرد ضرورت نفقه ایچون فراغ بیاننده در
۱۱	فصل خامس مرض موئنه اولان فراغ بیاننده در
۱۲	فصل شادس فراغ بلا اذن المتولیه بیاننده در
۱۳	فصل سابع چیز او فصولاً فراغ بیاننده در
۱۴	نوع ثالث فراغ بالشرط بیاننده در
۱۴	اونونجی باب متولیک اذندن امتناعی بیاننده در
۱۴	فصل اول فراغ خسته در جواذن و بریدگی بیاننده در
۱۴	فصل ثانی مجرد تعجز ایچون متولیک اذن و برماسی بیاننده در
۱۴	در ونجی باب موجب رد بیاننده در اولدنجی ایکی فصل اوزرینه در
۱۴	فصل اول خیار رویت بیاننده در
۱۴	فصل ثانی تغیر و فین بیاننده در
۱۵	بشنجی باب حق مرور و حق شرب بیاننده در
۱۵	النجی باب شفعه و اوله بیاننده در
۱۶	یدنجی باب بین الشراک توفیق و اصلاح بیاننده در اولدنجی ایکی فصل اوزرینه در
۱۶	فصل اول مفاسد بیاننده در
۱۶	فصل ثانی مہایا و مہنا اوله بیاننده در
۱۶	سکرنجی باب اوقافده یا پیلان اینده بیاننده در اولدنجی درت فصل اوزرینه در
۱۶	فصل اول معجله به محسوب اولق اوزر با اذن متولی بنا بیاننده در
۱۸	فصل ثانی بنا ملک اولق اوزر با اذن متولی بنا بیاننده در
۱۸	فصل ثالث اول اینده تک جهت اخراجه وقف اولنسی بیاننده در
۱۸	فصل رابع بلا اذن المتولی بنا بیاننده در
۲۰	طغوزنجی باب اجر مثل بیاننده در اولدنجی ایکی فصل اوزرینه در
۲۰	فصل اول اجر مشکک تکمیلنی طلب بیاننده در
۲۲	فصل ثانی اجر مثلنم زیاده طلب بیاننده در
۲۵	اونونجی باب اجرت مؤجله مثلیه و آخر مستاجرک امتناعی بیاننده در اولدنجی
۲۵	فصل اول مستاجرک عناد او و ماطلة او آخر امتناعی بیاننده در
۲۵	فصل ثانی اصلنده نقصاً اوزر ایجاری اولنمغله اجر مثل طلب اولننده او آخر امتناعی

فصل اول اوزرینه در

۲۷	فصل ثالث بنیکک تحت تصرفنده اولان وقف عرصه تک حاصل اجرت میگیسنده
۳۰	وقایع تکلیف و دفعه بر اتمینچون اجرت مؤجله به او آدن امتناعی بیاننده در
۳۷	اونونجی باب مرور زمان بیاننده در
۳۸	اونونجی باب استیفا بیاننده در اولدنجی اوج فصل اوزرینه در
۳۸	فصل اول سکنا سی مشروطه اولان منازله و واقع استیفا بیاننده در
۳۱	فصل ثانی غلغلی مشروطه اولان اوقافده واقع استیفا بیاننده در
۳۱	فصل ثالث مشروطه اولیا اوقافده واقع استیفا بیاننده در
۳۷	اونونجی باب بعد الاحراق و انحراب بنا بیاننده در اولدنجی ایکی فصل اوزرینه در
۳۷	فصل اول معجله سینه محسوب اولق اوزر مستاجرک بنا بیاننده در
۳۷	فصل ثانی متولی بنا ایندکده اخراجه جاری بیاننده در
۳۷	فصل ثالث بنا ملک اولق اوزر با اذن متولی بنا
۳۰	واخره بیع و تمسکی حواله بیاننده در
۳۷	فصل رابع معجله سینه محسوب اولق اوزر بنا مستاجرک امتناعی بیاننده در
۳۸	فصل خامس مستاجرک عرصه حقه فراغی بیاننده در
۳۸	فصل شادس مستاجرک متولی به مال و نقل بنا ایله جوجبری بیاننده در
۳۸	فصل سابع حق تعالی و هوأ و علو بیاننده در
۳۸	اونونجی باب بلا مقاوله سکنتی اجرتنی طلب بیاننده در اولدنجی درت فصل اوزرینه در
۳۸	فصل اول زید صغرنده منزله کنده ساکن اوکی بابا آسنده
۳۰	وزوجه زوجنم واحد شرکین اخرون اجرت طلبی بیاننده در
۴۰	فصل ثانی غصباً ضبط بیاننده در
۴۰	فصل ثالث فصولاً ضبط بیاننده در
۴۰	فصل رابع غصباً ضبط بیاننده در
۴۰	اونونجی باب معجله و بریکسین ضبط بیاننده در اولدنجی ایکی فصل اوزرینه در
۴۰	فصل اول بلا مشکک ضبط بیاننده در
۴۱	فصل ثانی محبتاً فراغ بیاننده در
۴۱	اونونجی باب صلح و وکالت و قائم مقام بیاننده در
۴۲	اونونجی باب شهادت و ترجیح بینات بیاننده در

۴۳	اون سکر بنجی باب دیار آخر کیم مستاجر بیاننده در اول کجای فصل او زربنده در
۴۳	فصل اول مستاجر ک نصرفنده اولای عرصه متولیک اخراجی بیاننده در
۴۳	فصل ثانی مستاجر دیار آخره اولمغله ذمتده جمعه اولان
۰۰	اجار آت انک مستاجرندن متولیک طلبی بیاننده در
۴۴	فصل ثالث متولی متوفانک منزلی دیار عرصه سخی بعد الا بجار
۰۰	دیار آخره کنده و با اول غلتک ظهوری بیاننده در
۴۴	اون موقوف بنجی باب بطریق الاستقلال تفویض و بهمه وارکنک بیاننده در
۴۴	یکرمی بنجی باب مطالبه و محاصره امکان عادی اولیو و حال متین و لیا
۰۰	مستاجر بیاننده در اول کجای درت فصل او زربنده در
۴۴	فصل اول سرای سلطاننده خدمده اولنگر بیاننده در
۴۵	فصل ثانی غائب بیاننده در
۴۵	فصل ثالث کافرانده اسیر دولان مستاجر ک احوال بیاننده در
۴۶	فصل رابع مفقود بیاننده در
۴۶	یکرمی بنجی باب فتنه و بدبیره تفویض بیاننده در
۴۶	یکرمی بنجی باب ارض وقفه ظهور اینج ذی قیمت طاش و زربنده در
۴۷	یکرمی بنجی باب انتقال و قلیه و اصل فراغی اثبات و سکوت بیاننده در
۴۸	یکرمی بنجی باب میراث و دیون ترک ستم از بد متوفانک بنای بیاننده در
۵۰	مسائل شتی دعوی تصریح اولسان فتاوی بیاننده در
۵۳	یکرمی بنجی باب منزل بیاننده در
۵۴	یکرمی بنجی باب زبوف و جید و افلاس بیاننده در
۵۴	یکرمی بنجی باب اغفال بیاننده اول کجای فصل او زربنده در
۵۴	فصل اول متولی ب اغفال بیاننده در
۵۵	فصل ثانی متولیک اغفالی بیاننده در
۵۵	یکرمی سکر بنجی باب ضمان متول و موجب عمل بیاننده در
۵۶	یکرمی موقوف بنجی باب فیما یجوز و فیما لا یجوز بیاننده در
۶۰	اولوز بنجی باب بستان بیاننده در
۶۱	اولوز بنجی باب کار بری تفریح و القاده نزاع بیاننده در

۶۱	الاجار آت الطوبیله
۶۲	قطعه ثانیه مفاصل بیاننده در مفاصلک ارضی موقوفه الی قسم او زربنده در
۶۲	اول کجای قسم مفاصلک وقف منزل و دکا و حج و تبرای بیاننده در اول کجای فصل او زربنده در
۶۲	اول کجای باب اجاره معجله کسوی مفاصله بلعمره و بناسی وقف اولان
۰۰	محکم منصرفی فوت اولدقت و رتبه سنگ بزه انتقال بدر دیو
۰۰	نزاع علی بیاننده در اول کجای یکی فصل او زربنده در
۶۳	فصل اول منصرفک قبل الاستیفا فوت اولسی بیاننده در
۶۳	فصل ثانی منصرفک بعد الاستیفا فوت اولسی بیاننده در
۶۳	ایکبنجی باب اجاره معجله کسوی مفاصله بلعمره و بناسی وقف اولان محله منصرف
۰۰	ایمن بنا محرف و با منهدم اولد قده محله سمسو اولمق او زربنده بیاننده در
۶۳	اول کجای باب معجله کسوی مفاصله بلعمره کسوی بیاننده در اول کجای فصل او زربنده در
۶۳	فصل اول عرصه و بناسی مفاصله لی وقف اولان منازل و دکا کین
۰۰	ملک حکمنده در بیع اولنمق جائز و در بیع منصرف بلعمره متولیک نزاع علی بیاننده در
۶۴	فصل ثانی معجله سز با کز عرصه سی مفاصله لی بز ملک حکمنده
۰۰	اولمغله بزه انتقال بدر چو نزاع بیاننده در
۶۴	در بنجی باب با کز عرصه سی مفاصله لی محکم بعد الاحراق والانهام
۰۰	او زربنده با پیلان ابنیه بیاننده در اول کجای فصل او زربنده در
۶۴	نوع اول اثر بنا قلبان مفاصله لی عرصه او زربنده با پیلان ابنیه
۰۰	بیاننده در اول کجای فصل او زربنده در
۰۰	فصل اول عرصه متولیک مفاصله و بر لیا کین متول عرصه آخره و بر
۰۰	اول کجای فصل او زربنده در
۶۵	فصل ثانی بعد الاحراق عرصه منصرف آخره فراغ و با خود متول آخره اجار ابله
۰۰	آخره متول اول اول عرصه او زربنده بنا یا اول حال اوزر کستعال بیاننده در
۶۶	فصل ثالث بعد الاحراق بلا اذن المتول بنا بیاننده در
۶۶	فصل رابع بعد الاحراق عرصه او زربنده اجنبیک بناسی بیاننده در
۶۶	فصل خامس بعد الاحراق بنا متولسی عرصه او زربنده
۰۰	کنده مالیه ایندی یکی بنا بیاننده در

۶۶	فصل سادس عرصه متولسی وقف نامه متولسند عرصه تک مقاطعه بی الورکن
۰۰	بنایه مانع اولد بیغی و متصرف بنامه دنده ایکن متولک آخره تقویضه قادر اولد بیغی
۰۰	و متصرف اولد بیغی اراضی بیغی آخره تقویض و بنا بیغی بیغی محسوب
۰۰	اولمق اوزر با اذن یا خود ملکیت اوزر بنا بیغی اذن بیاننده در
۶۸	نوع ثانی اثر بنا شده اولمق مقاطعه عرصه اوزر بنا بیغی بیاننده در
۶۸	بشچی باب عرصه بی مقاطعه لی و بنا بیغی ملک اولان کسند تک تصرفی
۰۰	و ورثه تک تصرفی و مالک بعد البیع و یا آخره کند که کز شده مقاطعه بی
۰۰	مشترکین مطابیه اولمسی بیاننده در
۶۹	البشچی باب مقاطعه عرصه اوزر بنا بیغی ایینه بیاننده در اولمق اوج فضل اوزر بنا
۶۹	فصل اول ملک اولمق اوزر با اذن متولک بنا بیاننده در
۶۹	فصل ثانی اول بنا بی جهت اخرا بیه وقف ایتمک بیاننده در
۶۹	فصل ثالث بنا بلا اذن المتولک و بنا بی بعد المنع بنا بیاننده در
۷۰	بشچی باب اجر مثل مقاطعه بیاننده در اولمق ایکی فضل اوزر بنا در
۷۰	فصل اول اجر مثل تک تکمیلنی طلب بیاننده در
۷۱	فصل ثانی اجر مثلند زیاده بی طلب بیاننده در
۷۲	سکزیجی باب استیفا بیاننده در
۷۲	طقوز بیجی باب میراث و اقرار و وقف بیاننده در
۷۴	مسائل شتی
۷۸	اوشچی باب مایجوز و مالایجوز فزیرنج و دینکی و تخمی بیاننده در
۷۷	ایکینجی قسم عرصه بی مقاطعه لی بنا بیغی بیاننده در اولمق اوج فضل اوزر بنا
۷۷	اولکی باب میراث و معجزه تک محل و حرمی بیاننده در
۷۸	ایکینجی باب اجر مثل مقاطعه بیاننده در
۷۸	اوشچی باب بنا دن بعد المنع بنا بیاننده در
۷۸	در و بیجی باب فضولک منبذ و مقاطعه بی سابق متولک بر تسلیم بیاننده در
۷۹	اوشچی قسم باغ بیاننده در اولمق ایکی باب اوزر بنا در
۷۹	اولکی باب اجر مثل بیاننده در
۸۰	ایکینجی باب اصحا دیون و باغ دیکن فوتند فکریه باغ بر بی بیع ابد و بی

۰۰	اوج لربنی دینلر بیغی قبض ایتمک و متولک خراب اولدی بیجی بوزوب طاپوبه و بر تک
۰۰	و خراب اولان باغ لربن و بیغی بیع ایتمک و تمسید و وقفه نافع عمار المنق
۰۰	و بیع اولمق قدیم رسم طلب اولمق و باغ متصرفی بلا اذن بیع ایتمسی بیاننده در
۸۰	در و بیجی قسم بری مقاطعه لی وقف عرصه اوزر بنا اشجار غرس ابد و بی
۰۰	باغچه ایتمک بیاننده در اولمق بیغی درت فضل اوزر بنا در
۸۰	فصل اول اشجاری ملک اولمق اوزر با اذن متولی غرس
۰۰	و اول اشجاری بیع ایتمک بیاننده در
۸۱	فصل ثانی ذکر اولمق اشجاری جهت اخرا بیه وقف ایتمک بیاننده در
۸۱	فصل ثالث مغروس اولان باغچه اشجاری بیع تقویضی فور بیغی اولور
۰۰	یا خود مجموعی فور بیغی اولور مغروس اولان فور بیغی بیع اولنوب تخمی
۰۰	عقاره تبدیل و بلا اذن باغچه بر بنا و غرس اشجار بیاننده در
۸۱	فصل رابع باغچه اجار تبین ایله اجار و باغچه بی اجر مثل
۰۰	و برن بدنده ایضا اولمق بیاننده در
۸۲	بشچی قسم بری مقاطعه لی وقف چایر بیاننده در اولمق اوج فضل اوزر بنا در
۸۲	فصل اول اجر مثل کرک خام برجه اچلسون کرک اچلسون لازم کلیدی بیاننده در
۸۲	فصل ثانی چایر بر بی جهت اخرا بیه وقف ایتمک
۰۰	و بلا اذن المتولک چایر فراغی و متوفانک اوغلی حق شرعی بی دعوی
۰۰	ایتمک و متولس تک ایجاری بیاننده در
۸۳	فصل ثالث مور زمان بیاننده در
۸۳	البشچی قسم طاپولک و مقاطعه لی و مقاطعه ستر وقف نار لابیاننده در
۰۰	اولمق اوج فضل اوزر بنا در
۸۳	نوع اول وقف نار لا اوزر بنا و غرس بیاننده در اولمق اوج فضل اوزر بنا
۸۳	فصل اول با اذن متولی بنا و غرس بیاننده در
۸۴	فصل ثانی اول ایینه و اشجاری جهت اخرا بیه وقف بیاننده در
۸۴	فصل ثالث بلا اذن المتولک اشجار شمره و وقف بیاننده در
۸۴	فصل رابع مشروطه اولان اوقاف بیاننده در
۰۰	فصل خامس وقف اولان کروم و اشجار کرک فور لسی بیاننده در

۸۵	نوع نانی بیع و مبرآت و انتقال بیاننده در
۸۵	نوع ثالث فراغ بیاننده در اولدخی یکی فصل او زرینه در
۸۵	فصل اول فراغ صحیح بیاننده در
۸۵	فصل ثانی فراغ مرخص و فراغ بلا اذن بیاننده در
۸۶	نوع رابع طاهو بیاننده در اولدخی درت فصل او زرینه در
۸۶	فصل اول طاهو بیاننده اولان بیاننده در
۸۶	فصل ثانی اذدن رجوع و آمشاع بیاننده در
۸۷	فصل ثالث تعطیل بیاننده در
۸۷	فصل رابع مرور زمان بیاننده در
۸۷	نوع خامس اجرمش بیاننده در اولدخی یکی فصل او زرینه در
۸۷	فصل اول اجرمش طلبی بیاننده در
۸۷	فصل ثانی اجرمش تکمیلی بیاننده در
۸۸	نوع سادس التزام و تخل و ملزم جدید معارضه بیاننده در
۸۸	نوع سابع تغلب و تفویض و مضطوب بیاننده در
۸۹	نوع ثامن لوازم جفتک بیاننده در اولدخی اوج فصل او زرینه در
۸۹	فصل اول اوربان بیاننده در
۸۹	فصل ثانی فوری بیاننده در
۸۹	فصل ثالث مرعی و قشاق بیاننده در
۸۹	نوع ناسع مباح و معادن بیاننده در
۹۰	نوع عاشر مفسر بیاننده در
۹۰	مسائل متفرقه
۹۰	رسوم و تکالیف
۹۰	قطعه نانی اراضی امیریه بیاننده در اولدخی یکی باب و قائمه او زرینه در
۹۰	اولی باب اراضی امیریه بیاننده در اولدخی یکی فصل
۹۰	فصل اول اراضی امیریه مشرفانک و غلنه بوغیر فرینه طاهو بیاننده انتقالی بیاننده در
۹۰	فصل ثانی قوی بوغیر کسب از فرزند آشنه طاهو بیاننده انتقالی بیاننده در
۹۰	فصل ثالث لاب از فرزند آشنی بوغیر اول محله ساکنه فرزند آشنه طاهو بیاننده انتقالی

فصل

۹۸	فصل رابع اول محله ساکنه فرزند آشنی بوغیر تآبسته انتقالی بیاننده در
۹۸	فصل خامس باب آسی بوغیر آتاسنه طاهو بیاننده انتقالی بیاننده در
۹۸	فصل سادس انادون او غلنه طاهو بیاننده انتقالی بیاننده در
۹۹	یکینجی باب اقر بانک غیر ی اولوب اونن ملاسه ایچونم طاهو بیاننده
۰۰	انتقال ابدنر بیاننده در اولدخی اوج فصل او زرینه در
۹۹	فصل اول بزده شریک و غلبط اولان طاهو بیاننده انتقالی بیاننده در
۱۰۰	فصل ثانی شریک بوغیر اول نار لا ایچنده و آقع اشجار کچه انتقال
۰۰۰	ایدرا بسه برک وخی اول کسند به انتقالی بیاننده در
۱۰۱	فصل ثالث اشجار انتقال ایدر کسند سی بوغیر نار لا فریه سی
۰۰۰	رها با ستنک نار لا به ضرورت اولان کسند به طاهو بیاننده و بر بلور
۱۰۰	اوینجی باب اقر با دن ایکن طاهو بیاننده انتقالی ایتمیلر بیاننده در
۱۰۰	در دنجی باب تعطیل سبیلده اخره تفویض اولتمق بیاننده در
۱۰۵	بشنجی باب مانع انتقال بیاننده در
۱۰۸	انینجی باب مفسود و غائب بیاننده در
۱۰۸	بدنجی باب ترک زراعت مانع موجود ایکن اخره تفویض اولنگا نار لا بیاننده
۰۰۰	اوکلبسی سرای سلطانیده خدمت بهما یونده بالنفس اولمقدر
۰۰۰	ایکینجی صبا و تدر اوینجیسی کافرالنده اسپر اولمقدر
۱۰۸	در دنجیسی جسده جریمه ایچونم فرآقدر صاحب ارضه اذن و آخره دخی
۱۰۸	سکرینجی باب فراغ بیاننده در اولدخی اوج یکی فصل او زرینه در
۱۰۸	فصل اول فراغ معتبر بیاننده در
۱۰۹	فصل ثانی فراغ بالشرط بیاننده در
۱۰۹	فصل ثالث فراغ بالوفا بیاننده در
۱۰۹	فصل رابع فراغ صبی و فراغ وصی بیاننده در
۱۱۰	فصل خامس فراغ مکره و فراغ مجنون و وصی و فراغ سکران بیاننده در
۱۱۰	فصل سادس مرض موته اولانم فراغ بیاننده در
۱۱۰	فصل سابع فراغ بلا اذن بیاننده در
۱۱۱	فصل ثامن تفویضه ماذون اولانک اذنیله یازیلر فراغ بیاننده در

اول غلنه او زرینه

۱۱۲	فصل ناسع ضرورت وین مثبت و ضرورت نفقه بچم فراغ بیانده در
۱۱۳	فصل عاشده سپاهی کنده نقی بچم نفوض و قبول بیانده در
۱۱۳	فصل احدی عشر صاحب ارض او غلنه و زوجه سنده نفوض و فراغ بیانده در
۱۱۳	فصل اثنی عشر سپاه بنک اوندیم امتناعی بیانده در
۱۱۴	ملقوز پنجمی باب بیع و مبراش بیانده در
۱۱۷	فصل چهارم رویت و استحقاق و تغیر و قین فاحش بیانده در
۱۱۷	او پنجمی باب تمسک و بهه بیانده در
۱۱۸	اون برنجی باب رهن و شفعه و صلح بیانده در
۱۱۸	اون یکمینی باب بری ارض میری و بتا ملک و کرم خردا و لسی او کدی یکی فصل او زرنه
۱۱۸	فصل اول بعد از آراب اثر بنا مشاهده اولنسی بیانده در
۱۱۸	فصل ثانی اثر بنا قالمیوب مفاصله سی و بر لبان بیانده در
۱۲۰	اون او پنجمی باب ارض میری او زرنه با پهلوانی بیانده در او کدی اوج فصل او زرنه
۱۲۰	فصل اول با اذن صاحب ارض بنا بیانده در
۱۲۰	فصل ثانی اول بنا بی برجهنده وقف ایتمک بیانده در
۱۲۱	فصل ثالث بلا اذن بنا بیانده در
۱۲۱	اون در پنجمی باب بری مفاصله ارض میری و طرافی خند قلی باغچه ک مشرفه
۱۲۲	اون بششمی باب اجر مشل و طابوی مشل بیانده در
۱۲۲	اون التینی باب ارضی امیریه او زرنه و یکن اشجار بیانده در او کدی بش فصل
۱۲۲	فصل اول مکی اولن اوزر با اذن صاحب ارض غرس بیانده در
۱۲۲	فصل ثانی اول اشجار و کرمی وقف بیانده در فصل ثالث بلا اذن غرس بیانده
۱۲۴	فصل رابع خدای ثابت اولان اشجار بیانده در
۱۲۵	فصل خامس اشجاری قطع اولندی با خود کونگی بحدی بحدی بحدی بحدی بیانده
۱۲۶	اون بدینجی باب ملک جفتک مع الاراضی بیانده در او کدی اوج فصل او زرنه
۱۲۶	فصل اول قدیم جفتک استعمال اولنیا اراضی بیانده در
۱۲۶	فصل ثانی قدیم جفتک استعمال اولن اراضی بیانده در
۱۲۸	فصل ثالث نخته سکنی بیانده در
۱۲۸	اون سکر پنجمی باب صورت جکلن کول و صوبان تار لار و بوز بلا حرق بیانده

۱۲۸	اون ملقوز پنجمی باب بین الخصما و اشرا کوا توفیق و اصلاح بیانده در او کدی یکی فصل
۱۲۸	فصل اول مقاسمه بیانده در
۱۲۹	فصل ثان مبادله بیانده در
۱۳۰	یکمینی باب فضولا و تغلبا و غصبیا منبسط و فراغ بیانده در
۱۳۰	مسائل ششمی فی الدعوی
۱۳۴	یکمینی برنجی باب ما یجوز و ما لا یجوز بیانده در
۱۳۸	یکمینی یکمینی باب طابو نامه و تمسک صنایع اولسی و عامه اول سلفی اولان
۱۳۸	یکمینی او پنجمی باب لوازم جفتک بیانده در او کدی ذرت فصل او زرنه در
۱۳۹	فصل اول مرغی او زرنه بنا و تغلبا منبسط و قیون کرد و رک
۱۴۰	فصل ثانی بیلاف و فشقاق بیانده در
۱۴۴	فصل ثالث قور و آور مان و قلاغ و جالبلی اوجوب تار لار ایتمک
۱۴۶	فصل رابع چایر و بونجه و سازلق بیانده در
۱۴۶	یکمینی در پنجمی باب رسوم و نم و تار لار و بولنا م طاش و معکم و بوق و قی و
۱۴۸	یکمینی بششمی باب صاحب ارضی اذن تمسک کرد و تمسک الیه بولنا تمسک کرد
۱۴۸	یکمینی التینی باب شرکا و برهه بر یک اذن کفایت ایلمسی بیانده در
۱۵۰	یکمینی بدینجی باب اعفصال بیانده در
۱۵۱	مسائل ششمی فیما یعلق بالکلیف او کدی اون یکی فصل او زرنه در
۱۵۱	فصل اول محلول اولن منصبی او زرنه و غده غلبه حضرت نوبه کدی و انشی مشایخ
۱۵۰	فصل ثانی منصرف کذا و زرنه رفع اولدینجی و کل اولن برات و زرنه با جبهه مخالفه
۱۵۰	فصل ثالث عوارض طلب اولنیا کس لربیانده در
۱۵۲	فصل رابع عوارض لازم کلن فصل خامس سالیان و نکایف عرفیه طلب اولنیا
۱۵۴	فصل سادس کیفیت توزیع رسالیان فصل سابع رسم رعیت و بتاک و جفت بوز
۱۵۵	فصل ثامن معاف و سلم فصل ناسع توطن ایتمک و زرنه آخر محله نظر اولن
۱۵۶	فصل عاشده اهل برات ذراغی و تراغی بیانده در
۱۵۶	فصل احدی عشر خراج ارض بیانده در
۱۵۶	فصل اثنی عشر جزیه بیانده در
۱۵۸	صورت قانون نامه بیانده در نمت شهرت الکتاب

سنة ۱۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي احكم دعائم العلم والهدى
 و اعلمنا حلاله بمنزلة النعم والنعمة
 والصلوة والسلام على من وقف نفسه
 الى كربة لشفاة العظمى وعلى الولاة
 الذين تنوروا بنور شريعة العلياء
 و بسمه فيقول الفقير الى الله القدير
 محمد عارف بن محمد بن العريف
 بشاطرة ودهن المجموعه الموسومة
 بجامع الاجاريتين حاوية لمقتضب
 فتاوى بعض الفاضل الامام المتفقه
 بسائل الاجاريتين والفاصلة التجارية
 في الاوقات التي انشاها من الخاطين
 من ذوات كبر من القيد والاحكام لعدم
 العشر على ما قد اكتمل حتى لم يبق
 الى درجة القبول عند اولادها
 فارتوت نصيبها ونصيبها بتطبيق
 ما جدها لها من حدودها من التكاثر
 المعيرة التي صحت بتطبيق اساليبها
 في زيارتها و ايدتها بالمال التي يتيقن
 و يقاس عليها صور الاجارات
 فيكون عودا من عمنها من قضاء
 و التكام بعناية الملك العظام
 وهو الموفق المرمم

قطع ثلاث متجاور انك اولك قطع سنك مشتمل اولدني
ابو ابراهيم علي بسيل الفضيل ذكر اول نور اولك باب اجاره اولدني
اولدني اولك فصل اولدني در فصل اول نو سبيع مسجد بيا نده

بر مسجد قيم و مؤذن اولان زيد مسجد مزبور كن فركي كلبه بنك مفتاحي ضايع
ابنكده مسجد اي امن لازم اولدني كلبه مزبور كن بوزوب مسجد اي اوجوب صوره كرو
دوز دروب مسجد مشول اولان عمر و استماع ابدوب بنم معرفتم ايله بوزوب
دوز دروب كن چو زبدي عزل ايندرك انسه بونك ايله مشر عاقل

ايندركه قادر اولور **اجواب اولور** ابو اسعد و ابو جهم
بر مسجد شريفك مهنامه مشروطه وقف و كافر منوليسي وقفه انفع اولمغله جاره
معجله و مؤجله ايله طالب اولنله ايجار ابدوب مؤجله لرندم حاصل اولان اجرت
مهنامت وقفه و فائده مشكله معجله شدن حاصل اولان بسلفي تحفظ اوزر اكن اول
مسجد شريفك جماعي كثير اولوب داخل مسجد و فائده ايجار ناسك اكثر كاشره جز
افندي ايدر اوله حاله مشول امر حاكمه بسلف مزبور ايله

اول مسجد شريف نو سبيع قادر اولور **اجواب اولور**
به افندي عبد الرحيم افندي

بر حمله ده واقع مسجد شريف سبق اولوب ابا ايسنه و فائده ايجار و بعض مرنبه
خراب اولمغله اول محله ابا ايسني كندني مال لرندن اول مسجد شريف قيمه نو سبيع
اينكه قادر اولور لر **اجواب اولور** منقاري زاده

كندني افندي به افندي عبد الرحيم افندي

بر جامع شريف نماز قبلان مسلمانله مضابقه اوزره اولوب كندني و حرميني
نو سبيع مهم اولمغله جامع مزبور متصل زبدك ملك بري اولوب اندن كفايت
مقداري بز المنق لازم اولدني طلب اولدندقه زيد عينا ابدوب و بري بركت
حكم شرع مظهره نه در **اجواب** زبدك رضاسنه با قلمر جامعه و حرمينه كفايت
ايله برك مقداري برك قيمتي و بري لوب جيز اوكرنا انده النوب نو سبيع اولور

حضرت عمرو سار صبا به رضوان الله عليهم اجمعين
بو وجهله نو سبيع بيور مشر در
بمشله افندي صاحب ابيه

قد صرح العلماء بان لا يجوز عزل الناظر
وه عزول صاحب وظيفه ما ينظره ولو
عزلوا كما لا ينزل غير جفته و لقا ضا
ابقا على وظيفته و انظم
فتاوى خيريه
ولا نه هو المستمط فقد اوهوا بين
كندني الهدي

ولو كان جنب المسجد ارض وقف
على المسجد فاره و القوم ان يزدوا
في المسجد شيئا من الارض باذنه
بامر القاضي تا شيخان
متعلق المشايخ في انه على جوزه لقيتم
ان يشترى بفضله الوقت شيئا لوقف
قال بعضهم يجوز ان يرضوا بعضهم لا يجوز
فانما اذا فصل به قضاء القاضي
فقد ارتفع الخلاف جواهر الفوائد

ذكر في الوقفات عن ابي حنيفة لا يملك
المسجد ان يهدم المسجد ويجدد
بناوه و هذا اذا ارادوا من مال انفسهم
و انما اذا ارادوا من مال الوقف ليس
لهم ذلك ان بامر القاضي تا كرافائيه

ولو كان المسجد شيقا على الناس
ويجوز ارض لرجل يؤخذ ارضه باقيه
كرنا وني الجوزي اولور دن جعل شي
من الطريق بازان لم يضر بالمارة
چو زاده

حفر قبر في ارض مملوكة بلا اذن مالكها انتهاك البش عنه و اضرابه و لا تسوية و الزرع فوقها من المحيط البراهه
الارض الموقوفه كالمملوكة لغير القدي سئل شمس الائمة عن مسجد لم يبن له قدم و ضرب ما حوله و استخفى
الناس عنه لم يجوز جعله مقبرة قال لا من المحيط البراهه سئل شمس الائمة اكلوا نه عن مسجد ضرب
ولا يحتاج ايله الناس بل لقاضي ان يضره و فانه الى مسجد نظر قال نعم من المحيط البراهه

و كفي بنا فده ضايق المسجد على الناس و يجزي ارض لرجل يؤخذ ارضه بالقيمة كرهنا
وقد صح عن عمرو سار الصبا به رضوان الله عنهم انهم اخذوا ارضين بكره من اصحابها
وزادوني المسجد احكام حين ضايق بهم كذا في فصل الحادي والعشرين
من وقف التاثير خابنه و المسئلة المذكورة في وقف البرزخيه

زيد منوليسي اولدني مسجدك حرمينه بر مقدار بري افرا ز ابدوب اول حرمه متصل
منزلي اولان عمره منزله احاق ايجاره معجله و مؤجله ايله ايجار ابدوب
عروضي بعد الاستيجار منزله احاق ايله مشول اولان بكر اول بري افرا ز ابدوب
كالا اول حرم اولن اوزر ابقا به قادر اولور **اجواب اولور**
بجي افندي و كذا مشكرا زاده و بمشله افندي صاحب ابيه

بر مسجدك حرمينه اولان بر لره بعض كسنة لر مشول اذ نتمه مشكرا زاده
حالا مشول اول كسنة لره مشكرا زاده اخرج ايندركه قادر اولور **اجواب اولور**
نسويه و حرمي قادر اولور بجي افندي و مشكرا زاده

بو صورته اول مسجد شريف صغير اولوب ابا ايسنه كفايت ايتام كله مشول اوليك
راي حاكمه مسجدك احاق ابدوب اول مسجدك نو سبيع قادر اولور

اجواب اولور بهما افندي عبد الرحيم افندي

بر وقف قرية نك ابا ايسني بريشان اولوب انده اولان مسجد شريف خرابه مشرف
اولدندقه غلده سي مسجد مزبور كن مهنامه مشروطه وقف اولان نفودك منوليسي
حاصل اولان غلده قرينده اولان آخر مسجدك مهنامه راي حاكمه
صرفه قادر اولور **اجواب اولور** منقاري زاده و علي افندي

فصل ثامن ترميم اوقاف بيا نده در

زيد و عمر و ذمير بر مسجدك ابدوب نقصني استهلاك ايله لر حاله
مشول وقف مزبور زيد و عمره اول مسجدك احاده ايندركه قادر اولور
اجواب اولور و بمشله افندي صاحب ابيه

بر قريده واقع جاتمه نخته دن بسني اولان بر مسجدك زيد بيقوب نخته لرني
آخر محله نقل ايله حاله ابا ايسني راي حاكمه زيد اول مسجدك نخته لرني كورده
كالا اول با پدر مغه قادر اولور لر **اجواب اولور**
منقاري زاده و عبد الرحيم افندي

منقاري زاده و عبد الرحيم افندي

8

سئل من فنار المسجد بني فيه
و كانا يعلم فيه مبيدان ابي ايسني
ذكك من كراهه تا كار خابنه
مسجد واسع جعل المشول بعض
فانوا لا يجوز في العالم من العاديه
قيم المسجد اذ اراد ان يبن حوائت
في فنار المسجد لا يجوز لا تشيع المسجد
و لرحمة كالمسجد فبسط حرمته
ذخيره
قيم الجامع القديم ايجور منعا منظر
الباب بعض الحكاكين لا يفتح
من وقف القينه
مرت مسند التوسيع من فائده
بعداه

موسى و مسجد ضرب و تقرب الناس
فلقاضي ان يضره و فائده ايجار
او حرمه اقر منيه من وقف
مجموعه مؤيد زاده

لو قدم حائط المسجد امر بتسوية
ولا يضمن بخلاف الحائط المملوكة
فان فيها يضمن النقصان ولا يؤمر
بتسوية ولا يبن الحائط فائده
لو قدم حائط المسجد يؤمر بالعمارة
كندني كراهه تا خابنه

يعلم من الخاتمة واما التفرقة في كفاية عملا منهيها مسجده او حصل تغير الوقت في سنة قطع معاد
المستحقين كذا وبعضه ما قطع لا يبقى لهم وبنينا على الوقت اذ لا يحق لهم في الغد من التعديل من اوج
البدع والذخيرة ما يفيد ان الناظر اذ صرف اليهم مع كفاية الى التعديل ما يضمن انتهى
بمشابهة في الوقت

زيد بر قربة و واقف مسجدى احراق بالشار ابله زبده نه لازم اولور
اجواب فقير شيد اولونوب كالاول بنا ايند ريلور
بر مسجد شريفك ديوارى خرابه مشرف اولوب عمارت و مرسته محتاج اولد قده
وقفه غله موجوده اولما مغله متوليسى اول مسجدك منها نه مرزوقه سنك وظيفه سنه
مشروطه اولان مستغفانه حاصل اولان غلده مرزوقه يه وبر يوب اول ديوارك
عمارت و مرسته صرفه قادر اولور **اجواب** اولور غلجه
زيدك متوليسى اولديغى جامع شريف محرق اولوب انجى سقلى ايله جدران اربعه سى
فالوب مرسته محتاج اولد قده ينده موجوده وقف بولنا مغله راى حاكمه وقف
ايچون استدان ايدوب جامع مزبورى عمارت و مرسته بتمك استيوب كنج ابر اجه
اقبه و بر ركنه اولما مغله زيد بركه استدان ايله كي اجه ايچون معاملة شريفة ايله
اذن حاكمه بر مقدار اجه بروج انزام ايله كده نكده حاصل اولان
غله وقف اول بريجى ديرك جائز اولور **اجواب** اولور

بمشكلة ائى صاحب البهجه و عبد الحليم
زيد بش باب اوله لرا ايله ايكى باب و كان فرى وقف لازم ايله وقف ايدكده قولا
بنا ايندىكى مسجد نده امام اولنله ويريله و بر شرط و تعيين ايله اول اول اولور
و كان ترك متوليسى اولان عمر و غله لرك مجموعنى اول مسجد امام اولان بركه
و بر يوب بر مقدار بنى مسجدك مرسته صرف ايله برين
ديكده قادر اولور **اجواب** اولماز

بوصورنده عمر و اول اوله لرا ايله و كان ترك بعض محلول اولنله ايله معجله و مؤجله ايله
وليد و بر دكه بركه ساكه مؤجله كفايت ايد بر جو مقبوضى اولان معجله و بر يوب
مرسته ايچون معين اجه و اركين مسجد مزبورك مرسته يوب اسك
ايله دين و بلكه قادر اولور **اجواب** اولماز بهما عبد الحليم

بر مسجد شريفك مصاح و مرسته مشروطه وقف نفودك و عقاكر زيد متوليسى ايكن
مسجد مزبور عمارت و مرسته محتاج اولد قده متولى وقفه موجوده غله اولما مغله
راى حاكمه اصل مال وقفه بركى بلك اجه يه مسجدك عمارت و مرسته صرف
ايله متوليه ضمان لازم اولور **اجواب** اولماز رقيه ايله صرف مال
يكميسل اولور عبد الحليم كذا فى مفاركا زادة

وقى لغير المصح ان الوقت لازم له وان الاستدانة من القيمة لا يثبت الدين في الوقت
اذ لا يثبت له ولا يثبت الدين الا عليه ويرجع به على الوقت ودرسته اولد فكر
تقوم مقاسه في الرجوع خبره

على يجوز المتولى ان يشتري مضافا
باكثر من قيمته ويعد بصرفه على العاقبة
ويكون الرجوع على الوقت اجواب نعم
كاحرزه ابن وهبان اشباه في الاضاف
قال القسفة على نفع الاستدانة على ربه
القرض بدون الرجوع ونفع البرع ايضا
ويكون القيمة مضافا الى الرجوع الاستدانة
بالرجوع ام لا قال لا تجوز على المشايخ فيها
والظاهر انه بعدل عن القرض الى اذنه
يرجع ان لا يجزى الرجوع فيستأثر القائل
ويضلل والا اذنى الى خراب الوقت
ولا سيما في زماننا الذي تفرق فيه القرض
الذراهم بدون معاملة من الرجوع الا ب
لابن شحنة

العارة مقدس في الوقت اعلى وهو
ان في الامام والخطيب في المسجد لا يكون
تركه الا بغير رتبين خبره
بها

شرط الواقف بيبا سبعا لفقولهم
شرط الواقف كفضل الشاي اى جوزه
العمل به و في المقوم والذراهم من سبعا
في الوقت
ليس للمتولى ان يتجاوز اموال الواقف
و شرطه و خبره

والواقف ان يبيد من اموال الواقف
بعمارة شرط ذلك الوقت ولم يشترط
لان قصد الواقف صرف الفقه مؤبدا
ولا يفتى دائمة الا بالعمارة فثبت
شرط العارة اقتضاه في الوقت
والصورة يستفاد من هذه المسئلة
فناقل هـ

فكروا ان الاستدانة على الوقت لا يجوز ان يثبته شرطه الا ان يكون الضرورة كغيره وشره واذن القاضى
والثبات ان لا يثبت جارة العين والظرف من جرتها و بدون هذه لا يجوز ويضمن الناظر ويستحق الغزل واذن جارة
الشرط فاستدان العشرة مثلا بالثمن عشر وعقد في الزيادة عقدا شويها بان اشترى من المقرض شيئا بسببها ففد صرح
في النماز خاتمة والقيمة انه يرجع بالعشرة الاصلية في غلة الوقت ويضمن الزيادة من مال نفسه خبره

بر وقتك عقارات عمارته محتاج اولوب وقفه موجوده غله اولما مغله متوليسى
زيد راى حاكمه عمرودن بر مقدار اجه استدان ايدوب عقاراتك مبلغ مزبور ايله
عمارت ابله حالا زيد مبلغ مزبورى غله الوب وبنه
و بركه قادر اولور **اجواب** اولور مشفك زادة
زيدك اجاره معجله و مؤجله ايله منصرف اولديغى وقف منركك ديوارى يقبلوب
بعده غله وقفه بنا يه ساعده اولما مغله زيد متولى يه ديوارى غله وقف ايله
بنا ايله و يدكده متولى زيد و آرسن مال كله مرمت و بنا ايله
ويو بنان امتناعه قادر اولور **اجواب** اولماز بريجى ائى
زيدك اجاره معجله و مؤجله ايله الديغى وقف و كان خراب اولوب مرسته محتاج
اولد قده متولى وقفه فقير ايند ركه قادر اولور **اجواب** اولور
ككن جيره قادر اولماز كذا بريجى ائى
زيدك اجاره معجله و مؤجله ايله منصرف اولديغى وكان فقير و مرسته محتاج اولد قده
معنا اولان مستاجر فقير ايدرايكن زيد فقير ايند ركه مال وقفه متولى يه فقير ايند ركه
قادر اولور **اجواب** فقير متولى يه لازم ايله اما مقابلة شرط
فقير ايله معص اولديغى يكميسل ابر مثل اولور
زيدك اجاره معجله و مؤجله ايله منصرف اولديغى وقف برا و طه سى خراب اوله
زيد اوله يه مال وقفه بنا و فقير ايند ركه قادر اولور **اجواب** معجله باخود
مؤجله سنده ابر مثلنن نقصان بوغبه متولى يه
لازم اولور كنية الفقير اسعد من مجموعته

زيد صغيرك اجاره معجله و مؤجله ايله نصرفه اولان وقف و كان حريفه
محرق اولوب عرصه صرفه فالد قده زيدك و صببى اولان عمر و متولى وقف مزبور
اول و كانك درت ديوار بنى بنا ايند ركه قادر اولور **اجواب** و كان منزل
كبي و كندر اجاره مؤجله لرى غالبيا از اوله كمش در انقطاع مراد اولور
اجاره معجله سنه محسوب اولق اوزر بنا ايند ركه سنه مرار ايله نصرفه
ايند ركه متولى مال وقفه بنا ايندىكى صورنده منصرفى اولان
مجدد و معجله نامنه و بر مذكجه نصرفه قادر اولماز
به ائى عبد الحليم ائى

بمقتضى ان الوقت لازم له وان الاستدانة من القيمة لا يثبت الدين في الوقت
اذ لا يثبت له ولا يثبت الدين الا عليه ويرجع به على الوقت ودرسته اولد فكر
تقوم مقاسه في الرجوع خبره

9
واصلاح مياذنها وما هو من بنائها
على رتبته لدر دون المستحب لا يصلاح
المالك على المالك ولا يجوز على كذا
ان مستاجر ان يفتح اذ لم يوافق
حصل في العقود و لا يجب على المالك
اذا لم يعيب والمستاجر ان لا يرضى
بذلك زخير في فضل المالك من كذا
الاجارة
بر قاي كمنه رتت جاره لنده او نه
وقف اولد ركن كابر لركه الطول لنده
مزبور كابر نرى فخر ايله جو متولى
جيره قادر اولور **اجواب** اولماز
على ائى
رتبته لدر متع من فخر جيت ائى
و بركه كمن مسكن ان يفتح مفضل
في انقطاع اجاره البنز ائى
و كذا لا يجوز على اصلاح الميزاب و تطهير
السطح من الخمر المزبور و مشد في كذا
متولى الوقت اذا تجرد الوقت
بدون اجاره المثل بزم تمام ابر المثل
والواقف
ولا يجوز للمتولى ان يوجه امواله
باجرة ولا يجوز ان يوجه امواله
المثل اسعاف و باقى المسئلة
يعلم من الخاتمة من الذخيرة هـ

مرکز مستند ظهر الورق من انقباض
بمسند

زیدک اجابتین ایلد تصرفه اولان وقف منزک بعض برلری خراب اولوب
عمارت و مرمته محتاج اولدقده زید ایلد متولیه فقعی عمارت ایلد

اجواب متولی عمارت ایلد منقاری زاده

بمسندک اجابتین ایلد تصرفه اولدقده منزک دیوارلری بالکلیه منهدم اولوب قابل سکینی
اولماستله آخر منزله نقل و متولی وقف بنا ایلد جو تکلیف ایلدوب مسولی وقف بنا
ایتماسه حاله متولی فتح اجان اولمیدن ساکنه اولدقده منزک ایلدک اجرتی منهدم
المغه قادر اولورمی **اجواب** اولور منقاری زاده
به افقی عیالکیم فیما بینان بقصر ایلد

زید متولیه اولدقده وقف مسقفان مرمته محتاج اولدقده وقفه موجود غلده
اولماستله وقفه رجوع شرطیله اذن قاضی ایلد مالکین عمارت ایلد مصره دفنی
غلده دن استغایه قادر اولورمی **اجواب** اولور
منقاری زاده افقی صاحب ایلدکیم

ایکینجی باب فراغ بیاننده در اولدقده اوج نوع
اوزرینه در نوع اول فراغ بالوفا بیاننده در

همه اجاره معجله و مؤجله ایلد تصرفه اولدقده وقف منزله معرفت متولیه عمره
بر مقدار ایلد بدل مقابله سنده تقویض ایلدکه هر نه زمان الیقیم بدل تقویضی
ساکه و بر رسم بنه منزل بنم اولسون دیوب بوشرطه تقویض عمره دفنی
بوشرطه تقویض ایلد حاله سنده عمره اولدقده بدل تقویضی
عمره و یروب عمره ک رضاسننه منزل مزبور
المغه قادر اولورمی **اجواب** اولماز بیجی فذکی

زید اجاره معجله و مؤجله ایلد تصرفه اولان وقف منزله عمره اولدقده
مقابله سنده اذن متولیه وقایه عمره فراغ ایلدوب بعده منزل مزبور ایلد
شومقدار غروش اجرت ایلد استیجار ایلدوب کن تخلیه و تسلیم
بولنماسه سنه تمامنده عمره زید عمره اجرت مزبور ایلد

المغه قادر اولورمی **اجواب** اولماز

بوصورته تخلیه و تسلیم بولنیدن عمره ک زید عمره الیقیم اجرت اصل دینه
محبوب اولورمی **اجواب** اولور بیجی فذکی

فراغ بالوفاه منزک استرادای خوسنده مفروضه لیک رضای شرطه و کدر بنا علیه کتب فنا و ای
منه اولدوب بوقیدک غلافه قید منظور حقیریم اولمشه هر کجی فذکی ایلد حرمک رضاسننه
قوتله مرادای مفروضه لیک و نای انکار اولد بوصورته فراغ استراده خوسنده اثباته محتاج اولور
یا اثباته استراده قادر اولماز انه اصل بقصوب کفر

تعیناً کما نوت بیما یصلح العرف
فاسلح الماکت نصفه و ذکر النصف
حقى تحت السنه تعیناً کما نوت
الم برود قینه فی باب العیب من ال اجاره

المسوقه او الفسق من مال فخر
فی مال الوقف لانه کت فان شرط
برجیح و الا فلا فی الفصل الثانی
من وقف لیز زید قیم الوقف
لوا نطق علی الوقف من مال فخر
و شرط الرجوع لا الرجوع و الا فلا
فصول عمادای

اصول المعبره ان الفراغ اجاره کافر
والاجاره نفعه باشد بیجی کافر
بی بی شرطه و بیجی نفعه شرط
لا یقتضیه العقد کانی جامع الرموز
و غیره شرط من هذا القبیل نفعه
الاجاره فلهذا صح رجوعها من الفراغ
واقدر لهما عطا انه اذک

سئل عن باع داره بجزایه کافر
من شرطه قبل قبضه و کسب بیجی
الاجر اجاب لا صرة الفساقه
من جامع الفصولین فی الاجاره
و تفصیل فی باب التاسع عشر
من شرط المجموعه فلیج

فعلی عدم التسليم و تخلیه الاجاره
سئل لامام الاظم عن الرجوع بالاسان
شرعیة فاجاب بوجوه خمس
عنه علی حیا سیرج الامور فاجاب
کما کان

مرکز مستند نفاذ عطاء انقباض
بمسند

زید اجاره معجله و مؤجله ایلد تصرفه اولدقده و کانی عمره بر مقدار ایلد بدل مقابله سنده
اذن متولیه فراغ و تقویض ایلد اولدقده الیقیم ایلد هر نه زمان و بر رسم بنه
و کانی المنق شرطیله فراغ و تقویض عمره دفنی اول شرطیله تقویض و قبول ایلد
حالاً زید عمره الیقیم ایلد ایلد عمره و یروب و کانی عمره المغه
قادر اولورمی **اجواب** اولور عیالکیم فی کتاب الیقیم

زید تصرفه اولان اجان معجله و مؤجله لوقف منزلی بدل مقابله سنده اذن متولیه
عمره فراغ ایلدکه نصکره عمره زیده ایلدک اولدقده زمانه منزل مزبور ایلد ساکه فراغ
ایده بیم و بیمش اول حاله زیدک قدرتی اولمغله فراغ ایلد بیم و بیمش ایلد
ایله فراغ ایلد جو جیره قادر اولورمی **اجواب** اولماز عیالکیم

زید متولیه اولدقده تقویض و موقوفه عمره شوقدر ایلد فرض و یروب که نصکره عمره
اجاره معجله و مؤجله ایلد تصرفه اولدقده وقف فریضه مبلغ مزبور مقابله سنده متولیه
بکرک اوزنبل زیده و قایه فراغ ایلدوب کن تسلیم ایلدک بدنه ایلدک عمره و یروب
ترکه سنده ایلد اولدقده حاله فوت اولسه زید فریضه داخله ایلدکیم مبلغ
مزبور ایلد قسمت غرما یه داخل اولمغله سنده سائر غرما سن فریضه
ضبط ایلد دیوب منعه قادر اولورمی **اجواب** اولماز علی فذکی

نوع ثان فراغ قطعی بیاننده در اولدقده ایکی قسم اوزرینه در
قسم اول فراغ قطعی معین بیاننده در اولدقده درت فصل اوزرینه
فصل اول کمال عقل و صحته اولنکرک فراغی بیاننده در

زید کوچک فریضه سنده تصرف اولدقده وقف و کانی حق تصرف من معرفت متولیه
تقویض ایلدوب کن مقابله تقویضنده بر ایلد سن الماسه بعد زمان زید مزبور فقیر کمال
اولمغین و کانی مرقومی با خود مقابله تقویضنده بر مقدار ایلد سن کوچک فریضه سنده
طلب ایلدوب المغه قادر اولورمی **اجواب** زیدک اجاره سالی و ایلد
فتح ایلدکه نصکره قادر اولماز کتبه محمد شهبازی زید

زید اجاره معجله و مؤجله ایلد تصرفه اولان وقف منزله عمره اذن متولیه صحته
شوقدر ایلد بدل مقابله سنده فراغ و تقویض ایلدوب بعده بدل مزبور عمره
المغین زید فوت اولسه زیدک ورثه سالی بدل مزبور المغه
قادر اولورمی **اجواب** اولور منقاری زاده عیالکیم

الشرطه الفاسده و الا حق بالعقد
بیجی عیالکیم بیجی لا عیالکیم
جامع الفصولین المغه
و الا بیع بشرطه لا یقتضیه العقد و غیره
نفعه کانه کافر شرطه البایع ان لا یسلم
الی المشرک فی شهره و نقل و یقرضه ما
او یهبه و یصدق علیه بمال او یوجوه
او یبیره و کذا شرطه المشرک
فهرست
بشاه ان حق الذمین تعلیق باشرک
المادک و المنزل الموقوف لا یکون
کماله حتی تعلیق عقده کماله بیجی
عطا راته اذک

الفرغ اجاره لانه تمکین منقده
عطا راته اذک

الاجاره بیع المنقده بیفاس بیع
العین مبسوطه شرعی
و اذ حصل لا یجیب و القبول لزم البیع
و لا یجوز لواءه منها الا من عیب
او عدم رؤیه یا بی بیجی

مع اجاره الله زید ان یکناه بیع
و یک غیره فیها اجاره و غیره اجرتی
او یجیبها الی مقدمه حتی یخلصهم السؤال
من عدم مطابقه المستند سؤال و کانی
ان هذا الفراغ اجاره یعنی و ان کان فراغ
مورد لانه تمکین منقده الی ان تمکین
المنقده بعوض اجاره کاعرف فی ذلک
کتابه اجاره عطا راته اذک

بشد اجارن بن ایلده تصرفه اولان وقف منزلی شوقدر اقیه بدل معیاره سنده
اؤن منولید زیده فرآغه ایلدکد نصکره زید دخی اؤن منولید بکره فرآغه ایدوب
حالا بسند فرآغنده نادمه اولوب رجوعه قادر اولور

اجواب اولماز بمشله فنی صاحب الیه

فصل ثانی مسوغ شرعی معجل فرآغ ولی و وصی بیاننده در

بشد منوفان دن اولان صفارنده انتقال ایدن اجاره معجله و مؤجله وقف منزلی
حریفده محرق اولوب بعده بر قاج سنه مرور ایدوب وقفه بنایه ساعده اولوب
عرصه سی خالیه و معطل فالوب صفارک دخی مؤجله و بر بیک مال لری اولوب
عرصه مزبورن آخر نفویض اولمنق صفاره النفع اولمنق صفارک و بیلری و بابا لری
اولان زید اول عرصه بدله شلیله آخره بکره اؤن منولید
فرآغ و نفویضه قادر اولور **اجواب اولور علی بن ابراهیم**

بشد و بیسی اولدینقی صغیره قزلری زینب و خدیجه کتک اجاره معجله و مؤجله ایلده
بابا لرین منقل وقف منزلی اؤن منولید بدل معیاره سنده عمره فرآغه ایدوب
و خدیجه بالغه اولد قزنده منزلی زینب عمر و ون مجانا المنه قادره

اولور لرمی اجواب اولور علی بن ابراهیم

زید منوفان صغیره اوغلی عمر و ایلر اولاد کبار بنده انتقال ایدن اجاره معجله و مؤجله لی
وقف منزلی حریفده محرق اولوب صغیرک مالیده اول عرصه حصه سی اوزر بنده بنا اولونق
صغیره نافع اولوب و عرصه ایچون منولک وقف مال صغیره ایدوب بر لیککی نقد برجه
صغیره ضرر اولوب کیدر مری هر وجهله صغیره نافع اولمنق و بیسی
اؤن منولید صغیرک اول عرصه دن حصه سی بشر نفویضه

قادر اولور می اجواب اولور علی بن ابراهیم

زید فوت اولد قده صغیره اوغلی عمره انتقال ایدن اجاره معجله و مؤجله وقف کما
حریفده محرق اولوب صغیرک مالی اولما مغلده اجاره معجله سنه محسوب اولون اوزره
بنا اولمنق و عرصه ایچون منولک وقف ایدوب بر لیککی نقد برجه
اؤن منولید نفویض صغیره نافع اولمنق و بیسی منسوب اولان اناسی بسند
اول دکان بر بنی بدل شلیله آخره نفویضه قادره

اولور می اجواب اولور منقاری زاده

مرت مسند علم الورق منظره
بعلا شته

لوایع الوصی العقار بدون المسوقاته
المشترکة يكون التیم تقضه اذا بلغ
نذره بامتنان و برقی و قد تقضت
فطوسی بیع العقار بدون هذه المسوقاته
اذا كان بعد خیر التیم او بئلا و بئلا
وان استأجر الوصی نفس التیم تقضه
او بعد التیم تقضه باز منقده
و ایله بوسف اذا كانت باجزة لیس لها
غیر انما ابدا ایدر تقضه
او ایدر مال الصغیره او مستأجره
تقضه بائذ لا یزید بیک شرا مال الصغیره
تقضه وان لم یکن و کتک نفع الصغیره
فان یخاف فی اجاره الوقف

مرت مرحوک ترتیبه نظر ان ایدر
بو قده نایه فرآغه قطعی غیر معتبره
عبارة اولان قسم ثانی کتک
فصل اولنده ذکر ان کتک کرک ایدر
لمحور

عمود الکمال اولان زید اوغلی عمره
صغیرک اجارن بن ایلده تصرفه اولان
وقف منزلی بدل معیاره اولان منولید
آخر فرآغه قادر اولور **اجواب**
اولور نتیجه در وجهه

بشد و بیسی اولدینقی عمر و صغیرک اجاره معجله و مؤجله بدله تصرفه اولان وقف و کما
وقائده نصکره صغیره اوغلی بکره انتقال ایدنکد نصکره حریفده محرق اولوب صغیرک
مالیده وقف ایچون بنا اولمنق صغیره نافع اولوب و عرصه ایچون منولک وقف مال صغیره
و بیسی ایدر مثل طلب ایدوب و بر لیککی نقد برجه صغیره ضرر اولوب
کیدر مری هر وجهله صغیره نافع اولمنق و بیسی اؤن منولید
بشر عرصه بدله نفویضه قادر اولور **اجواب اولور علی بن ابراهیم**

زید صغیرک بابا بسندن انتقال ایدن اجاره معجله و مؤجله وقف منزلی محرق اولوب
عرصه صرفه فالد قده وقفه بنایه ساعده اولما مغلده اولونق اخی عرصه معطل فالوب
زیدک دخی مؤجله به و بر بیک مالی اولوب بو قدر مدت عرصه ایچون بر سنه حاصل اولما
بعده زیدک و بیسی اؤن منولید اول عرصه بدله بکره بدل شلیله نفویض ایدوب بر لیککی
بعده نفویض اوزر بنده اؤن منولید بنا احداث ایلده صغیره بالغ اولد قده
اول عرصه بدله ایدر قادر اولور **اجواب اولماز کذلکی ایدر**

زید صغیرک اجاره معجله و مؤجله وقف منزلی حریفده محرق اولوب عرصه صرفه
فالوب وقفه بنایه ساعده اولوب صغیرک دخی مؤجله و بر بیک مالی اولوب
بر قاج سنه معطل فالوب وقفه سنه حاصل اولما سه حال اوزرک و بیسی
بکر اول عرصه بدله بدل شلیله با اؤن منولک آخره فرآغه و نفویضه
قادر اولور می **اجواب اولور منقاری زاده**

زید صغیرک بابا بسندن انتقال ایدن اجاره معجله و مؤجله وقف منزلی خراب اولمنق
زیدک اناسی و بیسی اؤن منولید بقوله به نفویض ایلده حال اوزر بالغ
اولد قده منزلی مزبور بقوله منقاری قادر اولور **اجواب** وجهه شرعیله
نفویض بولند بیه اولماز اسعد افندی

**فصل ثالث صغیرک بئس البلوغ فونندن مقدم و آله سنه
و اوغلی و اکر بکن اناسی اشد مرض مومنده آخره فرآغه بیاننده در**

زید صغیرک اجاره معجله و مؤجله وقف و کما نخی و آله سی و بیسی بسند منولی وقفه
اوزر بنده فرآغه باز دروب و بدینه منولید فرآغه منسکی الدقد نصکره صغیره زید فوت
اولسه حال منولی اول دکان زیدک مخلونده ایدر ایدر قادر اولور

اجواب اولماز بیجی افندی منقاری زاده و علی بن ابراهیم

اجاره معجله و مؤجله ایلد بر وقف فرزند زید منصرف اکر فوت اولوب صغیره فری اشدک کرک ایدنکده
منولی اول فرخ بسندک و بیسی عمره ایدر و سلیم ایدنکد نصکره بسند فوت اولد قده منول فرخ بسندک
مخلونده ایدر ایدر ایدر و بیکه قادر اولور می **اجواب اولماز منقاری زاده**

بشد ما من من ان الفرغ بیکک المنقده
و بیکک المنقده فی الشیخ اجاره الوصی
بیکک اجاره و آله الصغیره باجرا المشمل
وان اعترض بان جوارا اجاره بسنی علی
ان لا یخرج الی ارض من ملک الصغیره و کما
فی ذلک الفرغ فخرج الی ارض من بده تکلیف
بفاس ما من علی ما نقل فی ارض من ارض
او تمشی فیما تحت ایدن الصغیره بیکک
رقبه الی ارض من ملک الصغیره بیکک
رقبها و خرج الی ارض من بده هذ الفرغ
ان یمنع جوارا لانه لا یخرج جانا ان یخرج
بسنیفا و ما نقل من الاجرة و اذ استوفنا
بوفد من بده لانه وقف شرعا وان لم یفرغ
الوصی لانه بیکک رقبها کما نقلت
بجیب بانه بفاس علیه نظر الی منشی
بسنی لاجاره و هو ان یمنع بالاجرة
و اجواب عن الضرر بالمنع لان الی ارض
المستأجرة فی شرف الخروج من بده
لانه غیر ما کت برقبها وان لم یخرج
بالفرغ فخرج باسنیفا العبد بالسنکی
فلا یضره و اذ استغنی الضرر و ثبت
المنع یحصل المنع من اجاره و ان لم یمنع
خطا ایدر افندی

شرطه انقطاعه او اجاره كشته انواع
 نفع برنج الى اقطاعه و در آن كوتاه
 نافع بالخاصه لا يفتقر الى اجاره
 والقبضه الذي لا يعقل كما لا يعقل البيع
 منها نقل عطاء ارضه من ارضه
 لا يفتقر الى السؤال عن الفسخ والسؤال
 كيفية التباين والشوايق لا تفتقر
 قد قد سائر النفع المذكور لا تفتقر
 فرفع مشقة السكنى لا ترفع رتبة السكنى
 مسأله
 مرتبه مسأله ظهور الورق في عطاء
 بعهده 2
 شرطه بطان جن و در آن من سوزن المالك
 حتى لو باع كل مال بدرهم يجوز
 بايع الفصولين شرطه في اقسام الارضين
 زيد متولبي اولديني وقف منزل
 اجر مشيئه و غلي عمره اجاره بنگار
 جائز اولورمي اجواب اولماز
 ترك عطاء ارضه ارضي بملكه صاحب البيعه
 وكذا على ارضه في كتابه الاجاره
 ولو اجروا المتولد و آرا الوقف منزليه
 او ابناء البائع لم يجز عتده بيمينه الا
 باكثر من جوار المشي كبيع الوصي لو يمينه
 صح عند جوار و جوار يمينه صح عند يمينه
 وكذا متولي اجر من نفعه لو غير صحيح
 وانواع ومعنى غير من بيع الوصي
 من نفعه و برقي من المهر المزبور في نفعه
 و نفعه وان باقده غير مشي باربعه
 بعشره او مبيع منه بعشره ما رساوي
 خمس عشره و برقي قبيل نقل المزبور
 لو باع القيمة او اجر من نفعه شاهد
 لم يجز عند يمينه من الفصولين

بدكي باسند اولان زيد صغير باسند انتقال اينم دكانی اذن متولبه نامی اسنده
 فراغ ايله فراغ مزبور معتبر اولور اجواب اولماز كذا في مشقه كذا
 بصورتده زيد وجه محرر اوزر فراغ نكته قبل البلوغ فوت اولدقه متولي وقف
 مزبور صغير فراغ معتبر دكلدر بوبوب دكان مزبورى زيدك محمولدن و نفي چون
 ضبطه قادر اولورمي اجواب اولماز مقدم اذن
 دبر مالك كرك ابدى هما ارضي بيمينه
 اذن باسند اولان زيد صغير اجاره بين ابله نصر فنده اولان بروقف دكان
 اذن متولبه والده سى اسنده فراغ و تقويض ابدوب بعده قبل البلوغ زيد فوت
 اولدقه متولي زيدك فراغ صحيح دكلدر جوار اول دكان اسنده
 ضبطه ايندر مالكه قادر اولورمي اجواب اولماز بيجي ارضي
 سند مرض موشده اجاره معجله و مؤجله وقف منزلي اذن متولبه زبده فراغ
 ايندكه نكته سند فوت اوله سندك او غللكي فراغ مزبورى
 طومان زوبكه قادر اولورمي اجواب اولماز عليه بيمينه
 فصل رابع متولي محمول كندى او غلته اجر مشيئه
 و زوبكه اجر مشيئه اكثر ابله اجارى بيانده در
 زيد متولبي اولديني وقف دكان عرض اولوب محمول اولان بر دكان اجاره معجله
 و مؤجله ابله او غلي عمره و بر سه صحيح اولورمي اجواب
 اجر مشيئه اولديني اولور بيجي ارضي
 بروقفك متولبي اولان زيد وقف مزبورك محمول اولان عصاره سند بروقف منزلي
 زوجه سى اسنده اجاره معجله و اجر مشي اولان اجر مؤجله ابله تقويض ايش اوله
 حالا زيد معزول اولوب بر بنه عمر متولي اولدقه اسنده زيدك وجه محرر اوزر
 اجارى صحيح دكلدر بوبوب منزل سندك بدختم اخذ و اخره
 تقويضه قادر اولورمي اجواب اولور جواب آخر
 اجر مشيئه اكثر اجاره ابله اولماز بيجي ارضي اجواب
 وجه شرعى اوزر اجاره ابله اولماز اسنده ارضي
 قسم ثان فراغ قطعي غير معتبر بيانده در اولديني بدى فصل
 اوزر بنه در فصل اول بلاسغ شرعى و ميتك فراغ بيانده در

اجر الفصوله و انما موقوفه استوفى الاجر فخرج المستاجر عن العهده ان كان ذلك اجر المشي
 ثم سئل ان الاجر للعاقده ام للوقف فقال برده الى الوقف فينه باب اجاره عمره مالك
 وان سئل يتاويل الملك او عهده في الوقف لا يمنع لزوم اجر المشي بزائده في الموقوفات
 والمراويه لزوم اجر المشي للوقف بغير زياده

زيد متوفادون صغيره او غلي عمره انتقال اينم اجاره معجله و مؤجله وقف منزل صغيره
 والده سى اسنده اذن متولبه بكره فراغ و تقويض ابله معجله صغيره باغ
 اولدقه منزلي بكره المغه قادر اولورمي اجواب اولور
 بصورتده صغيره بعد البلوغ اول منزلي بكر دن الدقه نكته بكر عمر دك صغر فنده
 اول منزلي ضبطه و تصرف اينديكي اسنده لوده بكر دن اجر مشي المغه قادر اولور
 اجواب اولماز متولي وقف اول سنه لرك اجر مشيئي وقف بيجي
 بكر دن الوب اول اجاره جانب وقف و بر بيجي
 اجره عمره ساقط اولور بيجي ارضي
 زيد متوفادون اولاد صغيره انتقال اينم اجاره معجله و مؤجله لو وقف منزل
 خرابه مشرف اوله حاله صغارك و صيلري اذن متولبه بر مقدار ابله
 مقابل اسنده بكره فراغه قادر اولورمي اجواب اولماز عليه بيمينه
 اسنده وصيبي اولديني صغيره قزى زينك اجاره معجله و مؤجله لو وقف منزلي
 اذن متولبه بدل مقابل اسنده زيده فراغ ابدوب بدلني زيدم الدقه نكته
 زينب بالغه اولوب منزلي زيد دن الدقه زيد دخي و بر ديكي اجره
 سند المغه قادر اولورمي اجواب اولور
 بصورتده زينب منزلي الدقه نكته منزلي تصرف اينديكي بدقه زيدم اجر مشي
 ناسنده المغه قادر اولورمي اجواب اولماز بمثل ارضي بيمينه
 فصل ثان فراغ معسوه بيانده در
 معسوه اولان زيد اجاره معجله و مؤجله لو وقف منزلي اذن متولبه زوجه سى
 اسنده عنهي حالده فراغ ايله فراغ مزبور معتبر اولورمي
 اجواب اولماز بمثل ارضي صاحب البيعه
 معسوه مسن اولوب تصرفه قادر اولوب سان زيد نصر فنده اولان
 اجاره معجله و مؤجله لو وقف منزل اذن متولبه زوجه سى اسنده يا آخره
 اقربا اسند بر بنه فراغ ايله فراغ مزبور معتبر اولورمي
 اجواب اولماز منقاري زاده
 فصل ثالث متولي كندى نفسه و والده سنه و فرزند اسنده
 و زوبكه سنه و متوفانك اولاد صغيره و ميتك اجارى بيانده در

و لو باع الوصي العقار بدختم المسونات
 الشرعيه يكون بصيرت نفعه انما يقع بها
 غرضه المتأخر من المشايخ و برقي
 انما عند المتقد بين غلامى بيع العقار
 بدون ذمه المسونات و انما يقع بغيره
 غيرا بصيرت اوب لا رصينا
 لوقفه انما المشايخه من المشايخ
 بسقط الاجر من المشايخه و امت
 في الغالب من المشايخه البرايمه
 في الرابع عشر من الاجاره و مسأله
 اخذ اجر المشي لو وقف يستفاد من ملكه
 التصار و ارضي على السفده بقول
 المتصاف حتى يمكن منه انما قال و نصب
 ارضان و آرا وقف بيمينه بر المشي
 و جوار الوصي بيع العقار بيمينه
 و سند انما غير انما في كذا
 كذا و ارضي على المبياه في ارضيا
 و في شرح الوصايه بن الشحه من دفع
 شيئا ليس و نبيعا عليه زاده
 شرح المبياه للموهي
 قال ابو القاسم منقته المعسوه بيمينه
 معسوه فاسد البير و انما يقع
 و لا يشتم و يقبل الا بفعل المبيوت
 احكام ناطقني

زيد متولبي اولديني وقف عرصه اجر مشيئه كندى اجاره بنگار جائز اولورمي
 اجواب اولماز ترك عطاء ارضه ارضي وكذا في ارضي

متولی الوقف اذا قبل رضى الوقت لنفسه من نفسه يجوز ان الوالد لا يتولى طرفي الوقف
 اذا قبلها من الغاصب لنفسه فيتم العقد بالثبوت انقروى فان قلت بل الغاصب وورثه ايجاب
 مع وجود المتولى قلت نعم من اذخر وقت الجور وكذا متولى الوقف يجوز من نفسه لو خيرا
 مع ما في جامع الفصولين

ولو ابر المتولى والوقف من اینه
 او ابره فهو على خلاف في الوكيل
 عند الجبيله ويجوز وعندهما يجوز
 من الجبيله لبرانه

لو ابر الغنم را بر من قبل شهادت
 لم يجز عند الجبيله فصولین
 وشهادت الاغ فيه واداره جائزه
 وکذا حکم الامام قاسمجات
 نعم من یدان نقل ان ايجار المتولى لمتولى
 الوقف لا یندر جائز وليس المتولى بکبير
 ان ینسخ الاجاره مسجده

يستفاد مما سبق من متوالفتاوى
 بمسئله

برو تفك متوليسى زید وقف مزبور كغفارا من عمره كمالا جار بين مصرف اولديغى
 وكالك حق مصرفى عمره ونقصه وتسلم ابر بعد زید معزول اولوب برینه بكر متولى اولدقه
 متوليسى اولديغى وتفك عفا راتى متولى نقصه ايتك معبره وكلكر جوار اولدگار زید
 الوب وقضیوم اخره ايجار قادرا وكور ايجار اولور بيجى الفتى
 زید متوليسى اولديغى وقف منزله اجاره معجله وموجله مشيله والده سى امده ايجار وسليم
 ايند كلكر زید معزول اولوب برینه عمره متولى اولدقه منزله مزبورى امده
 الوب ابر مشيله اسد كلكر ايجاره قادرا وكور ايجار اولور بيجى
 برو تفك متوليسى اول وقفك مستغلا من اولان برو كان محمول اولدقه اجاره
 معجله وموجله مشيله لابوين فرزنداشى امده ايجار ايدوب بعد زید فوت اولوب
 برینه عمره متولى اولدقه اول دكان منده الوب ايجار
 قادرا اولورمى ايجار اولماز متقارى زاده
 بوضو زید عمره زیدك اول دكان فرزنداشى ايجارى جائزه وكلكر ديوب منده نقصه
 الوب بكره ايجار ايدوب منده مزبور طلب واخذ ائتمانه فوت اولداله
 منده كلى بشر اول دكان بوضو الوب ضبطه قادرا وكور ايجار اولور بيجى
 زید متوليسى اولديغى وقف منزله زوجه سى امده اجاره معجله وموجله مشيله ايجار ايس
 ايجار مزبور معتبر اولورمى ايجار اولماز متقارى زاده
 صورت مزبوره ده خالد وقف مزبور متولى اولدقه اول منزله منده الوب
 وقضیوم ضبطه قادرا وكور ايجار اولور بيجى الفتى
 زید متوليسى اولديغى وقفه عمره كى نامقام نصب وقعين ايند كلكر عمره معجله اول وقفه
 ايجار بين اولد نصر فده اولد وقف منزلك نقصتك تصرفى زوجه سى امده فراغ ايدوب
 اذن متولى بولندين عمره بلا اولد فوت اولداله متولى وقف اول منزلك
 مجموعى وقضیوم ضبطه قادرا وكور ايجار اولور بيجى الفتى
 منده صغيره به اناسى زید من انتقال ايجاره معجله وموجله وقف دكانه باباسى
 معرفت متوليله كندى او زید الوب ايجاره سيله منده ايجار ايدوب برینه
 متوليله تمسك الوب بعد منده فوت اولدقه متولى بولن ان عمره
 متولى سابقك تمسكنى طوبى بوب دكان مزبورى زید الوب
 اخره تقويضه قادرا وكور ايجار اولماز بيجى الفتى

بزرگ

وآخرى الغاصب المتولى ودنى غيره
 قال الغاصب ببيع الذین ليس له
 ان يفسخ ما اجره الاول معين المعنى
 فى الاجارات وبقاى المستغنين
 يعلم من انى اكتب ان الاجاره تفسخ
 بموت المستأجر ولا تغال الى الا اذا
 امر عادى لا يعتبر بموت مستأجره
 الولد

زيدك اجاره معجله وموجله ابره مصرف اولديغى وقف فزن وفانده نصكره صغيره فزى منده
 انتقال ايند كده متولى وقف بولن ان عمره اول فرزند منده ك والده سى زیده تقويض
 ودفتره فده ايدوب بعد منده فوت اولدقه متولى وقف اولد بكر زیده منده
 جبانده ايكن عمره كلكر ساكه تقويضه حيزه وكلكر ديوب اول فرزند زید من الوب
 منده كلكر من اخره تقويضه قادرا وكور ايجار اولماز بيجى الفتى
 منده صغيره باباسى من انتقال ايدن اجاره معجله وموجله وقف ايجار فزى وصبي كى كندوب
 بر مقدار ايجاره بدل مقابله منده اذن متوليله فراغ تقويضه ومقابله زیده من متوليله
 بدينه تمسك الوب مصرف ايكن بر فراج ايام مزبوره منده مصرفه فوت اولداله
 اول فرزند منده كلكر من اخره ايجاره قادرا وكور ايجار اولماز بيجى الفتى

فصل رابع في ضرورة نفعه بيجى فراغ بيا منده در

زيد بنيمه باباسى من انتقال ايدن اجاره معجله وموجله لو وقف دكان ضرورت نفعه
 ايجار وصبي عمره بر مقدار ايجاره مقابله منده اذن متوليله بكره فراغ اولد
 فراغ مزبور معتبر اولور ايجار اولماز بيجى الفتى فى الوصايا
 منده صغيره ك اجاره معجله وموجله لو وقف منزله وصبي بكر منده ضرورت نفعه بيجى
 بدل مقابله منده اذن متوليله اخره فراغه قادرا وكور ايجار اولماز
 زید وصبي اولديغى منده صغيره ك باباسى من انتقال ايجاره معجله وموجله لو وقف دكانى
 منده ضرورت نفعه بيجى اذن متوليله شو قدر ايجاره مقابله منده عمره فراغ ايند كلكر
 منده مصرفه بلا اولد فوت اولوب بعد اول متولى معزول اولوب برینه بشر متولى اولدقه
 بشر زیده صغيره ك اجاره معجله وموجله لو وقف دكان منزله فراغ جائزه وكلكر ديوب
 اول دكان منزله عمره الوب وقضیوم ضبطه ايجار قادرا وكور
 ايجار منده فراغه اذن بولن بيه اولماز بيجى الفتى
 زید وصبي اولديغى عمره صغيره ك اجاره معجله وموجله وقف دكان ضرورت نفعه بيجى
 اذن متوليله بدل مقابله منده اخره فراغه قادرا وكور ايجار اولماز
 بوضو زید دكان مزبورى اذن متوليله بدل مقابله منده بكره فراغ ابر عمره وبالغ اولدقه
 دكانى بكره جانا المنعه قادرا اولورمى ايجار اولور بيجى الفتى
 بوضو زید عمره وبالغ اولدين بلا اولد فوت اولدقه صغيره ك دكانى منده نفعه بيجى
 جائزه وكلكر ديوب صغيره ك محموله منده وقضیوم ضبطه ايجار قادرا وكور ايجار اولماز

وكل من كان من جميع العقارات الا زيادة
 فى الثمن باذن جيبه بصدف القيمة
 او الضرورة الدين او لم يشتر مسددا
 فى الاكثر لا نفعه بدون جيبه ولو يشتر
 بعضه وهو لا ينفسم الضرورة القسرة
 او كفاية التيسر الى منتهى الزيادة مؤتمنة
 وغوايه على منتهى ارتفاعه وانما في الاكثر
 فيما اذا كان در احوالنا او محضت
 من سلفه جابر اى شوكه جيزه ك
 فى الخاينة وغيره حتى لو باهه بدله شى
 من هذه المسوغات اشع كيون يشتم
 نفعه اذا بلغ قال شمس الائمة المحلولة
 هذا هو ذهب المتأخرين من المشايخ
 وديغى اوسا او صياق البيع
 من مستغنين من معين المعنى بعد منده

مرت مستند ظهر الورق من اليمين
بسلامه

مرت مستند ظهر الورق من اليمين
بسلامه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
المرتب المستند ظهر الورق من اليمين
بسلامه

مرتب مستند ظهر الورق من اليمين
بسلامه

زيد وصبيسي اولد يفتي عمو صغيرك اجاره معجله وموجله لود وقف منزلي ضرورت نفقه بچون
اذن متوليد شو قدر ايجده بدل مضابله سنده بگه فراغ ابله

فراغ مزبور معتبر اولور **اجواب اول** از
بوصورت زید منزل مزبوری وجه مشروع اوزره بگه فراغ ایندکد نصکوه عمر و بلا ولد
فوت اولسه متولی صغیرک منزلی فراغ معتبر دکلدر بچه عمر و کد محلولیم منزل
مزبوری بگه ز الوب منبسطه قادر اولور **اجواب اول** از

فصل خامس مرض مومنده اولان فراغ بیاسنده در

زید اجارین ابله نصرفنده اولان بروقف دکانه مرض مومنده وآلده سی اسنده بر مقدار
اچده بدل مضابله سنده اذن متولید فراغ ایدوب بعده بر ایکی کون مرد زید بلا ولد فوت
اولسه حاله متولی وقف اول دکانه بشهر الوب زیدک محلولیم آخره

ایجاب قادر اولور **اجواب اولور** متصرف زاده **عبدالمجید**

زید صغیرک اجاره معجله وموجله لود وقف منزلی زیدک مرض مومنده نیز سی اسنده بر مقدار
اچده مضابله سنده اذن متولید عمره فراغ ایدوب ار نه سی زید فوت اولسه متولی
فراغ مزبور معتبر دکلدر بچه اول منزلی و تقیچون عمر و حق الوب منبسطه

قادر اولور **اجواب اولور** **عبدالمجید**

زید مرض مومنده نصرفنده اولان اجاره معجله وموجله لود وقف دکانه زوجه سی اسنده
اذن متولید فراغ ایدوب بعده زید بلا ولد فوت اولد قس متولی فراغ مزبور
مرض مومنده اولمشد بچه اول دکانه و تقیچون منبسطه قادر

اولور **اجواب اولور** متصرف زاده **کذا علی افندی**

بشد مرض مومنده اجارین ابله نصرفنده اولانم وقف منزلی اذن متولید بر مقدار
اچده مضابله سنده زید فراغ ایدوب بعده بلا ولد فوت اولد حاله متولی فراغ مزبور
معتبر دکلدر دیو اول منزلی عمر و حق الوب و تقیچون منبسطه و اجاره

قادر اولور **اجواب اولور** **یحیی افندی**

مرض مومنده مبتلات اولان بشک حالی متغیر و مرضی شسته اولد قد نصکوه بند اجاره
معجله وموجله ابله نصرفنده اولان وقف منزلی اذن متولید زینیه فراغ ایدوب بعده
بر قاج کون مرد زنده بند اول غیر بچه بلا ولد فوت اولسه متولی منزلی زینیه

الوب آخره اجاره قادر اولور **اجواب اولور** **عبدالمجید**

زید اجاره معجله وموجله ابله نصرفنده اولان مخزنری مرض مومنده اذن متولید
اجارین عمره فراغ و تقویض ایندکد نصکوه زید بلا ولد فوت اولسه متولی فراغ
مزبور معتبر دکلدر دیو اول مخزنری و تقیچون منبسطه قادر

اولور **اجواب اولور** **برافعی عبدالمجید**

زید مرض مومنده اجاره معجله وموجله ابله نصرفنده اولان وقف اولد بر اذن متولید
عمره فراغ و تقویض ایندکد نصکوه زید بلا ولد فوت اولسه متولی اول اولد بر
عمر و حق الوب آخره اجاره معجله وموجله ابله اجاره قادر اولور

اجواب اولور متصرف زاده **کذا علی افندی**

بشد مرض مومنده اجاره معجله وموجله ابله نصرفنده اولان وقف منزلی بر مقدار اچده
مضابله سنده اذن متولید محله سی اما سنده فراغ ایدوب بعده بند
بلا ولد فوت اولسه فراغ مزبور معتبر اولور **اجواب اولور** از

اجاره معجله وموجله ابله بروقف دکانه متصرف اولانم زید مرض مومنده اول دکانه اذن متولید
زوجه سی اسنده فراغ ایدوب بر قاج کون مرد زید فوت اولسه اولد غللی عمر و بگر
فراغ مزبور مرض مومنده اولمغله طوما زید دیو اول دکانه بشهر

الوب نصرفنده قادر اولور **اجواب اولور** **عبدالمجید**

زیدک اجارین ابله متصرف اولد یفتی وقف دکانهک تصرفی زیدک طرفندم عمر و دکانه زیدک
زوجه سی اسنده متولید بگر معتبر تقویض ایدوب بشهر بگر اذن سکی الد قد نصکوه
زید بلا ولد فوت اولد حاله بگر زید جین توکبیل و تقویضنده ضعف مرضی عقی باشنده

اولما یفتی اثبات اید بچک اول تقویضی طوما زید دکانه سنده منبسطه ایدر بر

آخره اجاره ابله بر کد قادر اولور **اجواب اولور** **یحیی افندی**

فصل سادس فراغ بلا اذن المتولی بیاسنده در

زید اجاره معجله وموجله ابله متصرف اولد یفتی وقف دکانه متولی اذنی بوعیکن عمره
تقویض ابله متولی عمره دکانه مرفوی منبسطه ایدر بر بچه منعه قادر
اولور **اجواب اولور** اذن متولی لازدر **یحیی افندی**

اجارین ابله بر دکانهک متصرفی اولانم زید دکانه مزبوری متولی اذنه آخره فراغ ابله
حالارده فراغ مزبور معرفت متولید اولما مغله معتبر دکلدر بچه دکانه آخره

المغه قادر اولور **اجواب اولور** **محمد هسان**

فرض ابطال حق و آرزوی مستند
المار حق لوباع کل مال بدر آهم بچون
جامع الفصولین
شیخ مریش بالمشافع بینه کماله
تر الفحل المذکور فی حکام المریش
ص

بچون اراضی الامریه حکما احد
الایبیک است طاهره و نامن کان
فی تصرف ارض منها فیس لرتا تقویض
حق تصرف الی غیره اذن صاحب ارض
حتی لو کان تقویضه بغیر اذنه لا یشتر
کونه تأسیان السلطان فی ذلک
و انه علم من مشرفه الشفاک
تقیض بلها الا و تاقف اذن المتولی
و کسب الواقف و الفقراء ک

سئل بولسعود العادک عن فی تصرفه ارض عشر تیره و قوتها الی قریب غیره لابن و ابن ابن اولی اجنتی
بغیر اذن صاحب ارض تصرف المقوض الیه فیها زمانا ثم مات المقوض فیس لصاحب ارض ان یخذل من تصرف
و بقوتها الی من سار اجاب له ذلک لان التقویض متى وقع ج اذن صاحب ارض لا یرد الی ارض عن ید
المقوض حقیقه فکان فی و المقوض لیس غاربه منة الفتاوی فی کتاب الدعوی

زرت مستند انفاظ الوری شمره
الف و ی بعد منه

زرت مستند انفاظ الوری
شمره الف و ی بعد منه

عاده ان الف و ی بعد منه
لری لکنی وهو المنفعة و تکلیف
بعض احوال کما مره فی اول کتاب
اه جارات فی کثیر الشرح بکونه المنفعة
کانه اجاره یا باه جرة المعبود و ان
المعقود لم یبشر مستجابین یکون
فی ذل ان یستوفی ما یجری و انفس
اجارة الموجه المستاجر من المولی
یسوتر و یقیمت المعقود فی ید من قاتمه
وقی و قسرت ان استهککها مستحق بزره
والغنائم الی المستاجر فله ان کان له
ان یاخذ ما عطاها و انما انفسه
و ان لکنی بنا و یل لکنک و العقد لکن
لا یمنع لزوم اجرائش و یقیل و الی غیر
کالوقف بزایه و المراد لزوم اجرائش
لوقف

فانما یبذل و انصب رجلا مولیا
لوقف بعد ما قتل الحاکم المحکوم
فیس لکن علی الوقف سبیل منی
و یملک الاجارة و ان غیره
فی الف و ی بعد منه
یسند انما مره من انفاظ الوری
بسلامه

زید اجاره مین ابله تصرفه اولان وقف اوله بیدل مقابله سنده عمره فراغ ایدوب لکن
اذن منولی بولنما سه فراغ مزبور معتبر اوست **اجواب اولماز عجبیم**

زید اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفه اولان وقف منزله من نصف حصه سنی بر مقدار راقه
بدل مقابله سنده عمره فراغ ایدوب لکن اذن منولی بولنما من زید بلا ولد فوت
اوله منوله زیدک حصه سنی و فی حق منبسط و ابحاث

قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم**

زید اجاره معجله و مؤجله ابله تصرف اوله یعنی بر وقت منزل عمره بر مقدار راقه بدل مقابله سنده
فراغ و تقویض عمره و خنی تقویض و بدل تقویضی زید تسلیم ایدوب اذن منولی بولنما من
بر فاج کون ایچده زید فوت اولوب ولدی اولما معجله منوله منزل مزبور و فی حق
منبسط ایدکه عمره و خنی زیدک ترک سنی قبض اید و زید سنده مبلغ

مزبوری المعه قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم**

زید اجاره مین ابله تصرفه اولان وقف و کان عمره فراغ ایدوب بعده اذن منولی بولنما
زید بلا ولد فوت اوله منولی و کان فی حق منبسط عمره ایدکه عمره فراغ
مزبور بنا منولی به منعه قادر اولور می **اجواب اولماز علی انذنا**

قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم**

زید اجاره معجله و مؤجله لود وقف و کان عمره تقویض ایدوب اذن منولی بولنما منی سنده
عمره منبسط ایدوب بعده زید بلا ولد فوت اوله منولی اول و کان عمره الوب
عمره و خنی زید بدل و بود بر و یکی ایچده ریدک در نه سنده المش اوله و رنه
عمره و دن الی سنده و کان عمره و انور و ک دیو اجروش المعه

قادر اولور می **اجواب اولماز عجبیم**

زید اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفه اولان وقف و کان منوله اذن منولی حقیله عمره
فراغ ایدوب فراغ مزبور معتبر اوست **اجواب اولماز عجبیم و نتیجه**

زید اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفه اولان وقف و کان عمره فراغ ایدوب لکن اذن منوله
بولنما من عمره اول و کان بر مدت اجرو مشیله اجاره ایدوب و اجرو خنی الی حازر فراغ منبر
بولنما من و بود اول و کان الوب منبسط ایدکه عمره و کندی عقد بله الی یعنی
اجرو عمره و دن المعه قادر اولور می **اجواب اولماز لکن عمره الی یعنی**

اجرو منولی وقفه و برکت کر کرد **عجبیم**

بشره بر وقت اولان اوله لری منولی اذن منبر عمره
بدل مقابله سنده فراغ اوله لری اول و اوله لری لکن در بود وجه بزه وقف و بعض سنده
اول و اوله لری بعضی اجاره مین ابله تقویض ایدکه نصکره سنده بلا ولد فوت اولوب
اول و اوله لری وقفه انتقال ایچکله منوله وقف مزبور و وقف اولوب اول و اوله لری
منبسط ایدکه اول کسند رخی معجله نامنه و بر و کلری ایچده لری عمره و خنی

المعه قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم**

زید اجاره معجله و مؤجله ابله تصرف اوله یعنی بر وقت منزل عمره بر مقدار راقه بدل مقابله سنده
فراغ و تقویض عمره و خنی تقویض و بدل تقویضی زید تسلیم ایدوب اذن منولی بولنما من
بر فاج کون ایچده زید فوت اولوب ولدی اولما معجله منوله منزل مزبور و فی حق
منبسط ایدکه عمره و خنی زیدک ترک سنی قبض اید و زید سنده مبلغ

مزبوری المعه قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم**

زید اجاره مین ابله تصرفه اولان وقف و کان عمره فراغ ایدوب بعده اذن منولی بولنما
زید بلا ولد فوت اوله منولی و کان فی حق منبسط عمره ایدکه عمره فراغ
مزبور بنا منولی به منعه قادر اولور می **اجواب اولماز علی انذنا**

فصل سابع جیزا و تقصیر لا فراغ بیاتمه در

اشجار شجره مشعل اولان بر وقت منزل زید اولان یکی بیک ایچده اجاره معجله و یومی بشره ایچده
ایچده منصرف ایچین فوت قاهر صاحبی اولان عمره اول منزل زید بر جیزا الوب منولی سنده خنی اجاره
مؤجله سی بر ایچده اولن اوزر مذکره الوب جانب وقفه منبر را بر ایچده بود و جمله اول منزلی
تصرفی و باقی سنک اکل ایلدی کی سیوه لری عمره و طلال اولور می **اجواب اولماز منولی**

منزه کتا اجروش لکنی و استهکک ایدکی سیوه لکن فیمنی بانتم اولور می **انذنا**

عمره و بنا سی زیدک و فنی اولوب غله سی بر سجدک مهانده مشروطه بر بود یکی زیدک ایچده معجله
و مؤجله ابله منصرفی عمره و بلا ولد فوت اولوب اول فرن مخلول ولد قدده اصحاب جاه و جلاله
اولان بکر بشره شوقه راقه من الوب منولی وقفه و از اول فرن بشره مجانا تقویض ایدوب
بیرنه نمک و بر جیزا ایچکله منولی و خنی تقویض ایدوب بدینه نمک و بر سه بعده فرن
حقیقه محرق اوله منوله وقف اول فرنک برینی و فی حق منبسط و آخر اجاره معجله
و مؤجله ابله اجاره ایدکه بشره من بعده نمک و از و جوب منولی به
منعه قادر اولور می **اجواب اولماز عجبیم منقاری زاده**

تصرفات المکره قولاً تنفذه و ما یمنع فیفسخ و لا فیه الا اول کبیده و شراره و اجاره الی آخره
فانما اذ اکره علی واحد منها باحد نومی اکره غیر الفاضل بعده زوال اکره ان سنده امضاء و ان مشا و فنی

بعد الی سنده من لیت بنما سندی
و علیه الی بری ان لود اذ علی علی لیت
و بن جعفره احمد جم ثبت فی حق لکن
الی اخره من مقول الی الی الی
من المقبولین و باقی السنه بقیه
خاسبت

و کان جیره الموقوف علیهم کما کان
و کان لود و نحوهم ایدم تصرفهم فی عینه
الا منولیه کذا فی القدر فان کان لکن
کذا کت فالا جزی با اولی کذا فی القدر
فی کتاب الفضا و الشهاده

لم یقتض منافع الغصب فی حق الموقوف
و یعنی بضمات فی الوقف و مال الیتیم
و المعذ فغله یعنی جیب اجرا المشعل
فصولین فی الثالث عشر

المولی لود جیره و ان اجروش لکنه
اولی سنده و لایه ایچده من الی الی الی
و یعنی باضمان فی غصب عقار الوقف
و غصب منافع الوقف و کذا فی ما هو

انفع فی ما اختلف العلماء فیه من غصب
الاجاره عند الزیاده الفاضل منظره
لوقف و بیاتمه من غصب الی
من معین المقنی

و لود اکره علی سبع و نحو من المقصود
کالا جاره و الیه منفسح و امضی
جامع الرموز

قد رقت حوائط الفتوى منها استنباط
ارواح الوفت با بر الشئ ثم بغيرها
باعتق بنقصان فاحش ثابت بالتمسك
عن شافع المذكرة مستاجر ببيت
كالوقف وانما كان الملك وانما كان
الوعارة جود نراه

ليس لا مد من ان السكة ووقفه في غير
بما يترتب انصب المار ولو انفقوا عليهم
عليه وان يدان في دورهم وانما علم
المرور والجلوس من مجموع مؤخر زاده
نقل من العسوليين

لان الاصل ان ما وجد قد يما يترك
على حاله ولا يغيره في حق فشر الامور
معداتها في اجراء الموت من الحياتي
وقد سئل المذكرة القديم بترك على قد
نظور الحق فيه من فادى الكفره في
في عياد الموت

وقى شيخ المصنف الناس كلامه في الامار
والكفار وانما انشور عليهم الناس
شركا في الشك في المار والكلاب والمار
قال القدر والحق وانما كان المياح
التي في الامار والبيوت وانما كان ملكها
الهد ليس صاحب النهر والشرب والي به
من غير و قد ما وام باقيا في اصل فلفته
واذا افقه وجد في دعاه فقد كان
وسبق يد عليه وصار حق بر من غيره
حق جازل المنع منه وبيع ميعه ووقفه
نصفه فيه ضمانات عقبيه في المار

اشفق ثبت بجماله فقار واخر زيه
عقالات وقف او اجاره او رعيه
تستأن في الشفعة ووقفه في المار
عقير ولا يوقف عليه جود نراه
نقل من تاشيخان

بشد قرضا شي زيدا بله مشترك اولد بغي اجاره معجله وموجله لو منزل لم نصف حصه شي
اذن متوليه شو قدر راقه مفا بله سنده زیده فراغ ايدوب زيد مبلغ مزبورى
هنده وقع وتسلم ايند كده هندن حصه مزبورى به دكر ندم ناقصه فراغ ايشيم
باكه شو قدر راقه دغى و بر با خود حصه شي ضبط ايدوب رم و بكمه
قادى اولور اجواب اولماز به افقى خيال عظيم

بشني باب حق مرور وحق شرب بياننده در
بر قاج باب وقف او طه لرك طريق خاصلت ك طريق قائمه اچيلور قوسى اولوب
اول او طه لرك اجاره معجله وموجله ايد متصرف لرك قديم اول قوجم مرور ايدو كمشلر
اوله حاله مسولى وقف اول قيويد او طه لرك مستاجر لرك بكمه مستفاد تصرف
اينك اوزر برتمت ك و بر سر بكم مزبور سزا او طه لرك اربابى اول قوجم

مرور منع قادر اولور اجواب اولماز عظيم
زيدك قديم حق مرورى اولان بر وقف عرصه ي متوليسى عمر و اجاره معجله وموجله ايد
بكمه اجاره بتمش اوله لاله زيد اول عرصه كالا اول مرور مراد ايند كده
بكر زيدى منع قادر اولور اجواب اولماز عظيم

ايند ك اجاره معجله وموجله ايد تصرفه اولان منزل ك ايند و وقع طاش و خراسا كرج ايد
يا بتمش صوفيو سنده جوارنده اولان كسند لرك حق شربى اولوب صوبه
احيا جلرى دغى بوچيكن اول قيوه صوملى استدر كنده هندن منع
قادى اولور اجواب اولور مستفاد زاده كذا على الفتوى

الشنجى باب شفعة واولى بياننده در
قرداشلر اولان هندن وزين بر وقف منزله اجاره معجله وموجله ايدو مشترك اوزر
متصرف لرك اين هندن بلا ولد فوت اولوب متولى دغى حصه شي اخو نفويض مراد ايند كده
زين بن نفويضه اخرون اولايم ديوب كندى نفويضه قادر
اولورى اجواب اولماز بچى الفتوى بمثل الفتوى

قرداشلر اولان زيد و عمر و مشترك اوزر اجاره معجله وموجله ايدو منزل متصرف لرك
اينك زيد بلا ولد فوت اولد قده متولى زيدك حصه شي بكمه اجاره بلا طاله عمر و بن
شريك ديوب بكمه و بر ديكنى و بر وب المغه قادر اولور
اجواب اولماز مستفاد زاده و عظيم

اجاره معجله وموجله لو وقف منزل متصرف اولان زيد فوت اولد قده منزل مزبور انتقال
عادى ايدو و غللى عمر و بكمه انتقال ايند كده نصكه عمر و دغى بلا ولد فوت اولوب منزل
مزبور نصف حصه شايه شي و قضا انتقال ايند كده ما متولى عمر و ك حصه شي اجاره معجله وموجله
مشيله اخوه اجاره مراد ايند كده بكمه شريكى او مله ايل و بر ديكنى و بر وب
بن الورم و بكمه قادر اولور اجواب اولماز عظيم

اجاره معجله وموجله بر وقف عرصه ك متصرفى اولان زيد فوت اولوب او غللى
عمر و بكمه صغير لرك ايند كده نصكه عمر و بلا ولد فوت اولد قده حصه شي بكمه و صيسى
بشم بكمه اجاره معجله وموجله مشيله ايدو ك طالب اينك متولى و بر وب
نصفه شي خالده اجاره معجله وموجله مشيله اجاره مراد ايدو صيسى مزبور خالده
و بر ديكنى و بر وب المغه قادر اولور اجواب اولماز عظيم

بر بكمه و واقع بمر باشنده بغير و سنور بر قاج منزل مزبور ايند اجاره معجله وموجله ايدو
بووجه اوزر ضبط اولور اينك اول منزل مزبور بمره زيد متصرف اينك اول منزل بشرب مراد
ايدو مفا بله سنده فراغ و نفويض ايدو ايند كده ملك منزلى اولان خالده اول منزل
شفعه ايدو بن الورم و بكمه قادر اولور اجواب اولماز عظيم

بلا ولد فوت اولان زيدك اجاره معجله وموجله ايدو تصرفه اولان وقف و كانى
متوليسى عمر و اجاره معجله وموجله ايدو اجاره ايند كده نصكه زيدك قرداشى بكمه عمر و ك
و بر ديكنى و بر وب اول دكانى عمر و جبر المغه قادر
اولورى اجواب اولماز محمد بهتان

زيد متوليسى اولد بغي وقف او طه يه اجاره معجله وموجله ايدو عمر و اجاره و تسليم
ايند كده مقدا اول او طه ك مينا و مة مستاجرى اولان بكمه استيجاره بن سندن
اولايم ديوب عمر و ك و بر ديكنى و بر وب اول او طه يه عمر و المغه
قادر اولورى اجواب اولماز عظيم الفتوى

بشني باب بن الشركا توفيق واصلاح بياننده در اولدغى
ايكى فضل اوزر بنه در فضل اول معنا سمه بياننده در

زيد و عمر و اجاره معجله وموجله لو وقف منزل مشترك اوزر متصرف لرك اينك اول منزل
قابل قسمت اولد قده زيد و عمر و رضالرى و اذن متوليه منزل بيشلر نده
اقتسامه قادر اولورى اجواب اولورى مستفاد زاده

سنتهم قرآنى

و ما من يبيع المنقولين من منزل
او اول اولى من الشان لا ينجس باكت
لان هناك بريد المتولى ان يبيع اجاره
في شانه المدة و هسنا بريد ان يبيع
في تمام المدة فانقره و بكن ان يقال
او لو يبيع لا يوجب جبر المتولى على ابي
لان الا ولو يبيع عليه على كمين حكم الا
بالضمان و حكم الضمان بالذات في حكم
الذات يبيع المتولى ان يبيع هسنا
الاول و في حكم الضمان المتولى ان يبيعها

مداره ان المتولى لو اجره الوقت كذا
يداهم معلومه ولم يكرهه و ايام
فالمدة صحيح في يوم واحد فاست
في بقية الايام متناه ان المتولى
ان يبيع الاجاره اخو يوم و بر وب
من يبيها فانه افسوسها و اجره من اخر
ليس الاول ان يبيها لانه ما هو ملك
من الشان بل هسنا بيان كذا يفتى
عطا الله الفتوى

و لو انقسم على الوقف فيما بينهم جاز
ولكن ابي منهم بعدة كذا بطلان
استعاف في فضل شرف

سکزی باب او فافده با سبیلان اینه بیاننده در

اولدنی درت فصل او زر بنه در فصل اول معجله به

محبوب اولق اوزر با اذن منولی بنا بیاننده در

زید منولیس اولدنی و فافده تمام خرابه مشرف اولدنده اجاره معجله و مؤجله مشایله عروده
ایجاره و تسلیم ایدوب عروده معجله محسوب اولق اوزر عمارت و مرمت ایدوب
شوقدر مال صرف اینسه زید معزول اولوب بر بنه بکر منولی اولدنده عروده مؤجله مشایله بکره
و بر رکن بکر الیوب بن زیدک ایجاره بنی طو تمام جه اول جمعی عروده اولوب آخو

ایجاره قادر اولور ایجاب اولماز مستکار زاده و علی افندی

زید اجرت معجله و مؤجله ایدوب تصرفه اولماز و فافده عروده اوزر بنه اذن منولیه معجله سنه
محبوب اولق اوزر بعض اینیه اعدا ایدند که منولی به مؤجله سنه و بر رکن
منولی راضی اولیب آخو ایجاره قادر اولور ایجاب اولماز عظیم

زید عروده منولیه بیک ایجاره معجله ایدوب سبیلان اینه منولیه عروده اذن منولیه مرمت ایدند که
بنا و مرمت هر بنه صرف ایدوب ایجاره معجله سنه محسوب اولق اوزر اذن منولیه اولوب
بعد ایشا و مرمت اوزر سنه ساکن اولوب بلا ولد فوت اولمقله منولی اولور بکر منزل زیدک
آخو ایجاره ایدند که زیدک فرزند ایشی و وارث بشه زیدک ایجاره سنه محسوب اولق اوزر
منزل زیدورک بنا سنه خرج ایدیک بیلغی بکر منولیه طلبه قادر اولور

ایجاب اهر مشایله زیدک سخی اولور بیک افندی

منولیس اولدنی عروده خالیه زید ایجاره معجله و مؤجله مشایله عروده ایجاره و تسلیم عروده
اذن منولیه معجله سنه محسوب اولق اوزر بر خالیه ایدند که نصکه زید معزول اولوب بر بنه بکر منزل
اولور بکر عروده با که شوقدر ایجاره ویر با خود بنای قادر بیک قادر اولور ایجاب اولماز

زید زوجه سخی ایدند اید اشته اک سوی اوزر ایجاره معجله و مؤجله ایدوب عروده منولیه مشایله
ایکن منزل زیدور عروده محرق اولوب عروده صرفه فالدنده زید اول عروده بکندی نصکه
اوزر بنه اذن منولیه معجله سنه محسوب اولق اوزر بر منزل بنا ایدوب بندک نصکه
خالیه فالدنده نصکه بند بلا ولد فوت اولور اذن منولی ایدند که عروده منولیه سخی و فافده
ضبط و ایجاره ایدند که زید منولی به بن اول عروده اوزر بنه سنک اذیکله
وجه محرر اوزر بنا ایدیکله عروده بک جمعی بنم تصرفه اولور اولور

دوب منولی به ایجاره منعه قادر اولور ایجاب اولماز عظیم

ذو عزل القاضی المنولیه دولی عروده
قال القاضی بیع الدین لیس الماشیخ
ما آجره الاول معین الفقی

ایجاره عقد لازم فایض ایدند
متره الفی سادی

اصول ان ما بقی من المعجله کلک عروده
تکون کسار ترکته فیرنه الوارثه
عطارد افندی

ان ایجاره تمام ایدوب اذنه و المنفعة سبیلان
فقیها فاستونی فی المنفعة و جیل
ایجاره و مال بسندی فایض العقد فی
متره الفی سادی

سکته مرمت فافده معین الفقی

و قد منع صاحب الهدیه و غیره و غیره
القیم فایضه بو فافده و بجز ایشی
فستاره

سبیلی بعد الورف ما بیاسبه
من عطارد افندی

زید برو فافده خرابه منولی منولیه زید ایجاره معجله و یومی شوقدر ایجاره مؤجله ایدوب
استیجاره و ضبط ایدوب اذن منولیه معجله سنه محسوب اولق اوزر بر مقدار
ایجاره خرج ایدوب تعمیر و مرمت ایدوب انکله زیدک جمعی شوقدر ایجاره اجرت
معجله سخی بکون ایجاره معجله مشایله زید او ایکن منولی مجر و مفده ما
و بر و بیک ایجاره معجله ناقصدر ایدوب کندی بنک اذیکله
اول خرج ایدیک اولقدر ایجاره معجله به محسوب ایدیکوب
زید دن بکر ایجاره معجله قادر اولور ایجاب اولماز

عبد الرسیم افندی

زیدک ایجاره معجله و مؤجله ایدوب تصرفه اولان و فافده منولیه عروده اجرت ایدوب
ساکن ایکن زید عروده سنن منزل زیدور ایجاره معجله سنه محسوب اولق اوزر
نه مفده ایدوب اعدا ایدند که بعد بن خرج ایدیک ایجاره ساکن
و بره بیم دیوار ایدیکله عروده ایدند که اذن منولیه شوقدر بیک ایجاره صرف
ایدوب منزل زیدورک فوفا بنسند زید ایجابون معجله سنه محسوب
اولق اوزر اینیه اعدا ایدند که نصکه عروده ایدوب زیدورک

وقفه تیغ ایدیم و بیه معتبر اولور ایجاب اولماز

ایجاب سخی زیدور اولور

بو قصور عروده ایدوب عروده بیه وقفه تیغ ایدیم و بیکله تیغ اولور ایجاب اولماز

بها افندی عبد الرسیم افندی

بر و فافده اولور لری احراق اولدنده بعض کسند لر معرفت منولیه و کندی مال لریله
دکانر بنا ایدوب و صرف اولان ایجاره لرین ایجاره معجله و مؤجله ایدوب و بر ایجاره ایجاره
مؤجله ایدوب ساکن ایکن و فافده منولیه ناظر اولور عروده و ذکر اولانم و کانی که نصق ای بکیشتر
ایجاره معجله ایدوب آخو نقویضه قادر اولور ایجاب اولماز زیاده عروده

فایض الامر تحتی و آریضه قادر اولور

صورت مزبور ده و کانی لری بنا ایدیم کسند لر غیر بر و بر و بیک ایجاره بیه و بر و کلری
نقد بر چه مجر و عروده ناظر منکر و فافده قدر و آرد و بوا آخو نقویضه شرفا قادر
اولور ایجاب اولماز و ایدوب اولانم و بر بیک کر کدر

بستان زاده افندی من خطه

و ان افق علی نحو طبیعه و مرمت عروده
فاجره باذن منولیه بر جمع عروده ایجاره
الوقف ان بین الحانوت کانت
موجوده فاذن لده بر نهها و صلح
حیطا بنا و سقیها و اولان منوی
بر جمع فافده بها افندی فی و کانت
متره فی ایجاره

و ان امر جمع علیه با اذی با مر
و ان لم با مر بر جمع لانه شیخ فی اذی
متره فی الوکاله

الیه لقه شیخ در
و شره لقه شیخ فی الوارثه الفیض
و البلیغ و الکلیت منوی

فقال فی ما نقلنا ما سخی لمرک
مادینی علیه الصور بن لمرک

و ان زاده ایجاره کانی لری
ایجاره و مال لری بکیشتر
ایجاره سخی فایضه فی ایجاره الوارثه

استیجاره من وقت ایدوب
باجره المثل فرخت ایجاره سخی
و لو فافده فی روابیه فافده لاق
اجر المثل فایضه وقت عقد و فی و
فایضه و تجده و العقد ثم فایضه
لور سخی استیجاره اولان با زاده
فوادک من غیره من جامع
الفصولین سادی

فصل ثانی بنا ملک اولی اوزر با اذن منول بنا بنا شده در

زید عمر و منولیدم اجاره معجله و مؤجله ایله استیجار ایندیگی وقف عرصه اوزرینه
اذن منول و کندی مایله نفسی چون اینیه اعدا ایدوب بعده فوت اولوب
اول ایندیگی ورثه سی ضبط مراد ایند کلرنده منولی وقف زید بلا ولد فوت اولمقل
اول بنا ملک بری وقفه فالور جو ورثه به اول بنا بی رفع ایندیروب
عرصه به وقفی چون ضبطه قادر اولور **اچوب** اهر مشیله
ورثه بد لرنده ایضا اولنور

زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده اولان وقف عرصه اوزرینه اذن منولید
نفسی چون ملکیت اوزر بنا اعدا ایدوب بعده بلا ولد فوت اولد قده
ورثه سی اولان اول بنا بی ضبط ایدوب برینک اهر مشنی جانب وقفه برر کرکن
منولی راضی اولوب و ورثه بنا مرزوری قلع ایندیروب برینی وقفی چون
ضبطه قادر اولور **اچوب** بنا اذن منولید اولیجی اولماز
عرصه نکت اهر مشنی الور

بنا اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده اولان وقف عرصه اوزرینه اذن منولید
نفسی چون ملکیت اوزر بنا اوله بنا ایدوب بعده بلا ولد فوت اولوب ورثه سی
اوله مرزوری به ملکری اولی اوزر ضبط مراد ایند کلرند منول مجرد عرصه معجله
و مؤجله وقف اولوب ایند بلا ولد فوت اولمقله وقفه انتقال ایدر جو ورثه
ضبطه منع قادر اولور **اچوب** اولماز به اذنی **بیم**

زید عمر و منولیدم اجاره بین ایله استیجار ایندیگی وقف و کانت اوزرینه اذن منولید
مجدد ابر اوله بنا ایدوب فوت اولسه زیدک اولادی قالماسه عمر منول زیدک
سائر ورثه سنه بنا بی و بر ما کله قادر اولور **اچوب** منوری بوغیر
نقضنی برر قیمنی و بر فرجه **صنع انهم بجه**

زیدک اجاره معجله و مؤجله ایله وقف و کانت عمر و سنه ابر ایکن دکان مرزوری
منولی اذنی نفسی چون بر مقصد اینیه اعدا ایدوب نکره زید مقصود با قتل
اولوب اولادی اولسا معجله منولی دکان مرزوری و قیچون ضبط ایند کده
عمر و اینیه مرزوری قلعی وقفه مضرا اولسا معجله قلع ایدوب
المغه قادر اولور **اچوب** اولور **بیم**

اولی اذن منول منول
مدخلی کون البنا و کانت
بن بر اوه بنا ملک بقضنی فی الجوب
ان بنرضه لقله اذکام بغیر اذنه
او نه لو بنا بغیر اذنه ان باصر
بالقطع ان لم یضرب بالوقف کما
فی ذلک کتاب و انما حیثنا الی ذلک
المحرر لما ان سمعت من اکثر الناس
اذنی باذن منول بکون البنا
مکانه و اذنی بغیر اذن منول البنا
وقف عطا الله الله

برجل بی فی ارضه لوقف بنا
بنظر ان نول لوقف صلا و قفا
و اذنه و بنا خذ خزانه

صلا ان اذن منول بنا
من صاحب لادرا لایست حق قرار
البنا فی عرصه لادرا و لکن انهم
المشاور البنا باذن ربه لادرا
ان یقلعه و یسبها الی ما کما
عند انقضائه و ذلک لاجاره
کافی الیه لایست حق حال و یجوز اجاره
الارضه لیبنی بها ثم اذ انقضت
مدة الاجاره لمره ان یقلع البنا
و یسبها فارقه لانه لایست لها
قنی ایضا ثم اذ انقضت اجاره
انتهی عطا الله الله

جفت حانوت وقف بنا ساکنه فی با اذن منولید لوم بضر رفه بنا رفه و هو لساکن
و ما بضر رفه فبترقی الی ان یتفص ماله ثم یأخذه و لایکون بنا الاستیجار ما غنا من اجاره من غیره
اوله بدله علی ذلک البنا و جفت لایکون رفه جامع الغنولین حکم فی حکم العاونه

فصل ثالث اول اینیه نکت جهت اخرایه وقف اولیسی بنا شده در

زید اجاره لی وقف یز اوزرنده اولام ملک و کانتی عمر و منولی اذنیله بنده بیج ایدوب
بند و خنی بعض سنه اکان ایدوب آخر و جو خیر آیه وقف ایدوب بکر منولی به
سلبیم و شجیل شهری ایندیروب نیجه زمان بنسک و قنی اولی اوزر بکر نضرف
ایند کده نکره بند و فالت اینسه بکر عمر و ماه بماه اجاره سین ادا
ایدرا یکن مجرد بند و فالت اینسکله عمر و دکان مرزوری کندی
وقفه ضبطه قادر اولور **اچوب** اولماز محمد الله اچوبی زاده

زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرف اولدیغی وقف عرصه اوزرینه اذن منولی و کندی
مایله نفسی چون اعدا ایدوب اینیه جهت اخرایه وقف ایدوب بعده اینیه محترف
اولد قده عرصه نکت اوزرنده فی اجمله اثر بنا فالمقله وقف نایبک منولید عمر و عرصه نکت
اجوتی عرصه منولیدم و بر و سا اوزرینه کال اول و قیچون مال و ققله منزل بنا
اینگک مراد ایند کده عرصه منولیدم اجوتی المیسوب عرصه مرزوری به
آخره ایجار ایدرم و بکله قادر اولور **اچوب** اولماز

اجاره معجله و مؤجله ایله وقف عرصه به تصرف اولان زید
اول عرصه اوزرینه مایله نفسی چون اذن منولید بنا اعدا ایدوب و جهت اخرایه
وقف ایچون عرصه مرزوری نکت مؤجله سنه بومی ایکی اجه و خنی زیاده ایدوب بنا
مرزوری وقف ایند کده نکره زید فوت اولوب اول بنا به مشروطیت اوزر نضرف
اولان عمر و عرصه مرزوری نکت مؤجله سنه ایکی اجه و خنی زیاده ایدوب بر قاق سنه بومی
البشر اجه اجوت و برسه حاله عمر و اهر مشنی اینجی و رت اجه و بر جو به
بهر بوم و رت اجه و بر کله قادر اولور **اچوب** اهر مشنی
اللی اجه جه اولماز **اچوب** اهر مشنی

زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرف اولدیغی وقف عرصه اوزرینه اذن منولی و کندی
مایله نفسی چون اعدا ایدوب اینیه جهت اخرایه وقف ایدوب بعده اینیه محترف
اولد قده عرصه نکت اوزرنده فی اجمله اثر بنا فالمقله منولی بن مال و ققله و قیچون
بنا ایدرم و بوب زیدی وجه بسین اوزر بنا و من منع قادر
اولور **اچوب** وقفه نافع اولام ایله عمل اولور **اچوب**
نفع زید بنا اینکده اولیجی اولماز

اولور **اچوب** وقفه نافع اولام ایله عمل اولور **اچوب**
نفع زید بنا اینکده اولیجی اولماز

بنی علی ارضه ثم وقف بدون ارض
ان کانت الارض مملوکه و بنی ارضه
وان کانت موقوفه علی ما وقف البنا
بنا و ما غنا وان کانت موقوفه علی
اخری مختلفه فیه من ارضه بنی ارضه

وان کانت الزیاده الزیاده اهر مشنی
فالتمنا قبولها و لو شهد و اذنه العقد
انها باقیه المثل نفسها المنول و بعضی
القاضی و لو اشبع المنول منها انما اشبع
کاحره فی اشبع موسر منوی الایامه

ان منوی یقار ما کان علی ما کان اشباه
و بنی الاقراء فی الوقت بالاشبع ل
کان شیخ المخرج المرزوری فی ارضه

بدل علی صحت ما کلامه من من انشاء وقف
 فی فصل مختلف غیر بقصد کما کلامه و کلامه
 و غیره و بقصد السکون من غیرها کما
 فی ذلک کتاب الوقف فی قضا و انشاء
 بنها و یصح در ذم الوقف عطاء
 و تقصیر فی ادر کتاب و وقف تا مشایخ
 نظیر جمع علیه
 سئل عن وقف اهدم و لم یکن لریسین
 بر منزه و ایکن اجاره و غیره بی بیاع
 انشاء اجاب اذلا امر که کلام
 صحیح بعد با حکم و بیشتر بی بیته و قضا
 آنرا سکنه قاری الهدایه
 و باقی مسئله بی علم تا منظر عطاء
 اجاره عقد لازم یا بیسختی اجاره
 صحت اقساوی

زید بر عرصه مؤوقه اولوب اجارین اید متصرف اولد بقی عرصه اوزر بنه اذن متولی و کن
 مایله نغیب چون بنا ایندیگی دکاکنک بنا سنی بر جهت اخوابه وقف و تسلیم متولی
 ایدوب حاکم دخی بعد المرافعه و مرآت شروط الحکم مجوز اولان بعض مشایخ
 قول و رایجی اوزر صحت و لزوم حکم اید بیک اول بنا کاک
 وقفی صحیح و لازم اولور **اجواب** اولور منقاری زاده
 عرصه سی یا صوفیه وقفی اولوب اوزر بنه اولان زیدک بنا سنی جهت اخوابه وقف
 اولوب عمر و ک اجاره معجله و مؤجله اید نصر فنده اولان وقف و کان محرق اولور
 بر مقدار طاش دیواری فالد قضا بنا متولسی اولان بکر و قنده بنا پراسعه اولان
 اول طاش دیواری عمر و ثمن معلوم بیع ابرطاله عرصه متولسی اولان بشر عمره
 اول دیوارک طاشی قلع اید بر وب عرصه بی استبدیک
 اجاره اید بر که قادر اولور **اجواب** اولور
 سکناسی عنقاییه بعد هم فده سی بر جهت بره مشروطه وقف منزله و عنقاس کنز کن
 نصر ایدوب اول جهت متولسینه بر وب متولی دخی رای حاکم اجاره معجله
 و مؤجله اید بکره اجاره ایدوب بعد و عنقاس منقرض اولر حال اول جهت متولسی
 منزل مزبور سی بکردن الوب آخره اجاره قادر
 اولور می **اجواب** اولماز بر اقی عجم
 زید بر وقف عرصه اوزر بنه اذن متولی و کندی مایله نغیب چون اهداث ایندیگی
 اجنبیه جهت اخوابه وقف ایدوب وقف مزبور صحیح اولور می
اجواب حکم حاکمه اولور منقاری زاده

فصل رابع بلا اذن المتولی بنا بیاننده در
 زید بر وقف و کانه جنسی اید صرف ایدوب معمور اید متولی اذنی اولوب فضولی
 ایشمش اولسه عمر و متولی به اولوز غرض مقداری اغراق جو و بر سه دکانه زیدک
 اندم شرعا المنع قادر اولور می **اجواب** وقف اجوت معجله و بر سه
 اولور زید قبول ایشمیک ابوالسعود و من جموده
 زید اجاره معجله و مؤجله اید نصر فنده اولان وقف و کرمده متولی اذخسره
 وقفه تیر حاج بعض اجنبیه اهداث ایدوب متولی اید اول بنا اید هم
 اید و بیکه قادر اولور **اجواب** اولماز عجم

فان کانت و ان او مانوا منهنها
 علی المستاجر فان قبلها فهو له من
 و کان علیه الزاده من متعلقا فی اجاره
 و بر سه المستاجر یا انفق علی العاده
 بغير اذن المتولی فان کان منطلقا
 من الحق المزبور عنفا

زید متولسی اولد بقی عرصه اوزر بنه و کرم بنا ایدوب کن و نغیب چون بنا ایندیگی بیان بنیوب
 فوت اولد و کرمی حال متولی اولد بکر و نغیب چون منبطه قادر اولور می **اجواب** اولور منقاری زاده
 متولی بقی عرصه قابله و الوقف بنا من مال الوقف او من مال نفسه و نوازه للوقف
 اولم بنودان بناه لنفسه و اشهد علیه کان له قبه من الوقف

بشدک اجاره معجله و مؤجله اید نصر فنده اولان وقف منزله بعض اجنبیه سی ایدوب
 محرق و المنع و وقفه تیر حاج بر مقدار اید خرج و صرف ایدوب عمارت و مرمت ایدر حال
 متولی وقف مزبور بندن اذن المادک بچو و چه مشروح اوزر اولان عمارتی
 بنده هم ایدر که قادر اولور **اجواب** اولماز عجم
 اجاره معجله و مؤجله اید بر وقف منزله متصرف اولان زید منزل مزبور متولی اذخسره
 مایله نغیب چون بعض اجنبیه اهداث اید که نصکره بلا ولد فوت اولسه حال منزل مزبور
 متولسی زیدک و زید بنه اجنبیه عمره فیه قلع ارض و وقفه مضر اولما مغل
 قلع و رفع اید بر وب منزل مزبور سی آخره اجاره قادر
 اولور می **اجواب** اولور منقاری زاده و عجم
 زید اجاره معجله و مؤجله اید نصر فنده اولان وقف و کاک اوزر بنه متولی اذخسره
 نغیب چون بعض اجنبیه اهداث ایدوب بعد زید بلا ولد فوت اولد فنده حاکم و زید سی
 اول ایدون قلعی مضر اولما مغل قلع ایدوب المنع قادر
 اولور می **اجواب** اولور عجم
 زیدک اجاره معجله و مؤجله اید نصر فنده اولان وقف عرصه اوزر بنه مستاجر سی
 اولان عمر و فضولا نغیب چون ملکی اولمق اوزر بعض اجنبیه اهداث ایدر طاله زید اجنبیه عمره
 وقفه مضر اولما مغل عمره قلع و رفع ایدر که قادر
 اولور می **اجواب** اولور کذا
 زید اجارین اید نصر فنده اولان وقف عرصه اوزر بنه متولی اذخسره مایله بنا
 اهداث ایدوب بعد و نغیب چون بنا ایندیگی بیان اید بن فوت اولسه
 اول بنا و قضا اولور می **اجواب** اولماز عجم
 زیدک اجاره معجله و مؤجله اید و کانه عمر و مستاجر ایکن و کان مزبور متولی اذخسره
 نغیب چون بعض اجنبیه اهداث اید که نصکره زید مفضو با قتل و نوب اولدی اولما مغل
 متولی و کان مزبور سی و نغیب چون منبطه اید که عمر و اجنبیه کاک قلعی و وقفه مضر
 اولما مغل قلع ایدوب المنع قادر اولور **اجواب** اولور عجم
 زیدک اجاره معجله و مؤجله اید نصر فنده اولان وقف منزله مستاجر سی اولان عمر
 زیدک رضاسی بویحیکن و وقفه تیر حاج اولمق اوزر متولسینه اذن اید هم بنا
 اهداث اید که قادر اولور **اجواب** اولماز منقاری زاده

مرت مستفاد و تقاضا من الفصولین
 بسلامه
 بقی فی اذخسره اذن العقبه فی بیع البناء
 بقره بالوقفه بقیه العقبه علی دفع قبه
 حیاته کریمشی من وقف العقبه
 و ان اراد المستاجر ان یبني بنا فیها
 المستاجر لیس له انک لا تصرف
 فی رقبه المستاجر و لیس مستاجر کاک
 من العقبه الیه ان یبني فیها کما بناه الیه
 لان عقد الاجاره لا یوجب له ان یبني
 تمکک المنفعة الا ان یكون باذن رب
 الارض عطاء و انما اذنی و باقی المسئله
 بعلم من من الفصولین بسلامه
 غصب و اذخسره بیع مستاجر اذخسره
 الماکک شمع اذک المنفعة له عقد
 الاجاره فایه المخدمه جامع المقصودین
 و باقی المسئله فایه سی عطاء اذخسره
 و انما جینی اذخسره و لم یوشبنا اذک
 و ان نوبی کونه لا وقف کان و قضا
 عز و در و باقی علی اذخسره
 و ان المستاجر لا یقول کان و انما
 المنفعة اذخسره علی الکمال و البنا لغویها
 فلا منع عنده فان قبل کاک المنفعة
 انقل الی المستاجر تکلیف یکون المنفع
 بعد نزول الماکک قضا و ان انقل
 الیه الماکک حاکم کن فی شرف انتقال
 الی المستاجر الا ان یبني باقتضار حقه
 اجاره الشانه فلهذا قضا لا منع
 فان قبل فعلی اذخسره لا یثبت
 المنفع حاله بل یثبت بعد ما انقل الیه
 قضا لا یثبت علی ثبوت المنفع حاله
 قائم مقام الماکک فی کاک المنفعة
 کما کلامه الیه و فی الفصل السابع
 من الاجاره بخلاف المستاجر الشانه
 لان المستاجر من الماکک و انما علم
 بوجوب سائر عطاء اذخسره

سئل عن ائمة على الوقت اذا اهل نفسه في بخل ام لا اجاب ان كان من جهة الوقت والفاضل فلا بد من طلبها
بالعدل وقبلة لا بغيره وتصرفه صحيح كالوكيل وانما علم فقاوا كما زعمتة وتفصيله في فرائض الثالث
من الاشياء فيما يقبل الامساق من كحقوق

**مطوق زنجي باب اجرمثل بيانه ذر اوله حتى اكي فضل
اوزرينه در فضل اول اجرمثل كيمسلي طلب بيانه در**

سكناسي وتوليبي شده بعد با غلبي مدينه مشورت فخر آسنه مشروطه وقف اولان منزل
خراب اولدقه هند عمارت فادس اوليوس مدينه مشوليسنه اول منزل نه ايرسك ابله
بن قصر ايدم و بوسليم ايدوب مدينه مشوليسى دخی رای ها كوروه اجاره مچله و موبله
اوله بجا ايدوب مچله سكه اولوق اوزر عمارت اذن و بروب عمر دخی اولو جهله
عمارت و عرفت ايدوب شو قدر بیک آنچه خرج و صرف ايدوب تصرف ايدوب مهند فوت
اولوب عمر دخی مدينه مشوليسنه اول منزل كج اجمثلني و برر كن مدينه مشوليسى
اول منزل عمر دخی اولوب ايدوب اجاره قادر اولو كج ايدوب اولماز عليم

اباصوفيه او فاختن ايدو فرق بش آنچه اجارتي و كانه تصرف اولان زيد مستاجر فوت
اولوب اولاد كور هخر كسنه سي اولما مدين مسلمانرون دكان موزورك تصرفه طالب
وراعب اولوب بيع من بزبد اوزر عمر و وقفه كرمي اكي بيك آنچه اجرت مچله و بروب
اجاره شهرت سيله قبول ايدوب متولى آنچه بقبض ايدوب دكان عمر و تسليم بنگه نكوره
بعض كسنه لر زیده اثنو اب بيع ايشميدك آنچه سي بزه و اصل اولدين فوت اولدى آنچه موز
ضايغ اولوق لازم كلور و فقك نه به احتياجي و آراون اوج بيك آنچه بزه و بوازر بخره
فید ابله بعد بوز زياده به صانوب آنچه موز حاصل ايدو لم ديسه رسول زياده بقبول
ايدو نه و برودك نكوره موزور لردكانه زياده به قبول ايدو كك النذن الوب تصرف
ايدو ماکله قادر لر ميسر و مشوليسك زياده به قبول ايدو موز و بر مدي

مشرد عميد ر اجواب مشوليسك زياده به قبول ايدو موز و بر مدي
شرعيدر زيدك و ايدو بنگ وقف دكانه اصلا
طلاقه لر ياقو قدر مكره دخی زياده ايدو لر

بوصورته محلول دكانه متولى به اجرت مچله آنچه بين زياده و بروب قبول
ايدو نه و بر مدي مشرد عميدر والشان آنچه وقفه حلال اولور مدي
اجواب مشرد عميدر تر اضيله اوليچي حلال اولور
بوصورته محلول دكانه متولى زياده ابله طالب اولنله و بر مدي شرمي دكلدر
مشوليسك عملي باطلدر ديوب عنادا ايدن كسنه به شرفانه لازم
اولور اجواب تقرير لازم اولور

مترتب مروحك بوسندوه اولادك
و كور ايدو نخبه ايتلر بنگه جسي فقها
عصر موزن روآت شريفه اويدن
مسبح حقيقتيم اولد كرمي و بارنا
شعاره اولو اجازتين ساكنك
بسا در المفسد مقدم على بطل المصلحة
بوقا حده مقرر اولوب سنان و فخر
موقوفه كك دخی شرفي اولاد و انتقال
ايتلر كك اخذ بره جيات ساكنه مطلق
اولوق اجرمثلنه طردن شخص جسي
اولو جسي ملاحظه بر لب بوشا دي و لغو كج
اولاد اولو و كور و انتقال قانون ايدو
بعد بره موز زمان مستاجر زياده
ترتيب ايتلر حلال و فاني نمير و تسليم كج
كاتبه مطلقا اولو و انتقال قانون
اولو بر بنا ابله جسي ايدو
و عميد حريم ايدو و صاحب ايدو
و كور و انا نه على استوره انتقال ايدو
و بوقوي و بر مشرد و بر بصورته
تقديم موزم قانون عتيقه نظر و در
ككن معمول به اولو قانون جديد در

وان كانت الاجارة لا يتفايزان من
تكون فاصلة و لان بوجوب الاجارة
انما من الاول او من غيره باجر المشل
او بالزيادة على قدر ما يرضى به المستاجر
فالتسوية
و باقى المسئلة يعلم ما مر من طار اذ نزل
ان يناد ان حقوقهم تتعلق بالترك الموكور
و المنزل الموقوف لا يكون ملكا حتى
تتعلق حقوقهم به كالا يفسى

و عزم كل ركب منكم او مودة سلم بغيره حتى يقول اذ فضل
تتوير

متولى او فاكك دكانه مچله اجاره به و برودك نكوره اجرت بويته لرندن غيري
وقف ايجوز هشين اون بيك آنچه دخی زياده اجرت مچله المت مشرد عميدر وقفه حلالدر
اجواب مشرد عميدر حلالدر ائمه دين وقفه با خود ايشا كك اجاره به و بر مدي اولرينه
با و دكانه مچله حالت رو اجدد زياده اجرت ابله طالب اولوب نوب فاصكره كسا و
وقفته مستاجر اولو نكوره مچله اجاره موز تمام اولدين بر عذر بيان ايدوب
اجاره به نسخ ايدوب شديكي بهاب طالب بولما مقدم خوف اولنور حريم مچله بريسيل
مذت ابله اون اكي بيك آنچه اجاره به و بر بيلجك و فقك با شيبك دكانه اجاره به
و برودك اوكلي ايني اون بر بيك النيوز نيمش آنچه به باقى ايلر كك به بريني اونوزر
انچه به عقد و اهدا ابله اجاره به و بره لر تاكه فراعنت ايلك فادر

اوليه فراعنت ايدوب وقفه با شيبه ضرر اوليه جوي
كتب فتا و الرده تعيين ايشلدر

برودك كك اجرت بويته سي النور كن اجرت مچله كك بويته نه مفاد اجرمثل
الور كك وقفه فالوب فضله سي ورته به و ربله اجواب بهر دكان برودك اجرت
بويته ده تقا و نلري اولد بغي كج اجرت مچله دخی تقا و نلري اولوب كيمنه اون بيك
كيمنه اون بشيبك آنچه اجرت مچله و بر بلوب بهر بربك حاله كون
اجرت مچله سنك دخی اجرمثلني و آزر و بر بغيرض ايدن ايل و قوف

راشيلري ابله تعيين اولنور

صورت مزبوره ده ايل و قوف دكانك اجرمثلني بهمان بويته سيدر اجرت مچله
اجرمثل اولماز دكان ابدى مستاجر كك الله اولوق مقابله سنده و بر بلور سنده
الذم البينجي حمله سي صاحبه و بر ملك لازمدر ديوب سنده تعيين ايلما سر
سوزلري مشرد عميدر اجواب غير واقعدر نامشرد عميدر اجرت بويته سي اجرمثلني
مقدار ي اولان دكانه اجرت مچله و بر ملك بوقدر حق سويلر بغيرض كسنه
بولماز ايسه اجرمثل تعيينه طريق شرعي بودر كك دكان تخليه اولنوقف بر بيلد كين
اجرت مچله سني كونده نه مقدار آنچه به قبول ايدو كسنه و ارجيه
اجرمثلني اولمقدار در اول حساب اوزرينه زمان تصرفك
اجرمثلني اجرت مچله جز اليقونيلوب
فضله سي ورته به و بر بلور

الاجرة اما ان يكون مجة او موقلة
او بجا او سكونها اما اذا كانت
مجة فانه بملكها و لان بطلبها
انها بملكها شرطان سول سني انه
عليه وسلم المسلمين عند شرطهم
انما اذا كانت موقلة فليس له ان يطلبها
بها ما لم يرض الا بل وان كانت موقلة فانه
بطلبها بها عند كل فم و اجرمثلني
في كل فم كذا فاذ افسى جيب عليه فم شرط
فيه وان كانت سكونها فان ايشميد
كان بقول اولاد ابله ايلو كك ايشميد
المفسد كهاشم بيع و قال بطلبها
مضى كل ادم و هو قول ابله يوسف
و محمد رهم انه تعالى
من حج الطحاوي كتاب الاجارة

الاربع ازا وجب اجرمثلني مفسد
نهم من يستغنى عنهم من ايشميد
في الا جيب الوسط سني ايلو كك اجرمثلني
اشي عشره بعضهم و عند البعض عشره
و عند البعض اعد عشره و جيبه عشره
بخلاف النجوم اشياء في النجم ايلو كك

حذرت معلومه تمانه دكان اجاره مچله
ايجار و نسبي مشروطه اولوق وقف
مسقطا مشوليسى اجازتين ايلو
ايجار قادر اولور مدي اجازتين

زيدك اجاره معجله ومؤجله وقف منزلي حرقه محرق ولوب عرصه صرفه قاله قد
زيد عرصه سني تصرف ابدوب تصرف ابدوب اتماما مكله متولي اولان عمر و زبده اول عرصه مكله
اجر مشلني طلب ايندكده زيد بنا اينما دكجه ويرم ديكه قادر

اولور مي اجواب اولماز عجب عظيم

زيد اجاره معجله ومؤجله ابدوب منصرف اولديغي وقف منزلي حين استجاره اجرت مشلني
ناقص اولوب سائر ك ويرويكي اجر مشل ابدوب قبول اينميجك متولي منزل ضروري
زيد دن الوب اخره اجاره قادر اولور اجواب نقصان ليسه

دكل چه اولور عجب عظيم ابدوب عجب عظيم

زيدك اجر مشل اولان اجاره معجله ومؤجله ابدوب منصرف اولديغي وقف فرك سخي بقاوب
سكز اتخي معطل فالمنقله زيد متولي اذ منصرفه رفع ابدوب اكد بدل دكان بنا ابدوب
بنا سني وقفه هيبه ايسر قديمه بره كلكي اجرته وقفه بالتمام ادا ايدر كن حاله متولي
اول دكانه رفع ابدوب كالاول فزن ايندركه قادر اولور

اجواب نصيحه قادر اولور بنا ايندركه قادر اولماز

زيدك اجاره معجله واجر مشل مؤجله ابدوب تصرفه اولان وقف فزنه رغبت اولنميجوب
معطل فالمنقله فزنه رفع ابدوب اكد بدل دكان بنا ابدوب بنا سني وقفه هيبه ايليجوب
اولكي اجرته وقفه ادا ايدر كن متولي وقف دكانه زيد عرصه الوب اجاره بلسه قادر
اولور مي اجواب اولماز دم ايندكجين زيد صفا من اولور

كسبه الفقير اسعد افندي من مجموعده

فصل ثاني اجر مشلني زياده طلب بيانده در

زيد متولي بر مقدار اجرت معجله الوب بر مقدار اجرت مؤجله تعيين ابدوب
بر دكانه عمره و بر دكانه اكي بيل مكره بركه اجرت معجله و مؤجله زياده ابله بركه اينديكي
نقص الوب اجر مشلني زياده ايندوكي مقرر اوليجي زيد دكانه عمره الوب
بكره ويرمكه قادر اولور مي اجواب اجر مشل اعتباري عمره ك اجاره سنك مدت
معينه سي اولوب صحت اوزر بنه عقد اولديغي تقديره در مدت معينه
اولما عجب صحيح دكلدر اجرت معجله جو الديقك اكي بيل مقدارين
امل و توف معرفت البصيرت باقبين عمره و بر دكانه الور
بد افندي ابوالسعود افندي في مدونه

المتولي اذ اجرام الوقف من جزم عليه
و ظهر و زواني اجرت اشخاص فالاولان كان
عين اجرام اشخاص من اول اجاره بمقدار
اجر المشل و بنقصان ليسه يتقايين
في مشل ليسه المتولي من يخرج الا اول قيل
انقصان المدة وان كان ما يتقايين
انما يكون فاسدة وان جرم
اجاره صحيحه انما من الاول ومن غيره
اجر المشل له خبر جامع المتكلمين في اجاره
وكو يوم الفاصبه من الدار بنا و اول
ينها يذوعا و اجرام من ما يدوم منها
و امر بهدم ما يتي فيها ان لم يضر الهدم
بالوقف اسعاف في الوقف فخصا
يوم فانط سجد يذوعر بسوئته و امر
رني فانط الازر عين انقصان و يذوع
بالقيد و قيل يذوعر بنا قيد في كسبه
النقصان في القيد و باقي المتكلمين
يعلم ما حرم من الخيرة البهرايه و ان زاد
المستأجر ان جني بنا في الازر مستأجر
ليس له ذلك لانه تصرف في رقيه المستأجر
وليس مستأجره ذلك

زيدومي اجر مشلني بركه زياده
تصرف اينديكي وقف دكانه عمره و مشل
اجر مشلني زياده ايندكده متوليسي
الوب عمره ويرمكه قادر اولور اجواب
اولور اجر مشلني زياده ارتوزغه
شرا اعتبارا و انما من اولوق الوب
ذو الابد و اكد فزنه جينا و زرينه
عقد و نشن اجاره صحيح اولور مؤجله
اجاره لوجله فاسد لرد اي باشنده
چيقا و بياضه ويرمكه مشر و عمره
ابوالسعود

والتفسيخ الاجارة ابا بال غدار
بدافتي نسخ الاجارة

زيد غرق ابله بروقف دكاني اجر مشلني تصرف ابدوب ماه اجاره سن وبر كن
متوليسي اخر اولد فقه عرض ابله الوب غيره ويرمكه مشر قادر
اولور مي اجواب عرض فاسد ابله اولماز ابوالسعود

زيد عمره متوليسي بروقف دكانه اجاره معجله ومؤجله مشلني الوب بدني سنه خبر
نصرف اوزره امكن عمره مؤجله و بر بنه بركه متولي اولد فقه بركه كلك و نخي اجاره معجله بد
تخلي و آرد زياده به وير باخو و زياده ابله اخره اجاره ابدوم
ديكمه قادر اولور اجواب اولماز عجب عظيم

زيد متوليسي اولديغي وقف عرصه ب اجاره معجله ومؤجله مشلني عمره اجاره و تسليم
ايندكده نصكره عمره اول عرصه اوزر بنه اذن متوليسي فخر اشجار عرض ابدوب عرصه مكله
بر مقدار اوزر بنه بعض اجنيه احداث ابدوب تصرف امكن بركه كلسه اول عرصه بي شوقه
انچه زياده ابله قبول ابدوم و يوقفتا بر مقدار اوجه اجرت زياده اتمام متولي ضروري
سندني اولمقدار زياده ابله قبول ابله والا سنه الوب اخره اجاره

ايدوم ديكه قادر اولور اجواب اولماز عجب عظيم افندي

زيد متوليسي اولديغي عرصه فاليه به اجاره معجله و بوي بر اجه اجاره مؤجله مشلني عمره
اجاره و تسليم عمره و نخي اول عرصه اوزر بنه اذن متوليسي معجله سنه محسوسه اولمق اوزره
شوقه بركه اجه فخر و صرف ابدوب بركه سنه خبر برو ضبط و مؤجله سني وبر كن
زيد فزت اولوب بر بنه بركه متولي اولد فقه بركه بوي بر اجه مؤجله مشلني
قناعت اينميجوب عمره اول عرصه بركه بوي اجر مشلني زياده طلب

ايدوب المنقله قادر اولور اجواب اولماز عجب عظيم

زيد متولي بروقف دكانه اجر مشلني اولان اجاره معجله ومؤجله ابله عمره اجاره ابدوب
عمره و بنه زمان تصرف ايدر كن حاله بركه متولي اولد فقه دكانه ضروري زياده اجاره
ايله طالب و آرد و بوي عمره المنقله قادر اولور اجواب

اولماز ممنوعه در عجب عظيم افندي

زيد حوايه مشرف بروقف دكانه متوليسي عمره و دن اجاره معجله واجر مشل اجرت مؤجله ابله
استجاره بعدة نمبر ابدوب جانب وقفه اجرت مؤجله مشلني وبر كن عمره زياده
و نخي زياده اجاره معجله و بر ادم و آرد و سندني و بر والا اخره
ويرم ديكه قادر اولور اجواب اولماز عجب عظيم افندي

وقف على اربابيه و احد منهم متول
فاجره من رجل ثم مات هذا المتولي
الا جارة لان الاجارة وقت لا وقف
فلا يطل بموت العاقد كما لا يطل بموت
الوكيل في الاجارة من المخل المزبور
في كتاب الوقف

وان زاد من بناه مع المستأجر
في اجاره فقتلا يعتبر الزيادة و ذلك
قيدنا بالزيادة عند الكل و ذكر في المحيط
ما يؤيد به بزاز في الثالث من الوقف

وان كان الموهب متوليا كان المثل
الاجر المستأجر ان كان ذلك مقدار
اجر المشل واكثر فاستبحان في اجارة
الوقف في كتاب الاجارة

رجل استجار ارض وقف لها سنين
باجرة معلومة ثم اجر مشلها فلما وفقت
سنه الثمانية كرتت رغبات اناس
فزادوا ارضها قالوا ليس للمثل
ان ينقص الاجارة لنقصان اجر المشل
لان اجر المشل انما يعتبر وقت الوقف
و وقت العقد كان المستأجر المثل
و اعتبره التغيير بعد ذلك
فاستبحان في اجارة الوقف
اقول في النقل لهم فاشركت

مسئله ما نظر لورق من جامع الفتاوى
بسم الله

بنايتي على ما عمل الذي ذكره الامام
من ان البنايتي في الارض المستأجرة
تصرف في رتبة المستأجر وعقد الاجارة
لا يوجد الا في رتبة ملك المنفعة
ان يكون باذن ربنا الارض
عطا الله افنديك

مرت نظر لورق من فتاوى الزينية
بسم الله

مرت نظر لورق من ابداية
بسم الله

مرت نظر لورق من ابداية
بسم الله

المواجر اذا انقضت الاجارة
رضاء المستأجر او رضا مالك المستأجر
ان يفسخ الاجارة ولا يقضى الاجارة
بغير فسق ويسقط الاجارة
بما يفسق بها الاجارة

زيد متولي اولى بدني وقف منزلي اجارة معجده وموجله بله عمده اجارة بركه فسكره بكره
اجرت معجده وموجله بله قبول بدبرين وبديكده في الواقع وقفة انفع اوليحي متولي مزبور
اول منزله بكره وبركده قادر اوليحي عمده اجرت مشيد وبرش صير اوليحي
زيدك اجارة معجده واجرت معجده بله تصرفه اولان وقف فزده رغبت اوليحي
معطل فالمغلة فزده رفع ايدوب وكان بنا ايدوب او لكي اجرت وبرر كن متولي وقف مجرد
تبديل بنا ايدوب كافي زيدون الوب ياخود اجرتي زباده ابكده
قادر اوليحي اجابة رايحه تمكك اوليحي المغلة قادر اولور
بوصورده زيد بنا سني وقف ايدوب او لكي اجارة في وقفه بالتمام ادا ايدركن
متولي وكان زيد صير المغلة قادر اوليحي بوبله اوليحي اولماز
منوعدر حرت محمدستان زاده من مجوده
زيد اجارة معجده وموجله مشيد تصرفه اولان وقف وكانك اجرت مشيد متولي وقف مزبور
وبرر كن متولي موجله مشيد زباده شوقدر رايحه دني وبر والاد كانك سنه الوب
اخوه اجارة بدم وبكده قادر اولور رمي اجابة اولماز
زيد متولي برو وقف عرصه اجارة معجده واجرت معجده بله عمده اجارة بركه فسكره بكره
متصرف يكن بركه فقتنا وعوضنا زباده اجرت موجله بله قبول ايدوب بركه فسكره بكره
مزبور بله عمده الوب بكره وبركده قادر اوليحي اجابة اولماز بجي افنديك
زيد متولي اولى بدني وقف وكان في اجارة معجده وموجله مشيد عمده اجارة وسليم
ايدوب فسكره بكره كلوب بن اول وكانك شوقدر رايحه زباده بله قبول ايدوب ديو
نفتنا بر مقدار رايحه زباده ايدوب بكره فقتنا زباده سنه اعتبار
اولور رمي اجابة اولماز منفاري زاده
زيدك اجرت معجده وموجله مشيد تصرفه اولان وقف وكانك موجله سني باكره عمده
نفتنا اولور رمي متولي زباده سني اولمقدار قبول بله والاد اخوه
وبرم وبكده قادر اولور رمي اجابة اولماز
زيدك اجارة معجده وموجله بله تصرفه اولان وقف منزله حريقه محرق اولوب
عوضه تصرفه فالد فده زيد عوضه سني تصرفه بركه فقتنا بركه فقتنا اجرت مشيد
متولي وقف وبرر كن متولي اكر فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا
اجرتي وبرم وبكده قادر اولور رمي اجابة اولماز بجي افنديك

فان تهتم كل لذار كان مستأجر ان يفسخ الاجارة بمحضت لاجور وغيبته ويسقط اجور عند كل
ولا يفسخ الاجارة مالم يفسخ من العمل المزبور فيها يجب الاجور

ادبي

وذكر في الفتاوى ما نقله المستأجر في اداء الغلة فاخذ المواجه من المفتاح فبقي باب الدار مغلقا شهرا لا يسقط الاجور
بعنه لانه كان متصلا من الانتفاع بواسطة اداء الغلة لسان الحكم من افضل الاجارة
تصرف القاضى فيما يفسد في موالى استامى والتركات والا وقافه بقيد بالمصلحة فان لم يكن سببا
لبها لم يفسخ استمائه في القاعدة الخامسة

زيد برو وقف عرصه اجارة معجده
وموجله بله تصرفه بركه فقتنا بركه فقتنا
موجله سني عرصه اجارة معجده بركه فقتنا
استيفه بركه فقتنا متولي عرصه مزبور
اخوه اجارة قادر اولور رمي اجابة

او بجي باب اجرت موجله مشيد بركه فقتنا بركه فقتنا
استماعي بيانته در اول كشي اوج فصل اور زبده وفضل اول
مستأجر كان عمارا ومماطله او اذن استماعي بيانته در
اجارة معجده وموجله بله برو وقف منزله متصرف اولان زيد بر راس شهره اجرت
موجله وبركده فقتنا ومماطله بركه فقتنا بركه فقتنا متولي منزله مزبورى اخوه اجارة
قادر اولور رمي اجابة حاكم اجرت البوبروب عدم مماطله
بله بنيه اينك كركدر بجي افنديك
اجارة معجده وموجله بله برو وقف وكانك متصرف اولان زيد بر راس شهره اجرت موجله
وبركده فقتنا ومماطله اوزر اوله حاله متولي وكان مزبورى اخوه اجارة قادر
اولور رمي اجابة بنيه حاكمه مشيد اولماز حريم اولور بجي افنديك
زيدك اجارة معجده وموجله بله متصرف اولديني وكانك متولي اجرتي طلب ايدوب
زيد عمارا ايدوب اول سنه وبرماسه متولي وكانك زيد صير الوب اخوه اجارة قادر
اولور رمي اجابة اولور وبرماسه مزبورى اجرتي بجي افنديك
بروقف وكان في اجارة معجده وموجله بله تصرفه اولان زيد بر رايحه سني وكانك مزبور
اجرتي وبرماسه فقتنا ايدوب متولي وقف وكان مزبورى اخوه اجارة
قادر اولور رمي اجابة اولور بجي افنديك
زيدك اجارة معجده وموجله بله تصرفه اولان وكان بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا
متولي برى زيد صير الوب اخوه اجارة بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا
وبرم برى اخرون الوب منبسط قادر اولور رمي اجابة اولور بجي افنديك
استلام بولده اجارة معجده وموجله بله برو وكانك متصرف اولان زيد بارينه واروقه وفات
ايدوب وكان مزبورى اولمقدار انتقال ايدوبه مزبور لر صغيره اولوب اخوه اجارة
بولمغيب بركه فقتنا وكان مزبور ك اجرتي وبرماسه متولي اول وكانك وقفه قدر
واردر رايحه اجارة قادر اولور رمي اجابة اولماز بجي افنديك
بروقف منزله ايدوب ايكبوز فزق اجرة موجله وبرمقدار اجرت معجده بله تصرف اولان زيد متولي
وقف اجرت موجله سني وبرم بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا بركه فقتنا
زيدك وجهه سني اوزر اجرت وبركده ابا واهالي ايجرت متولي اول منزله زيدك بركه فقتنا
اخوه اجرت ايدوب وبركده قادر اولور رمي اجابة اولور بجي افنديك

بنايتي على ان هذه الاجارة فبنايتها
ان يرجع الى سنة مذكورة في حاله
وهي ان توجد التدوير مثلا كل يوم درهم
معلومة ولا يكره عدداه في يوم واحد
صحيحة في كل واحد ثم اذا سكن في اليوم
الشانى سنة صحح العقد فبم لم يكن
المسجون بخير الى ان يفسخ اليوم
الشانى فاذا انقضت كان كل واحد
ان يفسخ الاجارة انتهى الاجام وانما
فقتنا يرجع الى سنة مذكورة لانها
يظهر انه اجارة كل يوم درهم معلومة
من غير ذكر عدد الايام كافي سنة
والفرق بينها وبين سنة المتون
استعمال بعض الاجارة وهذا لا يضر لان
تجديد بعض الاجارة امر مشروع مذكور
في المتون والشرع فاذا رجعت الى
هذه المسئلة يظهر لنا ان المتون ان
يقضى الاجارة اخروم من الايام
ويوجد الى من مشاء هذا الذي ذكرناه
يجيب ان يعلم ههنا لان اكثر مسالك
السباب بنيه عليه عطا افنديك
واذا يبق للمتولي الاذن فيما يريد
الوقف بخير كبرمشي
وبقيدت لاقنا في الوقت بالانفع
كافي شرح الجمع كسبها في اول عمده

بقره الفقهية...
بقره الفقهية...
بقره الفقهية...

بقره الفقهية المذكورة في السؤال الرابعة
القانون المستقر في الاجارة المعجلة
والمؤجلة والماجوزة والماجوزة بالبيع
الى ذمة القيد وبل جواز الشرع في
التي ان ذمة الاجارة كما سبق في
اجارة يساوية والمستوى في ذمة
على فتح الاجارة في اليوم عطا

زيد اجارة معجلة ومؤجلة ابله تصرفه اولان وقف عرصه مك مؤجله سني اوان سنة عناد
ابدوب جانب وقفه وبريبو مصر اوليحي متولي وقف اول عرصه اجاره مؤجله
آخوه اجاره قادر اولورمي اجواب اولور بداني الجيم
زيد اجاره معجلة ومؤجلة ابله تصرف اولديني منزل مؤجله محرق اوقه زيد عرصه سني اوزر
بنايه رغبته بريبو عرصه سنك اوان سنة دن بري جانب وقفه مؤجله سني عني عناد ابدوب
دبر سببك متولي عرصه زيد عرصه اجاره قادر اولورمي اجواب اولور عني الجيم
زيد بر وقف عرصه به شوقه راني معجله ومؤجله معلومه ابله متوليه سني استيجار
ابندك نكته بر قاج سنة ضبط ابدوب متولي مؤجله سني طلب ابندك عمناد اوبر ما
زيد ويردكي معجله استيفاء اتمش اولمغه متولي عرصه زيد عرصه اوقه اوقه اجاره
قادر اولورمي اجواب اولور بجي افندي متقار زاده علي افندي
زيد بر وقف اكر منه اجاره معجله ومؤجله ابله تصرف ايكن دكر من محرق اولدقه وقفه
بنايه مساعده اولما مغلقة بنا اولمبوس زيد دني مصر دني اجاره محسوس اولن اوزر بنا ابيو
عرصه بر قاج سنة معطل فالوب زيد سني منوره ده عرصه مك اجاره مؤجله سني اوقه اوقه
ابسه زيد معجله سني استيفاء اتمش اولمغه متولي عرصه به آخوه اجاره
قادر اولورمي اجواب اولور علي افندي

فصل ثانی اصله نقصان اوزر اجاره اولمغه اجاره مشي
طلب اولدقه اوان مستاجر ك استماعي بيانه در

زيد وعمر وكر بر مقدمه ارا غرق وذن معلومه اجاره معجله ابله استيجار ابله كوكه وقف
دكانغري واوله لري اجاره مشي نقصان ابله استيجار اتمش اوليحي متولي وقف ذكر اولن
دكانغري واوله لري مرقوله مدت اجاره لرند اولوب اجاره اولان
اجاره ابله اوقه كنه لره دبر مكر قادر اولورمي اجواب اولور
وزراي عطا اتمش اولان زيدك وقف دكانغري مدت معلومه اجاره مشي نقصان ابله
ناقص اولان اجاره معجله ابله استيجار اولان كنه لره ذكر اولن دكانغري مدت اجاره لرند
استيجار ابله كلري اجاره ابله اوقه كنه لره متولي وقف اوقه بربره لري متولي وقف
ذكر اولن دكانغري متصرف لرند مدت اجاره لرند اولوب اجاره مشي
اوقه كنه لره دبر مكر ياخذ اوقه اجاره مشي المغه قادر
اولورمي اجواب اولور ذكر تا افندي من مجموع

وان كانت الاجارة اوله بما يتفانى
انسان فيكون فاسدة وله ان
يؤجرها اجارة معجله تامن اول
او من غيره باجره مثل او باجره
علي قدر ما رضى به المستاجر
فانما في اجارة الوقف في كتاب
الاجارة

قال بعضهم المستاجر اجارة فاسدة
يركك ان يواجرها من غيره اجارة
بعد القبض فان اجاره اوله يركك
نقصان ابله لان الاجارة تفسخ
بالقدر فانما في كتاب
وباقى المسئلة يعلم ما سبي

القيمة الاحتاج الى تعجيل الاجارة بقصد عفو واستراة على نحو ما نلت فان واجهوا ان الاجارة
يركك في الاجارة المضانة باشره اتمش اولمغه فاما في اجارة الوقف

بروقف فهو خاند به متوليه زيد اجاره مشي نقصان فاحش اوزر اجاره معجله ومؤجله ابله
عمره ويردك بعد زيدك برينه متولي اولان بكر عمره اجاره مشي تكميل ابله جو تكليف
ابدوب عمر دني عناد ابدوب تكميله امتناع ابندك به بكر عمره ك ويردكي معجله ويرد
اول قهوه خاند به يذم الوب آخوه اجاره قادر اولورمي اجواب اولور مكر دك متصرف
اولديني ايانده اولان اجاره مشي مقدار زينه زباده سني زوايدوب

اجاره مشي آخوه اجاره ابدور بجي افندي
بروقفك متوليه اولان زيد وقفك بعض عفا بريني عمره اجاره معجله واجاره مشي نقصان
فاحش اجاره مؤجله ابله اجاره وسليم ابله زيد عمره اجاره مشي تكميل ابله والا آخوه اجاره
ابدوم جوب عمره تكميله امتناع ابندك به زيد اول عفا راي عمره الوب
اجاره مشي آخوه اجاره قادر اولورمي اجواب اولور

زيد متوليه اولديني وقفك عفا اتمش بر قاج باب وقف دكانغري اوقه عمره
اجاره معجله ومؤجله مشي نقصان فاحش ابله اجاره ابدوب بعد زيد معزول
ويرينه بكر متولي اولدقه نكته عمره اجاره ابله طوبى اجاره مشي آخوه
اجاره قادر اولورمي اجواب اولور بجي افندي

زيد بلا ولد فوت اولمغه اجاره معجله ومؤجله ابله تصرف اولديني وقف اوله سني
محل اولوب لابوين اوقه اتمش عمره ترك طلب فراغ ابله كين متولي وقف اول
اوله به اجاره معجله ومؤجله اجاره مشي بكر اجنبي به اجاره ابدوب سكراني
مروند نكته عمره اوله به يذم طالب اولوب بكر اجاره معجله سني اكي فبه زباده
ابنكله متولي وقف اول اوله به بكره الوب عمره اجاره قادر

اولورمي اجواب اولورم جوب آخوه خين فاحش
يوغيبه بمنو عدر اسعد افندي من مجموع

بند بر وقف منزلي متوليه نقصان فاحش ابله اوان سكر نيك اوقه اجاره معجله
ومؤجله ابله استيجار اتمش متوليه منزل مزبور ابله سنده تصرف ابدورمي
بند الوب اجاره مثل معجله ومؤجله ابله آخوه اجاره ابله سنده وقفه ويردكي
اوان سكر نيك اوقه به المدين وفات ابله ورشه سني متولي وقفه
طلب ابدوب مال وقفه المغه قادر اولورمي اجواب اولور

اجاره مشي استيفاء سببك احمد عبيد افندي

ذكر محمد رحمه الله في بيع الاجار مع رجل
استاجر عدا ليه سنة بمائة درهم
ورطله مخر وبقا جاشم ارا والجر
ان ينقض الاجارة بحكم الفساده
وكن ما رسته البعد حتى يزده
امبارا لفا سنده بالجازر وبندا
لان الاجاره قبض الاجاره بقا بماسم
وهو العين القام مقام المنفعة
مجلس العين بمنزلة مجلس المنفعة
من الذخيرة البراينة في الاجارة
وباقى المسئلة يعلم ما من فاشخاه
مرا فاشخاه من فاشخاه بعد سنة

ولوا اجاره متولي دار الوقف من ابيه
او ابيه البائع لم يجره من فاشخاه
او باكره من اجاره مثل من الفصول
مرت مسلك قبل الوديقين من فاشخاه
والف اشخاه بعد سنة

انما المستاجر يملك الاجارة
انما المستاجر يملك الاجارة
انما المستاجر يملك الاجارة

دني الاجارة الفاسدة همت اجاره
كيس استيفاء الاجاره المعجله
ولومات اجاره فاشخاه اجاره مشي
علامته والورثة فلغاه الميت
ينهار عليه في اسكان ما بقى
من المعجله مك المستاجر يملك كسار
فركه فركه الوارثه وكذا يفهم
من عطا افندي

ولو استغنى من الاستغنى من غيرها
أجره القاضى ورفها من غيرها
ثم إذا استغنى من الاستغنى
ويكون الحكم إذا سارت المسكين
توجب وزم من فلتها وما فضل منها
يكون لهم استغنى في أصل سكنى آية

مقبول الورق في الاستغنى ببلانم

وعلما أن من من المرفق في المذهب
أن من سكنى دار ليس له إيجار
واخذ فلتها أو بتخصيص من الوقت
ومن له إيجار دار واخذ فلتها ليس
سكنيا إلا بتخصيص من الوقت
خير في الوقت

توليت وسكناسى برسجد شريفه امام اولئله مشروطه اولان وقف منزل عريفه محرق اولوه
عريفه فالدقه امام اولان زيدا اول عريفه اجاره معجله وموجله شيليله عمده ايجار
وتسليم عمده اول عريفه وزينه معجله مسجود اولوق اوزر شوقدر بيك اقبه صرف
ايدوب بر منزل بنا ايند كد نصكره عمر اول عريفه وبنابك مدت عديه تصرف ايله بنايه صرف
ايند بيك اقبه استيفا ايند كد نصكره زيد فوت اولوب برينه بگرام اولدقه بكر عريفه مزبور
وجه محر اوزره ايجارى جائز وكلا در يوب اول منزل الا مشروطيت

منزل مزبوري فقيره قادر اولور **اجواب اولور**
بوصورده بعض كسند منزل مزبورك سكناسى مشروطه در ايجار جائز وكلا وجه محر
اوزره اولادى ايجار منع قادر اولور **اجواب اولمازلر** **عبدالرحيم**

توليت وسكناسى اولاده اولاد اولاده مشروطه وقف منزل عريفه محرق اولوب
عريفه صرفه فالوب وقفه بنايه ساعده اولوب مشروطه لهم ونجى بنايه امتناع اينمكله
اولاد هم منولى اولان هم اول عريفه وزينه وقفيجى كالاول منزل بنا ايدوب مصرفه فنى استيفا
ايدنجه ساكن اولوب بعده شرط واقف ايله عمل اولوق اوزره بكره ايجار ايدوب بكره نجي
وجه محر اوزره منزل بنا ايدوب مصرفه فنى استيفا ايندين فوت اولوه
منزلى در نشه سى ضبط ايند كد كنده اولاد واقف بكره مصرفه فنى باقى قلابه
در نشه سى استيفا ايندين منزل مجانا ايدلر نيم المغه قادر

اولور لرى **اجواب اولمازلر عبدالرحيم**
زيد ملك منزلنى وقف لازم ايله وقف وجس ايدوب سكناسى اولان كدى نفعه بعده
اولاد نه اولاد اولاد نه بعد الاقرائن عتقا وغنيقانه بعدهم اولاد اولاد لرينه بعد نفعه
الكل غلبه سى بدنه منور نقر اسنه شرط ونجسين ووقفه معمول به اسنده بوصوال اوزره
نصر ايدن كد نصكره زيد فوت اولدقه زيدك غنقا اسنه عمر وكبر بموجب شرط واقف
منزل مزبورده ساكنلر اين منزل مزبور عريفه محرق اولوب عريفه فالدقه نصكره
عمر وكبر اول منزل مجده و بنايه قدر نجرى اولوب عريفه مزبور كد متوليسى اولملر ايله
اول عريفه اوزر زينه كالاول منزل بنا ايدوب مصرفه فنى ايجار شيليله استيفا
ايدنجه ايجنده ساكن اولوب بعده شرط واقف ايله بنه
عمل اولوق اوزر ايجاره قادر اولور

اجواب اولور عبدالرحيم
سكناسى برسجد شريفه امام اولئله مشروطه وقف اول منزل عريفه محرق
اولوب عريفه صرفه فالدقه متوليسى زيد عريفه مزبور ايجاره معجله وموجله
ايله ايجار قادر اولور **اجواب اولمازلر عبدالرحيم**

توليت وسكناسى برسجد شريفه امام اولئله مشروطه وقف منزل خرابه مشرف
اولدقه اول مسجدك امامى اولان زيدا اول منزل عمده اجاره معجله وموجله ايله ايجار ايدوب
معجله مسجود اولوق اوزر عمارت ومرتبه اذن ويرد كد نصكره عمر ونجى شوقدر
بيك اقبه فنج و صرف ايدوب عمارت ومرتبه ايدوب بكره اوج سنه اول منزلنى ضبط
وتصرف ايله معجله ديو ويرد بيك اقبه و معجله مسجود اولوق اوزر صرف ايند بيك
مقدارى جمله استيفا ايله فالامام اولان بكر صرف مزبوري
عمر ورضه الوب شرط واقف اوزر ساكن اولمغه قادر
اولور لرى **اجواب اولور عبدالرحيم**

توليت وسكناسى برسجد شريفه امام اولئله مشروطه وقف منزل خرابه مشرف
اولدقه اول مسجدك امامى اولان زيدا اول منزل عمده اجاره معجله وموجله ايله ايجار ايدوب
معجله مسجود اولوق اوزر عمارت ومرتبه اذن ويرد كد نصكره عمر ونجى شوقدر
بيك اقبه فنج و صرف ايدوب عمارت ومرتبه ايدوب بكره اوج سنه اول منزلنى ضبط
وتصرف ايله معجله ديو ويرد بيك اقبه و معجله مسجود اولوق اوزر صرف ايند بيك
مقدارى جمله استيفا ايله فالامام اولان بكر صرف مزبوري
عمر ورضه الوب شرط واقف اوزر ساكن اولمغه قادر
اولور لرى **اجواب اولور عبدالرحيم**

توليت وسكناسى برسجد شريفه امام اولئله مشروطه وقف منزل خرابه مشرف
اولدقه اول مسجدك امامى اولان زيدا اول منزل عمده اجاره معجله وموجله ايله ايجار ايدوب
معجله مسجود اولوق اوزر عمارت ومرتبه اذن ويرد كد نصكره عمر ونجى شوقدر
بيك اقبه فنج و صرف ايدوب عمارت ومرتبه ايدوب بكره اوج سنه اول منزلنى ضبط
وتصرف ايله معجله ديو ويرد بيك اقبه و معجله مسجود اولوق اوزر صرف ايند بيك
مقدارى جمله استيفا ايله فالامام اولان بكر صرف مزبوري
عمر ورضه الوب شرط واقف اوزر ساكن اولمغه قادر
اولور لرى **اجواب اولور عبدالرحيم**

سكنه من استغنى من استغنى
بعده من

المستوفى كالوكيل في جوده الواقف
وكالوصى في سوته مند ايه يوسف
الغناز قوله في الواقف والوكيل اوكيل
اي يجوز تصرفها بما يوافقها ولا يوافقها
وكذلك المستوفى يجوز تصرفها بما يخالف
الشرط الواقف بكذا يستفاد من كذا
المعتبره في حفظه فانه مستلج اليه في كذا
من المسائل عطاء رة الله

مراستغنى من الاستغنى ببلانم

ليس مستوفى ان يجازر الواقف
وشرط وغيره في تصرفات العتق
وان وقف عليه سكنى خيسر له
استفعل نزول في الامور

اولور لرى **اجواب اولور عبدالرحيم**

مراعاتی نظر اوردن منافع غیره

سکناسی بر سجد شریفه امام اولاده مشروطه وقف منزل مسجد مزبور کما می اولوب
مستولیبی اولان زید ایجار جاز اولور زعیله اجاره معجله مؤجله ابله عمره ایجار و تسلیم
عمره و فنی استیجار ایدوب بعد زید فوت اولوب برینه کرام و مستولی اولدقه ایجار
مزبور ک عدم صحت بنا منزل مزبور عمره و فنی شرط واقف اوزره ضبط

وساکن اولمغه قادر اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین
تولیت و سکناسی کند و به مشروطه اولان وقف منزلی بر سنه ثمانه دکن زید عمره
ایجار ایدوب اجرشی اخذ ایلر حاله زید اجرت مزبوره به مصارف فنی صرف
ایدوب بوجیه رقبه و قبیحون حقیقی ایدوب **اجواب** رقبه و قبیحون
حفظ ایدوب منتاری زاده

تولیت و سکناسی کند و به مشروطه اولان وقف منزلی اجاره معجله مؤجله ابله
ایجار قادر اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین
بوصورنده سنه اول منزل شو قدر اجه اجاره معجله و بومی شو قدر اجه اجرت مؤجله ابله
عمره ایجار و تسلیم عمره و فنی منزل مزبور ای اوج آتی تصرف اینه کد نصکره منزل مزبور
عمره محرق اوله علاوه اول منزل ضبط و تصرف اینه کی اوج ایک اجر مثلنی
سنه و بر و ب معجله و ب و بر و بکی اجه به سنه المنه

قادر اولور **اجواب اولور**
زید تولیت و سکناسی کند و به مشروطه اولان وقف منزلی عمره اجاره معجله
مؤجله ابله ایجار و معجله نامنه شو قدر اجه الوب عمره و فنی بریت ضبط و تصرف
ایر حاله زید اول منزل عمره و فنی نصکره عمره و فنی و بر و بکی معجله به زید به طلب
ایند که عمره و فنی ضبط اینه کی تک اجه مثل مبلغ مزبور مساوی اولیجی
زیدین مبلغ مزبور ای جو مثل طو توب رقبه و قبیحون حفظ ایدوب
و ب و بر ماکه قادر اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین

سکناسی سنه و زین مشروطه وقف منزل خرابه مشرف اولوب عمارت و مرسته محتاج
اولدقه سنه عمارت ایا اینه کد نصکره زینب امر حاکمه مصره و فنی استیفا ایدوب
سقطا ساکن اولوق اوزر منزل مزبور ایله عمارت ایلر زینب مصره و فنی استیفا
ایندین سنه بخانا منزل مزبوره زینب ایله معناساکن اولمغه
قادر اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین

فان قلت ذالم یصح ایجار و شرط
سکناسی ماکم ایجره اذ ایجره اکت
یعنی ان کون مؤقف ولم ایجره
من وقف ایجره

اقول فان شرط ایجره ان ماکم ایجره
فی مکتب و من مکتب قولم فی عدم جواز
ایجار ما شرط سکناسی ان جزم فی سکناسی
لا فی الفقه و اذ لم یکن لشرط فی الفقه
منقطع الفقه لوقف لا محاله کذا
فی الذخیره البرهانیه عطا الله العالی

شیخی مستند بعد الورق من شرح
الطحاوی بعد سنه

انک من المنافع یوجب ایجره ان
فی سکناسی اوله اذ اکت ایجره کما
فان تجب ایجره بقیه ان منافع کافی فصول
العمادی و ظاهره مانی و سعاد ایجره
الوقف فجب ایجره فی الفقه استیفا
صراة الفقه و کافی ایجره

اولا منافع بعد الموت فلیهم من الترمیم
بقسم الادر و بوجیه نصیبه فده یصل
سها قدر ما یستوی لواقع من سنه
ثم بعد ذلک بره الیه نصیبه استیفا
فی نفس سکناسی و اکت

مراعاتی نظر اوردن منافع غیره

سکناسی بر سجد شریفه مشروطه وقف منزل محرق اولدقه سنه بنا و ان اشاع ایدوب
بعد عمره معجله سنه محسوب اولوق اوزر اذن حاکمه مالیکه بر منزل بنا
ایدوب نیجه زمان تصرف ایلر معجله سنه استیفا ایلر حاله نوبت اینه کد
اولاد نه کلده عمره و فنی اخراج ایدوب کند و ساکن

اولمغه قادر اولور **اجواب اولور**
سکناسی سنه کد عتیقاته بعد سن اولاد برینه مشروطه اولان وقف منزل عمره
محرق اولوب عمره صرفه فالدقه مستولیبی اول عمره به وقفه بنایه مساعده مؤجله
و ب و اجاره معجله مؤجله ایلر ایجره قادر
اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین

فصل ثانی فی مشروطه اولان واقف استیفا بیامنده در

تولیت و فنی بر سجد شریفه امام اولاده مشروطه وقف اولان منزل عمره محرق اولور
عمره و فنی فالدقه مستولیبی زید فقه و فقه بنایه مساعده اولما معجله بنا ایدوب
و بر کسنه فنی اجاره معجله سنه محسوب اولوق اوزر بنایه طالب اولیبو نیجه زمان فالی
و خرابه فالوب و فقه بر سنه حاصل اولیبو و فقه عمره بولمغه منزل مزبور نقصانک
یعنی اولان بشبیک اجه به اذن حاکمه سنه بیع و تسلیم و عمره سنه ایجره معجله کسنه
اجر مثلنی اولان شو قدر اجه مطالعه ایدوب ایجار و تسلیم سنه فنی بعد الاستیجار اذن اولور
نفس چون ملک اولوق اوزر اول عمره اوزر برینه منزل بنا ایدوب منصرفه اینه کد
حالا اول مسجد ک امامی اولوب مستولیبی اولان بکر بر منزل سابقک
وجه محرز اوزر اولان ایجار فنی و بنایه اذنی طو تمام
دیگره قادر اولور **اجواب اولور**

بوصورنده بکر مزبور سنه سن اول منزل اون ای سنه در تصرف اینه کد اول بنایه
صرف اینه کد اجه تک بر فنی اینه کد سنه ایدوب استیفا اینه کد اینه کد مقدار
بندن الله اول منزل با که تسلیم ایلر دیوجیه قادر
اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین
فقه می اولاده مشروطه اولان وقف منزل عمره محرق اولوب بنایه مساعده اولور
مستولی وقف اول منزل عمره سنه ایجره معجله مؤجله شلیله ایجره
قادر اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین

اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین
فقه می اولاده مشروطه اولان وقف منزل عمره محرق اولوب بنایه مساعده اولور
مستولی وقف اول منزل عمره سنه ایجره معجله مؤجله شلیله ایجره
قادر اولور **اجواب اولور** علی بن الحسین

اداعی القاضی المستولی و ولی غیره
قال القاضی بیع الدین لیسر الشیخ
ما آجره الاول سعید الحق فی الایام
و فی اوقاف الخفاف و کثیر من کتب
المعتبرة فالاولان کانت العماره اذ
رفت منها لاشترک بکثیر من اقران
شکر فی بیع صاحب العماره الذی بناه
مقررون کانت شرا بکثیر من اقران
نه اولی بدفع الضرر الی اخره
غیره فی جواب سؤلایه حکم فی اوقاف

ما اکت الوقف اذ اضرق و کسوه
عمره بشی ان یخرج من الوقیفه
فان قانیة فی فصل الرابع و العشرین
من الاجامع

اولی الامر بر وجه اولی الامر که برین موضع ذکر
نیست همان علی آنها مال شایع نیست
بجای مسکن فروع مناک است
و باقی المسکنه عین تمامه در آن است
و ملک منفس القدر فیکون مابقی
من المبیع بعد موت المستاجر که در
ماده علم

مرکز مسکنه من کریشی بعد از

و اما المقصد والی بقیه حقوقها باقی
نست اسیع و اشره و او جاره و انچه
و الصلح من المال من نفوس الیهم
فی ضمان الوکیل من حمايته
و قدر من عطائه انچه فی التاخر
ایجاد حقیقت

مرکز من عطائه انچه فی التاخر
بسیار است

زید مولی او یعنی وقف منزل شو قدر اجهت معجله و مؤجله معلومه یا عروه ایجا
و تسلیم و معجله موقوفه یا عروه و نقد فیکونه عروه معجله موقوفه استیفا ایندین زمان قلیله
بلا ولد فوت اولغله زید منزلی و قیچون ضبط ایدیه بعد عروه که عروه او آری بکر معجله موقوفه
استیفا اولنیم مقدار زید منزلی بکر بلا وارث فوت اوله ایننیم مال
عروه معجله موقوفه دن استیفا ایندیک مقدار زید منزلی

قادر اولور می اجواب اولور علی اذنک

زید اجاره معجله و مؤجله یا نصر فنده اولان وقف عروه او زید منزلی و مابله اجاره
معجله محسوسه اولنق اوزر بمنزل بنا ایدیه مصر و فنی استیفا ایندین در عقب فوت
اولد فده اول منزل زید اولاد نه انتقال ایدیه بعد اولاد عمر و زمان قلیله بلا ولد فوت
اولوب منزلی وقف اول منزل عمر و ک حصه سنی اجاره معجله و مؤجله یا بکر ایجا و تسلیم ایله
علا عروه در نه سنی عروه حصه سنی استیفا اولنیم مقدار زید منزلی بدنه

اولان غله قدر المعقه قادر اولور می اجواب اولور علی اذنک

زید بر مقدار وقف عروه موقوفه اجاره معجله و مؤجله ایله اولوب بعد اذن منزلی
و کندی مابله اجاره معجله محسوسه اولنق اوزر بر مقدار ایچنده اینه احدث ابر بعد
زمان قلیله بلا ولد فوت اولد فده در نه سنی اول بیایه صرف ایندیک مبلغ صرف
ایله یکی باقیه لازم اولان اجهت منشی مقدار زید فک سنی جانب وقف

رجوع ایدیه المعقه قادر اولور می اجواب اولور بر بی اذنک

ایسا بودی اجاره معجله و مؤجله یا نصر فنده اولان وقف منزل اذن متولید بر مقدار
مبلغ مقابله کننده عروه فراغ ایدیه عروه و بودی مبلغ منزل مزبور استیفا ایندین
فوت اولوب صغیره قری بندی ترک ایدوب زمان بسیرم بند فنی فوت
اولوب منزلی منزل مزبور می آخوه ایجا ایله عروه سائر در نه سنی مقابله
فراغده و بر بلا مبلغ بقیه بی ایضا با وقف المعقه قادر

اولور می اجواب ایسا بودی الورد اسعد اذنک

زید اجاره معجله و مؤجله یا نصر فنده اولان وقف منزلی عروه اذن متولید شو قدر اجهت
بدل مقابله کننده فراغ ایدیه مبلغ مزبور می عروه دن الد قدر فیکونه التي آتی عروه
منزل مزبور عروه محترق اوله عروه مبلغ مزبور استیفا ایندیک مقدار
زید دن المعقه قادر اولور می اجواب اولور علی اذنک

زید بر وقف عروه او زید منزلی اذن متولید اجهت معجله محسوسه اولنق اوزر مجد و منزل
بنا ایدیه مالیه شو قدر بیک اجهت صرف ایدیه زمان قلیله قبل استیفا بلا ولد فوت اولد
منزل مزبور می سولی فیض اوله زیدک در نه سنی زیدک نصر قلیله استیفا ایندیک مقدار سولی
بدنه اولان غله و فتم المعقه قادر اولور می اجواب اولور علی اذنک

زید بر وقف خراب حمای معجله محسوسه اولنق اوزر اذن سولی و رای حاکمه مالیه عمارت
و مرمت ایدیه شو قدر بیک اجهت صرف ایدیه مصر و فنی استیفا ایندین زمان قلیله بلا ولد
فوت اولد حمای سولی ضبط ایله زیدک در نه سنی استیفا اولنیم مقدار سولی بدنه
حاکم ایننیم حاصل اولان استیفا قادر اولور می اجواب اولور علی اذنک

زید زوجی بند ایله بر وقف منزل اشتراک اوزر اجاره معجله و مؤجله یا نصر فنده
تفویض ایدیه منصرف ایدیه زید زمان قلیله بلا ولد فوت اولوب سولی منزل مزبور
حصه سنی و قیچون ضبط ایله زیدک در نه سنی استیفا اولنیم مقدار سولی
متولید المعقه قادر اولور می اجواب اولور علی اذنک

زید اجاره معجله و مؤجله یا نصر فنده اولان منزل محترق اولوب بعد زید مابله معجله
محسوسه اولنق اوزر بنا ایدیه مصر و فنی استیفا ایندین زمان قلیله بلا ولد فوت
اولغله سولی اول منزل و قیچون ضبط ایله علا زیدک در نه سنی استیفا
ایندیک مقدار سولی بدنه اولان مال و فتم المعقه

قادر اولور می اجواب اولور

زید اجاره معجله و مؤجله یا نصر فنده اولان وقف عروه او زید منزلی و مابله معجله
محسوسه اولنق اوزر منزل بنا ایدیه معجله سنی استیفا ایندین زمان قلیله زید بلا ولد فوت
اولد فده سولی اول منزل و قیچون ضبط و اجاره معجله و مؤجله یا بکر ایجا ایله
در نه زیدک استیفا ایندیک مقدار سولی بدنه اولان غله و فتم المعقه

قادر اولور می اجواب اولور علی اذنک

زید اجاره معجله و مؤجله یا نصر فنده اولان وقف و کانه عروه شو قدر اجهت بدل مقابله کننده
اذن متولید فراغ و تفویض ایدیه بعد بدل مزبور بر مقدار سولی اولوب بر مقدار سولی استیفا
ایندین زمان قلیله عروه بلا ولد فوت اولوب اول و کانه سولی وقف ضبط ایله
علا زید بدل مزبور دن باقی کلان در نه عروه دن المعقه قادر

اولور می اجواب اولور علی اذنک

اولی الامر بر وجه اولی الامر که برین موضع ذکر
نیست همان علی آنها مال شایع نیست
بجای مسکن فروع مناک است
و باقی المسکنه عین تمامه در آن است
و ملک منفس القدر فیکون مابقی
من المبیع بعد موت المستاجر که در
ماده علم

مرکز مسکنه من کریشی بعد از

مرکز من عطائه انچه فی التاخر
بسیار است

مرت مستند انفا ظهروا نورق مبدوء

مرت مستند من عطارة انفا

و في قوله ظهر الدين المرعيا في المستأجر
انما في في ارض الوقف على ان يرجع
في النسخة قد ترجع من امكالات
العمارة وكذا في امكالات الفصلين

والاجرة المستحق بالعقد بل بالتبديل
او بشرط او باستيفاء المفقود عليه
والفك من فتيق منه لو قبض انذار
ولم يسكنها من فتيق المدة على ان يملك
لأنه لا يجرى انما يجب انذار النسخة
سببها فاشيا فما استوفى في النسخة
وجب عليه ان يجرى ما لم يستوفى
العقد في حقه من انفا

زيد اجارة معجله ومؤجلة بله تصرفه اولان وقف منزله عموده او يجوز ان يغرر بشي بدل
مقابلته سنده اذن متوليه فراغ وتفويض ايدى بوزانتي غرضي الوب ماعدا في الدين
فوق بش كون مرورنده حريقه محرق اول حاله با في ايكبير غرضي وني
عزودن طلب ايدى المغة قادر اولور اجواب اولماز متعارزاده

بنته اجارة معجله ومؤجلة بله تصرفه اولان وقف منزله اذن متوليه شوقه فجه
بدل مقابلته سنده زبده فراغ وتفويض ايدى بدل بزبوري الوب بعده زمان قليله
منزل محرق اوله زيد استيفاء ايدى مقدارى سنده مرتجعت
ايدوب المغة قادر اولور اجواب اولور

زيد اجارة معجله ومؤجلة بله تصرف اولديني وقف عرصه اذ زبده متوليه عمودك اذن وكندك
مايله مصر وني اجونه محسوب اولوق اوزر وفتيجون منزل بنا ايدى بعده زيد مصر وني
استيفاء ايدى منزل بزبوري عمودك اذ نيله شوقه فجه بدل مقابلته سنده بكره فراغ
وقبض بدل ايدى بعده بكر زمان قليله بلا ولد فوت اولوب عمود منزل بزبوري
وتفويض ضبط ايدى بكره ورتنه سي بدل بزبوري زيد مصر السه لزبده عموده مصر وني
استيفاء ايدى كم مقدارى مال وقفه باكه او ايله والا مصر وني استيفاء
ايدى منزل ضبط ايدى ديكه قادر اولور اجواب اولور

بجى افندي وعبدالمعتمد افندي وعلى افندي

زيد بر وقف اوله في اجارة معجله ومؤجلة ايدى متوليه سنده استيفاء بر نذرت ضبط ايدى
معجله سنى استيفاء ايدى نسكره زيد اول اوله في اذن متوليه سنده فراغ وقبض
بدل ايدى بعده زمان قليله سنده بلا ولد فوت اولغله متولى اوله في وفتيجون
ضبط وكره اجارة ايدى بكره ورتنه سي بدل بزبوري زيد مصر السه لرحاله زيد
بدل بزبوري سنده افندي ايدى اوله في بكره ضبط ايدى ريبو كندى ضبط
قادر اولور اجواب اولماز بجى افندي عبدالمعتمد على افندي

زيد اجارة معجله ومؤجلة بله تصرف اولديني وقف منزله اذن متوليه مصر وني بجه
محسوب اولوق اوزر مايله بر اوله بنا واهدات ايدى بر زمان منصرف اوله قد نسكره
بلا ولد فوت اولوب ورتنه سي اوله مرقوم بزده انتقال ايدى بر ضبط
قادر اولور اجواب اجرت معجله سنى قدر استيفاء
منافع اوليجى اولماز بجى افندي

وان كان ربا انذار المستأجر بان يبني في انذار على ان يجب له ذلك من الاجر فصرف المستأجر من مال
قدما موقوف على بناء ثم اخرج المستأجر من الدار قبل استيفاء ما صرف له ان يرجع به على المورج الا ان
من اجارة المحبط لخصا وباقى المستند يعلم ما سببته من الاشياء

زيد متوليه اولديني وقف خرابه بر منزل عموده بهر يوم ايكبير فجه به اجارة بله كند منزل بزبوري
ماكله عمارت ومرت ايله ندمقدار ايدى صرف ايدى رسك اجونه استيفاء ايدى ويكلمه عمود
وغي مالمه بكرى بسبك فجه وضع وصراف ايدى منزل بزبوري عمارت بله كند نسكره عمود مصر وني
استيفاء ايدى ن ياخود استيفاء ايدى مقدارى غله وقفه بر مدين عمودك

منزل بزبوري جانا اخر اجه قادر اولور اجواب اولماز عبدالمعتمد
زيد واقف وقف ايدى عمارت بر سنده خرابه اجارة اوليجى شرط ايدى بسك مشروطيت
اوزر متوليه اوله عمود خلاف شرط واقف ايدى سنده تمام دن اجوشيله بكره اجارة ايدى
تماما معجلا اذ قد نسكره متولى وقفه بزبوري خلاف شرط واقف ايدى شرط ايدى سنده عمارت
بزبوري به وفتيجون ضبط عمود ايدى بكره استيفاء ايدى كم مقدار مجدي الدين عمارت تسليم
ايتم ايدوب بدنده ايكبر عمود منزل اولوب بر نذرت متولى اوله قد بكره ايدى
مرقوم سنده استيفاء ايدى مقدارى الدين بش اول عمارت بكره دن
الوب اخوه اجارة قادر اولور اجواب اولماز

بوصورنده بكر معجله استيفاء ايدى بش اول عمارت جبه ايكبر دن الوب اخوه اجارة
بكر معجله استيفاء ايدى كم مقدارى باكه تماما اصل اوليجى بكره سنده ايدى حجبس واردر جوه
الوب عمارت ضبط قادر اولور اجواب اولور بهما عبدالمعتمد

زيد اجارة معجله ومؤجلة بله تصرف اولديني وقف منزله بدم ايدوب مجد وكندى مالمه
ملك كرا سنده سبله منزل بزبوري كندى ايدى مالمه اذن متوليه معجله سنده محسوب اولوق
اوزر بر منزل بنا ايدى مصر وني استيفاء ايدى نسكره بلا ولد فوت اوله
منزل بزبوري زيدك ورتنه سنده انتقال ايدى اجواب ايدى

بوصورنده منزل بزبوري عمود اول منزل كند بنا سنى زيدك ملكى اولوق اوزر زيد
شمك وركه اول شمك ايله منزل بزبوري بنا سنى زيدك ملكى اولوق
اولور اجواب اولماز بهما عبدالمعتمد

بشدك اجارة معجله ومؤجلة بله تصرفه اولان وقف وكاه او طه لرحيقه محرق اولور
عرصه مصره قالد قد نسكره سنده اول عرصه اذ زبده كندى مالى اذن متوليه كالا اوله ايدى
محسوب اولوق اوزر وكاه او طه لرحيقه سنده مديده ضبط وتصرف ايدى مصر وني استيفاء
ايدى نسكره سنده بلا ولد فوت اوله مالمه متولى وقف او طه لرحيقه وكاه لرحيقه ضبط
واجارة معجله ومؤجلة ايدى اجارة قادر اولور اجواب اولور عبدالمعتمد

و انسخ العقد بعد تبديل البديل
لان العقد او ناسا اخصم على حجب
البديل الى تخصيصه فقبل الورق
منه اشياء في اجارة بعد است

سكن من المستأجر وبنى في انذار
بازن انظر على ان يرجع على الاجرة
ابناء لوقوف ورجع بها النسخة في العماره
اعاب ثم يكون ابناء هو وقف ورجع
بما اتفق في العماره فنادى ايدى بنعيم
وان استوفى فليس له الرجوع كذا
يضم تمام انفا من مصره العماره
والجبط لخصا
ومتقضاة اذ لومات يكون ميراثا
كالو عماره انفسه كرشى في البحر
في الوقف

مرثه سنده قبل بر بعه اوراق
منه حج الطهاره لاسيما بعد

مرثه انفا ظهر الورق بعد

مرثه قبل الورق بعد

مرثه ظهور الورق من الاشياء بعد

اصول سابقه من المعايير
يكون كسائر تركه في
ومقتضى حبه السببه في
عطاء الله افندي

بند متولي سى اولد بغي وقف و كانه عمر و ك و فانه نصكره اولاد و نه انتقال اينسوي وقفه
فالمق شرطيله عمره اجاره معجله و مؤجله ايله ايجار و تسليم و معجله سى اولاد شو قدر بركت ايجاره
عمره و ك نصكره عمر و بركت ايجاره و كانه نصكره استيفاي ايندين فوت اولاد و نه عمر و ك
استيفاي اينديكي مقدارى مهر و اولادى اولاد او فلكرى بكر و بشه و بركه و كانه
مزبورى ضبطه قاون اولور **اجواب اولور** عجله عظيم

زيد اجاره معجله و مؤجله ايله نصكره اولاد وقف منزله معجله سنده محسوسه اولوق اوزره بعض انيه
احداث ايدو بعد مدت مدد ضبطه و تصرف ايدو معجله سنده محسوسه اولوق اوزره بنا بر صرف
اينديكى استيفاي ايله نصكره زيد بلا ولد فوت اولوب متولى وقف اول منزل ضبطه مراد
ايله كده و رتبه متولى منع ايدو كند و ضبطه قاون اولور **اجواب اولور** ايلماز عظيم

زيد متولي سى اولد بغي وقف منزل و كانه عمره شو قدر بركت ايجاره معجله و مؤجله شليله
ايجار و تسليم ايدو معجله بركت ايجاره بعد مدت مدد عمر و اول منزل و كانه ضبطه
و نصكره معجله بركت ايجاره نصكره عمر و بلا ولد فوت اولدقه و رتبه
اول منزل و كانه ضبطه ايله رعا متولى اول منزل و كانه و رتبه

عمره و المغه قاون اولور **اجواب اولور** عجله عظيم
زيد متولي سى اولد بغي وقف عمارت اونه سنه بركت ايجاره اولاد شو قدر ايجاره ايجار
و تسليم و فوت مزبوره بركت ايجاره نصكره زيد معزول اولوب بركت ايجاره متولى
اولدقه عمر و بركت ايجاره اول عمارت اونه سنه استيفاي ايندين بكر ايجار
مزبورى و كلدر بجه اول عمارت اونه سنه بركت ايجاره نصكره زيد معزول اولور **اجواب اولور** ايلماز عظيم

زيد اجاره معجله و مؤجله ايله نصكره اولاد وقف عرصه متولي سى عمر و ك اونه و كندى مائيله نصكره
اجرت معجله سنده محسوسه اولوق اوزره و قيفچون بركه و كانه بنا ايند ك نصكره زيد مصر و فنى استيفاي ايندين
بلا ولد فوت اولوب و كانه عمر و ضبطه و آخره ايجار ايله رتبه سى زيد ك مصر و فنى استيفاي اولينجا
مقدارى عمره و المغه قاون اولور **اجواب اولور** عجله عظيم

زيد متولي سى اولد بغي وقف منزلى شو قدر ايجاره ايجار معجله و بويى بركت ايجاره مؤجله ايله سنده
ايجار و تسليم ايدو اولقدر معجله بركت ايجاره اولوب بعد زمان قيلنده بند فوت اولور
ايچن معقلى عمر و ك ايله كده زيد منزل مزبورى و قيفچون ضبطه و آخره ايجار ايله
عمر و سندن معجله مر قومه استيفاي اينديكي مقدارى زيد عمره و المغه قاون
اولور **اجواب اولور** كذا مستشار زاده و عجله عظيم

بر قاج كسند لرا اجاره معجله و مؤجله ايله على الاكثره نصكره اولاد و وقف قابضانه زيد
اجرت معلومه ايله ايجار و تسليم ايله كند نصكره قابضانه نصكره محتاج اولمغله مزبور لر
زيد قابضانه بركه مالكه نصكره ايله مصر و فنى ايجاره حساب ايدو زيد بركه زيد ماله نصكره
شو قدر ايجاره صرف ايدو قابضانه بركه نصكره زيد مصر و فنى استيفاي ايندين
اول كسند لرا عمر و بلا ولد فوت اولوب متولى عمر و ك حصه سنى و قيفچون ضبطه
و آخره ايجار ايله زيد مصر و فنى استيفاي اينديكي مقدارى عمر و ك
حصه سنى و دوشنى عمر و ك تركه و ايجاره سنى قبض ايند و رتبه سندن
المغه قاون اولور **اجواب اولور** عجله عظيم

زيد متولى فانك اجرت معجله و مؤجله ايله نصكره اولد بغي منزل دن زيد استيفاي اجرت
ايندين فوت اولوب اول منزل او فنى عمره انتقال ايدو عمر و فنى قبض ايله استيفاي
فوت اولدقه منزل مزبور و وقف طرف دن بكره قفوض اولور عمر و ك ناسى
و وارثه سى بند استيفاي اولينجا فلان بكر دن المغه قاون اولور

اجواب متولي سى اولور بكره اولماز اسعد افندي
زيد ملك عرصه سنى عمره اجرت معجله ايله مدت معلومه تمامه دك ايجار و تسليم عمر و فنى
اوزر بركه نصكره اولوب ايله ايدو اول اولد لرى و وقف صحيح اولور زعيميله
وقف بعد اول اولد لره كندى متولى اولوق اوزره بعض كسند لره بلا بيان لده
ايجار معجله و مؤجله ايله ايجار و تسليم ايدو بعد اول اولد لرا اول كسند لرك بركه
مخزن اولوب عرصه مر قومه بركه مدت تمام اولمغله زيد عمره و فنى اول كسند لرا
معجله دبو و بركه ايجاره اونه سنه استيفاي ايندين زيد عمره و المغه قاون اولور

قاون اولور لرى **اجواب** سكنى ايله استيفاي
ايند كلى مقدارى اولور لرى عجله عظيم

بند متولي سى اولد بغي وقف باغچه بيه سوه سندن منتفع اولوق ايچون عمره بشبكيك
ايجاره معجله و مؤجله شليله ايجار و تسليم ايدو معجله نامنه بشبكيك ايجاره اولوب
بعد اون سنه اول باغچه بيه ضبطه و تصرف ايدو باغچه نك سوه سندن
و اجرت ار سندن معجله سنى استيفاي ايند ك نصكره عمر و فوت اولوب
قرى زيمى ترك ايله حالا سندن اول باغچه بيه زيد سندن اولوب
و قيفچون ضبطه قاون اولور **اجواب اولور**

اولاد قابضانه و المالك استيفاي
ذمت كنى عمارت ماله نصكره باؤنه
بجمع على القيمه و المالك من ذمتك
اولور عجله عظيم

بند قبل الورق من اشياء
بعد

اولد بجه و وقف ايشاء فى ارض ما يجرى
او اجاره بركه فى التملك قبيل
فى العقد و من اوقف
و باقى سنده بعد نماز من شرح
قبيل الورق بعد

وقى شرح بكر استيفاي من ايشاء
من ايشاء قالا اجاره فاسده و فنى
التي ليس فيها ايشاء على قياس قول
ايه سنده لا يجوز ايشاء لان العقد
بجمع بين الفاسد و الصحيح
من شرح ايجام القفير عظيم

زید متولبی اولدیغی وقف باغچه عمره اجاره معجله مؤجله ابله اجماع عمره دخی
 استیجار ایدوب بعده عمره برندن اول باغچه ضبط ایدوب استیجار بیک
 محصولانی افند و استهلاک و برینی ضبط و تصرف ابد که نفسکه زید معزول اولوب
 برینه بکر متول اولدقده عمره معجله مؤجله نامنه وقفه و بریدی ابقه اول باغچه تک
 محصولندن و بر بیک اجماعندن استیضا ایش اولیغین
 بکر مزبور اول باغچه عمره دون الوب و قیچون
 ضبطه قادر اولور **اجواب اولور علیهم**
 زید متولبی اولدیغی باغچه عمره اون یکی بیک ابقه معجله سنه ده شودر ابقه
 مؤجله ابله اجماع و تسلیم ایدوب عمره بعد الاستیجار اول باغچه بر قاج سنه
 ضبط و تصرف ایدوب اول سنه لوده باغچه تک سوره سنه و بر بیک اجماعندن
 وقفه و بریدی معجله مؤجله استیضا ابد که نفسکه عمره اول باغچه تک شودر
 محصولانی افند و استهلاک ایدوب بعده عمره فوت اول حاله متولی اول قدر
 محصولی و قیچون ترک و ابقه عمره قیض ایند و بر سنه
 تضمین قادر اولور **اجواب اولور کذا فی علیهم**
 زید متولبی اولدیغی وقف باغچه عمره اون یکی بیک ابقه معجله سنه ده شودر ابقه
 مؤجله ابله اجماع و تسلیم ایدوب عمره بعد الاستیجار اول باغچه بر قاج سنه ضبط و تصرف
 ایدوب اول سنه لوده باغچه تک سوره سنه و بر بیک اجماعندن وقفه و بریدی معجله
 مؤجله استیضا ایدوب بعده عمره فوت اولدقده باغچه اولادای ضبط
 ابله لر حاله متول و وقف اول باغچه عمره اول اولادای
 الوب و قیچون ضبطه قادر اولور **اجواب اولور علیهم**
 زیدک اولادنه و اولاد اولادنه وقف ابدیکی باغچه اولاد عمره نوبه تنده بکر تک بیک
 ابقه اجاره معجله نامنه ابقه سن الوب متولبی ایدوب استیجار ابله لر حاله بکر وفات ایدوب
 باغچه اوغلی خاله ابله قزی اشد لرنده فالوب اوغلی دخی وفات ایدوب باغچه دن نوبت
 اولاد زیدیه بشره ابله ولیدک اولدقده باغچه به مندر طلب ایدوب الیغین مندا اجاره معجله
 نامنه بکر و بریدی ابقه بی متول و وقفیم طلبه قادر اولور **اجواب**
 اجرت ارضدن و باغچه محصولندن قبض اولساند
 زیاده سنی اولور **بحسب افندی**

و باقی سنه معلوم من خازن الغنم
 فی الغنم و زائد الغنم و نماوه
 منصفه کالسنه و الیغین او منصفه
 کالاولد و الیغین و الیغین ان بکن
 او باقی سنه من خازن الغنم

مرثه قبل الورق من مطلقه ائمه افندی
 بسو

اون اوقتی باب بعد الاحراق و انحراب بنا بمانده در
 اولدغی بدی فصل اوزر بنده در فصل اول معجله محسوب
 اولق اوزر مستاجرک بنا سنی بمانده در
 زیدک اجاره معجله مؤجله ابله تصرفنده اولان وقف و کان محرق اولسه
 تجدد عقد اجاره لازم اولور **اجواب** تجدد اولما تجدد دخی
 متولی نعرضدن ممنوعدر کتب اسعد افندی من جموعه
 عرصه و بنا سنی زیدک وقفی اولوب عمره اول معجله مؤجله ابله تصرفنده اولور
 وقف منزل محرق اولوب عرصه صرفه قالدقده متولی وقف غلّه و وقفه بنا به ساعده
 اولما مغلّه بنا ایشیوب عمره دخی معجله محسوب اولق اوزر بنا ایدوب استیجار
 عرصه تک اجماعی متولی وقفه و بریدی اجاره معجله محسوب اولق اوزر بنا ایدوب
 ایچون استیجار ایدرکنه دخی بوغیکن متول عرصه عمره الوب
 آخره اجاره قادر اولور **اجواب اولما علیهم**
 زیدک اجرت معجله مؤجله ابله استیجار ایدوب تصرف اولدیغی وقف اوله لر
 بعد زمان خرابه مشرف اولوب زید عمارت و مرمتدن ابا و امتناع ایدوب وقفه
 دخی بنا به ساعده اولیب اول حال اوزر فالیغین بالکلیه خراب و منهدم اولق مقرر
 اولیغین اجرت معجله محسوب اولق اوزر مال بیلده عمارته طالب کسره اولمغلّه
 متولبی زیدک اجرت معجله استیضا ابدیکی مقدار وقفه سنی
 زیده و بریدی اول اوله لر الوب وجه محرر اوزر طالب
 اولنده اجماع قادر اولور **اجواب اولور علیهم**
 زیدیر وقف عرصه بی متول بنده اجاره معجله مؤجله ابله استیجار و بعده اوزر متول بیلده
 بنا به خرج ایدوب یکی ابقه بی معجله محسوب اولق اوزر بنا مراد ابدیکده متولی بن
 مال و فضل و قیچون بنا ایدرم دیو زیدی وجه مبتین اوزر بنا دن منعه قادر
 اولور **اجواب** وقفه مافع اولان ابله عمل اولنور جواب آخر نفع زید
 بنا اتمکده اولیغین اولما **بحسب افندی**
 زیدک اجاره معجله مؤجله ابله تصرف اولدیغی وقف و کان محرق اولدقده زید خرج ایدوب یکی
 ابقه بی معجله محسوب اولق اوزر عرصه و زینده و کان بنا ایدرکن متول راضی اولوب
 اول عرصه بی افند و آخره اجماع قادر اولور **اجواب اولما زید افندی**

فان انهدم کل الارکان لم یبق
 ان یفسخ الاجاره بحضرة الاجیر
 و غیره و یسقط الاجر عند انکسار
 و لا یفسخ الاجاره ما لم یفسخ
 فانه قیما بحسب الاجر

مرثه سنه مرور من جموع الغنم

و اما قبل متول الاذن فاما برید
 ان وقف بر غیر ابقه فی سالی التفرقة
 من الوقف

و یستحق ان یفقد فی الوقف
 یا نفع لکافی شیخ الجمع استیجار
 فی احوال الذموی

فصل ثانی متولی بنا ایندکه آخزه ایجار بیاندور
 زید متولی عروذتی به اجاره معجله و مؤجله ایلد ارمن و بنامی وقف اولان دکانه نیت
 معینه ده ایجار ایلد و مدت اجاره ده دکانه یا نوبت کر آرنه اولدندقه متول عمره و بر سر
 رنه اجرت مسومه ایلد بکره ایجار قادر اولور **اجوب** جانب وقفه ایلد و نقد
 انفع نجه انکله عمل اولور ذکر تا اذنی من مجبوته

اجاره معجله و مؤجله ایلد یکی باب وقف دکانه بر باب وقف محزنه متصرف اولان زید
 مدید ضبط و تصرف ایلد اول دکانه کر و محزنه معجله سنی استیفا ایندکه نصکره اول دکانه
 و محزنه محرق اولوب عرصه صرفه فالد قد نصکره زید فوت اولوب اولغلی عمره و بکره ترک
 ایندکه مسکنه مردار ایلد و نقد بنا به مساعده اولما مغله بنا اولوب عمره و بکره سنی
 ابا و امتناع ایلد بود قدر نده و نقد سنه حاصل اولما سه فامسول اول عرصه به

فصل ثالث بنا ملک املق اوزر با اذن متولی
 بنا و آخزه بیع و ثمنی حواله بیاندور
 زید اجاره معجله و مؤجله ایلد متصرف اولدیغی وقف منزه که تصرفی عمره اذن متولیه
 تقویض نصکره منزل فرورده اذن متول و کندی مالیه چو اهدا شایندگی ایندکه به
 عمره اون بدی بیک اذیه بیع و نسلم عمره قبول ایندکه نصکره ثمن فروری عمره متولیه
 اولدیغی وقف اولان اون بدی بیک اذیه دینه نقاس ایلد زید

اجاره معجله و مؤجله ایلد متصرف اولدیغی وقف بهودی خانه حریفه محرق اولوب
 غله و نقد بنا به مساعده اولما معین متول و وقف زید اجاره معجله سنه محسبه اولق اوزر
 کندی مالیه بنا ایلد و آخزه ایجار ایلد و بدکه زید بنادون امتناع ایلد و جانب وقف
 اجرت مؤجک سنی دخی و بر ماسه فامسول اول عرصه به زیدک بدنه لوب آخزه

ایجاره قادر اولور می **اجوب** اولور بحسب اذنی
 زید صغیرک بابا سنه انتقال ایلد اجاره معجله و مؤجله وقف دکانه حریفه محرق اولد نصکره
 و نقد بنا به مساعده اولما صغیرک بحسب عمر اول دکانه صغیر نفعی اولوب بحسبه
 محسبه اولق اوزر صغیرک مالیه بنا به قادر اولور **اجوب** اولور بحسب

دین فرورده خلاص اولش اولور **اجوب** اولماز بحسب اذنی
 بو صورتده عمره فوت اولدقه برینه متولی اولان بکره اون بدی بیک اذیه سنی
 ترک سنی قبض ایلد قری مندر بعد اثبات المغه قادر اولور می
اجوب اولماز زید عمر اولور بحسب اذنی

فصل خامس مستاجرک عرصه فراغی بیاندور

فصل رابع معجله سنه محسبه اولق اوزر
 بنادون مستاجرک امتناعی بیاندور

زیدک اجاره معجله و مؤجله ایلد متصرف اولدیغی منزل حریفه محرق اولوب عرصه صرفه
 فالد قد غله و نقد بنا به مساعده اولما معین متولی اذیه عرصه فرورده بر عمره بر مقدار اذیه
 بدل مغایر سنه فراغ و تقویض مراد ایندکه متولی منزل فروری محرق اولوب عرصه صرفه
 و خالی اولمغله سنگ علائک قالمادی دیوزیدی وجه سبتین اوزر عرصه فراغ سنه منع
 ایلد و ب بن تقویض ایلد و بدل تقویضی و تقویض بن لورم و بکه
 قادر اولور می **اجوب** اولور بحسب اذنی

بر وقتک مستغنا ندم اولد لره اجاره معجله و مؤجله ایلد متصرف اولان کمنه لر معجله لر بنی اذنی
 استیفا ایندکه نصکره اول اولد حریفه محرق اولوب عرصه صرفه فالد قد نصکره متول اجاره معجله
 محسبه اولق اوزر بنا به اذن و بر د ب فرور لر بنادون ابا و امتناع ایلد یکی سنه عرصه
 خالیه فالوب و نقد بر سنه حاصل اولما سه متولی اول اولد لر بنی آخزه ایجاره
 قادر اولور می **اجوب** اولور بمشله فنی صاحب

بشدک وقف سجلی اولان بر منزل محرق اولد قد غله و نقد بنا به مساعده اولما مغله
 متولی عرصه سنی بومی بر مقدار اذیه مؤجله و بشبیک اذیه معجله سنه محسبه اولق اوزر زید بنا
 اذن و بر سر ایجار ایندکه نصکره زید بنا ایلد آخزه بر مقدار اذیه بدل مغایر سنه فراغ
 مراد ایندکه متولی رضی اولوب حله فالد قد نقد مساعده و آرد در جواب اول زید عمره الیغی
 بشبیک اذیه اجاره معجله به زید و زاید و ب اول منزل بر بنی زیدک بدنه
 لوب بنا به قادر اولور می **اجوب** اولور بحسب اذنی

زید اجاره معجله و مؤجله ایلد بکره می سنه مقدار یکی بر دکانه نصکره معجله سنی استیفا ایندکه
 دکان فرور حریفه محرق اولوب عرصه صرفه فالد قد نقد بنا به مساعده اولوب متول
 کالاول معجله سنه محسبه اولق اوزر بنا ایلد و بدکه زید بنادون امتناع ایلد یکی سنه
 زیاده معطل فالوب و نقد بر سنه حاصل اولما سه فامسول اول عرصه اجاره معجله
 و مؤجله ایلد آخزه ایجاره قادر اولور می **اجوب** اولور بحسب اذنی

اولی بقیض الدین الذمهم والذمیر
 اولغاس لوبوشه ایها من لایه
 شیبنا فاشترک له والذین علی حاله
 من و کار خزانة الفساق
 و به تنج بیانک عدم مطابقت سنه
 حواله نه قدر من خطا و سنه اذنی
 اذنی متول کالوکیل و کالوسنی نه بجز
 تصرفه فیما بنام شرط الواقف
 کالو بجز تصرفها فیما بنام شرط الواقف
 و موسبه و بکنه استفا و بکنه
 المعبره فاعل
 اذنی وکیل الواقف عند بر بنه
 وکیل انفق و عند محمد فینزل بیوت
 الواقف عند بر بنه و لخر
 و بیطل ما شرط له بجهت خلافا لحدی کل
 استیفاء فی کتاب الواقف
 مرت سنه ظهر الورق بعد سنه
 مرت سنه و انصور من القینه
 و الاستیفاء قبل الورق

و که ان یفعل کل ما کان خیر الیقین
 اوب او سیاقی المساربه

بترتو آده بعد استیفا و المعجله قیدی
 اوزر

عسولی ان یفعل ما وقف بکونه
 معسولر عطا اذنی من الامتعا

مرت مستند قبل از در وقت من است
و اشباه بسلامت

بنا بر این که در وقت من است
بنا بر این که در وقت من است

و اگر چه از قبضه اجاره و کفایت
اجاره کان لها بحساب ماضی
قدستونی نماند و بر ذراتی
علی الساجد من شرح الطحاوی

و در ملاحظه شود بر مضمون
و در ملاحظه شود بر مضمون
قیده کی گفته عثمان الغصب

بنا بر این که در وقت من است
بنا بر این که در وقت من است

در حق غصب از زمانه و تقاضا
قال بعضهم من الغصب
و بعضی مابعد فی الاجاره است
و تقاضای غصب از زمانه
ظاهر و مخالف الاثمه الا وجهه

و اگر سکن الزرع مع امرأته فی دارها
قالوا اجاره لها محله
و سکن در وقت غصب او
المستوفی اجاره کان محله
کانت حده لکن مستوفی
له من شرح الغدیر لابن الهمام

رجل سکن در وقت با جمله و اولاده و خدمه و اجاره
من ارضیه فی الاجاره

تحتانی زیدک فوقانی عمر دکن احاره معجله و مؤجله ابله نصر فزنده اولان وقت اوله
مخرف اولوب بعده زید اذن مؤجله کالاول تحتانی معجله محسوب اولن
اوزر بنا ابله حاله عمر و فوقانی سنی وضع قدیمی اوزره بنا مراد ابله

زید عمر وی منعه قادر اولور **اجواب اولماز** عجله
زید مؤلیسی اولدینی وقف مخزنک سقنی عمره اوزر زید بنی بنا اعدا بنی معجله شود
اجرت معجله و مؤجله معلومه ابله اجاره و تسلیم و معجله عمره و عذر اعدا بنی عمره
سقنی ورت آتی ضبط ابدوب لکن اوزر بنی بنا اعدا بنی معجله مؤجله استفا
ایندین مخزن مخرف اوله عمر و معجله مؤجله استفا ایندیک مقدری زید

استراده قادر اولور **اجواب اولور** بجای اعدا بنی
زید اجاره معجله و مؤجله ابله نصر فزنده اولان وقت اوله کندی مالیه فصولا اوله
اعداد ابله معجله نقل ایستوب وقف بنا سنهدم اوله فاضلی وقف اولان عمره و تفک اول
سنهدم اولان سنهدم زیده نصیبه قادر اولور **اجواب** نقصا نصیبه ابدی بجای اعدا بنی

اون در دینی باب بلا مقاوله سکنی اجرتی طلب بیاننده در
اولدنی ورت فضل اوزر بنی در **فصل اول** زید صعونه منزله
کندله ساکن اوکی بابا سندن و زوجة زوجندن
واحد شریکین اخرون اجرت طبعی بیاننده در

زید صغیرک بابا سندن انتقال ابدی اجاره معجله و مؤجله وقف منزله و آله معجله
اوکی بابا سنی عمره ابله بر دست ساکن اولوب و تفک اجاره سنی عمره وقف و بر دوب
بعده زید بالغ اولدنی اول مدت چون عمره اجرت نمانده

المغه قادر اولور **اجواب اولماز**
بوصورتی بکراضی عمره و سن فصولا بنیم اوزر اولور دکن اجاره ابله حکم ابله
صیح اولور **اجواب اولماز** بهما عجله

زید زوجة سنی اجدان معجله و مؤجله ابله نصر فزنده اولان وقت منزله بر فاج سنه
بند ابله ساکن اولوب اول سنه لکن اجرت مؤجله سنی وقف و بر دوب بعده زید سندی
نظریق ابله زید سندی جهت فرض اولان اولور در دست غرضی بند طلب
ایندیکه سندی مبلغ عمره ابله اول منزله ساکن اولدنی لکن سنه لکن اجرت
طونام دیکه قادر اولور **اجواب اولماز** منقاری زاده

مستافع معده استغفال معضونه اولان سکن بنا اول کلک و عقد کبیت سکنه امد الشریکین ذی الملک
وانانی الوقت اذا سکن اعداها بالغت بدون اذن الاطراف سوا کان موثرا معسکری و الاستغفال
فان حجب الاجر اشباه فی الغصب یعنی بحیب اجرائش موثرف لا مشرکیت ذی استفاد من اجاره
الوقف فی کتاب الاجاره عفا بنیحات

42

زید فزندی اجدان معجله و مؤجله ابله نصر فزنده اولان وقت اوله
بندکن اذ غرضه ضبط و بر فاج سنه اجدان معجله سنی جانب وقف و بر ش اوله
حالا سندی زید معجله سنی نصر فزندی سنی لکن اجرت اجرتی طلب
ایندیکه قادر اولور **اجواب اولماز** عجله

فصل ثانی تغلبا ضبط بیاننده در
بر وقت عفا رانده اولان بر دکان وقف اخر مؤلیسی با تمسک تغلبا ضبط و زید بجای
بر فاج سنه اجرتی زید اجدان معجله وقف اولک مؤلیسی عمره و نظیر اولوب اول دکان مؤلیسی
اولدینی و تفک عفا رانده اولن اوزر ضبط ایندیکه فزنده زید اوزر دینی

ایام ایچون اجرتی المغه قادر اولور **اجواب اولور**
بوصورتی زید وقف اخرک مؤلیسنه و بر دینی اجرت ابله رجوع ایتمکه قادر
اولور **اجواب اولور** بهما عجله

زید صغیرک اجاره معجله و مؤجله ابله نصر فزنده اولان وقت اولان معجله و مؤجله
نصر فزندی مؤجله سنی جانب وقف و بر ش اولان معجله ابله اولوب دکانی عمره و اولوب
ضبط ایندیکه فزنده نصر فزندی سنی لکن اجرتی عمره المغه قادر
اولور **اجواب اولماز** عجله

زیدک اجاره معجله و مؤجله ابله نصر فزنده اولان بر وقت منزله عمره و تغلبا ضبط و اوزر بنی
ملکی اولن اوزره اجدان ابله معجله زید منزله عمره و دن الوب ضبط ایندیکه فزنده اجدان
مؤجله سنی قلع ارض وقف مضر اولما سقله با شرت مؤجله عمره قلع و رفع
ایندیکه قادر اولور **اجواب اولور** عجله

فصل ثالث فضولی ضبط بیاننده در
زیدک اجاره معجله و مؤجله ابله نصر فزنده اولان وقف منزله عمره و مؤلیسی کبر کبر سنه
مقداری ساکن اوله عمره ساکن اولدینی ایام ایچون اجرتی لازم اولور
اجواب وقف ایچون اجرتی لازم اولور بجای اعدا بنی

زید و عمر دکن مشترک اوزر نصر فزنده اولان ایچون دکانی بکرضو لا بر دت ضبط ابله زید
دکانی بکرضو لکن بکرضو ایچون بکرضو اجرتی المغه قادر اولور **اجواب اولماز**
وقف ایچون اول ندیده بکرضو اجرتی الوب وقف طرفه و بر لکن اجرت
زید و عمر دون ساقط اولور مستراده و عجله

سکنا سنه تم بان انها وقف
اوله نصیبه بحیب اجرائش ماضی
و کبیت فی ذوات صاحب لویطه و ابله
و ابله سکنه تم ظهر انها وقف
اوکانت مضمون بحیب اجرائش
من فصول اجاره سنی فی کتاب
من دفع شینا لیس و اجبا علیه
استراده من شرح الوجیهات
مرت اذنا بعد

غصب و از من دست اجاره اجاره
الماک تسع اوکل المغه لرجف
اجاره فله المضمون جامع المضمون

و کذا لو سکن در الوقت بلانوت
الوقت و نصیبه بکرضو اجرتی
بالغایم من الحق المضمون فی کتاب

ولو غصب لکن المضمون اجاره سنی
بسطه اجاره سنی اجاره سنی
فی بد الغاصب من المضمون اجاره سنی
فی الرابع عشر من الاجاره
مرت اذنا

فوق سن و از شریکها بقیه الاخر
 او نیزه او بر اولو عزت حاصلند
 و آن صلی الله علیه و آله که در حق کسی
 و نوابه بجهت کفایت از شریکین
 علی کفایت اولو بجهت کفایت کل آنها من
 دخول و نمود و در منع اشعه فیتقل
 علیها مانع کفایت و اولم بجز فصار
 اکتافه ساکنانی کفایت بکلیف
 برزم الاجر جامع الفصولین بکلیف

مرتب شد نظر الورف بعد از
 فاعده العین الموجهه اذا فصبها
 فاصب فاعلم ان الشراة انی
 مستلثة تا اذ ان اخرج الغائب
 بشفاة او صحابه کفایت بقیه
 فواءه از بقیه

بجهت بی اینه و الا قرار و اما نمک
 فاصب بجهت لان الخطه نما برور
 نظریه من الوتف

زید فوت اولوب تصرفه اولان اجاره معجله و مؤجله وقف و کانی قری هند ایل
 او غنی عمره انتقال ایدر هند اخذ دیار هر بولمغله عمره اول و کاندنم حصه سنی
 اذن متولیه بکره فراغ ایدر بکره بکره بکره حصه سنی و خنی او نوز سنه فصولا
 ضبط و تصرف ایلر حاله هند کلوب و کاندن حصه سنی ضبط ایدر که
 تصرف ایدر یکی سنه لایچون بگردن ابرو مثل طلب ایدر المغه قادر

اولور می اجواب اولماز علی عظیم افندی

زید آخر دیاره کبدوب اجاره معجله و مؤجله ایلر تصرفه اولان وقف و کانی عمره فصولا
 ضبط ایدر ببردت ایدر ساکن اولر حاله متولی وقف عمره و فقیچون

اگر مثل المغه قادر اولور می اجواب اولور علی عظیم افندی

زیدک اجاره معجله و مؤجله ایلر تصرفه اولان وقف و کانی سنی عمره فصولا ضبط
 و بر سنه تصرف ایلر اولر موخانه به الدقه تصرف ایدر یکی سنه عمره و فقیچون

المغه قادر اولور می اجواب اولماز علی عظیم افندی

فصل رابع غصبا ضبط بیانده در

زیدک اجاره معجله و مؤجله ایلر تصرفه اولان وقف منزله مشغله عمره غصبا افندی
 ایدر بوج اوج سنه تصرف اولوب زید بر طریقه غرضه تحلیفه قادر اولماز اول سنه کزک
 اجاره سنی زید او زربنه لازم اولور می اجواب اولماز و فقیچون

فاصله در اجرت لازم اولور علی عظیم افندی

اون بشینی باب معجله و برکنسین ضبط

بیانده در اولدخی ایکی فصل او زربنه در

فصل اول بلا تمسک ضبط بیانده در

زید بر وقفه متولی اولدق مدت مدید عمره و ک تصرفه اولان وقف و کانی ایچون
 عمره و سنه متولی تمسک طلب ایدر که عمره و ببردت تمسک بولنما مغله زید و کانی
 مزبور می آخره ایچاره قادر اولور می اجواب عمره و ک وقف جاننه اجرت معجله
 و بر برب نیمه زمان اجرت مؤجله سنی بره کلوب وجه معتاد اوزر
 استیجار ایلر تصرف ایدر یکی ثابت حصه تمسک بولنما من ضرر و بر
 خصوصاً اجرت و بر یکی دفتره مسطور ایلر آخره

ایچاره ایچمکن ممنوعدر بحسب افندی

میتا ما من انما من الظهیرة فلو یکن
 ان یسینی علی العمل بالذکر او سبق ان
 الفکت الذی علیه خطوط الحدیث
 او یصل بیکلیف بالذکر

زید فوت اولدقه عمره و ک و فقی متولیه سی اولان بکر عمره و ک وقفه بر معین و کانی ایچون
 زیدک تصرفه اولوب حالا قری منده انتقال ایدر ایدی دیو هندک بدینه
 بر تذکره و بر بوب بعده منده تصرف ایدر بر دفتر وقفه اول و کانی زیدک
 او زربنه اجاره معجله و مؤجله ایلر اولدغی معین اولمبوب و بدینه بر متولی
 تمسک اولمبوب و هند اثباته قادر اولما مغله بکر برینه متولی
 اولان بشره کانی هندک بدینه الوب اجاره ایلر آخره و بریکه

قادر اولور می اجواب اولور بحسب افندی

زید اجاره معجله و مؤجله ایلر تصرف اولدغی و کانیک تصرفی حال صحته قری منده
 تقویض ایدر ببردت ایدر سنه تصرف ایدر ابرخی جانب وقفه ادا
 ایلر زید فوت اولدق وقف مزبور حاله متولی اولان عمره متولیه بکر بکره بودر
 و بود کانی هندک بدینه المغه قادر اولور می اجواب اولماز متولیه بکر
 هند خراجت الدقلی اذدر تذکره برینه طورر

محمد ابن بن سعد الدین

زید عمره و بکر و بشره ایلر مشرک اولدغی اجاره معجله و مؤجله وقف مخزن زید
 ربع حصه سنی اذن متولیه شوقه راقبه بدل مفا بکر سنه صحته عمره فراغ ایدر
 لکن متولیه قراغه تمسک التمدین زید بلا ولد فوت اولدغی متولی مجر زیدک بیانده
 تمسک التمدین بوج حصه مزبور بکر زیدک محمولند اولمق اوزر و فقیچون

ضبطه قادر اولور می اجواب اولماز علی عظیم افندی

بروقف منزل زیدک اجرت معجله و مؤجله ایلر تصرفه ایکن فوت اولوب اولاد نه
 انتقال عادی ایلر انتقال ایدر که بفرکه اجاره تمسک اولاد بدینه ضایع اولر
 حاله متولی وقف مجر و تمسک ضایع بعدر دیو منزل اولادک
 بدینه المغه قادر اولور می اجواب اولماز

زید متصرف اولدغی وقف و کانی متولی اذینله عمره تقویض ایدر متولی فقی معجله
 الوب لکن تذکره و بر بدین عمره و وفات ایلر حاله متولی اجاره معجله سن المکن
 تمسک و بر بدم و بود کانی آخره و بر بدم و بکره قادر اولور می اجواب
 اولماز اذن و بر بوب اجاره معجله سن المکن کفایت
 تذکره لازم دکلا در محمد بن سنان زاده

وقف منعقد بالتعاطی ظاهره فلو یکن
 نعم ان علمت المدة و فی البیة زید
 ان تصرفت نعم و ان لا و المقتدر
 فی الاجاره

و منعقد باعینک فیه الذکر شهره بکره
 لان العاریة بعوض الاجاره بخلاف
 العکس او و بیکت او و بیکت
 منافعها شهره بکره افاد ان رکبها
 او بجاب و القبول من الحق المزبور

اذن المتولی ان تصرفه بجهت اجاره
 فنی منعقد باه بجاب و القبول
 فلو یوقف علی التمسک

قال محمد رحمه الله مستأجران بوجوه البيت مستأجر من غيره من ارباب في الفصل السابع من اجارة
وقد سبق من عظام الفقه ان الفسخ بغير حقيقه في اجارة عقد لازم فلا يفسخ بغير مذكر
مصره الفسادي

فصل ثامن في اجارة مبيعه

زيد اجاره مبيعه وموكله ابله نصرته اولان وقتف وكان سنده منولى اذ قبله جنانا
عمره فراغ ابله عمره وموكله تمسك الدفء فسكره زيد با ولد فوت اوله حالا منولى عمره
سن وكان من بوري جنانا المشي ابله باكه شوقة راجه وير يا خود بن اول وكانه محلول املق
اوزن ونفسيه بيجار ايدرم وبكده قادر اوكور **اجواب اولماز** عجب الريم
فردا شلر اولان زيد وعمره وكبر وقتف عرصه به اجاره مبيعه وموكله ابله منصرفه يكن
زيد وعمره با ولد فوت اوله منولى حقه لربني بيجار مراد اينكده بكر بن جنانا ضبط ايدرم
ويو منولى به منفه قادر اوكور **اجواب اولماز** على الفدي

اون النجى باب صلح ووكالات وانما مقام مبيعه

زيدك اجاره مبيعه وموكله ابله نصرته اولان وقتف وكان ايجون عمره اول وكان
بتم اجاره مبيعه وموكله ابله نصرته در جوه دعوى اينكده زيد عن اقرار عمره ابله
بر مفسد اراجه به منولى اذ فسخ صلح اول صلح مبرور صحيح
اولور مى **اجواب اولماز** بدافنى عجب الريم اخذى

مستبرر وقتف منزل اجاره مبيعه وموكله ابله نفسيه چون استيجاره زوجي زيدا وكيسل ايدوب
كوندر وكده زيد منسك مابيله منولى استيجار ابله كى منزلي كندى اوزر بنه بازور سه
مستبرر بون مال كذبتك اولوب زيدا خصوص مبرور وكيسل ايند كيني بيان ايد بچك
زيدك تمسكنى الف ايدوب منزل كندى نصرته قادر اوكور **اجواب** زيد نفسيه چون
استيجار ايند بيه اولماز بحسبى الفدي فى الوكالات

زيدك اجاره مبيعه وموكله ابله منصرفه اولد بغير وقتف منزل وفانده فسكه كبيره او غللى
عمره وكبر ابله صغيره او غللى بشده انتقال ايند كفسكه عمره وكبر منزل مبرورى اصالة
وصغيره مبرور ك وصغيره طرفه من وكالاته اذن منولى به خالده فراغ ابله لرب فراغ
كوند فسكه صغيره مبرور فوت اولد فده منولى صغيره مبرور حقه فراغ
صحيح وكده ويو حقه مبرور به ونفسيه چون اخره اجاره قادر
اولور مى **اجواب اولماز** بحسبى الفدي

بر وقتف وكانك منولى سى من اول وكان اجاره بكرى نو كيسل ايند كده بكر اجاره مؤجله سنده
نقصان فاحشه عمره بيجار ايدوب مبيعه نامنه شوقة راجه لسه سنده اول مبيعه المبيعه وكانه
اخره ايجان قادره اوكور **اجواب اولور** كذا فى منتقار زاده

وتشيع اجارة بلا عاقبة الى الفسخ
بمرت اعداهاى اعداها الذين اوتوا
نفسه لا تما لوقيت نصير المنفعة
المعكزة او اجارة المعكزة غير العاقدة
مستوفى بالعقد فتمت افعالها الى الوكالات
وهو اوكور در ربي اجارة

قال الامام في شرحه الصريح في البيع
اشارة الى ان المبيعه مبيعه المالك
بغيره المستبرر لا ياتي بغيره كذا بين
فلا يكون خصما لاول فالحق مسل
ان المستبرر لا يكون خصما لمن يبيعه
الاجارة او الزم من ادا الشره
ظهيره في الرابع من المبرور
او كيسل بشره بشره بغيره اذ بشره
ما ولى به بشره بشره هو اقول ان المالك
ثم اذى بعد ذلك انه بشره بشره
فان لم يكن ملزمه فوالله صدق وان
المؤمن وهو فوالله فان ساق بشره
ونقد منه فالشره هو كبره
في قوله بشره بشره فان بشره بشره
وان انصاف بشره الى غير وقتف منه
فالشره يقع كوكيسل من بشره الظاهر
حتى يصدق كوكيسل في بشره
هو كبره وان نقد مال المولى يصير
منه من اى اخره من وكالاته
نقد الفقه ربي

والله سى بلك ان بولم يبيعه بولم
ان يبيعه نفسه في المولى
احكام مستعار
والمبيعه هي حقه جارة من الفصل
من القسم الاول من البيع اشارة بغيره
5

او كيسل با اجاره اذ اجاره باجره لها وانما ما يتقاربان الناس
فببانه وانما بغيره فببانه وانما ما بغيره من المولى
فى الوكالات ولقول الامام بن بيشى 5

اذ وكل الزم من المبرور والعدل او غيرهما ببيع الزم من مملوك الذين قالوا لا يجازى
بيع ماله بايه نى وببانه بوضع على العدل فاسد الزم كصحيحه فى الاحكام فببانه ببيع الفصولين
كل عقد جازان يعقده الانسان بنفسه جازان بولم يغيره عما به محتات انما ننزل

زيد عمره ونى الدينى شوقة راجه مفسا بلسنده اجاره مبيعه وموكله وقتف منزلي
اذن منولى عمره وفراغ ايدوب اولد فسخ مبيعه مبرورى فلان زمانه وكذا ادا بده مرسوم
عمره سن طرفه دن وكيسل اولوب منزل مبرورى بدل مشلي واذن منولى اخره
فراغ ابله وبدلندن دين مبرورى استيفه ابله ويو نو كيسل عمره ونى قبول ايدوب
بعده زيد اخره بار كده وب مبيعه مبرورى اول زمانه وكين وبر ماسه عالا
عمره منزل مبرورى اذن منولى طالب اولد كده بدل مفسا بلسنده
فراغه قادر اولور مى **اجواب اولور**

بوصورته عمره منزل مبرورى اذن منولى بدل مشلي مفسا بلسنده بكره فراغ
ايدوب بدلنى الدفء فسكه وبنندن زباده بدى بيك اجه فضلته فالمنفله
اول فضلته ب زيدك زوج سى بسنده زيد كلكده وبره سن ويو تسليم برك
بعده زيد كلكده فراغ مبرورى طو تمامه قادر
اولور مى **اجواب اولماز**

بوصورته زيد ككوب منزل مبرور ك وفراغنى اقرار لكن عمره وجه مشرور اوزر
صلب عقد رهنه نو كيسلنى انكار ايند كده بكر زيدك عمره وجه مشرور اوزر نو كيسلنى
عمره ك حضوره اثبات ايدوب مبرورى اتم كلكه بكر بدل ويو بركى اجه ب
عمره ونى عمره ونى مبرورى اجه ب مبرورى الوب منزل مبرورى
رهن اولمق اوزر ضبطه قادر اولور مى **اجواب اولور**
بهم عبد الرحيم فى الاستغفال من كتاب الرهن

ببانه اجاره مبيعه وبوي براجي مؤجله ابله نصرته اولان وقتف محزن اخره
بدل مفسا بلسنده فراغ ونفسيه زيدى نو كيسل ايند كفسكه زيد عمره اول محزن
حالا وبعد اليوم بوي البشر اجه اجرت حاصله اولور ويوب اول شرطه عمره
شوقة راجه بدل مفسا بلسنده اذن منولى فراغ ايدوب بدل مبرورى عمره
الوب بعده عمره اول محزن اجه بوي ايكى اجه اجرت حاصله اولد بغه
واقف اولد فده محزن زيد رذا ايدوب ويو بركى غر وشلر
زيدون المنه قادر اوكور **اجواب اولور**

بوصورته زيد بن عمره وشلرى موكله ويردم ويوب ويرمكدن امتناعه
قادر اولور مى **اجواب اولماز** بهما عجب الريم

وتشيع اذ ابله من نو كيسل عزت من بقول الله بان العقود التى تعلق حقهها بالعاقده
ابيع والشراء والاجارة والاستيجار والتعلق من المال 5

او كيسل ببيع بجزءه بالقبول وكيفية
عقد ابله حذقة وناله او بجزء نقصان
لا يتقاربان الناس فى شلته اذ بجزء
والقبول ابله بعقودها
ببانه الفسادي فى الرهن

فقره من ان يحبس الرهن بغيره
الذين الفدي رهن بفسول عمادى
فى الناسع عشر

او بايع ما نوا على ان تحقها عشره
درهما فاذا ابيع عشره فان زاد برك
انها كانت تنقل فيما مضى كذا فى شرط
ه فيشيع بر اعد ولا يفسد ببيع رهن
اراد بلك انها كانت تنقل فى المستقبل
وجعل ذلك شرطه فى العقد فانه كذا
فان اطلق ولم يفسد ولم يبره بشيئا
فالعقد ناسه وهو محمول على المستقبل
من المحيط بمرادى من البيع
الاجارة نفسه بالشرط انها ابيع
باصح الفصولين

تقديم ان برحق بما يجوز له انصرف فيه غير قيد في تصرفات العيتم و قدم من فرائض الشاه يستغاد
تأخر في العنق اسناد الذي هو عبارة عن الفرائض اذن المتولى من تصرف الفنا و بطلان

بر ذكك عصار انك متولسي زبد عمر دي برينه قائم مقام نصب و تعيين ايند كده دوشن
محلولا نه و نجي اجاره معجله و مؤجله مشيلد اجاره اذن و برسه بعده وقف مزبور
بر عصار محلول ولد قده عمر و اجاره معجله و مؤجله مشيلد بگره اجاره و تسليم ايند كده
بگره و نجي متولى اذ من اول عصارى عمره و فرائض و تقويض ابله

فراغ مزبور معتبر اولور مى اجواب اولماز
زبد متولسي اولديغى وقف و كاكيتك سناجر لرضه اجاره نجي جمع و مرزقيه و بر كك ايجونم
بگره قائم مقام نصب ايند كده دوشن محلولا نه اجاره اذن و برش و كل ايجون اول و كافر برى
محلول ولد قده بگره فصولا بشره اجاره معجله و مؤجله ابله اجاره ابله زبد طو نميوس
آخزه ايجان قاور اولور اجواب اولور عجم افندي

ادون بى نجي باب شهادت و ترجيح بينات بيانده در

عرضه و بنا سى وقف اولوب اجاره معجله و مؤجله ابله زبد ك تصرفنده اولان قنوه خانه كك
جمله بنا سى محرق ولد قده متولى اذ من زبد ككندى ماليله بگره بنا ايند كده نسكره بلا ولد فوت
اولد قده متولى زبد اول بنا يره وقف تهر خانه ايندى بنا و قنور و بود دعوى و اقامت بينه
ايجون و ورثه نسيجى بنا ايندى بنا زبد ك ملكه در رسمه او خال بده رز و بود
دعوى و اقامت بينه ابله لرفق نك بينه سى اولى در اجواب

متوليك بينه سى اولى در بى نجي افندي فى ترجيح بينات
بند اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفنده اولان وقف عرضه اوزر بيه بر منزل بنا ايند ب
بعده بلا ولد فوت اولد قده متولى منزل مزبورى و قنوجون ضبط مراد ايند كده بنگر
ورثه سى ايند اينه مر فومره اذن متولى و ماليله نسيجون بنا ايند كده بيه
اقامت ايدور متولى معجله سنه محسوب اولمق اوزر بنا ايند كده اقامت بينه
ابله نك نك بينه سى اولى در اجواب متوليك بينه سى اولى در

عجم افندي كذا فى سفار ك زاده فى ترجيح بينات
زبد اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفنده اولان بر وقف عرضه اوزر بيه بر منزل بنا ايند كده نسكره
زبد ب منزل مزبورى نسيجون ملكيت اوزر بنا ايند بيه و بوب متولى وقف همى زبد اول منزل
معجله سنه محسوب اولمق اوزر و قنوجون بنا ايندى و بواختلاف ابله لرفق نك نك
بينه نك نك دوشر اجواب قول زبد كدر بينه متولى وقف دوشر
عجم افندي افندي بمشله على افندي فى ترجيح بينات

در بيه كوكيل بيا قيه ماليله بگره
الوصى المشياه فى الفرض الثالث
معلقى بى يكون تصرفه بنا عدله و تقويها
و نك سيق من عطاء الله افندي ان
عقد العنق و بيقض بيقض من له
المنقضى و المتولى منهم

جوز بيه سيقى على اصل الذى نفع عليه
كثير من المسائل و هو كون العقول
قول من يشهد له الظاهر و البينه
بينه من يشهد له الظاهر على خلافه ان
الظاهر ان الله انسان بينه نك
عطاء الله افندي فى ترجيح بينات

و ان بيه اذ نجي و لم يشهد بنا نك
وان نك كونه لوقف كان و نك
من وقف اذ در
سكنى بر انقسام من نجي فى الوقف
و دات ان نجي من لوقف و نك
وان لم يكره سيقا قير و منه وان بگر
ان نجي لوقف و نك
من وقف عطاء الله افندي

و جواب بدين استو ادين يستغاد و نك سيق من عطاء الله افندي
اذن المستاجر و يقوم مقاسه من اوزر من يشهد له الظاهر

بند اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفنده اولان وقف عرضه اوزر بيه ماليله بعض
اينه اهدا ث ايدوب بعده بلا ولد فوت اولد قده متولى وقف ايند اول
اينه بيه وقف تهر اولمق اوزر بنا ايند كده بيه و بوب و رثه ملك اولمق اوزر
بنا ايند كده بيه و بواختلاف ابله لرفق نك نك بيه نك نك دوشر

اجواب قول و رثه كدر بينه متولى بيه دوشر عجم
بند اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفنده اولديغى وقف منزل اذن متوليله عمره و فرائض
ايند كده نسكره بيه بلا ولد فوت اولد قده متولى ايند كده فرائض مرض موتيه اولمشيدى
و بوب عمر و حال صحتيه اولمشيدى بواختلاف ابله لرفق نك نك
اولما بى قول نك نك نك راجواب متوليكدر عجم

زبد اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفنده اولان بر وقف عرضه اوزر بيه ماليله بنا ايند ب
مصرف ايجون بلا ولد فوت اولوب متولى زبد اول بنا يره اجرت معجله سنه محسوب اولمق اوزر
بنا ايندى و بوب و رثه ملكيت اوزر بنا ايندى و بواختلاف ابله لرفق نك
نك نك راجواب و رثه كدر عجم كذا فى سفار زاده

زبد ذمى فوت اولوب ظاهره و اولادى اولما من زبد ك تصرفنده اولان اجاره معجله
و مؤجله لوقف و كاكيتك سناجر لرضه اجاره نجي جمع و مرزقيه و بر كك ايجونم
بگره قائم مقام نصب ايند كده دوشن محلولا نه اجاره اذن و برش و كل ايجون اول و كافر برى
محلول ولد قده بگره فصولا بشره اجاره معجله و مؤجله ابله اجاره ابله زبد طو نميوس
آخزه ايجان قاور اولور اجواب اولور عجم افندي

زبد مسلم متولسي اولديغى وقف منزل عمره و نجي بر اجاره معجله و مؤجله ابله بيار و تسليم
ايدوب عمر و ديش النى سنه و بگره برى مصرف ايجون بگره بيه و نجي ظهور ايدوب اول منزل
سنين مزبوره دن مقدم بنم اجاره معجله و مؤجله ابله تصرفنده در ديو زبد ابله
عمر اوزر بيه دعوى و مزبور لرا نكار ابله كل نك بگره نك نك
يهود بيه شهادت ابله لرفق نك نك

اولور مى اجواب اولماز عجم

ادون سكر نجي باب و پار آخزه كيدن سناجر بيا نكده در
اولد نجي ايج نك نك اوزر بيه در نك نك اول سناجر ك تصرفنده
اولان عرضه بيه متوليك آخزه ايجارى بيا نكده در

والاصل فى المحادث ان مجال الترتيب
الاوليات غاية فى العود و الفرائض
ما رثت و يتبعين الاقضاء
فى الوقف باه نفع له المشياه

مرشد مع مسئله افندا

وقى الاستحسان نفيها ان النسب
و ما ثبت بالفرش و الفرائض
بالتكليف و كذا على الامة انما يكون
فى دورهم قائلها ولا يصح للمسلمون
فى الغالب تلوم تقبل شهادتهم
لاذى الى تضييع الحقوق
محط لبراهن من الشهاده

و لا يبر الادعوى المتولى لان الشرف
من وقف بيز و بيه
لا من كافر على مسلم او فى الرضايا
والنك من شهاده الدر

اوستی و ازانی اجاره غیره تقبل
بیش از حدی که بجز آنجا که است
بیمه جمع الفتاوی فی الامور

زید متوفی است اجاره معجله و مؤجله ایله منصرف اولد بقی وقت منزل و دکانه تصرفی
او غلی عمره و انتقال ایدوب عمره و خجی سر آری سلطانیت خذ شده اولمغول منوی وقت
عمره و ک از زینده قید اولنما شد در جوار آخره ایجار ایدوب بر قاج کس که زید بنده اون سن
سنه مقداری زمان نداد اولند نصکره عمره و جوقوب منزل و دکانه بک منصرف بدت
بولوب منوی وقت و بکرموا جهم لرنت دعوی و باباسی زیدک و جیبین
اوز منصرف اولد بقی اثبات ایلر حاله منزل و دکانه بکرمک بدتیم
المغه قادر اولورمی اجواب اولور بحسبی افندی

فصل ثانی غایب بیاینده در

زید خانیک تحت اجار سنده اولان وقت دکانه منوی وقت زید منصفو اولدی جوب
عمره ایجار ایدوب بعد عمره مدت اجاره ده فوت اولوب قانون پادشاهی اوزر
او غلی بکره ایجار اولوب بعد زید حاضر اولوب دکانه عمره و سوجه شرعی ایجار
اولمغول جوب طلب ایدوب المغه قادر اولورمی اجواب اولماز

زیدک مدت معتمد سی اولمغول

صورت مزبور ده دکانه زید حکم اولند نصکره بکره خجی عمره و بکره ایجار
معجله بی منوی طلب ایدوب که منوی عمره اجاره معجله بی و بکره زید کلوب
دکانه طلب ایدوب اجاره معجله بی وقفه بیه ایدوب و پیش ایدی جوب نقل ایدوب
شرعا و بر ما که قادر اولورمی اجواب زید حکم سبیل
اولمغول بکره مقرر قلمنور وضع انه افندی

زید فوت اولوب قزلری بیه و زینبی و آخر و بارده او غلی عمره و ترک ایدوب که
زیدک اجاره معجله و مؤجله ایله منصرف اولد بقی دکانه عمره و حصه منوی وقت
عمره و غایب در و بوقضی چون ضبط و آخره ایجار قادر
اولورمی اجواب اولماز بحسبی افندی

فصل ثالث کافران کسیر بولنان سناجورک احوالی بیاینده در

اجاره معجله و مؤجله ایله بر وقت عرصه بی منصرف اولان زید و آرا کربن کسیر
اولد فوت اول عرصه خالیه و معطل فالوب مؤجله سی اون سنه مقداری جانب
وقفه و بر ما سه منوی رای حاکم عرصه بی و قضی بکره ایجاره
قادر اولورمی اجواب اولور کذا فی منظر آورده

و تو خایب است اجاره معجله سنه و لم سلم
المفتوح الی آخره نظر ان بخند له
مفتاح آخر و بر ما سه شرعیه بغیر
اذن حکم مسرئی اجاره منقضیه

و غلی ایجاره و نه افندی
در فی المنصفو

و انتقال الی امره و امره قانونیه
فی زمانه کذا فی منظر افندی

بسته اشقی ان فیه اجاره غایبها
ان ترجیح الی سنه و کور فی خانه
استون الی و تصفیه مرت تقبل
اعدی و عشرت اورانی منظره
بسته من غیر مع ایله

زید عمره و من فرض الیفی سکان بیک اجه مضایقه سنده اجاره معجله و مؤجله لی
وقف دکانه عمره برین نامنه وضع ایدوب منوی وقت اذن و بکره بعد حرق
واقع اولوب اول دکانه محرق اولد قد عمره و کس زید و سنده اولان سکان
بیک اجه سی ساقط اولورمی اجواب اولماز بحسبی افندی

زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرف اولان وقت منزل و وقف مزبوره اولان شودر
اچه و بقی مضایقه سنده منوی برین و تسلیم ایدوب قبل اداء الدین مغلنا فوت
اولسه خانه زیدک او غلی بکره و بکره برین مزبوری و برین اول منزل

منوی المغه قادر اولورمی اجواب اولماز بحسبی افندی

زید فرض مؤتمده اجاره معجله و مؤجله ایله تصرف اولان وقت دکانه تصرفی
زوجه بی سنده بیه طریقیله فارغ اولوب منوی عمره و خجی نکره و بکره نصکره
زید فوت اولسه عمره اول و طریقیله سنده تصرف ایدوب میوب لینه البوب
آخره ایجار قادر اولورمی اجواب فارغ نافذ و معتبر اولماز

محمد بن سعد الدین

زید وقف بز او زینت ملک دکانه نصفی زوجه سی سنده و نصفی خجی مسلمان
مخضرت معنی اولان عمره بیه ایدوب تسلیم و تسجیل اولسه شرعاً بیه
جائز اولورمی اجواب اولماز الفقیر فاسد من فکر مانه

زید اجاره ایله محرم سلطان و خجی اوزر بیه بنا ایدوبکی باجی و اولری قزی سنده بیه
ایدوب سنده خجی قبض ایدوب زید فوت اولوب اون سنه کد که نصکره زیدک زوجه
کلوب ذکر اولنان اولرک و باجی لرک بر لری سنکره زیدکی جوب دعوی ایله

استماع اولورمی اجواب اولماز ابوالسعود

بیه اجاره معجله و مؤجله ایله تصرف اولان وقت منزل زوجه زید ارکنک نامنه
اذن منوی لیله فارغ ایله حاله فوت اولد فوت اولدای قراغ مزبور معتبر دکله بکره
منزل مزبوری زید دن البوب ضبطه قادر
اولورمی اجواب اولماز بحسبی افندی

کرمینی باب مطالبه و محاصره مکان عادی اولیوه و حالی

مبتین اولیه سناجورک بیاینده در اولد خجی و درت فصل
اوزر بیه در فصل اول سر آری سلطانیه خذ شده اولنر بیاینده در

فکر من ان بیس الرمن فی منوی
الدین الذی برین بر فصول عماده
الکرم فی الرمن خاصه کالکرم فی الرمن
الصمیم ذکره اکثری

مراتبه سبیه فی الفصول الخامس الذی
هو عبارة عن فروع المریض

و اذ اویس الاثبات من واحد و ارا
باز و ان و بهما و اعد من المریض
منه فی حقیقه و الا فی حقیقه من
و منار قوله ابو الفیض و جوب ان
و ابوالبرکات من بیس المریض و جوب
و بیه بنسار و اذ من جوب و جوب
الطاری فیها و بیل من سناجورک
و من دون الرمن فی البنا سمیوه
منظومه برین و بهیان

و جوب الی امره و امره قانونیه
فی زمانه کذا فی منظر افندی
و فی الوقت بطریق اوله
الفرغ بجار نه تمیک المنفعة
عطا و انه افندی

و اجاره عقد لازم لا یفسخ بغيره
مرد
قدم قراغ و برین کد بقیه من سناجورک
کانه بیه سناجورک بکره اوزر و جوب
کالمخرج بیا سناجورک و غیره جبه حال
بیه منقل بکره اوزر و جوب
عنا و تقسیم الفروع کالمجله التحصیل
جوز انه بیه عطا و انه افندی

بسته اوله زید اذن منوی و کندی بایله سناجورک بکره بیه بکره بکره بکره بکره
بیه سی صیح دکله کد کد بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره
لزم اولد بقی عطا و انه افندی بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره

بکرمی برنجی باب قنہ و مدبرہ تفویض بیانندہ در

زیدک تجارتی ما دون اولان عجد مملوکی اولان عمر و بکرک فراغندیم اجار معجله
و مؤجله بروقت و کانی بر مقدار بدل مخابره سنده معرفت متولیه استیجار و بعد از آن
زیدک مالندیم و بکره کار زید بجز اولیو عمر و بکره بدل فراغ دیو و بکره بکره
عمر و بکره حضور زید بکره طلب و افندہ قادر اولور **اجواب اولور** بر عی افندک
زیدک مدبری اولان عمر و بکره اجار معجله و مؤجله ابله تصرفندہ اولان وقت دکان عمر و بکره
و فاسد متولی و تفویض ضبط و ایجار مراد ایندکدہ زید باک انتقال بدو چو متولی بد
منع و کندکی ضبطه قادر اولور **اجواب اولور** بر عی افندک

بند اجار معجله و مؤجله ابله تصرفندہ اولدیغی بروقت منکرک نصفی جاریه سی زینبہ
اذن متولیه فراغ و تفویض زینبہ معی تفویض ایدکدہ تصرف اوزن ابله بند زینبی
احتماق ایدکدہ بعد زمان زینب فوت اولوب منزلت مصدنی قری فاطمه ضبط
مراد ایندکدہ متولی فاطمه بندک جاریه سی زینبہ تفویضی معتبر و کلدر کار زینب
فوت اولمغله ساک انتقال ایماز وقفه فالور دیوب و تفویض ضبطه

قادر اولور **اجواب اولور** بر عی افندک
زید اجار معجله و مؤجله ابله تصرفندہ اولدیغی وقف منزل مدبره سی سنده اذن متولیه
تفویض ایدکدہ بعد زید بلا اولد فوت اولد قس متولی وقف سنده جین تفویضندہ سن
معتقه اولما مغله زیدک ساک تفویضی معتبر و کلدر چوب اول منزل زیدک مملویم
تفویضه قادر اولور **اجواب اولور** بر عی افندک

بکرمی ایکنجی باب ارض وقفه ظهور ایدن
ذی قیمت طاش و فرقیه بیانندہ در

زید اجار معجله و مؤجله ابله تصرفندہ اولدیغی وقف منزلده بعض محلی خوار ایدر
ایکن بیکن ایکن قیمت بر طاش بولوب آخره بیع ابله حال متولی
اول طاش و وقف برده بولندکی دیو قیمتنی زید بکره طلب
وافندہ قادر اولور **اجواب اولور**

زید اجار معجله و مؤجله ابله تصرفندہ اولان وقف منزلک خولبستی قاز وقف
بر فاج مر طاش بقیه متولی وقف اول طاش لری زید بکره اوب و تفویض ضبطه
قادر اولور **اجواب اولور** متعارفاده و بکره عی افندک

فصل و ما بیان ما یکنه الما اذین من غیر
و لا یکنه الما اذین من تصرف نقد
و ایتا متولی بقا لان من باب استیجاره
اولور ایجا اولور و ایتا متولی بقا لان
و ما لا یکنه بلایع فی الما اذین
هکذا لکنه و یکنه عی ایدکدہ
فی غیر باب استیجاره ایز کلدر و ایتا
فی الما اذین
و تفویض اجار ایله ایز و ایتا
من اجاره الدر در بعضه ۵

بیشیت اذن من غیر اجار اولور ایتا
عجد و بیع و بیشتر کفک جانی
و ایتا متولی

اولور من استیجاره تا ایدکدہ
اولور من استیجاره تا ایدکدہ
بکره عی افندک
من استیجاره تا ایدکدہ

اولور من استیجاره تا ایدکدہ
من استیجاره تا ایدکدہ
افندہ و بیع استیجاره تا ایدکدہ
منافع ایدر فقط عطا ایتا افندک

زید اجار معجله و مؤجله ابله استیجاره ایدکی ارض خالیه ضر فایز و بچار دیغی
طاش لری متولی و تفویض چون زیدک التمدن المغه قادر اولور

اجواب اولور اسعد افندکی
زید اجار معجله و مؤجله ابله تصرفندہ اولان وقف عرصه بی خوار ایدکدہ
اول عرصه ده بر فرم زید بکره جفته اول فرم و بکره و تفکی اولور
بوقته زید بکره **اجواب اولور** متعارفاده و بکره عی افندک

بکرمی اوچینجی باب انتقال و قلیتیه و اسل
فراغی اثبات و سکوت بیانندہ در

زیدک اجار معجله و مؤجله ابله تصرفندہ اولان وقف دکان و فاسد نصکره
او غلدری عمر و بکره انتقال ایدوب عمر و بکره و خجی و آروب متولیه سی بشیر
مر اجعت ایدوب او زر لر بینه قید ایدر بیوب درت سنه مر و ندر نصکره
بشر مر بور لره شر بو قدر زماندن بر و او زر بکره قید ایدر ما و بکره ایهال
ایند بکره دیو دکان آخسره و بکره قادر اولور **اجواب اولور**

بشر اجوت عمر و بکره دن ایدکدہ
اولور بر عی افندک

سلاطین ماضیه او فاسدن بروقت دکانه اجار معجله و مؤجله ابله تصرف
اولان زید فوت اولوب او غلدری و قری بندکی ترک ایدکدہ عمر و بکره
خجی متولی به کلوب و قدر وقفه کند و لره قید ایدر بیوب الی آئی مضینه دکن
ایهال ایتکله متولیه سی اجار معجله و مؤجله ابله بکره و برسه فالو عمر و بکره
اول دکان با با فر زیدک وجه بیکن اوزر تصرفندہ اولوب و فاسد
تصرفی بزه انتقال ایتددر دیو بکره بدن المغه قادر
اولور **اجواب اولور** بر عی افندک

زید فوت اولوب تصرفندہ اولان اجار معجله و مؤجله لی وقف عرصه خالیه
انتقال عادی ابله او غلدری عمر و بکره انتقال ایدکدہ عمر و تصرف اوزن ابله فوت اولوب
عرصه مر قومه عمر و بکره اولان انتقال ایدکدہ متولی وقف فر بور مجر و عمر و بکره
انتقال تجر بور اولنما شبدکی دیو و تفویض چون ضبط ایدیم و بکره
قادر اولور **اجواب اولور** بر عی افندک

۴۷
اولور من استیجاره تا ایدکدہ
بکره عی افندک
من استیجاره تا ایدکدہ
عطا ایتا افندک

اولور من استیجاره تا ایدکدہ
بکره عی افندک
من استیجاره تا ایدکدہ
عطا ایتا افندک

اولور من استیجاره تا ایدکدہ
بکره عی افندک
من استیجاره تا ایدکدہ
عطا ایتا افندک

اولور من استیجاره تا ایدکدہ
بکره عی افندک
من استیجاره تا ایدکدہ
عطا ایتا افندک

توجهی نیست و الا قوت و انما کفایت
نفا بصحیح لایان کتبه نما بر نور
تکلیف بر بی الوتف

رضای غصب رضا و نفا فان حقیق
بیشتر انصاف جبر المنقول
فایسته فی اجاره الوتف

در بیان کفایت و در آفته کان و بیع
الی غلام فله هذه الذم ثم کان قد اراد
فانقول قوله و قول الاول بوجه اول
من باخذ منه اجاره و ذکر انما لطیف
ان هذه روایتی بن ساعه عن محمد
وفی روایتی شام عنه بکون اقرا
بالمکلف من کان یفعل الیه الفقه
فایسته فی آه قوار

و منها باع عقاراً و امرته اولده
او بعضی نماید حاضر شکتم اذناه
علی المشرقی من کلام حاضر وقت بیع
و نسی شایع نمونده بسمع و جعل سکوت
فی هذه امکاناً کافوره و لانه قطعاً
لا اطلاع الفاسد و نسی شایع غایب
ان بسمع قیطر الفقه فی کتبه فیکلف
فی روایتی ان لا یشیع الا شهاب الذم
بجمله و تبس و الفقهی به کار حساسه
بباب التزیر جامع الفصولین و کتبه
قلت و فی اجماع الامم و اذ بیع منقول
انسان بین بدیه و هو نظیر و در کتبه
قال ابو حنیفه و یو بسف و یوزر
قال و یو یخذ و قال ابن ابی بلیس
سکوت بکون رضی بالبیع و تمام کتبه
فی الوتفات جواهر الفقه فی بیع
فی آخر باب الثالث
بعد البیوت

زید حال سخته اجاره معجله و مؤجله ابله متصرف اولد یعنی منزل و دکا کتف نصفنی
زوجه سی سخته اذن متولیه فراغ اولوب فراغی و فتر و فقه قبده و لند قد نصکره
یدرت مذکره معمول بهما اولوب بر دت نیم بری متصرفه ایکن حالاً زید بلا ولد فوت
اولیجی عمر و متولی سخته اصل فراغی اثبات ابله و بیکه

قادر اولور می اجواب اولور بحسبی افندی

زید بر وقف دکانه اجاره معجله و مؤجله ابله متصرف ایکن عمر و زید دکانه باکه فراغ اولد
دیو متولیدن بر فراغ نمکی الوب بعده عمر و دکانه بر دت ضبط ایدوب دکا کتف
دنت مزبور ده اجرت مؤجله سنی متولی به و بر دکا نصکره زید فوت اولسه و رتبه سی
عمره زیدک دکانه ساکه فراغی اثبات ابله و الا دکا کتف دنت مزبور ده
اجر مشلی بزه و بر دیوب عمر و دن اجرت نامنه سخته المنذ

قادر اولور می اجواب اولما زلر علی افندی

زید بر دکانه متولیه اولد یعنی و فکست مستغلا نند در دیو اجاره معجله و مؤجله ابله
عمره اجاره و تسلیم و بر دت مؤجله سنی عمر و دخا الد قد نصکره حالاً عمر و زید
اول دکا کتف و قیستی اثبات ابله و الا بعد ایوم ساکه اجرت و بریم
و بیکه قادر اولور می اجواب اولما زلر علی افندی

اجاره معجله و مؤجله ابله ایکی باب و وقف دکانه متصرف اولان زید فوت اولوب
اول دکا کتف حق نصرفی او علی عمره انتقال ایدوب عمر و هنی اول دکا کتف حق
نصرفنی و آله سی سخته کتف نورس اذن متولیه بکره فراغ اولد قوت سخته
سکوت ایتمشیکن بر فراغ سخته عمر و زید نصکره زید حال سخته اول دکا کتف
حق نصرفنی اذن متولیه باکه نفویض ایتمشیکدی دیو

دعوی ابله سموعه اولور می اجواب اولور بحسبی افندی

زیدک بر وقف عمره ب متولیه سخته اجاره معجله و مؤجله ابله استیجار ابله ایکی مجله و عمره
حاضر اولوب بر سخته و بمیوب بعده اول عمره ب وقف مزبور ک متولی سابق اولور می
زیدم مقدم اجاره معجله و مؤجله ابله استیجار ایتمشیکم دیو دعوی ابله سموعه
اولور می اجواب اولور بحسبی افندی

بکر می در دنجی باب میر آشت و دیون

ترکه سخته اذید متوفانک بناسی میاننده در

زید اجاره معجله و مؤجله ابله متصرف اولد یعنی وقف اولور می معرفت متولیه
بر مقدار آنچه بدل مقابل سخته عمره فراغ و نفویض عمر و دنجی نفویض و بدل
نفویضی زید تسلیم ایتمده متولی بدل مذکور ک عشرتی و قیچیون المغه
قادر اولور می اجواب اولما زلر و فقه بر مقدار سخته و بر بلور

جواب آخر عشره معتین و کدر اقا و قیچیون

بر مقدار سخته و بر تک کر کدر بحسبی افندی

زید اجاره معجله و مؤجله ابله متصرفه اولان وقف محزن ابله وقف اولور می
شوم مقدار آنچه بدل مقابل سخته اذن متولیه عمره فراغ ابله متولی
اذن فراغ مقابل سخته الیجی رسمی زید ابله عمره کتف سخته

طلب ایدر اجواب عمر و دن علی السجیم افندی

زید اجرت معجله و مؤجله ابله متصرفه اولان بر وقف دکانه اذن متولیه عمره
شوقدر آنچه مقابل سخته فراغ ابله کده عمر و متولی به مقابل اذن بر مقدار سخته
و بر رکن متولی قناعت ایتمیوب البته زید و بر دکا کتف عشرتی
و بر بیکه قادر اولور می اجواب اولما زلر علی السجیم

اجاره معجله و مؤجله ابله بر وقف منزل متصرف اولان زید فوت اولوب صغیر
او غلغری عمر و بگری ترک ایتمده متولی صغار ک و صیلرینه انتقال یاز و بر دیوب
باکه بر مقدار آنچه و بر کتف جویبر ابر سخته المغه قادر

اولور می اجواب اولما زلر علی السجیم افندی

زید اجاره معجله و مؤجله ابله متصرف اولد یعنی وقف دکانه متولیه اذنیله عمره
بر مقدار آنچه بدل مقابل سخته نفویض عمر و هنی نفویض و قبول ابله کتف نصکره
متولی رسم نامنه و قیچیون بر مقدار آنچه الماده کتف دکانه عمره ضبط
ایندر ما کتف قادر اولور می اجواب اولما زلر بحسبی افندی

بر وقف دکا کتف اجاره معجله و مؤجله ابله استیجار اولان زید دکانه مزبور ک
نصرفنی یوزر سکانه بیک آنچه به عمره فراغ ایتمده زید بکر متولی به و قیچیون
اون بیک آنچه و بر دیوب متولی دنجی و قیچیون الد قد نصکره زید بملغ مزبور ک
بن رشوت و پر دم دیو بکردن المغه قادر

اولور می اجواب اولما زلر بحسبی افندی

ترکه اولور می سخته و سخته افندی
بعد سخته

ایتمه انسان بویبر علی السجیم
و بویبر سخته و سخته افندی
انما سخته کتف حال سخته زید اولور می
تیر و بیع

اولور می اجاره سخته و سخته افندی
و اجاره سخته و سخته افندی
انما سخته کتف حال سخته زید اولور می
کتف و سخته افندی

من عظمی و زهر فی ماز المسجد
او مصابح بیع بطریق الهی
فی وقف الفقه من جامع الفصولین

زید قریباً اشکری عمرو و کبر ابله اشترک سوی او زرع اجاره معجله و مؤجله ابله
 بر باغخانه و کانه منصرفند بکن زید بلا ولد فوت اولوب دکانه حصه سنی
 منولی و قسچون ضبط مراد ایندکده زیدک ورثه سی اول دکانه اینجده
 ملک فرن و ملک آلات اولمغله امره بیعتله زیدک و فندن حصه سی
 دخی ملک حکمنده اولوب از کله بزه انتقال ابدردوبوب منولی بی
 و قسچون ضبطدن منع ایدوب کند بر ضبطه قادر
اولور لرمی اجواب اولمازلر عبد الرحیم
 زید اجوت معجله و مؤجله ابله بعضی عصاره منصرف بکن فوت اولوب زوجه سی
 بنده ای و اولاد بی ترک ایندکده زوجه سی بنده اول عصاره ایند
 حصه انتقال ایدرمی **اجواب** اینمز عبد الرحیم
 اجاره معجله و مؤجله ابله بروقف منزله منصرف اولان بنده بلا ولد فوت
 اولدقت منزل مزبورک نصرنی و آله سی زینب ابله عمی زینب
 انتقال ایدرمی **اجواب** اینمز عبد الرحیم افندگی
 زیدک اجاره معجله و مؤجله ابله نصر فنده اولان وقف دکانه بعد وفاته قری
 بنده انتقال عادی ابله انتقال ایدوب بنده اول دکانه اجوت
 مؤجله مشلفی منولی وقفه بر رکن منولی قساعت اینمیویب اول دکانه قسچون
 ضبطه و آخره اجاره ایدرم و بیکه قادر اولورمی
اجواب اولمازلر عبد الرحیم
 دیون ترکه سنده ازید اولد یعنی حالده فوت اولان زیدک اجوت معجله و مؤجله ابله
 نصر فنده اولوب اوغلی عمرو ابله قری بنده انتقال ایدوب وقف منزله عمرو و بنده
 بر مقدار بدل مضافه سنده اذن منویله بکره قریغ و قسویض و بدل مزبورکی قبض
 اینمش اولسرر حاله ارباب دیون بدل مزبورده و بنده قری سبغایه
 قادر اولور لرمی **اجواب اولمازلر عبد الرحیم**
 دیون وفات ایدوب زیدک اجوت معجله و مؤجله ابله نصر فنده اولوب اوغلی عمرو ابله قری
 بنده انتقال ایدوب وقف منزله اذن منویله و اینلری بدل مضافه سنده
 آخره قریغ ایدوب بدله سنده استیضاه و بین اینکده قادر
 اولور لرمی **اجواب اولمازلر مستقارزاده عبد الرحیم**

و قسچون اجاره زوجه عادی الی المنسوخ
 بموت احد جمعی احد العاقبتین اولد
 منصفه و نهما لوبیت نصیه المنصفه
 المدکره اولاد بقره المدکره لوبیت
 مستحقه بانصفه انتقالها الی اولاد
 و دیون مزبور در فی یوم جانت

بمثل فی مثل بده المود و باجاری
 فی تدبیر الزمان ک

مستاه آن حقوق منعلق باینکده
 و المنزل لوقوف کایکون کتال
 حتی منعلق حقوقهم به کایکون
 عطاوات افندگی

الاجابة

عوض فی الوقف من مالان قال الوقف
 قریب وان لم یکر شینا قیراشه عن
 من وقفه کما صدق ان البنا فی ارض
 الوقف منقول کذا قال لبرهانی
 فی وقف المنقول و ذکر ان اسیع
 الموسی ترک مستوفی مع لوبیتها
 جامع الفصولین لخاصی نصیبه
 لوکان علی البیت و بین من لوبیتها

خوابه شرف اولان وقف منزلی منولی و فنده اجوت معجله و مؤجله ابله زید استیضاه
 ایدوب کنده مالی و اذن منویله قسچون بنا و تعمیر ایدوب زید بر یونما
 فوت اولوب صغیره قری مندی ترک ابله سائر منقولاتی اولمچون و اینلری
 بنا مزبورکی شرعاً بیع ایدوب شمیلده استیضاه و بین اینکده قادر اولور لرمی
اجواب وقفه ای کافه ثبوت شرعی بولمازلر
 حاکم و صبر سنه بیع ایند برر اسعد افندگی
 زید اجاره معجله و مؤجله ابله نصر فنده اولان وقف عرصه او زینب شوقد بیک
 ایدوب صرف ایدوب معجله سنه محسوب اولمق او زرع اذن منویله بر منزل بنا ایدوب
 مصر و قری استیضاه بنده زینب زمان قلیلده دیون ترکه سنی مستوفی اولد یعنی حالده
 زید بلا ولد فوت اولمغله منزل مزبورکی منولی ضبطه و آخره اجاره ابله حاله زیدک
 و اینلری زیدک صرف ایدوبکی ایدوب استیضاه ایندیکی مقدار کی رای حاکم
 منولی مزبور بینه اولان غلجه الوب بیند زینب شوقد
 ایند کده قادر اولور لرمی **اجواب اولور لرمی**
 زید اجاره معجله و مؤجله ابله منصرف اولد یعنی وقف منزله عمرو و شوقد راقیه بدل
 مضافه سنده قریغ و قبض بدل ایندکده نصره عمر و زمان قلیلده دیون ترکه سنده
 ازید اولد یعنی حالده بلا وارث فوت اولوب منولی منزل و قسچون ضبطه ابله
 عمر و ک و صیسی بکر عمر و ک بدل مزبورده استیضاه ایندیکی مقدار کی زید و بین
 الوب عمر و ک و اینلری بینه قسمت اینکده قادر اولور لرمی
اجواب اولور علی افندی و عبد الرحیم افندگی

باید

مسائل شنی دعوی

زیدک او قاضدن اولان برانت و کرمشنی اجاره معجله و مؤجله ابله منصرف اولان
 عمر و بکره اول و کرمشک نصر فنی معرفت منویله قسویض ایدوب بعده جوارت
 اوقاف مزبور دن بوزه خانه بید کذک اجاره معجله و مؤجله ابله منصرف اولان
 بشر اول و کرمشک بوزه خانه جاننده طلولاً طقوز زراع و عرضاً بر بچون زراع
 مقدار ایدوب بوزه خانه ندر جو بکرک مواجیه سنده دعوی ابله منولی مزبور
 حضور نشد دعوی مزبور سموده اولور **اجواب اولمازلر**
 مکر غصب دعوی ایدوب بحسب افندگی

بجانب معلوم ان الاجرة لا تکمل
 بنفس العقد ولا یجب بقاؤها الا بعد
 استیضاه المنفعة الزام بر شریط
 التعمیل فی الاجرة بکذا ذکر محمد
 فی جامع من التعمیر فی الشان الی اجاب
 وان کان مستأجر ابله منصفه خصما
 مستکرمی فیه خصم فی الشان قال
 بعضهم ینصب خصما و ابله مال الامام
 الزید بقره اسلام البز و کما قال بعضهم
 لا ینصب خصما و ابله مال شیخ الاسلام
 خواهرزاده و بعضی شایخ زماننا
 قالوا ان کان المستکرم ایدوبی فغلا
 بان قال استأجرها و قبضها و ایت
 غصبها سنی ینصب خصما و تسبیح
 بیته علیه و آن لم ینفع علیه فغلا
 و کمن قال استکرمها قبل ان یشکرها
 لا ینصب خصما و لا تسبیح بیته علیه
 من لوبیتها

و توی دارانی اجاره غیره تغیر یافته
المعنی آنست که اجاره مستاجر میسر
جمع الغنای فی الذم عوی
و توی دعوی مستاجر بشرط حضور
و مستاجر میباید کارخانه فی و طایفه

و ان الغنای بعضی از بجز و بی جنبه
و اگر در و تکوین اشیا فی الغنای
و من العلم ان اثبات جنبه لایست
میسازد

مستاجر تا سزا از اجاره میباید
و توی اشیا فی اجاره من الغنای
و توی اجاره لازم لایستغیر
من الغنای

مستاجر تا سزا از اجاره میباید
و توی اشیا فی اجاره من الغنای
و توی اجاره لازم لایستغیر
من الغنای

و المستاجر ان یقبل ان یقبل
و اجاره کان لها بحسب ما یستحق
قد استوفی من اجاره فی الغنای
من الغنای

زیدک اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده اولوب عمر و ک اجاره مؤجله ایله تحت اجاره
اولان وقف و کانت ایچون بکر کلوب اول و کما بنم اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده
دیو متولیه مستاجر مزبور عمر و ک حضورت زیدک حضورت
دعوی ایله سموعه اولور **اجواب اولماز**

بوصورت مرافعه اولد قلمی حاکم بکرک دعواستی زید حاضر اولدین مستاجر
بوزینه حکم ایله حکمی نافذ اولور **اجواب اولماز**

زید متولیه اولدیغی و کانت اجاره معجله و مؤجله ایله عمر و ک ایجار و تسلیم تیکد نصکره
بکر کلوب اول و کما اجاره معجله و مؤجله ایله سم تصرفنده درجه متولی حضورت
عمر و ک دعوی و مدعاستنه اقامت جنبه ایله بیک اول و کانت

عمر و ک الوب منبسطه قادر اولور **اجواب اولور**

زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده و کانت عمر و ک برسنه تمامه ذکر سکر بیک
اچه اجرت ایله ایجار عمر و ک استیجار ایله و ب الی آئی تصرف ایله ک نصکره
قبل تمام المده زیدک رضا سنه بلا عذر شرعی فسخ عقد اجاره

ایتمه قادر اولور **اجواب اولماز**

زید قومی بروقف میخانه بی متولیه مستاجر اجاره معجله و مؤجله ایله الوب تصرف ایکن
طرف سلطنت علیه فخر حکم و استعمالی بمنوع اولمغله و لیخانه اشلیوب
بنا نوب غیره طریقید انتفاع ممکن اولما سغله بر قاج زمان حال و معطل قالم اولسه
حالا زید متولی و فسخ اشلیوب کی مدکت اجرتی و برده فسخ عقد اجاره ایتمک استدکده
متولی راضی اولیبو اشلا اشلمه سا که کونست شوقه راجه اجرت ایله ایجار ایتمد و بوب
اول فاله و معطل یا تدینی مدت ایچون و حنی زید حجت مزبوره بی المغه
قادر اولور **اجواب زیدک تصرفنده اولیجی اولور**

اجواب اولور

زید بروقف منزل متولیه مستاجر اجاره معجله و مؤجله ایله الوب اجرت هر قومه نک
بر مقدار برینی و برده بر مقدار ذممنده فالوب برسنه تصرف ایله ک نصکره متولی
اول اجرت معجله باقی اچه بی طلب ایتمکده ه من منزل مزبورک اولقدر راجه اجرت
تحلی بو قدر دیو فسخ عقد و منزل مزبورک متولی به زید ایله و بریدی
اچه بی متولیه استمداده قادره اولور **اجواب تصرفندیک**

زمانک اجرت منبسطه زیدک سنی اولور **اجواب اولور**

و بقدر علی المخط و لا یعمل به
اشباه فی کتاب الغنای

زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده اولان وقف عرضه خالیله او زینه اذن متولیه
تصرف ایچون جنبه احداث ایتمکد نصکره زیدک قرنداشی عمر و ک اول اول رنگ نصفتی
بن سندن مقدم نفوض ایتمد ایله دیو حجت ابراز ایتمکد مضمون ثابت و کلر
ایکن عمر و ک اول اول رنگ نصفتی زید حجت المغه قادر

اولور **اجواب اولماز**

زید اجاره معجله و مؤجله ایله بروقف و کانت تصرفنده ایکن فوت شایع اولد قده
متولی وقف اولان زید اول و کانت ه من فوت اولمشدر دیو بوندک محمولند
اجاره معجله و مؤجله ایله عمر و ک ایجار ایله و ب ه من حجت اولمغله اول و کانت
عمر و ک دعوی ایله ایکن فوت اولسه حاله ایتمکد و غنی بکر

اول و کانت عمر و ک الوب منبسطه قادر

اولور **اجواب اولور**

زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده اولان وقف عرضه او زینه اذن متولیه بجد و ابر منزل
بنا ایله و ب بعده زید بنا سنی ایتمکد و تسلیم ایله ه من تصرفنده اولوب سنه سنه
جانب و فسخ عرضه ایچون اجرت مؤجله بی و بر ایکن حاله متولی اولان بکر اول بناک زید

مجلسه محسبه اولمق اوزر بنا ایتمکد دیو دعوی ایتمکد

مدعاستی ثابت اولدین وقف حکم اولور **اجواب اولماز**

بوصورت متولیک مدعاستی ثابت اولما یجق ه من ملکیت اوزر اول بناک
بشره بیع ایلمکده متولیه مستاجر اذن المغه محتاج اولور

اجواب اولماز

بروقف منزل زید اجاره معجله و مؤجله ایله تصرف ایکن فوت اولد قده متولی وقف
اول منزلک نصف شایع عمر و ک و نصف شایع آخری بکره اجاره معجله و مؤجله ایله
ایجار ایله و ب بعده مزبور لر تصرف ایکن منزل حویفده محرق اولوب عرضه صرفه
قالد قد نصکره عمر و ک بکر متولی معرفه اول بری قسمت ایتمکد کلرت عمر و ک حصه سنه
دوشن مقدار بکر بر مقدار زینه بشره مستحق چیقوب حکم ها کما اذ ایله حاله عمر و
اول مضایحه بکر حصه سنه دوشن مقدار بکر بر مقدار برینی بکر المغه
قادر اولور **اجواب اولماز**

مقدارک اجرت سافط اولور **اجواب اولور**

لا الوب غنای الی فی جنبه
بده ای حکم کذا عطاء اتمه افندی

مراغف من الاشباه

اصلا اذ بیع ما بناه لغف و ما کما
فالمصر بکة نفیس للمتولی مدخل فیهم
ثم ان ذلک البیع صحیح لان بیع الاشیاء
و بیع البنا بدهم ارض صحیح کما قالوا
عطاء اتمه افندی

و ان الاستحقاق نصیب بعض ادهما
و الفسخ الفسخ عند ایچنمه عمر و ک
و ان من کتاب الفسخ

و باقی السنه استفا و صفای بار
بهره و المقتضی از المقتضی
منفق لاجره بقدر نقصانها اتمه کما
فی مقایسه عمره فی الاجاره

والمكتمل بحيزه وكيفية بيعه واستيعابه من شرط الظاهر المتأقنين المتوافقين كتاب الوصية المستعمل في السجل المحفوظ بقصد منع في الذخيرة بانذار المشيئة
مصارف الوصية ينظر الى المعهود من حالها سابق من الزمان من ان قوامه كيف كانا يعملون فيه والى من يصرفونه فيسبى على ذلك
لان الظاهر انهم كانوا يفعلون ذلك على ما افقده شرط الوصية وهو الظنون بحال المسكين فيعمل على ذلك انتهى خبره في الوصية

برقاج باب وقف وكان قد بعت بر مسجد شريفه امام اولئره مشروطه اذ
اوزر ضبط اولئوب بتمش سنه دن برد اجار سى اول مسجد شريفه
امام اولئره صرف اولئره كالمسكين متولى وقف اولان بكر اول مسجد كالمسكين
اولان بشره وقفك اجار سى امام مشروطه اولد بفته برتمسك ابرازيله
والامصرف قد بيمى تغيير ايدوب جهت اخرايه صرف ايدرم
ديكره قادر اولور **اجواب** اولماز كذا في عجله

برقاج كذا امام مشروطه اولان وقف او ك بر مقدارين زيدا امام بوزوب
دكان ايدوب اجاره يد وبرسه حاكم مزبور دكان بوزوب اسلوب سابق
اوزر بنا ايدرمه قادر اولور **اجواب** امام مشروطه مشروطه اولون
بوزور ميوب دكانك اجوتن او ك تغييره وقفك سائر
مصارفته صرف اشجك اولى در ابوالسعود

تركي لسان بليوب نرجان اولد سوليشن زيدا زمى بروقف منزله اجار معجله
ومؤجله ايله ساكن ايكن منزل تغييره محتاج اولوب متوليشن استندان
ايندكده متولى بوجيكند وقف تيرج اولسونى ايدكده زيدا زمى معنای تيرج بليوب
اولسون ديوب بعده مابيله تيرج ايدوب منصرف ايكن عمر و ك بر مقدار ارفه سن
الوب منزلك تصرفنى اذن متوليله عمره فارغ اولد قس متولى مزبور
زيدك عمر و دن الديقى بيلغنى وقف چون المغه قادر
اولور **اجواب** اولماز مصطلح الكرامه

جامع شريف ايا صوبه او قافندن السكى بزازستان قريته جبا تنده
آيدو قرقا اجه اجاره الى برد كانه منصرف اولان زيدا فوت اولوب اولاد
وكورى اولما منغين محمول اولوب متولى عمر و دن بكرمى ايكى بيك اجه
اجرت معجله الوب قديمى اجار شهرت سيله وبروب اون اتى عمر و
منصرف اولوب الان كند ومسى بيانه كمش بكن زيدك بنيد قزلىرى
كلوب عمر و ك وقف وبر و كى بكرمى ايكى بيك اجه اجرت معجله بوزوب
دكانى الوزر و بوطالب اولد بر عمره قالمب ايكن شرفا
متولى دكانه تخليه ايندركه و تبيله وبرمكه قادر
اولور **اجواب** اولور ابوالسعود

فان قلت اذا لم يتبع ايجار و
شرط سكنها ما حكم الاجرة قلت
ان يكون لا وقف ولم ابره صريحا
من وقف البحر

ربيع اجرة كل شهر درهم لان كل
واحد منها ان يسبح او يارة عند تمام
الشهر فان خرج المسافر قبل تمام اذنه
وعلق امره وصار فيها ايكن الاجر
ان يسبح او يارة مع المرأة فانها است
بخصم فان اراد ان يسبح عند خيسته
المسافر قال بعضهم بوجاهة اذ
من اراد ان يارة في تمام الشهر
فانما هو الشهر يسبح او يارة
ويعلق امره في تمام الشهر من اذنه
ويسلم الى فان غايته في الاجارة

سئل لما اذن المتولى الوقف المستأجر مستغل من مستغلات الوقف في الصرف على امرته يكون ما يصرفه وينا
على جهة الوقف تصرف ما لا معلوما واستقر ذلك الدين ومان المتولى ويريد المستأجر ايجاع ويشل المتوقف
منه لا يرجع على المتولى بجدد في مال الوقف واني تركه المتولى الاول وترجع الورثة على المتولى ايجاعه بكم كيف حال
اجاب المصنف بان الوقف لا يذلل وان الاستدانة من القيمة لا ثبت وبن في الوقف الا عليه ويرجع به على الوقف ورثته تقدم مناسه **٥٢**

مسئلة في مستغلات اولان برد قفك عقار ائندن الوب سكناسى زيدا
مشروطه اولان بروقف منزل عمرته محتاج اولوب غله وقفه عمرته
مساعده اولما وقفه متولى اولان عمر و زيرت حال غله وقفه مساعده بوقدر
وازشن كندى ما كندت عمرته ايله بعده ساكه اول خرج ايند بيك اجه يد
غله وقفن وبره يم ديوب زيد دخى كندى مالندن بر مقدار اجه خرج ايدوب
عمرته ايندك نصكره عمر و معزول وبرينه بكر متولى اولد قده زيد وجه
مبتين اوزر خرج ايند بيك اجه يد بركه دعوى ايدوب
بعد الاثبات المغه قادر اولور **اجواب** عمره و عمره اولور

مسئلة في مستغلات اولور عيسى قندى
سكناسى علمايه مشروطه اولان وقف منزله علماء دن زيد ساكن ايكن اول
منزله نفسي چون بعض اقبية اهدات ايدوب ماله شوقدر بيك اجه خرج
وصرف ايدوب بعض بر لبني ملكيت اوزر عمارت و عمرته ايدوب وعمره
غالبه سنه دخى نفسي چون اشجار غرس ايدوب بعده زيد فوت اولوب
اول منزل علماء دن بكره توجيه اولد قده نصكره بكر متولى اولوب ضبط ايلد كده
زيدك بنا واشجار بيك قلعي وقفه مضر اولمغله وقفسي چون اقل قيمت طلب
اولد قس ورثه راضيله اولوب زيدك شوقدر اجه خرجي كمشدر
اولمغدر اجه يد وبر والاد وقفه صبرى اولورده قلغ ايدوب
الوريز ديكه قادر اولور **اجواب** اولماز عجله

مسئلة سكناسى زيدا مشروطه وقف منزلى زيدا آخر دياروه ايكن عمره و فضولا ضبط
وبرقاج سنه ساكن اولسه عالمكر متولى متوليسى اولمغله منزل مزبورى عمره و ضم الوب ضبط
ايلد كده نصكره ساكن اولد بغي مدنت اجر مشلنى رقبه وقفسي چون عمر و دن
المغه قادر اولور **اجواب** اولور
سكناسى اولاده و اولاد اولاده وقف اولان منزله اولاد اخر زيد منصرف ايكن
آخر دياره كيدوب انده بر مدنت كمش ايدوب منزل دخى خواجه مشرف اولد متوليسى
عمره اول منزل ايجار ايدوب اجر تبيله منزل مزبورى عمارت و عمرته
قادر اولور **اجواب** اولور عجله
بكرمى بشي باب منزله بيانده در

في الرجوع عليهم في تركه المبتدئ
في فقه الوقف بالدين من ذلك الوقت
بعده وانما من الرجوع في تركه المبتدئ
الاول وترجع ورثته على مال الوقف
بمطابقة المتولى ايجاعه واما لا ذكر
انما العلم من وقت الحجره خصوصا به
على قندى وصاحب اهمية في كذا
المتولى
وان رضى المستأجر ان يأخذ المتولى
بشأنه بقبضه منزله او بقبضه اهلها
اقل فليقبضه ان يأخذ بالقبضه
عوقف فليقبضه في الوقف
ان كان رغبة بغير الوقف ليس
للباني رغبة بل يترجع الى ان يخلص
البنا لغيره بغيره
وكذا لو سكن دار الوقف باذن
الوقف والقيمة بجزء اجر المشل
بالغنا ما بلغ جامع الفضول
المتولى في نصب منافع الوقف
بضمان نظره الوقف من عمل المزور
به القى على القندى
ولو ايجع عن التغير او غيرهما
باجرتها ولو قال عمرا المتولى واما
لكم اول نقله عطائه من حجر
في الوقف

متولی اجاره بدون اجاره مثل بزم
 تمامه کذا اب آجر منزل مغیره بدون
 آجر بدون اجاره مثل بزمی زمانه بضا
 تمامه اولیس کفلی منها ولا یرا خط
 واه سقاط کذا فی العادیه ودر
 فی فصل بیع شرط الوقت من لفظ
 تفسیر کبیر الرشوة لانک تکلف
 وغیره قاضی وغیره دفع الیه سحت
 لا یصلح الیه فاسخ ثم ذم الذافع
 له ان یستره ما دفع الیه من غیره
 تفسیر تصرف القاضی بجا فله من
 ایضا فی التزکات والادایه فیه
 بالصلح فان لم یکن مبتیاً لهما لم یصح
 اشتباه فی القاعده انما ینتقل
 اقراره الوقت باقل من اجاره مثل بزم
 اقراره کان لا یرغب الیه من اجاره
 اقراره کان لا یرغب الیه من اجاره
 وکرم اجاره مثل بضا ما یبلغ فیه
 من الذکر

زیدک اجاره معجله و مؤجله بده تصرفه اولان وقف منزله کت اجاره مؤجله سندی
 بر مقدمه یعنی متولی وقف منزله ای حاله متولی وقف منزله جائز و کله برچو اول منزله کت
 اجاره مثلنی زیدک تکمیل ایند که قادر اولور **اجواب اولور علیهم السلام**
 زید متولی اولدینی و قفدن اجاره معجله و مؤجله بده بر منزله منصرف اولان عمر و ک
 شو قدر آنچه سنی الوب مؤجله مثلنی شو قدر آنچه سنی منزله
 اینکه قادر اولور می **اجواب اولماز کذا**
 بوضوح متولی مزبور مؤجله مثلنی شو قدر آنچه سنی منزله ایند که نصکه منزله
 جائز اولما مغلله مؤجله مثلنی عمره تکمیل ایند بر بوب تمامه عمر و دن
 المغه قادر اولور می **اجواب اولور کذا**
 بوضوح متولی وقف مزبور مؤجله مثلنی تکمیل ایند بر بوب ایچی عمر و وضعی زیدک
 منزله مقابله سنده الی یعنی شو قدر آنچه سنی زید بضا استر داده
 قادر اولور می **اجواب اولور کذا**
 زید متولی اولدینی بفتکک ایله و ک مندری اجاره معجله و مؤجله مثلله عمره ایجار و تسلیم
 عمر و وضعی دن متولی بکره قرائه ایله اول بفتکک و ک مندر بکره تصرفه ایکن
 بکر قاضی به و آروپ بر قراج کسندی و وضعی قاضی به احضار و منصرف اولدین بفتکک
 و ک مندرک مؤجله سی زیاده و در تخلی بوقدر دیو متولی بک غیاب است اول کسندی لک
 اجاره لریه مؤجله مثلنی بر مقدمه یعنی منزله ایند بر بوب بدنه اول وجه اوزر بر حق الوب
 مؤجله سنی جانب وقف نقصان اوزر و برش اول حاله اول متولی معزول اولوب برینه خالد
 متولی اولدنده اول بفتکک و ک مندرک کال اول مؤجله مثلنی و مدت مزبور ده
 طرف وقف نقصان و بر دینی بکره تکمیل ایند بر بوب و قیچون
 المغه قادر اولور می **اجواب اولور علیهم السلام**
 بر قراج کسندی اجاره معجله و بومی یکیشتر آنچه مؤجله مثلله وقف اوله لره متصرف ایکن
 اول اوله لرحوبغه محرق اولوب عرصه صرفه قالد قد نصکه اول کسندی لم مؤجله مزبور
 ایله اول اوله لری اجاره معجله برینه محسب اولوق اوزر کال اول مال لریه بتا ایند کلند نصکه
 ذ مندرک مجتمع اولان شو قدر آنچه مؤجله ب متولی اول کسندی لریه طلب ایند که
 مزبور لم مؤجله مثلنی بر مقدمه یعنی منزله ایند که مؤجله مثلنی و بر فرز
 ویکه قادر اولور می **اجواب اولمازل کذا**

زیدک اجاره معجله و مؤجله بده تصرفه اولان وقف منزله کت شو قدر یعنی متولی
 عمر و وضعی و قیچون شو قدر آنچه سنی الوب منزله ایله بده سنده مؤجله بده جانب وقف
 اوزر و بر بوب عمر و وضعی مبلغ مزبور می مصارف وقف صرف ای حاله عمر و اول منزله کت اجاره مثلنی
 تکمیل ایند بر بوب و وجه مزبور اوزر منزله مقابله سنده و بر بوب ایچی عمر و طلب
 ایند که عمر و زیدک سنین م فومده هم منزله اوزر و بر بوبی مؤجله نک نقصانی اول منزله
 ایند بکی آنچه مضاری اول یعنی اولمغه آنچه بده اولمغه نقصان ملونوب
 زیدک مطالبه سندی خلاص اولور **اجواب اولور علیهم السلام**
 بر وقفدن اجاره معجله و مؤجله بده وقف منزله منصرف اولان کسندی لک متولی وقف
 بر مقدمه یعنی الوب اول منزله لک اجاره مثلنی دن بر یکیشتر آنچه برین منزله ایچی بک
 و برسه اول تمسک ایله عمل اولور **اجواب اولماز کذا**
 زید متولی عمر و کت اجاره معجله و مؤجله بده تصرفه اولان وقف و کاتک مؤجله مثلنی عمر و
 طلب ایند که عمر و بر بوب مؤجله مثلنی بر مقدمه یعنی منزله ایله ویکه قادر
 اولور می **اجواب اولماز کذا فی مضاری زیاده**
 زید متولی اولدینی مضاری شو قدر بیک آنچه اجاره معجله و بومی شو قدر آنچه اجاره مؤجله ایله عمر و
 ایجار و تسلیم ایند که نصکه عمر و اجاره معجله م فومده ب متولی مزبور و دفع و تسلیم استماع
 ایله مؤجله سنی شو قدر یعنی منزله ایند که بر بوب و بر بوب متولی وضعی منزله ایند که اول بفتکک
 عمر و دن کیر والوب آخره ایجان قادر اولور **اجواب اولور علیهم السلام**
بکرمی ایچی باب زبوف و جید و افلاس بیانده در
 بیک الی نار بجنده جدید آنچه ظهورتف صکه زید متولی اولدینی وقف و کاتک شو قدر آنچه
 اجاره معجله و اجاره مثلنی بهر ماه فر قرائه مؤجله بده عمره ایجار و تسلیم عمر و وضعی جدید آنچه دن
 مؤجله مثلنی جانب وقف و بر بوب بر قراج سنده موزر آنچه فرق زبوف اولدنده عمر و
 اول و کاتک مؤجله سنی جانب وقف بر مدت فرق زبوف آنچه جز و بر بوب بعد و کاتک مزبور ک
 مؤجله سندی بر قراج ایند اجاره مجتمع اولوب وقف تسلیم ایچون مقدم زبوف و کاسد
 ایله ناسخ منقطع اولوب جدید آنچه رایج اولد قس متولی عمر و وضعی مجتمع اولان اجاره مزبور
 جدید آنچه جز طلب ایند که و کاتک مزبور ک مؤجله مثلنی جدید آنچه بهر ماه فر قرائه ایکن عمر و موجود
 مجتمع اولان اجاره زبوف زمانده مجتمع اولمغه التوند قیمتی و بر بوب جدید آنچه جز
 و بر ما که قادر اولور **اجواب اولماز علیهم السلام**

در کل علی الاخره من ناخته من شری
 فان یومر بصیر فاصبا و بصیرا و قد
 فصا ما یلیه لانه اذ بغير اذنه
 والمختار انه لا بصیر فاصبا لانه اذنه
 باذن الشریع کن بصیر مضمونا علیبه
 او طریق قضاء الذین هذا
 من الذخیره البرا بینه کت من کت
 وان کانت اجاره بیا بفتکک متناس
 فیکون فاسده اولان بر اجاره با اجاره
 صحیح انما اول و من غیره با اجاره
 من جاره الخائیه
 و عدم التزویل بسفاد مما سبق
 فی ایچی علی وجوب اجاره مثلنی لوقف
 دن اجاره مثلنی بده و کاتک لوقف
 عطله و الله اعلم

توباع الوصي العفاريدون المستوف
الشرعية يكون جسيم نقضه اذا بلغ
اوسب الاوسب

بنته كاجاره معجله ومؤجله ايله تصرفه اولوب وقاتند نصكره صغيره قرضي زرينه
انتقال ايدن بروقف فرن ايله مخزنه زرينك باباسي زير عمره تقويض ايدوب
مقابله كنده بدل نامنه الديقني اقمه يه كندى مصارفه صرف واثاف ايدوب
بعده مفسا فوت اولسه حاله زرينب بالغه اولد قيص تقويض
مذكوري طوميبوب اول فرن ايله مخزنه عمر ورك يندنم
المغه قادم اولورمى **اجواب اولور**

اشيات الدين على الميت بحضرة الوارث
والوصي يجوز وان لم يكن في بيتها
شي من التركة لما في الاشيات
من الغايه وهو انك من الغايه
من مال الميت عند الظهور
عماديه في اواخر الثامن والعشرين

بوصورت زرينب بعد البواغ تقويض مذكوري طوميبوب اول فرن ايله مخزنه
عمر ورك يندنم اخذ ايلد كده عمر ورك بدل نامنه زيرده وبردكي اقمه يه استيفاء اتميبوب
زيريك مالي قالمغا مغلد فاله عمر ورك اول بدل نامنه وبردكي اقمه يه زيريك
وپردوبوز زرينب ن المغه قادر اولور **اجواب اولماز**

التاخر اذ مات بمهلا مال ابدن
قانه بعضن بخلاف قنات الوقف
كافي الخائنه من وديده المصح

زيرد متوليسي اولد يقني وقف عرصه خاليه يه اجاره معجله ومؤجله مشبده عمره اجاره
دستليم ايدوب معجله سي اولان شو قدر اقمه يه عمره المدين عمره مفسا فوت
اولوب عرصه مزبور عمر ورك اولاد لرينه انتقال ايله مبلغ مزبورى متولى به ضما
لازم اولورمى **اجواب اولماز** كمن اولاد مبلغ مزبورى وقيچين
وپردين عرصه يه تصرف ايله مزلر **عجبم افندي**

ترتبه قبل ابدن اوراق شرطه
بعده

زيرد عرصه وبناسي وقف اولان منزله اجاره معجله ومؤجله ايله تصرف ايدن مفسا
فوت اولوب منزلي اوغلي عمر و ضبط ايله زيريك واپني بكر عمره مجر و منزلي سن
ضبط اتمكله زيرد ممتده اولان حقى ماكلدن ادا ايله وركه قادر
اولورمى **اجواب اولماز** **علي افندي**

بكرى بدنجي باب اغضال بيانده در
اولدخني ايكى فصل او زر بنده در
فصل اول متولى به اغضال بيانده در

زيرد اجاره معجله ومؤجله ايله تصرف اولد يقني وقف اوله لرى اجاره معجله ومؤجله ايله
عمره اجاره ايلد كده عمر و زيريك غيبته كندى او زر بنده متوليدنم برطر يقبله
خلاف شرع تقويض تذكره سي اخذ ايله تذكره مزبور معتبر اولوب
بعد حلول الاجل عمر اول اوله لرضه جفا مغه قادر
اولورمى **اجواب اولماز**

المستاجر فاسد اذا اجاره صحيحه اجاره
وتقبله استيفاء كتابه الاجاره
اجرا ثم اجرا من غيره فاسد انما يترتب
على اجاره الاول فان رد باطلت
وان اجاره ثانيا فالجمله له
من الحمل المزبور

عمر اول وطلره تصرف اولد قده بعد حلول الاجل عمر اول اوله لرى اجاره زيرده اجاره مشبده
وپردين قادر اولورمى **اجواب اولماز** تذكره سي باطلدر

زيرد اجاره معجله ومؤجله ايله تصرف اولد يقني وقف وقاتند نصكره صغيره مؤجله ايله
منصرفه وبرد عمره بر مقدار اقمه بدل مقابله كنده تقويض عمر و دخي تقويض ايدوب
متولى وقف زيرد اجاره معجله ومؤجله ايله تصرف اولد يقني زيرد اذن وبرد كده نصكره
زيريك اول وقاتند اجاره معجله ايله تصرف واكل ايدكي ظاهير وبنين اولسه
فالا متولى ايمى باشنده اول وقاتند عمر ورك يندنم اخذ واصل
اجره مشبده اجاره قادر اولور **اجواب اولور** **بجى افندي**

فصل ثاني متوليك اغضالي بيانده در

اجاره معجله ومؤجله ايله بروقف وقاتند نصكره اولان ايله صغيره فوت اولوب
وكان مزبور وقفه انتقال ايلد كده نصكره متولى وقف مزبور اول وقاتند كده ايدوب
وفات اتمكله وقفه انتقال ايلد كده بمسوب هشدك فزيرد ايشي زرينب
اول وقاتند بنم اجاره معجله ومؤجله ايله تصرفه در وورد الاله سي خديجه فترغ ايدوب
متولى واقف اولما مغلد خديجه كك او زر بنده فترغ باز وركه حاله متولى اول وقاتند
زيريك خديجه فترغ ايدن مقدم هشدك اولوب فوتند نصكره وقفه انتقال
ايلد كده واقف اولد يقني فترغ مزبور معتبر واكل رجه اول وقاتند خديجه فترغ ايدوب
وقتيچين ضبطه قادر اولور **اجواب اولور** **عجبم**

بروقفه متولى اولان عمر وركى زيرد مجر و وفات ايلدى وپونوليت مزبور هيد كند وپه
نوجيه ايلدر وركه نصكره وقف مزبور ك محلول ولازم وقاتند يقني اخره تقويض ايدوب
تذكره وبرد كده نصكره عمر و واقف اولوب نوليتي كر و كنده وپه نوجيه ايلدر وركه نصكره
تقويض مذكوري قبول اتميبوب وقاتند نرى منقوضندن المغه قادر
اولورمى **اجواب زيرده** نوجيه معتبر بولما اوسه باخود غنين جاشر
وارجه اولور **اسعد افندي** من مجموعده

بكرى سكرنجي باب ضمان متولى
وموجب عزل بيانده در

زيرد متوليسي اولد يقني وقفك ستملا نندن اولان بر منزلي شو قدر بركت اقمه
معجله ومؤجله مشبده بكره اجاره ايدوب معجله مزبور به بقض ايلد كده نصكره
وموجب عزل بيانده در

وتفسخ الاجاره بلا عاينه الى الغنى
بموت احدهما اى احد العاقدين
لوقف نفسه وورثي في سبب الاجاره
وآتي الغنى ويغرمهما ذكره عطاء
ان تصرف الغنولى يشققن منقضى
منه انقضى والنسبة منهم

انقضى لا يملك نصب قيم مع عطاء
قيمه الا عند ظهور ايجابات من تصرفين
يجوز تصرف الغنولى عند وجود القيمة
كاسيحي وبنوا تصرفه عند عيبه
بطريق الاولى عطاء استيفاء
اجاره المتولى بدون اجاره المشبده
متولى المرحوم

المستاجر فاسد اذا اجاره صحيحه اجاره
وتقبله استيفاء كتابه الاجاره
اجرا ثم اجرا من غيره فاسد انما يترتب
على اجاره الاول فان رد باطلت
وان اجاره ثانيا فالجمله له
من الحمل المزبور

تسلی مستولی ان تجاوز امر الوقف
 و شرطه عطا رسد از خیرتی است
 القیم
 الزم بقه مال الوقف بحسب ما یستلزم
 تسلیه للموقوف علیهم مع انها من
 محضه ان لم یکن فی مضافه عود الی
 فقید شاینها من هبتا شایه
 بسیل المدینات
 نعم بیدا من فقهه بکاره شرط
 لان قصد الوقف صرفا لغرضه
 ولا یغنی کذاک انه بالعمارة و التعلیه
 قول الناظر فی الصرف علی الوقف
 علیهم خیرة فی الوقف
 لو صرف المستولی علی المستحقین
 و هتاک عمارة لا یجوز تأخیر امانه
 کیون مناسنا لما فی الذخیره
 من البحر فی الوقف

فلو اذن المستولی و راهم الوقف
 و صرفه و نایره الی عمارة الوقف
 مع خیرا کون شایه من غیره

و انما یصل غیر الوقف فی سنه و قطع
 معلوم المستحقین کلا و بعض
 فما قطع لا یغنی لهم و بنا علی الوقف
 اذ لا حق لهم فی الفقه زمنه تغیر
 علی زمنه لا یحتاج الیه عمر اول
 و فی الذخیره ما یفیده ان الشاظر
 اذا صرف لهم مع الحاکم الی التفریح
 فانه یضمن انهم شایه فی الوقف

غله سی بر سجد شریفه مؤذن اوله مشروطه و فقا اوله منزلی متولیس زید
 اجاره معجله و مؤجله بله عمره و اجاره و تسلیم ایندک نصکره زید معجله نامنه الیغنی
 اجدیه مؤذن اولان بکره و بر مبوب کندهی مصارفه منده

قادر اولور می اجواب اولماز عجب عظیم

بر و تفک مشروطت اوزر متولیه سی هند و فقا مزبور محلول اوله دکان لری
 اجاره معجله و مؤجله بشبده بعض کسند لره اجاره و تسلیم ایسده بعده و فقا مزبورک
 عقاراتی مرسته محتاج اولغله الیغنی معجله قدر معروف شوقدر اجدیه عقارات
 مرقومه تک مرسته صرف ایدوب ماعداسنی مرتز فک تک و فقیه لربنه
 صرف ایسده مالا هند معزوله اولوب برینه عمر متولی اولد فده هندک و جیحوز

اوزر صرفی قدر معروف ایکن صرف ایندیکی اجدیه هند

تضمین قادر اولور می اجواب اولماز

بوصورتی هند ایله عمر و قاضی به و ارب مرافعه اولد قلر نه قاضی هندک صرفی
 بنم اهرم ایله اولماشدر و بو هندک قدر معروف صرف ایندیکی اجدیه

تضمین قادر اولور می اجواب اولماز بهما عجب عظیم

غله سی بر کوب بر بنگ مرسته مشروطه و فقا مؤذن متولیس زید اول کوبری خرابه
 مشرف اولوب مرسته محتاج اولد فده بنده موجوده غله اولما مغلله اصل مال فقه
 شوقدر اجدیه اذن حاکم کوب بر بنگ لازم اولان بر لربنی تعبیه خرج و صرف ایدوب
 مرسته ایندک نصکره زید باقی فلان مال و تفک فله سبیله اصل مالی تکبیل اینک
 صدق ایکن معزول اولوب برینه بشر متولی اولد فده باقی فلان مال و تفک
 غله سبیله اصل مالی تکبیل ایتمبوب مصروفنی زید و تضمین قادر

اولور می اجواب اولماز عجب عظیم کلا استکار زاده

تولیت و غله سی بر سجد ده امام اوله مشروطه و فقا منزل حریفه محرف
 اولد فده و فقه بنایه ساعده اولما مغلله اول سجدک امامی زید بریستی
 اجاره معجله و مؤجله بله اجاره ایدوب معجله نامنه الیغنی اجدیه اول منز لک
 عمارتی صرف ایتمبوب اکل و بلع ایسده مالا زید معزول اولوب برینه بکر امام
 اولد فده مبلغ مزبورکی زید و فقا سچون تضمین و افده

قادر اولور می اجواب اولور عجب عظیم افندی

وقف مادنه اشترای باسماح او فاقه و وقف و ضمه الی وقف آخر و شرطه شرطه فاقیت
 بطلان شرطه بطلان المستمن و هو شرطه و البیاع و وقف لبطل باقی منته اشباه فی آخر فن شاک
 و باقی القیود و بنی علی الامر الفانونی

زید عرصه و بنا سی بر جهت بزه و فقا اولوب اجاره معجله و مؤجله بله نصکره
 اولان بر دکان تکرا کندوسی بر جهته و فقا و تسلیم الی المتولی ایندک نصکره
 زید مرقوم فوت اولد فده اولادی زیدک وجه محرز اوزر و فقا ایسده صحیح و کلا
 دیو اول دکان زیدک متولیس بیدن الوب کند لری

نصرفه قادر اولور لری اجواب اولور

بوصورتی زیدک متولی نصب ایندیکی عمر اول دکان اون و رت سنه مقداری
 ضبط و اجاره اجرتی قبض ایدوب بر مقداری و فقا مصارفه صرف ایتمش اول
 حالا اولاد مزبور و فقا مزبور صحیح و کلا بر جو اول دکان عمر و الوب و فقا
 اجرت معجله سندن فضله فلان اجرتی و فقا متولی مزبور افده
 شرعا قادر اولور لری اجواب اولور اسعد افندی

بر سجدک مهمانه مشروطه و فقا منزله حاکم اذ نستر علی حله بکر می متولی ایدوب اجرت
 معجله و مؤجله بله بشره اجاره ایسده حاکم اول منزله خالدی متولی نصب ایندک فده خالد
 اول منزلی بشره الوب آخره اجاره قادر اولور کلا استکار زاده

بر و تفک مستغلامان اولان و فقا منزله متولیه سی هند اجاره معجله و مؤجله بله ایسده
 ایدر اولد فده الی بیک اجدیه معجله و بومی ایکی اجدیه مؤجله بله طاب لری اولوب مبلغ مزبور
 تمام اجرتی ایکن هند مزبور غرض تقسیم بکر بر مقداری ر شونخی الوب اول منزلی
 بکر می بیک اجدیه معجله و بومی بر اجدیه مؤجله بله اجاره ایدوب و فقا بوجه اوزر قدر بیک
 حاکم معلومی اولد فده حاکم هندکی رفع ایدوب برینه بر متدین کیشیه

متولی نصب ایندک قادر اولور عجب عظیم اولور عجب عظیم

بکر می القوی بنی باب فیما یجوز و فیما لا یجوز بیانده در

اولادی اولیان زید بر و فقا اوله به اجاره معجله و مؤجله بله متولیه الوب ساکن اولور
 فوت اولد فده عمر و فقا ایدوب زید بنم قولدر اجاره معجله دیو و بر دکی اجدیه مزبور کلا
 اوله به ضبط ایندک شرعا قادر اولور کلا استکار زاده اذن متولیه اولور
 بوصورتی متولی ذکر اولنان او طبعی اخرون زیاده ایله استر و آرا ایکن متولی شرعا
 دیو مالک قادر اولور می اجواب اولماز بستان زاده

اجاره سی بر محله سجد تک مصاحنه شرطه و تعیین اولنا منزل اجاره معجله و مؤجله بله
 و بر لک جائز اولور اجواب و فقا نافع بر اولور اسعد لری عجب عظیم

وقف علی مصالح مسجد فقیه القیم
 فاجتمع علی المسجد و بعدوا علی
 متولیا بغیر امر القاضی فقام بذا
 فده تکلم المشایخ فی جواز زید متولیه
 و التنازها لا یجوز لانه ایسده
 الوقیه والواجبه فی الفصل الاول
 من الوقف
 اولان الوقف شرطه الوالیه لیسف
 و کان الوقف غیر ما ستم علی الوقف
 فده قاضی بنزنها من بره نظر الفقه
 من وقف الهدایه و استغیسه
 ان القاضی عزل المتولی لکان غیر
 الوقف بالاولی من وقف بکر
 و اذا علم حرمه ایسده الوقف باقی مزبور
 المشایخ حرمه عارنه بالاولی کانه
 بر شقی ان کیون خیانه من انظر
 و کذا اجاره بالاقول عالما بیک
 من المعنی المرقوم

و تعیین الاقضا فی الوقف بالانفع
 من وقف الحاکم و مشایخ فی الذخیره
 و الاشباه

و نیز در جمع عقار این شهر منصفین
من و سایر اشخاص

زید عمر و ابله شکران اوزر اجاره معجله و مؤجله وقف و کانه متصرف یکین زید فوت اولوب
حصه سی صغیره قزلی هند و زینب انتقال ایندک نصکره و صیدری بکر اول حصه اذن متولیه
عمره فراغ ایدوب عمره مستقلا متصرف یکین اول و کانه بالکلجه محرق اولوب عمره مستقره
قاله قد نصکره عمره و مالیه نفی چون اذن متولیه بنا اعدا شد ای حاله بکرت اولوب حاکم بر
بشری وصی نصب ایندکده بشر بکرک فراخی معسبر و کلدر دیو اول عمره
صغیره کرک حصه سنی ضبطه قادر اولوب **اجواب اولور** عجبیم

زید بر تاج وقف و کانه اجاره معجله و مؤجله ابله متصرف یکین فوت اولوب اولوب و غلری عمره و کر
و بشری ترک ایندکده عمره اول و کانه فری بکر و بشرک اذکر نسر بر تاج سنه اجرت معلومه بود حاله
ایجاره تسلیم و اجرت سمایه قاله بخر اخذ و استنماک ایدر سنین هر بنوب ده و کانه ترک اجرت
مؤجله لرین متولی به ادا ابله بکر و بشر عمره اول و کانه زید بخر جمله مره انتقال عادی
انتقال اینمشهدی اولوب و بشری خالده بخر الدیفک اجرتی حصه خری ضامن
اول دیو جیره قادر اولور **اجواب اولمازلر علی** فتدک

سکناسی بر سجد شریفه امام اولنله شرطه وقف منزله زید امام سکن یکین اول منزل
حرفقه محرق اولوب عمره صرفه قاله قد و قدده ساعده اولما بخله متولیه اول
عمره بخر اجاره معجله و مؤجله ابله عمره ایجاره تسلیم ایدکده نصکره اول عمره و زینب
اذن متولی و مالیه نفی چون بر منزل بنا اید حاله سجد مزبور ده امام اولما بکر اول عمره
بر بنه بن و فیضی چون منزل بنا ایدوب شرط واقف اوزر ساکن اولورم بجا اول بنامک
قلعی وقفه مضر اولما مقله رای حاکمه عمره قلع ایندکده قادر
اولورمی **اجواب اولور** کذا فی منقاری زاده

سکناسی و نولینی بر سجد شریفه امام اولنله شرطه اولوب وقف منزل حرفقه محرق اولوب
عمره صرفه قاله قد زید امام اذن حاکمه عمره اجاره معجله و مؤجله ابله و بروب عمره و حق
زیدک اذن و مالیه نفی چون بعض اینه اعدا شد ای حاله زیدک بر بنه امام اولما بکر عمره
اعداد ایندکجاک اینیک قلع و تغریغ و عمره موقوفه بکانه تسلیم ابله
دیگر قادر اولور **اجواب اولور** عجبیم فتدک

بوصور زید بکر اینجه موقوفه ملک قلعی ارض وقفه مضر اولما مقله عمره قلع و رفع ایندک
عمره سنی الوب ضبط ایندکده نصکره نصرف ایندیک بدتج اجرتی سنی الوب
مرمت وقفه صرف اینیکه قادر اولور **اجواب اولور** کذا منقار زاده

لوصف ایدر استاجره من استاجره
بسطه الاجر من استاجره ما و امت
فی بد الغاصب من الدخیره البرا بنه
اجرت الفضولی دارا موقوفه و استوفی
اول عمره مستاجر عن العیده و ایا
ذکرت اجرتی من سنن ان الاجر من
فضال بر زه لوقف
من اجاره العینه

وان وقف علیه سکنی فلیس له
او سکناس نوزل من الوصایا
استد ان اذن بینا و المشایخ
من صاحب الارض او ثبت حق فرار
البناء فی عمره الذکر و کله لزم
استاجره بمانه باذن رب العار
ان یقلعه و یسقطها الی مالکها فان
عند انقضاء مدته اجاره کانی لهما
حیث قال و یجوز استیجاره من
یسنی نهام اذ ان منقشت مدته
الاجاره لزمه ان یقلع البناء و یسقطها
فان قد لانه لانه لانه لانه لانه لانه
منه لزمه صاحب الارض انتهى
عقار استاجره فتدک

قان قلت اذ اجرت متولی و آرا
شرط سکناسها ما کم الاجره قلت
بیشی ان یكون حوقف ولم اراه
صریحا من وقف البخر

زید عمر و ابله شکران اوزر اجاره معجله و مؤجله وقف و کانه باک فارغه اول ساک شو مقدر
انچه و بره بک و بیکله هند فارغه اولوب پیرنه فراغ شمسک و بر و کده نصکره کازید مبلغ
مزبور می و بر ما مقله هند و کانه مزبور می المنه قادر اولور

اجواب اولور متولی بو عجبیم اولور عجبی فتدک
زید بر مقدار وقف عمره خالیه اوزر بنه بعض اینه اعدا شد ایچون متولی وقفند
اجاره معجله و مؤجله ابله الوب بعده اوزر بنه بر بنه بنا ایندین آخره دپاره
کبدوب ایکی اوج سنه مکث اینمکله اول بدتج اولان اجرت لازم سنی
جانب وقفه ادا و تسلیم قادر اولما سمالا کلده اول اجرت لازم بک
متولی اولان عمره ادا ایده بک و بر اینک عمره و المیوب بودر زما قدر
اجرتی بر مدک دیو عمره بخره ایجات قادر

اولورمی **اجواب اولمازلر عجبی** فتدک
زیدک مدک سنک و قنی ضیق اولغله بر تاج آخی و طیفه سنی المیوب بعده
اول وقفند اولوب عمره و کانه اجاره معجله و مؤجله ابله متصرف اولدیغی
وقف منزل بلا ولد و قات ایدوب محلول اولدقه متولی وقف آخره
اجاره معجله و مؤجله ابله ایجاره ابله حاله زید متولیک معجله نامنه الیغی
انچه در در ایدن ابلرک و طیفه لرینی المنه قادر

اولورمی **اجواب اولمازلر عجبی** فتدک
سکنین محله سنده واقف زید سکنک اجاره معجله و مؤجله ابله نصرفه اولان
وقف منزل سکنیدن اجاره ابله المنه طالب و آرا یکین زید عمره ایجاره بکرت
کفره به ایجات قادر اولورمی **اجواب سکنیدن طالب**
اولان ایجاره اولور عجبیم فی الاجاره

زید بوز بیک اینه سنی بر جمت بره وقف و شجیل شرعی و تسلیم الی المتولی ایندکده نصکره
متولی وقف نفودک ضایع اولق احتمالی اولغله رای حاکمه مبلغ مزبور می
وقفه نافع اولان عقاره تبدیل ابله اول عقار ایچون بکر ار شجیر
شرعی به احتیاج و آرمیدر **اجواب بودر** منقار زاده
بوصور سنی متولی وقف اول عقاری اجاره معجله و مؤجله ابله ایجات قادر
اولورمی **اجواب اولور** بهما عجبیم فتدک

قاله المناظر عقدا لاجاره جائز
اقه اذ کانه العاقه تاخره قبیله
اولان کانه المناظر فعیل الاجاره
من وقف اشباهه مختصا

قان قلت علی متولی ان یصرف
فوق سنه الی سنه قبلها قلت لا
لما فی الکادوی المحصری و غیره الی
من وقف البخر به فقی علی فتدک

و اختلاف الرده یات فی سکنام
بینا سکنین فی المصرو المعتمد
ایچون زید حقیقه نافع سنی فی ایچون

کالوقف اذ استبدل متولی وقف
الی بدله ذکره فاشیخان من الوقف
اشباهه قبیل القول فی الدرر
من احکام الکشاره

تفصیح اجاره بموت المورث العاقد لنفسه الا لغرضه الخ من اجاره الاشياء
فاذا تفسخت الاجاره ولم يترک ما جاز من المثل بقیة المجلد فی یدیه ان تامة و فی ذمته
ان استهلكها مستحق الزود والعتان الی المستأجر فلهذا کان له ان یأخذ من تركه عطارة فذکر

سکناسی اولاده و اولاد اولاده بعد الا تقراض غلشی مدینه منور فقراسنه مشروط
وقف منزله اولادون همد شرط واقف اوزن ساکن ایکن همد منزل مزبور هجر
نصر یداید وب بر مقدار ارقه بدل مقابله سنده همد سکناسی عمره فارغ اولوب
بکر قاضی بر حجت باز دیوب بعد همد فوت اولوب اولاد منقرضه اولوب غلشی
مدینه منور متولبی منزل مزبور کی عمره الووب اجاره معجله و مؤجله ای بکره
ایجاره بتمش اولاد علیه عمره و سنده و بر وی اقره بر ترک همد همد
قادر اولور می **اجواب اولور** علی بن عیسیٰ اقدی
بر معجله امانه مشروطه وقف منزلی قدیم دن بومی درت اقره مؤجله ای بکار اولور اولوب
زید متولی اولان عمره امانه دن بومی درت اقره اجاره مؤجله ای بکار درت بیک اقره اجاره معجله
ایله استیجاره ای بکار که نصکده اذن متولی و رای حاکمه وقفه دین اولن اوزن کند بدم
اون بیک اقره خراج ایدوب منزلی تعمیر ایدوب ساکن اوله حاله امام اولان بکر
زیده خراج ای بیک بملفی و بر مدین زیدی منزلی دن اخواجه قادر
اولور **اجواب** مرمت لازمه همد اولماز سعد الدین
غلشی بر کنیه تک فقراسنه مشروطه وقف اولوب زید سکنه اجاره معجله
و مؤجله ایله نصر فنده اولان وقف منزلی متولبی اولان عمره و ذمته
زید ذمته همد مجتمع اولان شو قدر ایلن اجاره یه زید دن طلب ای بکار که
زید بن مسلم اولمغل اجرت لازم کلن دیوب و بر ما که
قادر اولور می **اجواب اولماز** علی بن عیسیٰ اقدی
زید زوجه سی همد ایله اجاره معجله و مؤجله ایله بر وقف منزله اشترک اوزده نصر فلر
ایکن همد بلا ولد فوت اولد قس متولی وقف همد اول منزل دن حصه سنی
وقف چون ضابطه قناعت ایتمیوب زیده البته سن همد منزل مزبور حصه کی اخوه
فراغ ایله یا خود همد که حصه سنی تفوض ایله دیوب جیره قادر
اولور می **اجواب اولماز** علی بن عیسیٰ اقدی
قرند مشر اولان زید و عمر و بر وقف منزله اجاره معجله و مؤجله ایله نصر فلر ایکن
زید بلا ولد فوت اولوب متولی زید که حصه سنی عمره ایجاره ایله زید که زوجه
همد متولی به حصه مزبور یه عمره و الووب با که ایجاره ایله جیره قادر
اولور می **اجواب اولماز** علی اقدی و عیسیٰ اقدی

و اما اولاد ستم المستأجر و اولاد المورث
بمرت مانوشه لوقف و غلبینه و نحو
ذکر فی نظر ان زاده من مال المورث
و کسبیه که قیمت بعد اربع دفعه لا متولی
قیمت من غیر تخمیر ان منزله وقف بر فندان
زاده قیمتیه لا قیمتیه بعد اربعه کانترب
مثلا با جمع بیستی دان تفیق علی نحو
غلبینه و مرتبه اجاره با بر اولان اشترک
بر جمع به علیه فی غلشی لوقف لان بین
المانوشه موجوده فاذن لبر همد
و اصح حیطه همد اولاد من صاحب
لبر جمع بر جمع همد تفیق فی ذکر
متره التفاتی فی اجاره

فلما اذا سکن الریض فی دار رجل ای بکار
من غیر عقدان کان لدار عقده لا ستم
بجبهه الاجاره فالواد فی المدهه لا ستم
و تخایب الاجاره علی من سکن لوسکن
علی وجه اجاره فی الذمیره

بنا همد انه لا ضرر ولا ضرار و همد
یشکل کذا فی الاشیاء و غیره
و متره ان الاجاره عقد لازم و غیره
بغیر متره من الاشیاء و غیره

مرت ستم قبل ثمنه و راق
من عطارة و همد اشیاء

غلشی بر سجد مشرفه مؤذن اولنکره مشروطه وقف اولان منزلی متولبی زید
اجاره معجله و مؤجله ایله عمره ایجاره و تسلیم ای بکار که نصکده معجله سنی الووب قبض ای بکار
فامؤذن اولن بکر معجله سنی زید بخر طلب ای بکار که زید بن انی رقیه ای بکار که بخر طلب ای بکار
دی بکار قادر اولور می **اجواب اولماز** کذا استفتای زاده و علی بن عیسیٰ اقدی
تولیت و غلشی بر سجد مشرفه امام اولنکره مشروطه وقف اولان منزلی امام اولان زید
اجاره معجله و مؤجله ایله عمره ایجاره و تسلیم ای بکار که الیقنی اجرت معجله یه منزل عمارته
محتاج ایکن ایتمیوبه اعلاف ای بکار که نصکده زید معزول اولوب برینه بکار که
اولدغه اجرت لازمه یه زیده نصیبه قادر اولور می **اجواب اولور** کذا
بر سجد ده امام اولنکره سکناسی مشروطه اولان وقف منزلی که حریفه بعض
بر کی بیقلوب جانب وقفه و خنی بنا بر ساعده اولما مغله متولبی زید
اجاره معجله و مؤجله ایله همد ایجاره و تسلیم ایدوب بعد همد همد بنر غا
وقف چون عمارت و مرمت ایتمش اوله حاله سجد مزبور ده امام اولوب
متولبی اولان عمره منزل مزبور کی همد همد الووب مشروطه اوزده
کندی ساکن اولمغه قادر اولور می **اجواب اولور**
بر سجد که امانه مشروطه اولان دکانه استیجاره ایدن زید دکان مزبور تک
تعمیرینه اذن حاکم کنده مالندن اقره صرف ایتمکله دکان مزبور تک خنی نصر فنی
عمره تقویض ایتمکله قادر اولور می **اجواب** معرفت متولبه
اولور می **اجواب اولور** ابو سعید اقدی
زید تحت اجاره سنده اولان وقف عمره ده اذن متولی و مالیه نفسی چون منزل
بنا ایله اول بنا زید که علی اولور می **اجواب اولور** علی بن عیسیٰ اقدی
زید عمره سی اجاره معجله و مؤجله لی وقف و بنا سی ملک اولان منزلی ثمن معلومه
عمره بیع و تسلیم و قبض ثمن ایدوب عمره منصرف ایکن حاله عمره و نام اولوب
زید منزل مزبور کی الده ثمن مرقومی و بر دیوب جیره قادر
اولور می **اجواب اولماز** کذا
زید متولبی اولد یقنی وقف عمره اوزرینه کنده مالیه نفسی چون دکر من
بنا ایدوب اشهاد ایله اول دکر من تک بنا سی زید که بلکه
اولور می **اجواب اولور** علی اقدی و عیسیٰ اقدی

مرت ستم قبل ثمنه و راق
من عطارة و همد اشیاء

مرت ستم قبل ثمنه و راق
من عطارة و همد اشیاء

مرت ستم قبل ثمنه و راق
من عطارة و همد اشیاء

مرت ستم قبل ثمنه و راق
من عطارة و همد اشیاء

مرت مستند ظهر الورق انشا

مرت مستند ظهر الورق انشا

مرت مستند ان وقف غیر ملکی بجز
من وقف شیعہ جمع ہون تک
اسلئے نہ فضولی فی وقف و تصرف
الفضلولی بیطل باطلان مالک
عطار انہ افذک فی وقف

سنتی از وقف انہی و فاعلی
و اویسے بل بجز اجابہ لوقف باطل
و بجز بیعہ و بیعت عنہ کہ انہی
علی الزبائن و التفتیحین انہی
علی فقرہ انصار کی ہاں سنہ شریعت
انصار کی ہدایت

ولو قال ارضی بده صدقہ موقوفہ
نہ تعالیٰ و فیہ سنا زید بصل جس
او بصل زعفران خاں زہرہ انہی
زید لوقف و بصلہ انہی لوقف
اعلام او خانہ مضاف

زید متولیبسی اولدینی وقف عرصہ وہ مالیکہ دکان بنا ایندکده نغیچون بنا
ایندیکنه اشہاد ایتمیبوب بیان ایلماسہ اول نمازیدک ملکی او کور بوزن
وقفی اولور ایجاب وقف اولور بچی افذک علی افذک استکارزادہ

زید متولیبسی اولدینی وقف منترک عرصہ سی اوزرینہ مالیکہ بنا ایندکده نغیچون
نغیچون بنا ایندیکنه اشہاد ایتمیبوب بیان ایلماسہ حالاً زید نغیچون
بنا ایتمیبوب دیوب اول بنا یک ملکیت اوزر ضبطہ قادر

اولور می ایجاب اولماز علی افذک

منولی اولبنا زید بر وقف عرصہ اوزرینہ مالیکہ منزل بنا ایندکده نغیچون بنا ایندیکنی
بیان ایتمیبوب بعدہ فوت اولسہ ورتہ سی نغیچون بنا ایندی دیوب بنا یک ملکیت
اوزر ضبطہ قادر اولور ایجاب اولور علی افذک

زیدک عرصہ و بنا سی جہت برہ وقف اولوب اجارہ معجلہ و مؤجلہ ایلد تصرفہ اولان
بر دکان بکرار کندوسی بر جہتہ وقف و تسلیم الی المنولی ایندکده نصکرہ زید مرقوم
فوت اولدقہ اولادی زیدک وجہ محرز اوزر وقف ایتمیبوب صحیح و کلدر بوجہ
اول دکان زیدک متولیبسی بدندن الوب کند ولری تصرفہ
قادر اولور می ایجاب اولور ابو سعید

زید دومی بزبانچہ ی اون طغوزیل تصرف ایدوب بعدہ عمر وہ بیع ایدوب عمر دخی
درت بیل تصرف ایدرکن بکر کلوب بو باغچہ کنبہ بر وقف و بطلب ایلد المذہ قادر
اولور می ایجاب اولماز کنبہ بر وقف باطلہ ابو سعید

زید ملک باغچہ سنی وقف ایندکده اول باغچہ نک ایچندہ مفردس اولان بچکرک ارضہ باقی
اولان صوغا غری ارضہ بیعت ایلد وقف اولور ایجاب اولور علی افذک استکارزادہ

زید بر وقف عرصہ اوزرینہ بر مقدار اشجار غرس ایلد بعدہ اشجار مزبور یہ وقفہ شیخ
ایلدکده نصکرہ زید فوت اولسہ حالاً ورتہ سی اشجار قومہ یہ ملکیت اوزر
ضبطہ قادر اولور ایجاب اولماز علی افذک

زید وقف ایندیکی باغچہ نک سیوہ سنہ فلان مقداری اولاد منہ بندہ و برلسونچو
شرط ایدوب و قیہ سنہ قید ایندیش اولسہ بعد زمانہ ذکر اولان باغچہ خراب مشرف
اولدقہ منولی اولان عمر و بندہ دخی تعمیر ایندیکہ قادر اولور
ایجاب اولور شرط واقفہ موافق قیہ ابو سعید

زید بر وقف عرصہ اوزرینہ منولی اذ منتر نغیچون اشجار غرس ایلد حالاً منولی
اشجار قومہ یہ قلعی و قضا رضہ مضرا ولما مقلد زیدہ قلع و رفع ایندیکہ
قادر اولور می ایجاب اولور علی افذک

زید متولیبسی اولدینی وقف باغچہ ی اجارہ معجلہ و مؤجلہ ایلد عمر وہ ایجار
ایلدکده نصکرہ زید معزول اولوب برینہ بشہ منولی اولدقہ ایجار مزبور جائز
اولما مقلد اول باغچہ یہ وقفیچون الوب ضبطہ قادر

اولور می ایجاب اولور کذا فی استکارزادہ

زید متولیبسی اولدینی وقف برہ کندیک ملک ذلغری نغیچون غرس و اشہاد
ایلد حالاً زید فوت اولوب برینہ عمر منولی اولدقہ اول اشجار ی زیدک
ورثہ سنہ ضبط ایدر میوب و نغیچون ضبطہ قادر

اولور می ایجاب اولماز کذا فی استکارزادہ

بر سببک اما منہ مشروطہ باغچہ زید امام اولان عمر دخی اجارہ ایلد الوب منصرف ایکن
عمر و معزول اولوب برینہ بگرام اولدقہ درت آئی نصکرہ زید باغچہ یہ پاکہ تسلیم ایلد و یکد
بکر درت ایلد اجارہ ی زید من المذہ قادر اولور می ایجاب باغچہ نک

اجارہ سی صحیح و کلدر سیوہ ہاسنی الوب ابو سعید

تولبت و نقلہ سی واقفک اولاد نہ اولاد اولاد نہ مشروطہ وقف عرصہ وہ
اولاد زید سائر اولاد اذ منتر نغیچون ملک اشجار نغیچون غرس و اشہاد ایلد
سائر اولاد عرصہ وقف اولمغلا اشجار دخی وقف اولمش اولور ایلد الوب اشجار ی
دخی وقف اولمش اوزر ضبط ایدہ رز و یکمہ قادر

اولور می ایجاب اولماز علی افذک

بر وقف ارض اوزرینہ نابت اولان اشجارک غارسی معلوم اولیبوب برزادہ یکم
متولیبسی اولان زید ارض مزبورہ ی عمر و جانب و قطن استیجار ایدوب بعض
اشجار غرس ایدوب اشجار ی زاویہ یہ وقف ایلدی دیو دعوی ایلد وجہ محرز
اوزر اثبات قادر اولیبی منولی ارض وقف اولان بکر اشجار نکون یہ و نغیچون
ضبط ایدوب اراضی و اشجار ی بشرہ ایجار قادر اولور ایجاب

عمر و جانبندن تصرف قدیم الوب ایضا اولنور اجر مشلن
متولیبسہ و بر یکم صنع انہ افذک

رجل احد عمارتہ فی ارض اوزر
بیزدن الشولہ نغیچون ان یا عمرہ
بازنغ جو اہری الوقف
ان لم یشرہ لوقف کذا فی اکثر افذک
ولہذا افذک بندہ ایسہ

وقی شیخ بکر مستاجر ارضاع ما فیہا
من اشجار حالاً جاریہ خاصہ
عطار انہ من شیخ جامع التفسیر غریبی

المنذک اذ انہی اذ غرس نغیچون
بیدکان لہ عمارتہ نغیچون مضاف

واذ استاجر نغیچون و اشجار علی بکر
ما اشتر مستاجر لاجور انہ لوب بکر

دینقل فی مثل غیرہ مالو او ما جوری
فی قدیم الزمان کما من لوب بکر
عطار انہ افذک

زیدک اجاره معجله و مؤجله ایله تصرفنده اولان وقف منزل احواق اولوب
 منویسی بنا اینک استند که زید بن یونس الشمس سنه بر با خود طغاسنیه
 اجاره طوبله و منوی تمسک ایله المسمدر سن بنا ایله بنه اسکی اجاره سبله بن تصرف
 ایله رم دیو منوی وقف ضبط ایله در ماکه قادر اولورمی

اجواب منوی بنا زاید بنترسه اولور **اسعد**

زید کنده ساکن اولدی یعنی اوی وقف ایله ب سکناسی عققاسنه اولان عققاسنه
 وبعد الانقضاض کنده سجده وقفه کاف و لفق شرطیلده وقف ایله بعد زمان
 نوبت اولان عققاسیه انتقال ایندکه حرین واقع اولوب ذکر اولنان اوک
 جیسا بناسی احواق اولوب ارض خالیله فالوب عققاسنیه باقیمه قادر
 اولیجی خارجدن عمر وک بر مقدار اجرت معجله سن لوب
 اجاره طوبله ایله شرعا بر مکه قادر اولورمی

اجواب رای فاکه مغفوضدر منع افندک

شرط واقعه مخالف اجاره طوبله ایله وقف اوزر بنه بنا اولنان دکانک
 قلعه حکم اولند قد نصکره صاحب بنا قلع اینجیب بر مقدار زمان مور ایله
 دکانک قلعه حکم اولند یعنی نار بجدن دکان مزبورده ساکن اولان
 کسند دن صاحب بنا دکانک اجاره سن المنه
 قادر اولورمی **اجواب** اولور ابو السعد

بر مسجدک امامنه مشروطه اولان خرابه بی مسجد مزبورده امام اولان زید اجاره طوبله
 ایله عمره و بر و ب عمر و دخی ارض مزبورده پنجه حوله کوب و اینجه اشجار شمره غرس
 ایندکه نصکره عمر و مزبور حسن رضا سبله خرج ایندیکی قبری زید بن اوب ارض مزبورده
 کر و زیت و بر و ب زید دخی اینجه اشجار شمره مشروطه غرس ایله تمام معمر ایله
 بر قاج بیل تصرف نصکره زید مزبور وفات ایله ب اول باغچه اینام زید انتقال
 ایندکه مسجد موقوفه حال امام اولان بکر اول باغچه اینچون حاکم الشیخ نبین ایندیکی
 مقاطعه بر فاساعت اینجیب شو مقدار زیاده مقاطعه و برک با خود
 باغچه بی بن تصرف ایدر بن و بکه شرعا قادر اولورمی

اجواب زیاده بر نخلی اولوب امامه اطلاق اوزره
 تصرفی مشروطه جی اولور بنام زاده

اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر

مسئله طبع ایضا در وقت قبل از قبیل
 من لیا هر کسند و فقه اوزره صاحب
 اینا برین علی با ذکر فی الفصول الثانی
 من الفصولین عقب واقعا تا بروه
 جیب المستحق ایستاد بر لوب و صاحب
 انهم

اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر

نقله

قطعه ثانیه مقاطعات بیاننده در مقاطعه عملی اراضی موقوفه
 التي قسم اوزر بنه در اولی قسم مقاطعه عملی وقف منزل و دکان
 و حجرات بر لری بیاننده در اولی قسم اون باب اوزر بنه در
اولی باب اجاره معجله و سنوی مقاطعه ایله عرصه و بناسی وقف
 اولان محکم متصرفی فوت اولدنده و زید سنک بزه انتقال ایدر
 نزا نظری بیاننده در اولی قسم اوی فصل اوزر بنه در **فصل اول**
 منصرفت قبل الاستیفا فوت اولسی بیاننده در

زید اجاره معجله و سنه ده شو قدر ایله مقاطعه ایله تصرفنده اولان وقف عرصه
 اوزر بنه اذن منوی و مالیه معجله سنه محسوب اولمق اوزر بر منزل بنا ایله ب
 منصرف بکن زمان قبله بلا ولد فوت اولوب منوی اول منزلی و قضیچون ضبط
 و آخره ایجار ایله کده زیدک و زید سی زیدک استیفا ایندیکی مقدار منوی
 بدنه اولان نخله و قفدن طلب ایله ب المنه قادر
 اولورمی **اجواب** اولورمی مجتهد افندک

فصل ثانی منصرفت بعد الاستیفا فوت اولسی بیاننده در

زید اجاره معجله و سنه ده شو قدر ایله مقاطعه ایله بر مقدار عرصه خالیله تک
 فوت ایله تصرف ایله معجله سنی استیفا ایله کده نصکره بلا ولد فوت اولمق
 منوی وقف اول عرصه بی و قضیچون ضبط و آخره ایجار مراد ایندکه زیدک و زید
 عرصه مزبور مقاطعه ایله اولمق ملک حکمنده اولوب ارض بزه انتقال ایدر
 دیو منوی بی و قضیچون ضبط و آخره ایجار دن منعه قادر
 اولورمی **اجواب** اولما زلر کذا

عرصه و بناسی زیدک و قفند ز اولوب عمر وک دخی اجاره معجله و سنه ده شو قدر ایله
 مقاطعه ایله تصرفنده اولان بود بچانه عمر وک فوت نصکره او غلری بکر و بشره
 انتقال ایله ب بعد مزبور علی الاشتهر اک منصرفت بکر بلا ولد فوت
 اولسه حصه سنی منوی وقف اجاره معجله و مؤجله ایله و بر مکه
 قادر اولورمی **اجواب** اولور

بوصورت بشر مجر و مؤجله مقابله سنه مقاطعه قدیمه اولمق ملک حکمنده اولور جوب
 منوی بی منعه قادر اولورمی **اجواب** اولماز بهما عظیم

اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر

اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر
 اولی من اشهر اولور عمره امام باقر

در حقیقت و غیره استخوان و نشانی اجاره و مقاطعه شرح کتاب برنده برسد و با آخرید ر مغفل و مشروع
بیان پیورید **بجواب** مکمل برودر انا اجاره ایام و مشهور اید اولنا نده مقاطعه سنه اید
اولنا نده مشهور در **ابوالسعود افندی**

بجوابی باب اجازت معجله و سنوی مقاطعه اید عرصه و بیعت
وقف اولان محله متصرف ایکن بنا محرق و یا منهدم اولد قده
معجله سنه محسوب اولق اوزر بنا بیاننده در

عوضه سنک سنوی شو قدر اید مقاطعه سی اولوب بنا سنک اجاره معجله و اید اذن اول
ایده مؤجله سی اولان بزوقف منزک اجازت مؤتمه اید متصرفی اولان زید وقف مزبورک
متولیسی بنا منزل مزبور محرق و یا منهدم اولد کورس سن معجله سنه محسوب اولق اوزر کندی
مالکده بنا اید بیجگده اون بش ایده مؤجله سنه شو مقدر ای الفاسوم و بوجت و برسه
اول بخت و نمتک اید عمل اولد **بجواب** اولنا نده

بوصورنده بنا منزل مزبور محرق و یا منهدم اولد قده زید اذن شوک و مالکده معجله سنه
محسوب اولق اوزر بنا اید اول بنا ایچون اولان اون بش ایده مؤجله سنه بنا بیاننده زید
وقف مزبور متولیسی اولد الملقه قادر اولد **بجواب** اولور ایچون

بجوابی باب معجله سی ایچون سنوی مقاطعه اید تصرف
اولنان مکان بیاننده در اولدخی ایکی فصل اوزر بند در
فصل اول عرصه و بنا سی مقاطعه ای وقف اولان منازل
و دکا کین ملک حکمنده در بیع اولمنق جانزور دیو
متصرف اید متولیسنک نزا علی بیاننده در

جامع شریف ایا صوفیه بنا سنه اتصال تربیع اید متصل کاکیر بنا لوطبقا تیلد فوقانی
و تحتانی اولرک فوقانیسی مصباح و قضا ایچون متولی ضبطنده اولوب تحتانی اولد لوده
سنوی مقاطعه اید بعضی سنه لرا اولوب متصرف ایکن ملک مشر و عمد رجو آخره بیع ایتمک
فقد اید کلر زت اولد قلدخی متولی اشند که بو اولرک بری و بنا سی وقف ر مقاطعه
و بر مکله ملک اولما ز بیعه قادر و کلندر و بر بکر مقاطعه ر ضعاف مضاعف زیاد اید
اجاره بی قبول اید لر انمره و بر برین دید که مزبور لر مکله در مرحوم سلطان محرق خا طاب آه
دورنخ و برلشد ر مقاطعه ای اولان اولر متولی دخل ایتمک اولما مشرعی و کلدر و کلر که
مقاطعه بی اجازت بی تبدیل ایدو آخره و بره بیله دیر لر شرعاً ملک مشر و علی اولوب
بیعه قادر اولور سکی و متولی اولری زیاده اجاره بیه و بر مک مشر و عمد **بجواب**

مالکری و کلدر متولی اجور مشی بهر زجه انکله اجاره بیه و بر مک
مشر و عمد ر مقاطعه اجاره سنویه در غیر سنه و کلدر

فصل المتولی لو ایدر و ایدر
بزرگ شام اجور مشر و کلدر
اولیس نقل منها اولد ایدر
جامع الفصولین ۳۳۳

در مکله و الزیاده فی المده جائز
وان زید علی است اجور زمان کین ایتمک
لم یقبل مطلقاً فان حرجت و هم مشای
لما فی الیسیم معمودان کانت العین
و تقاضایان کانت اجاره ناسده
آجر و انشا طر ا عرض هنر اولان اولان
کین اولصل و قوهها سمیه باقر مشی
استباه فی اجاره

بود و جمله اولان اولرک مقاطعه ایدر کسنه بر تملیک اولق مشر و عمد **بجواب** مشر و عمد و کلدر
جامع شریفه و بعد مشر و اوزر متصل اولان اینه کلینا نتمه جامع شریفه ندر کندی کبی
وقف مکله ر کسنه بر تملیک اولمنق محالدر خصوصاً اکستی وقف اولد تملیک مکانه بود قدر
حضرت سلطان محمد فاعله الرحمه و الغفران عصر نده محمد استانبول عالی ایکن اجور مشی ناصر
اولمنقین جزئی اجور سنویه ایدر و برلشد سنکندر و متولیبرک حقیقت حاله با خود حکم مشر و
وقولری اولما معجله عالی اوزر فاشدر اجور مشی زیاده اولانی نتمه اوزر نمانا ایدر کسنه
اجور مشیده کند و با خود آخره و برلشد لازمه بوصورت مزبور لر اولرک دیو اولری
خراب مشر قدر میقلو جبره بزم اولر بز اوزر بند و شوب اولر بجزی بقدر بنشدن غیر ایلمکده
سبب اولور و بد کلر زت متولی اولقدر کار کیر بنا میقلوب نکرده با بلغمه بوز ایلی بیکی ایدر
خروج اولق لازمه اکرده اولان اولر و نمتک جبره اجاره سن زیاده ایدر قبول ایدر سکر نهبا
اول ملک مشر و عمد و دیکر شرعاً ثابت اولور سه مال دفعی سنک و بکره خج ایلمزین و بره شرعاً
لازم اولان ندر **بجواب** ملک مشر و علی اولمده اصلا طریقی مشر ی بود قدر حضرت سلطان محمد فاعله
تملیک بیور و بیغه اللزغه خشور شرعاً اولد و فی بحسب الشرح علی طریقی بود قدر جمیع کتب
فتا و اده وقف اوج بیله زیاده بیه اجاره بیه و برلشد صحیح و کل ایدر کسنه بوز کبی تمکک دعوا کسنده
احترام و در حضرت سلطان محمد فاعله وقف لرینه بیله اول و جمله تقبیل بیور و ب متولی اوقافی
اوج بیله زیاده اجاره بیه و بره کیم اجور زیاده ایدر جبره متولی اکره و بره جوضیح بود
متولی انک متوجیل عمل ایتمک لازمه

مقاطعه لو برک بر جاننده اوی اولان سنه اوزر بیع ایتمک ایچون زیدی و کیل ایدر و بیله
دخی ذکر اولان اوی زینب بیع ایدر زینب فوت اولد قدر نضکره مذکور اذرت بیکن ایچده حصه
ایچون زوجی کرده و بر بلوب عمر و خج بره حوله بود بر جاننده باغ غرس ایدر و بر جاننده
میوه افاجلری غرس ایدر اون بیله نضکره عمر و خج مر سوم اوی اون بر بیکن ایچده بکره
بیع ایدر بکر خجی اذن الوب اون بر بیکن ایچده خج ایدر نیجه بنا ایدر که نضکره بند اویتمک
بیعه زیدی و کیل ایدر کینی انکار ایدر بسفور اده سخته اولد یعنی نقد بره اولد اولان
اوه ای سخته اولور بزجه مسکره اولان بنا رده و با نچه و میوه افاجلرینه ده سخته ایدر
بجواب همان اولدن اولان اوه سخته در نمان بکر الوب
رای متولیبرک بر بیکن مقاطعه سن و بره تصرف ایدر
ابوالسعود افندی

وان کانت اجاره بما ایدر
انسان فی حکون ناسده اولان
اجاره سمیه نامن اولد و من غیره
باجر مشی اولان زیاده علی قدر مایرینی
برلشد ساجر فانیه فی اجاره الوقف

لا یجوز اجاره الوقف کثر من ایدر
شرطها الوقف وان لم یشرط
فالمقتضون من صاحبها فالو ایچون
ایده کانت اولنا نده نمانا ایدر
اکثر سنه و تقیو بوز فی بیع کت
سنین و فی غیر بیع کسنه و اولنا
صرة من خزانه المقتضین
فان الوقف ایدر فی بیله ساجر
مده مطوبه و اناس بر و نه تصرف
ایتمک ایقع فی قلوبهم انه کت
نیشیدن لر بلکمک اوا اده بونا
من اده بر بیطل الوقف
لسان حکام فی الوقف

فصل ثالث معجله من با کله عرصه سی مفاطعه لی بزمک

حکمه اول مقلد بزه انتقال ایدر بجز نزاع بیاننده در

زید بر مفاطعه وقف عرصه خالی به معجله منرا بنی سنه ده شود در آن مفاطعه ابله
عمره در دوی عمر و دخی منزله نویسنده اکاف ایدوب بعد عمر و فوت
اولدنده او غلی بکر ضبط ابله حالا متولی وقف اول عرصه به و قفس چون
ضبط مراد ابلد کده با پاکت مفاطعه ابله تصرفنده اول مقلد ملک

حکمه اولوب با که انتقال ایدر دیوب منعه قاور

اولور می اجواب اولماز عجبیم افندی

در دخی باب با کله عرصه سی مفاطعه لی محکک بعد الاخرق
والا نه نام اوزرینه با هیله اینه بیاننده در اولدخی
ایکی نوع اوزرینه در نوع اول اثر بنا قالمیسا مفاطعه
عرصه اوزرینه با هیله اینه بیاننده در اولدخی التی
فصل اوزرینه در فصل اول عرصه متولیسنه مفاطعه
ویرلما مکن متولی عرصه به آخره ویروب اولدخی
نفس چون با اذن متولی بنا ایتمی بیاننده در

زیدک مفاطعه لی وقف بر اوزرینه اولان ملک بناسی بانوب بری خالی
قالدنده زید حاضر وکل ایکن مزبور بر اوزرینه عمر و دکان بنا ایدوب و بان بیل
تصرف ابلد کده نضکره زید کلوب دکان عمره قلع ایدر مکه شرفا
قاور اولور می اجواب اولماز متولی عمره
اذن ویر بچک ابوالسعود افندی

مفاطعه لی وقف عرصه اوزرینه بنی اولان وقف دکان محرق اولدنده اثر بنا حاضر
برشتی قالمیوب بعد زید کستاجر مالندن عرصه اوزرینه متولیس اذنی و کندی
مابله نفس چون دکان بنا ابله حالا بنا و قفسک متولیس عمر و زیدک
بناسی قلع ایدر بروب اوزرینه متولیس اولدینی و قفس چون دکان بنا سنه
قاور اولور می اجواب بنا و قفسک متولیس مفاطعه سی
ویروب بنا ایتمک اوزر ایکن عرصه متولیس آخره بنا به
اذن ویر مکه قاور و کلدر بحسبی افندی

مرا بناسی قبل اوزرینه بنی
بعده سنه

سبانه بنا بعد اوزرینه بنی
د

وقد مر من الکتابه ان انشاء
فی الوقف به نفع له
او اصل بقار ما کان علی ما کان
اکتبا به فی القاعده الثانیة

زیدک وقفندن مفاطعه ابله تصرف اولان عرصه اوزرینه بنی اولان دکان مالکی
اولان عمر و جهت آخره و قضا ایدوب بعد اول دکان محرق اولوب اثر بنا
نایمینی عمر و ک وقفی متولیس اولان بکرا اول عرصه من متولیس اولدینی و قفس چون
اجرت الوب با خود اوزرینه بنا ایتمک قاور اولور می اجواب زیدک
وقفنه مفاطعه سی ویروب متولیس اذینله عمر و ک وقفی
اولمق اوزر بنا ایتمک قاور اولور بحسبی افندی

عرصه سی مفاطعه لی زیدک وقفی و بناسی عمر و ک جهت آخره و قفس اولان منترک بناسی
محرق اولوب عرصه صرفه قلوب بنا و قفسه بنا به ساعده اولما مقلد بنا اولوب
بر قلع سنه عرصه و قفسه مفاطعه ویرلما سه عرصه متولیس عرصه به و قفس چون
ضبط قاور اولور می اجواب اولور منقار زاده

عرصه سی مفاطعه لوزیدک وقفی اولوب و بناسی جهت آخره و قفس اولان منترک محرق
اولدقی عرصه متولیس بر بنی آخره اجماع قاور اولور می اجواب بنا و قفسک
متولیس مفاطعه سن ویروب بنا ایتمک اوزر ایکن عرصه متولیس
آخره بنا به اذن ویر مکه قاور و کلدر عجبیم افندی

عرصه سی مفاطعه لوسلطام با زید خان وقفی اولوب بناسی زیدک ملک اولان دکانک
بناسی زید جهت بزه و قضا ایدوب بعد حریق غطیبه اول بنا محرق اولوب اصلا
اثر قالمیوب مابینندن اوزرینه منمجا و زمان مرور ایدر سلطام با زید
وقفنه بر سنه ویرلمیوب زیدک وقفی چون بنا اولمغه دخی وسعت اولوب مقلد
قاله حالا سلطام با زید خان متولیس اول عرصه به و قفس چون ضبط
و آخره اجماع قاور اولور می اجواب اولور عجبیم

عرصه سی مفاطعه قدیمه لی برجهت زیدک وقفی و بناسی جهت آخره عمر و ک وقفی اولان
دکان بکر بهر ماه شود در آنجه اجرت ابله تصرف ایکن دکان حریق اولوب
اثر بنا دن بر سنه قالمیوب بعد بنا و قفس چون بنا به ساعده اولما مقلد
بکر مزبور اول عرصه اوزرینه عرصه متولیس اذینله ملک اولمق اوزر دکان بنا ایدر
عرصه سنک اجر مثلنی عرصه متولیس ویر مکن ما بنا متولیس منی بکر منمجا و مقدما
سنن دکانک مستاجر می اولوب بنا و قفس چون بهر ماه شود در آنجه ویر مکه
ویر مکه بر سنه المغه قاور اولور می اجواب اولماز عجبیم

اولدنده قد علم ما سبق ان مثل زید
او بلده فی شرف الاصلح و انما یسبح
فی انتم سنه ما سبیه فی کل سنه
بدرهم معلومه مقلد و لم یبتین
بینه حد السنین قفس فی سنه و قفسه
فی بقینها وان بین حد سنین
قفسه ایضا لان القدر لا یوجر اکثر
من سنه علی ما علیه القدر کذا فی السنه
و الشرح عطا الله افندی
و بان القیود یفهم منافی دعوی الضرة
والا نام و قفسه لیمصل العشر و قفسه
قادر لیمصل و قفسه الی غیره لیمصل
من الاختیار فی حیاء الاموات
استی
الاجرة الا رض کالمخرج علی المعند
من الضرة فی الاجارة

و ان خربت الی ان قفسه اجارة
ان المعنود علیه قانات و الاصلح
المقصوده جابه فی شیخ الاجارة
فعلی یو بسقط ما یقابل المشایخ
من الاجرة التی وقع القفس علیها
و بان القیود یفهم منافی
من عطا الله افندی

و ان وقت علیه مسکنی نیست که آنستند من و سایر انوار
شرط اول وقت بچوب استیجاب مفهوم شرط اول وقت کنش اشراج ای وجوب العمل به فی الغیرم و اوله از
فی وقت الاستیجاب

سکنی بر فضیله معنی اوله شرطه وقت منزل خرابا اولوب قابل سکنی اوله مقصد
منزل مزبور بر فراخ سینه عالی فالوب و منزل مزبور و تفنگک عمارت و درنده و منی مساعده سی
و آرا بکن منولی مرتب استیجاب آخره عمره سینه هم شوقند راجه مقاطعه نقد بریده ایجا
عمره و منی منزل مزبوری مالیه مرتب استیجاب سکن اوله شرطه فضیله مزبور و معنی اوله بک منزل مزبور
عمره و منی شرطه و اقتضا اولوب سکن اوله شرطه قادر اولوب ایجاب اولوب عظیم

عمره سی مقاطعه لو وقت و بنا سی زیدک ملکی اوله و کان محترق اولوب اثر بنا فالوب
عمره سی بر سینه خالیه فالوب زید مقاطعه سنی و بر ما مکله منولی عمره به مقاطعه عمره
و بر وید عمره و منی او زربنه و کان بنا ایله زید مقصد ماعمره و زربنه بنام و آرا بکی
و بود و کان و اوله به قادر اولوب ایجاب اوله از علی افندک

عمره سی مقاطعه علی زیدک و منی و بنا سی عمره و کجهت آخره شرطه و منی اوله منکرک بنا سی
بالکجه محترق اولوب اثر بنا فالوب بنا و مقصد مساعده اوله مقصد بنا اولوب ایجاب بر فراخ
سینه دن بر و عمره نک مقاطعه سی و بر ما مکله عمره منولی عمره سی بکره ایجا راجه بنا
اذن و بر مکله بکره و منی عمره منقب چون منزل بنا ایله منقب منولی مقصد ماعمره و مقصد بنا
و آرا بکی و بود عمره به و اوله به قادر اولوب ایجاب اوله از علی افندک

عمره سی مقاطعه لو وقت و بنا سی زیدک ملکی اوله و کان محترق اولوب عمره صرفه
فالدقه زید بنا ایجاب آخره و یا کید و یا کید و یا کید و یا کید و یا کید و یا کید و یا کید
مقاطعه سی و بر ما مکله منولی عمره به آخره ایجاب قادر
اولوب ایجاب اولوب علی افندک و بچی افندک

فصل ثانی بعد الاحراق عمره به منصرف آخره قریح و یا خود
منولی آخره ایجاب ایله عمره منولی اوله اول عمره
اوزربنه بنا و یا اول حال اوزر استعمال بیاننده در

زید و وقت عمره به منولی سینه ایجاب سینه و سینه شوقند راجه مقاطعه منولی اولوب
مکله سن منولی به و بر وید زید اول عمره اوزربنه ملکیت اوزر اذن منولی
منزل بنا ایجاب کند و بر بعد اوله دنه وقت و شرطه ایجاب بعد زید فوت اولوب
اوله در منصرف ایکن منزل محترق اولوب عمره صرفه فالدقه بنا به و مقصد مساعده
اولوب ایجاب اوله و منی بنا به قادر لر اوله مقصد اوله اول عمره به عمره منولی
اذنله آخره قریح و منقب ایجاب قادر اولوب ایجاب اولوب اولوب

الوب مصر و منی منقب ایجاب
استیجاب منی ایجاب اولوب
فصل ثانی انقاسن علی و آرا بکی
بعد سینه
و قدره حوا به توجیه انقاسن فی الوقت
بکلی با بود انقاسن لوجیب فعلی با بود
انقاسن علی منظر منظر ایجاب
سینه وقت ایجاب

اسلامه ماز منقذ انقاسن ایجاب معنی
انقاسن المنقذ و ایجاب استیجاب
جان عطا رانه افندک

و لو انهم ملو وقت و حوض و نف و یس لها ما یکن به عمارتها و احترق ما نزلت و تح مع السنوق
و صار مجال لا یمنع به برینل الوقت علی قول مندر عمره مساعده فی الوقت ایجاب
فعلی ایجاب منقذ من ایجاب و بسط ما یبقا بها من الحوض و انما یزید ایجاب منقذ لوزر ایجاب

عمره سی ایبا صوفیه و مقصد من اولوب بنا سی زیدک برجهت مشروطه و منی اوله نخته دن
منی محترق عمره و منصرف ایکن حویضه محترق اولوب عمره صرفه فالوب بعد عمره اول
عمره به بکره فراغ ایجاب بکره و منی مالیه منقب چون بنا و تفنگک منولی ایجاب ملکیت اوزر
منزل بنا ایجاب ایبا صوفیه منولی عمره نک ایجاب منقذ بنا منولی ایجاب سینه الدقه

ایبا صوفیه و منقب چون کندی المقصد قادر اولوب ایجاب اولوب
زید منولی اوله منی وقت و کان حویضه محترق اوله دنه و مقصد بنا به مساعده و آرا بکی
منولی و منقب چون بنا ایجاب منی مقاطعه ایجاب بکره و بر وید و اوزر بینه ملکیت اوزر بنا
ایله فاله بشه منولی اوله دنه بکره بنا سی منقذ ماضی و منقذ مضی ایجاب بکره و بر وید
و منقب چون و کان بنا ایجاب قادر اولوب ایجاب اولوب

بهم انقی علی عظیم افندک و کذا استغفار زاده

فصل ثالث بعد الاحراق بلا اذن المتولی بنا بیاننده در

زیدک عمره سکن بر وقت سنوی بر مقصد راجه مقاطعه قدیمی اوله ان ملک منزل محترق
اوله دنه بکره زید بکره و زربنه کالاول بنا ایجاب استیجاب منولی منع ایجاب
عمره به منقب و آخره ایجاب قادر اولوب ایجاب اوله از بچی افندک

زیدک عمره سی مقاطعه لی وقت و بنا سی ملک اوله و کان محترق اولوب عمره صرفه
فالدقه زید عمره اوزر بینه کالاول بنا مراد ایجاب کده عمره منولی سکن
اذنله احتیاج و آرا بکره ایجاب و آرا در

زیدک عمره سی مقاطعه لی وقت و بنا سی ملک اوله و کان محترق اولوب
زید عمره سینه کالاول بنا مراد ایجاب کده عمره منولی سکن
اذنله محتاج بکره ایجاب محتاج در احتیاج زاده

فصل رابع بعد الاحراق عمره اوزر بینه اجنبیک بنا بیاننده در

ایبا صوفیه بر لرندن مقاطعه به و بر لیش بز اوزر بینه زید منولی معرفت بر فراخ حجرات
بنا ایجاب و وقت ایجاب مقاطعه سی محصول و مقصد من و بر یلور اوله مسکه
ذکر اوله ان حجرات یا نوب اصلا اثر بنا فالما سیه خارج دن عمره و کلوب اول بکره
اوزر بینه بنا ایله شرطه اول بکره مقاطعه سی بکره منقذ النور ایجاب عمره منقذ النور
ایبا صوفیه منولی منقذ ایجاب بکره و بر وید بری و مقصد المقصد
و منقب ایجاب و منی قادر و اوله استغفار افندک

اوله ان اذن بنا ایجاب
مقصد منقذ منقذ و بر بینه اذن
من عطا رانه افندک

ما نزلت وقت عمارته و منقذ مساعده
العمارة ان یسنا بکره با بر مشله نزلت
لور وقت یسنا بکره با بر مشله نزلت
کلف بر رفع العماره و بود من غیره
اذن نقصان با بر المشله نزلت
الغرض و لو کانت لور وقت کبیر
با کثر بکره بکره جامع المقصد

و ان اراد المستاجر ان یسنا
فی اوله و المستاجر لیس له ملک
لا یمنع منی زید المستاجر و لیس
للمستاجر ملک و غیره لور انی وقت

بنا منقذ علی ان مسل الذی ذکره
البر اذن منقذ منقذ و بر بینه
اوله انقاسن ایجاب

رجل حدیث عماره فی الوصف
بیر ازین منوالی خوشنوی من یارم برین
جوابه انشاء الله فی الوصف

فصل خامس بعد الاحراق بنا منولیبی عرصه

اوزرینه کندهی مایبله ایندیکی بنا بیسانده در

زید سلطان محمد زمانده ابا صوفیه او فاندن بر قطع برمی اجمه شلیل اوزرینه
بیلده بنمش اقبه به الوب اوزرینه دکانه بنا ایدوب کندهی مسجد بنه وقف
مسکوه دکان بانوب زیدک وقفده تعمیره مساعده اولما مغین زیدک
وقفک منولیبی عمر و ذکر اولسان دکان برینی کندهی یا ندن تعمیر ایدوب دخی
بومی درت اقبه اجاج به بر ووب بومی بر اقبه سبن وقفه در ووب اقبه سبن
تعمیر ایدوبکی اون التي بیک اقبه تحصیل اولجه طوموق اوزر بکره و بر ووب
بکر بعد تعمیر طغوز سنه اسلوب سابق اوزر تصرف ایدوب خرجتک
اون ایکی بکنی الدفد مسکوه حاله بشر دکان مزبور می اوجوز اقبه اجاج به قبول
ایده ربن و هم پانده یعنی زمانده اثر بنا قالمشیدی دیوطالب اولدنده ابا صوفیه
منولیبی مزبور دکان زیدک وقفندن الوب بشره و بر مکه قادر اولوری

اجواب بنا به الهاز انابر بنک کرشته اجمه مثلنی بیفصود

الوب من بعد دخی اجمه شلیله تصرف اولانک انده

ایضا اولتمق مشر و قدر ابوالسعود

فصل سادس عرصه منولیبی وقف ثانی منولیبی

عرصه تک مقاطعه سنی الورا یکن بنا به مانع اولد یعنی
و تصرف بنا صددنده ایکن منولی آخره تقویضه قادر
اولد یعنی و شرطه لر بنک اراضی بنی آخره تقویض
و بنا سنی معجله سنه محسوب اولمق اوزر اذن
ویا خود ملکیت اوزر بنا به اذن بیسانده در

زیدک وقفندن اولان بر مقدار عرصه به مقاطعه ایدله تصرف اولان عمر و اوزر بنه
کندهی مایبله و اذن منولیبی تقیضه چون بنا و اعدا اش ایندیکی منزلی برجهت بره
وقف ایدوب بعده اول بنا محرق اولوب اثر بنا دن بر سنه قالمشیدی زیدک
وقف منولیبی اولان بکر عرصه به عمر و ک وقف منولیبی سنه ضبط ایدوب
زیدک وقف منولیبی اچون ضبط و آخره اجماره قادر

اولوری **اجواب** اولوری بکنی کندهی

سنه انشاء الله اجاره نقدت
من الهمه آیه واقعه الموت عروق
بسی علی من الغنوی علی بطلان
اجاره الطولین

بجارته الوصف باقی من اجاره مثل
بجارته اقا اذاکان برغب احد
فی اجارته ابا بالاض و اذاکان
انفصا بسیره اشیا فی کتاب الوصف

زید عرصه سی سنه ده شوقدر اقبه مقاطعه لومر و ک برجهت مشروطه وقفی اولوب
بنا سنی ملکی اولان اوله لرک بنا سنی جهت اخرایه وقف و شرط ایدوب
بوقدر زمان سنه سنه مقاطعه به عمر و ک وقف منولیبی سنه در پلور ایکن حریفده
اول اوله لر بالکلیته محرق اولوب عرصه صرفه قالدنده اول بر لور دخی رغبندن
قالمشیدی بنا منولیبی تصرف ایدوب بر مدت خالی و معطل قالوب مقاطعه مثلی
مقدم و بر بلانندن ناقص اولوب بعده عرصه منولیبی اجمه مثله معادل مقاطعه
تصرف ایدوب کالاول زیدک وقف چون بنا به زیدک وقف منولیبی سنه اذن و بر ووب
زیدک وقف منولیبی زیدک وقف چون کالاول اوله لر بنا ایدوب حاله بنا
منولیبی مسکوه دن تصرف اولسان مقاطعه مثلی عرصه منولیبی سنه و بر ووب
عرصه منولیبی مقاطعه مثله راضی اولوب مجر و مقدمه اقبه ایکن
دخی زیاده مقاطعه النور ایدوب ووب زیاده المقدمه

قادر اولوری **اجواب** اولماز عجلیم

زید اجاج معجله سنه ده شوقدر اقبه مقاطعه ایدله تصرفنده اولان وقف عرصه
اوزر بنه بر دکان بنا ایدوب مرور ایام ایدله اول و کائیک بنا سنی منهدم اولوب
مسکوه زید تصرف ایدوب مقاطعه مثلنی منولی وقفه و بر ووب منولی
زید دن اول عرصه به الوب آخره اجماره قادر

اولوری **اجواب** اولماز عجلیم اقدی

زیدک وقفندن فرق اقبه مقاطعه ایدله تصرفنده اولان عرصه اوزر بنه بسنی
اولان دکانی مالکی عمر و جهت اخرایه وقف ایدوب بعده دکان محرق اولوب
اثر بنا قالمشیدی عالا بنا منولیبی بکر مقاطعه سنی و بر ووب بنا
وقف چون بنا ایتک اوزره ایکن عرصه منولیبی بکر منولیبی ایدوب
آخره اجماره قادر اولوری **اجواب** اولماز

بشد و زینیک اجاره معجله سنه ده شوقدر اقبه مقاطعه ایدله تصرفنده
اولوب بنا سنی ملکی اولان دکان حریفده محرق اولدند مسکوه بند و زینیک
مقاطعه قدیمه سنی و بر ووب اذن منولیبی بنا صددنده ایکن
منولی اول دکان برینی بند و زینیک الوب آخره
اجاره قادر اولوری **اجواب** اولماز

قادر انشاء الله اجاره جائزه اقا
فی سنه سنه اوله اذاکان احاقه
تا نظر قبده الفان اذاکان انما
تقبل الاجاره سببها فی الوصف

بزمین اشیا ان اولی بقا
مالکان علی مالکان

قول شاعرانی و باز تا وقت بنا بدون ارض و کذا و قضا و شمار بدونها فقیدان انشاء بسمه
که منقول فی بعض اصحاب حکم بر من القضاة العلماء کثیر مشهور و به جرم شیخ اسلام سراج الذین
فی نشا و آه من وقف صح الفخار و بر افقی علی فذی

فصل ثانی اول بنای جهت اخراجه وقف یکم بیاننده در

زید مستوی بر مقداریه مفاطع ابد منصرف اولدنی وقف عرصه اوزر بنده اذن مستوی
و کنده ای مالیه نقب چون اهداث ابتدایی انبیه به بر جهت اخراجه وقف ابد
صحیح اولوری **اجواب** حکم ها که اولور **عجلیم**

بوصورتی زید اول و کانی بنک بناسنی جهت اخراجه وقف ابد و ب سبب شریعی تسلیم الی
ابله که نصکره زید فوت اولسه حال بنا مستوی اولان بکراول و کانی اجاره معجله و مؤجله
مشیلله ایجاب قادر اولوری **اجواب** اولور **عجلیم**

زید مفاطع قدیمه ابد منصرفه اولان وقف عرصه اوزر بنده اذن مستوی و مالیه نقب چون بنا
ابتدایی اوله لری جهت اخراجه وقف ابد و ب سبب شریعی ابد در کل جهت اخراجه مستوی
اول عرصه نک مفاطع سنی عرصه مستوی سنه بر رکن زید بلا اول فوت اول
حالا عرصه مستوی اول عرصه دن اوزر بنده بنا اولنسان مقداریه
افرازه ابد و ب اوزر بنده بنا ایتمک ایچون آخره
نقویضه قادر اولوری **اجواب** اولور

بوصورتی عرصه مستوی اول مقداری افرازه ابد بن بنا مستوی عمر اوله اقدار عرصه به
بکره نقویض و اوزر بنده نقب چون بنا به اذن و بر مکه عرصه مستوی اذن منصرف بکر نقب چون
مالیه بنا اهداث ابدسه حالا عرصه مستوی اول بنا به نفع وقفه مضرا و لما مفله
بکره نفع ابد و ب اول مقداری الوب و نقب چون ضبط
قادر اولوری **اجواب** اولور بهما **عجلیم**

عرصه سنی مفاطع لوزیدک و فنی و بنا سنی عمر و ک جهت اخراجه مشروطه و فنی اولان
و کانی بنا مستوی بکر بنا و نقب چون ضبط و ایجا ابد و ب عرصه مستوی عمر نک مفاطع
بکره طلب ابد که بکر بر میوب عرصه به بنا و نقب چون مجانی ضبط ابدرم
و بیکه قادر اولوری **اجواب** اولماز علی فذی

فصل ثالث بنا بلا اذن المستولک و بنا بعد المنع بنا بیاننده در

زید اجان معجله و سنه ده شود قدر ابد مفاطع ابد منصرفه اولان عرصه خالیه اوزر بنده
مستوی اذن منصرف چون ملک و ملق اوزر بعض انبیه اهداث ابد مفاطع مستوی وقف مزبور
اول بنا به نفع ارض وقفه مضرا و لما مفله زید نفع ابد رکه
قادر اولوری **اجواب** اولور **عجلیم** فذی

و نقید و عمره ب حکم حکم حکم حکم
لواضع بین العلماء و الشایخ فی منزه وقف
البنا بدون ارض و کذا حکم حکم
یعقوب بجز مکه و بقوی طرف حکم حکم
کا نقر فی الاصول

مستولک ان یفعل للوقف بیکوم
مصلو له نقل براه معاف
اوقات المستاجر انقضت اجاره
لا تراه فانه لا یستحق الاثر و سنی سنه
اجاره انقضت غیر المثل فانه من زید
الوصیه سنی بعد عشره و ارف
من شیخ الکلیع القنیه بینه

ربون حدیث عماره فی الوقف بنهر
اذن المستولک مستولی ان یأمره بالبیع
ان لم یضرب الوقف فقد انقضت
فی النکاح من الوقف

ارض و وقف بمر شفقه نقصان اجاره
او نسه اجاره معجله و ایجا بوشل
انام اولمنق ازدر و کله مفاطع
واجاره من وقفه ضبط اولسه
من نشا و کاستید بنا

نقل و لا یوجوه باجر المثل ان اجاره
الوقفه بر انقص من جر مشا و مشا
صفه من شیخ البیع

زید مفاطع ابد منصرفه اولان وقف عرصه اوزر بنده اذن مستوی بولن بن
نقب چون ملکیت اوزر بنا اهداث ابد و ب بعد اول بنا به جهت اخراجه
وقف ابد صحیح اولوری **اجواب** اولماز **عجلیم**

زید بر وقف برک اوزر بنده مستوی اذن منصرف بنا ابد و ب بعد فوت اوله مستوی وقف
اول بری اوزر بنده اولان بنا سببه الوب و نقب چون ضبط
ایتمک قادر اولوری **اجواب** بنا به البماز

بوصورتی مستوی اول بری و نقب چون ضبط ابد که نصکره مفاطع ابد بکره
و بر بکر زیدک و رانه سنه اوزر بنده اولان بنا بنا شریعی ابد رکه قادر
اولوری **اجواب** اجر مشیلله و رنه بد لر نس ابعا
ایتمک دخی مشر و قدر ابوالسعود

زید اسلامبول ایچنه کی وقف بر رجه بر حولی برینی مستوی عمر دن اوج بیکه ابد
مفاطع ابد استیجار و بد بنده جهت الوب هر سنه نقب بن اولان مفاطع سنی
و بر مکه اوزر منصرف ابد رکن فوت اولوب قری ابد دخی اول برک اوزر بنده
بنا لاهداث ابد و ب وقفه مفاطع سنین و بروب منصرفه ایکن عمر و بری
بندون الوب آخره و بر مکه قادر اولوری **اجواب** المنق
وقفه نفع اولیجی ابعا اولمنق مشر و قدر ابوالسعود

زید بر قطعه وقف بری مستولک مفاطع ابد الوب اوزر بنده بنا سنی بونیک عمر و ک
بر مقداری سن الوب و بروب عمر و اوزر بنده اولر بنا ایتمک استیوب مستولک بنا
ایله و بونیه ابد و ب عمر و منبیه اولیوب بنا ایله مستوی عمره بنا کی اول بری
نفع ابد و ب عمر و وقفه اجر مشل اوزر بنده مفاطع سن و بر برین
نفع ایتمن و بیکه قادر اولوری **اجواب** اجر مشیلله
ابعا اولمنق مشر و قدر ابوالسعود

عرصه سنی مفاطع لی زیدک بر جهته و فنی و بنا سنی جهت اخراجه عمر و ک و فنی اولان
و کانی بنا مستوی اولان بکر اجان معجله و مؤجله مشیلله ایجا
قادر اولوری **اجواب** اولور **عجلیم**

بدیجی باب اجر مشل مفاطع بیاننده در اولدنی ای فصل
اوزر بنده در فصل اول اجر مشلک تکمیلنی طلب بیاننده و

مراغف من غمزه انما کل

در وجه انما فاعده فی قطع الاستیجار
واجاره بمثل بده او جود نقیب استیفا
او شمار نوبه کله ایچون اذرنه
اضفاف بعدم انقلاف و الوقف
المشاریه بعدم ضرر فی ذکک و اوقع
علیه بکستیا و قد نماید مانی الغنی بنانی
او نفاق الخفاف و نسی انظاره بظلم
الی ذکک بعین العدل و الا انصاف
من وقف الخیریه

قال فی جرد الرقی زمان مضی المدة
تلعبها و سلها فارقه انتهی
و فی الغنیه خلافه فاعلم

مراغف من الخیریه

وان لم یشرط الی الوقف فلیقزم
اکثر من سنه بنا اذن القاضی
در فی الوقف

فان توفى رجل اتمها بغيره فاش
رجع الفاضل الى اهل البصر والامانة
فان اخبروا انها كذبت فسنها
والواحد كفى عند جهنم فانا نحن
اشبهنا في الاجارة

مستوفى الوقت اذا اجره بغيره
بغيره نام ذك من اجاره بغيره

اجور مثل زياره معلوم اولور اجور
بغيره اهل وقتك اجاره بغيره
بجسبي افندي

ولو اجر المثل في دار الوقت بدونه
اجور المثل يكون الاجارة فاسد
من اجارة الكفاية
فقطي ذك ان للمستوفى في البيع بالاجارة

زيد مستوفى وقتك خالي بر لبرني بعض سلمانة او بنا ابنتك ايجون مفاطعة ابله
توزيع ايدوب اجور مثل وزر بنه وبرمك دلبوب اجور مثل تقدير اولغني اولد قده
اهل خيره بغيره سلمانك فلان قدر ويكر دبلر بله وبرمك
جانزه اولور جي اجواب اولور ابوالسعود

زيد اجور مثل من نقصا اوزر اولان مفاطعة ابله منصرف اولد بغي وقتك بري
بر قاج بولك ايدوب زباده مفاطعة ابله اخر كمنه له برسه مستوفى وقتك ذكر اولان
كمنه له انسان مفاطعة بغيره وقتك بغيره المنة قادر اولور
اجواب اجور مثل مقدارين الور ذكر با افندي

زيد مستوفى اولد بغي عرصه خاليه اجاره معجله كمنه شو قدر اجه مفاطعة ابله عرصه ايجو
وشليم ابله كمنه نضكره زيد معزول اولوب بر بنه بكم مستوفى اولد قده اول عرصه كمنه
مفاطعة مشكده اختلاف ايدوب بغيره وقتي اولان كمنه اول عرصه كمنه
مفاطعة مشكته تقدير ايدر اولد فلرنت اول عرصه كمنه اجور مثل بنا ابله اولد بغي
حاله جي تقدير اولور بغيره بنا ساسي اولد بغي حاله جي تقدير
اولور اجواب بنا اولد بغي حاله تقدير اولور بغيره

بر وقت خالي بره درت ذراع خالي بري مستوفى زيد تخم نخيني واهل وقتك رايه ابله
وحاكم اذ نيله عروه بيله بر التون مفاطعة بغيره وبروب وذكرا اولان مفاطعة تمام
اجور مثل اولوب مذكور خالي بره باقي فلان بكمي ذراع بري بكمي اوتون بيل رأي
حاكمنه تصرف ايدوب بيله شئي قليل وقتك بكمي اجه مفاطعة بغيره زيد تخم
تخميني اوزر بكون به درت ذراع بره بر التون مفاطعة وضع
ايدوب المنة شرعا قادر اولور جي اجواب اجور مثل
المنة قادر اولور حاسد افندي

بر وقت بنا محرق اولوب همان ديوار لري قاله شهر ك قاضيسي وقتك مزبور ك
ناظري ايجون ذكرا اولان محرق بنا كمنه بر اجه مفاطعة ابله مستوفى بنه
مسكره قاضي مزبور فوت اوليجي عمر وكلوب مذكور بانتمش بره فلان بنا سبله
اون بيك اجه بره بن كمنه بر اجه مفاطعة زرين بره بن ديسه
شرعا ايلور جي اجواب قاضيك اجاره سبي اجور مثل من
نافع ايسه فسخ اولور سعدى افندي

مربطه قبل اربعة اوراق
من خطه اتمه افندي بعد اتمه

زيد مستوفى اولد بغي وقتك عرصه معجله من اجون مستوفى مفاطعة تقدير بر ابله
ايجار ايدوب لكن مفاطعة مزبور اجور مثل من نقصان فاضل ابله نافع اولد خاله مستوفى
عرصه بغيره المنة قادر اولور اجواب اولور بغيره

زيد نصر فنده اولان وقت مفاطعة لبر اوزر بنه بر دكان بنا ايدوب اهل وقتك محميت
ابله كمنه مفاطعة بغيره بر ركن مستوفى وقتك جان بنه بنا ايدوب برين ايدوب مزبور دكانه فنده قادر
اولور جي اجواب اولور وقتك افغح بغيره ابوالسعود

زيد وقتك تولبني اولادنه واولاد اولادنه وقتك ايدوب بر موجب شرط وقتك
اولادون منصرف اولان من مستوفى وقتك مزبور حراف بالنار اولان عقار اجه
وزا ايدوب بغيره زميم ابله بوب ارضه مفاطعة تقدير ابله كمنه نضكره عروه وبروب
عمر ودمي كمنه ابله بنا اهدات ابله بوب منصرف ايجون حالا من فوت اولوب
اولاد واقدم زنجب مستوفى اوليجي من مستوفى وقتك قدر ابله بوب ذكرا اولان
عرصه خاليه مفاطعة ابله عروه بر شش مفاطعة ابله بر ليه كمنه رضام بود كمنه
تغير ابله كمنه نضكره وقتك احاف ايدوب رم الفعدر بود ذكرا اولان ارض مزبور بغيره
عمر ودمي شرط طلب ايدوب افنده قادر اولور جي اجواب وقتك وسعت
وار ايجون تغير ابله بوب بر شش اولوب واجرت ارض اجور مثل من
زباده اكسك ايسه حالا مستوفى اولان شرط واقفي
اجاره ايدوب المنة قادر در

بر ارضي وقتك دفتر ضايع اولوب ارباب مفاطعة بغيره مفاطعة منسكني
انهار ايدوب وبعضي افضا ايدوب مفاطعة شئي قليل اعتراف ايدوب وقتك مزبور
كمنه غدر اولغين كمنه ارضي وقتك مساحه اولوب اجور مثل تقدير اولغني امر شريف
وار اولوب معمار ساعات ايدوب اون ذراعده بر اجه اجور مثل تقدير ابله كمنه
بشپوز اجه بره لكن در شپوز ايدوب در شپوز و برن سكر بوزن ترقي ابله
بحسب الشرع الشريف مفاطعة نه وجهله افند اولور
اجواب اجور مثل نه وجهله المنق لاذدر

صورت مزبوره ده بشپوز اجه بره لكن فوت اولوب وارث اولان عروه در شپوز اجه تقدير ابله
زباده و بر مزبور ايسه مستوفى وقتك اسلوب سابق اوزر بشپوز اجه لورين و بكمه شرعا قادر
اولور اجواب بشپوز اجه اجور مثل حبه النور ابوالهيمن افندي

اجاره الوقت بافق بن اجور مثل
اجور زانه اولان نقصان بغيره
من وقت الكفاية
ماكان اوز وقتك افغح بغيره
فنده واهل خطه اتمه من الاجارة

و زیاده از او بود و غیره و از آن وقت
 حتی لو از آن وقت و آن وقت تا آن
 و زیاده از او بود و غیره و از آن وقت
 حتی لو از آن وقت و آن وقت تا آن
 و زیاده از او بود و غیره و از آن وقت
 حتی لو از آن وقت و آن وقت تا آن

المستولی لو از او بود و غیره و از آن وقت
 جامع الغصوبین و غیره و از آن وقت
 و آن کانت العین و غیره و از آن وقت
 او جاره فاسده و غیره و از آن وقت
 من الاول و غیره و از آن وقت
 من الحق و غیره و از آن وقت

مربطه من الخیرة انفا

زید مستولی اول یعنی وقف عرصه به سنه ده شوقدر آنچه مضاعفه قدیمه ابله عمره
 و بر دین عمره و دینی او زربنده اذن مستولی به نسیب چون بنا اعدا ابوب نصرانی کن
 عرصه نکست اجروشلی رغبات ناس ابله زیاده اول مضاعفه شوقدر عمره اجروشلی

تکمیل ایند که قادر او کور **اجواب اولور** عرصه
 زید یک بری سنه ده شوقدر آنچه مضاعفه لی وقف و بناسی ملک اولان و کانی حریفه
 مخرف اولدنده زید کال اول بنا مراد ایند که اول برک اجروشلی زیاده اول مضاعفه
 مستولی وقف زید اجروشلی اولان سنه ده شوقدر آنچه مضاعفه ابله
 قبول اید رسکت بنا ابله قبول اینترسکت بنا اینمه
 و بکه قادر اولور می **اجواب اولور** کذا

عرصه سکت بر وقفه سنوی شوقدر آنچه مضاعفه سی اولوب بناسی ملک اولان
 و کانی ترک عرصه لرینک مضاعفه مشلی رغبات ناس ابله زیاده اول مضاعفه مستولی
 اول عرصه سکت اجروشلی تکمیل ایند بروب و نسیب چون المنه
 قادر اولور می **اجواب اولور** عرصه

زید مستولی اول یعنی وقف اراضی به بالکزه بر سنه او جیوز آنچه مضاعفه ابله عمره
 و بر دین عمره و دینی بر قاج سنه اول وجه اوزر تصرف ایدوب لکن مضاعفه مزبوره
 اجروشلی نقصان فاحش ابله ناقص اوله حال مستولی کد شسته سنه کرک اجروشلی
 عمره و نسیب تکمیل و ایدوب و اول اراضی به دینی بدن اولوب
 آخره تقویضه قادر او کور **اجواب اولور** کذا

عرصه سی مضاعفه لی زید یک وقفی و بناسی عمره و کجهت اخرا به مشروطه وقفی اولان
 حاکم مستولی عرصه نکست مضاعفه مشلی زید یک وقفی مستولی بکره و بر رکن
 بکرین اول حامی زید یک وقفی ایچون ضبط ایدوم و بکه
 قادر اولور می **اجواب اولور** اولماز عرصه

فصل ثانی اجروشلی زیاده به طلب بیامنده در

سلطان محمد خان زماندن الی ایلومنا بذا مفاد معین اوزر مضاعفه ابله
 زید تصرف ایدیکلی وقف بری وقف مزبورک جایسی مضاعفه به زیاده ابله
 شرفا قادر اولور می **اجواب اولور** شرفا ایدوکی شهود ابله

ثابت ابله قادر اولور سعدی افندی

عاقبت وقف عمارت و غیره و از آن وقت
 العمارت الی من قبیل سنه اوزر
 من جامع الغصوبین بیامنده
 بیدار تا الوقت باقی بر ایشلی ایچون
 او اولان کار عرصه حدی جارته
 او اولان من وقفه کاشیه

سکتی اشقی عن رض و نسیب
 بنا و محکوم و کانت مسکتی کد
 الارض ایچوشلی بومشده مستولی
 بعد زمان و زاده ایچوشلی فاحش
 اینا و آقا با جیره اولان و مستولی
 لاریضی او با جیره مستولی
 الان اکت خان هم غصوبین کذا

ایچون اولان من المسلمین انفا
 احد بنی سببه شرفی نسیب
 و قد مران الزیاده انما نسیب
 عند الحق

مربطه من الخیرة انفا

زید بر وقتک نفیضی او نوز بیک آنچه به مساوتن الوب بر بنه هر سنه ده ایکی بیک بشیوز آنچه
 مضاعفه تقیر اولوب برغان بنا ایدوب وقف ایدوب بعد زمان اطرافده خاطر
 و اوله لرا اعدا او نسیب بکر می بیک آنچه و بیلور کن بدی بیک آنچه به و بر یلوب اجاره به
 نقصان کلکین مضاعفه سید و تقییل اولوب بیک سکر بوز آنچه تقیر اولوب بوحال
 اوزر او نوز سکر سنه مرور ایدوب حالا خان کرد بدی بیک آنچه اجاره به و بر یلوب کن
 مزبور و وقف برینک مستولی بکر خان مستولی عمره و نسیب سابق اوزر ایکی بیک
 بشیوز آنچه طلب ابله او نوز سکر سنه دن بری بیک سکر بوز آنچه مضاعفه و بر یلوب
 کلوب و حالا برک اجروشلی بیک سکر بوز آنچه ایدیکلی شرفا ثابت اولوب بیک سکر بوز آنچه
 زیاده المنه شرفا قادر اولور می **اجواب اولور** خان رفیع اولد یعنی تقیر بجه ایکی بیک بشیوز آنچه و بر
 کسنه بولنوجیه رفیع تکلیف اولنور رفیع اینترسکت ایکی بیک بشیوز اولور
 اصلا بولنوا زایسه عالی او زربنده ایضا اولنور ابو السعد

زید مستولی و وقتک خرابه لرین عمره و ک اجاره معین سن الوب مضاعفه ابله و بر دیکه
 عمره مزبور جمهور ایدوب اون بیلدن زیاده مستوف اولوب بکر مستولی اولدنده امر باقی
 ابله او زربنده ابله خبره ایلنوب اجروشلی تقییل اولوب مضاعفه زیاده اولنوب تقید
 اولنوب الله حجت شرفیه و بر لکد نصکره حال مستولی اولوب بن مضاعفه به قبول
 ایچون زیاده ابله قبول ایدوم و به نه و بر دم و بکه قادر او کور

زیاده و بر و آرزیه اولور ابو السعد

زید عرصه سی مضاعفه لو وقف و بناسی ملک اولان و کانتک اجروشلی مع اول
 مضاعفه سنی مستولی به و بر رکن مستولی قناعت اینسیب زیدون زیاده

المنه قادر اولور می **اجواب اولور** اولماز عرصه
 زید عرصه سی مضاعفه قدیمه و وقف و بناسی ملک و کانتک اجروشلی مع اول و لازم مضاعفه قدیمه
 عرصه مستولی به و بر رکن مستولی قناعت اینسیب اجروشلی مع اول مضاعفه قدیمه
 زیاده سنه المنه قادر او کور **اجواب اولور** اولماز کذا

عرصه سی مضاعفه لو وقف و بناسی اذن مستولی ملکیت اوزر بنا اولنوب مشترک ملک زید عرصه
 مضاعفه مشلی عرصه مستولی به و بر رکن بنانک طور ماسی وقفه مضاعفه کل ایکن مستولی مضاعفه
 مشلی شوقدر آنچه زیاده و بر و الا بنا کی قلع ابله و بوب نسیب سنی قلع
 ایند که قادر اولور می **اجواب اولور** اولماز بچی افندی علی افندی

و در دم الغاصبه بنابر ادخال مینها
 نقد و غدا و جری نعمت و انهم و در مریه
 ما بنی فیما ان لم یضرب الهم بالوقف
 و از منزه بان بجز با الدار بر غیر من
 الغیر لریب من مقلد من ان کان فی دمه
 من نقد ما یکفی الغسان و انما ابره
 و اعطی الغسان من جرة اسعاف
 فی انکار المثل
 و باقی القید و دستها و من تر لهد
 الورق

استند الله منصرفه اول یعنی وقف بیت سلطان کت وقف نامه هر جمله او نوزالی از مفاصله
 و آر کین هر سنه او جو بوز النشر اقیه مفاصله ابله اذن منولیسر ملکیت اوزر زبده بیع ابله
 زبده صانوت اولد قد نضکره و تفک بناسنی بیغوب نجد بد بنا و نضکره وقف ابدوب
 سکر بیلده زباده و قفیت اوزر منصرف اولوب شکر کی حاله امر شریف واجب القبول
 مقتضای اوزر بیت سلطان بنک تحصیلی ایچون مجلس شرعه احضار اونی و وقف سلطان
 ابدوب کی ظاهر و ثابت اولد قد نضکره بحسب الشرح و قفیه بیقلا ان بنا کت بهاسیور لغفین
 ابله خبره و معتمد جلده کسند لانی بیک بسببوز اقیه نعمین ایلیوب حکم اولدند بنانک
 بهاسی التمغین کرد بر قرار سابق وقف نامه مو جوبه هر سنه ده او نوز النشر اقیه
 مفاصله زبسنی مقرر اولوب زبده اوزر بنه مقرر قلند حاله اولان منول غلاف شرط وقف
 او جو بوز النشر اقیه الورین و بیک شرعاً اذن کلور می ابله

سکر نجی باب استیفا بیاننده در

زید اجازت معجله کسند ده شود قدر اقیه مفاصله ابله نصر فنده اولانم وقف عرضه
 اوزر بنه اذن منول و کندی مابله معجله کسند محسوسه اولن اوزر بر منزل بنا ابدوب
 منصرف ایکن زمان قبیلده زبده بلا ولد فوت اولوب منولی اول منزلک و قفیه بیچون
 منبط و آخره ایجار ابله کده زبده کدر شه سی زبده کسند استیفا ابله کی مقرر
 منولی بدنه اولان غله و قفیه منولیسر من طلب ابدوب

المغه قادر اولور می ابله اب اولور علی عظیم

بر وقف حماکت بعض بر لری عمارت و عمرته محتاج اولدنده منولیسر زبده اول حماکت
 ستا جوی اولان عمره حمام فر بوری سن ما کدن عمارت و عمرت ابله بعد مصر و فنی
 اچو نندن استیفا ابله دیوار ایتکلده عمر و فنی کندی مانده قدر معروف اقیه بیخ ابدوب
 حمام فر بوری عمارت ابله کد نضکره مصر و فنک بر مقرر بنی حمام فر بوز ک اچو نندن
 استیفا ابدوب ماعد استنی استیفا ایتدین زبده معزول اولوب بر بنه بکر منولی
 اولدنده عمر و ک مدت اجاده سی تمام اولمقله بکر اول حمامی عمر و هم اولوب و قفیه بیچون
 منبط و آخره ایجار عمره ابله کده عمر و مصر و فنک ماعد استنی منول وقف فر بوز
 بکر ک بدنده اولانم غله بکر دن طلب ابدوب المغه قادر

اولور می ابله اب اولور علی عظیم افندی

استند ان ما بنی من المجلد کت البان
 فیکون کس لری کسند فرشت اولور
 انست اجمعی فی و اولوقف علی
 ان بریح فی الغله لاریج
 جامع الغصوبین فی مکام العماره
 او تری الی ذکر کده عمره ستان کسند
 حمانا و اولور بنه بان بریم فیما استرم
 من حمام و یکسند لری کسند من لاجر
 ففعل خابنا لری کسند حمام و کسند
 علی الموجه سببا انفق من لری لری

وان علی سعین نعید فان اشبع اولهم
 فقیرا آجره و احکم و عمره من جیره ثم رده
 ایسی عطفی ابله
 و کونان عمره الاحکام و المنول می اول
 من لری

سکناسی بر فیه ده مفتی اولسره شرطه وقف منزل بالکلیه منهدم اولوب عرضه
 صرفه فالدنده منولی وقف مجد و ابناء به وقفه مساعد و آر کین اول عرضه به
 مال و نقد بنا ایتیبیو غلاف شرطه و اقف عوادن زبده کسند شود قدر اقیه مفاصله ابله
 ایجار و مفاصله سبله اول عرضه اوزر بنه مجد و منزل بنا ابله دیوب زبده فنی ماندن
 بر مقرر اقیه بیخ و صرف ابدوب اول عرضه اوزر بنه مجد و منزل بنا ابدوب بر فایح سنه
 ایتدیه ساکن اولوب مصر و فنی نصر فنده اچو نندن استیفا ابله منول اوله
 حاله اول نصبه ده مفتی اولان عمره اول منزلک زبده اولوب شرطه

اوزر منبطه قادر اولور می ابله اب اولور کذا

سکناسی اولاده و بعد الانقراض غله سی بدینه منول فقره شرطه وقف منزل
 اولاد دن منصرفه ایکن منزل محرق اولوب عرضه صرفه قالوب و قفیه قطعاً بنا به
 مساعد اولوب منهدم و فنی بنادن عاجزه اولمقله وقف فر بوز منهدم منولیسر اولمقله
 عرضه فر بوز کت بر مقرر بنی اذن ما کد زبده اوزر بنه مابله منولیسر بر منزل بنا
 ابدوب بنا به بیخ و صرف ابله کی اقیه به اچو نندن استیفا ابله کده اول منزلک ساکن
 اولوب بعد شرطه و اقف ابله عمل اولن اوزر بومی شود قدر اقیه اچو نندن منول
 منطبه زبده ایجار و زبده و فنی بعد الاستیجار اول عرضه اوزر بنه مابله
 منزل بنا ابدوب بیخ ابله کی اقیه به استیفا ایتدین منهدم بلا ولد فوت اولوب
 اولاد منصرف اوله حاله بدینه منول او قفیتک منولیسر عمره زبده اول منزلک
 بنا کسند بیخ ابله کی اقیه به استیفا ایتدین اول منزلک زبده المغه

با خود بنا کی قطع و رفع ابله بر بنی آخره ایجار ابدوب و بیکه

قادر اولور می ابله اب اولماز علی عظیم

بر وقف حماکت بعض بر لری حویفده محرق اولوب عمرته محتاج اولدنده و قفیه
 عمرته مساعد اولما مقله منولیسر زبده عمره اول حماکی کندی ماندن عمرت ابدوب
 بعد اچو نندن مصر و فنی استیفا ایتک اوزر اچو نندن معینه ابله عمره ایجار و منطبه
 عمره و فنی بعد الاستیجار کندی ماندن شود قدر اقیه صرف ابدوب اول حماکی عمرت
 ایتدیه نضکره مصر و فنک بر مقرر بنی اچو نندن استیفا ابدوب ماعد
 مصر و فنی منول عمره و بر بدین اول حماکی عمره و دن مجانا

المغه قادر اولور می ابله اب اولماز علی عظیم افندی

اولور ایتدیه مت و قال اولوز نا ایتدیه
 و اسکنها کان لری کت و اقامت
 یکون ایتدیه لور سنه اسعاف
 و باقی القید و منول من قبل الورق
 من الغصه لری بعد سنه

نقص علی عین منی بسند
 ابدل ذکره الی بی فی السج الفی
 مصره بان نمت اچو عین
 منی بسند ماعله فر بوز کسند

ملفد زینبی باب مبراث و اقرار وقف بهائنده در

زید مفاطعه ابله منصرف اولد یعنی بر و تفکک ارض خایه سی اوزر بنه کندی مابله نفسی چون
بر سوک کارخانه ابله بر کرد فرنی و اجنبه اعدا ثابدوب جمله سنی بکره اجاره به و بر سوک
نیجه بیلدیم بر و بکر سننا جردن اجاره سن الورکن زید مزبور وفات ایدوب و در سنه
صیبه فزی مندی و زوجه سی زینبی و لاب و ام فرزندان شی فدیجه بر ترک
ایندکه زیدک ذکر اولسان کارخانه و فرنی و اجنبه سی ارش شریلا
ورنه مزبور به انتقال ایدرمی **اجواب** ایدر

صورت مزبوره ده وقف مزبورک منویسی اولان عمر و زیدک و فاندضکره مجوز زیدک
اولاد و ذکورای فالما دی دیوزیدک و بد مشروح اوزر کندی مابله نفسی چون اعدا ث
ایندکی کارخانه و فرنی و اجنبه به جمله سنی وقف ایچون ضبط ایدوب خارجیم
بشره اجات معجله ابله و بر برین دیکه قادر اولورمی **اجواب**
اولساز ابرمشلی نه جبه وقف اولان برک
ای الور صنع الله افندی

سلاطین ماضیه دن اولان زیدک او قافندن اجاره معجله و سنه م شودر اقیه
مفاطعه ابله بر مفاطعه ابله بر مفاطعه ابله بر مفاطعه ابله بر مفاطعه ابله بر مفاطعه ابله بر
عوضه مزبوره بکرک فرزندان شی عمروه ارثا انتقال
اجواب اینمز **عبدالمجید افندی**

زید مفاطعه ابله نصر فنده اولان وقف عوضه ده اذن منویسیه ملک اشجار یعنی
نفسی چون غرس ایندکه نصکره زید فوت اولوب زوجه سی مندی و اوغلی عرو
ترک ایندکه جمله اشجاری عمر و نفیبا فیض ابله مندا اشجار حصه سنی
عرو دن طلب ایندکه عمر و مجرد اشجار مفاطعه لی وقف عوضه
مفردس اولمغله سا که حصه دکر و بود بر مالک قادر
اولورمی **اجواب** اولساز علی افندی فی الارضی

زید بها و عوضه سی وقف اولان دکانه مفاطعه ابله منصرف ایکن بلا ولد فوت اولوب
منول دکانه و نفسی چون ضبط و آخره اجاره مراد ایندکه زیدک اناسی مندا دکان مزبور
مفاطعه لول اولمغله ملک حکمته اولوب باک انتقال ایدر چه منولی به
منه قادر اولورمی **اجواب** اولساز علی افندی

غرس فی الوقت من مال و مات
ان قال الوقت فوقف وان لم یذکر
شبیاً فهو بیعاً منه من وقت ملک
الشیخ زکریا ابن ساریه من بیعها
بانه من من نفع الوصای
ملا یقال لسوا فی بیع الوصای
فی الاشجار فابن الوقت منها

و تفلیح صورت احد هانوفه
نفسه مزبورا غیر جمع

مزین بنده الصورتی ایندکه
القطعة اشائیة من مظاره افندی
غیر جمع

تولیت و غلبه سی و افکک عینقا نده مشروطه وقف اولان عوضه خایه به عینقا ندن
هند اجات معجله کسنده ابرمشلی شودر مفاطعه ابله زید سی اجاره و نسلیم
ایندکه نصکره منصرف ایکن زید بلا ولد فوت اولمغله منولی عوضه مزبور به زیدک محلولند
و نفسی چون اجاره مراد ایندکه ورنه عوضه مزبور مفاطعه لول اولمغله ملک حکمته اولوب
ارثا بزره انتقال ایدر دیوب منولی به منع ایدوب کند بر ضبط

قادر اولورمی **اجواب** اولساز **عبدالمجید**
زید فرزندان شی مندا ابله مشاع و مشرک عوضه سی مفاطعه لی وقف و بناسی ملک اولان
فرنه منصرف ایکن زید بلا ولد فوت اولوب ایچن فرزندان شی مندی ترک ایندکه هند
اول ترک ملک بناسنده زیدک شخصی ضبط مراد ایندکه عوضه منویسی اولان عمرو
مجرد عوضه سی مفاطعه لی وقف اولمغله اول فرزندان زیدک شخصی و نفسی چون

ضبط ایدرم دیکه قادر اولورمی **اجواب** اولساز **عبدالمجید**
مفاطعه ابله زیدک نصر فنده اولان وقف عوضه خایه به زیدک بلا ولد
فوتند نصکره منول و نفسی چون ضبط و اجبات قادر
اولورمی **اجواب** اولور کذا

بوصورنده منولی اول عوضه به و نفسی چون ضبط ایتمک کسنده زیدک ورنه سی مجرد
مفاطعه لول عوضه ملک حکمته اولوب ورنه به انتقال ایدر چه منولی به
ضبط منعه قادر اولورمی **اجواب** اولساز کذا

زید نصر فنده اولان دکانک عوضه سی بکرک او قافندن اولد یعنی اقرار ایدوب
منولی وقف بهر سنه مفاطعه سنی و بر رکن حالا اول دکانک بناسنده بشر مالک
اولد فنده منولی وقف اول دکانک برینی وقف و نسلیم ایدر دیکینی
ایشات ابله والا وقف مفاطعه و بررم دیکه قادر
اولورمی **اجواب** اولساز **عبدالمجید**

عوضه سی مفاطعه لول وقف و بناسی ملک اولمغله اوزره بر منزل منصرف اولان زید
نیجه سنه بی بری بر و تفکک منویسیه منزل مزبورک عوضه سنگ مفاطعه سیدر چه
سنده شودر اقیه و بر و ب عوضه تک و نفسی اقرار اینمشیکن حالا زید اول عوضه
بکیمک و تقبیه بر بهم و افکک اسمی معلوم اولیچنی بعد الیوم مفاطعه و بررم
دیکه قادر اولورمی **اجواب** اولساز **عبدالمجید افندی**

وقی و عوی المشقی ساکن و ارفند
کان ینفع فلیها الفقه ثم قال لیس
قال القول له لا یکون ذکک فورا اذ
اعلان لا یقبل کان و کینه بغیر فلیها
و کونان ابرهینها فاندن و قال کسنا
منه فهو اقرار بهما لکن ان یجوز
وقی واقعات لثا طعن روی اشام
عن محمد فی الوجد الاول و غیره کان
ینفع الفقه الیه روی ابن سماعه
انه کان یقول اقراراً منقاداً فی الصغیر
فی الذموی

و آنچه در این باب است و از آن در کتاب
فروع صیغه لایق است و در آنجا
نظیر بر من الوقت

مرا بناسیبه من الخزانة و الخزانة
انقضا
مقامات و لم یترک و از آنجا که
و الا شجاره لاجن خانون امه

ان الذی عوی او ترک عشره من العمار
و عشره من غیره الا تسع
جامع الفوائد

مرا بناسیبه قبل الوترین من
جامع الفصولین بعد امه

اثبات بالینه کالثبات بمنا
نما من مفاهم کتب

بر ذکر منصرف اول منصرف بر مسجدک متولیسنه سنه سبده اول و در متک
برای اچون مفاطعه زمین در دیور مقدار آنچه در کله اول و در من بشکر نصر فند
داخل اول فنده و قفسه می بود قدر و بن وقف اول یعنی بهم دیور مفاطعه
زمینی و بر ماکه قادر اول و **اجواب اول** اما از **عجلتیم**
بلا و آرت فوت اول و از بدک عرصه می مفاطعه وقف و بنا می ملک اول و اول سنک بنا سنی
ابن بیت المال ضبط مراد ایند که منشی عرصه می مفاطعه اول و لوب و زید بلا و آرت
فوت اول فنده وقف فالورج ضبط من مفاطعه قادر اول و **اجواب اول** اما از **عجلتیم**

مسائل ششم

اول سنه بلا عذر ترک اولسان مفاطعه وقف عرصه خالیه و دعوا سی
استماع اول نور می **اجواب اول** اما از
بر دکان بری مفاطعه وقف و بنا می ملک اول و از من ضبط و تصرف اول و لوب قدیم
بوده و کین عرصه متولیسری عرصه تک مفاطعه سنی الوب منصرف لری و کاکتک بنا سنی
ملکیت اوزر بیع ایده کلوب نوبت تصرف بشره کله که بشه اول و کاکتک بنا سنی جهت
اختیاره وقف و تسبیل شرعی و تسلیم الی المتولی ایدوب بعد زمان بلا اول فوت اول
علا عرصه متولیسری بنا متولیسندن مفاطعه قدیمه المفاطعه رضی اول و لوب اصلنده
اول بنا اعداآت اول و قوت اذن متولیسر اعداآت اول فنده اقامت بینة اید و انا
بنا عرصه و قفسه من ضبط ایدرم با خود ایدم ایدم بررم و بکه
قادر اول و **اجواب اول** اما از **عجلتیم**

زیدک قرضه اشعی عمر و متوفان عرصه و بنا می ملک اول و از من اشترا و قضا ایدکی متک
عرصه سچون بر و قفک متولیسری بر عرصه مر قومه متولیسری اول و یغم و قفک سغلا نند
اولوب عمر و حیواننده عرصه فریوس به بندن اجازت معجله و سنه ده شود قدر آنچه
مفاطعه اید استیجار و بنا مذکور می ملک اول و از من اذم اید بنا و اعداآت بنامش
عرصه فریوس و قفدر بر سنه ده مجتمع اولان شود قدر آنچه مفاطعه سنی و بر جو دعوی
و زید عرصه تک و قفسه من انکار اید بر عرصه مر قومه سنه ده عرصه فریوس به وقف فریوس
سغلا نند اول و از من بر وجه محرمه اید اید بکنی زیدک
مواجه سنه اثبات اید بیک اید مثلنی زید من المفاطعه
قادر اول و **اجواب اول** اما از **عجلتیم**

ص ۷۰
عاقبت و قفسه منی فیه ساکت اولان
متولیس و قال نقضت کذا و کذا و لوب
لم یضرفه بینا له العدم رفعه و هو
ساکن و ما یضرفه فیه لوب و ما یضرفه
مال غیره من مال من تحت البشاء
ثم یأخذ جامع الفصولین
فی احکام العماره

زید بر وقف منشی متولیسری اول و یغم بنجار احمد ک تولیت و فنده سی امام اول و یغم مسجد
امام اول و منصرف مشروطه و قفدر دیور وجه سی سنه اید اید معجله و متولیس اید اید اید و ب
فریوس سنه بنجار احمد ک و قفنده معجله سنه محسوس اول و از من بنا به اذن و بر و ب سنه
دعی بنجار احمد ک و قفسه من اجاره معجله سنه محسوس اول و از من اید بیک آنچه خرج اید و ب
بعض اینه اعداآت ایدوب بعد زید مفاطه فوت اول و قد نصره بک نظر اید و ب منزل
فریوس ک تولیت و سکناسی باک مشروطه بنفشه فاقونک و قفدر جو سنه اید بنجار احمد ک
وقفی اوزر متولی نصب اولسان بشه یوزینه دعوی و قد عاصی بینة عا اول بلا اثبات
ایدوب حکم عا ک منزل فریوس ضبط ایدوب و سنک بنا سنی اصل و قضا اول و بنا اید
محلوط اولوب تلقی اصل و قف مضر اول فنده بک سنه اعداآت اید بیک بنا ک اذن منشی اید
بنفشه فاقون و قفسه من باک و بر با خود متخلص اول و من تر بقص اید و بیک سنه
رأیة اول و لوب بن بود در آنچه خرج ایدم مصروفی نما نا اول و بکه
قادر اول و **اجواب اول** اما از **عجلتیم**

بر دکان منصرف اولان زید بر و قفک متولیسنه اول و کاکتک وقف عرصه سنک
مفاطعه سیدر دیور بر قفک سنه بر مقدار آنچه بر و ب بعد اول و کانه عمر و کاکتک
اول و قد نصره عمر و فریوس اول و کاکتک عرصه سنک مفاطعه سیدر جو متولی و قف
فریوس بر مقدار آنچه به دره کله عا عمر و متولی به اول و کاکتک بنا سنی و قف اول یعنی بهم
وقف اول یعنی اثبات اید با خود مفاطعه نامنه و بر و بیک آنچه به
و بر و بیک قادر اول و **اجواب اول** اما از

بر مسجدک قدیم الایا مدینه بر و بر نندن کمنه مفاطعه طلب ایما شکیکن عا زید
کلوب بن برک متولیسری هم فریوس مسجدک بر نندن و حوسندن مفاطعه طلب
ایدرم و بر شرع المفاطه قادر اول و **اجواب اول** و قضا اید بکنی
اثبات اید بر وجه اول و محمد القناری
بری مفاطعه لوب و وقف عرصه تک مستاجر می زید اذن متولیسر و کندی مال اید نفس سچون
بعض اینه اعداآت ایدوب منصرف بکن زید فوت اولوب اول اینه به زیدک و رثه می
ضبط اید بکننده متولی و قف زید اول اینه به و قفسه من باک مشروطه و قفدر دیور دعوی
ایدوب لکن مذ عاصی اثبات قادر اول و اما سنه بلا اثبات اول اینه به
و قفسه من ضبط قادر اول و **اجواب اول** اما از **عجلتیم**

و طریق فصل الفوائد العمار
بما ذکر رسول الله صلی الله علیه وسلم
الینه علی المذموم و البیون علی منک علی
و اذ ان کان من غیره اید و اید فنده
العلماء بالقبول ضار فی غیره تواتر
و قد اید بر شش علی احکام بعضها
یرت منقذ و بعضها بر حشرها
مقدور علیه السلام الینه علی المذموم علی
فایستحق یجوز الدعوی و اید معقول
کانه غیره منک و اید و اید
و یكون یجوز فذل علی نه یستحق بالینه
و اید شرعی من دعوی المذموم
علا

اولی فی القاضی علی غایب اولاد
بمستقیم بقوم مقاسم و من بقوم
مقاسم قد یکون یا غایب کو کسب
او با غایب الشیخ کالوسی من غایب القاضی
در بیان قبیل باب الحکیم مختصاً
و کذا فی قضاء الملحق براتی علی غایب

مربیان و قبیل اولاد من غایب
۵

الاصول بقار مکان علی مکان مطاوع
مربیان سبب نقاش القسوق القسوق
و الاصل فی المقاطعات الا بقار
علی قد سماها اشهر ان القسیم
بیرک علی قدیم فتاخر
عجله سیم

بشد با کبلی حاضر و کل بکن زید قاضی بر و در ب عرصه سی مقاطعه لو وقف و بنا سی
حکایت اوزر بشدک بدنده اولاد منزل ایچون منزل بزورک بنا سی حکم در عرصه منوبسی
عزورک یوزینه اقامت بنده بمکمل قاضی منزل بزورک بنا سی زیدک علی
اولاد اوزر حکم ابد علی نافذ اولاد **اجواب اولاد**
بر وقت منزل عرصه سی مقاطعه لو زیدک و قاضی و بنا سی جهت اخراجه مشروطه عزورک و قاضی
اولاد اوزر عزورک و قاضی منوبسی ضبط ابد و ب عرصه تک مقاطعه سی عرصه منوبسی در
کلمه شکر زیدک و قاضی منوبسی بر عزورک و قاضی منوبسی بشده منزل تک بنا سی عزورک و قاضی
اولاد یعنی اثبات ابد و الا بنا سی عرصه و قاضی منوبسی ضبط ابد و ب
ناور اولوری **اجواب اولاد** علی افندی
زیدک عرصه سی مقاطعه لو وقف و بنا سی حکم اولاد و کما تک بنا سی اذن منوبسی بنا اولاد بنده
بدنده اولاد اذن مذکور سی مردور ایام ابد ضایع اولوب بعده اول و کان حریفه
مخترق اولوب اثر بنا دن ایچون دیوار لر می فاله قد نصکره زید بلا ولد فوت اولاد اول
اول و کان اذن منوبسی بنا اولاد یعنی ثابت ایچون منوبسی و در نه زیدت مجرد بد کرده
اول و کان اذن منوبسی بنا اولاد بنده شکر یوزور در دیوار اول و کما تک
دیوار لرین و در نه زیده قلع و رفع ابد ر که ناور
اولوری **اجواب اولاد** عجله سیم
یوزر سنه دن زیاده زماندن بر و منوبسی عمل اوله کلن و قاضی عقیقه معمول بها تک
ایچنده زیدک اشهر ایچونکی منزل عرصه سی وقف اولاد یعنی مسطور و عقیده اولاد وقف
عزورک منوبسی عزور زید عرصه مزبور تک مقاطعه قدیمه سنی طلب ابد که زید
عرصه مزبوره یوزر سنه دن زیاده زماندن بر و وقف اولاد اوزر ضبط اولوب
وقف ایچون مقاطعه سی ان کلمه شکر بکن بود قاضی تک مضمونی اثبات
زیدک و بریم و بیکه ناور اولوری **اجواب اولاد** ایچونکی افندی
بر وقت و کما تک عرصه سی زیدک برجه مشروطه مقاطعه لو وقف و بنا سی عزورک جهت اخراجه
مشروطه و قاضی اولاد اوزر قدیمدن ضبط و تصرف اولوب الی الغش سنه دن بر و بنا
منوبسی عرصه تک مقاطعه سی عرصه منوبسی دره کل طایفه بنا منوبسی عرصه منوبسی
اول و کما تک بری زیدک و قاضی اولاد یعنی اثبات ابد و الا بعد ایوم مقاطعه
در بریم و بیکه ناور اولوری **اجواب اولاد** عجله سیم و مستعار زاده

ایچونکی

او ایچونکی باب ما یجوز و ما لا یجوز بمیانده
و برنج و دینگی و تخمی بسیارنده و ر

بر و کما تک مقاطعه لی بز اوزر زنده و قاضی اولاد اولاد اوک دیوار لر می بقله قاضی که ملحق
اولاد اخرو وقف و کما تک دیوار لر می بقله بقلوب اولاد و قاضی تک حاضر و کل ایچون اخرو کما تک
منوبسی اذن ها کما تک منور بوب وضع قدیمه مخالف ایچون دیوار اولاد اوزر بیکه قاضی
تخمین ابد و ب اوک برندن بر ذراع بز اولوب اوک حد و زنده بر دیوار بنا ابد و ب
و اوزرندن بر ذراع بز ابد یعنی اعتراف بر طایفه دیوار اشترک و آر و بر دیوار خراج ایچون
اولاد و قاضی منوبسی ناور اولوری **اجواب** دیوار شکر اولوب اذن ها کما تک
نصفتی اولاد و قاضی اوزر با بجه اولوری ابلو سعو
بر شکر امانه وقف اولاد اوزر به منوبسی اولوب با کفیه خراب اولاد امانه اولی
شرا مقاطعه بی و بر تک کرک بزنده استبدال می ایچون کرک در بزنده بیع ابد و ب تخمینی
معامله بی و بر تک کرک **اجواب** معاطعه بی و بر تک کرک در ایچون کرک ایچون
بشد سلطان با بزید خان علیه الرحمه و الغفران او قاضی دن مقاطعه ابد منصرفه اولاد یعنی وقف
عرصه خالیه اوزر بنده اذن منوبسی بنا و غرس ابدی کی ایچون و اشجار شکر من حرین الشریفین
فقر آسنه وقف ابد و ب شجر شریج اولاد قد نصکره بشده فوت اولاد قد زید ذکر اولاد
بنا و اشجاری حرین الشریفین منوبسی بذت معلومه و اجرت معینه ابد استیجار ابد که نصکره
ارض مذکور کما تک بنا سی خراب اولوب اثر بنا قالمایش بر موضعده ارض مزبوره منوبسی
اؤنیله کنده مالیه بیوت معنده بنا ابد زید مرقوم بنا ارض منوبسی نصرف مؤذبه ابد اخرو
وقف ایچون جائز اولوری **اجواب** اشجار کرک اجاره سی صحیح و کلا در منوبسی منبسط
لا زدر بنا سنی اخرو اوج بیلدن زیاده به ایچون ابد صحیح و کلا در زود و ابطلالی
لا زدر خراب اولاد بنا وقف اولوب یعنی وضع اصلی اوزر محصول و قاضی تعمیر لازدر
بری و قاضی منوبسی تک تحت اجاره سنده اولوب با خود
وقف تک اگر احتیاجی دارجه اخرو بربر
بوصورت زید مزبور ارض مرقوم تک کذا تک بر مقدم اشجار خالی اولاد امانه بر بنده
ارض مزبوره منوبسی اؤنیله غرس ابدی کی اشجاری و قاضی بنا سنه امانه و منصرف
مذکور و قاضی ایچون جائز اولوری **اجواب** بنا و غرس غصب ابد
ابد قلعه سنی اولوری صنع امانه افندی

و کذا فی القاضی علی غایب اولاد
فانفق احد هاتین مرشها بنفیر مرصاج
و بنفیر القاضی فهو مستطوع
من قضاة الملحق
وان شکینا بمنزل القسوق لا یرجع ان
اولادان باهر القاضی من غایب القاضی

سئل عن وقف اهدم و کم ایچون شکی
بعضه و ان ایچون اجاره تر و غیره
لی یباع انقاضه بمجر ذراب و شکیب
اجاب ان ایچون ان امر کما تک صحیح
باهر القاضی و بیشتر ایچون وقف
سکا نغان لم یکن زوده الی و در نه
ان وجد و ان یصرف الی الغفران
من قاضی الیه ایچون

استخوان الاذن بنازله است
الذره ثبوت حق فزاد بنازله
الى آخرة عطا الله
وقدمت صاحب الهدية وغيره
القيم فيها بوضوح لا يجوز انتهي

وتنقل من البصر ان استقامت
مخالفة شرطه وان قابله
الوقت فري وضرع فعمل
وان غير شرط الوقت
ليست المال ودرم
ان ان برآه امام صلوات
من لا شبار

عارة ان ليس متولى وقت العدم
مغل في بنازله بوجه عطا الله

ان كان وقت العدم
ان كان العاقلة
ان كان العاقلة
ان كان العاقلة
ان كان العاقلة

زيد متولى بر وقت پنج وكي خراب اولوب قابل انتفاع اولما وقد غلده وقتده فغيره
مساعده واراكن غير بنسب عمده اول دنكك بر بنى اجان معجله دستوى بر مقدار
انچه مضاطعه ابله بر وب عمر و دخى اول برک او زرينه اذن متولى وضع قديمي اوزره
دنك بنا و وضع ابد وب جانب وقتده رسمنى او ابد ركن زيد معزول اولوب بر بنه
بكر متولى اول وقت زيدك ايجار مذکور بنى طو بنسب حاله غلده وقتده بنايه مساعده وارا
دو عمده اول وضع و بنا ايندكي كمشابه فالدردوب بر بنى و فسيحون
منبطه و مال وقتدن بنا ايدرم و بكمه فادر اولورمى

اجواب وقت اول اولان ايدر بحسبى فذكى

بر و باره واقع چلك نخله بنى منصرف اولنله برى و فاش ايدوب و اذلى فالور ايسه
او غلده انجن بر نخم بر بلوب ماعداسى چلك ميري ايسه ميري ايسه وقت ايسه وقت
فالمق قانون پادشاهى اولمغه اول و باره و زر آون زيدك و فنى اولان
چلكه نم بر فاج نمغه منصرف اولان عمر وقت اولوب او غلى بكر فالمغه متولى وقت
قانون اوزر باباسنگ منصرف اولد بنى نخله بر نخم و بر وب ماعداسى وقت
طرفدن منبطه مراد ايندكه بكر خلاف قانون جمل نخله منبطه

فادر اولورمى اجواب اولماز عجله

عمره سى مضاطعه لوزيدك و فنى و بنا سى عمر و ك جهت اخرايه مشروطه و فنى اولان
زن و او طه لره اجاره معجله و معجله ابله منصرف اولان بكر جا ولد فوت اولوب
بنا متولى بنايه اخره ايجار مراد ايندكه عمره متولى بنايه
بن ايجار ايدرم و بوضعه فادر اولورمى

اجواب اولماز بحسبى فذكى على فذكى

زيد متولى اولد بنى وقتدن بر مقدار عمره بر عمده مضاطعه و اجرت معجله ابله
و بر وب و بد بنه نمك و بر و كد نصكره و قدر وقت قبض ابله كى اجرت معجله مزبوره به
قيد ايلماسه حاله زيدك بر بنه متولى اولان بكر اول نمك اجاره مر قومه و فنگ
مى بسنه قيد اولنماشدر و بوطو بنسب اول عمره به عمر و ك بدندن الوب
اخره و بركه فادر اولورمى اجواب نمك مزور اولوب
متولى سابق و فسيحون اجرت معجله الوب مضاطعه ابله ايجار
ايندكي مفر اولجن اولماز بحسبى فذكى

مضاطعه

ذکر حال البصرى و فنى بنازله
وقت اولمى لم بجزه و بوضوح
مستول و وقتده مبر متعارف
من وقت اذ خبره
و ايشاء الموقوف لا يجوز سبه قبل
الا نهدام ظهره بنى منصرف البصر

وقت ما و اذ شترى با ممانع
وقت و منطله وقت خود شرط
شرطه فاقبیت بیطمان شرطه
المستقرن و هو شرطه باجماع
قبطل ما فتنه مشبهه قبیل
فتن الرابع

من استأجر و اذ انفسه جردن بطالبه
با جمل ايام لانه دستوى منصفه
ان ان بين وقت الاستخفاف
في العقد لانه بمنزلة الشاغل و كذا
اجارة الامنى لمسا بقتنا
من اجارة الهداية

و بغيره الا فى وقت
بانه نفع من وقت الامارة

و اذ قبض المستأجر اذ انفسه
وان لم يسكنه لان تسليمه
لا يتصور فاقبنا تسليمه
بانه

مضاطعه ابله منصرف اولسان وقت عمره او زرينه بنا اولسان منزله عطار المطلقى
صحیح اولورمى اجواب اولماز مستول قبيلند در عطار
عمره مبر فذكى سميد بر بحسبى فذكى كذا فى متعارف زاده
بر و كد رسته نك مستغلاتدن اولوب وقت صحیح و لازم ابله زيدك و فنى اولان
معام خراب مشرف اولوب ككن بنا سى بقابلوب نقض و كل اكن متولى سى زيد
بنا سنى عمره بيع ابد وب بر بنى مضاطعه به بفلا صحیح
اولورمى اجواب اولماز كذا فى متعارف زاده

بر وقت مام خراب مشرف اولوب مر منه وقتده مساعده اولوب اجرت مر منه
كفايت اينما مكله متولى سى زيد استانه طرفدن امر مشرف و راي قاضى ابله ميري ايجار
سنه و كى وقتده بر مقدار اچه مضاطعه تقدير و تعين ايندكه بن سنى بر مقدار اچه
ايله عمره بيع و شليم ابد وب عمر و بعد القبض كدى مالندن بر مقدار اچه بيع ابد وب
مر مت و تعين ايندكه نصكره بر جهت اخرايه وقت ابله مشرف و فنى

صحیح اولورمى اجواب اولماز بحسبى فذكى

زيد متولى بر مقدار اچه مضاطعه ابله منصرف اولد بنى وقتده عمره او زرينه ما بيلد
اذن متولى بعض و كاكين بنا ايدوب جهت اخرايه و فنى ايندكه نصكره عمره متولى سى
اولان عمره اول عمره نك مضاطعه سن شهور تقسيم ايدوب بر شهر
الورين و بكمه فادر اولورمى اجواب اولورمى فذكى

زيدك و فنى خراب اولد قد عمره و فنى متولى اولان بشرون اشتر ابد وب بر بنه
بيلده اون اكل اچه مضاطعه تقدير اولد قد نصكره او زرينه و كانر بنا ايدوب
بعد زمان و كانر دخى خراب اولوب مزبور زيدك و فنى متولى اولان بشره عمر و ك
وقتده متولى اولان بكر ذكر اولسان بر خراب اكن سال سال مضاطعه سن
و بر وب حاله اول برک او زرينه بكر و كانر بنا اينك استدكه مشرفا
بشر كره و كانر ميا بادر ما مغه فادر اولورمى اجواب

اصول وقت نفع ايسه اولور

صورت مزبور و به بشر متولى برى و فسيحون منبطه ايندكي تقدير به بكر دخى بشر متولى به
و بره كلكى مضاطعه به كرم و المغه فادر اولورمى اجواب شدي و كين بر كرك
منبطه اكن و بر و كى مضاطعه به ايجار ابوالسعود

زید مفاطعه ابله التزام ابدوب الدینی خانه ساکن اولشکرک بعضی بی جباروب
کندی مراد ایلدیک کی گسند لری قوبمغه قادر اوکور **اجواب** اگر خانه اجاره

شرعیته ابله الدیسه اولور احمد قاضی زاده

بروقف دکاکن کراسی ایده بوز بکر می اقب اولوب دارشک مفاطعه سی ایده الشمس اقب
ایکن مرور ایام اید ذکر اولسان دکان و اطرافنده اولان دکاکین رغبت نم فامغله

کراسی بوز بکر می اقب ایکن فرق بش اقب دن زیاده به قبول ایدر کسند

اولیجق ارشک دخی مفاطعه سی ایدر بلوب نفساً اوزت
در ملک جان اولور می **اجواب** معلول زاده

بروقفک معین دیمت ز سنوی ایچنده بعض بر لری مفاطعه به قبول ایدر بر مقدار اجرت معلول
دخی و بر مکلده طالب اولان کسند لره وقفه نفع اولوب طالب ایدر اختیار لره و بر قبول ایدر کن

ستولی و بر میوب فوت اولسه وقفه غصب ایش اولور **اجواب** قدر اینست اولور

بوصورنده ستولی به شرف فوت اولان مفاطعه ابله اجرت معجله به تضمین لازم
اولور می **اجواب** اولماز ایوان سعید افندی

ایچینی قسم عرصه سی مفاطعه لی بستاری بیاننده در اولدنی درت
باب اوزر بنده در اولدنی باب میراث و معجله ملک جن و حرمتی بیاننده در

ستاپین او قافنده واقع اولان مفاطعه لی جابر لوبستارک و عشره ابله زراعت اولسان
مرعه لک و اجاره لی دکاکنک تصرفه طالب اولان کسند لره و قیچیم و بر دکلمری اجرت معجله قیسی

وقفک حقوق شرعی سندنمدر **اجواب** حقوق شرعی سندنمدر
بوصورست اوقاف ستولیلری و قیچیمون الدفتری اجرت معجله اقب سی شرفه وقفه

حلال اولور می **اجواب** حلالدر کتبه ایوان سعید

ستولی بر قیاق اقب مفاطعه لو وقف بستار برین متصرف اولان زید بلا ولد ذکر فوت اولوب
ستولی دخی قری منده طاها اوله ال جو تکلیف ایدکده منده طاها اوله ایسی مجرود مفاطعه لی

اولمغله باکجه انا انتقال ایدر دیوب مجانا ضبطه قادر اوکور

اجواب اولماز بحیسی افندی فی الاراضی

استلامبول ایچنده اولان مفاطعه لی وقف بستار برینه متصرف اولان زید فوت
اولوب اوغلی عمر اوله قزلی منده و زینب و خدیجه به ترک ابله اوله بستار

قرقرینه منعه انتقال ایدر می **اجواب** ایدر علیهم السلام

بمختلف ارض الوقف حيث تاخذ ائمت و ائمت علی السواء
باذن السلطان من احکام الاسلامی

و از آن جهت است که در قولی است که تسع الملائكة
لان الاستبراء بعد ذلك الفقه
ولو ایچینه

عدم التبریل استفاد من قوله
لان الاستبراء من حق الی فکان یکن
ان المسئلة فی ذلک السؤال
عطا و الله اعلم

الغیر و اما فیمن مال الوقف
بااستهکاک قنیه

انها نس اجرام مثل فی الاجارة
الفاصلة بطیبه وان کما سبب
حرمانا سببها فی فن ثلاث

جو ولد ذکر فوت اولان زیدک
مفاطعه ابله متصرف اولدنی وقف
بستان قری منده بلا طاها اوله انتقال
ایدر می **اجواب** عرصه مرده جبر ایش
مخچه بهانه من انفا ایزه ایدر

زید فوت اولوب تصرفه اولان
مفاطعه لی شومقدار وقف برکی
زیدک قری منده انتقال ایدر می
اجواب ایدر کتبه قیچیمون بهانه
من انفا اوله ایدر

زید مفاطعه قدیمه ابله وقف بستار برینه متصرف ایکن بلا ولد فوت اولمغله ستولی وقف مزبور
اول بستان برینی و قیچیمون ضبطه و اجار مراد ایدکده زیدک و رتسی مجرود اول بستان برکی

مفاطعه لی اولمغله ملک حکمته اولوب ارنا بزه انتقال ایدر جو ستولی به ضبطه

منعه قادر اولور لری **اجواب** اولمازلر کذا

زید بر مقدار وقف برکی اجوب باغ غرس ابدوب و بستان ایتسه اونوز سنه مقدارکی
تصرف ایدوب نیچم اقب صرف ایدوب هر سنه مفاطعه سن وقفه ادا ایدر کن فوت

اولد قده وقف مزبورک جاییسی عمر و زیدک و زید سنه دخل ایدر میوب لایزیم
المغه شرفا قادر اولور می **اجواب** اجرو مشن الور ایوان سعید

ایچینی باب اجرو مشن مفاطعه بیاننده در

زید ستولی وقفک بستار منقن بر قیاق کسند لره مفاطعه ابله و بروب لری حسن قبول
ایله قبول ایدوب اوزر بنه اولر بنا ایدر برکی سیل زید مفاطعه سن و بر دکلمره نصکره

حالیسا مذکور لری اذکی مفاطعه لی و بر مکه راضی دکلمره اجرو مشن مفاطعه و بر زید دکلمره

زید دخی اولدکی مفاطعه لی و برک باخود اولر بکر می قلع ایدک بن بنه ذکر اولسان
برکی بستانق ایدر برین باخود سینه و بر دکلم مفاطعه ابله آخر کسند لره

و بر برین دیکله قادر اوکور **اجواب** اگر اولدکی مفاطعه ابله
قبول ایدر کسند بولنور حیره اولور

زید ستولی وقف بر دن مفاطعه ابله عمره بر قطعه بر زوروب عمره اوزر بنه اولر بنا ایدر
نیچه زمان ایچنده ساکن اولوب مفاطعه هم اوزر بنه بشیوز التمس کز اقب ایلدوقف

ذکورک بستار منقنی اجار کسند دخی ایکیبیک او جیوز اقب و ارا ایکن عمر و غنیمت منقطه ابله
غائب اولیجق مزبور زید عمر دک قولنی و بعض صغر لری بیع ایدر ذکر اولسان

اقبل لری شرفا قادر اوکور **اجواب** اولماز ایوان سعید

زید ستولیلی اولدنی وقف بستان برینی شوقدر اقب معجله کسند ده اجرو مشن اولان
ایکیبیک بوز التمس اقب مفاطعه ابله عمره اجار و تسلیم ایدکده نصکره زید معزول

اولوب برینه بکر ستولی اولد قده اول بستانک برینک مفاطعه سی مفاطعه مشندیم
نقصان فاشس ابله ناقصدر دیوب عمر و تمام اجرو مشلدر دیسه بکرک مدغاشی ثابت

اولدین قول مجرود بله مفاطعه مزبور دن زیاده عمر و سنه المغه
قادر اوکور **اجواب** اولماز علیهم السلام افندی

من عطا و الله اعلم

من عطا و الله اعلم

ترتیباً فی الیه الفقه الثانیة
من عطا و الله اعلم

ترتیباً سببه من غیره قبل سببه
اوراق بعد

اجاره الوقف باقل مزجور المثل
لا يجوز ان اذ كان لا يرغب احد
فی بجارته ان باقل من وقفه

فان ادعی احد من المفقود حقا
من حقوق المثلقت الی دعواه
من القدر

ترتیباً سببه قبل ثلثة اوراق
من البسوط الترتیبی مخصوصة

رجل احدث عمارة في الوقت
بغير اذن المشور فلان ما هو بغير
ان لم يضر بالوقت من نقد الاضواء
وكذا ما وقع بعض استلطين من
القرى والمروج لمصالح ما يتو ايجاج
والمدارس والعمارات وغير ما يقع
رغبة في ارض في ايدى الزبايا يكون
وقضا وان اعتقد كثير من اهل الزمان
انها وقف بل يكون خرمها صرنا
الى بعض المصارف بتعيين سلطان
من سائر برلكي افندي

ان اذن برآه الامام مصلي فيفضل
بما يراه من الاحتيال

انما الغنم والاراضى موقوفة ومستوفى
او بخرجه المستأجر من العبد او الكافر
او المثل في سبب ارض الاجر صاعدا
ام كوقف فقال برآه الى الوقت
من اجارة الغنم

ادبى باب بنادون بعد المنع بنا بيانده در

مرحوم ومغفور له سلطان سليم خان عليه الرحمة والغفران عمارة او قافند
نفس كى نجه ده اولان چابروستان برلنده اذن پادشاهى اولما دنجى زید متولى
مقاطعه ايله گمشد بر اولك بزور كه ما ذون و ما سور دكل اكن عرد مذكور بستانه
برقطعه برى فضولى حولى چكوب در كلرين در كن زید عرود باهمه ديونيه ومنعى ايله
منسوخ اوليوب حاكم الشرع بيلدر وب حاكم الشخ حاجنه دخی باهمه شرع فصل
و حكم اولما نجه ديونيه و التمشيكن دخی منسوخ اوليوب حولى به بابوب سائر مقاطعه
او كر كى بود دخی بر بزور او بچك قاج اولك بزور سورس مقاطعه من الك در كرت
زید متولى ما ذون و ما سور دكل اكن مقاطعه نقد بر ايد وب مستقل ايش ايتزين ديوب
حولى به كس بروب بقدر مغه شرع قدر قادر اولورمى **اجواب** قادر در امر مغه بود در
عصيان ايدنه تغزير دخی لازم بود صورنده عمر حولى به بفارسم باكه ضرر اولور خرج
ايند كيم اجه به جانب وقفن باكه در بكت حولى و تفكك اولسون و بكمه قادر اولورمى
اجواب البته قلع ايند ر بلوب وقفه تعدى و امر مغه شريفه عتادى مقابله سنده
عقوبت اولمنق لازمدر بود صورته حاكم و منولى طرفلرندن تنبيه اولنوب
شرع كورلدين باهما سون ديومنع اولنوب عمر و منسوخ اوليوب وقفه تعدى
و نظا مه مخالفت ايله شرع عرود نه لازم اولور **اجواب** تغزير شد بد لازم اولور
صورت مزبور ده اذن پادشاهى اوليوب محتاج عرض اولان بر لرجه
متولى عرض ايلدين فضولى مقاطعه وضع و اولك بزور كه قادر
اولور **اجواب** ما ذون اولينى اولماز ابوالشعور

در دنجى باب فضولى ضبط و مقاطعه به

سابق متولى به تسليم بيانده در

زید مرحوم سلطان سليمان خان طاب ثراه او قافندن محيية اسلامبوله لغته
بستانه بر قطعه بستانه منصرف اكن فوت اولسه عرد يدى بيل مقدارى محلول
بستانه فضولى منصرف اولوب و تفكك مقاطعه سنده ما عدا بهر سنده زباده مقاطعه
ايله اخر كنده لره و برسه اوقاف مزبوره متولى سدى بيلق زباده الدينى
مقاطعه به عرودن شرعا المغه قادر اولورمى **اجواب** عرد
اخر كنده لره الدينى اجرة وقفه زباده چوى زاده

اولورمى

زید متولى سدى اولد بقی وقف بستان بر بنى او نوز بيك اجه معجله و سنده
اجر مشلى اولان شوقدر اجه مفاطعه ايله عروده ايجار و تسليم و مبلغ مزبور
عرودن الوب كندى مصار فنده صرفه استهلاك ايند كنده نكده اخذ باره
غيبت ايله حاله زيادك بر بنه بكر متولى اولد قده عروده وقف ايجون
معجله نامنه الشان اجه به زید وقفه كوسته سبب كندى مصار فنده صرفه
استهلاك ايش البته او نوز بيك اجه به و بر با خود

بستان بر بنى الورين و بكمه قادر اولورمى اجواب

اولماز **عبدالمجيد افندي**

ادبى قسم باغ بيانده در
اولد دخی ايكى باب اوزر بنه در
اولكى باب اجر مشلى بيانده در

بر وقف باغى متولى سدى اجار معجله و مؤجله ايله ايجار ايتكم جائز اولور
اجواب اولماز **عبدالمجيد افندي**

وقف برده و كشمس هر دو دخی در در اجه مقاطعه الى سلم باغلى اولوب
و هر دو دخی اون بشر اجه مقاطعه الى كفرة باغلى اولوب منصرف اولان زید سلم
باغنى بوزوب بستان و چابرو بافا صلتق ايدوب بافك خرج لازم سنده نكده
فلان محصولن زباده حاصل كس ايله عرود دخی بو اسلوب اوزره
زر اعته قابل اولان باغلى بنى بوزوب مزرعه ايد بنوب باغ خوجنده نكده كنده
محصوله بر ابر دخی زباده حاصل اولور كن زید و عمر و باغ اكن و ريلان
مقاطعه به و بر بسوز اكك و بر برز و بوز نواع ايدوب سلم در درى
دخی اون بشرى و بر ما كمه قادر اولورمى **اجواب** اولماز لز بود صورته متولى
زید بافك برى شمدى زباده به منخله در اجر مشلى اوزر مقاطعه طلب ايدرم
قبول ايدرسك فيها و الا قبول ايدنه و بر برين ديوب شرعا اجر مشلى اوزر
قبول ايدنه و بر كنه قادر اولورمى **اجواب** شرعى اولور بود صورنده زید سلم
النده بولسان بر كفرة باغلى بنى بوز بيلوب التمش اولينى متولى اوزر بشر
اجه طلب ايدوب المغه قادر اولورمى **اجواب** قديردين
النه كلان اجر مشلى بيقصور الور

دخی شرح بكر مستأجر و رعايا ما ينها
من الا شجره قالا جارة فاسدة
من شرح جامع التفسير شرح تاشى

زباده باغى متولى سدى اولورمى
بمسألة

افى اسلام بشره ايسه لكره دن
النى كلكى خور جيلرس افند اولماز
بيقصور و ايدر لره اجه اهل اسلم
ايند خراج وضع اولمنق شرح و كنده
آقا ابغا اولمنق شرح و صدر مزبور

بوصورتی که زمین را با غلبه باغ و اولوب باغ بولان باغ بولوب
مفاد طعه لری در دور وادون بشره آنچه یا زلش ایدکی مرز عد بولان بر لر خراب دیو
مفاد طعه لری اکسک یا زلش ایدکی حالیا دخی اولوب اولوب طلب ایدر مرز عد بولان
بر لک دو نمند البشتر آنچه اولور جبه قبول ایدر ز اولماز جبه مقبولم دکدر سائر
اراضی فراده زراعت اولنان بر لده ثمن النور بزخی ثمن و بره لم دیسه لر متولی ارض
خوابیدر قدیم الایا یا بلدی مفاد طعه ایدر تصرف اولنه کلش بر لر جبه مقصور مفاد طعه
طلب ایدر برین دیسه شره عالمغه قادر اولور و زید ایدر لکه سوز لری سمولی
اجواب سبوح دکدر قدیمه بره کله کلری ایدر مشلی مقصور و بر لر بوصورتی که
تصرف اولان اولان بشره آنچه مفاد طعه لری باغ مرز عد اولش بر لر تصرف اولوب
البشتر آنچه برین ذممه لری کرد اولان بشره آنچه طلب اولنق مشر و عیدر **اجواب** سابقا باغ
ایکن ایدر مشلی اولان بشره اولیجی زراعتک متولی از منفعتی جوق اولماسه بوز ما ز لری ایدی
شمه لری ایدر مشلی دخی زیاده مقصور النور بوصورتی که گذشته مفاد طعه لری دخی طلب
اولنق مشر و عیدر **اجواب** تفصیل بزبور اوزرینه اولیجی مشر و عیدر بوصورتی که اولنق مشر
آنچه بر قبول ایدر مشلی ایدر مشر تصرف اولنه کلری بر لر انوب اخر کسره بر لک
مشر و عیدر **اجواب** مشر و عیدر بوصورتی که زید و عمر و بوبر لره بر نیجه آنچه خرج ایدر
کوبره دو کوب دور بر زبور بر لری بر بلان کسره لره با خود متولیدم حق طلب ایدر
شره قادر اولور لری **اجواب** اصلا بر آنچه النقی مشر لری دکدر کوبره دو کوب و طاش
چهاروب اصلاح ایدر کسره مشر عیدر لری لازم اولماز صورت بزبور
اهل بادشاهی ایدر نصب اولنان قاضی شرح شریفک حکمته رأسی
اولیا کسره لره لازم اولور **اجواب** تعزیر لازم
بر وقف برده اولان باغ اوزر بیلدن زیاده مفاد طعه لری و بر لک طعه لری متولی وقف
اولان زید باغ مرز مفاد طعه لری قبول ایدر مشر مشر قادر اولور
اجواب ایدر مشر مصادف جبه اولور اولور
زیدک عمره سی مفاد طعه قدیمه لو وقف و کروی ملک اولان باغی مرور ایام ایدر خواب
مشر اولوب محصولی از اولور اولر متولی زید مفاد طعه قدیمه سنی طلب
ایدکده زید باغدن محصول شئی قبیل اولور اولدی جو و بر ما که
قادر اولور **اجواب** اولماز **عظیم افندی**

بر لک کسره لره زید باغ مرز مفاد طعه قدیمه لو وقف و کروی ملک اولان باغی مرور ایام ایدر خواب
مشر اولوب محصولی از اولور اولر متولی زید مفاد طعه قدیمه سنی طلب
ایدکده زید باغدن محصول شئی قبیل اولور اولدی جو و بر ما که
قادر اولور **اجواب** اولماز **عظیم افندی**

عظیم افندی

ایکینجی باب اصحاب دیون و باغ دکن فوئند فکده
باغ برینی بیع ایدر ب ایدر بینی دینلر بچون بقض ایدر
ومتولی خراب اولدی و بوز بوزب طلا بوبر و بر مک
و خراب اولان باغ برین دخی بیع ایدر بک و تمسبله وقف
نافع عفار المنق و بیع اولند فده رسم طلب اولنق
و باغ متصرفی بلا اذن بیع ایدر ب سنی بیاننده در

زید مفاد طعه قدیمه ایدر بر مقدار باغ برینه متصرف ایکن دیونی ترکه سندن
ازید اولدی دخی حالده بلا اولد فوت اولنق متولی اول باغ برینی وقفی چون ضبط
و آخره ایجار مراد ایدر کده زیدک و ایدر لری باغ برینی مفاد طعه لری اولنق
ملک حکمته اولوب زیدک سائر ترکه سنی ضم ایدر ب و بونمز
ایچون بیع ایدر زبور متولی به ضبط دن منعه قادر
اولور لری **اجواب** اولماز **عظیم افندی**

مفاد طعه لری وقف بر اوزر نیت اولان باغک متصرفی زید باغی بنهار ایدر
اید خراب اولوب اصلا جبق و کونکی فالیبوب بوز بر اولوب و جانب وقف
اوج بیلدن زیاده مفاد طعه لری اولر نیچیک متولی وقف باغک
برینی طلا بوبر لره و بر مک قادر اولور لری **اجواب**
مفاد طعه سن و بر رسه ممنوعدر

زید مفاد طعه لری وقف ارض اوزر نیت غرس اولنان ملک باغی قری هند چهارلق
نامه اذن متولی سز به ایدر ب هند و قفک جا بیلرینه مفاد طعه لری
اول ایدر ب تصرف ایدر کین فوت اولوب قری زید انتقال ایدر کده زید
بنهار ایدر مشر اصلا جبقی و کونکی فالیبجی متولی وقف ارض خالیه به
طلا بوبر لره و بر مک قادر اولور لری **اجواب** مفاد طعه سن
و بر رسه ممنوعدر **صنع افندی**

زید ارض وقف اوزر نیت مغروس باغی بر مقدار مبلغه عمره بیع و تسلیم
ایدکده و قفک متولیدی اولان بکر ثمنی اولان مبلغک عشرینی وقفی چون اولوم
دیگر قادر اولور **اجواب** اولماز وقف بر مقدار نیت و بر بوبر
بحسب افندی سائل شستی فی الوقف

بیتنا ان عقودهم متعلق بزرگ افندی
اولر ارضی الموقوفه بکون ملکاه مد
حق متعلق عقودهم بر ملک افندی
سز عطا اولد افندی

بیع ایستاد الموقوفه بزرگ افندی
و بوز بیده و کونکی اولر مشر
الموقوفه بکون بیه قبل انقطع و بوز
بعد من معاویة مسرة
شرط الوقف عدم الاستیصال
فقطاضی الاستیصال اولر مشر
من وقف الاستیصال

بکون لره مد من المسلمین افندی مال
ادعیه سبب شرعی منقح القدر
لا تلبس همسوا لعمده مد من فی القریة
حق باغده عشر نیت و باقی المسنة
بفهم ما حوزت عطا اولد بعل فی شغل
بده الموات باجری فی قیوم الزمان

و در آجر و شایبها نقل و بر شایبها
علی ان یسلم ثمرة القلیل و الا شایبها
عسنا بر لا یجزون الشره بینة علی
الشفقة و ان العین من البیضاء فی البیضاء

زید واقف است اولادش و وقف ابد و ب تولیتی ارشد اولادش شرط ابدی کی عفا کرد متولیتی
اولادش بنه اولادش عمر و وقف مزبور که بر مقدار بنی اشجار شمره سبیله هر سینه بر مقدار
انچه مفاطعه ابد زیده و بر و ب زید و وجه شروع اوزر از زمین مزبور به اشجار شمره سبیله
ذات ابد تصرف ایدر کن متولی مزبور فوت اولوب بطن نمانده بنه اولادش بر بنه
متولی اولادش خالد مفاطعه مزبوره لی بری اشجار معهوده سبیله و قبیحه تصرف
ایمکه شرفا قدر اولور می **اجواب اولور** ذکر اولادش بر بزرگ ذات معینه اید
اجازت صحیح ایدر جاری رسیده اولیچین **محمد زاده عثمان**

سلسله نهم بری مفاطعه لی وقف چار بیایانده در
اولدخی اوج فضل و زربنه **نصل اول** اجماعی کرک خام بر
آجلسون کرک اچلا سون لازم کلدی کی بیایانده در

زید دومی وقف کرده بر قطعه چار اولدغه قابل اولادش برده الشمس انچه مفاطعه تقدیر
ایدر و ب متولیتش جهت اولوب تصرف ایدر چار کن محمولون هر سبیله یکیش سبیله انچه به
بیج ایدر و ب بودجه سبیله تصرف ایدر کن عالیا عمر و چار کن مفاطعه سن ایدر و ب
وقفه اوج بیکت انچه دخی اجوت مجله و بر و ب طلب ایدر متولی شرفا چاری زید و ب
عمره و بر مک شرف و عبیدر **اجواب** شروع و و آجیدر شمدیه و کین ایدر ایدر شرف اولور
بوصورتش زید چاری بن عالم ایدر اجوب زحمت چکدم کسندیه و دخل ایدر مزین بودجه
چیک بر لری اجوب چار ایدر و ب تصرف ایدر و ب التوق بود و ب شرفا متولیتش
چاری عمره و بر رسنه مانع اولدغه قادر اولور **اجواب اولور** انا ایل و بر و بکی اجوت مجله
و اجوت مجله و بر رسنه متولی اگر دخی و بر مک قادر در بوصورتش انان اجوت مجله
انچه سنی شرفا وقفه حلال اولور می **اجواب** حلالدر بوصورتش زید عمر و بر و بکی انچه به
بنده دخی و بر رسنه و زیاده ایدر اولادش مفاطعه به قبول ایدر رسنه و بیه متولی سن بود و بر سبیل
وقفه قدر ایدر و ب مفاطعه به اجوت مثلندن اکسک و بر و بکی دخی دومی سن عمر و
وقفه سنی ایدر و ب مفاطعه به اجوت مثل اوزر رسنه زیاده ایدر و ب هم سبیلدر و ایل سفره
در شرفا تقبیلندن و بر مک اولی در **اجواب** سبیلدر و بر مک اولی در
شمدیه و کین عملتک اجوت چار رسنه اضغان المشر
انا دخی زیاده اجوت مجله و مفاطعه و بر رسنه
اگر و بر مک اولی در ابوالسعود افندک

و ان کانت الزیاده اجوت مثل انان
فیها فیستحقها التولی شرفا بود و ب
من زاده از زمین زیاده اشیا
مختصا

انحاس بر لری فی سبیله اشیا
بطیب و ان کانت السبیله
اشیا فی غیر حکم الامتاره

نصل ثانی چار بر بنی جهنت اخر آید وقف اینک
و بلا اذن المتولی چار فرایغی و متولیتک اوغلی قوی عیسی
و عوی اینک و متولیتک اجماعی بیایانده در

زید اراضی امیر تیره طاہو و مفاطعه ایدر تصرفند اولادش چار بر بنی طرف
سلطنت علیته دن کند و بیه تمیکت اولدیرین بر جهنته وقف ایدر
صحیح اولور می **اجواب اولور** **عبدلحمید**

زیدک او قاضی اولوب عمر و ک طاہو و مفاطعه ایدر تصرفند اولادش چار بر بنی عمر و
بر جهنته وقف ایدر و ب بعد اول چار بر بنی اجازت مجله و مؤجله ایدر بکره اجبار
و تسلیم ایدر و ب بکر تصرف ایدر کن بلا ولد فوت اولدغه زیدک و غنی متولیتی
بشر و وقف ثانی صحیح و کلدرد و ب اول چار بر بنی اولوب ضبط مراد ایدر کده
عمر و ک اوغلی خالد و وقف ثانی صحیح اولدیرین بابا مک فوتند تصرفه
اول چار بر بنی انتقال عادی ایدر با که انتقال ایدر و ب
بشری ضبط دن منع ایدر و ب کنی ضبطه
قادر اولور می **اجواب اولور**

زید مفاطعه قدیمه ایدر و ب و ب چاره تصرف ایدر کن بلا ولد فوت اولد
متولیتی اول چار بر بنی طاہو ایدر و بر مک قادر اولور می
اجواب اولور **عبدلحمید افندک**

بر و ب مفاطعه چار بر بنی تصرفند زید فوت اولوب بنی علی قالیوب متولی محمول اولد
چاری مفاطعه سبیله اخره و بر و ب بنی ایا با مزون قالمش چار بر بنی بزه انتقال ایدر
سائر املاک کبی بود دخی بزم حق شرفا و بر و ب ایدر و ب المذ شرفا قادر اولور
اجواب اولور ایدر و ب و ب کسندیه حکم حق شرفا اولور

بوصورتش محمول اولادش چار بر بنی اجوت مثل اوزر مفاطعه ایدر اخره و بر و ب
متولیتش شرفا و بر **اجواب** شرفا و بر ایدر
کسندیه تصرفه قادر و کلدرد ابوالسعود افندک
بر بکره ده و افع اولادش و ب بستانک مفاطعه ایدر تصرفند اولادش زید بلا ولد ذکر
فوت اولد اول بستان زیدک قرینه انتقال عادی ایدر انتقال
ایدر می **اجواب** طاہو لی حبس ایدر **عبدلحمید افندک**

و در وقف ارضاء اقله یا انسانی
نمان کانت متکالا و متواضع وان کانت
من بیت المال و بیع اسعاف
بیمایوز و اخره و ما

اولادش اجازت تصرف بالموت
و انتقال اولادش متواضع
و باقی القبر و بیع متواضع
بیتل منزه اوراق

اجازت بر لری لوقت انکسک و بیکت
فوتی و اذ شرف و در غیره لری
مفوض الی متولیتها الی اخره
من وقف تجرید

انظار و کسب اوقاف عند ایدر
و کسب القدره عند محمد من وقف اشیا

متولیتک محمول اولادش بر لری
و غنی و غلت طاہو و بر انتقال ایدر
قانون جدید فی بیان اراضی
و در مابین سبیله قبول ایدر اوراق
من جهات افندک

شرط الوفاة ان يكون الموقوف له
 واولاده او اولاده على ما مضى ان يملك
 باجانبه ولو ولاة من غير شرايينه
 جامع الفصولين في احوال
 بزم مستخدمه لانه غير موافق
 وادعوى الغرضي الشافعي
 من زمان وقف الاشياء
 غير يتبع
 وادعوى الغرضي الشافعي
 في حرمه من معين الغرضي في ابدان
 وادعوى الغرضي الشافعي
 في حرمه من معين الغرضي في ابدان
 وادعوى الغرضي الشافعي
 في حرمه من معين الغرضي في ابدان
 وادعوى الغرضي الشافعي
 في حرمه من معين الغرضي في ابدان

بروقف قريبه زيد مشروط بطلت اوزر منصرف ايمن توليت منوره زيدك رخصه
 خلاف شرط واقف عمده نوجيه اولنوب عمرو وني برأت ابند بروب ضبط اوزره ايمن
 قريبه منوره اراضيه من محلول اولان مقاطعه قديمه لوقشلاق وبابلاق برليني
 بكرة طاپوي مشيبد نفويض ايندكه توليت منوربه زبده ابقا ومقر قلند قد نصكره
 زيد مجرد توليت بنم مشرد وطلدر ديوعمردك نفويض منوربيني
 طوتميبوب اولن شلاق وبابلاق بگردن المنه نادر
 اولورمي اجواب اولماز عجبم
 بروقف قريبه ساكن اولان زيد قريبه منورب اراضيه من طاپو ابد نصرفه
 اولان نارلاسنه اذن متوليد نفويض كروم غرس ابدوب باغ اولد قد نصكره
 زيد فوت اولوب اجنق قري ايندي ترك اينمكله مند اول باغي ضبط مراد ايندكه
 متولي وقف منورب شده واقف وقفه معمول بهاسنده وقفك اراضيه باغ
 احداث ايند ترك وفاقه نصكره اولاد ذكوري فالورسه ضبط ايلسونر قزلي
 فالورسه ضبط ابند بروب وقفه ضبط اولسونر ديوشروط
 ابلمشدر ديوب ايندي ضبط منع ايدو نفويض
 ضبطه نادر اولورمي اجواب اولماز عجبم
 توليت وقفه سي زبده مشروطه اولان وقف نارلاري عمرد نفولا ضبط ابمش
 اوله حانا زيد اول نارلاري عمردون الوب مشروطه اوزره
 ضبطه نادر اولورمي اجواب اولور
 زيد وعمرد بوجه اشتراك بروقف قريبك مشروط بطلت اوزر متوليد ايمن اول قريب
 محلول اولان شو قدر نارلاري زيد باكلر طاپوي مشيبد بكرة نفويض
 ايلسه عمردك اؤنده محنا جمد اجواب محنا جدر عجبم
 غلبي اولاده مشروطه منوربه اولاد هز زيد متولي ايمن بر نارلا محلول اولد قد
 طاپوي مشيبد بكرة وبرش اولسه سار اولاد اراضيه اولوب
 اخره نفوضه نادر اولورمي اجواب اولماز لركه
 توليت وقفه سي اولاده واولاد اولاده مشروطه اولان اراضيه من بر مقداري اولاد
 سار اولاد اولد مشروطه نفوضه ايلسه سار اولاد طوتميبوب عمرد
 المنه نادر اولورمي اجواب اولور عجبم

فصل

فصل خاص وقف اولاد كروم و اشجارك قوربي بيانده در
 زيدك عرصه سي مقاطعه لو وقف وكرومي ملك اولان باغك جملگي قوربوبي كوكلري جملگي
 عرصه منوربه فالسه زيد باغده ملك اولد قد بريني نفويض ابمش اولما بجن متولي وقف اولن
 طاپو ابد وبرمكه نادر اولورمي اجواب اولور عجبم
 زيد وقف نارلاري متوليد من طاپو ابد الوب بعد اول نارلايه اذن متوليد اشجار غرس
 ابدوب ملنقه باغ اولد قد نصكره زيد اول اشجارك جملگي ارضيه وقف لازم ابد وقف ابد
 بعد زمان زيد فوت اولد قد اشجار قوربوبي كوكلري جملگي عرصه بيضا اولد قد نصكره
 زيدك ونفويض اشجار غرسه وقفه ساعده اولما منقل اول غرضه زيدك اولن بگر
 زيدك وبه انتقال اينك اوزر ضبطه نادر اولورمي اجواب اولور كذا
 بوصوره بگر وجه محرز اوزر ضبطه وراعت ابدوب عرصه متوليد عرصه بربركن
 عرصه متوليد باخود اشجار متوليد بكرة اول عرصه بزره ضبطه ابند غرز
 اخره اجار ابد برزمكه نادر اولورمي اجواب اولماز عجبم
 زيد مقاطعه لو وقف عرصه اوزر اولان ملك اشجار بنگ توليت وقفه سي اولاد ذكوري
 اولاد ذكوري بنگ اولاد ذكوري بنگ وقف وشرط ابدوب بعد زيد فوت اولوب باغ وني كوكا
 ترك ايندكه بگر منصرف ايمن اشجارك بعضي قوربوبي بگر زيدك ونفويض عرصه متوليد
 اؤنبله بر قاج وب اشجار غرس ابدوب بعد بگر فوت اولوب اؤنبله ابد
 قزلي ترك ابدوب قزلي مجرد با باغ و كدي وبو اشجار حصه
 المنه نادر اولورمي اجواب اولماز عجبم
نوع ثاني بيع وميراث و انتقال بيانده در
 زيد بروقف قريبه اولان با بلاق و نارلاسن و چابرين عمده بيع ايندكه زيدك
 يعني متولي وقف قبول اينك وب ااون اؤنه و بر اؤن سبن وقفه المنه
 نادر اولورمي اجواب اولور اولماز لظ
 وقف بر اوزر نه جملگي اولان كمنه با بلاق قزلي و نارلاسن و چابرين باغ و باغ ارضيه
 معرفت متوليد اخره بيع ايندك كجج و بر دك كجج و بر دك كجج و بر دك كجج و بر دك كجج
 اولورمي اجواب باغ و باغ لركه بيعي شريعت ربيع اولان اشجار
 حملوكه در وقف اولانك بيعي و شراصي سبي و كدر متولي طاپو
 و بر باغ اؤن كمنه نصرفه نادر و كدر اؤن سبي و كدر اؤن سبي و كدر اؤن سبي و كدر اؤن سبي

بستانه اولو الغرضي و هو ان نقل
 الى الاولاد
 متولي بني او غرس في عرصه الوقف
 فابسا والغرس هو وقفان بناد او غرس
 في من مال الوقف ومن مال نفسه و غرس
 لوقف اولم بنو وان بني او غرس
 و اشهد عليه كان له عطاء اؤن سبي
 عن الغرضي
 اوقف لبيع ولا يوجب كذا
 في عاصه الفتاوى عطاء اؤن
 و باقى المسئلة يفهم من انزل اولاد
 فصل ربيع اوراق

زیدک منصرف اولدنی وقف و کرمن خراب اولوب فرق سنه عرصه سی خایه قالوب
 بو مقدر زمان صاحب ارشد مفاطه و برماش اولسه صاحب ارشد اول و کرمن
 او چاغنی طاپو ایله و برکمه قادر اولورمی **اجواب اولور**

نوع خامس اجر مثل بیانده در اولدنی ایکی فصل
 او زربنه در فصل اول اجر مثل طلبی بیانده در

محلول اولان نارالاری منولی طرفه نقویضه و کس اولان زیدک محلول اولان بر نارالایه عمره
 رسم طاپوی مثلندن نقصان فاش اولدنی نقویضه ایله منولی وقف نقویضه فروری
 طویسوب اول نارالایه رسم طاپوی شلیله آخزه نقویضه قادر
 اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی فی الاراضی

فصل ثانی اجر مثل تکبیلی بیانده در

بروقف فریبک برسنده وقفه عانده اولین محصولانی منولی وقفه بر مقدر ارفی بر و بر و بر
 مفسطوخا اذن زید و آروپ اول فریبه ضبط ایندکه زمان ضبطن بلا و منولی اولان
 عمر و ک نصر فنده اولان اون بیک ارفی طاپوی مثل منولی اولان نارالاری بش بیک ارفی رسم طاپوی
 بکره و کسه حالازیک مدت انزانی تمام اولدقه منولی طرفه نقویضه و کس و مضابط اولان بشر اول
 نارالارک طاپوی مثلند و کین نقصانی بکره تکبیل و جی اوزره طلب ایله المنه
 قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی کذا

زیدک بلا ولد فوت اولوب نصر فنده اولان وقف نارالاری محلول اولدقه منولی وقف اول
 نارالاری طاپوی مثلندن نقصان فاش اولان رسم طاپوی ایله عمره و برش اولسه مال منور فروری
 عمره طاپوی مثلنی تکبیل ایله ایزر سن اول نارالاری بیکدن الوب آخزه
 و بررم و بیکه قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی

بروقف فریبک صوب شیبسی اولوب منولی وقف طرفه نقویضه محلولا نقویضه ما ذون اولان زید
 اول فریبه اخذده محلول اولان وقف نارالاری طاپوی مثلندن نقصان عمره نقویضه ایله بیکدن
 صکره منولی عمره اول نارالارک طاپوی مثلنی تکبیل ایله و آخزه و بررم
 و بیکه قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی

بو صورتده عمره اول نارالارک طاپوی مثلنی تکبیل ایله بکره منولی عمره ک اذخسه اول نارالاری
 عمره دون الوب بکره نقویضه ایله عمره طاپوی مثلنی تکبیل ایله اول نارالاری
 بکردن الوب ضبطه قادر اولورمی **اجواب اولور** کذا

وقی لاسل نوکسلی با ایبارده مطلقا
 اذ آبر ما غر و بان و بان آبر کات
 جازنه و لم بیک خلافا و من مشاینا
 من قال فدا قول بجینه فاعلی قولها
 لا یجوز الامارة الا بالذکر هم و انه یأمر
 و باجر المثل فی الامارة الا رضی فانه
 لو اجر شئی من ائماله لارشد تجوز
 عندهما من اذخسه و ابریه
 و بقولها یعنی بر و زید

والوصی ای علم ذمی انه باج بقیه من
 یسمع و اذخسه علی السبع و اذخسه
 الفساده کذا منولی الوقف اذ اجر
 الوقف ذمی انه یجوز باقیه من ابریه
 من العقیبه
 قلان بو آخرا ایبارده سمیحه فاعلی
 اذخسه و ابریه من اذخسه و ابریه
 به اذخسه علی الفندی

نارالاری

نوع سادس انزام و عزل و منترم
جدید بیک معارضه سی بیانده در

زیدک منولی اولدنی وقف فریبه شو قدر ارفی انزام ایله عمره و بر و بر اول فریبده
 محلول اولان نارالاری دخی نقویضه عمره و بر و بر ایتمکله عمره فریبه فروری ده بلا ولد فوت
 اولان بکره منولی طاپو اولان نارالاری طاپوی شلیله بکره ک لام فری فندی بشره نقویضه
 ایش اولسه مال منولی طوی تمام دیو اول نارالاری بشره الوب آخزه
 نقویضه قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی

زیدک منولی اولدنی وقف فریبک محصولانی اذخسه و قبضه و محلول اولان نارالاری نقویضه
 طرفه عمره و بر و بر ایتمکله عمره اول فریبده محلول اولان بر مقدر نارالایه طاپوی مثلندن
 نقصان اولدنی بکره نقویضه قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی

بروقف فریبه منولی زیدک طرفه ضبط و واقع اولان محلولا نقویضه و کس اولان عمره اول
 فریبه ارضی منولی محلول اولان بر نارالایه طاپوی شلیله بکره نقویضه ایله بکره زید فندی بشره
 نقویضه ایله عمره و بر و بر ک نقویضه نقویضه ایله عمره و بر و بر ک بجی فندی

زیدک منولی اولدنی وقف فریبه برسنده تمامه دکن انزام ایله عمره و بکره و بر و کده
 محلول اولان نارالاری نقویضه عمره و بکره و بکره ایتمکله بعد بر نارالایه محلول اولدند
 عمره اول نارالایه طاپو ایله بکره نقویضه ایله طویسوب طاپو ایله آخزه
 نقویضه قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی

زیدک منولی اولدنی وقف فریبک برسنده تمامه دکن ضبط ایله عمره و بکره و بکره و بکره
 اذن و بر ک دخی عمره و بکره ایتمکله بکره نقویضه ایله بکره نقویضه ایله بکره منصرف
 اولان بکره اول سنده نارالاری عمره و بکره ایتمکله فریغ و نقویضه ایله بکره
 بشره بند فندی اذن ال و بیکه قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی

زیدک انزامده اولان بروقف فریبده محلول اولان نارالاری نقویضه مامور اولدند
 اول نارالاری بدل شلیله زوج سی برسنده نقویضه ایله معبر
 اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی

بروقف ارضی منولی نارالار محلول اولدقه منولی زیدک طاپو ایله و بر و بر ک فندی منصرف
 ایله حالازیدک منولی معزول اولوب برنده عمره منولی اولدند اول نارالاری
 طاپو ایله و بر ک قادر اولورمی **اجواب اولور** بجی فندی فی الاراضی

وقی تواند صاحب الویضه منولی
 فریغ ایله و غیره منقول الامارات

وقی فندی اذ اجر الوقف من اذخسه
 او ایله لم بکره منولی
 اذ بکره منولی ایله ایله
 مع عندهما ایله ایله

وقی فندی انزام من صاحب ارشد
 و اذخسه من و کس و اذخسه
 اذخسه مال منولی من صاحب ارشد

وقی فندی ایله ایله ایله ایله
 ایله ایله ایله ایله ایله

وقی فندی مال منولی اذخسه
 ایله ایله ایله ایله ایله
 جامع الفصولین ۲۵۳

وقی فندی اذخسه ایله ایله
 من اذخسه ایله ایله ایله
 من اذخسه ایله ایله ایله
 به ایله ایله ایله

و کونینج الطریق و بینه و چهار تری
ه ان الطریق معلوم شود و چون و کونینج
بیج الخرز بجا یعنی حق المرد و غیره و بینه
من بیج مختارات النوازل اکتفی به
علی القدر فی بیج فی الطریق و باقی
القبول و بیج مختارات النوازل اکتفی به
لا یتفشی غیر مذر

و کونینج الفاسب من الارض بنا
و داخل بیجا خود و ما و غیره من بیج
منها و برسد ما بیجا بیجا من بیج
و باقی القبول و بیج مختارات النوازل اکتفی به
علی بطمان الاجاره الطریق

قال صاحب البحر لمن جعل بیج
الارض لا یتیره و نبت الزرع و دانت
الزراع بلا من ناستها صاحب الارض
فان حکم فی الزرع فاجتناب بیج الزرع
قیما خود و رشت و بیج صاحب الارض
اچوش بعد مدته اوارک کافی بیجا
اذا انقضت مدتها و الزرع بیجی فانه
ترک الی ان بیج کافی انما بیج
و خیر و قبیل المصلح

مقاطعه لی برده بر قاج گشته تک استعمال ایلدیکه طریقی خاصه بر مقدار بری منور گشته
زید و قف بر قاج اینه زیاده و بر برین دبوب مقدار مرقومی آوه اکیاف اینه کادرا و کور
اگرغبین فاحش اینه منصرف و کلار جبهه مدته اجاره تمام اولمدین
قادرا و لماز بعد التمام منصرف اینه کورک بناسی با اشجاری و اریه نظر
ایل و بر و یکین و بر یکت غیر بیج اولی اولور چوی زاده
زید بر و قفک او طه لر یکت اجاره سنی زیاده ایدوب بوزوب و کانر بنا ایدوب
منصرف ایکن حال استولی اولان عمر و کانی زید عمر المتی استدکه ه بن بونن مقاطعه ایل
منصرف در جو و کانر دون چقا سفته شرفا قادرا اولور ایدوب اولماز
بناسین بقدر بوب اسکی بنا یه نصیبین ایدر ابوالسعود
وقف بر منصرف ایدن زید تخمینی زرع اینه کد نصکره اوجنی کونن فوت اول اصلا
و ارنه قالیوب اول تخمذن حاصل اولان زید ک حصه سنی وقفی ضبط اولور
یونجه میر میر ایدوب ایدوب بیت المال قالور
بر وقف تار لایه منصرف اولان زید فوت اولوب اولوی ا کوری قالما سفته تار لایه سنی ایدوب
اولد قده متولی طلا پو ایدوب کرده و بر بوب ککن زید ک اول تار لایه زرع اولمش بذری اوله
فا عمر و اوارک ایدوبه تر قبضی ایدر یونجه بذک تخمینی و رنه سنه و بر بوب بری منصرفی ایدر
یونجه و رنه زمان اوارک ک اچوشل ارضی عمره و بر بوب بری منصرفی ایدر
ایکوب ایدر اوارک ایدوبه عمره و قرض ایدر غیر بیجی ایدوب فی ایدر
محصوسه وی اولان بر مد رسه ایشا سنه ده عمر و ک اوز زید ک بکره توجیه اینه ابتدا سنه
القاه پذیره اعتبار اولور ایدوب اولور و کونینج جبهه نامل
محصوسه وی اولان بر مد رسه زید مد رسه ایکن فوت اولد قد نصکره القاه پذیره اولور
مد رسه بکره توجیه اولنر حصاد واقع اولد قده زید ک و رنه سنی اول حصاد اخر حصه المنف
قادرا اولور ایدوب اولمازلر کذا اولور لر نظ فلیتأمل
خریج ارض مضایکه سنه انان عشر و رسم سنه اینه محصونسه محسوب اولور یونجه
سنه سابقه می ایدوب سنه سابقه به
زید ملک کار بر بنی فریده اولان و قفک کار بر بنی سنه ده ایشا اینه تقدیر بر ل و اذن متولی ک کافی
ایند کد نصکره زید بر قاج سنه مقاطعه منور به جانب وقفه و ایشا ماسه ماسه اول سنه کورک
مقاطعه سن و قبضه من زید عمر المنف قادرا اولور ایدوب اولور کذا

و منها امدت بیضانی الی قریب و انما و منها ما خرج بیضا من امدت
فی فتاواه انه لا یصرف بیج سنه فی سنه قبلها ال اخره
من اوسط وقف الخیریه

بر وقف فاکت کار کیم بنا لوب کار بزرگی عمر و ک سنه اینه کونن مورو ایدوب ککن مورو ایدوب اول کار بر
دلوب فاروب عمر و ک سنه کونن مورو ایدوب ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
قادرا اولور می ایدوب اولور و کونینج سنی اینه اجاره الطریق
مد قدیم مذور ایدوب اولونی بیلور ککنه اولوبه جواب اخر اول شهبدر ک
اولونی بیلور ککنه اولوبه ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق
بر وقف فریده ساکن اولان متوقدر نظر ذینلرک جزیه لری وقف حاصل قید و المنفقه متولی
وقف منور نظر باشنه هر بر بنی بر موجب امر و دفتر عقبین اولان جزیه لری بشبه بشبه طلب
ایند کده منور لر نظر باشنه جزیه و بر ما ز جمله باالی فریده کونن موقوفه
ال و یکده قادرا اولور می ایدوب اولمازلر ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

رسوم تکالیف

سلطان محمد خان اوقاف ذن اولان بر نصیبهم بلا وارث فوت اولنرک ترکه سنی وقف حاصل
قید اولنوب بودجه اوزر متولی قبض ایدوبه امر سلطان و بر لکد نصکره ایدوبه
زید بلا وارث فوت اولوب ترکه سنی متولی وقف اولان عمر و کونن اولان امر سلطان موجب
قبض مراد ایدوبه اینه بیت المال خلاف امر متولی بی منع ایدوب
کندی قبضه قادرا اولور ایدوب اولماز ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

بر وقف فریده ساکن اولوب وقف منور ک رعایا سنه اولان بر قاج ککنه لری فریده منور غیر فاقه
واروب عمر و ک سنه کونن مورو ایدوب ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
نقل ایدوبه ماسه سنه کونن مورو ایدوب ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
اول ککنه لری کندی فریده کونن مورو ک قادرا اولور ایدوب اولماز کذا

بر وقف فریده اولان قیونرک رسم اغنامی امر سلطان ایدوبه وقف منور به حاصل قید و المنفقه
اول قیونرک رسم سنی وقف منور متولی سنی زید بد نیت اولان امر سلطان موجب ایدوبه اینه کونن
میری رسم اغنامی جمعنه ماسه سنه اولان عمر و کونن مورو ایدوب ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
کندی المنفقه قادرا اولور می ایدوب اولماز ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

بزرگ رسوم جمعنه ماسه سنه اولان زید بزرگ طائفه سنه اولوب بر وقف فریده
ساکن اولان التی نظر ککنه لری طونوب خلاف امر و دفتر بزرگ رسمی نامنه هر بر بنی
بر وقف ایدوبه ماسه سنه اولان عمر و کونن مورو ایدوب ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
قادرا اولور می ایدوب اولور لر ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

قادرا اولور می ایدوب اولور لر ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

مد قدیم مالا یفظ الاقرات
عطا اینه من محیط البر اینه

کونن حش الاخذ السلطان
من فتاواه الزاده اینه فی العشره الطریق
اینه بر اینه ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
من اشجاری ایدوب

و علی الام ان جمیع حق بیج من کونن
بیت المال بیجا قبضه و اینه قبضه
بیج من کونن بیج حکما قبضه به
من بیج ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

و علی ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق
انظار اغنامی ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق
من غیره ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق
علی من غیره ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق
فضله عن شخص بودجه ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
عده اینه ماسه سنه کونن مورو ایدوب اول کار بزرگی اینه کونن
الانظم خیریه قبیل ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

من دفع شینا لبس یونجه علیه
نله کستره ایدوبه سنی اینه اجاره الطریق

توضیح در خصوص این کتاب که در کتابخانه جامع آستان قدس موجود است

بزرگوار حضرت بادشاه بزرگوار
اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
برای با طاهو اولوب اولوب اولوب
اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
تقدیر ایند که طاهو اولوب اولوب
انتقال بدر من قانون نامه
و اینست معجزه علی اویغ من کتبت
در اولاد است سلطان علی باوگر
من حکام اولوبی

قطعنامه از امیر تیمور پیا ننده در اولدنی بکری بیجا
باب و خانمه اوزرینه در اولوبی **باب** از امیر تیمور بیک
 اقربایه طاهو اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
 اوزرینه در **فصل اول** از امیر تیمور بیک اولوب اولوب
 یوغیب قزینه طاهو اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
 بلا اولد ذکر فوت اولان زیدک نصر فنده اولان نار لاسی مستحق طاهو اولوب اولوب
 المغه طاهو اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
 کندی المغه قادر اولورمی **اجواب** اولماز بجی افندی
 زید مستوفانک طاهو پستی اولان نار لاسی علی اولوب صاحب رضه طاهو اولوب
 زیدک قزلی عمر وک و بر وکی رسمی و بر وک نار لاسی عمر وک المغه
 قادره اولورمی **اجواب** اولور محمد بن سعد الدین
 زید مستوفانک نصر فنده اولان مضاطعه لوب برینی قزلی طاهو اولوب اولوب نصر فنده
 قادره اولورمی **اجواب** اولوب امر اولوب اولور اولوب اولوب
 بلا اولد ذکر فوت اولان زیدک مستحق طاهو اولوب اولوب نار لاسی مستحق طاهو
 زیدک قزلی همه اولوب زیدک لاسی اولوب اولوب اولوب اولوب
 خفق سنگد **اجواب** همه کدر عجبیم افندی
 زید از امیر تیمور بر مقدار بره طاهو اولوب نصر فنده اولوب اولوب اولوب
 قزلی همه ترک ایند که همه مبروره اول برده عمره مشارکه اولدنه
 قادره اولورمی **اجواب** اولماز عجبیم
 بلا اولد ذکر فوت اولان نار لاسی سپاهی زیدک صغیره قزلی همه کدر و صیسی عمره طاهو اولوب
 ایور دیون کلکلیف ایند که عمر وک قدرتم بود دیور دیور سپاهی همه کدر طاهو اولوب
 و بر وک نصر فنده عمر وک قدرتم و در و بر وک بر وک اول نار لاسی همه کدر
 ایور که قادر اولورمی **اجواب** اولور بجی افندی
 بلا اولد ذکر فوت اولان زیدک نصر فنده اولوب اولوب سپاهی زیدک
 قزلی همه ایل و بر وکی رسم طاهو اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
 سارا ملک کبی از اولوب انتقال اید بر طاهو اولوب المغه امتناع ایند که سپاهی اولوب
 عمره طاهو اولوب و بر وک قادر اولورمی **اجواب** اولور بجی افندی

اولوب منی ان باخذ المذبح للمصفر
ان کانت نافعته بالزسم و بالذات
قدر ما یدفعه الایجنی من حکام
الاراضی

زید وفات ایند که اولاد نکوری اولما مغله منصرف اولدنی نار لاسی مستحق
 طاهو اولوب مغله سپاهی اجنبی اولان عمره طاهو اولوب و بر وک اولوب
 آخر دیارده اولان همه بدی سنه هر و زید نصر فنده اول نار لاسی مستحق طاهو
 بنده و بر وک رسم طاهو و بر وک اول نار لاسی مستحق
 المغه قادره اولورمی **اجواب** اولور بجی افندی
 بلا اولد ذکر فوت اولان زیدک مستحق طاهو اولوب نار لاسی مستحق قزلی همه کدر
 صاحب رضه طاهو اولوب المش اولوب لرحاله زیدک آخر قزلی خدیجه و عایشه اولوب
 بکدرین همه و زیدک و بر وک بیک نصفی و بر وک اول نار لاسی
 نصفی همه و زیدک لوب منبسطه قادره اولورمی
اجواب اولور عجبیم افندی
 بلا اولد ذکر فوت اولان نار لاسی مستحق طاهو اولوب نار لاسی مستحق قزلی همه کدر
 اولوب صاحب رضه طاهو اولوب تقویض ایش اولوب صغیره لربالغه اولوب
 بعد ایلوغ اولوب همه کدر طاهو اولوب مثلنی و بر وک اول نار لاسی
 المغه قادره اولورمی **اجواب** اولور عجبیم افندی
 زید فوت اولوب صغیره قزلی همه کدر ترک ایند که زیدک مستحق طاهو اولوب نار لاسی مستحق
 و صیسی عمره اولوب مغله امتناع و همه کدر مستحق طاهو اولوب بعد صاحب رضه
 بکره و بر وک حاله همه کدر اولد قس بکره و بر وک اول نار لاسی
 بکردن المغه قادره اولورمی **اجواب** اولور عجبیم
 زید فوت اولوب قزلی همه کدر و زیدک و خدیجه بکره ترک ایدوب زیدک مستحق طاهو اولوب
 نار لاسی سپاهی با لکه همه کدر و زیدک تقویض ایش اولوب صغیره اولوب همه کدر
 و زیدک و بر وک بیک مثلنی و بر وک اول نار لاسی مستحق طاهو
 مشارکه قادره اولورمی **اجواب** اولور عجبیم
 بلا اولد ذکر فوت اولان زیدک نصر فنده اولان نار لاسی مستحق طاهو اولوب صغیره
 بو مغله سپاهی اول نار لاسی عمره اجنبی به و بر وک اولوب زیدک قزلی همه کدر
 بالغه اولد نصر فنده اولوب سکوت ایدوب طاهو اولوب المغه طاهو اولوب اولوب
 حال طاهو لوب عمر وک و بر وک و بر وک المغه قادره
 اولورمی **اجواب** اولمازل بجی افندی

توضیح در خصوص این کتاب که در کتابخانه جامع آستان قدس موجود است

مصدق که برای آن خود و بر وک
اولوب همه کدر اولور من قانون نامه

و اولوب اسقط الوسی من المغه من زید
او بیام سواد کانا و کور و اولوب
صاحب رضه لربالغه طاهو
مغله کانی شرح المغه و حکام اولوب

بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک سستی طاپو اولان نار لاری زیدک اخر قریه ساکنه اولان
 قزلی سند وزینب طاپو ایله المنه طاپو ایله لاریکن سپاهی انزه و بریبوب زیدک
 قریه سی ایله سند و بریکه قادر اولور ایجاب اولماز بحیثی
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک سستی طاپو اولان نار لاری قزلی سند صغیره بولمنغله
 سپاهی طاپو ایله عروه نفویض ایله کد نضکره سندک و صیسی اولان زینب سند بالفه اولمین
 سندک ماله ز طاپوی مثلنی سپاهی بر و بریبوب و صایه صغیره ایچون عروون الوب
 ضبط مراد ایله کده عروه سپاهی بر و بریبوب ایچره بریبوبه ضبط
 ایترم و بریکه قادر اولور ایجاب اولماز
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک سستی طاپو اولان نار لاری صغیره قزلی سندک و صیسی
 اولان والده سی زینب سند ایسور مک نافع اولغله سندک ماله ز رسم طاپوی مثلنی
 صاحب ارمنه و بریبوب سند ایچون نفویض ایله بریبوب کد نضکره سند فوت اولوب
 اول نار لاری صاحب ارمنه اخره نفویض ایله کده سندک درته سی زینبک رسم طاپو
 صاحب ارمنه سندک ماله ز بریبوب ایچره دن حصه لرینی زینب نفیض
 قادر اولور ایجاب اولماز بحیثی
 نسبی مناسبتی ایله ایچون نفویض ایله سپاهی اولور لاری بنا
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک نصر فنده اولان بر لری طاپو سستی اولد قده صاحب
 اولان عروه زیدک بر لری طاپو ایله اجانبیدن بکره و بریبوب بعده زیدک قزلی سند
 ایل و بریبوب رسم طاپو ایله صاحب ارمنه و بریبوب اول بر لری المش اوله حال بکر
 رسم طاپو ایله و بریبوب ایچره عروون طلب ایتمیوب سند طلب
 و افنده قادر اولور ایجاب اولماز بحیثی
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک نار لاری سپاهی زیدک قزلی سند وزینب صغیره
 اولغله عروه اجنبی بر طاپو ایله و بریبوب بعده سند بالفه و بعده فوت اولوب بعده
 زینب دخی بالفه اولوب عروونک و بریبوب جمله و بریبوب عروون اول نار لایله افند مراد
 ایله کده عروه زینب زید فوت اولد قده سن و قز قزدا شک سند قالوب بعده قزدا شک
 سند فوت اولغله سن ایچون بنم و بریبوبک سند نصفنی و بریبوب نار لایله
 نصفنی الور سن و بریبوب جمله سستی و بریبوب قادر
 اولور ایجاب اولماز بحیثی

زیدک بلا ولد ذکر فوت اولد قده قزلی سند صغیره اولغله نار لاری صاحب ارمنه طاپو ایله عروه و بریبوب
 عروه دخی نصرف او زره ایکن سند بالفه اولوب حق طاپو کد نضکره اولغله نار لایله طاپو ایله اولد قده
 عروه سند و بریبوب نار لایله نفس ایترم ایله ایکن ایچون باک شومعه زینب و بریبوب
 سند نفس ایچون بر سنه المنه قادر اولور ایجاب اولماز بحیثی
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک نصر فنده اولان بر لری صغیره قزلی سندک و صیسی صاحب ارمنه
 اولان عروه سند ایچون ایسور کد نضکره عروه اول بر لری کد نضکره ایچون عروه اولوب اخره
 نفویض ایله طاپو سند بالفه اولد قده اول بر لری و صیسی کد نضکره ایچون طاپو ایله ایسور و صیسی
 اثبات ایله بیک اول نار لاری نفویض ایکن کد نضکره کد نضکره
 المنه قادر اولور ایجاب اولور بحیثی
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک نار لاری سستی قزلی سند طاپو ایله المار حه مقدم سند نفی فوت اولوب
 بعده زیدک لایون قز قزدا نشی اولوب اول نار لایله ایچون جمله ساکنه اولان زینب طاپو ایله
 افند مراد ایله کده صاحب ارمنه زینب و بریبوب اناسی خدیجه بر و بریکه قادر
 اولور ایجاب صاحب ارمنه کد نضکره و بریبوب بحیثی
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک نصر فنده اولان نار لاری سستی طاپو اولد قده زیدک قزلی سند
 طاپو ایله سستی المنه طاپو ایله ایکن سپاهی اجانب شوقه زینب و بریبوب سند دخی اولد قده زیدک و بریبوب
 و بریبوب و بریکه قادر اولور ایجاب اولماز
 بر نار لایله طاپو ایله نصر فنده اولان زید فوت اولد قده حامل زوجه سی سندک ترک ایتمیش بکن
 صاحب ارمنه زیدک نار لاری سستی طاپو ایله عروه و بریبوب بعده زمان سند زینب تولد ایله و بریبوب
 بالفه اولد قده نضکره حق طاپو ایله و بریبوب عروه و بریبوب اول نار لایله عروه افند مراد ایله کده
 عروه باک زید فوت اولد قده سن متولده اولما مغلک سستی ایچون حق طاپو ایله
 و بریبوب امشاه قادر اولور ایجاب اولماز بحیثی
 زیدک متولده طاپو ایله ولدی قلمیوب زوجه سی سند حامله ترک ایله کده نصر فنده اولان نار لاری
 عروه سپاهی بکره طاپو ایله و بریبوب بعده عروه معزول و بریبوب سپاهی اولد قده سند ولد نشی وضع
 ایله حال ایله حال شعبین اولمین عروه کد و بریبوب معتبره کلدر اوغلا طاپو ایله نار لاری سستی طاپو
 اولماز ایله قز طاپو ایله طاپو ایله استخفاف بنم زمانه شعبین اولدی طاپو ایله
 و بریبوب باک و بریبوب اول نار لاری طاپو ایله و بریبوب
 قادر اولور ایجاب اولماز بحیثی

بیرض کد نضکره بریبوب رسم نفیض
 ایله لر سپاهی افی الور زیدک
 ایله زینب و بریبوب ایله زینب و بریبوب
 فرمان اولغله و قانون جدی
 سن قانون نامه

زید فوت اولوب زوجه سی باشد عالی و قزلی زینب و فدیجه ترک است که
 باشد وضع حمل ایندین صاحب مرض زیدک تار لارینی طاهویه و برکه
 قادر اولور می **اجواب اولماز عجم افندی**
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک تار لاری سستی طاهویه اولد قده صغیره قزی است که
 و صیسی عمر و صغیره نکست اجدسی اولما منفله بگردن بر مقدار اربعه فرض اولوب
 اول بر لری سپاهیدن طاهویه صغیره ابو بروب بعد بگردن اول اجدیه
 عمر و دن طلب است که عمر و آید قادر اولمچین اول بر لری سپاه ای ذیل
 آخره بر مقدار اربعه بدل مضایقه سنده نفویض ایدوب
 بدل نفویض دین مرقوم ایچون و برکه قادر
 اولور می **اجواب اولماز عجم افندی**
 زیدک سپاهینک بیماری قریب سنده بلا ولد ذکر فوت اولان عمر و ک سستی طاهویه اولان
 تار لارینی عمر و ک قزی است طاهویه مشایقه منفله ایچون زیدک که و بر سوب کندی
 ضبط و زراعت اوزر ایچون زید فوت اولوب اول بیمار بکره توجیه اولد قده نصیره اول
 تار لاری عمر و ک مخلولیم قزی است و بر سوب ایچون بشره نفویض ایدوب
 اون سنده مرد و بر سوبین طاهویه مشایقه و بروب اول تار لاری
 بشره منفله قادر اولور **اجواب اولور**
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک سستی طاهویه اولان تار لاری صاحب مرض اولان عمر و
 زیدک صغیره قزی است که و صیسی اولان بکره طاهویه عرض اید که بکره مشایقه و اسقاط
 ایتمکله شوقدر بیگ اجدیه طاهویه بشره نفویض ایدوب بعد بگردن اولوب برینه
 ولید و صیسی اولد قده مرقوم صغیره بد نافع اولمنفله است که مالندن طاهویه مشایقه
 صاحب مرض اولان خالده و بروب اول تار لاری صغیره ایچون بشره اولوب
 ضبط اید که بشره رسم طاهویه نامنه و بروبکی اجدیه منفله صاحب مرض
 اولان عمر و دیمی طلب اید بر سوب است که و صیسی اولان
 ولیدیمی طلب اید **اجواب اولور عجم افندی**
 است فوت اولد قده قزی زینب است که تار لارینی طره نفویض ایدوب سپاه اولان
 بشره دخی نفویض مرقوم اذن و بر سه خالاسپاه ایچون قادر
 اولور می **اجواب اولماز عجم افندی**

فصل پنجم

فصل شانزدهم قزی بوغیسه لاب از قزداشته
 طاهویه منفله عالی است که در
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک سستی طاهویه اولان تار لارینی سپاه زیدک بابا ای
 عمر و طاهویه در مشایقه اولسه حاله زیدک لابون از قزداشته بگردن طاهویه بند و برو
 عمر و ک و برو بکینی و بروب اول تار لاری عمر و دن منفله
 قادر اولور می **اجواب اولور عجم افندی**
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک تار لاری سستی طاهویه اولد قده لابون قزداشته عمر و طاهویه
 المنی مراد است که قزداشته است دین الموم و بکره قادر
 اولور می **اجواب اولماز عجم افندی**
 حق طاهویه لابون از قزداشته اید لاب از قزداشته بر ابر بر سوب بر سوب لابون
 منفله مبر **اجواب اولور عجم افندی**
 زید فوت اولوب لابون از قزداشته عمر و ک و لام از قزداشته بگردن سستی ترک ایچون
 زید اید مرقوم عمر و ک علی الاشتهر اک السنوی تار لاری دن حصه سستی مرقوم قزداشته
 طاهویه منفله قادر اولور **اجواب اولور عجم افندی**
 زید لابون قزداشته عمر و اید مشایقه و مشایقه تار لاری مشایقه ایچون زید بلا ولد فوت
 اولوب حصه سستی سستی طاهویه اولد قده زیدک اول تار لاری حصه سستی سستی طاهویه زیدک
 قزداشته عمر و مرقوم اید اول محله ساکنه لابون قزداشته است دون
 قزداشته **اجواب اولور عجم افندی**
 زید قزداشته عمر و اید مشایقه اک اوزر بر مقدار تار لاری مشایقه ایچون زید بلا ولد
 فوت اولد قده عمر و خود بارده بولمنفله صاحب مرض زیدک حصه سستی اخضر بکره
 نفویض ایدوب بعد اون بس سنده مرد زید عمر و دیار نه کلده که زیدک حصه سستی
 خلیط و مشایقه و منفله و برو بکینی و بروب بگردن
 المنی قادر اولور می **اجواب اولور**
 بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک سستی طاهویه اولان تار لاری لابون از قزداشته عمر و صغیره
 بولمنفله صاحب مرض طاهویه بکره نفویض است که نصیره عمر و بالغ اولوب بعد ایبلنج
 اون سنده بگردن بگردن و برو بکینی و بروب اول تار لاری بکره اولوب
 ضبطه قادر اولور **اجواب اولور عجم افندی**

از منتهی امیرتیه تصرف اید و عمر و ک برکی
 فوت اولوب از منتهی قزداشته
 بابا بر از قزداشته تار لاری سستی مرقوم
 بر لری سستی مرقوم از قزداشته
 رسم طاهویه بابا بر از قزداشته
 و بر سوب آخره و بر سوب قزداشته
 و طاهویه مرقوم لابون قزداشته
 لاب قزداشته ایچون سستی مرقوم
 قزداشته ذوالفقارین و رجو سستی
 اولماز بر سوب ایچون و کلدرین تار لاری

ایچون اید و مرقوم و ایشان قزداشته
 و ایشان کت و ایشان قزداشته
 مرقوم و ایشان مرقوم و ایشان

زید فوت اولوب نصر فنده اولان نارالاری سخی طابو اولد قده زیدک لاب فرزنداشی
 عمر اول نارالاری طابو اولد المغه طابو ایکن سهاهی اگر و بر مویه لابون
 فرزنداشی شریه و بر مکه قادر او کور **اجواب اولماز عجبیم**
 هندی فرزنداشی زید اولد اشترک سوی اوزر نارالاره منصرف ایکن فوت اولوب نارالاره
 حصه سی سخی طابو اولد قده صاحب ارمن هندی حصه سی اجانبیدن عمره نفویض
 ایندکد نصکره زید فوت اولوب نارالاره حصه سی اوغلی بکره امسال ایندکده بکره شریک و غلیط
 و بر مویه هندی فوت شد بکره سینه کجین عمر وک و بر مویه و بر مویه هندی حصه سی
 عمر دون المغه قادر او کور **اجواب اولور عجبیم**
 بلا ولد فوت اولان زیدک نارالاره حصه سی طابو لابون فرزنداشی عمر و اولد اول محله
 ساکنه لر لابون فرزنداشی هندی و زید فنده قفسنگدر
اجواب اولور عجبیم
 بلا ولد فوت اولان زیدک سخی طابو اولان نارالارین زیدک لابون فرزنداشی عمر و منصرف
 سهاهی اول نارالاری طابو اولد بکره نفویض ایندکد نصکره حاله عمر وک و صیسی بشه صغیره
 نافع اولد اول نارالارک طابو مشتی سهاهی به و بر مویه بعد و بر مویه اول نارالاری
 صغیره ایچون بکردن الوب منبسط مراد ایندکده بکرین اول نارالار ایچون
 سهاهی به شو مقدار آنچه و بر مویه اول آنچه به و بر مویه و بر مویه
 و بکره قادر او کور **اجواب اولماز عجبیم**
 فوت اولان زیدک اولادی قالمیوب تحت نصر فنده اولان بر لری سخی طابو اولد قده
 صاحب ارمن اولان عمر و زیدک فرزنداشی بکره طابو اولد و بر مویه اسندکده بکره قبول ایچیب
 بن فرزند ایندم و آر کیمه و بر مویه و بر مویه نصکره و کرا اولنایر لری سکره بیل عمر وک پنده
 طور و بر مویه بعد بشه طابو اولد و بر مویه بکرین ایچون و بر مویه و بر مویه و بر مویه
 بر لری بشردن المغه قادر او کور **اجواب اولماز عجبیم**
 بلا ولد فوت اولان زیدک نارالارین لابون فرزنداشی عمر و صغیره ک و صیسی طابو اولد
 عمر و ایچون ایچون مکنه ابا و امشاع ایندکد نصکره صاحب ارمن بکره طابو اولد نفویض
 ایسه بعد بکر فوت اولوب نارالاره اوغلی بشه انتقال ایندکده عمر و بالغ اولوب
 حق طابو بنمدر و بر مویه اول نارالاری طابو مشتی صاحب ارمنه و بر مویه بشره
 المغه قادر او کور **اجواب اولور عجبیم**

و ایکن فی ناری سیطیل بالترک
 و الا عرض و طبعه الفانون السلطان
 حکام الارامی
 و فی الاشیاء ات الساقط
 لا یعود

بلا ولد فوت اولان زیدک سخی طابو اولان نارالارین و چار لری لابون فرزنداشی عمر و صغیره
 و صیسی اولان و آلد سی اسند صغیره نافع اولد مغه عمر و ایچون صاحب ارمن طابو اولد مشتی
 و برای حاکمه نفویض ایدوب رسم طابو سنی عمر وک مانده و بر مویه اولد بعد عمر و بر مویه
 فوت اولوب اول نارالاره و چار لری محلول اولد قده سهاهی اخره نفویض ابر طابو عمر وک
 سار و بر مویه هندی رسم طابو ایچون و بر مویه ایچون به طو نماز و بر مویه هندی
 هندی نصینه قادر او کور **اجواب اولماز عجبیم**
 زید فوت اولوب لابون ار فرزنداشی عمر و بکره اولد لاب ار فرزنداشی خالد و بر مویه
 ترک ایچکده زیدک سخی طابو اولان نارالارنده عمر و بکره و خالد و بر مویه ایچون
 علی السویه حق طابو و آریسدر **اجواب اولور**
 بو صورتده عمر و بکره لابون اولد مغه باکرا ایچون طابو لر زیدوب خالد و بر مویه طابو اولد
 مشه قادر او کور لر می **اجواب اولماز عجبیم**
 زید فوت اولوب اوغلی عمر و صغیره ایچون فرزنداشی هندی صغیره به ترک ایندکد نصکره عمر و فرزند
 اولد هندی زیدک نصر فنده اولان بر لری ایچون و بر مویه رسم طابو ایچون و بر مویه
 المغه قادر او کور **اجواب اولور** اولد در حاکم افندی
 زید فرزنداشی عمر و ایچون مشه فخر فخر قطع نارالاره منصرف ایکن زید فوت اولوب حصه سی
 سخی طابو اولد مغه صاحب ارمن اجانبیدن بکره سوا منعه ایدوب رسم طابو ایچون مشتی
 زیاده رسم ایچون و بر مویه اولد فاله زیدک شریک لابون فرزنداشی اولان عمر و
 رسم طابو مشتی بکره و بر مویه بکردن اول حصه به المغه
 قادر او کور لر می **اجواب اولور** عجبی افندی
 زید عمر و ایچون اشترک اوزره بر نارالاره منصرف ایکن زید بلا ولد فوت اولوب اول نارالاره
 حصه سی سخی طابو اولد قده زیدک لابون ار فرزنداشی بکره حصه زیددی طابو اولد
 امشاع ایندکد نصکره اول حصه به عمر و طابو ایچون مشتی المغه طابو ایچون
 صاحب ارمن اخره و بر مویه قادر او کور **اجواب اولماز عجبیم**
 فرزنداشی اولان زید و عمر و نارالاره اشترک اوزر منصرف ایکن صاحب ارمن معر قیلد
 خارجدن بکره نفویض و تسلیم ایچون کلزنده زید و عمر وک فرزنداشی هندی نفویض بنمدر
 اخره الدریم و بر مویه بکره و بر مویه بکردن اول نارالاره بکردن
 المغه قادر او کور لر می **اجواب اولماز**

بلا ولد فوت اولان زیدک سخی طاپو اولان نارلارینی چهار لرینی لابون ارزنداشی مرد
صغیرک والده سی و صیسی اولان هند صغیرک مالندن سپاهی بی شوقه راجه و پروب
اول نارلاری و چهار لری عمر و پچوم ایوبورد که نضکره برسنه مرد زنده صغیر فرزند فوت اولوب
نارلاری و چهار لری سپاهی آخوه تقویض بر طالع عمر وک و ارشوی هندک بدل تقویض نامه
دبر و یکی آخیره هند صغیر تقویض و آخوه قادر اولور **اجواب اولماز**

سپاهیدن اولور **سختی آخوی بختیم خدی**

بلا ولد فوت اولان زیدک سخی طاپو اولان نارلارینی لابون ارزنداشی مرد فوتی
صاحب ارشدن طاپو ملدین شرف اسلامه مشرف اولد قده نضکره اول نارلارک
طاپوی مشلنی و پروب صاحب ارشدن المق استد که صاحب ارش
سن سلمان اولدک دیوب اکه دبر میوب اجانبندم آخوه
دبر مکه قادر اولور **اجواب اولماز**

فصل ثالث بابا بر ارزنداشی بوغیر اول مخلصه

ساکنه فرزنداشنه طاپو اولد انتقالی بیانده در

زید متوفی کت نصر خنده اولوب ارشعی امیر تیجه اولان نارلارین سپاهی اولان عمر و خیره تقویض
ایندک نضکره لابون فرزنداشی هند ایل و دبر و یکی ایله ذکر اولت نام نارلاری المغه قادر
اولور **اجواب اولد امر و اریسه اولور ذکر با خدی**

بلا ولد فوت اولوب بر لری سخی طاپو اولان زیدک اول بر لرین لابون هر شیریه اولوب
اول بر لرک اولد یعنی محله ساکنه اولان هند ایل و دبر و یکی طاپو ایله المغه رانجه ایکین
سپاهی هنده و بر میوب آخون بکره و پروب بکر نواع ایله بدی سنده نصر ف ایله هند
بکره و دبر و یکی رسم طاپوی و پروب اول بر لری بکره المغه قادره

اولور **اجواب اولور بختی خدی**

زید بلا ولد فوت اولد قده لابون فرزنداشی هند صغیره اول مغه نصر خنده اولوب سخی طاپو
اولان بر لرینی اجانبندن بکر سپاهیدن طاپو ایله المش اول هند بالغه اولد قده
بکرک و دبر و یکی رسم طاپوی و زربنه زاید دلب فرنداشیم بر دبر و اول بر لرک
بدندن المغه قادره اولور **اجواب اول محله ساکنه فرزنداشی صغیره**
اوله بعد البلیغ اولور جواب آخوه هندک قراری
اول بر لر اولان محله بختیم اولور **بختی خدی**

اولی و قرنی و بابا بر ارزنداشی خدی
متر کت مملول اولان بر لری بودک
اوزنده او توران فرزنداشنه
طاپو ایله دبر مکه بیکه ان برضام
شرفیکه خیر سنده زمان اولمشدر
درت بخت سنده بکرک و بر میوب زباده
بختی اولور من قادر نام

زید سخی اوغلی عمر و ایله استرک اوزره متصرف اولد قلی نارلاری زیدک دفاند نضکره
سختی طاپو اولد قده زیدک لابون فرزنداشی اولوب اول نارلارک اولد یعنی
مخلده ساکنه اولان هند ایله زینب ایل و دبر و یکی رسم طاپوی و پروب زیدک اول
نارلارون حصه سخی طاپو ایله المق حرا دایند کلر نصح عمر و بن شکریم دیوب
مزبورده لره الدر ما مغه قادر اولور **اجواب اولماز شکریم**

بختی اجانبندن تقدیم اولور **بختی خدی**

زید صغیره بابا سی عمر و متوفان انتقال ایتم نارلایه صغیرک و صیسی معرفت صاحب ارشد
بکره تقویض ایسه بعد صغیره بالغ اولدین فوت اولد قده صغیرک لابون فرزنداشی
اولوب اول نارلایه یعنی مخلده ساکنه اولان هند بکرک و دبر و یکی و پروب

اول نارلایه المغه قادره اولور **اجواب اولور بختی خدی**

بلا ولد فوت اولان زیدک سخی طاپو اولان نارلارینی زیدک اول محله ساکنه
لابون فرزنداشی هند طاپوی مشیلد المغه طالیه ایکین صاحب ارش اگر دبر میوب
اجانبندم بکره شوقه راجه طاپوی مشیلد و برشش اولسه حاله هند اون سنه
مردو ایتمدین بکرک و دبر و یکی و پروب نارلاری بکره المغه

قادره اولور **اجواب اولور بختیم**

بلا ولد فوت اولان زیدک سخی طاپو اولان نارلارین اول محله ساکنه لابون فرزنداشی
هند طاپو ایله اولد قده نضکره زیدک آخه محله ساکنه اولان لابون فرزنداشی زینب
هندک و دبر و یکیک نصفتی و پروب اول نارلارده هنده شکریم

اول مغه قادره اولور **اجواب اولماز بختیم**

بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک سخی طاپو اولان نارلار نصح اولد یعنی محله ساکنه
لابون فرزنداشی هند ایله لابون عمی عمر و دن سخی طاپو
قنف تنگدر **اجواب هند کدر**

زید متوفان صغیره اوغلی عمر وده انتقال ایتم نارلاری صغیرک والده سی و صیسی
اولان هند اذن صاحب ارشد بکره فراغ ایندک نضکره عمر و قبل البلیغ فوت
اولسه حاله عمر وک اول محله ساکنه اولان فرزنداشی زینب طاپوی مشلنی
سپاهی بی و پروب اول نارلاری بکره المغه
قادره اولور **اجواب اولور بختیم خدی**

قادره اولور **اجواب اولور بختیم خدی**

بر قصبه ده ساکن اولاد زید بلا ولد فوت اولوب اول قصبه بر ریح ساعت بعدی اولاد
 نار لاری سخی طاپو اولد قده اول قصبه ده ساکن اولاد لابون قز قزداشی هند اول
 نار لاری طاپوی مشیلد المغه طاپو ایکن سپاهی مجرد سن زراعت اولن نام نار لاری
 اوزرنده وکلمین دیوینده و بر میسب زیدک والد کسنه و بر مکه
 قادر اولور می **اجواب اولماز عجبیم**

زید فوت اولوب نار لاری اولد بغنی محله ساکنه لابون قز قزداشی هند ی ترک
 ایدکد نصره سپاهی زیدک نار لاری بکره طاپو ایله و بر و ب بعده هند واقعه
 اولد قده بن اول نار لاری حق طاپو ایله اسقاط ایدم باکه نار لاری لازم دکلد ر دیسه
 حالا هند نادمه اولوب بکرک و بر دیکنی و بر و اول نار لاری المغه
 قادر اولور می **اجواب اولماز عجبیم**

زید بلا ولد فوت اولوب نار لاری سخی طاپو اولد قده زیدک لاب قز قزداشی
 اولوب نار لاری اولد بغنی محله ساکنه اولاد هند طاپو ایله المن مراد ایدکده والد
 زینب حق طاپو بومدر جو هند ی منع ایدوب کند ی المغه
 قادر اولور می **اجواب اولماز بجی اشدی**

زید عمر و ایله بیشتر اک اوزره نار لاری منصرفه ایکن زید بلا ولد ذکر فوت اولوب زیدک قز قزداشی
 زیدک حصه سخی المدین هند بغنی فوت اولد صاحب ارض زیدک حصه سخی عمره و بر مکه
 زیدک اول نار لاری اولد بغنی محله ساکنه لاب قز قزداشی زینب مجرد زیدک قز قز
 طاپو ایله المغه بن عمره نصره اخق اولور دم هند المدین فوت اولد عمره و بر مکه
 بن الورم دیکه قادر اولور **اجواب اولماز عجبیم**

بلا ولد فوت اولاد زیدک سخی طاپو اولان نار لاری بن اول محله ساکنه لابون قز قزداشی
 هند صغیر و بولمنغله سپاهی اولاد عمره شو مقدار طاپو ایله بکره و بر و ب بکر نصره اوزره
 ایکن عمره معزول اولوب بشر سپاهی اولد قده هند بالغه اولوب بش سنه مرور ایدم
 بشره بر مقدار آتی و بر و ب بدینه نمسک الد قد نصره اول نار لاری بکره
 الوب منبسطه قاده اولور **اجواب اولور**

بلا ولد هند بدینه نمسک الوب اول نار لاری بکره الوب منبسطه مراد ایدکده
 بکر بن عمره سپاهی بن اون بشبیک آتی و بر و ب المشیدم اون بشبیک آتی
 و بر ماد کجه و بر م دیکه قادر اولور **اجواب اولماز**

درستی فی الامراضی بطل بازرگ
 والا عرض و غیره انما نوزن سلفه
 و فی کوشباده ان السلفه لا بعدد
 و حکام الامراضی

زید فوت اولوب جنون مطبق ایله جنون اولاد لابون ار قز قزداشی عمروی و لابون قز قزداشی
 زینب ترک ایدکده زیدک نار لاری بنی عمره و صیسی طاپو لغدن امتناع اتمکله صاحب ارض
 زینب و بر و ب بعده اون بش سنه مرور ایدوب عمره و افاقت بولماسه حاله عمره و صیسی عمره
 نافع اولد مغه و بر دیکنی و بر و ب اول نار لاری عمره و بچون زینبند المغه قادر
 اولور می **اجواب امر عالی اولیق اولور عجبیم**

فصل رابع اول محله ساکنه قز قزداشی بوغیه
 مستوفانک با باسنه انتقالی بیاننده در

مستوفانک اوغلی و قزی و با با بر از قز قزداشی و بور دی اوزرنده قز قزداشی اولما بغنی زمانده
 حق طاپو با بسکک و لمسی خصوص ی بیک اون بدی ذی القعد سکنک اون بشبکی کوف
 توفیقی معلم زاده کونست فرمان اولمش در قانوند

بلا ولد فوت اولاد زیدک نار لاری سخی طاپو اولد قده اناسی هند طاپو ایله المغه طاپو ایکن
 با با سخی عمره و هنده الدر صوب طاپو ایله کند ی المغه شرفا قادر
 اولور می **اجواب اولور بجی اشدی**

زید بلا ولد فوت اولوب نصر قنده اولان نار لاری سخی طاپو اولد قده زیدک با با عمره و ایله
 لام قز قزداشی بکره حق طاپو قنفسکدر **اجواب عمره و بر مکه عجبیم**

فصل خامس با با سخی بوغیه اناسنه
 طاپو ایله انتقالی بیاننده در

مستوفانک اوغلی و قزی و با با بر از قز قزداشی و بور دی اوزرنده ساکنه قز قزداشی اولما بغنی زمانده
 حق طاپو با بسکک اولوب بوغیه اناسکک و لمسی خصوص ی بیک اون بدی ذی القعد سکنک
 اون بشبکی کون توفیقی معلم زاده کوننده فرمان اولمش در قانوند

بلا ولد فوت ایدن زیدک سخی طاپو اولاد نار لاری بنی ابن و بر دیک رسم طاپو ایله والد سخی
 هند المغه طاپو ایکن صاحب ارض هنده و بر مکه عمره و اجنبی به و بر مکه
 قادر اولور می **اجواب اولماز بجی اشدی**

بلا ولد مستوفی اولاد زیدک نصر قنده اولاد نار لاری بنی والد سخی هند ابن و بر دیک رسم طاپو ایله
 صاحب ارضه المن مراد ایدکده سپاهی اولوجه اوزر توفیق راضی اولیسه هر دو سنم
 با سینه شو مقدار آتی و بر ما بچه توفیق ایتام دیکه قادر

اولور می **اجواب اولماز بجی اشدی**

مستوفانک اوغلی و قزی و با با بر از
 قز قزداشی و بور دی اوزرنده ساکنه
 قز قزداشی بوغیه حق طاپو ایکن
 با با سخی بوغیه والد سکنک
 عجبیم

بلا ولد فوت اولان زیدک نار لاسی سستی طاهو اولد قده حق طاهو اولد سی هند کبدر
 بوخته لاب قرنداشی عمر و کبدر **اجواب** عمر کدر بجی قندی

بلا ولد فوت اولان زیدک سستی طاهو اولان نار لاسی والده سی اولوب حق طاهو صاحبه سی
 اولان هند طاهوی شکیلده المغه طاهو لیکین صاحب ارض اخرون بکر و بشره نفویض ابله
 حاله هند اون سنه کجبدین بر و کلرین بر و رب اول نار لاری بکر و بشره
 المغه قادر اولور می **اجواب** اولور **عجلیم قندی**

بلا ولد فوت اولان زیدک نار لاسی صاحب ارض اخرون عمر و نفویض ابله طاهو زیدک والده سی
 اولوب حق طاهو صاحبه سی اولان هند اون سنه کجبدین عمر و کدر و بر و کینی صاحب ارضه و بر و
 اول نار لاری عمر و ون المغه قادره اوکور **اجواب** اولور

بو صورتده هند عمر و کدر و بر و کینی صاحب ارض اولان بر و رب اول نار لاری نفویض
 ابله کدر نصکره عمر و ون اول نار لاری مقدمات نفویض ابله بکده صاحب ارضه شوقدر اقله
 و بر شیدم مبلغ مزبور سی سندن الما بنجه نار لاری و بر م و بکده
 قادر اولور می **اجواب** اولماز بهما **عجلیم قندی**

فصل سادس انادون او قلنه
 طاهو ابله انتقالی بیاننده در

مقدما اناسی محمولندن او قلنه تر و بر و زایدی انابیکت اون یکی شوانکک اون بشینی
 کونده علی قندی طغرای شریف خدمته ماسور ایکین اناسی بری او قلنه
 طاهو ابله و بر ملکت فرمان اولمشدر

هند متوفانکک نصر قنده اولان نار لاری او غلری زید و عمر و طاهو ابله المغه
 طاهو ابله ایکین صاحب ارض انوره و بر میوب اجینی بر و بر مکه
 قادر اولور می **اجواب** اولماز بجی قندی

هند متوفانکک نصر قنده اولان نار لاری اولاد و کور بنده جمانا انتقال بدر می بوخته بر و بر و کینی
 و بر و رب رسم طاهو ابله می اولور **اجواب** رسم طاهو ابله اولور بجی قندی

هند فوت اولوب او غلری عمر و کبر و بشره ترک ابله هند ک سستی طاهو اولان نار لاسی
 مزبور لر طاهو لیدین متعاقبا عمر و کبر بلا ولد فوت اولسه لر حاله بشره هند ک نار لاسی ابله
 و بر و کینی و بر و رب المن مراد ابله کده صاحب ارض بشره ثلثی و بر و
 ثلثانی و بر م و بکده قادر اوکور **اجواب** اولماز

اراضی با اوت انتقال ابله کینی
 انادون و حق انتقال ابله کک کک
 ابله ای انا انتقال ابله کک با بنده
 ار شریف و بر و بر و بر حکام
 حکم ابله کک مجبور لر در بلا طاهو
 انتقال ابله کک متوفانکک
 محمول اولان بری ابله کک طاهو ابله
 او قلنه و بر میور از قانون بجی قندی

هند فوت اولوب صغیر او غلری زید و عمر و کبر و بشره ترک ابله کده هند ک سستی طاهو اولان
 نار لاسی صاحب ارض اخرون بشره طاهو ابله و بر و رب بعد عمر و کبر صغر لر نده فوت اولدر
 زید بالغ اولد قده اول نار لار ک جمله سستی بشره و بر و کینی و بر و رب المغه
 قادر اولور می **اجواب** اولور **عجلیم قندی**

هند فوت اولوب او غلری عمر و کبر و بشره صغیر لری ترک ابله کده نصکره هند ک سستی طاهو اولان
 نار لاری مزبور لر چون طاهو لیدین عمر و کبر صغر لر متعاقبا فوت اولوب بعد هند ک زوی
 اولوب بشره ک اوکی باباسی اولان خالد اول نار لار ک جمله سستی نفی چون طاهو ابله المش
 اولسه بشره بالغ اولد قده اول نار لار ک جمله سستی اولور بوخته
 ثلثی المغه قادر اولور **اجواب** جمله سستی اولور **عجلیم**

هند متوفانکک سستی طاهو اولان نار لاسی هند ک او غلنکک حق طاهو سی
 و بر م کدر **اجواب** و بر و **عجلیم قندی**

ایکینجی باب اقر با کک غیر ی اولوب اون طاهو
 ایچون طاهو ابله انتقال ابله کک بیاننده در اولدی
 اوج فصل اولدر زید در **فصل اول** زید و بر م کک
 و خلیطه اولان طاهو ابله انتقال بیاننده در

زید قرنداشی عمر و ابله بشره ک نصر ف اولد قندی نار لادون زید حصه سستی سبای معر قیلده بکره بیع
 ابله کک بکره کینی بیل نصر ف اولد قده نصکره زید فوت اولد قده عمر و زید ک بکره و بر و کینی
 نار لایه بکره کون طلب ابله المغه قادر اوکور **اجواب** اولماز

زید قرنداشی عمر و ابله بشره ک او زره نصر ف اولد قندی نار لایه عمر و ابله کک بکره بر صغیر اقله
 بدل مغایر کده معرفت سبای ابله نفویض و تسلیم ابله طاهو کلوب حصه سستی نفویضی طاهو سی
 و زید ک حصه سستی دخی بن نفویضه احم و بر و کینی رسم طاهو ابله حصه سستی مغدایرینی و بر و رب
 نار لایه جمله نصر ف قادر اوکور **اجواب** بر سنه کجبدین اولور بجی قندی

زید قرنداشی عمر و ابله بشره ک اولدیغی نار لادون حصه سستی بکره اذن صاحب ارضه بر صغیر اقله
 بدل مغایر کده فراغ و نفویض ابله کده نصکره عمر و کده حصه سستی دخی نفویض معرفت صاحب ارضه
 بکره فراغ و نفویض ابله طاهو کده حصه سستی فراغی طاهو سی حصه سستی اولد قده نصکره زید ک
 حصه سستی دخی بشره ک و خلیطه اولد قندی بر سنه کجبدین بکره و بر و کینی و بر و رب بکره
 المغه قادر اولور می **اجواب** اولور **عجلیم**

بشره ک او زره ارضی بر صغیر
 او زره بر ک فوت اولد قدی بشره ک
 المغه جملده بر و بر و بر
 متصرف اولور و قرنداشی و غیره اولد
 فرق اولد شیده قانون شهید در
 ابله ای اولد اولد او و بر و بر اقله
 و بشره ک و بابا و اناسی قالیان
 متوفانکک بر لری بشره ک اولد
 طاهو ابله المغه طاهو کک اقله و بر و کک
 جائز و کدر بشره کک و بشره کک
 بر لری بر سن تمامه و بر و کک
 بر و بر سن تمامه و بر و کک
 او زره بر لری بر سن تمامه و بر و کک
 سکوت ابله و بر و با خود طلب تناس
 ساقط اولور من قانون نامه

مشترک بر تصرف پسر گشته و در
برای فوت اولاد خود یا خود عاقدین
گشته بر نفویض ایند که در شرک آن
آخه و بر در بیوی رسم طلاق اولاد
بیشتر است به دوک حق طلب و در
از قانون بیعی افندی

فرزند اشترا اولاد مندر و زینب آخر لا بون فرزند اشتری فدیه باینده مشترک اوزره منصرف قدر
اولد قدری نار لار رضه حصه لرینی اذن صاحب رضه طاب لری اولاد عمده نجمانا فراغ و نفویض
اینده کلند نصکده حاله فدیه شکر یک و خلیط اولمغله بیس سنه مرد و رایتی بین طابوی شلنی
صاحب رضه مرد و ب اول نار لار رضه مندر و زینبک حصه لرین مردون لوب
منبطه قادره اولور **اجواب اولور** **عبدلیم افندی**
زید قدری اشتری عمر و ایدل مشترک اولد یعنی نار لادن حصه شایسته سنی آخه فراغ ایدر اولد قد
عمده ال دیون تکلیف ایند که عمر و المام دیوب ابا اینکل زید حصه منوره سن اجانبه
بکره اذن صاحب رضه فراغ ایدل حاله عمر و شکر یک و خلیط دیو
ایچ سنه منورده و بر دیکنی و بر و ب بکره ان المغه قادر
اولور می **اجواب اولماز** **عبدلیم افندی**
زید قدری اشتری عمر و بکر منفره لایله مشترک اوزر منصرف اولد یعنی نار لاری اذن صاحب
رضه بشره فراغ ایدل عمر و بکر باغله اولد قدری اول نار لاری بشره منفره نجمانا لوب
الوب منبطه قادر اولور می **اجواب اولور** **عبدلیم افندی**
زید قدری اشتری عمر و ایدل مشاعیت اوزره نار لاره منصرف لایکن اول نار لار رضه حصه سنی اذن سهای بله
اجانبه بکره فراغ ایدل بکره خنی الوب منبطه ایند که عمر و بیس سنه بکره بزرگ حصه سنی بکره
و بر دیکنی و بر دیکنی بکره اول نار لار ایچون نزع ایدوب بکره و بر دیکنی اون کونه دک
سهای به و بر و ب حصه منوره به الماز من حق نفویضی اسقاط ایندم دیوب بعده اون کنه در بر
بکره و بر دیکنی و بر میوب حصه منورده به الماز بیس سنه مرد و رایتی و بر دیکنی
و بر و ب حصه منورده به بکره المغه قادر اولور **اجواب اولماز** **عبدلیم افندی**
فرزند اشترا اولاد زید و عمر و بکر با ازلندن انتقال ایدن نار لاری مشترک اوزره نصرف
ایدر لیکن قسمل القسمة زید بلا اولد فوت اولسه زیدک اول نار لار رضه حصه سی
سختی طابو اولور **اجواب اولور** **عبدلیم افندی**
زید و عمر و منفره لایله با ازلندن کند لره انتقال این نار لایه مشترک اوزره مشاع منصرف لایکن
زید فوت اولسه حصه سی سختی طابو اولور **اجواب اولور**
صورت منورده زید منورک نار لایه مذکورون حصه سنی صاحب رضه طابو ایدل
عمره و بر میوب اجنبی به و بر مکه قادر اولور می **اجواب**
عمره و بر مکه اولماز محمد بن سعد البین

مانت ولد و منفره بزرگ منورده
و نفویض ریل با اذن صاحبانتم
بلغ القسمة یا خذ ما حبتنا
من حکام الامانی

زید و عمر و بکره و اش و غلری اولوب مشترک اوزر نار لاره نصرف ایدر لکن عمر و فوت
اولوب حصه سی طابو به سختی اولد قد زید منحل طابو به و بر دیکن سهای بعضی بل غرض
سوزیده زیاده طابو استمکه قادر اولور **اجواب اولور** سختی اولد یعنی
طابو ایدل که و بر مکه اولی در **بسم الله**
زید و عمر و بکره نار لایه مشترک اوزر منصرف لایکن مرد حصه سنی معرفت سهای ایدر
نفویض ایدل بکره عمره مقابله فرآخده و بر دیکنی بکره بزرگ حصه سنی
نصفی سختی نصرف قادر اولور **اجواب اولور** سختی افندی
زید عمر و ایدل مشترک اوزره نار لاره منصرف لایکن زید بلا اولد فوت اولوب نار لار رضه
سختی طابو اولد قد عمر و حصه منورده به طابوی شلیله المغه طابو بکن سهای که و بر دیکنی
اجانبه بکره و بر مکن اول حاله عمر و بیس سنه بکره بزرگ و بر دیکنی و بر دیکنی
حصه سنی بکره المغه قادر اولور **اجواب اولور** **عبدلیم افندی**
زید عمر و ایدل مشترک اولد یعنی نار لادن حصه سنی بکره فراغ بکره خنی اول حصه به منبطه ایدر
عمر و بلا عذر بیس سنه سکوت ایدل حاله عمر و شکر یک و خلیط اولوب اول حصه به
بکره و بر دیکنی و بر و ب المغه قادر اولور **اجواب اولماز** **عبدلیم افندی**
زید عمر و ایدل مشاع و مشترک نار لاره منصرف لایکن زید فوت اولوب و ایدل سهای
ترک ایدر اول نار لار رضه حصه سنی مندر طابو لیدن مندر خنی فوت اولسه طابو شکر یک
و خلیط اولمغله رسم طابوی شلنی و بر و ب اول حصه به صاحب رضه المن مراد
اینده که صاحب رضه که و بر دیکنی آخه و بر مکه قادر اولور **اجواب اولماز** **عبدلیم افندی**
زید عمر و بکره ایدل مشترک اوزر منصرف اولد یعنی نار لادن حصه سنی فراغ ایدر اولد قد
عمر و بکره طابو ایدل آنک چون تکلیف ایدل که منور لایله و اشاع ایدل بله زید اول نار لار
حصه سنی اذن صاحب رضه بشره فراغ و نفویض ایدل بر سنه منورده عمر و بکر
نار لار اولوب بشکره و بر دیکنی و بر و ب زیدک حصه سنی بشره
المغه قادر اولور می **اجواب اولماز** **عبدلیم افندی**
زید و عمر و مشترک اوزره نار لاره منصرف لایکن زید اول نار لار رضه حصه سنی اذن صاحب رضه
بکره فراغ و نفویض ایند که نصکده ایچ سنه منورده عمر و فوت اولوب حصه منورده اول غلری
انتقال ایند که بشره منور خلیط و شکر یک اولمغله و بر دیکنی و بر و ب زیدک حصه سنی
بکره ان المغه قادر اولور **اجواب اولور** **عبدلیم افندی**

و غیر اینها سبب قسمل اولد قسمل
من حکام الامانی

صاحب بارش قریبی طبر فندہ سخی
طاہر اولیٰ براری کشمیری ابو جعفر ایتقی
غرف قانون در سن قانون نامه

زید و عمرو و بکر بر فریب و بر مقدار نار لاله طاہر اولیٰ متصرف فلان زمین زید اول فرزند
برائیکه سپاسی و لوب بعد عمر و بلا ولد فوت اول نار لاله عمر و ک حصه سخی
طاہر اولیٰ مشیلہ المغه طالب ایکین زید اکہ و بر سوسہ کندم ضبط ایدرم
دیگرہ قادر اولور می **اجواب اولماز**
زید عمر و اولیٰ مشترک اوزر نار لاله متصرف فلان زمین بلا ولد فوت اولوب نار لاله
حصه سخی طاہر اولیٰ ولد قدہ عمر و حصه فرزورہ بی طاہر اولیٰ مشیلہ المغه طالب ایکین سپاسی اکہ
و بر سوسہ اجنبی بی دیگرہ قادر اولور می **اجواب اولماز**
زید ہند اولیٰ بر نار لاله مشترک اوزر متصرف فلان زمین بلا ولد فوت اولد قدہ ہند
زید ک حصه سخی طاہر اولیٰ صد دندہ ایکین بر قاج کوزہ مرزندہ ہندھی فوت اولد جاہنگ دل
بکر ہند ک حصه سخی طاہر اولیٰ مشیلہ المغه قد نصکرہ بیسنہ مرزندہ زمین زید ک حصه سخی
دخی طاہر اولیٰ مشیلہ المغه قادر اولور می **اجواب اولور**
زید عمر و اولیٰ مشترک نار لاله متصرف فلان زمین فوت اولوب والدہ سخی ہندی ترک
ایلد کہہ ہند اول نار لاله زید ک حصه سخی طاہر اولیٰ ہند دخی فوت اولد جاہر
شریک و غلیط اولغہ طاہر اولیٰ مشیلہ و روب اول حصه صاحب رضہ
المغه قادر اولور می **اجواب اولور**

فصل ثانی فی تریک بومبہ اول نار لاله بچندہ واقع شجر کیمہ
انتقال بکرہ بر ک دخی اول کمنہ بہ انتقال بیانندہ در

زید ک طاہر اولیٰ نصر فندہ اولان نار لالی اوزرندہ شو قدر دیب ملک میوہ اشجار
عمر و مالک و متصرف اولوب بعد زید اول نار لالی اذن صاحب رضہ شو قدر
بدل مضابکسندہ بکرہ فراغ ایلد کہہ عمر و اوزرندہ ملک اشجارم وار و چو بکر
و بر دیکنی و روب اول نار لالی بکرہ المغه قادر اولور می **اجواب**
اولیٰ امر عالی و آریسہ اولور **عظیم اقدی**
زید ک نار لالی اوزرندہ عمر و ک بر قاج دیب ملک اشجاری اولوب بعد زید بلا ولد
فوت اولد قدہ عمر و دیار خردہ بولنفل صاحب رضہ اول نار لالی اجانبین بکرہ
طاہر اولیٰ و بر مش اول جلا عمر و کلد کہہ اوزرندہ ملک اشجاری اولغہ بکرہ و بر دیکنی
و روب اول نار لالی بکرہ المغه قادر اولور می **اجواب**
امر عالی و آریسہ اولور **عظیم اقدی**

سوقہ کمنہ بر لالی اوزرندہ اشجار
اولوب و رتہ بہ انتقال بکرہ
اول بر لالی اشجار انتقال بیان
و رتہ بر طاہر اولیٰ و بر لالی اشجار
حاصل اولیٰ میوہ بکرہ و رتہ کوزہ
صعبیت اولغہ و آرت مشر کہہ
تقدیم اولغہ در قانون غلطی
من قانون نامه

اولیٰ امر عالی

بر نار لالی بچندہ واقع زمین اشجار ملک مالکی اولان زید نار لالی اولد قدہ ہم
بچندہ ملک اشجارم وار و روب سپاسی ہند بل و بر دیکنی و بر سوسہ المغه قادر
اولور می **اجواب اولیٰ امر عالی و آریسہ اولور**
زید بر نار لالی و اوزرندہ اولیٰ ملک اشجار متصرف ایکین بلا ولد فوت اولد قد نصکرہ در
اول اشجاری بکرہ بیج ایدر بعد صاحب رضہ اول نار لالی بشرہ طاہر اولیٰ و بر سوسہ
ما بکر اوزرندہ اشجارم وار و روب و بر دیکنی و بر سوسہ اول نار لالی بشرہ المغه
قادر اولور می **اجواب اولیٰ امر عالی و آریسہ اولور**
زید بر نار لالی اوزرندہ واقع بر قاج دیب ملک اشجار متصرف ایکین فوت اولوب سخی طاہر اولیٰ
و رتہ سخی ترک ایلد کہہ اول اشجار و رتہ انتقال بکرہ و رتہ اول نار لالی و بر دیکنی
رسم طاہر اولیٰ مشیلہ المغه قادر اولور می **اجواب اولور**
بچندہ جا بجا ملک اشجاری اولیٰ نار لالی متصرفی زید بلا ولد فوت اولوب سخی طاہر اولیٰ
اولیٰ و رتہ سخی ترک ایدر اول اشجار و رتہ انتقال بکرہ و رتہ اول نار لالی و بر دیکنی
مشیلہ المغه طالب ایکین صاحب رضہ انورہ و بر سوسہ اجانبہ و بکرہ قادر
اولور می **اجواب امر عالی و آریسہ اولور**
زید ک نصر فندہ اولیٰ نار لالی جا بجا اوزرندہ واقع بر قاج دیب میوہ اشجاری عمر و ک ملک
اولوب عمر و اول اشجار بکرہ بیج و تسلیم ایلد کہہ زید اشجار نار لالی اوزرندہ اولغہ و بر دیکنی
و روب بن لورم دیگرہ قادر اولور می **اجواب اولماز**
زید نصر فندیکی رضہ میریت واقع اولیٰ قدیمی رضہ اشجاری اشلیوب و بعض
اشجار شمرہ دخی غرس ایدر برایکی بیلد نصکرہ و فاسا ایلد کہہ اولاد کوری اولیٰ
بنائندہ رضہ مذکور انتقال ایدر می و اشجار وارثہ و کرمی
اجواب اشجار انتقال ایدر
زید طاہر اولیٰ متصرف اولد یعنی فرزند بچندہ بن اشجار شمرہ اجبا ایدر فرق الی بر مش
یکد نصکرہ زید فوت اولوب مرزندہ مذکور طاہر اولیٰ سخی اولوب سپاسی عمر و طاہر
و بر دیکہ عمر و مذکور اشجار کیمیشن زید ک و رتہ سوسہ و بر ما کو قادر اولور
اجواب زید ک دیکہ سخی و اشجار سخی
زید ک رضہ میری اوزرندہ اولیٰ ملک میوہ اشجاری بلا ولد فوت نصکرہ فرزند آشی
ہندہ ارثہ انتقال ایدر می **اجواب ایدر**

چهارم فوت اولوب و درون
کسسه سی تا سی و شصت اولوب
برازنده مشرک قالیان شوقا کس
برای بر خورده و شکره قریه غلت خیره
و چاره ضرورت اولوب طایفه اولوب
اوشده و بر بلور خارجه و بر کس غلت
قاوند قریه غلت طایفه اولوب
طایفه اولوب اما از جبهه اول زمان
ساحبه رض مختاره است که طایفه
برور من قانون نامه

فصل ثالث اشجار انتقال ابدی کسسه بر خورده قریه سی و شصت

تار لایه ضرورت اولان کسسه بر طایفه اولوب و بر بلور
بر قریه ایا ایستند زید اول قریه ده نصر فنده اولان تار لایه قریه اولوب اولوب
ایلی قریه قریه اولوب بدل شلیل المغه طالب و آرکن اگر و بر بیوه آخر قریه
ایلیسنه قریه قادر اولوب اولوب اولوب اولوب
بر قریه ده ساکن اولان زید نصر فنده اولان تار لایه قریه اولوب اولوب
مقابل کسسه اما از قریه ایلیسنه قریه ده قریه اولوب اولوب اولوب اولوب
کند ولره تار لایه ضرورت اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
و بر دیکینی و بر و بر اول تار لایه قریه اولوب اولوب
اولور لایه ایلیسنه اولوب اولوب اولوب اولوب
زید سپاهینک نیما قریه سی اراضینده تار لایه اولوب اولوب اولوب اولوب
اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
و نصر فنده اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
تار لایه احتیاج و آرد و جوی طایفه اولوب اولوب اولوب اولوب
زید المغه قادر اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
بلا ولد فوت اولان زید بر قریه ده واقع تار لایه اولوب اولوب اولوب
احتیاجی اولان طایفه اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
اولوب بر سینه کجین عمر و کس و بر دیکینی و بر و بر اول تار لایه بگردن
المغه قادر اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
بر قریه اراضیندن محمول اولان تار لایه ایلی قریه دن تار لایه ضرورت اولوب اولوب
مشلیل المغه طایفه ایلیسنه قریه مزوره سپاهینسی آخر قریه ایلیسنه و بر و بر
قادر اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
بر قریه ده ساکن اولان زید قریه مزوره طایفه ایلیسنه نصر فنده اولوب اولوب اولوب
مرد آید کده قریه مزوره ایلیسنه طایفه ایلیسنه مزوره و بر بیوه معرفت سپاهی بر خلاف
قریه اخری ایلیسنه قریه مزوره ایلیسنه قریه اولوب ایلیسنه عمر و کس و بر دیکینی و بر و بر
اول تار لایه کند ولره المغه قادر اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
جواب آخر اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب

بر قریه طایفه قانون اوزره
طایفه ایلیسنه اولوب اولوب اولوب
اول قریه ایلیسنه و بر بیوه اولوب
ایلیسنه و بر بیوه ایلیسنه
قریه اولوب ایلیسنه اولوب
ایلیسنه ایلیسنه قانون نامه

زید نیما قریه طایفه محمول اولان تار لایه خارج چهارده اولان عمر و طایفه اولوب و بر و بر
عمر و اولوب سنه دن متجاوز منصرف ایلیسنه حالا زید نیما قریه کوری بکره قریه اولوب کده بکر
خارج رعایایه تار لایه و بر ملک ممنوعه بر جوی عمر و کس و بر دیکینی رسم طایفه اولوب و بر و بر
کندی المغه قادر اولوب اولوب اولوب اولوب
زید زیم منصرف اولوب زیم سابقا و بر خفا سی ایلیسنه اولوب اولوب اولوب اولوب
زیم ایلیسنه معین سنورینه و آخر بر لایه بر مقداری سی سپاهی آخر کس نیما قریه اولوب
طایفه اولوب و بر سینه زراعت ایلیسنه کسسه لایه خارج قریه ده ساکن اولوب معین عشرت نصیبی منعه
اولوب زمان کجین نصر اولوب ایلیسنه و ضمن زمانده آخر سپاهینک قریه سنه و بر و بر
تغیر ایلیسنه قابل ایلیسنه زید اولوب بر کس آخر قریه ساکن اولوب اولوب اولوب
رعینده و بر کس قادر اولوب اولوب اولوب اولوب
بوسورنده زید کس رعینسی سپاهی آخر نیما قریه سنورنده کی قریه لایه زراعت ایلیسنه
محصولک عشرت شکر کس و بر کس لایه زید ایلیسنه بر نصیحت و بر و بر
بوسورنده زید کس رعینده کفایت ایلیسنه زید بر لایه اولوب رعینت سپاهی آخر
بزدن نصف عشرت اوزر قریه اولوب اولوب کسسنده اولوب قبول ایلیسنه کس خوش و آلا
اول قریه سنورینه کسرم دیکس شکر قادر اولوب اولوب اولوب
بامورجه اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
ایلیسنه باب اقرایه ایلیسنه ایلیسنه ایلیسنه ایلیسنه
قریه انایه و آنادن قریه و قریه با پایه و لایه قریه ایلیسنه
قریه آشی اولوب و قریه اولوب اولوب اولوب اولوب
جسده طایفه اولوب و طایفه سنه انتقال بو قدر
بند شوقا کس سنه طایفه اولان تار لایه سنه کس و آله سی زینب ایلیسنه عمر و بر و بر
حق طایفه و آرمیدر ایلیسنه بو قدر ایلیسنه
بند شوقا کس سنه طایفه اولان تار لایه زید قریه زینب ایلیسنه حق طایفه
و آرمیدر ایلیسنه بو قدر ایلیسنه
بند فوت اولوب نصر فنده اولان تار لایه سنه طایفه اولوب اولوب اولوب اولوب
زید طایفه و بر مش اولوب کس سنه کس سنه قریه زینب بالغه اولوب اولوب اولوب
اول تار لایه زید المغه قادر اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب

شوقا کس محمول اولان ایلیسنه
بدر ایلیسنه ایلیسنه ایلیسنه
اول محله کس قریه ایلیسنه
بدر ایلیسنه ایلیسنه ایلیسنه
بدر ایلیسنه ایلیسنه ایلیسنه
سن قانون کجینی ایلیسنه

برگشته تصرف ایندیگی بر اثر اینج بیل
علی التوائی بلا عذر بوزر معطل بوسه
صاحب بیمار طاهوید و برکت نازده
اگر نماند خودم جو دعوی ایست
اشقات انما از من قانون نامه

صفا کرک برای معطل نماند طاهوید
سختی املاز اگر آخه و برکت
بعد ابلغ اون سند بر آن اولور
من قانون نامه
تعیین این طاهوید سختی و نایزی
بزم تصرف سابق اولور من قانون نامه
یعنی تعطیل بیان تصرف سابق
طاهوید نوزده طالب اولور
آخزون احق اولور

در بخشی باب تعطیل سببیده آخزه نقویض و لنتی بیانده در

زید بر ارض میریده اولان ملک باغنی بر قاج بیل بوده مامفله یعنی اوزم و بر رکن صاحب ارض
طاهوید و بر مکه قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود

زید تصرف اولدینی نار لاسنی اوج سنه دن زیاده بلا عذر زراعت اینجیو تعطیل اینجیو
صاحب ارض عمره طاهوید و بر مکه و عمره و غنای لوب تصرف اوزره ایکن زید عمره و بر مکه
رسمی و بر مکه نار لایه المغه قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود

زید تصرف اولدینی نار لاسنی بلا عذر اوج سنه تعطیل اینجیو سببیده آخزه طاهوید و بر مکه
اوزره ایکن زید فوت اولدنده عمره و غنای بر مکه و بر مکه اولور سنه صغیره قری ایکن
و صیسی بگر ایکن مانده عمره و بر مکه و بر مکه اولور نار لایه عمره دن

هند چون ایور مکه قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود
زید صغیرک نار لاری اوج سنه بلا عذر زراعت و نماند سببیده آخزه زراعت و نماند
و بو طاهوید و بر مکه قادر اولور **اجواب اولور**

زید تصرف اولدینی نار لاسنی اوج سنه دن زیاده زراعت اینجیو سببیده آخزه طاهوید
آخزه و بر مکه مراد ایکن زید ایل و بر مکه رسم طاهوید و بر مکه بن الورم و بر مکه قادر
اولور **اجواب اولور** امر سلطان و آری اولور **اجواب اولور**

زید طاهوید تصرف اولان نار لاسنی اوج سنه بلا عذر تعطیل بدوب بعده
صاحب ارض آخزه نقویض اینجیو زید فوت اولوب اوغلی بگری ترک ایکن نفسکه
صاحب ارض بگره ضبط ایکن سببیده تعطیلدن طاهوید و بر مکه قادر

اولور **اجواب اولور** ابوالسعود
زید و عمره و بیشتر اک سوی اوزر نار لاره تصرف ایکن زید آخزه باره کند که اول
نار لاره حصه سی اوج سنه دن زیاده بوزر و خالی قاله زیدک اول نار لاره

حصه سی سختی طاهوید اولور **اجواب اولور**
بوصورنده صاحب ارض زیدک حصه سی تعطیل سببیده طاهوید عمره و بر مکه و عمره و غنای
جمله نار لاری اذن صاحب ارضه شو قدر اقیضا بگره سنه ایا بنیدن بگره فرغ اید و

بگره جمله نار لاری تصرف ایکن زید آخزه باره ن کلده که مفدا ما
اول نار لارک نصفی بنم ایدی چو مد آخله به قادر
اولور **اجواب اولور** ابوالسعود

اول معطل ایسه و فوتن صاحب ارض
ال غیره سقط حق الطاهر عن بند
و بر بخشی حکام اراضی

زید تصرف اولان نار لاری اوج سنه متوالیه بلا عذر زراعت اینجیو تعطیل اینجیو
سببیده زیدک تعطیلدن طاهوید عمره و نقویض ایسه بعد زید فوت اولدنده اوغلی بگره
با یام نار لاسیدر چو مد آخله به قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود

زید طاهوید تصرف اولان نار لاسنی اوج سنه دن زیاده زراعت اینجیو تعطیل اینجیو
صکره صاحب ارض اول نار لایه طاهوید و بر مکه و بر مکه زید فوت اولدنده زیدک و غنای
اول نار لایه مجانا ضبطه قادر اولور **اجواب اولور**

زید نار لاسنی علی التوائی اوج سنه بلا عذر زراعت اینجیو تعطیل اینجیو صاحب ارض
اول نار لایه زیدک تعطیلدن ناشی آخزون عمره طاهوید و بر مکه حاله زیدک فرزنداشی اوغلی
بگر طاهوید بن اولایم چو و بر مکه و بر مکه اول نار لایه عمره دن

المغه قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود
بر قریه ایا ایسی پریشان اولوب تصرف اولان نار لاری اوج سنه متوالیه
بلا عذر زراعت و نماند حاله صاحب ارض اول نار لاری طاهوید و بر مکه

قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود
زید سببیده آخزه قریه سی رعا باسی قریه مزبوره ده کند و لره کفایت ایدیک قدر نار لاری
و آریکن زراعت اینجیو آخزه سببیده آخزه طاهوید زراعت اینجیو اول نار لاری اوج سنه

متوالیه زراعت اینجیو بوزر و خالی قاله زید سببیده آخزه نار لاری رعا با تاک
تعطیلدن طاهوید و بر مکه قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود
زید سببیده آخزه اراضی سنه و اقع اولوب عشره محصول لانه کلن چایر لعه عمره و متصرفین

عمره و بوزرک چایره احتیاجی اولما مغله سفی و انبانه سعی اینجیو اول چایر لغی خالی
و معطل بر آغوب اوج سنه دن زیاده زمان مرور ایدوب چایر لغی اولوب زید
اصلا بر سنه و اصل اولماسه حاله زید اول چایر لغی زراعت طالب اولور

طاهوید نقویضه قادر اولور **اجواب اولور** ابوالسعود
زید بر قریه و اقع ملک چغشکله تابع اولان نار لاری اوج سنه علی التوائی بلا عذر تعطیل
ایتمکله صاحب ارض طاهوید عمره و نقویض ایکن نفسکه زید چغشکله بگره

بیع و تسلیم ایسه حاله بگر اول نار لار چغشکله تابع و بوب
و بر مکه و بر مکه عمره دن المغه قادر اولور
اجواب اولور امر سلطان به منوطدر **اجواب اولور**

بر نار لایه تصرف اولان کسند
آخزه باره کند و اوج سنه تعطیل
ایتمکله طاهوید بر مکه و بر مکه صاحب ارض
غیره و کسند حق طاهوید اولور
و بر وفاته کوره و غنای
من قانون نامه

برقعه برجه بود که شطیل و پیشتر
نظر بود و شتر قانون سلطان
در زمان لایب الهی

ایلیور شتر

و کذا از اماره و دروغ شمر غاب
عشری سنه ولایت غیر مصله از بیوتها
صاحبان ارض احکام او آتی

زید که نار لاسی اوج سنه بوز قالمناجر زراعت صاع اولما مغله زید اوج سنه بوز قوسه قازید
زراعت مراد ایندکه صاحب ارض مجرد اوج سنه زراعت اولنادی چو زیدی منع ابد
کندی ضبط و زراعت یا خود آخره نفویضه قادر اولور **اجواب اولماز**
زید که تصرف اولدیغی نار لالوده ایکی سنه بوز قویوب بعده زراعت اولمنق معناد اولمغله
زید دخی ایکی سنه بوز قویوب بعده زراعت اینتک استدکه صاحب ارض ایکی سنه بوز قالمغله
طاپوبینتی اولور چوب طاپوبایله وبرمکه قادر اولور **اجواب اولماز بیجی افندی**
زید بر مفاد برک حق تصرفنی الوب سپاهی معرفتک نفس ایله بعده جگر که اولوب
دوراق مانع اولوب اوج سنه اگر سپوب بعده سپاهی چو قینه وبرمکه سپاهی سن اوج سنه
اکادک دیو اول بری المنق استه حال بوکه زید اول بری اوج بیل اکش اولوب سپاهی
اون بیل که دکنک عشرین الیه شتر عازید که اندیم الوب طاپوبایله وبرمکه قادر
اولور **اجواب اولماز** بلا عذر اوج سنه زراعت بنما اولور احمد بن کار
زید تصرفنده اولان نار لایله ورت سنه زراعت اینتیوب بیجی سنه صبان
قویوب سورکن عمر و سپاهی مجرد مفده ما ورت سنه خالی قومشیدک دیو حال
سوس طور دخی نار لایله آخره نفویض ایدرم ویکه قادر اولور می
اجواب طاپوبایله استر اولور بیجی افندی
زید سپاهینتک بنماری دافلنده نار لاله تصرف اولان عمر و آخر دیات کند که اول
نار لالی برکه سپارش ایدوب بکر دخی زراعت ایدوب عشری سپاهی ایدو ایدکن
سپاهی عمر و الی سنه در کلما دی دیو اول نار لالی طاپوبایله وبرمکه قادر
اولور **اجواب اولماز** عمر و کجبری منقطع اولیجی اولماز بیجی افندی
زید تصرفنده اولان بر لینی عمر و سپارش ایدوب آخر ولایته کیدوب انده پدی سکر سنه
مکت ایندکه عمر و اول بر لری زراعت ایدوب عشر و رسمن سپاهی اید وبرکن
سپاهی مجرد اول بر لری زید بالذات زراعت اینمز دیو آخره
طاپوبایله وبرمکه قادر اولور **اجواب اولماز** بیجی افندی
زید قانبا اولوب تصرفنده هر سنه زراعتی معناد اولما نار لالی پدی سنه معطل قالوب
صاحب ارضه عشر و رسم و اصل اولما مغله صاحب ارض طاپوبایله عمر و وبرش اولمغله
زید کلوب ایل و بر و یکی رسمی بن دخی و بر برین و نار لالی بن الوبن ویکه
قادر اولور **اجواب اولماز** و آریسه اولور بیجی افندی

ایند تصرف اولدیغی نار لاسنی بش الی سنه بلا عذر تعطیل اینتکله صاحب ارض طاپوبایله
وبرمکه مراد ایندکه بهند اجنبی به اندر بیسوق طاپوبایله کندی المغه قادر اولور می
اجواب اولور جواب اضر ام سلطان و آریسه اولور بیجی افندی
زید متوفان صغیر اوغلی عمر و انتقال ابدن نار لاسنی صاحب ارض بش سنه معطل قالدی
دیو بکره طاپوبایله وبرش اولسه حال صغیر بالغ اولدده نفویض مذکور می طاپوبایله
نار لاسنی بکره المغه قادر اولور **اجواب اولور** بیجی افندی
برقریرتک رعایا بی عمودنا جلای وطن ایدده آخر بر لره برکنده و بریش اولد قلند نضکره
نار لالی اوج سنه بی متجاوز زراعت اولمیسو معطل قالدده سپاهی بی زید عمر و طاپوبایله
دیو عمر و دخی بکر می سنه متجاوز تصرف اینتکین حال اول زید رعایا سنه بعضی
کلوب نار لالی دعوی ایلمسه سموده اولور **اجواب اولماز** بیجی افندی
زید متوفانک نار لاسی صغیر اوغلی عمر و انتقال ایندکه نضکره اوج سنه کز زباده زمان
زراعت اولنما سه حال صاحب ارض اول نار لالی زراعت اولنادی دیو
طاپوبایله آخره وبرمکه قادر اولور **اجواب اولماز** بیجی افندی
ایند صغیره آخر و آریسه بولنوب نار لاسی بر قاج زمان بوز قالدده صاحب ارض
اول نار لایله طاپوبایله عمر و وبرش اولطایله ایندکه بالغه اولوب کلده نار لاسنی
عمر و المغه قادر اولور **اجواب اولور** بیجی افندی
زید عیبت ایندکه تصرفنده اولان بر لینی اوغلی عمر و تعطیل اینتیوب زراعت ایدوب سپاهی
عشر و رسمن و برکن عمر و فوت اولمغله سپاهی زید که اول بر لرین مخلولدر چو بکره وبرش اولسه
بعده زما زید کلوب اول بر لینی بکره المغه قادر اولور **اجواب اولور** بیجی افندی
زید معرفت سپاهیله تصرف اولدیغی نار لایله آخر دیاره کند که کند کلنجه تصرف عمر و
نفویض اینتکین اولمغله کلده مدت معروضه تعطیل اولیجی ذکر اولن نار لایله
ضبطه قادر اولور می **اجواب اولور** فیض سنه افندی
زید طاپوبالی میری برینی اوج بیل زراعت اینتیوب تعطیل ایله سپاهی ذکر اولن بری
زید دن الوب آخره وبرمکه قادر اولور **اجواب اولور** ایو السعد
زید باغ و باغی سنک بر مفاد آری قابل زراعت اولمغله سپاهی زید زراعت ایدوب
نیمه اینتکین زید قبول اینتیوب اوج سنه تعطیل ایله سپاهی اول بری
طاپوبایله وبرمکه قادر اولور **اجواب اولور**

مزاج مفسودان کمین معطله
ولان له و آریسه بیجی ایدو قادات
لور سنه ان پانده بالترسم ده بشه اوسم
احکام الی آتی

زید و عمرو و بکر اشترک اوزره نار لاله منصرفند بکن زید غیبت منقطع علیه غائب اولوب
ایچ سنه دن بری صحیح خبری کلمه اوغلی اولما منقله صاحب ارض زیدک حصه سنی خالده نقویض
ایسه عمر و بکر شریک و فلیط اولمنله بس سنه بکچین خالده و بر دکنی و بر دکنی زیدک
حصه سنی خالده منقله قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

زید و عمرو اشترک اوزره نار لاله منصرفند بکن عمر و آخردی باره کیدوب ایچ سنه
صحیح خبری منقطع اولوب اوغلی دخی اولما منقله سباهی عمر و ک حصه سنی طاہو ایله
اجانبین بکره و بر مک م آد ایندکده زید شریک و فلیط اولمنله ایل
و بر دکنی و بر دکنی منقله قادر اولور **اجواب اولور**

زید غیبت منقطع علیه غائب اولوب ایچ سنه صحیح خبری منقطع اولمنله سباهی نصر فنده
اولان نار لالینی اجانبین عمر و نقویض ایتمش اولما بکر زیدک لابون ار قزداشی اولمنله
نقوضه سنه ایتمم و بر عمر و ک و بر دکنی و بر دکنی ایچ سنه بکچین اولن نار لاله
عمر و دن المنقله قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

آخردی باره کیدوب ایچ سنه دن بری خبری منقطع اولان زیدک نصر فنده اولان نار لالی
اوغلی اولما منقله صاحب ارض طاہو ایله نقویض ایدر اولد فنده زیدک قزنی هند طاہوی
مشبیه المنقله طالبه ایکن صاحب ارض بنده و بر میوب آخردن بکره و بر سه
هند اون سنه عمر و اجانبین و بر دکنی و بر دکنی نار لالی بکرون
منقله قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

زید و اوغلی عمر و ایچ سنه دن بری غیبت منقطع علیه غائب اولوب بعد زیدک نار لالینی
صاحب ارض طاہو ایله بکره و بر و بر ماچیندن ایچ سنه عمر و بر ایطه عمر کلدکده
یا بام نار لالیدر وجود آخردی قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

ایچ سنه دن بری غیبت منقطع علیه غائب اولان زیدک اوغلی اولما منقله صاحب ارض
نار لالین طاہو ایله و بر اولد فنده زیدک لابون ار قزداشلی ایل و بر دکنی و بر و بر
منقله طالبه ایکن سباهی انزه و بر میوب آخره و بر مک
قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

غیبت منقطع علیه غائب اولوب ایچ سنه صحیح خبری منقطع اولان زیدک طاہو ایله
نصر فنده اولان نار لالینی صاحب ارض زیدک اوغلی اولوبی طاہو ایله و بر مک
قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

لاب قزداشلی

زید لابون قزداشی عمر و صغیر ایله مشاعبت اوزره نار لاله منصرفند بکن زید غیبت
منقطع علیه غائب اولوب و بر و بر اولدکده صاحب ارض زیدک نار لالیندن
حصه سنی اجانبین بکره و بر شش اولسه حاله عمر و بالغ اولد فنده اون سنه بکچین
بکرک و بر دکنی و بر و بر زیدک حصه سنی بکرون المنقله
قادر اولور **اجواب اولور**

زید آخردی باره کیدر اولد فنده نار لالینی عمر و سباهش ایدوب کتدکده نصکره عمر و اولی
نار لالی زراعت ایدوب سنه بیست و سه سباهش و بر و بر ماچیندن و بر و بر سنه
عمر و ایدوب زیدک خبری منقطع و کل ایکن سباهی بجز زید بالذات کندی
زراعت ایتمز دیو اول نار لالی آخره طاہو ایله و بر مک قادر
اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

زیدک اوغلی عمر و سفره کیدوب و بر و بر سنه عمر و نصکره زید فوت اولد فنده نار لالین
موجود اولان اوغلی منقطع ایدر کلزنده عمر و ک حیاته و ممانه معلوم و کل ایکن سباهی
اول نار لاله عمر و ک حصه سنی عدا برینی عمر و مجرد غایبدر چو طاہو ایله و بر مک
قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

زید و عمر و یا بالرنیدن انتقال ایدن نار لاله اشترک اوزره منصرفند بکن زید آخردی باره
کیدوب بعد بکش سنه عمر و ایدوب خبری منقطع اولما بکر زیدک حصه سنی عمر و شریک
اولمنله ایل و بر دکنی و بر و بر المنقله طالبه ایکن سباهی عمر و و بر میوب
آخره و بر مک قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

زید فوت اولوب نصر فنده اولان نار لالی اوغلی عمر و بکر ایله آخردی باره بون اوغلی
انتقال ایدکده اول نار لاله حصه سنگ منقطع و زراعتی عمر و سباهش ایدوب
بکتاب کوندکده حاله عمر و بکر اول نار لالی تعطیل ایتمیوب بشرک حصه سنی صحیح
زراعت ایدوب بشرک خبری منقطع و کل ایکن سباهی اولان خالده مجرد بشر
الهی سنه در آخردی باره کلامی دیو بشرک اول نار لاله حصه سنی
طاہو ایله و بر مک قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

زید فوت اولوب بکی سنه دن بری مفقود اولان اوغلی عمر و ترک ایله زیدک نار لالینی
عمر و ک اوغلی منقطع ایدر کلزنده صاحب ارض اوغلی منقطع ایدر عمر و مفقود المنقله
طاہو ایله و بر مک قادر اولور **اجواب اولور** **عبدعظیم**

و کذا اذا عار او و مع شتم غائب
عشر سنه و کانت غیر منقطع یا بنوعیها
صاحب ارض من حکام الاراضی

منقطع عمر و ایدر کلزنده
سک

تصرف اصبی و المعنوه ان کا نام انعاماً
کا نام سبکی و انعامی و ان مشائرا
کا کتب و الطلاق کا شور و اہمیت

صغیر حقیقتہ یاراً و قد نکرہ نامی برین
بر کبکشت اندہ بود لور سے طاہر اولاد
المشائرا سے حقیقی اور صغیر حکم و شور
کنہ بدن طاہر انما حکم و فرمان
سلاطین عثمانیہ بر کبکشت و زربند
مشائرا رضی انکر ماخذ

من سستی فی نقص ما تم من ہند
فصیحہ مردود علیہ الی اصف
من دعوی الاشباہ

طاہر و زربند طاہر اولاد نہ کتب
ابو یوسف الی ہارون الرشید
لیس الامام ان بی بی شیشا من ہند
انہ یمن ثابتہ معرفت من حکم ماخذ

فصل رابع فراغ صبوی و فراغ وصی بیانندہ در

اولاد یا شندہ اولاد زید صغیر نار لاری بی بدل مشیلہ عمر وہ اذن صاحب ارسلہ
فراغ اہلسہ حالاً زید بالغ اولاد قدہ رجوعہ قادر

اولور می اجواب اولور علیہ السلام افندی

بلا ولد ذکر فوت اولاد زید کسختی طاہر اولاد نار لاری سپاہی زید ک صغیر فرنی ہندک
وصیبی زینبہ طاہر اولاد ابو رجہ نکلیف ابتدا کدہ زینب قدر تم بود رجہ ابو رجہ سپاہ
دخی بکرہ طاہر اولاد ویر کدہ نصکرہ زینب حال قدر تم وار رجہ ابکی سنہ مردندہ بکرک
و بر دیکنی و برود اول نار لاری ہند پیکر ابو رجہ قادرہ اولور اجواب اولور علیہ السلام

زید صغیر ک با پاسندن انتقال بدن نار لاری وصیبی اولاد والدہ ہند عمر وہ اذن صاحب ارسلہ
فراغ و تقویض اہل طایفہ بالغ اولاد قدہ تقویض مذکور می طویض عمر و متوفی اولاد و غلی بکر
اول نار لاری شرعاً المذہ قادر اولور اجواب اولور بجی افندی

زید صغیر ک وصیبی اولاد عمر و زید ک ہماری فریبندہ محمول اولاد اقل بر بنی طاہر می
مشیلہ بکرہ تقویض ایدو بدینہ نمک و بر سے حال زید بالغ اولاد قدہ اول نقل بر بنی بکر
الوب آخرہ تقویضہ قادر اولور اجواب اولماز علیہ السلام

زید متوفی ک صغیر اولاد عمر و بکر و بشیرہ انتقال بدن نار لاری ہند بر مقداری و والدہ لری
ہند معرفت صاحب ارسلہ خالدہ تقویض ایدو بعدہ صغیر و مزبور بالغ اولاد پین
فوت اولاد فلزندہ صاحب ارسلہ بولنا کسندہ ہند ک تقویضی معتبر و کلدر و بوب
بکرار طاہر اولاد و بر مکہ قادر اولور اجواب مقدمہ صاحب ارسلہ
معرفتندہ تقویض اولجی اولماز بجی افندی

زید صغیر ک با پاسندن انتقال بدن نار لاری وصیبی اولاد والدہ سی ہند
اذن صاحب ارسلہ بکرہ فراغ و تقویض ایدوب بعدہ زید صغیر نہ فوت اولد
حالا صاحب ارسلہ اول نار لاری صغیر ک محمولندہ آخرہ و بر مکہ

قادر اولور می اجواب اولماز علیہ السلام

ہند صغیر ہنگ زید و عمر ک مشترک بیمار لری اولاد فریبندہ نار لاری وصیبی بکر
یا ککر زید ک اذینلہ شو قدر راجعہ خالدہ فراغ و تقویض ایدو بعدہ زمانہ صغیر نہ فوت
اولدہ حال عمر و اول نار لاری ک بر مقداری ہند ک محمولندہ طاہر اولاد
و بر مکہ قادر اولور اجواب اولماز علیہ السلام افندی

اولور می

زید صغیر ک با پاسندن انتقال بدن نار لاری وصیبی اولاد والدہ سی ہند شو قدر راجعہ
بدل مشیلہ سنہ عمر وہ اذن صاحب ارسلہ فراغ و تقویض ایدوب بدلنی المدین
صغیر نہ فوت اولوب والدہ سی ہندی ترک اہل طایفہ ہند بدل مزبور می
عمر دون المذہ قادرہ اولور اجواب اولور علیہ السلام

زید وصیبی اولد یعنی عمر و صغیر ک نار لاری زراعت ابتدا کدہ قادر اولاد مغلیہ طاہر اولاد صاحب ارسلہ
آخرہ و بر بخوندہ بکرہ اذن صاحب ارسلہ تقویض ایدو بکر اذن سنہ نصر ہند نصکرہ عمر و فوت
اولدہ حالا صاحب ارسلہ اول نار لاری بکر ک الہیم الوب طاہر اولاد
و بر مکہ قادر اولور می اجواب اولماز اسعد افندی

ہند وصیبی اولد یعنی اوغلتک اوغلی عمر و صغیر ک نار لاری شو قدر راجعہ بدل مشیلہ سنہ
اذن صاحب ارسلہ بکرہ فراغ و تقویض ایدو بعدہ بدلنی المدین بر قاج سنہ مردندہ عمر و
حال صغیر نہ فوت اولوب ہندی ترک اہلسہ صاحب ارسلہ اول نار لاری عمر و ک
محمولندہ طاہر اولاد و بر مکہ قادر اولور اجواب اولماز

بوسورندہ ہند بدل مزبور می بکر ہذ المذہ قادر اولور اجواب اولور بہما علیہ السلام
زید صغیر نار لاری اذن صاحب ارسلہ بکرہ فراغ ابتدا کدہ نصکرہ زید صغیر نہ فوت اہل طایفہ
زید ک محمولندہ طاہر اولاد و بر مکہ قادر اولور اجواب اولماز

**فصل خامس فراغ مکرہ و فراغ مجنون
و وصی و فراغ سکران بیانندہ در**

زید تصرفندہ اولاد نار لاری و اما دی عمر وہ فراغ ابتدا کدہ صاحب ارسلہ اولاد بکر فراغ مزبورہ
مکرہ اذن و بر سے اذن مزبور معتبر اولور اجواب اولماز علیہ السلام

زید طاہر اولاد تصرفندہ اولاد جابر بر بنی مکرہ فراغ اہلسہ فراغ مزبور معتبر اولور اجواب اولماز علیہ السلام
ہند بدینی ایضا قادر اولاد زید عمر وہ تصرفندہ اولاد نار لاری بکرہ تقویض اہل طایفہ
قتل اید برین دیکل عمر و خوفندن اول نار لاری معرفت سپاہی تقویض اہل طایفہ
مذکور معتبر اولور اجواب اولماز بجی افندی

زید مجنون اولاد قدہ تصرفندہ اولاد جابر بر بنی عمر و زید ک وصیبی دکل اکین بکرہ بر مقداری راجعہ
بدل مشیلہ سنہ فضولاً تقویض ایدو سپاہی ہندی اذن و بر شش اول حال زید فوت اولوب
ولدی قائمادہ سپاہی اولاد بشر تقویض مزبور معتبر و کلدر رجہ اول جابر ک الوب طاہر اولاد
مجنونک فرزند اشندہ و بر مکہ قادر اولور اجواب اولور بجی افندی

طریقان با شندہ اولوب معنوه اولاد زید عنہی خالدہ تصرفندہ اولاد نار لاری
وصیبی اذینلہ اذن صاحب ارسلہ بکرہ فراغ اہلسہ فراغ مزبور معتبر
اولور می اجواب اولماز علیہ السلام

مزبناہ من الاشباہ فیصل اولور
5

اولور کمرہ علی بیج و نحوہ من العقود
کا اہانت و الوینہ فسخ اوامضی
من کردہ جامع الروا

هند و صبی اولدینی زید مجنونک نصر فنده اولان نارالاری شوقدر اقیه بدل مقابله سنده
 اذن صاحب ارضه فراغ ایدوب بعده زید افاقت بولمیدن بلا ولد فوت اوله
 صاحب ارض مجنونک نارالاری فراغ اولنماز دیوب زیدک محلولند
 اولمق اوزر اول نارالاری طابو ایله وبرمکه قادر
 اولورمی **ابجواب اولماز عجب عظیم افندی**
 جنون مطبق ایله جنون اولان زید نارالاسنی اذن صاحب ارضه عمرده فراغ و تقویض ایدوب
 بعده بلا ولد فوت اولمق طابو ایله صاحب ارض اول نارالایه عمرودن الوب طابو ایله
 آخره وبرمکه قادر اولور **ابجواب اولماز عجب عظیم**
 زید عمرده سکرا ن ولا بعضل ایکن نصر فنده اولان نارالاری اذن صاحب ارضه
 بدل مقابله سنده عمرده فراغ ایله معتبر اولور **ابجواب اولور عجب عظیم**

فصل سادس مرض مؤنه اولان فراغ بیبانه در

زید مرض مؤنه اولان نارالاری اذن سببا ایله بدل مقابله سنده عمرده فراغ
 ایندک نصره زید بلا وارث فوت اولور سببا ای اذنه نام اولوب اول نارالاری
 زیدک محلولند طابو ایله وبرمکه قادر اولور **ابجواب اولماز عجب عظیم**
 هند طابو ایله نصر فنده اولان نارالاری مرض مؤنه اذن سببا ایله بر مقدار اقیه
 بدل مقابله سنده اوغلاری عمرده بکوره فراغ و تقویض ایندک نصره هند فوت
 اوله حال سببا ای مرض مؤنه فراغ معتبر و کلدر دیو اول
 تکرار بندن تقویض ابلکت و بیک قادر اولورمی
ابجواب اولماز عجب عظیم افندی

هند مرض مؤنه طابو ایله نصر فنده اولان نارالاری زوی زیده اذن صاحب ارضه
 فراغ ایله کد نصره طحوز کون مورنده هند فوت اوله حال صاحب ارض
 اذندن رجوع ایدوب هندک محلولند طابو ایله وبرمکه قادر
 اولورمی **ابجواب اولماز عجب عظیم افندی**

فصل سابع فراغ تلا اذن بیبانه در

هند نصر فنده اولان نارالاری حق نصر فنی صاحب ارض معرفت زوی زیده تقویض
 ایدوب حجت اولوب بعد زمان هند فوت اوله عمر صاحب ارض اول نارالاری طابو ایله
 وبرمکه قادر اولور **ابجواب مجوز و کل صبر اولور اسعد افندی**

افندی یعنی بغیر اذن صاحب ارض
 و بعد کون نامیانش سلطان حقی
 او وقع انقویض بلا اذنه فوت اولور
 عنده المقتضی حقیقه صبر مقتضای حقی

زید نصر فند اولدینی بر لردن بر قطعه بری سببا ای اذنه حق نصر فنی آخره وبرمکه قادر
 اولورمی **ابجواب سببا ای اذنه وبرمکه کدر حاد افندی**
 زید نصر فند اولدینی نارالاری زینه سببا ای اذنه سببا ایله طامی بلا ولد فوت
 اولدنده سببا ای و زینه سنه قلع ایندک نصره اول نارالایه الوب آخره طابو ایله
 وبرمکه قادر اولورمی **ابجواب اولور بحسب افندی**
 زید نصر فنده اولان بر قطعه نارالاسنی سببا ای معرفت عمرده تقویض ایله
 تقویض مزبور معتبر و کلدر دیو اول نارالاری کور عمرده کد بدندن
 المغه قادر اولورمی **ابجواب اولور**
 زید نصر فنده اولان بر قطعه نارالاسنی سببا ای اذنه بوغیکن عمرده تقویض و سلیم
 ایله بعده سببا ای استماع ایندک اول نارالایه عمرده الوب آخره
 تقویضه قادر اولورمی **ابجواب اولماز بحسب افندی**

زید نصر فند اولدینی نارالاسنی عمرده سببا ای اذنه تقویض ایدوب بعده عمره
 اول نارالایه معرفت سببا ایله زیدک حصونه بکوره تقویض ایله تقویض مزبور
 معتبر اولورمی **ابجواب سببا ای زیدک عمرده عمرده کد بکوره**
 تقویض ایله اذن وبرمکه قادر اولورمی **بحسب افندی**

زید نصر فند اولدینی نارالاسنی سببا ای معرفت عمرده تقویض عمرده و شی اوزرینه باغ
 غرس ایله طابو ایله زید تقویض مذکور صحیح و کلدر دیو اول عمرده غرس ایندکی کور می قلع
 ایندک بر دیو نارالایه بدندن المغه قادر اولورمی **ابجواب سببا ای**
 اذنه غرس ایله اولورمی **بحسب افندی**

زید نصر فنده اولان بر قطعه نارالاسنی عمرده صاحب ارض معرفت تقویض ایدوب
 بعده زید فوت اولوب صغیر اوغلی بکری ترک ایندک بکری بالغ اولور نارالاری عمره
 نصر فند ایله طابو ایله کور بالغ اولدق با با مکت تقویض معتبر و کلدر دیو اول نارالاری
 عمرودن المغه قادر اولورمی **ابجواب اولور بحسب افندی**

زید بر قطعه نارالاسنی معرفت صاحب ارض بوغیکن عمره بر مقدار اقیه بدل مقابله سنده تقویض
 ایدوب بعده زید بلا ولد فوت اولوب صاحب ارض حق تقویض معتبر اولنماز سببا ای نارالایه عمره
 الوب آخره تقویض ایندک عمرده زید وبرمکه کد بدل تقویض ترک سنی فیض ایدوب
 ورشده دن المغه قادر اولورمی **ابجواب اولور بحسب افندی**

سندی فی ارض غیره غنما اولور می
 کور کد امر صاحب بالقطع ای قلع
 اینا اول شهره الزامی زه ارض
 فارغه الی الماکت ولو کانت القبره
 اکثر من قوتته الارض من غنما سنان

وقه شیشا ایس بوغیکن
 و باقی مسئله معلوم تا متر الا صبره

مراقبت الورد انفا من اضره
بعلاوة

زید نار لاسنی عمروه تفویض ایدوب حاکم جت یا زور و ب ما بیند بگر می سنه مرد
ایسه صاحب رضه اذن التماسه حالاً زید بلا ولد فوت اولد قد صاحب رض
اول نار لایه زید کن محلوله نماط پو ایله وبر که قادر او کور ایدوب اولور
زید نصر فنده اولان نار لاسنی عمروه فراغ ایدوب جت بند رسه کن اذن سپاهی بکلی
فراغ مزبور معینه اولور می ایدوب اولماز عجبیم
زید نصر فنده اولان نار لاسنی شو قدر آنچه بدل مضایقه سنه فراغ ایدوب کن اذن سپاهی
بولندین زید بلا ولد فوت اولد قد سپاهی زید کن فوتد نصکره فراغ مزبور ایدوب اذن
وبر که حالاً سپاهی بگردنمک التماسه دیوب اول نار لاسنی زید کن محلوله نما
طابو ایله وبر که قادر او کور ایدوب اولماز عجبیم
زید نار لاسنی بیمار ی ارضینه نماط پو ایله نار لاسنی نصر فنده ایدوب اول فرزند
صوباشیلغنی عمروه التماسه ایله ایدوب بعد اول نار لاسنی اوغلی بکره مجانا تفویض
بعد اذن صاحب رض بولندین بکر بلا ولد فوت اولد قد زید نار لاسنی کال اول
صنطه مراد ایدوب که سپاهی بکر کن محلولدن تفویضه قادر
اولور می ایدوب اولماز عجبیم افندی

مراقبت الورد بعد اذن
اذن صاحب رض
سنه

زید نار لاسنی عمروه شو قدر آنچه بدل مضایقه سنه فراغ ایدوب و بدل مزبوری فیض
ایدوب کن صاحب رض اذن بولندین زید بلا ولد فوت اولوب صاحب رض نار لایه
آخوه تفویض ایسه عمروه بدل مزبوری زید کن ترک و آنچه سنه فیض ایدوب و زید سنه
المغه قادر اولور می ایدوب اولور علی افندی

فصل ثامن تفویضه ما ذون اولانک

او ذنبله یا زیلان فراغ بیانده در

زید سپاهی بیمار ی و آخلنده محلول اولان نار لاسنی طابو ایله وبر که وکیل اولان
رسم طابو ایله شلندن نقصان فاحش ایله بکره تفویض ایله حالاً زید بکره
رسم طابو ایله مثلنی تکمیل و آلا آخوه وبرم دیکه قادر
اولور می ایدوب اولماز عجبیم افندی
زید زعیمت زعانتی فریسنک ملز می اولوب محلوله تفویضه ما ذون اولان عمروه اولان
ارضینه محلول اولان نار لاسنی طابو ایله بکره تفویض ایدوب که نصکره
زید بکره الویه آخوه تفویضه قادر او کور ایدوب اولماز عجبیم

او کور ایسه بجز زید به باقیل و کثیر
عنه بجه و قال ایدوب زید به بنفص
لا یفاین فی سنه و کالاً الهیکله
افندی طابو ایله

وقد مران تصرف الفندل بنفص
بنفص له النفص

زید سپاهی بیمار ی فریسنک صوباشیلغنی عمروه محلوله تفویضه ما ذون اولان فرید
ارضینه محلول اولان نار لاسنی بکره تفویض ایدوب بعد زید بکره اولدین عمروه فوت اولد
زید اول نار لاسنی بکره الویه آخوه تفویضه قادر او کور ایدوب اولور عجبیم
ارضی امیریه هم بر مقدار بر لری امر ایله تفویضه ما مور اولوب این اولان زید
بعض کمنه لر سنه ده شو قدر آنچه مفاطعه ایله بجا ایدوب اول بر کر کن اوز لر بر نه
نفسله بچون زید کن او ذنبله دکا کین بنا ایدوب نصر فنده ایدوب اولوب برینه
بشر این اولسه و اول کمنه لر بر فراغ سنه دکا کین مفاطعه لرینی جانب میبری به
وبر ماشن اولسه لر حالاً بشره و مثلنک بجمع اولان مفاطعه به اول کمنه لر
بالتام المغه قادر او کور ایدوب فیضه ما مور اولوب اولور عجبیم
زید سپاهی بر محلول نار لایه عمروه طابو ایله تفویض ایدوب بعد صوباشیلغنی ایدوب
تفویضه ما ذون اولان بکره و فی طابو ایله آخوه وبر که زید ایله بکره کن
ققنک تفویض معینه اولور ایدوب زید کن تفویضی
زید شو قدر قطعه معین و محلول اولان نار لاسنی صاحب رضه نماط پو ایله عمروه وکیل
ایدوب که نصکره عمروه اول نار لاسنی نفس بچون طابو ایله مثیلده تفویض ایله حالاً زید
طابو ایله مزبوری عمروه وبروب اول نار لاسنی صنطه قادر
اولور می ایدوب اولور عجبیم افندی
بلا ولد فوت اولان زید کن سنخی طابو ایله معین نار لاسنی والده سی بند طرفندم
تفویضه عمروه وکیل ایدوب که عمروه اول نار لاسنی بدل مثیلده بچون تفویض ایسه
اول نار لاسنی ایله عمر و ک قققنک را بکره سنه که عجبیم
زید سپاهی بیمار ی فریسنک صنطی عمروه سپارش ایدوب که نار لاسنی محلول اولد قد این
وبر دیکینی وبروب رسم مثیلده تفویض ایله دیوب بنیسه ایدوب که نصکره بر نار لاسنی محلول اولد قد
عمروه طابو ایله مثیلده طابو ایله و لندر و بر میسب بکره مجانا تفویض ایله طابو ایله
طابو ایله وبر که قادر او کور ایدوب اولور عجبیم
زید سپاهی بیمار ی فریسنک ملز می و صوباشیلغنی اولوب محلوله تفویضه ما ذون
اولان عمروه اول فریده محلول اولان نار لاسنی طابو ایله مثیلده زید ایله اوغلی بکره تفویض
ایسه حالاً زید بن عمروه تفویضی طونم ایدوب اول نار لاسنی بکره
الویه آخوه تفویضه قادر او کور ایدوب اولماز عجبیم افندی

رول و کل برید بشره شیلی ایسه
ناشته آه او کور ایسه لایحه
سنه و کالاً انفا

او کور ایسه با بیع اذنا و ایسه
بل بیع سو قونا علی عیارة الماکک
سنه و کالاً انفا

فان کان بکثر من البیعه بجز
سنه ایسه

ارض مير که ارض جوز و مملکت در تصرف اولان رقبه سنه مالک و کلدر رقبه سی
 بیت الما کدر رعایا به تقویض اولان اجاره طریقیه حق قرار و تصرف رقبه سنه
 مالک و لما دتلی ایچون نه موردش اولور و نه بیع و نه رهن و نه شفعه و نه بیع و نه قبی
 صحیح و ذکر اولنا نکرک برسی شرعی و کلدر کلینا باطلدر بابا سی کبی اجاره و بیع و انکار
 جائز و اولاد و کور بابا سی کبی تصرف بدرجبت لقانون اولاد و کور
 ملک موردش کبی اعتبار اولمشدر کسسه دخل ایده مز
 بو صورتش عمر و ک ارض مذکورده قطعاً علقه قریبی بو قدر نه شرعاً و نه قانوناً بیع بریده
 تصرف قادر و کلدر من قسام الاراضی و احکامها الشیخ الاسلام ابن کاکر
 و المولک ابو السعود علیهما رحمته الملک الودود
 و عدم جوان بیع اراضی المملکة مذکور فی زکوة خزانه الفتاوی من انکرمانه
 فی کتاب احکام الاراضی
 بر ارض غایبه میر تبه کسسه تک تحت تصرفه اولیوی بکرمی اولور کسسه مقداری خالی اولور
 بیت الما ضبط اولیوی بیت الما لیبنی اولان زید عمره ثمن معین بیع ایدکد نصرکه
 خالد بیع اولنا ن ارض با که بابا مدن ارثله انتقال بیع ملک موردش و بود دعوی
 ایدوب لکن حین بیعده و تسلیم بیعده عالم ایکن سکونتم غیر مدت جمانده بابا سی
 ارض مرقومه بی بندر چو تصرف ایشوی و اصلا لکنده بر ملک نامه لری اولیوی
 مزبورک دعوی اسی استماع اولور جواب اولنار
 و آرث مال موردش و عواستنده مشاغل و کلدر ملک خلیفه در بابا سی بندر چو تصرف اولما بیع
 استخلاف اولنا زید کبی دعوی لغو و باطلدر بابا کور مانده تصرف اولدیغی لغو برجه حین سکونتم
 ارض مرقومه بندده و تصرفه ایدیکت شاد لکر ک حتی دعوی و آرث ثبوت بوله و الالبیه باطله
 اولور بومر تبه ثابت اولور کور ماضی نیه و نه مفید و کلدر ارض میر تبه شرعاً موردش اولما بر ک
 بیت الما کدر بیعده و دعوی اسی باطله و در خصوص دعوی مزبورک عالم ایکن حین بیعده سکونتم ارض سینه
 حقی و لما بیعده قرار و بعد اذ دعوی اسی شرعی مرقومه تصدق ضرر و بیس محض ایدیکم یوم بدو شهر
 و نه بیس بخت اولدیغی لیلکه بدرجه اجلی و اظهار در التفات و استماع اولنا من کر کدر
 بعض بذاتہ تخیض ایجامع الکبیر الخلالی و بعضه من شهادت الاهدایة و الوفاة و غیرهما
 و بعضه من رساله الاراضی للعلامة ابن کمال پاشا و بعضه من بیع جوز و انکار
 و من دعوی حاکم المینیه و فوائد الفقهاء و کتاب الکتب و الفتاوی و انکرمانه

سیاحت بطله بیع ارضی و بیع
 بعد از بیع و ارضی من انکرمانه

زید دمی تصرفه اولان بر مقدار ارض میر تبه صاحب ارض اذ تصرفه زید ایشی اولور دمی ایشی
 بیع و تسلیم ایدوب ثبوت اولور جو آرنده اولان مسلمانان بر مسلمان طالب اولوب
 صاحب ارضندن طابو ایدمق استند که ذوالید اولان دمی انک و بر دیک طابو اید
 صاحب ارضنه و بر رکن اکبر و بر میوب اول مسلمان و بر مکة قاد و کور جواب سینه
 نارنجنده ارض میری تصرفتک ماد انکه قریبی اولوب ایل و بر دیک طابو اید و بر و
 طالب اوله اجنبی به طابو اید و بر لیه جو من الامام ارض در الی الان حکمی جار بدر
 فسخ اولنا مشدر و حضرت امام ابو یوسف رحمه الله بارون ارشیده باز دینی رساله ده
 و بیس الامام ابن بیع شیبنا من ید اهد الابی ثابت معروف بو رنده ایدی کر
 قریب و آخذ اولور ایدی بدینم ارضه بیع بر سینه بر کور غیره و بر لیا
 زید بر شهیرک ایچده بابا سندن میراث و کن دکان برینی عمر و امینم طابو اید
 زید ملکدر جو عمر و ک الذین المغه قادر اولور جواب اولور شهر لیه اولور بر ملک صحیح
 موردش اولور ملکده طابو اولما ز طابو خارج شهرده اولور ارض جوز
 و مملکتده اولور تصرف اولیوی من انکرمانه فی الاراضی
 زید ثبوت اولدند تصرفه اولان ارض میری صحیح اولور اولاد و کور بیع بقانون
 ارثله انتقال ایدم بر ضرر و صیدری بر نار لالین برینی عمره بیع ایشی و بیع اولنار
 اشته ایدم ملکدر جو تصرفی جائز اولور جواب اولما ز ارض میر تبه
 رقبه سی بیت الما کدر رعایا به تصرفی تقویض اولمشدر
 نه بیج صحیحدر و نه ملک اولور سینه شهیر و
 بو صورتده اول صحیفه منکرک ذکر اولنا بر لکر بیکه بر قریب بابا سی اید مشاع و مشاع کدر و صیدری باطله
 بکر اجنبی بر سینه زراعت ایچون اجاره به و بر سینه بکر بر سینه ایدکد نصرکه بن و درت سینه زراعت
 اجاره به ادم و کور ارض سینه زراعت قادر اولور جواب مشاعی شهر بیک غیر ارضی بر اسی
 اجاره جائز و کلدر حضرت امام اعظم قنده و الفتوی علیه من باب اجاره الفاسده
 من اجارات الخانیة و من الاجارات الخانیة انما کتبه کتاب فی الاراضی
 بو صورتده بکر بیع مذکور کر نار کلا امینم طابو اید سینه بیع نار کلا بکره المغه قادر اولور لری
 جواب صحیفه غنه بار و نه نصرکه اسی برینی بر کیمک انده بولور سینه طابو اید لری
 صحیفه حکم اولور کند و هر طابو اید نماز مکم و نماز مسالین عثمانیه عرته شکر و نقد احکام
 فی الربع المسکون الی یوم النیام ایدین بونک اوزر سینه در نه محل المزبور

سینه شان و شانین و شانده
 مرحوم و مشهور در سلطان و در حضرت
 سال و در دن بوننا نره طابو اید
 الا قرب خالو قریب بر ارض شرعی سلطه
 اوزر ایل و بر دیک طابو اید و بر لیه
 اجنبی به بر لیه جو سینه ایدمشدر
 من ارضی انکرمانه

اولا اجاره المشاع انما لکرک
 و خالو بیع اجاره المشاع من لکرک
 و غیره و هو قول الشافعی
 من اجاره الفاسده من ایشی
 الا صلح کابین کال اوزر

بر سر حد و اهل اسلام اولان قلعه تک برقبوسى و اخلاص فتح ما فائده بر جزئی خالی بر این قبو
 العیاض بانه دشمن کستولی اولور کسه قیو با ننده بر مقداد آدم جمع اولوب جنگ ایستخ دیو
 بعد الفتح یوز سیدیم زیاده بو حال اوزره طور رکن زید اول بری قابلد رجه طاپولیس اوزرینه
 بر آوا هداث ایدوب با یوب اول مصلحت فوت اولمغله ضرر عام اولد بقیه غیر اول
 قیودن اشلیان سلمانه با خصوص مو با شیان دخی انوروب صغیر کبر طریق فائده
 مضایقه اوزر اولوب بو وجهله ده ضرر عام اولسه قلعه تک زرد آری زیده اول هداث
 ایندیکی بنایه بالکلیه بقدر بود اولکی وضع قدیمی اوزر ایندک فادر اولور **اجواب**
 زیدک طاپوسى لغو و باطلد شهر اچینده مخصوصا قلعه ده اولان بر لملک فاس با حق عامه
 تعلق ایشملک عام با وقفه طاپوشهرک و فاس تک در رسنده اولور
 خالی بر زور ارض میری صحر آرد اولور
 زیدک اهداث ایندیکی بنا تک ناسه ضرری و آزاره اصلا بنا سى جانزد کلد بر او کمرى اولیس
 یابدی جگه زرد آرد اوزرینه اول بنایه بنیق وضع قدیمی اوزر خالی بر لملک و آجدر دیم
 امور قلعه که مفوضدر زرد آردن غیرى هر کس کرک مسلم کرک ذمی کرک عجب دخی نغمه فادر در
 خصوصاً وجه شرع اوزر ضرر عام اوله وضع قدیم اوزر ترک اولنق
 واجب ایکن تغییر اولنه انکرمانه من کتاب اجبار الموات
 زید تصرفده اولان زراعت اولنوب حریملی و اغابلی برینى سپاهى معرفتسه عمره بیع ایلعه و
 دخی اول برى الوب تصرف ایدرکن بعد سپاهى معرفتسه بیع اولنه بر لملک بیع فسخ اولنه
 و بو حکم با کوشای و آرد اول سپه ساسی ردل عمره بیع ایندیکی مذکور حرمسیدله زراعت اولنوب
 یعنی فسخ ایلدکه زید فوت اولش اولنه اول غلی فالیس قری و فرزنداشی اولنک اولنق
 فالشرعاً ذکر اولنایر فقتسه زرد اولنوب **اجواب** بشرطه زرد اولنایر اجمالی کار
 زید تارکاسنی سپاهى معرفتی بو عجبکن عمره بیع ایلعه شرعاً صحیح اولور
اجواب بیع صحیح اولماز
 زید فوت اولوب او غلی ایلعه قزلرینی قویسه زید فر بوردک اونوز بیکت آنچه
 قیمت او اثر بنا لریده و چابرو تار لاری بر قیاج فقتلکلی قالسه مذکور جفت کلکری
 قیمت طونلوب شرعاً قزلره دخی حصه اولور **اجواب** زیدک بنا لاری و باغ و باغچاری
 و حیواناته و آرايه جمله و زنده سنه ذکر وقف تار لار
 و چابرو میراث اولماز متولی دیلرسه و برر

زید تصرفده اولان ارض میری یه سپاهى معرفتسه عمره صا توب حجت و کرسه شرعاً
 حجت مزبوت معمول بها اولور **اجواب** اولماز
 زید تصرف اولد بخی ارض میری یه معرفت سپاهیه عمره و برسد حق قراری اچون عمره ک
 بر مقدار مالنی الوب حد و دین تعیین ایدو عمره تسلیم ایلد بخی معرفت سپاهیه
 نیجه مدت تصرف ایندک نصکره زید کلوب ساک بیع ایندیگم زده حصتم
 و آرد رجه کوی المغه فادر اولور **اجواب** اولماز
 زید طاپو ایلد تصرف اولد بخی مزعده سنک یعنی صحیح ظن ایدو حجت و برسد عمره نیجه مدت
 تصرف ایندک نصکره بیعی صحیح و کل ایش و یوب عمره آنچه سن و برسدینه
 مزعده سن المغه فادر اولور **اجواب** سپاهى ائده در اولتعود
 اولاد و کوری اولیمان زید متوفاتک بر لری دخی اچون بیع اولنق جانز اولور
اجواب اولماز ملکی اولیس ارض بیت المال ایه بر لملک
 زید تصرفده اولان برى سپاهى معرفتسه عمره بیع ایدوب عمره اول سنه تصرف
 ایندک نصکره زید فوت اولد قس و زنده سى فر بورد برى عمره اولنق
 فادر اولور **اجواب** اولماز اولتعود اولنق
 زید سپاهى معرفتسه میری برینى بیع ایلعه شرعاً بیعی صحیح اولور **اجواب** سپاهى
 قبول ایلماسه ائده در بو صورتده سپاهى معرفتسه میری
 برکن بیعی صحیح اولور **اجواب** اولماز سعده ائدی
 زید ایلد فرزنداشی عمره بورد ایشترک منصرف اولد قری مزعده تصرفات ایدوب
 عمره حصه سنی اخیره بیع ایندکه زیدک ایشتمای ایل و بر دکنی و برسد المغه
 فادر اولور **اجواب** اولور محمد بنده مان
 زید وفات ایندکه قری سنده اخرد بارده بولنوب زیدک ارض میری اوزرنده
 باغ و باغچه کسانر منقولانده سنده حصه کسین اچانده عمره بیع ایلعه بعد بیع فر بورد
 صحیح و کلد رجه فسخه فادر اولور **اجواب** اذن صاحب ارضله
 نفویض ایشیک اولور سعد الدین ائدی
 بلا وارث فوت اولنم زیدک ارض میری اوزرنده مخروس اولنم بر لملک باغنی ایلن بیت المال
 عمره بیع و تسلیم ایلدکه صاحب ارض عمره اول باغک برینى بنده ندم نفوس ایلد
 و الا اخره طاپو ایلد و بررم دیکه فادر اولور **اجواب** اولماز عجبکیم

مراتبنا سبب قبل الوترین
من الرعايه

ارض میری سپاهى اؤنقر اولنق
معادلت بالکلیه باطلد
من احکام اراضى الخیریه
ابولتعود

رجل تصرف ارض ازمیرنه
ثبت ارض ائدر و نه
منه ائده سنی ائدر

سعده ائدی ارض
معرفتسه قیده حاجت بوند
انقاع اولد ارض
میرکایه بیعه فادر
خبره تک ناسه
ارض ایلد
بیت المال
لهاده تصرف
بیت المال
فوتدن سنیان
مذکور بیعه
فوتدن اولد

برقریب از بنسند طاہر بولہ بر مقدار نار لالہ زید تصرف ایکم زیدک اوغلی عمر داول پیر
 سپاہی اولوب بعد زمان فوت اولوب عمر دی ترک ایندکده اول نار لالہ بام زید
 انتقال ایلدی چو ضبط مراد ایندکده اہالی فریب سپاہی ہستی نار لالہ تصرف اینک جائز و کل
 اول نار لالہ زیدک مخلو لندہ بزہ طاہر بولہ شلیلہ نفویض ایلدی و بو
 جبرہ قادر اولور کور **اجواب اولما زلر عجبیم**

فصل خیاریت و استحقاق
و تغیر و عین فاحش بیانندہ در

زیدک تصرفندہ اولان نار لالہ عمر داور مدین سپاہی معرفتیلہ بدل معین مقابله سندنہ
 نفوض و دفع بدل ایدو بعدہ اول نار لالہ کور بول بکنیمیک قبول ایتیمسور و بوردکی بدل
 استردادہ قادر اولور کور **اجواب اولما زلر عجبیم افندی اولور ظ**

ہند زیدک طاہر بولہ تصرفندہ اولان نار لالہ کور مدین اذن صاحب رفسلہ
 نفوض ایلدی کد نضکرہ حال ایندک کور مدین نفوض مزبور ی فسختہ
 قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم افندی**

زید عمر داک تصرفندہ اولان نار لالہ کور مدین شوقدر اقبہ مقابله سندنہ اذن صاحب رفسلہ
 عمر دون نفوض ایدو بعدہ واروب اول نار لالہ کور دگدہ بکنیمسور
 خیاریت ایلدی عمر دہ رذہ قادر اولور کور **اجواب اولور کذا**

زید عمر دون صاحب رفسلہ بدل معلومہ نفوض ایلدی کی نار لالہ تصرف
 اوزرہ ایکم خارجہ بکر بر قطعہ سی بندر دیور زید عمر دعوی و بعد الاثبات و احکم
 بدندن اخذ ایلدی حال زید بکر الی یعنی بر قطعہ نار لالہ بدل نکدویم
 فسطحی مقویین تخمین ایندی کی اوزر عمر دون رجوع و اخذہ

قادر اولور کور اجواب اولور عجبیم افندی

زیدک عمر دون سپاہی معرفتیلہ نفوض ایندی کی نار لالہ استحقاق ایلدی زید عمر
 اولدندہ زید عمر و بوردکی رسم نذکرہ بے عمر دون استرداد
 واخذہ قادر اولور می **اجواب اولور**

زید تصرفندہ اولان نار لالہ سنک ہی تصرفنی معرفت سپاہی بکرہ نفویض ایدوب
 مقابلہ نفویضندہ زید بر مقدار اقبہ الوب فوت اولدی بعدہ ورنہ زید دعوی عین
 ایدوب ذکر اولسان نار لالہ بکر ہنر المنعہ قادر
 اولور می **اجواب اولما زلر ذکر تا افندی**

زید تصرف اول یعنی باغچہ سنک شجاری ملتفہ اولما مغلہ السنی زراعت ایدو حاصل
 اولان محمولک عشرتی سپاہی بورد بکرکن زید فوت اولدندہ اولاد کوری اولما مغلہ
 سپاہی اول بری طاہر بولہ عمر و بورد عمر و تصرف مراد ایندکده زیدک قزلی
 بابا مزدن بزہ انتقال ایتیمسور ملکہ در چو عمر دی تصرفن سنعہ قادرہ
 اولور می **اجواب ارض میری اولوب مفاطعہ مجتہسی**

بوغبہ طاہر بولہ قزلی بندہ و بر بلور عجبیم افندی

زید فوت اولوب تصرفندہ اولان بر لری و چا بر لری اوغلا زیدہ انتقال ایندکده زیدک
 قزلی اول بر لردن و چا بر لردن بزونی حصہ الوزر دیکہ قادرہ
 اولور می **اجواب اولما زلر عجبیم افندی**

زیدک حصار ایلچندہ و آفیع ملک منزلی خراب اولدندہ زید برینی زراعت ایدوب
 بعدہ زید فوت اولوب قزلی و حصہ وارث اول بری ملکیت اوزر ضبط
 ایندکده سپاہی زراعت اولمغلہ طاہر بولہ سنک اولور چو طاہر بولہ
 و بر مکہ قادر اولور می **اجواب اولما زلر عجبیم افندی**

بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک تصرفندہ اولان نار لالہ سنک صاحب رفسلہ طاہر بولہ
 و بوردک نضکرہ اول نار لالہ ایلچندہ اولان شجاری عمر و غیر عمر بے ورنہ بے ضبط ایند بورد
 اگری دخی طاہر بولہ و بر مکہ قادر اولور کور **اجواب شجاری**

زیدک ملکی اول یعنی اولما زلر عجبیم افندی

زیدک تصرف اول یعنی باغچہ سنک شجاری ملتفہ اولما مغلہ السنی زراعت ایدو حاصل
 اولان محمولک عشرتی سپاہی بورد بکرکن زید فوت اولدندہ اولاد کوری اولما مغلہ
 سپاہی اول بری طاہر بولہ عمر و بورد عمر و تصرف مراد ایندکده زیدک قزلی
 بابا مزدن بزہ انتقال ایتیمسور ملکہ در چو عمر دی تصرفن سنعہ قادرہ
 اولور می **اجواب ارض میری اولوب مفاطعہ مجتہسی**

زیدک حصار ایلچندہ و آفیع ملک منزلی خراب اولدندہ زید برینی زراعت ایدوب
 بعدہ زید فوت اولوب قزلی و حصہ وارث اول بری ملکیت اوزر ضبط
 ایندکده سپاہی زراعت اولمغلہ طاہر بولہ سنک اولور چو طاہر بولہ
 و بر مکہ قادر اولور می **اجواب اولما زلر عجبیم افندی**

بلا ولد ذکر فوت اولان زیدک تصرفندہ اولان نار لالہ سنک صاحب رفسلہ طاہر بولہ
 و بوردک نضکرہ اول نار لالہ ایلچندہ اولان شجاری عمر و غیر عمر بے ورنہ بے ضبط ایند بورد
 اگری دخی طاہر بولہ و بر مکہ قادر اولور کور **اجواب شجاری**

زیدک ملکی اول یعنی اولما زلر عجبیم افندی

انما بطریق ادارت او و ذکر و عمر دہ
 قلوب و کور و لیبین قزلی بوردکی
 طاہر بولہ و بر بیکت اوزر و بر لالہ
 امر اولمغلہ رالی چو ایلیم بونظ
 عمل اولنور من بکر مانع

خیاریت از بنسند طاہر بولہ
 و باقی بنسند سنک الی شرط قزلی
 کون لالہ و قبلہ طاہر بولہ سنک
 در استحقاق شرح الملتقی

من استحقاق مال برہ جائز و از رذہ
 اذکارہ مشفق الامیر

نار لالہ کور مدین
 فیستہ المشرک المثلین من ایلچ
 سنک ایلچ قزلی

لا یزید عین ناحتش فی ظاہر زید
 و یشتی بالزوان غیرہ و آقا
 سنک اقسار فی الاربعہ

ترتیب اولی از مندرج الفهار
بعلاوه

باب هشتم در عواید بعد از آزاره
با استیفا از منافع کانت
علماء و فاضلان و اولاد مستحقین
جستگاری و انقضای کالیف
مع اقرار با استیفا و غیره از آن

بند نازلاری زبده تغزیر و غبن فاحش ایلد اذن صاحب ارضه فرغ و نفوذ بیض ابراطالا
بند نفوذ بیض مزبور تغزیر و غبن فاحش اولد بغنی اثبات اید بیکت الی بغنی بدلی زبده زده
ایدوب نازلاری منبیطه قادره اوکوز **ابجواب** اولور

زبده نازلاری اذن سپاهیلده شوقدر راجه متفکیر شده عزمه فرغ و نفوذ بیض ایدوب بدلی
الده قد نصکره مالاز زبده فرغ مزبور تغزیر و غبن فاحش ایلد اولمش در دیو صاحب ارض
حضورت دعوی و تغزیر و غبن فاحشی اثبات اید بیکت بدلی عمره زده ایدوب
نار کاسنی عمرودن المغه قادر اوکوز **ابجواب** اولور علیهم

زبده عمره ایلد مشایعت اوزر منصرف اولد نعلری نازلاری اذن سپاهیلده بیلزده قسمت
ایدوب برده هر بری تماماً حصه می ادم جو اقرار ایلد لر عالمه و نیم حصه مد غبن فاحش واقع
اولمش در جو دعوی ایدوب جموعه اوکوز **ابجواب** اولماز علیهم

اونچی باب تملیک و بهیه بیانشده در

مردوم سلطان محمد خان علیه الرحمه الغفران زبده بر قطعه بری تملیک ایدوب بعده
زبده فوت اولوب اولغلری عمره و بکره انتقال ایدوب نیجه سنه تصرف ایدوب
دفتروه دخی ملک و دو مقید ایکن مال سلطان بایز بدلی متولیبی عمره ایلد بگردن
وقف بر در جو مفاطعه المغه قادر اولور می **ابجواب** دفتروه

ملک نامه موجب بقید اولند بیه اولماز

بوصورت مع سلطان محمد خان تملیک ایدوب بکنه شامع ایلد شهادت ایدان
کمنه لر عادلاز اولیچ شهادت نعلری استماع اولور می **ابجواب**
دفتروه ملک بقید اولیچ شهادت حاجت اولماز

زبده متوفانک منصرف اولد بغنی میری لرلی هند ایلد زینب طاهو ایلد ایلد ایلد بعده
هند زینبی عمره نکاح ایلد و بروب بزودن حصه سنی نصفنی سا که جهاز ایدوب
و نصفنی دخی سنگ اولمش بکره بهیه ایدوب دیو زینبه و بر که قادره

اولور می **ابجواب** سپاهی معرفت اولماز ابو السعد

زبده ارضی میرتودن تصرف اولد نار کسنگ اطرافنی اولد ایلد ایلد ایلد سپاهی معرفت
میوه اشجاری غرس ایلد باغچه ایلد بعده زبده فوت اولد قد سپاهی مجرد ولایت
تخریرند نصکره باغچه اولمش ملک اولیچ ارضی کبی طاهو بستی اولور جو اول
باغچه طاهو ایلد و بر که قادر اوکوز **ابجواب** اولماز بچی خنک

زبده ارض میرتودن تصرف ایلد بکی حصه شکر که شایسته سنی قبل الاقرار قری اوغلی عمره
مسلمان حضور زبده بهیه و تملیک ایدوب بدینه اسکی بچی و بروب بکیده بر حجت بچی و بر
زبده فوت اولد قد نصکره اوغلی فالما سه غیری وارثی زبده بیه مومه سی مقبول
دکلدر دیوب میرا شه اذخاله قادر اولور لر می **ابجواب** زبده بیه سی راسا صحیح
دکلدر ارض میری حوز و تمکله بر ارض میری و بمکله مشهور در رقبه سی بیت الماکدر
منصرفت دکلدر نصرفنی ایلد طریقیله در و زبده ملک اولمسان بشی بهیه ایلد سی باطلد
و دخی مشاع و مقسومی قبل الاقرار و التسلیم بهیه سی صحیح دکلدر ارض مشاع و مقسوم قسمند
بهیه صحیح اولما بغنی کبی ارض میرتودن ارض دخی صحیح دکلدر ارض مشاع اولد اوکوز
طاهو انیسو ملک موروث کبی نصرفی تجوز اولمش در وارث اوغلی اولیچ طاهو ستر
تصرفه قادر دکلدر در تکلیف که میرا شه اذخاله قادر اولد لر

کذا افاده الشیخان الامان و کذا افکرمان

بر دیارده اولان چهار ارضی طرف سلطنت علیه دن زبده و زینبه اشترک
وجه شرعی اوزر تملیک اولنوب زبده و زینب اشترک اوزر تصرف ایدوب لر کن
زبده فوت اولوب لاپورن فرزنداشی زینب مزبور به ترک ایلد که زینب
اول نیاردن زبده حصه سنگ ارضی سنی مستغله منبیط ایدوب زبده لاپورن غنی
بکره چهار مزبور ارضی سنه حصه سن منبیط ایدوب ماکله قادره

اولور می **ابجواب** تملیک صحیح بولنور سه اولماز

زبده متوفان اوغلی عمره ایلد قری هند انتقال ایدوب بر قری راس اوکوز لر و بهیه تیموری
و شوقد اربغ ایلد عمره هندک اذ نسنه کنده نازلاری اول اول اوکوز لر
وصبان تیمور لر بله زراعت ایدوب اول بغد ایدن شوقد لر کبیل تخم ایلد بعده
عمره شوقد لر محصول تحصیل ایلد که هند عمره اول محصوله با که
حصه و بر و بکره قادر اوکوز **ابجواب** تخم حصه سن الور

بر سپاهینک رعایا سنه اولان زبده تحت تصرف اولان بر لر زنی زراعت قادر
اولیچ بیه زراعت قادر اولمسان عمره و بر با شنده نهایت ایکی باشنده
صغیر اولمش بهیه طریقیله و رد که نصکره زبده فوت اولد سپاهی نکلور بری ایلد
آخره طاهو بیه و بروب زراعت و حراست ایدوب مکه قادر
اوکوز **ابجواب** اولور سپاهی بری تملیک قادر دکلدر

سئل عن رجل استأجر أرضاً من
فده معلومه ثم بدلتها بغير
استئذان من المالك فاستأجرها
نعم لا يفسخ الا بارة بذكر
من قسماوی اینجیم کذا فی نقل
منه ابار است

و ما یصلح بهر تقدیر فی حکام و بیاد
فیترقی فی وقت حال بسفح العین
بجزه جت و جدت و تنقلیه و استقامت
و ترجیح الی ابجازه فی کل حکم
خبر فی الحسنة

فصل ثانی اثر بنا فالیبوسه مقاطعه سی و برینا سیانده در

بروگرمین او جاغنه منصرف اولان زید و گرمین خراب اولمغله بر قاج سینه سپاهی
مقاطعه سن و بر ماسه حالک سپاهی مقاطعه سنی و بر اوگرمینک و گرمین او جاغنی
طا بو ایله و بر برین و بکله قادر اوگور **ابجواب اولور** بچی افندی
زیدک بیماری طبر اغنده اولان و گرمین خراب اولوب اثر بنادون بر شیبی فالیبوسه
مالکی اولمغله گرمین زید و گرمین رسنی اون سینه دن منجا اولمغلی و گرمینک او جاغنی
طا بو ایله و بر بکله قادر اوگور **ابجواب اولور** بچی افندی
برمی ارض میری و بنا سی کلکی اولمغله و گرمینک بنا سی بالکلجه خراب اولوب اثر بنادون سینه فالیبوسه
او جاغنی اوگور سینه معطل فالیبوسه صاحب رمنه بو قدر زمانده برینسده و برینا سی صاحب
اول و گرمین او جاغنی طا بو ایله و بر بکله قادر اوگور **ابجواب اولور** بچی افندی
برمی مقاطعه ل ارض میری و بنا سی ملک اولمغله و گرمین زید منصرف بکین و گرمینک بنا سی خراب
اولوب هر دور ایام ایله بالکلجه آثار بنا مندرسه اولوب عرصه صرته فالید قد نصکره زید اولمغلی
اول و گرمین او جاغنیک مقاطعه سنی صاحب رمنه و بر ماسه فالصاحب ارض
اول و گرمین او جاغنی طا بو ایله و بر بکله قادر اوگور **ابجواب اولور** گدا
برمی مقاطعه ل ارض میری و بنا سی برجه و دف اولمغله و گرمینک بنا سی خراب اولوب اثر بنادون
برینسده فالیبوسه و قنده مساعده اولیبوسه رسمی چنی صاحب رمنه و برینا سی صاحب ارض
اول و گرمین او جاغنی طا بو ایله و بر بکله قادر اوگور **ابجواب اولور**
بو صورته صاحب ارض اول و گرمین او جاغنی طا بو ایله بکله و بر بکله بگر دخی اوزرینه اذن صاحب ارض
مجد و او گرمین بنا ایله اول و دفنک منولیبی بشیر اول جمله و مقده ما گرمین و آرا بدی
و بر بکله اول و گرمین مد افله بر قادر اوگور **ابجواب اولور** اوماز بهما عجم
برمی ارض میری و بنا سی ملک اولان و گرمین زید منصرف بکین و گرمینک بنا سی بالکلجه
خراب اولوب اثر بنادون برینسده فالیبوسه بعد زید فوت اولوب اوغلی گرمین ترک
ایندکله گرمین اول و گرمین او جاغنی معطل ایله اون سینه صاحب رمنه برینسده و بر ماسه
صاحب ارض اول و گرمین او جاغنی طا بو ایله بکله بگره قنویض ایدوب بگره دخی اوزرینه
اذن صاحب ارض بر گرمین بنا ایله منصرف بکین گرمین اول و گرمین او جاغنی با با بدن
انتقال انیمشیدکی چه بگره بنا سنی قلع ایندوب برینسده
قادر اولور می **ابجواب اولور** اوماز عجم افندی

بسیار که در کتاب اولان در بنی
کردار و در کتاب اولان در بنی
نخبت و در کتاب اولان در بنی
من زار عه الکبر

زید ارض میری اوزرینه سنی اولان و گرمینک بنا سی خراب اولوب اثر بنادون برینسده فالیبوسه
بعده بک برینسده مقداری رسمی صاحب رمنه و برینا سی صاحب ارض اول و گرمین
او جاغنی طا بو ایله و بر بکله قادر اولور می **ابجواب اولور**
زید و گرمین و خالی برده و گرمین بنا ایدوب تمام اولوب اشلیکیک و قنده زید فوت اولوب
صغیر اولمغلی ترک ایندکله گرمینک بنا ایله سنی طا بو ایله رسنه بعد زیدک صغیر گرمین
بالغ اولمغله زیدک و گرمینک حصه سنی گرمین طلب ایتمک
قادر اولور می **ابجواب اولور**
زیدک ارض میری اوزرینه و دف ایندکی و گرمین خراب اولوب اثر بنادون برینسده فالیبوسه
یا نوب اثر بنادون عاری اولوب تعمیر بنه چنی غیره و دف اولیبی صاحب ارض اولان گرمین
و گرمینک و گرمینک رسمی بنا ایله اتمشده و بر بکله قادر اوگور **ابجواب اولور**
طا بو ایله و بر بکله قادر اوگور **ابجواب اولور** معادل زاده
اون و جیبی باب ارض میری اوزرینه بنی سیانده در
اولمغلی اوج فصل اوزرینه در فصل اول
با اذن صاحب ارض بنا سیانده در
ایندکله و گرمینک سنی طا بو اولان نار لاسنی صاحب ارض زید و قنویض
ایندکله زید ایندک اول نار لاه اوزرینه صاحب ارض اذینله بنا ایله بکین ایله به
ایندک و زید سینه قلع ایندک قادر اولور می **ابجواب**
حق قراری بو خیم اولور
زید اوغلی گرمین و بر مشاع و شترک اولمغلی نار لاه اوزرینه اذن صاحب ارض
نخبت چون بر اولمغله بنا ایدوب بعد زید و گرمین اول نار لاه اذن صاحب ارض ایله
فست ایندک گرمین اول اولمغله زیدک حصه سنی اوزرینه و قلع اولمغله حاله گرمین و اول
اول نار لاهک فرینسده اولمغله اول اولمغله که نزول ابدن مسافر اجه نار لاه
ضرر احتمالی و آردر چو اول اولمغله زید قلع ایندک
قادر اولور می **ابجواب اولور** اوماز عجم
زید گرمینک طا بو ایله نصر فنده اولان ارضی امیریه اوزرینه مالیه نخبت چون گرمینک اذن
واذن صاحب ارض بر گرمین بنا ایله گرمین زیدک اول و گرمین قلع و رفع
ایندکله قادر اولور می **ابجواب اولور** اوماز عجم

و گرمینک و نار لاه اذن صاحب ارض
اذن اذن قلع ربع بنا قسم
فان دفع فی نصب ایله نه اوانه
خبر فی الحسنة

و انت علی علم ان الشیء باه اضر
ضرر و اناس علی ذلک اضر
علم و فی الحسنة عن انی اضر
و ضرر و اضر خبر فی الحسنة

زید طاهرا بود نصر فنده اولان نار لاسی ایچنده اذن صاحب رمله بر قبون اعلی بنا و اعداآت
ایله عانا صاحب راض اول اعلی زبیر رفع و قلع ایدر که قادر اولور

اجواب اولماز برک ابر شمشنی شرعا اولور **عجله**

عمره سی مفاطعه لو ارض میری و بنا سی زیدک ملکی اولان دکر من بالکلینه خراب اولوب
اثر بنا فالیبوسه بر می سنه دن بر می عمره سنک مفاطعه سی صاحب راضه ادا ایتما مکمله صاحب راضه
عمره سی مفاطعه لو ارض میری و بنا سی زیدک ملکی اولان دکر من بالکلینه خراب اولوب
اثر بنا فالیبوسه بر می سنه دن بر می عمره سنک مفاطعه سی صاحب راضه ادا ایتما مکمله صاحب راضه

دقلمه به قادر اولور لر می **اجواب اولماز** علی اذنی

عمره سی مفاطعه لو ارض میری و بنا سی زیدک ملکی اولان دکر من بالکلینه خراب اولوب
اثر بنا فالیبوسه اوت سنه دن بر می صاحب راضه عمره سنک مفاطعه سی ادا اولنا مفاطعه
صاحب راضه عمره سی مفاطعه لو ارض میری و بنا سی زیدک ملکی اولان دکر من بالکلینه خراب اولوب
اثر بنا فالیبوسه اوت سنه دن بر می صاحب راضه عمره سنک مفاطعه سی ادا اولنا مفاطعه

دقلمه به قادر اولور لر می **اجواب اولماز** علی اذنی

فصل ثانی اول بنا به برجهت و قلع ایدر که قادر اولور

پادشاه اسلام مدینه طله علی مضاف لاسلام حضر نظری اراضی امیر تبه دن
بر مقدار اراضی معینه به بر مدسه سنک مصاحبه و قلع ایدر که قادر اولور

ارض میری اوزرینه نصب بنا و بر طام ایچنده ترکیب و اعداآت اولوب قلع سی
برجهت تبه معین اولوق اوزر زیدک و قلع مستجاب اولان درت کوز دکر سنک
ایکی کوزی خراب اولد قلع طامی و ایکی کوزی موجود و صالح ایکن صاحب راضه
اول خراب کوز لک بر لرینی عمره و طاهرا بود بر که قادر

اولور می **اجواب اولماز**

ارض میری اوزرینه بخی اقرار قائم اولان اینیه و اشجارک اذن سلطان سز و قلعی
صحب اولور می **اجواب حکم** حاکمه اولور

بوصورنده اول اینیه و اشجارک مالکی زید برجهت و قلع ایدر که بعد تسلیم متولی اولور
و شجیل شرعی ایدر بدین زید اول و قلعی حاکمه فسخ ایدر بر و بملکی اولور
نصره قادر اولور **اجواب اولور** بهما جعی اذنی فی الوقت

و اما اذنی سلطان سز اینیه
ارض معینه اعداآت مذکر قاضی
فی ختا و اوه جوده من وقت سز

قرابینه سز فی ختا و اوه جوده
و المفاطعه فلیراجع

ولو وقت راضا قطع باها انقطع
نان کانت عکنا و اوزر نا مع
اسعاف ایجا بودر و قلع

زید اراضی امیر تبه دن نصر فنده اولان بر می طرف سلطنت طینه دن کند و بر سنک اولور
برجهت و قلع ایدر که قادر اولور **اجواب اولماز** علی اذنی

ارضی امیر تبه دن بر مقدار بر زید طرف سلطنت طینه دن سنک صحیح ایدر سنک
اولد قلع نکره زید اول بر می برجهت و قلع ایدر که قادر اولور

صحب اولور می **اجواب اولور** علی اذنی

زید عمره سی مفاطعه لو ارض میری و بنا سی ملکی اولان دکر سنک بنا سنی برجهت
و قلع و تسلیم الی المتولی ایدر و شجیل شرعی ایدر که قادر اولور

صحب اولور می **اجواب اولور** علی اذنی

فصل ثالث بلا اذن بنا بسیار شده در

زید بر طاهرا کانت با شنده بر صوا و زرنده اوج کوز دکر من بنا ایدر اول دکر سنک
بر می زیدک ملکی اولور می **اجواب اولماز**

زیدک میری بر اوزر زنده دکر سنی اولوب زیدک بدنه سجا بهیم طاهرا بوچی اولما سه عامه و قلع
زید میری ایچون طاهرا بوچی و بر بر سنک قلع ایدر بر می طاهرا بودر بر بر
دیکه قادر اولور می **اجواب** صاحب راضه طاهرا بودر بر بر سنک ککر

میرک جا اینسنه این اولان بر بشره سنک دکر سنک بر می میر بر طاهرا بوچی انما شدر و بو
دکر سنی بشرون المنه قادر اولور **اجواب** طاهرا بوچی المن ککر

بوصورنده بشر رسم طاهرا بودر بر بر سنک بر قبول اینیه و دکر سنی المنه با خود قلع ایدر که شرعا
قادر اولور می **اجواب** و قلعی زید ایدر بر بر بر سنک قلع اولماز

ارض میری اوزر زنده که و قلع دکر سنی سبیل الوب بنا دن سنه فالیبوسه بر می زید
طاهرا بودر سجا بهیم دن الوب اوزرینه دکر من بنا ایدر شرعا بنا ایدر که دکر
زیدک ملکی اولور می **اجواب** بنا ککر

ارض میری اوزر زنده اولان و قلع دکر من بالکلینه خراب اولوب قطع اثر بنا فالیبوسه
قرف سنه مقداری عالی قالد قلع نکره ارض مذکور به صاحب راضه طاهرا بودر بر بر
زید و قلعی ارض مذکور ده مجد و اکر من اعداآت ایچوسه قرف سنه مقداری تصرف ایدر
صاحب راضه رسمن ادا ایدر کن عمره و ایام سابقه بو موضعده امامه مشروطه دکر من
وازد ایدر و بو زیدک اعداآت ایدر که دکر سنی و قلعی بر بر سنک قادر

اولور می **اجواب اولماز** سعد الدین

و قلع ارض را سنی باها انقطع
سرع رعات جانب الوقت به دفع
خصه صاحب الوقت لا تهرجوا کثر
من وقت و رعایت جانب کاکه
اینا و بعد اشترک با عارف بنا
و قلعی ارض طاهرا بوچی و قلع
بر من رعب سیم خیرتی الوقت

فصل نهم اول شجار و کرمی وقف بیاننده در

زید طلا بود و مقاطعه ای در تصرفند اولان ارض میری او زربنه صاحب ارض ازینکه بجز کرمی
اولی و زرر شجار غرس ایدوب بعد اول شجار کرمی برجهت بزه وقف ایلر و وقف غرور صبیح
اولور می جواب حکم حاکمه اولور علی قندی

زید طلا بود و مقاطعه ای در تصرفند اولان ارض میری او زربنه صاحب ارض ازینکه ملک شجاری
غرس ایدوب که تصرفند اول شجار کرمی برجهت وقف ایلر و وقف غرور صبیح
اولور می جواب حکم حاکمه اولور علی قندی

بند عرصه سی ارض میری او شجاری کرمی اولان باغچه سنی برجهت وقف ایدوب بعد تسلیم
الی المتولی و تسبیل شرعی بولندین بند فونت اولر و درسی رای حاکمه باغچه میرانه
او خاله قادر اولور می جواب اولور علی قندی

زید طلا بود و مقاطعه ای در تصرفند اولان ارض میری او زربنه صاحب ارض ازینکه صاحب ارض
غرس ایدوب کرمی شجاری برجهت بزه وقف و تسلیم الی المتولی و تسبیل شرعی ایدوب که تصرفند شجار
متولی صاحب ارضه مقاطعه متلفی و برکن صاحب ارض مقاطعه متلفین شود فون
زیاده و بر والا شجاری قطع ایدوب بر بر بنی طلا بود و بر
دیگر قادر اولور می جواب اولان زید علی قندی

زید میری مقاطعه او ارض میری او کرمی ملک اولان باغچه سنی اوقتی عمره بعد
عمره اولان اولاد اولاد اولاد شرط ایدوب لکن تسلیم الی المتولی و تسبیل شرعی بولندین زید
فونت اولوب اوقتی عمره و قری ایدوب ترک ایلر و درسی رای حاکمه کرمی میرانه
او خاله قادر اولور می جواب اولور علی قندی

فصل دهم اولان غرس بیاننده در

بر قاج کسینه طلا بود و تصرفند اولان نار لارنده صاحب ارض ازینکه کرمی غرس
ایله بر کسینه عمره زنده صاحب ارض غرور لر که وطنی قطع ایدوب
قادر اولور می جواب اولور علی قندی

زید طلا بود و متولی اولاد قد تصرفند اولان نار لارنده صاحب ارض عمره و تقویض ایلر
زید کرمی ارض غرور او زربنه حق قراری اولیب ان شجار شمر کسینه عمره و زر زید
قطع ایدوب که قادر اولور می جواب صاحب ارض
ازینکه غرس اولان ایلر اولور بجز قندی

قول المتعارف فی بازار و تقاضای
بدون ارض و کذا و تقاضای شجار
تفتیح الاغشاء و الصنعة
من وقف متخ الغضار

و اولی المتعارف فی بازار و تقاضای
بدون ارض و کذا و تقاضای شجار
تفتیح الاغشاء و الصنعة
من وقف متخ الغضار

وقد مرر ان تصرفات الغضوری
بنقض بنقض من الاغضاء

زید با بانی عمره کرمی عیالنده ایکن عمره کرمی او زربنه بر قاج غرس ایلر اول شجار
زید و عمره و تقاضای شجار اولور کرمی عمره کرمی اولور کرمی شجار اولور کرمی شجار
اکتساب اول کرمی اهل مال با جمع لها با کتب مال اهل کرمی اولان ارض غرس شجره فی کتاب
در اوقتی القاضی الامام فی زربین او اسبیا و حصلا سوالات اتماله بزید فی الاغضاء شجره ارض غرس

زید عمره کرمی طلا بود و تصرفند اولان نار لارنده صاحب ارض ازینکه کرمی غرس ایلر
نار لارنده زربنه کرمی غرس ایدوب باغ ایلر عمره و اقسا اولد قضا و قراض غرور صبیح اول
نار لارنده کرمی غرس قادر اولور می جواب اولور

بوسور غرس عمره و قراض غرور صبیح اول نار لارنده کرمی غرس ایلر کرمی غرس ایلر کرمی غرس ایلر
قطع و رفع ایدوب که قادر اولور می جواب اولور بجز قندی

فصل یازدهم غدا یه نایب اولان شجار بیاننده در

زید بر قاج میوه شجاری سبب ایلر عمره کرمی طلا بود و تقاضای ایلر کرمی غرس
بر قاج کسینه عمره زنده عمره شجار کرمی طلا بود و تقاضای ایلر کرمی غرس اول شجار
زیدون اولوب ایلر و بر کرمی قادر اولور می جواب اولور علی قندی

زید کرمی نار لارنده غدا یه نایب اولان شجاری زید کرمی عیالنده اولیب ان
کبیر اوقتی عمره اول شجار کرمی حاصل اولان میوه زید و عمره
تفتیح کرمی اولور می جواب عمره کرمی اولور علی قندی

زید کرمی نار لارنده عیالنده اولیب ان اوقتی عمره کرمی اولان بر قاج و سبب میوه شجاری
غرس ایلر طلا عمره فونت اولوب با بانی زید کرمی اوقتی کرمی ایلر کرمی کرمی اول
شجار ده زید مشارک اولور می جواب اولور علی قندی

زید کرمی نار لارنده غدا یه نایب اولان شجاری زید کرمی عیالنده اولیب کبیر اوقتی
تفتیح کرمی اولور می جواب میوه حاصل اولر اول میوه زید و عمره
تفتیح کرمی اولور می جواب شجار کرمی اولور علی قندی

زید قرنداشی عمره ایلر علی الا شجار کرمی طلا بود و تصرفند اولان نار لارنده غدا یه نایب
اولان شجاری ایشلا یوب بعد حاصل اولد قضا و قراض اول حصول
زید ایلر عمره کرمی تفتیح کرمی اولور می جواب زید کرمی اولور

بر قاج ایلر کسینه زید اول قریه عمره کسینه غدا یه نایب اولان شجاری
ایشلا یوب بعد حاصل اولر اول میوه زید کرمی کرمی
اولور می جواب اولور علی قندی

زید کرمی تصرفند اولان نار لارنده غدا یه نایب اولان شجاری عمره و تقاضای
ایشلا یوب اول شکره و حاصل اولر اول میوه زید و عمره
تفتیح کرمی اولور می جواب عمره کرمی اولور علی قندی

تفتیح کرمی عیال کرمی فی عیال لارنده
اولان فی عیال و غرس لارنده
تفتیح کرمی کرمی ایلر و تقاضای
اولان کرمی فی عیال کرمی کرمی
اولان کرمی ایلر و تقاضای
تفتیح کرمی عیال کرمی فی عیال لارنده
اولان فی عیال و غرس لارنده
تفتیح کرمی کرمی ایلر و تقاضای
اولان کرمی فی عیال کرمی کرمی

زید و عمر و شترک اولاد فخری نار لاده خدا چه نابت اولان اشجاری عمر و شترک
 و شترک یوب سیوه سی حاصل اولسه زید اول سیوه ده عمره
 مشارک اولور می **ابواب اولماز** **عظیم**
 زید و عمر و شترک عمر و بکر ایله شترک اولاد فخری برک اولور زید خدا چه حاصل اولان
 زینت انا جلبرین اشلا یوب سیوه سن مستفلا کنده تصرفا بدرکن عمر و بکر
 وخی زیدک اشلا و بیخی انا جلبرک سیوه سن مستفلا کنده تصرفا بدرکن عمر و بکر
 المقه قادر اولور می **ابواب اولماز** **منع انا فخری**
 زید بر نار لاده تصرف ایکن اول نار لاده خدا چه بر نواج افواج نابت اولاد فخری زید بلا اولاد
 فوت اولمقد صاحب ارض اول نار لاده اشجاری ایله تصرفی مراد ایند که در شری مجر و اشجار
 اول نار لاده تصرف ایکن نابت اولمقد زیدک کلکی اولور و یوب کلکت
 اوزت ضبطه قادر اولور می **ابواب اولماز** **عظیم**
 زید بر نار لاده اولور زنده اولمقد بر نواج و یوب اشجاره طابو ایله تصرف ایکن فوت اولوب
 اول فخری عمر و بکر و قرنی زینتی ترک ایند که اول نار لاده اشجاری عمر و بکر ضبط ایله لر
 زینت حتی اول اشجاره عمر و بکر مشارک اولور می **ابواب اولماز** **عظیم**
 زید شپا اینک شجاری ارض سیوه خدا چه نابت اولان اشجاری فریبی انا بر سنه
 بعضی کسینه لر بغیر حتی قطع مراد ایند کلر فخری زید مزبور شترمانده
 قادر اولور می **ابواب اولور**
 بو صورت مزبور لر قطع ایتمش اولسه لر سپاهی قائمه قیمتلری قیمنه قادر
 اولور می **ابواب اولور** **بها عظیم**
 زید بری ارض بری و اشجاری کلکی اولان باغچه سنک اشجاری قطع ایدوب برینی
 زراعت ایدوب نار لاده ایله حال صاحب ارض زید اول باغچه مالک اولدند
 برینی صاحب ارضدن تقوض ایتمش اولما یکن برینی طابو ایله و بریکه
 قادر اولور می **ابواب اولور** **عظیم**
 بر قریب سپا اینک شجاری و اخلنده عالی برده خدا چه اشجار شتر نابت اولوب
 بعده بعضی اناالی قریب زینت سیوه سنی افند مراد ایند کلر زنده صاحب ارض
 اول اشجارک سیوه سی بنمدر و یوب آخه الدر یوب کنده
 المقه قادر اولور می **ابواب اولور** **بجی افندی**

اهل ان الشیخه اذالم عرفه
 فارس و مالک اننا زیدک
 عاویزه

شترک کلکت رجل ایوز فخری
 لیس اهدان بخلطها بغیر اونه
 من زکوة الخایره فی انا جلبر

تفسیری من الفضول العادی منفا

زید شترک طابو ایله تصرف اولد یعنی نار لاری اوز زنده خدا چه نابت اولمقد کسانه اشجاری قطع ایله
 برنده اول اشجارک قیمتلری زید سیوه سنی قادر اولور می **ابواب** **بها عظیم**
 زید شپا اینک شجاری زنده خدا چه نابت اولان بر مقدر اشجاری بعضی کسینه لر زیدک
 اوزت قطع و استهلاک ایله لر زید اول اشجارک قائمه قیمتلری
 اول کسینه لر ان نصیبان و افند قادر اولور می **ابواب اولور**
 بلا اولد فوت اولان زیدک تصرفه اولان نار لاری صاحب ارض طابو ایله عمره و بریکه
 عمر و اول نار لاری بینه خدا چه نابت اولمقد اشجاری حتی اول نار لاری ایله
 ضبطه قادر اولور می **ابواب** **استهنا بر نوب اولور** **عظیم**
 زید طابو ایله تصرفه اولان نار لاکسنده خدا چه نابت اولمقد اشجاری فی شری اشلا یوب سیوه سن
 اولد قرص زید اول نار لاده حاصل اولمقد محسوک عشونی صاحب ارضه و برکن صاحب ارض
 اول سیوه سن حتی عشر المقه قادر اولور می **ابواب اولور**
 بو صورت زید بلا اولد فوت اولمقد ور شری اول اشجاری ضبط ایکن مراد ایند کلر زنده
 صاحب ارض نار لاطابو برستی اولمقد اول اشجار طابو برستی اولور و یوب ور شری
 ضبطت منع قادر اولور می **ابواب اولماز**
 انا خدا چه نابت اولوب زیدک قطع ایتمکی اشجارک قائمه قیمتلری صاحب ارض
 ور شری قیمنه قادر ور **بها عظیم**
 زید عمر و شپا اینک شجاری ارض سیوه خدا چه نابت اولمقد بر نواجه ارضی قوانی بر یوب
 عملی اذند عمره عشره سنی و برکن عمر و بکر سنی الورم و بکر قادر اولور می
 اولماز کذا اشجاری زاده فی العشر و الخراج
 ارضی امیر زنده خدا چه نابت جونز انا جلبرینی قدریم ارضی بر تصرف اولمقد تصرف ایدوب
 عشره سنی صاحب ارضه او ایدر لکن عمر و بکر تصرفه اولمقد ارض بر برین خدیجه جونز
 انا جلبرینک زید صاحب ارض عشره سن ماعد اجمله محصول خلاف و منع قییم
 الویرین و بکر قادر اولور می **ابواب اولماز** **زکوة انا فخری**
 زید بر ارض خالی به ازن سپا ایله اجملا و عمارت ایدوب عشره سنی صاحب ارضه و ایدوب
 انکی سنه خراشت و زراعت بر شترک بعضی کسینه لر زید و کرا اولمقد ارضک خدا چه نابت
 اشجار زدن تقضله کلک چون زیدک زراعت و تصرفه مانع اولمقد قادر
 اولور می **ابواب اولماز** **منع انا فخری**

و سن باع ارضه و فعل فیها من الغنی
 و اشجاره ان لم یسده لا فز فیها من الغنی
 فی شری ارضه عطا ارضه فی شری ارضه

و شری المشرک من لانت فی العاد
 و عشره ارضه کلک فی ارض
 لانت اشکان مع باقیها من ارضه

من زکوة الخایره فی انا جلبر

و با برجد فی انا جلبر من حسن قیمة العشر
 عده ایینه و عده اید بر سنه ارضه
 محیط کتاب العشر اقله بان بهشتا
 ما یجبان بیوم و هو متوسط العشر سنی
 علی تقصد باخراج و یو یجری فی ارضه
 العشره و ارضه ایا نابت بهشتا
 نعم بسط ما وضع علی ارضه سنه مالک
 انا جلبر ارضه ارضه ارضه ارضه
 و جرایه ارضه ارضه ارضه ارضه
 و هی ایسها مالک و فقها انا جلبر
 بسط ارضه ارضه ارضه ارضه
 و خیال ارضه ارضه ارضه ارضه
 حتی ارضه ارضه ارضه ارضه
 تقصد باخراج لانت کذا ارضه ارضه
 عطا ارضه ارضه
 ارضه ارضه ارضه ارضه

بلا اوله فوت اولان زیدک برکک چغشکلی قز قزدا شستک قز قزلی استند وزینجه انتقال
ایندکد نضکره اول چغشکله قدیمدن تابع اولان نارالاری سهای استند کینه طاپو ایله برکک
مراد ایندکده هسند وزینجه چغشکله تابع اولان نارالاری چغشکله ابریسویه مالکست اولسه
و بریده دیوار عالی وارد اولغله نارالاری آخوالدر سوسه کندولر المغه

قادر اولور لر می اجواب اولور لر می چغشکلی

بر چغشکله قدیمدن اول چغشکله تابع اولان نارالاره منصرف اولان هسند فوت اولوب
زوی زیدکی و قزلی زینچی و لابوبین قز قزدا شلی خدیجه و عایشه به ترک ایدوب چغشکله
مزبورله انتقال ایندکد نضکره اول نارالارک جمله سن زید و خدیجه و عایشه صاحبان هسند
طاپو ایله المش اولر طاپو ایله زینجه چغشکله نضکره ارنا مالک اولغله مزبور ترک و بریده کلر ترک
نصفنی و بریده نارالارک نصفنی المغه قادر اولور لر می اجواب اولور

زید فوت اولوب قزلی هسندی و قز قزدا شلی زینچی و قز قزدا شلی عمروی ترک ایدوب مابینلده
زید مزبورک بر چغشکلی قاسم هسند مزبوره اید زینبک خبری بو چغشکله عمر و چغشکله مزبوره استغنا
طاپو ایوب اله بعد و مزبوره هسند وزینجه عمره معارضه ایوب بو چغشکله بزیم چغشکی
عمر و وار و ریحو حصه طلب ایدوب المغه قادر اولور لر می اجواب زیدک چغشکله
ملکی و ریحو اندن حصه طلب ایدوب ملکی اولسان ار ایدسه

امر سلطانیه بنجه جیمه ایدوب تصرف اولور بستان زاده

هسند زوی زید ایله برکک چغشکله و اول چغشکله قدیمدن تابع اولان نارالاره علی الاشراف
مالک و منصرف ایدوب فوت اولوب زوی زیدکی و قز قزلی زینب و خدیجه به ترک ایدکده
اول چغشکله زید ایله قز قزلی زینب و خدیجه بر ارنا انتقال ایله هسند اول نارالار
حصه سنی طاپو ایله و بر اولد قس زید و زینب و خدیجه چغشکله تابع اولغله
حصه زینچی کندولر می طاپو ایله قادر اولور لر می اجواب زید شریک المغه
جمله سنی یا کزنی طاپو ایله اجواب امر سلطانیه منوطد چغشکیم

هسند بر چغشکله و اول چغشکله قدیمدن تابع اولان نارالاره منصرف ایدوب فوت اولوب
و آله سی زینچی و بابا سی زیدی و قزلی خدیجه به ترک ایدکده اول چغشکله مزبورله
انتقال ایندکد نضکره زینب و زید و خدیجه اول چغشکله نارالارین شتر اک اوزره
طاپوی مشیدله المغه طابیده ایکن صاحبان رض انکره و بریسویه
آخوه و بریکه قادر اولور لر می اجواب اولماز

زید برکک چغشکله و تابع اولان نارالاره منصرف ایدوب زید بلا اولد فوت اولوب اول چغشکله
زیدک لابوبین قز قزدا شلی و قز قزدا شلی اولسه حاله عمره اول نارالار قدیمدن
اول چغشکله تابع اولغله طاپوی مشینی و بریده اول نارالاری صاحبان رض
تصرفه قادر اولور لر می اجواب اولور

زید بر چغشکله و قدیمدن اول چغشکله تابع اولان نارالاره منصرف ایدوب فوت اولوب
زوی سی هسندی و لابوبین قز قزدا شلی عمروی ترک ایدکده عین شسته اول چغشکله
هسندک حصه سنی نصیب اولوب و عمره اول نارالاری المقدت امتناع ایندکده هسند چغشکله
نارالار بدو طاپوی مشیدله المغه طابیده ایکن سهای اک و بریسویه اجانبه بکره و بریش
اولسه حاله هسند چغشکله نارالار بدو طاپو بکرک و بریکینی و بریده اول نارالار
بکرک بدیمه المغه قادر اولور لر می اجواب اولور

هسند بر چغشکله و قدیمدن اول چغشکله تابع اولان نارالاره منصرف ایدوب فوت اولوب زوی زیدکی
و لابوبین عمروی و خلیکله و قز قزدا شلی بکرک ایدکده صاحبان رض اول نارالاری طاپوی مشیدله بکرک
تغویض ایدوب زید اول چغشکله نصفنی کندوبه انتقال ایندکده اول نارالارک نصفنک
طاپوی مشینی و بریده اول نارالارک نصفنی بکره قادر اولور لر می اجواب اولور

زید بلا اولد فوت اولوب ملکی اولان چغشکلی لابوبین عیشلی بکر و بشره انتقال
ایدکد نضکره قدیمدن اول چغشکله تابع اولوب زیدک تصرفده اولان نارالار زینچی
بکر و بشره طاپوی مشیدله المغه طابیده ایکن سهای انکره و بریسویه
اجانبه و بریکه قادر اولور لر می اجواب اولماز

زید بر چغشکله و اول چغشکله تابع نارالاره منصرف ایدوب و آله سی هسندی ترک ایدکده
اول چغشکله هسند ارنا انتقال ایدوب هسند چغشکله نضکره صاحبان رض هسند اول نارالار
طاپوی مشیدله ایدوب تکلیف ایدکده هسند ابا و امتناع ایندکده صاحبان رض بکره طاپو ایله و بریکه نضکره
هسند اول چغشکلی بشیر بیع و تسلیم ایدوب نارالار چغشکله نارالار زید و بریکینی
و بریده بکره قادر اولور لر می اجواب امر طابیده منوطد چغشکیم

قدیمدن بر چغشکله بغلو نارالاره منصرف ایدوب زید بلا اولد فوت اولوب اول نارالار سنی طاپو
اولد قس اول چغشکله بطریق لارث مالک اولان زیدک و آله سی هسند چغشکله نارالار بدو
طاپوی مشینی و بریده اول نارالاری المغه طابیده ایکن صاحبان رض و بریسویه
اجانبه عمره و بریکه قادر اولور لر می اجواب اولماز

القریب اوله من خزیب و بر افنی
انکره مانه ۵

زید و عمرو مشترک اوزره ملکی اولان چشنگک نوآبعندن اولوب طاپو ایله
 نصرت فرست اولان نارالاری بیلا ولد متعاقبا و فائزند نصکره مزبور کتک دی رحم چشنگ
 و آثری اولوب اول چشنگکی صور و ثری اولوق اوزره منبیط ایله بکره و بشر ایل و بر و کی
 رسم طاپو ایله المغه طاپو ایله ایکن سجا بی نمره و بر و بیوبه آخره و بر و کی نادر

اولور می جواب بکر و بشره و بر و کی نسبد رحیم

زید بر ملک چشنگک و قدیمدن اول چشنگک تابع اولان نارالره منصرف ایکن بلا وارث فوت اولغله
 ایکن بیت المال اول چشنگکی منبیط و بکره بیج و تسلیم ایندک نصکره صاحب ارش و غنی
 اول نارالاری طاپو ایله بشره و ثری ایله طاپو ایله نارالره منصفه ما بنم چشنگک ایله نصرت
 اولوب چشنگک نارالره منصرفه بر و کی و بر و کی و بر و کی اول نارالار

بشردن المغه نادر اولور می جواب اولور رحیم

زید بر ملک چشنگک و اول چشنگک قدیمه تابع اولان نارالره منصرف ایکن بلا ولد فوت
 اولوب اول چشنگک ارشد و رشه سنه انتقال ایندکده ورشه اول نارالاری طاپو ای
 شلیله المغه طاپو ایله ایکن صاحب ارش نمره و بر و بیوبه اجانبه

فقوایسه نادر اولور می جواب اولماز

بو صورت مع صاحب ارش اول نارالاری طاپو ایله شلیله اجانبه بکره و ثری ایله
 ورشه اول سنه مرور ایتمدن طاپو ایله شلیله بکره و بر و بیوبه اول نارالار

بکره المغه نادر اولور می جواب اولور رحیم

بر قریبه بر ملک چشنگک و تابع اولان نارالره منصرف اولی زید بلا ولد فوت اولوب اول چشنگک
 اولوم عمر و بکره انتقال ایندک نصکره مزبور اول نارالاری طاپو ایله بن چشنگک مزبور می معلوم
 بشره بیج ایله کلر نص بشر اول نارالاری و غنی چشنگک مرقوم ایله نصرت اولوب چشنگک
 نارالره بر و کی صاحب ارش رسم طاپو ایله شلیله و بر و بیوبه صاحب ارش ایندکده صاحب ارش
 بشره و بر و بیوبه آخره ناله و بر و کی اول نارالار خالدهک و بر و کی

رسم طاپو ایله و بر و بیوبه خالدهک نادر اولور می جواب اولور رحیم

زید بر چشنگک و قدیمدن اول چشنگک تابع اولان نارالره منصرف ایکن اول نارالاری فوت سجا ایله
 شو قدر آنچه مقابله سنه عمره و فراغ و ثری ایله ایندک نصکره اول چشنگکی بکره بیج و تسلیم ایله
 مقدا بنم چشنگک ایله نصرت اولوب قدیمه چشنگک نارالره بر و کی و بر و کی و بر و کی

اول نارالاری مرودن المغه نادر اولور می جواب اولور رحیم

درین تعرفه رهن لامبریزه و کسین
 ثبت لری و ابراهیم من دیده
 من الحاقه

زید بر ملک چشنگکی من معلوم عمره بیج و تسلیم ایندک نصکره اول چشنگک قدیمه تابع اولوب
 نصرت اولان نارالاری اذن سجا ایله شو قدر آنچه مقابله سنه بکره فراغ ایله کده عمره
 چشنگک نارالره بر و کی بکره و بر و کی و بر و کی اول نارالاری
 بگردن المغه نادر اولور می جواب اولور رحیم

زید بر ملک چشنگک و اول چشنگک تابع اولان نارالره منصرف ایکن آخره باس کیدوب ایکن سنه
 زیاده زمان کجوب خبری منقطع اولوبه اولی و غنی اولما مغله صاحب ارش زیدک نارالاری
 طاپو ایله بکره و بر و بیوبه بعد بر فراغ سنه و غنی مرور ایله بکره زیدک خبری کلیمه
 چشنگک غنی خواجه منصرف اولغله ایکن بیت المال رأی حاکمه اول چشنگکی بشره
 بیج ایله بشر اول نارالاری منصفه ما چشنگک نادر بر و کی و بر و کی و بر و کی

بکره المغه نادر اولور می جواب امر غایبه منوط رحیم

زید سنو ناکت چشنگکی زوجه سی سنه مهری مقابله سنه اولد نصکره زیدک اولی و غنی
 فوت اولوب صاحب ارش چشنگکی طاپو ایله آخره و بر و کی نادر اولور می جواب
 سنه اولغله منفقون معتر ایندکده اولماز سعده ایکن

فصل ثالث نتمه سکنی بیاننده در

زیدک ملک منزله منصل اولوب نصرت و زراعت ایندک بیری بلا ولد فوت اولغله
 سجا ایله طاپو ایله و بر و کی مره و ایندکده زیدک قریبی ایندک منزله منصل اولغله
 طاپو ایله و بر و کی باکره انتقال ایله بر و بیوبه طاپو ایله و بر و کی منصفه
 نادر اولور می جواب نتمه سکنا دن اول حجب اولماز بیمنه

زیدک بیماری قریبه لرندن بر قریبه ده ساکن اولان عمره بلا ولد فوت اولدنده عمره
 منزله منصل نادر سکنت نتمه سکنا اعتبار اولماز بیمن دویم مقدمه زیدک زیادتی
 طاپو ایله و بر و کی نادر اولور می جواب اولور رحیم

ایند متوفانک ساکن اولدی غنی قریبه سنه اولان منزله منصل نادر سکنت نتمه سکنا اعتبار
 اولماز بیمن دویم مقدمه زیدک زیادتی سجا صاحب ارش طاپو ایله و بر و کی

نادر اولور می جواب اولور رحیم

بلا ولد فوت اولان زیدک ملک منزله منصل اولان نادر سکنت نتمه سکنا اعتبار اولماز
 بیمن دویم مقدمه زیدک زیادتی سجا صاحب ارش ورشه سنه انتقال ایله بر و بیوبه

آخره فقوایسه نادر اولور می جواب اولماز رحیم

وقت آن کن مع بائینها عضو
 لا اورانی من الی اذیه

برقریه اهلایستند زید ملک منزله متصل متمسکنا اعتبار اولیخین بجن و ونم
 مقداری بود و بری اوزر بنده بنا اعدا شایستگ مراد ایند که در
 سپاه سپاهی شده فادر اولیخین **جواب اولماز عظیم**
 بلا و کد منونی اولان زیدک ساکن اولدی بی قریب سنه متصل اولان نارلاستک متمسک
 سکنا اعتبار اولان بجن و ونم زیدک زیاده سنی صاحب امن طاهو اید
 و برکه فادر اولور می **جواب اولور**
اون سکینچی باب صوبه چکیلی کول و صو
 باسن نارال و بوز پان حفر فکر بیاتنه در

زیدک نصر فنده اولان نارلاجه صوبه صوبه او نوز سنه مقداری صوبه چکلما سکل
 زید زراعت اید صوبه با مراد نقالی چکلوب زید وخی زراعت اینک مراد ایند که
 سپاهی او نوز سنه معطله و بو طاهو اید و برکه فادر
 اولور می **جواب اولماز** بجی افندی

زیدک طاهو اید نصر فنده اولان بر قطعه نارلاستی صوبه صوبه بش ایستی
 مقداری صوبه فنده فالوب زراعت ممکن اولماز صوبه چکلوب زید
 نارلاستی زراعت مراد ایند که سپاهی بو قدر سنه در
 زراعت اولنادی و بو اول نارلاجه طاهو اید و برکه
 فادر اولور می **جواب اولماز عظیم**

زید سپاه اینک بیماری ارا منبند جربان ایدن هرک صوبه کسلب بری
 زراعت صالح اوله صوبه اول بری طاهو اید و برکه فادر
 اولور می **جواب امر عالی منوطدر** عظیم

بر ماه جاری اید سنی اولنه کلن نارلاجه منصرف اولان زید اول نارلاجه جربان اید و جک
 صوبه جزی کرمی و اصلاحه محتاج اولد قریب امان اید و سنه اول زباده زمان
 کوب کرمی و اصلاح اینی صوبه نارلاجه وخی صوبه بو قدر جو زراعت اینی صوبه تعطیل
 اینک صاحب امن طاهو اید بکره و برش اوله صوبه جزی اصلاح و صوبه اجرا
 اید که زید مقدما نصر فنده ایدی بن صوبه اجرا اینک معطل فالوب
 و بو و برکی و پروب اول نارلاجه بگردن المغه فادر
 اولور می **جواب اولماز عظیم افندی**

اولم بوط اعشار الارض و زینت
 اکیش سبب استعداده ایضا
 شفاستین فو ندرش بری
 الارض ان میزونها تعطیلها
 من احکام الارضی

اوله اعیان و ماحول عن الفرات
 و نود و متعلقه و اید فان لم یتم
 جائز ان کالموت اذ لم یکن جریبا
 لعلم و زینتی فی ایصال الموت

زیدک نصر فنده اولان نارلاستی صوبه صوبه قابل زراعت اولما مغله او نوز سنه
 مقداری معطل فالوب بعد صوبه چکلوب قابل زراعت اولمشیکت زید بلا عذر
 زراعت اینی صوبه اون بش سنه مقداری تعطیل ایسه صوبه اول نارلاجه ایشترک
 اوزر سپاهی اولان عمر و بکر و بیشتر اول نارلاجه طاهو اید و برکه
 فادر اولور می **جواب اولور** عظیم افندی

زید سپاه اینک بیماری ایدن هرک صوبه جزی کرمی و اصلاحه محتاج اولد قریب امان اید و سنه اول زباده زمان
 کوب کرمی و اصلاح اینی صوبه نارلاجه وخی صوبه بو قدر جو زراعت اینی صوبه تعطیل
 اینک صاحب امن طاهو اید بکره و برش اوله صوبه جزی اصلاح و صوبه اجرا
 اید که زید مقدما نصر فنده ایدی بن صوبه اجرا اینک معطل فالوب
 و بو و برکی و پروب اول نارلاجه بگردن المغه فادر
 اولور می **جواب اولماز عظیم افندی**

زید کلهماز زید طاهو اید ایسه علی الجالی

زید و کرمک صوبه حوقنی عمر و ک طاهو اید نصر فنده اولان نارلاستی ایچندن اذن
 صاحب امن و عمر و ک رخصت اید و بر و ب بعد بر قاج سنه دن بری
 اول و کرمک صوبه عمر و ک نارلاستی ایچندن جربان اید رکن عمر اول حوق نارلاستی ایچندن
 رفع اید برم و بوب زیدک و کرمک صوبه نارلاستی ایچندن اجرا
 مشه فادر اولور می **جواب اولماز**

زید عمر و ک نارلاستی ایچندن عمر و ک اذن و صاحب امن معقیله اید کرمک حوقن
 بر صوبه ایدی سنه مقداری اجرا ایضا عمر و ک اولوب اول صوبه اجرا ایدرم
 و بکره فادر اولور می **جواب اولماز** مشقارین زده فی القریه

اولن کلن لانه جزی فی الارض غیره
 فادر رت لارض منیع جزی غیره
 کرمک حوقنی ایضا کرمی اید و جزی
 اولن کلن لانه جزی

اوله ارضی و بار ناراض ملک
 کار و خی فی تصرفات السلطات
 و اید لارض منیع فیها بد عاریه فیس
 لمر و اید من اجرا و جزی زید
 المار باذن نائب السلطات
 عله افندی

بیاننده در اولدنی یکی افضل اوزر بر سر اولدنی خاصه بیاننده

بر قیاح اولد بر مقدار ارض میری به صاحبان مندم اشترک و شیبوع اوزره طاپو ایوبوب
 ایوبوب کنن طاپو ایوبوب و بر دکلری آنچه بر آبر اولیبوب بعضنک زیاده اولسه و مع ذلک مرقومون
 بری برین سنک آن و جوف و بیسوبه بر آبر بوزجه اشترک و علوم ارض مرقومه بر اونوز قون سنه
 تصرف ایند کلرند نصکره هر بریسی فوت اولیجی او غللی ارض مرقومه بر تقسیم مرآد ایند کلرند
 نوبه تقسیم اولنور ایوبوب بر آبر تقسیم اولنور با بالری اونوز سنه هر بریسی بلا مانع
 بر آبر اشترک ایله تصرف ایله بیجک ارض مرقومه ده هر بریسی چون بر آبر حق قرار ثابت اولور
 بعد ذلک حصه کثیره صاحبنک زیاده دعوی ایستی استماع اولنماز و آرک ایسه مال مورث
 خلیفه در استخفاف اولدنی بی وجه اوزر تصرف ایله در خصوص ارض حوز و مملکت که
 ارض امیریه و بیکل معروفه در رقبه سی بیست لمان اولمقله شرعاً مورثه ده اولماز
 اولد و کوس ارضی بحسب القانون تجوز اولمشدر صاحبان ارض مشرکه خبره عمر
 احد الشریکت ایوبوبها و تصرفها مشین سنه ولم یمنعه الشریکت الاخر و هو برآه ثم اذنی
 لصفها لا تسمع دعواه فی الصوره الاوله قط و فی الثانیه تسمع فی الباقی ان عمره ایضا
 کذا فی دعوی حاوی المبیته و فی دعوی ثوانه الفقها و رجل لو تصرف ارضاً ما نأتم جاره
 رجل آخر تصرف بدکته لارض و لا قول برآه فلم یمنع فمات علی ذلک ثم ادعی ولد الاول
 انها ارض ابی لا تسمع لان اباه و اه فلم یمنع فانه دلیل المشرکه فاستقر للثانیه
 و فی دعوی القیبه لانه فأنم مقاصد فایمنع منحه دعواه بمنع صحه دعوی الوارث
 کافراد المورث بمنع دعوی الوارث اکثری فی کتاب القیبه

زید عمر و ایله بر مقدار زمین برینی علی السویه بینلرند تقسیم مرآد ایوبوب زید بر آبر سنه
 راضی ایکن عمر و مجرود بنم نار لام جوف اولمقله زمین برندن بن زیاده الورم و یوبوب
 زیاده المنه قادر اولور می ایوبوب علی السویه تصرف ایکنک اوزر
 تقوض اینمشلر ایسه بنده اولدنی قسمت ایدرلر بیجی فنکلی

بشد ابوبین علی زید ایله مشاع و اشترک بر قیاح نار لاله تصرف اولسه لره مال زید فوت
 اولوب حصه سی او غللی عمر و ایله بکره انتقال ایندکده هشد مشاعینت اوزر
 تصرفه راضیه اولیبوب اول نار لاردن حصه سی بولد بر دین المنه
 قادر اولور می ایوبوب اولماز

زید عمر و بکر اشترک اوزر تصرف اولد قلمری نار لاری بینلرند معرفت سپا ایله
 قسمت ایند کلرند زید اول برون کندی حصه سن بشره اجاره ایله و بر دکلده
 عمر و ایله بکر مجرود اول حصه بی اجاره ایله الورز و بیکه قادر
 اولور می ایوبوب تقویض اینجیک اولمازلر

زیدک علی او غللی بر مقدار نار لاله اشترک اوزر تصرف ایکن زید اول نار لارک
 ربعی بندر دیو طلب ایندکده مزبور لر قرار ایدوب بعد اذن صاحب ارضله
 اول نار لاری اقسام ایدوب زید ربع حصه سی مستقلاً ضبط ابرطاله برین سنه
 مورث زیدک علی او غللی اول نار لارک ربعی سنک تصرفکده اولدنی
 اثبات ایله و آن سنده کرد الورز و بیکه قادر
 اولور می ایوبوب اولمازلر عیبه تقسیم

قوندا اشترک اولانم زید و عمر و با بالرندن انتقال ایدن نار لاری بینلرند قسمت
 ایدوب کنن اذن سپاهی بولنمدین زید بلا اولد فوت اولمقله سپاهی زیدک نار لار
 حصه سی طاپو ایله تقویض مرآد ایندکده عمر و مقدما اولان قسمت معتبر اولما مقله
 نار لاری بنیمزده مشاع اولمش اولور ایله اولیجی زیدک حصه سی سختی طاپو
 اولماز دیو سپاهی بی طاپو ایله و بر بکدن منع ایدوب مجانا
 ضبطه قادر اولور می ایوبوب اولماز طاپوی
 مشلنی و بر رده الور عیبه تقسیم اقدی

زید عمر و بکر و بشر ایله اشترک سدی اوزره تصرف اولد قلمری نار لاری قرعه ایله
 بینلرند اذن سپا ایله قسمت ایدوب هر بری حصه سی تعیین و تحدید ایند بر دین
 ضبط ایند کلرند نصکره حال زید بنم حصه ده قسمت مهالده بولنمدی دیو بکر
 قسمت ایند کلر قادر اولور می ایوبوب اولماز عیبه تقسیم

بلا اولد فوت اولانم زیدک ورثه سی ترک زیدی بینلرند اقسام ایند کلرند زیدک
 ملک چفتنک اولری زیدک زوجیه سی سنک حصه سنه تعیین اولند قد نصکره
 قدیمدن چفتنک تصرف اولنم نار لاری صاحب ارض خارجدن عمر و طاپو ایله
 و بر مش اولسه حال ایند چفتنک کند و ده اولمقله اول نار لاری
 عمر و ک و بر دیکینی و یوبوب عمر و دن المنه قادر
 اولور می ایوبوب اولور عیبه تقسیم اقدی

ارت فی دعوی الغیبه فی القیبه
 بالزمنی التسمیع غیره فی جواب
 سؤال اخیرین بینهم اکره انقضاء
 من القیبه

زید تار لارینی او غلری عمر و بکر و بشره بینگنده قسمت ایدوب هر برینه بر مقدار بینی و بکر
اذن سپاهی بولندین زید فوت اولوب بعد عمر و بکر و فی ملا ولد فوت اولسه لر حال
صاحب ارض اول تار لارک جمله سنگک مثلثانی مشاعا طاپو ایلد ویرمکه قادر
اولور **اجواب اولور** کمن حق طاپو بشره کدر **عبدلیم افندی**

فصل نهم مبادلہ بیانندہ در

زید منصرف اولدیغی تار لارینی عمر و بکر تار لاری سبیلہ صاحب ارض معترقبہ مبادلہ و هر بری آنورک
تار لاری سنی ضبط و تصرف ایدوب بعد عمر و فوت اولوب او غلری تصرف اوزره رکن
بکر ظهور ایدوب زیدک او غلی تصرف ایدوبکی تار لاری سنی چیتوب بعد الاثبات و الحکم ضبط
ایدکده زیدک او غلی بابا سنگک عمر و بدل و بر و یکی تار لاری عمر و بکر او غلی
بدنم المغه قادر اولور **اجواب اولور** بجی افندی

زید تصرفند اولان تار لاری سنی معرفت صاحب ارضه عمر و بکر ملک باغیله مبادلہ
ایسه لر مبادلہ مزبور شرعاً صحیح اولور **اجواب اولور**

زید صغیرک تار لاری سنی اولده سی هند عمر و بکر تار سبیلہ عمر و ایلد اذن صاحب ارضه مبادلہ ایدوب
هند زید ایلد عمر و بکر تار لاری سنی عمر و بکر تار لاری سنی ضبط ایدکلرند صکره زید بالغ اولدند
مبادلہ مرقومه یه تجویز ایتیش اولملا زید تجویزنده نام اولوب اول تار لاری سنی
عمر و بکر اوب ضبط قادر اولور **اجواب اولور** عبدلیم افندی

زید تار لاری سنی عمر و بکر تار لاری سبیلہ اذن صاحب ارضه مبادلہ ایدوب بعد عمر و بکر
زید دن ایدوبکی تار لاری بکر سنی چیتوب بعد الاثبات و الحکم عمر و بکر
عمر و بکر زید بدل و بر و یکی تار لاری زید دن المغه قادر
اولور **اجواب اولور** عبدلیم افندی

بکرینی باب فضولاً و تغلبنا و عصبنا ضبط و ذریعہ بیانندہ در

زید متوفانک منصرف اولدیغی بر لاری سنی او غلی عمر و بکر تقویض اولدوقه خارجدن بکر
فضولاً مزبور بر لاری سنی بر لاری سنی مبادلہ اولسه بعد عمر و مزبور و فی وقات ایدوب
اگر تقویض اولسان بر لاری صاحب ارض بشره تقویض ایدکده بشره مزبور بر لاری سنی
باک تقویض اولدی و بو فضولاً و اضع ایلد اولان بکر منته قادر اولور
اجواب بکر تصرف ایدوبکی بر لاری سنی بشره تقویض ایتیش اولسه
امر سلطان ایلد تصرف ایتکدر **جویزاده**

میرتی فاضله بر لرندن زیدک باغی سی مقابله سنده طریق عادلته اشوری دریا کنار زید
بر مقدار ارض خالیه اوزرنده ارض مذکورک امینی اولان بکر ضم طاپو ایلد المقسرنین
فضولی بر یکی قازق قاقوب بر مقدار طاش و گنگ ایلد
شرعاً ملکی اولور **اجواب اولور**

بو صورته مذکور بر لاری امینی اولان بکر ارض مذکورک رسم طاپوسن اوب ایلد
ویردکد نصکره زید مزبور بر لاری بکر می اوزرنده بشره بر و منصرف بر طاپو ایلد
النه ویرماکه شرعاً قادر اولور **اجواب اولور** عادلته افندی

زید متوفانک منصرف اولدیغی بر لاری عمر و بکر اذن سپاهیه منصرف اولدو
زیدک اولاد مذکورکی ذکر اولسان بر لاری اذن سپاهیه عمر و بکر
قادر اولور **اجواب اولور** ذکر با افندی

زید صغیرک نطس اولمش تار لاری سنی عمر و بکر فضولاً ضبط و القاء بذریعہ مبادلہ اولدند
صکره زیدک و صیسی هند عمر و بکر و یکی قلع ایلد جو تکلیف ایلدکده عمر و بکر ایتکین
هند عمر و بکر ارض غیره بده بسدور اولدیغی حالده قیمتی عمر و بکر
تار لاری محصور ایلد ضبط قادر اولور **اجواب اولور** عبدلیم افندی

زید عمر و بکر تار لاری سنی فضولاً ضبط و زراعت ایدوب محصول حاصل اولدند اول
محصول زید ایلد عمر و بکر و قفقسنگ اولور **اجواب اولور** زیدک اولور
زیدک زراعتیله ارضه نقصان ترتب ایدوب عمر و بکر دن نقصان ارضه
مراجعت ایدوب **عبدلیم افندی**

زید بر تار لاری صاحب ارضه طاپو ایلد بر لاری سنی فضولاً ضبط و اوزرنده صاحب ارض و بشره
ایضاً هدایت ایلد صاحب ارض ایضاً مرقومه یه زید قلع ایدوب تار لاری اوب
طاپو ایلد تقویض قادر اولور **اجواب اولور** عبدلیم افندی

زید هندک طاپو ایلد تصرفند اولان تار لاری سنی فضولاً کرم غرس ایدوب باغ ایلد هند زید
کرم منی قلع ایدوب بر لاری سنی اوب ضبط قادر اولور **اجواب اولور** عبدلیم افندی
بلا ولد فوت اولان زیدک بر قاق قطع تار لاری سنی سپاهیه عمر و بکر تقویض ایدوب بکر
ایکی سنه تصرف ایدکد نصکره عمر و بکر اول تار لاری بکرک بدنم تغلبنا اوب بشره تقویض ایدوب
بشره فی اول تار لاری ذریعہ ایلد اول سنه تصرف ایلد بکر نظر اولدند اول تار لاری
بشره ک بدنم المغه قادر اولور **اجواب اولور** عبدلیم افندی

۱۳۱
و من حی جابا بون ۱۰۰۰ م و درویشنا
مکله و بلا اوزره بکله هنده خلافا
لها جاقول المنشار خلقی فی اجسا
الموت و شره لشقی

ترجمہ القاصب منقطع لم مقصود بنیان
صاحب ارضان بصیرت بکره باطلع
الزیر وان شاء الله ما شاء الزیر
فیر و غیره من غیره باطلع
بلا قدر و بقوم به بدر سنی اقلع
فی تار لاری غیره و المنشار تقویض
بدره بسدورانی ارض غیر
من زراعت ایلد زید

برجل ترجم ارض غیره منقطع
له اولد صاحب ارض مقصود
ان اشقت بزدمه خانیه فی المرقومه

و من حی بنانی ارض غیره غصبا
او غرس شجره الا قبل نور مات
من غصب المنشار تقویض ایلد

زید عمر وک بر قطعه نار لاسنی تغلبنا ضبط و بر قاج سنه زراعت ایسه ما عود لظرف اولوب
 اول نار لایه ضبط ایسه که نصکره زید زراعت ایسه کی مدت پانچم
 نقصاً ارض المغه قادر اولور ایجاب اولور بجی افندی
 زید صغیرک طابولک نار لاسنی عمر و بر مدت تغلبنا ضبط و زراعت ایسه طابولک بالغ اولوب
 نار لاسنی الدقه زراعت ایسه ترتیب بدن نقصاً ارض المغه اولور
 ازیدین عمر و نصیبه قادر اولور ایجاب اولور
 زید عمر وک نار لاسنی تغلبنا ضبط و بر قاج سنه زراعت ایسه که نصکره عمر و فوت اولوب
 نار لایه عمر وک اوغلی و حصر آوردن بکر اولوب ضبط ایسه که زراعت ایسه ترتیب بدن
 نقصاً ارضی زید المغه قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید سپاهی بیماری اراضی سنه اولوب کسکه نصرفنده اولوب نار لایه بر قریه ایسه سنه
 بر قاج کسکه زراعت ایسه زید اول نار لایه اول کسکه ارض اولوب ایسه کی کسکه
 ضبط ایسه که قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید عمر وک طابولک نار لاسنی تغلبنا ضبط و تخنی زرع ایسه که نصکره نابت اولوب
 حسن اولوبه عمر و مباشرت صاحب ارضه زید اول جهنی قلع ایسه که
 قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زیدک طابولک نصرفنده اولوب نار لاسنه عمر وک کومنی تغلبنا غرس ایسه زید مباشرت
 صاحب ارضه عمر و کومنی قلع ایسه که قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زیدک طابولک نصرفنده اولوب نار لاسنه عمر و تغلبنا حرف اعدا ایسه بغیر حق و کسکه صدایه
 ایتمک مراد ایسه عمر و منعه قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید عمر وک طابولک نصرفنده اولوب نار لاسنه تغلبنا بنا اعدا ایسه مباشرت صاحب ارضه
 زید به بنا سنی قلع ایسه که قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید عمر و سپاهی سنه بیماری قریه سی اراضی سنه طابولک نصرفنده اولوب نار لاده عمر وک
 اوغلی کسکه من بنا و اعدا ایسه عمر و بر به بنا سنی قلع ایسه که
 قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید ارضی خواجه عمر و بر عصبه مالک ایکن فوت اولوب اوغلی طابولک زراعتی ترک ایسه که قبل الضمه
 عمر وک جمله سنی اوغلی تغلبنا ضبط ایسه لر قریه عمر و حصه لرینی
 ضبطه قادر اولور ایجاب اولور علی افندی

زید عمر وک بر قطعه نار لاسنی تغلبنا ضبط و بر قاج سنه زراعت ایسه ما عود لظرف اولوب

زید عمر وک بر قطعه نار لاسنی تغلبنا ضبط و بر قاج سنه زراعت ایسه ما عود لظرف اولوب

زید ارضی خواجه عمر و بر عصبه مالک ایکن فوت اولوب اوغلی طابولک زراعتی ترک ایسه که قبل الضمه

زید بر قریه ایسه سنه مالک ایسنه متصرف ایکن فوت اولوب اوغلی عمر و کومنی
 ترک ایسه قبل الضمه عمر و کومنی فوت اولوب قریه ایسنه اولوبین ارضی ارضی بکر و بشری
 ترک ایسه که اول ارضی سنه بکر و بشری تغلبنا ضبط ایسه ارضی زراعت ایسه که اولوب
 ارضی عمر و کومنی بکر و بشری تغلبنا ضبط ایسه قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید بر قریه ایسنه و واقع بری دخی ملک و کانه متصرف ایکن و کانه متصرف اولوب قریه ایسنه
 عمر و کانه عرصه سنی تغلبنا ضبط و بکره طابولک و بر به بکره بکره عرصه او زین
 و کانه بنا ایسه زید بکره بنا سنی قلع ایسه که
 عمر و کومنی ضبطه قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید اوکی قریه ایسنه که بر مقدر نار لاسنی عصبنا افندی و بر مدت ضبط و زراعت
 ایسه بعد ایسنه نار لاسنی زید المغه قادر اولور ایجاب اولور علی افندی
 ارضی زیدون المغه قادر اولور ایجاب اولور
 زید عمر وک طابولک نصرفنده اولوب نار لاسنی عصبنا افندی و بعد ایسه زرع ایسه
 نابت اولوب محصولی زید قبض ایسه که نصکره عمر و نار لاسنی اولوب ضبط ایسه که زراعت
 ایسنه زیدک بعد ایسنه و کولوب بعد سنه ایسنه نابت اولوب محصول اولوب
 اول محصول زید ایسه عمر و کومنی قلع ایسه که اولور ایجاب اولور علی افندی
 زید عمر وک نار لاسنی عصبنا افندی و بر مدت ضبط و زراعت ایسه طابولک عمر و
 نار لاسنی اولوب ضبط ایسه که نصکره زراعت ایسه ترتیب بدن
 نقصان ارضی المغه قادر اولور ایجاب اولور
 زید صغیرک نصرفنده اولوب نار لاسنی با با سنی عمر و بکره بر مقدر ارضی مقابله سنه فضول
 تقویض ایسه طابولک زید بالغ اولوب تقویض مذکور ای طابولک اول نار لایه
 بکره المغه قادر اولور ایجاب اولور بجی افندی
 زید اخوه یاره کند که والد سی ایسنه زیدک فضول نار لاسنی بر مقدر ارضی مقابله سنه عمر و
 فراغ ایسه بعد بکره سنه عمر و زید و یارینه کند که تقویضی طابولک نار لاسنی
 عمر و کومنی المغه قادر اولور ایجاب اولور علی افندی

سائل شنی فی الدعوی

اول سنه بلا غدر ترک اولان حق طابو دعوی اسموعه اولور می
اجواب اولماز علی بن الحسین افندی
 اول سنه بلا غدر ترک اولان طابو دعوی اسموعه اولور می
اجواب اولماز علی بن الحسین افندی
 زید طابو ایله نصر فنده اولان تار لاری اول سنه بلا نزاع عمر وک بوزینه ضبط و تصرف
 ایدوب عمر وک بلا غدر سکوت ایلدکه نصر فنده زید فوت اولوب اول تار لاری اول سنه
 انتقال ایلدکه عمر وک سنین مرفوعه مقدم اول تار لاری طابو ایله
 نصر فنده اولوب بندر دیوبکر دعوی اسموعه
اولور می اجواب اولماز علی بن الحسین افندی
 زید عمر وک نصر فنده اولان بر فندار تار لاری بچون اول تار لاری مقدم بنم نصر فنده اولوب سن
 فضولی ضبط ایدرسن دیوبکر صاحب رض حضور نیت دعوی ایلدکه عمر وک سن مقدمه اول تار لاری
 اید سنه بلا غدر زراعت ایشیو تعطیل ایشیو صاحب رض سنک تعطیلکنده شونی باج بکره
 نفویض ایدوب بعد وفاته باک انتقال ایشیو دعوی واقامت بیند ایدوب زید بر سنه
 زراعت ایشیو دعوی واقامت بیند ایلد فتنه کنده بیند
اولدک در اجواب زیدک بیند سی اولی در علی بن الحسین افندی
 زید نصر فنده اولان تار لاری اذن صاحب رضله اوغلی عمر وک فرغ ایدوب بعد اید سنه مرد
 عمر وک اولد فوت اولد فنده صاحب رض عمر وک محلولند بیند شو قدر ایشیو رسم طابو ایله
 نفویض ایلدکه نصر فنده زید اوغلی عمر وک مقدمه فرغانی انکار ایدوب بنم نصر فنده در بکره
 شو قدر غرض مصابله سنده فرغ ایلد حاله بیند مقدمه زیدک صاحب رض اذنیله عمر وک
 فرغ و نفویض و بعد عمر وک محلولند کند وید صاحب رضک طابو ایله نفویضکی ایلد
 صاحب رض بوزینه اثبات ایدوب بک اول تار لاری بکره
الوب ضبطه فادره اولور اجواب اولور علی بن الحسین
 زیدک نصر فنده اولان تار لاری صاحب رض اولان بکره زید اول تار لاری فضولی ضبط ایدوب
 زیدون طلب ایدوب المقمرا ایلدکه زید اول تار لاری طابو ایله نصر فنده در بکره دعوی و
 بیند حاله اثبات ایدوب بکره زید طابو ایله بکره سنکی بوقدر بین زیدک بیند سنه
عمل بنم دیکه فادره اولور اجواب اولماز علی بن الحسین

اول سنه دعوی اذ ترک عمر وک فی وقت
و غیره سنه فی غیره اسموعه
جامع الفتاوی

سنه دعوی فی بد شخص ولم بطاب
بجده وکان حکام و المدعی بیده موجودا
و قدر المدعی علی مناسبتی منعت
عمر وکین و ادعی بعد ذلک و تسبیح
دعویه کذا نقل نظام الدین
من جامع الفتاوی

اول سنه بیند من اسبابه التبریح
غایبه ایسان

وقدر غرضه ان یج الشریع لثبات
البینه واته قرار و التکلیف

زید بر قطعه تار لایه زوج سی ایلدک حضور زنده اذن سپاه بیله عمر وک فرغ و نفویض
 ایلدکه بلا غدر سکوت ایدوب تار لایه متعلقه بر سنه دعوی ایلدکه حاله
 اول تار لاری نفویض مرفوعه مقدم بنم نصر فنده اولوب بندر دیوبکر دعوی
ایله اسموعه اولور اجواب اولماز علی بن الحسین افندی
 بر قریبه ساکن اولان زید عمر وک سپاه بیله بیماری اراضینده تحصیل ایشیو بکره
 بعد کندی قریبه سنه طابو ایله نصر فنده اولان ضمن برینه کنور وک دوگت ایلدکه
 زیدک قریبه سی سپاه بیله بشر محمولند باک بر سنه حاصل اولماز و عمر وک بیمار
 طبرغنده دوک دیکه فادره اولور **اجواب اولماز** علی بن الحسین افندی
 بر قریبه نکت ضابطی اولان زید اول قریبه اراضینده تحصیل ایشیو بکره بکره
 وید ایلدکه ایلانی قریبه کلک اول بغدایمی ضمن ایدوب دوس ایدوب بکره
 دیوبکر فادره اولور **اجواب اولماز** علی بن الحسین افندی
 زید تار لاری زوج سی ایلدک حضور زنده اذنیله عمر وک اذن سپاه بیله فرغ
 ایلدکه حاله بلا غدر سکوت ایلدکه اولوب بعد اول تار لاری بندر دیوبکر دعوی
ایله اسموعه اولور اجواب اولماز
 زید سپاه بیله بیماری اراضینده عمر وک طابو ایله نصر فنده اولان تار لاری سکوت بر جانینه
 فارسی نامعلوم قدیمی بر قریبه دیب عتاب افغانی اولوب عمر وک اولد ذکر فوت اولد فنده زید
 اول افغانی فدای ثابت اولد بر بکره ارضه تبعیت ایلد بندر دیوبکر نفویض ایدوب ایلدکه عمر وک
 قری زینب اول افغانی عمر وک ملکیدر دیوبکر دعوی ایلدکه ملک اولد یعنی ثابت وکل ایلد
قول بکره دله صاحب رضی منعه فادره اولور اجواب اولماز علی بن الحسین
 زید بر تار لایه بنم نصر فنده در دیوبکر حضور زنده معرفت سپاه بیله بکره بر مقدمه ایشیو
 مقابله سنده نفویض بکره نفویض ایدوب بش ایسنه عمر وک موآجه سنده بلا نزاع
 منصرف اولد فنده نصر فنده اول تار لاری بندر دیوبکر دعوی اسموعه اولور
اجواب اول سنه مرد در تبعیت اولور علی بن الحسین افندی
 زید نصر فنده ک تار لاری سکوت حق نصر فنی معرفت سپاه بیله بکره نفویض ایدوب
 مقابله نفویضنده زید بر مقدمه ایشیو الوب فوت اولد بعد ورشه دعوی فین
 ایدوب ذکر اولان تار لایه بکره المنعه فادره
اولور لر می اجواب اولماز

قال فی الاختیار انفق شایعاً علی ان
و تسبیح مثل ذبه الدعوی ان حضوره
و تسبیح و ترک انما زده اقر سنه
انکات البایع و جعل سکوت فی ذبه
انما زده اقر ضایع باه قرطعا لا طابع
انفاست و سنه البایع ایشیو بکره
او تسبیح و ترک انما زده اقر سنه
انکات فی ایه ان تسبیح ذبه الدعوی
و فنی ذلک کان حسنا و ان کم بکره
رای بنی سپاهیان کم بکره استقامت
استثنی سپاهیان من تعقیبه
ماوی عزراوی

مؤنه حمل العشر علی استقامه علی ایشیو
غرضه ایلد فی العشر

مرا تا سبب من ایلد فیه قبل سبب ایشیو

فضولی باه در سبب کم بکره
اجازه غایبه فی تسبیح و بانی البینه
بنار علی ان من تصرف ایشیو و سنه
ثبت لرحق القرار

زید سپاه بیست نفوس اید و تصرف ایندیکی نارایه بگرین سنگ نفوس که مقدم اول نارایه
 نمودن نفوس ایشیدم دیو دعوی و زید یک نفوس مذکوره سی نارایه مقدم نارایه اول نارایه
 نفوس ایشیدم مذکوره ابراز ایشیدم مضمون شرط ثابت اول نارایه زید
 مجوز مذکوره مزبور ابله المغه قادر اولور **اجواب اول** اولی
 اید متوقفا تک مستحق طایفه اول نارایه نارایه صاحب ارض زید نفوس اید و ب بر سینه
 تصرف اید که نص کره عمر و دخی اول نارایه بن سندن مقدم صاحب ارض زید نفوس
 ایدم چو دعوی اید مقدم نارایه بر مذکوره ابراز اید مضمون ثابت اول اید بگر حکم
 اول نارایه عمره خلاف شرع حکم اید مزبور عمر و ک بدین جهت و بر
 حکم مزبور نافذ و حجت مزبور معمول بها اولور **اجواب اول** اولی
 اید متوقفا تک مستحق طایفه اول نارایه نارایه صاحب ارض عمره نفوس معتبر اید نفوس
 اید طایفه زید عمره اول نارایه صاحب ارض سن نفوس ایشیدم مقدم بن نفوس معتبر
 ایدم دیو مجوز مقدم نارایه بر طایفه نامه ابراز ایشیدم مقدم نفوس شرط ثابت
 بولدین اول نارایه عمره تصرف اید میسبب کندی تصرفه
 قادر اولور می **اجواب اول** اولی
 اید نفر سپاه بی بر شماره شش کل اوله لر بعد بوزن یک ایکسی بر در کمن او جانن زید
 طایفه و بر و ب بر بیسی عمره طایفه و بر سر شرعا اول او جانن زید یکی اولور
 بوضه عمر و یکی اولور **اجواب اول** ایکسنگه اولی
 محلول اول نارایه اراضی امیر تیردن بعضی صاحب ارض اول نارایه سپاه عمره نفوس اید
 حجت اید که نص کره اید سکر سنه عمر و متصرف اوله ما بعضی کسه لر ظهور اید و ب
 ذکر اول نارایه اراضی نرم ایدی غضب اید که چو عمر و دعوی اید المغه قادر
 اولور **اجواب اول** اولی زید نفوس مزبور ثابت اولی
 زید اراضی امیر بر بی متعلقه دعوی سنه مدعا سنه موافقه مضنی و مخوم بر سپاه تنگی
 ابراز اید و لکن اول تنگی خط و ختمی یکنگه اولی یعنی معلوم اولی مضمون
 شایع و دخی اولی سنه اول تنگی عمل اولور **اجواب اول** اولی نارایه
 زید طایفه اید تصرفنده اولان نارایه سنه صاحب ارض اذ منکر مد خانه
 ایشی اذ ایش صاحب ارض زید می منعه قادر
 اولور می **اجواب اول** اولی **علی قندی**

و قدر من ایشیدم ان فعل انسانی
 ان واقع شیع نقد و آثار و طایفه

ممنوع ایشیدم ایشی المغه اولی
 لا بیکه احدی

چو ایشیدم ایشی ایشیدم و آثار و طایفه
 مجوز ایشیدم ایشی ایشیدم ایشیدم

ایند تصرفنده اول نارایه نارایه اذن سپاه ایشیدم زید فرایح اید که نص کره اید فرایح مزبور
 صغرم حالنده اول شیدی دیو ب سپاه بی حضورنده دعوی اید زید مالغ اولد قد نص کره
 فرایح ایشیدم دیو ب ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم
 نارایه زید ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم
 بلوغند نص کره اول یعنی مواجه سنه و وجه شرعی اوزره ایشیدم ایشیدم
 اول نارایه ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم
 بر نارایه متصرف اولان زید بلا اولد فوت اولد قد عمر و صاحب ارض دن اول نارایه
 طایفه اید با که بر جیو طالب اولوب صاحب ارض عمره و بر میسبب بشیر و بر که نص کره عمر و
 زید اول نارایه جیبا نده با که اذن صاحب ارض فرایح ایشیدم ایشیدم دیو
 بشر دن دعوی ایشیدم سموعه اولور **اجواب اول** اولی نارایه
 زید یک قدیمی نارایه ایشیدم موضع میسبب عمر و ک منزه حق مروری اول مغله یعنی مرور اید
 کلمشیکن جاز زید عمر و اول محل دن مرور دن بغیر وجه شرعی منعه قادر اولور
اجواب اول اولی ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم
 زید عمر و اید مشاعیت اوزر متصرف اولد قری نارایه اولن حصه سن عمره شو قدر اید
 اجرت اید ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم
 اجرت مرومه و بر و ب تصرف اوزره اید فوت اول مغله زید اول حصه سن تصرف
 مراد اید که عمر و ک اول حصه به بدت مرومه و اجاره اید تصرف ایشیدم ایشیدم ایشیدم
 عمر و ک ایشیدم مجوز با بام بدنت بولدیم دیو زید اول حصه به و بر ما که
 قادر اولور می **اجواب اول** ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم
 بر فریه تک مالکان سنه ملکیت اوزر متصرف اولان زید فوت اولوب اولی مالکانه
 او غلری عمر و بکر و بشر و خاله و قزلی اید و زید به انتقال اید و ب بعد عمر و
 حصه سنی ولیده بیج ایشیدم ولیده بر ایشیدم اولی مالکانه تک محصول تک جمله سنی نقلیا
 منبسط ایشیدم حال زید ک عمر و دن غیر اولان اولاد مذکور سنی اول مالکانه
 حصه لر بی ولیده مواجه سنه بعد دعوی و الا ایشیدم حکم حاکمه اولوب منبسط
 اید کلر زید نص کره ولید دن ایشیدم سنه ده فرار نظر دن مقبوضی اولی
 محصول دن دخی حصه لر بی ولید دن المغه قادر
 اولور **اجواب اول** فرار نظر اولور **اجواب اول** ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم

لان لطف انقطع من نفوس
 ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم

ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم

ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم

ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم

ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم ایشیدم

ادوات الموقبل بطلت اولاد
من اولاد انسابه

زید و عمر و محمد علی الاشتهارک منصرف اولاد فدی بر او زرت قدیمه اشلی اولاد میوه اغاجلری
دخی علی الاشتهارک منصرف مراد ایند کلرنت ایچله زید راضی اولاد سو بن سفند
نصرف ایدرم و بیکه قادر اولور ایجاب اولور بجی فدی
زید نصر فنده اولاد نار لاسنی عمره بر مقد آرتجه بدل مقابله سنده تقویض عمره دخی تقویض ایچنی
نصرف وزرعت و عشره محصولی صاحب راضی اولاد سو بعد زید بلا اولاد فوت اولد فنده
ارض بن عمر وک نصر فنده اذن و بر مادم دیوب ایسنه عشره المشیکن آخوه
طابو ایله و بر مکه قادر اولور ایجاب اذن و بر بیچک اولور بجی فدی
بلا اولد ذکر فوت اولاد زیدک نار لاسنی سخی طابو اولد فنده زیدک لابوین ارفند آشی عمره
صغیرک و صیسی بکر اول نار لایه عمره ایچون رسم طابوی مثیلله ایوب بر مکه نافع اولد
صغیرک مالندن صغیر ایچون طابو ایله ایوب بر مکه قادر
اولور می ایجاب اولور بجی فدی
زید نصر فنده اولاد بر قطعه نار لاسنی حق نصر فنی معرفت صاحب راضی عمره تقویض
ایند کده اول نار لاسنی ایچنده خدایه نایب اولاد اشجار شمره غیر عمره غیر ذکر
تقویض مذکورده و اقل اولور ایجاب اولور بجی فدی
زید سپاهی بیماری و آغلنده خدایه نایب اولاد بلا سو و جوز اغاجلری عمره طابو ایله
و بر و ب بعد زید معز اولوب برینه بکر سپاهی اولد فتن بکر عمره اول اغاجلری
بندن طابو ایله آن و آن آخسره و بر بریم و بیکه قادر
اولور می ایجاب اولور بجی فدی
زیدک نصر فنده اولاد نار لاسنی و فاع اولوب عمر وک ملکی اولاد سو اشجار بی بکر عمره
اشتره و ضبط ایند کده زید بکر تقویض ایچون بکر اشجار مرقومه بر قلع و تفریح ایله و بیکه
قادر اولور ایجاب حق قراری و ارجه اولور بجی فدی
غاری نامعلوم اولاد طریق عام اوزرنت واقع و نایب شجره زید قطع ایله اودون
ایطالاهین بیت المال اولاد عمر و ذکر اولاد اودون بیت المال عاند درجو
زیدک بدندیم المغه قادر اولور ایجاب اولور بجی فدی
زیدک نصر فنده اولاد نار لاسنی و فاع اشجار عمر وک ملکی اولوب ذکر اولاد نار لایه زید
ایند کده اشجار ک و بیلرینی سور کلکه کوکلرینه ضرری اولسه عمره زیدکی اول اشجار ک و بیکه
سور مکدن منع قادر اولور ایجاب اولور بجی فدی

زینبیه قبل نشه اوراق من کلانده
۵

لاق الارض باخراب لابز اول کلک
الماکت غیر علی الماکت
قائمه فی احب الموات

زینبیه قبل نشه اوراق من کلانده
۵

دعوی ایله سو عمره اولور ایجاب اولور بجی فدی
زید سپاهی بیماری اراضیه سنده محمول اولاد نار لایه طابو ایله عمره تقویض ایله کده
دو نوب بن اول نار لایه ساک مواضعه طریقیه تقویض ایچون عمره
دعوی ایله سو عمره اولور ایجاب اولور بجی فدی
زید بر ارض خالیده و زراعت ایدوب حصه و قنده سپاهی ذکر اولاد ارضی سابقا
عمره طابو و بر شیدم دیوب اثبات ایله فله ارض مرقومه زید می قبض ایدر بر عمره
زیدک خوجین و بر و کندی قبض ایدر ایجاب اولور بجی فدی
بکرمی برنجی باب مایجوز و مالایجوز بیاند در
بر قریه زید سپاهی بیک رعا با سندن عمره و اوبنی بیقوب طاش و جاعت الوب
آخز برده بر اوبنا ایله حالایکری سندن مراد ایند کده فکریه بوز مانده ک عالی فلان
سابقا عمر وک اوی برینی عمره و نصر فنده بر سو زید آخوه طابو و بر مکه
قادر اولور ایجاب اولور عمر وک و کل صبه
بر قریه اهل البسی اشقیبا خونندن بش سنده بیلا فده چقا مغله سپاهی رسمی تعطیل
ایند بکر دیو بیلاقی آخوه تقویض ایله تقویضی معتبر
اولور می ایجاب اولور رسم طلب ایدر
زید معشوق مشوقانک اولاد کوری فالیب نصر فنده اولاد بر لریک تقویضه مولای
عمره طالب ایکن صاحب ارض اولاد بکر عمره و بر سو آخوه تقویضه
قادر اولور می ایجاب اولور بجی فدی
سپاهی اولاد زید و عمر و بکر و بشر علی الاشتهارک منصرف اولاد فدی بیماری
محمول اولاد نار لایه خالده تقویض ایند کلرند فکریه ایچله زید سپاهی بن
حصه می تقویض ایتم کندم نصر فنده ایدرم و بیکه قادر
اولور می ایجاب اولور بجی فدی

زید و عمر و محمد علی الاشتهارک منصرف اولاد فدی بر او زرت قدیمه اشلی اولاد میوه اغاجلری
دخی علی الاشتهارک منصرف مراد ایند کلرنت ایچله زید راضی اولاد سو بن سفند
نصرف ایدرم و بیکه قادر اولور ایجاب اولور بجی فدی
زید نصر فنده اولاد نار لاسنی عمره بر مقد آرتجه بدل مقابله سنده تقویض عمره دخی تقویض ایچنی
نصرف وزرعت و عشره محصولی صاحب راضی اولاد سو بعد زید بلا اولاد فوت اولد فنده
ارض بن عمر وک نصر فنده اذن و بر مادم دیوب ایسنه عشره المشیکن آخوه
طابو ایله و بر مکه قادر اولور ایجاب اذن و بر بیچک اولور بجی فدی
بلا اولد ذکر فوت اولاد زیدک نار لاسنی سخی طابو اولد فنده زیدک لابوین ارفند آشی عمره
صغیرک و صیسی بکر اول نار لایه عمره ایچون رسم طابوی مثیلله ایوب بر مکه نافع اولد
صغیرک مالندن صغیر ایچون طابو ایله ایوب بر مکه قادر
اولور می ایجاب اولور بجی فدی
زید نصر فنده اولاد بر قطعه نار لاسنی حق نصر فنی معرفت صاحب راضی عمره تقویض
ایند کده اول نار لاسنی ایچنده خدایه نایب اولاد اشجار شمره غیر عمره غیر ذکر
تقویض مذکورده و اقل اولور ایجاب اولور بجی فدی
زید سپاهی بیماری و آغلنده خدایه نایب اولاد بلا سو و جوز اغاجلری عمره طابو ایله
و بر و ب بعد زید معز اولوب برینه بکر سپاهی اولد فتن بکر عمره اول اغاجلری
بندن طابو ایله آن و آن آخسره و بر بریم و بیکه قادر
اولور می ایجاب اولور بجی فدی
زیدک نصر فنده اولاد نار لاسنی و فاع اولوب عمر وک ملکی اولاد سو اشجار بی بکر عمره
اشتره و ضبط ایند کده زید بکر تقویض ایچون بکر اشجار مرقومه بر قلع و تفریح ایله و بیکه
قادر اولور ایجاب حق قراری و ارجه اولور بجی فدی
غاری نامعلوم اولاد طریق عام اوزرنت واقع و نایب شجره زید قطع ایله اودون
ایطالاهین بیت المال اولاد عمر و ذکر اولاد اودون بیت المال عاند درجو
زیدک بدندیم المغه قادر اولور ایجاب اولور بجی فدی
زیدک نصر فنده اولاد نار لاسنی و فاع اشجار عمر وک ملکی اولوب ذکر اولاد نار لایه زید
ایند کده اشجار ک و بیلرینی سور کلکه کوکلرینه ضرری اولسه عمره زیدکی اول اشجار ک و بیکه
سور مکدن منع قادر اولور ایجاب اولور بجی فدی

سختی اولاد تقویض غیره اولاد
کلونه نامیاس سلطان فدی کت
سره فی الدعوی

اولاد من الشجره اولاد بوف
غاری و مالک اشتره بکر اولاد
عمره ایجاب

دخی ایجاب استیجاب کر نار لایه
بجوز نامیاس فی ایجاب

درین کتاب...
 المستأجر قبل انقضاء مدة الامارة
 كان على ورثة ماستي من الاموال التي
 الرزق لان الامارة كما ينقض بانها
 يعني بلا عذر وكذا الاموال المستأجر
 وبقول المستأجر يعني الاموال التي
 الرزق فان انقضت الامارة والرزق
 قبل في القياس يورث الرزق والى
 يقال ان شئت فقل ان الرزق في الامارة
 وان شئت فقل ان الرزق في الامارة
 يدركه وليك صاحب الامارة
 او مولاها من ماله او ماله

والتسليم من الميراث ما بين الميراث
 يعني في الميراث دفعا للشر...

بلا ولد ذكر فوت اولاد زیدک ایچنده کنی اولاد نار لاسی سستی طابو اولاد قد مسابین
 دخی عمره طابو اولاد وبرد کده ورثه زید عمره وحصا وقتن دک مزین طوری ایچون اجرت
 وپروب طورسون در لراکین عمر وراضی اولیبی ورثه به اکنلری کوک ایکن
قادر تمغه قادر اوکور ایچواب اولماز بیجی افندی
 زید منصرف اولدیفنی نار لاسی زرع ایدوب بعده حصا اولدین بلا ولد وفات
 ایتمکله سپاهی اول نار لایه طابو اولاد عمره وبرد کده اول نار لاده اولان
 زیدک زرعی ورثه به انتقال ایچواب ایچواب ایدر بیجی افندی
 هسده طابو اولاد نصر فنده اولان نار لاسنه القار بندر ایتمکله نصر کده بلا ولد ذکر فوت
 اولوب صاحب ارض اول نار لایه بکره تقویض ایتمکله نصر کده هسده زرعی مزین
 نار لادن قادر وقتن بکر اجرت ارض دیو ورثه دن برسنه المنه
قادر اولور می ایچواب اولماز علیهم افندی
 هسده فوت اولوب نصر فنده اولان نار لاسی سستی طابو اولاد قد هسده اول نار لایه
 ایکی قطعه نار لاسی سپا هسده طابو اولاد زید الووب اوج درت قطعه سستی عمر وانش اول حال
 عمر و زرع هسده نار لایه بکره جوغنی بن الدم سنک الیقنک نار لایه دخی الورم چو
 زیدک وپرو بکی رسم طابو اولاد وپروب اول ایچی نار لایه زیدک پندیم
المنه قادر اوکور ایچواب اولماز بیجی افندی
 زیدک برقریه و آغلنده منغه اشجاری اولان باغچه سی وفاتن نصر کده اوغللری عمر و بکره
 انتقال ایچواب مشاعیت اوزره منصرف لراکین حاله عمر و وفات ایتمکله بکره و آرنی اولدیفنی
 جهسده اول باغچه سی مستقلا ضبط مراد ایتمکله سپاهی راضی اولیبی برینک نصیفنی
 سستی طابو اولاد در دیو ضبط قادر اوکور ایچواب اولماز بیجی افندی
 زید فوت اولوب حامل زوجه سی هسده ترک ایتمکله زیدک زوجه سی هسده
 وضع حمل ایتمدین نار لایه صاحب ارض طابو اولاد وپرو بکره قادر
اولور می ایچواب اولماز بیجی افندی
 زید عمر و بکره شکرک اوزر بد لرنت اولان نار لایه زید عمر و زرع ایدوب
 برسنه خالی فوهر لراکین سپا هسده بکره مجر و سن زرع ایدوب سنک سستی هسده
 و آردو بکره حصه سی مضابک سنده مکر ارضه در رسم طلبنه قادر اوکور
ایچواب حصه سی معطل اولیبی اولماز بیجی افندی

زید شوفاکت نار لاسی زوجه سی هسده حامل ایکن عمر و صاحب ارض زید طابو اولاد قد نصر کده
 زیدک هسده دن منوله اولان قرنی زینبک و صیسی بکر مذکور نار لایه تقویض ایدوب قبض
 و تصرف ایتمدین بشره تقویض ایدوب بشره دخی قبض و تصرف ایتمدین زینب مذکور
 فوت اولوب نار لایه عمر و ک پندره قاسه حاله بشر اول نار لایه بکره تقویض اولدیک
دیو عمر و ک الذن المنه قادر اوکور ایچواب بکره تقویضی
 اذن صاحب ارضه اولماز ایدوب اولماز
 زید فوت اولوب زوجه سی هسده حاملی ترک ایتمکله صاحب ارض زیدک
 نار لایه زیدک قرقرنداشی زینب طابو اولاد وبرد کده نصر کده هسده انقضاء عده
 اقرار ایتمدین سکرای مرورنده هسده بر اوغلان طوع و خوروب بعده اوج کون
 مرورنده اول اوغلان فوت اولوب والده سی هسده ترک ایتمه
 هسده اول نار لایه اوغلانک محمولندن طابو المنه
قادر اوکور ایچواب امر عالی ایله اولور علیهم
 زیدک نار لاسنک بر مفذاری عمر و ک نار لاسنک اوزر برنه بیغلوب عمر و ک بر مفذاری
 برین قبلاسه زید عمر و ک نار لاسی اوزر برنه بیغلوب طبری عمر و ک اجازنه بوغلیکن
 زراعته قادر اولور می ایچواب اولماز بیجی افندی
 زید نار لاسی نفس ایدوب تخم اگدین بلا ولد فوت اولوب صاحب ارض دخی
 اول نار لایه طابو اولاد عمره وپروب عمر و دخی تصرف و زراعته مراد ایتمکله
 زیدک ورثه سی مجر و بو نار لایه مورث زید نفس ایتمکله بو سنه بر تخم اکوب
 محصولی بز الالم بعده سن تصرف و زراعته ایچوب عمر و ک زراعته
منه قادر اولور می ایچواب اولماز بیجی افندی
 هسده قرقرنداشی زینب ایله هسده اکن اوزر نصر فنده اولان نار لایه بر سنه
 سنقه زراعته ایتمه حاله زینب اول نار لایه دخی بر سنه سنقه تصرف
ایدین دیکه قادر اوکور ایچواب اولماز بیجی افندی
 بر بماره منصرف اولان زید سپاهی فوت اولوب بیمار مزبور آخوه توجیه اولنجی
 سستی طابو اولان نار لایه ایکن بیت المال ضبط ایدوب طابو اولاد وپرو بکره
قادر اولور می بوخسه توجیه اولنان سپاهی وپرو بکره ایچواب
امر سلطانیه منوطدر علیهم افندی

و علی ذلک...
 مدینه جلی فی سفن ایمل برتو باقی
 جنبها صاحبها کثر علی صاحبها علی
 وینکلهما بز زید فی الغیب
 سنقه انقضت من سنقه سنقه
 من سنقه من سنقه علی اهل عمر
 فی سنقه شان عشر و شان اذ کده زوره
 مولا نا ایزد سعید و العاد فی اولنا
 و دیننی بقول اکر ضی منغ ابوسعد و کور
 باذنه یمل باحق عن کرض ناظر الی
 ما نقل من شهرتانه الی ما فی الغیب
 فی موجوده و یقطع بها حقنا کت
 من ایش منقره و فی الغیب
 فان الهایاته انما یكون بعد المنه
 من معادی الشیخه
 وان کان الغائب زاده من سنه
 ان لم یکن الزیاده مالا مقوما بان کرس
 او حفر الشرفان الغیبی برسته و ارض
 بیزرشی هسده فی الغیب الوقت

بند نارکاسنی زبده الشمس غروش بدل مقابله سنده اذن صاحب ارسله عمره فراغ
 و تقویض بعده الشمس غروشی زبده طلب ایند که زبده سنده بنم سنک زو جک
 عمر و سنده شو قدر آنچه حتم و آرد در مبلغ مزبور می که طو نام دیوب
 سنده و بر ما که قادر اولور می **اجواب اولماز**

بلا ولد ذکر فوت اولان زبده نارکاسنی سستی طابو اولد قده نارکاسنی زبده کلکی اولان
 اشجاری زبده حصرا و آرشه می قومی سنده انتقال ایند که سنده اول نارکاسنی تقویض
 اشتاع و اسقاط اینمکله صاحب ارسله جانبد عمره تقویض ایله اول اشجاری و آلدری
 عمر و ک اکنه ضرر اینمکله شد ایله دفع ضرر ممکن اولما یقینی سنده اول
 و آلدری قطع ایند که قادر اولور **اجواب اولور**

بر قریه اران سنده بر مقدار نارکاسنی زبده منصرف اینک زبده اول غلی عمره اول قریه سپهایی
 اولوب بعده زبده فوت اولوب عمره ترک ایند که عمره اول نارکاسنی منبسط ایله اول قریه
 قریه سپهایی نارکاسنی منصرف اینک جائز و کلدر اول نارکاسنی زبده محمولند بره
 طابوی مشیلده تقویض ایله دیو جهر قادر اولور **اجواب اولماز**

زبده تصرفه اولان نارکاسنی اذن سپهایی اول غلنگک و غلی عمره حجتا فراغ
 ایدوب بعده زبده بلا ولد فوت اولسه حال سپهایی زبده فراغ غنی طو تمام دیوب
 اول نارکاسنی زبده محمولند طابو ایله و بر که قادر
 اولور می **اجواب اولماز**

زبده طابو ایله تصرفه اولان اشجاری عمره قطع مراد ایند که زبده عمره قطعند
 منعه قادر اولور **اجواب اولور**

زبده عمره سپهایی بیماری اران سنده محمول اولان بر مقدار نارکاسنی
 طابو ایله بر قاج سنه عمره ک اذنیله زراعت ایدو عمره و عشره و برش اولسه
 حال عمره زبده طابو ایله زراعت اینمکله که چون نقصا ارض نامنه سنه
 المنعه قادر اولور **اجواب اولماز**

لب در یاده بر ملک منزله منصرف اولان زبده در یادن بر مقدار بری فضولا ملک
 طبر اغیلده طو لدر و بر عرصه ایدوب منزله اسحاق ایله طابو ایله بلا ولد فوت اولد قده
 قریه سپهایی اول بری بلا امر سلطان و رسته به منبسط ایند میوب
 طابو ایله و بر که قادر اولور **اجواب اولماز**

منوع شعب نخله الی جاره و قالوا نه
 علی و همین فدا کن نفرین شده اولی
 انقلبه طارن باقند به نخله باشد
 وان لم یکن ذکمت باقنده باقطع
 جامع الفصولین مضافه

مرتبشاه مناشبه

تجیرتی حکمت و جل و بوف غایرها
 ایس لاعدان بقطبها بغیر اذنه
 من حیاء الموت فی زکوة النمانیه

زبده طابو ایله نارکاسنی زبده عمره ک ملک میوه اشجاری اولسه زبده عمره اشجاری
 نارکاسنی اکنه ضرر زبده اشجاری قطع ایند که قادر
 اولور می **اجواب اولماز**

زبده سپهایی بیماری ایا سنده عمره فوت اولوب زبده عمره نارکاسنی اولد یعنی بلو
 کن نه محله اولد یعنی و مد و دینی و مقداری بی بیو بشره می بلو اینک عمره ک نارکاسنی
 بچون دو ندر بلکه تقویض ایله دیوب سپهایی چنی و آرسن منبسط ایله جو بشره سنک و بره
 بشره بر مقدار آنچه الی قد فسرکه بشره تقویض مزبوره بنا عمره ک اون بش و و سنم
 بر نارکاسنی منبسط ایله سپهایی الی یعنی آنچه به بشره و بره عمره ک نارکاسنی
 استد بکنه تقویضه قادر اولور **اجواب اولور**

زبده سپهایی بیماری طبر اغنده اولان بر لری عمره سپهایی تقویض ایندین
 بکرمی سنه منبسط و تصرف ایله زبده و تقوا اولوب اول بر لری منبسط و طابو ایله
 تقویض مراد ایند که عمره و بود رسنه در تصرف و آرد در جو سنه
 قادر اولور می **اجواب اولماز**

زبده نارکاسنی بر مقدار آنچه بدل مقابله سنده اذن صاحب ارسله عمره فراغ
 ایند که فسرکه اول نارکاسنی اولان زبده ک ملک جوزا فاجله یعنی و غنی تقویض مزبور و افضل
 اولور جو منبسط مراد ایند که زبده اشجاری و بر دم دیو عمره
 منعه قادر اولور می **اجواب اولور**

زبده طابو ایله تصرفه اولان بر لری حاصل اولان محصولن سپهایی اولنله صورت
 دفتر حاقانیده بهر سنه عشره بدل جوزا الی آنچه نقیبین اولنمقله زبده بهر سنه موقوف مزبوری
 سپهایی اولنله و بر بر کن حال سپهایی اولان عمره موقوف مزبوره قناعت ایند
 زیاده طلبنه قادر اولور می **اجواب** مضافه قدیم جسم
 بلا امر تغییر اولماز **بکذا**

زبده سپهایی طابو ایله یعنی برک بر مقدار یعنی زراعت ایدوب و بر مقدار یعنی
 قریه اشجاری عمره زراعت ایدوب بهر سنه سپهایی بر عشرین و بره کلوب بدی سنه
 تصرف ایند که فسرکه زبده جمله بر لری بن طابو ایله دیو عمره و دن بر لری المنعه
 قادر اولور می **اجواب اولور** قریه اشجاری
 طریقله تصرف ایدو

تقیه بر شد علی قریه کافر ای ایشانه

و ان مسل فی القضا طاعتان لا یغیر
 ان با مرسله من سنا کار خانیته

بستانه ان تکون احارنه و الا عار
 غیر از من

زید بر قریب به تلبیس بر آنکه بر عمارت وقف باز در سه ضبط ایست تلبیس ایکی معلوم
اولد قد نکره النوب میری ایچون ضبط النوب یا خود که عمارت مزبور او قانک
اول قریب دن زیاده رو آیدی اولیجی کرسته سی میری ایچون
المنق جانز اولور می **اجواب اولور**
ایکی قریب بایسته و آقع بر ایچون اطرافنده اولان قریب کرک الهیسی زراعت اینجیب
اولق اولق اوزره انصاف ایدره و جت بند کلر نکره بعض اهل قریب کندی سنور لری
و آغلنده اولوب قرا مزبوره دن بر سیل عبید اولان بر لری اذن سپاهیلد ایدره
زراعت اینک است که قریب اخوی خلقی کندی سنور لری و کل ایکن مجر
جنت و آردو چه منعه قادر اولور **اجواب اولور**
بر قریب ده باج و بازاری ملتری اولان زید الزامنده داخل اولیجا بر قطعه ارض
قالید به طاپویه و بر مک قادر اولور **اجواب اولور**
بوصورنده قطعه مزبوره به صاحب ارض بکره طاپویه و بر دکه حاکم عمر و سندن
مقدم الدی دیو بکره ضبط ایدر میوب عمره حکم ایست حکمی ناند
اولور می **اجواب اولور**
زیدک ارض بهریده الکلیس بستاننده بکر عمری عهدالت جارعه ایدر قنیل ایلیوب
ولی قنیل حاضر اولوب بکر فی احوال طلوشه قائل معلوم و ماخو ایکن زید بهر سنه
لازم اولور می **اجواب اولور** اولساز خصم کرا اولور
و حق اگر نعلق ایدر
ارض میری اوزرینه و کلن بر باغچه بکیمی مغنول بولنوب قائل معلوم اولساز
دو شری مشرف اولان زید می دو شری بوشه جو آرنده اولان باغله تصرف ایدر می
دو شری **اجواب اولور** و جار لرینک ملک لری جیقلریدر دیت جیقلره متعلق اولساز
ارضه متعلق اولور رقبه ارض بیت الماکدر دیت بیت المالد
دو شری زید و جار لرینه دو شری
ایلم و علی تلبیس اولق اوزره معروف اولان زید سپاهی بیماری اولان قریب خلقنک
بیوجه تار لارین چیزا اوب کندی تار لارین کاق ایدره مشرف ایکن فوت اولدند
برینه سپاهی اولان عمر و زمانده هر بری طاپو نامه و جملری موجب
تار لاری المغه قادر اولور می **اجواب اولور**

و ما در اول وقت من جمله اوقات
لاحق لاحد فیہ من قسانه
المسوط الشریسی
و علی ایام ان بجد کل نوع من
بیت المال بیتا بینه و به خط بعض
بعض نان کل نوع حکما بخص به
سجایه ارض
و من خانه فداستطام سنوز اوزره
و بعضی نامه اولو علم لان و بعضی
و سقط اقسامه و در ای اقسامه
و قریب میری غیر ملکوت و اندیزه
علی بیت المال لان الخرم باغتم
من العمل المزبور مخصا
و انظلم حجب اعدا منه لا قریبه
خیر قریب ایجا اوقات

بزرگ

زیدک بیماری اراضیه سنه اولق اوزره قدیدن ضبط اولشان اراضیه زید ضبط
اوزن ایکن قریبده اولان خاصک منابلی عمر و زیت مجر اول اراضیه سنک برات
و صورت دفتر کده مقبند اولما مغله بن خاصک اراضیه سنندر
دو ضبط ایدرم و بکه قادر اولور **اجواب اولور**
زیدک بر آنکه مشرف اولد یعنی بیمارده شهرکی اولان عمر و اول بیمار طیر نخنده طاپوی تار لاره
مشرف ایکن عمر و اولد فوت اولوب عمر و ک حصه سی بر آنکه زید توجیه اولمغله زید اول
تار لاری ضبط و ایجا مراد ایدر کده امن بیت المال تار لاری بن ضبط ایدرم
زیدک بغیر وجه منعه قادر اولور **اجواب اولور**
زیدک طاپو ایدر تصرفنده اولان تار لاری ملک تخمینی زرع ایدر کده نکره نایت اولوب
بیشل حن ایکن بلا اولد فوت اولوب در نه سی ایکنی ضبط مراد ایدر کده صاحب
مجر و زید حصا و ادراک ایدر بن فوت اولمغله ایکن بن ضبط ایدرم
و بکه قادر اولور می **اجواب اولور** علی قندی
زیدک بری ارض میری و کرمی ملک باغنک کرمی قریب بوب عمره صرفه نالد قد نکره
بری اذن صاحب ارض زیدک تصرفنده اولما مغله صاحب ارض اول بری طاپو ایدر
نقویض ایدر عمر و دخی کرم غرس ایدر باغ ایدر کده نکره زید فوت اولد
زیدک او غلی بکر مجر اول باغ بری مقدما با باغ تصرفنده ایدی دیو
باغ مدخله به قادر اولور می **اجواب اولور**
بکری ایچینی باب طاپو نامه و نکت ضایع اولسی حکای
وقا منولی سلفی اولان منولیک نکتک دخل ایچری بعد الخراج
قبل قرض البدل فارغ و مفرغ لایق برسی فوت اولسی بهایند
زیدک تصرفنده اولان ایکی قطعه تار لاری نکت حن تصرفنی اذن صاحب ارض بر مقدار
ایچه مضابکرسنده هنده نقویض و تسلیم ایدر زید مضابله نقویضت نسبه
اولان سلفی هنده المغه قادر اولور **اجواب اولور**
بوصورنده هنده بدل نقویض اولان سلفی ایضا ایدر اول تار لاری صاحب ارض
اؤنبله بر مقدار ایچه مبلغ مضابکرسنده عمره نقویض و تسلیم ایست زید بدل نقویض
تذکوری هنده طلب ایچیموب تار لاری عمر و دن المغه
قادر اولور می **اجواب اولور**

مر یا بناسیه قبل شایزه اوزره
من انکره مان فی کتاب نفسه

زید تصرفنده اولان بر قاج قطع نار لاسنی معرفت سپاه بیلده اون بیکت آنچه بدل
 مقابله کند عمره نفویض عمر و دخی نفویض ایدوب بش سنه اعشار و رسومن
 صاحب ارضه و برود که نصکده اون بیکت آنچه دگر ایش و بود اول نار لاری زیدک
 او زینده زاید بدل نامنه و برود کی اون بیکت آنچه بدینم استر داد
 واخذه قادر اولور می **اجواب اولماز** بچی افندی
 زید تصرف اولدیغی نار لاسنی عمره بر مقدار آنچه بدل مقابله کند اذن صاحب
 ارضه نفویض عمر و دخی نفویض ایدوب بعد عمره اول بدلی طلب بیکده
 عمر و بر مالک قادر اولور می **اجواب اولور** بچی افندی
 زید سپاهی بیماری طبر اغنده طابو به ستم اولان نار لایه عمره بر مقدار آنچه
 بدل مقابله کند نفویض عمر و دخی نفویض و بدل نفویضک بر مقدار بچی زیده
 و برود بر مقدار بچی و بر بدین زید فوت اولدقه و ورثه سی
 اول باقی به عمر و دن طلب ایدوب المنه قادر
 اولور می **اجواب اولماز** بچی افندی
 زید تصرفنده اولان نار لاسنی عمره بر مقدار آنچه بدل مقابله کند نفویض
 عمر و دخی نفویض ایدوب بعد صاحب ارض اولان بکره اذن نمسکی بچون
 بر مقدار آنچه و برود نمسک و اذن استدکده بکره ارضی اولور می و زیده
 و برود بیکت بدل نفویضک عشرت و بر یا بجه نمسک و بر م و بکه
 قادر اولور می **اجواب اولماز** بچی افندی
 زید تصرفنده اولان بر قطع نار لاسنی حق تصرفنی صاحب ارض معرفتله عمره
 فرق بیکت آنچه نفویض ایدوب اولور زیدی بیکت آنچه سنی قبض
 ایدکده نصکده او بیکت آنچه لک انجو و وز ایدوب فرق بیکت آنچه به بانتم الدم
 دیو حجت و برود لکن انجو عمر و ک بدینم قالسه زید ذکر اولان او بیکت
 آنچه به عمر و دن طلب ایدوب المنه قادر اولور می **اجواب اولور**
 وجه مزبور اوزر ثابت ایه
 زید نار لاسنی شو قدر آنچه بدل مقابله کند عمره اذن صاحب ارضه فرغ
 و نفویض ایدوب بدلنی المادین زید فوت اولسه ورثه سی بدل مزبوری
 عمر و دن المنه قادر اولور می **اجواب اولور** بچی افندی

صاحب الارض امور باه اذن نمسک
 که منقطع من مقام ارضی

بندار لاسنی

زید نار لاسنی عمره اذن سپاه بیلده شو قدر آنچه بدل مقابله کند فرغ و نفویض ایدوب
 بدلنی المادین زید فوت اولوب اولور بچی افندی **اجواب اولور** بچی افندی
 ایسوه نار لایه المنه قادر اولور می **اجواب اولماز** بچی افندی
 زید سپاهی بیماری طبر اغنده محلول اولان نار لاری شو قدر آنچه رسم طابو ایدوب عمره نفویض
 و بدین نمسک و برود طابو سنی المادین زید فوت اولسه مال زیدک ورثه سی رسم طابو اولان
 اول مقدار آنچه به عمر و دن طلب ایدوب المنه قادر اولور می **اجواب اولماز** بچی افندی
 زید تصرفنده اولان نار لاری اذن صاحب ارضه عمره فرغ ایدوب لکن عمر سپاه بیلده فرغ
 نمسک الماسه بعد زید بلا اولد فوت اولدقه سپاهی نمسک انما دی و بود اول نار لایه
 زیدک محلولندیم طابو ایدوب بر مکه قادر اولور می **اجواب اولماز** بچی افندی
 زید سپاهی بیماری فریبه کند محلول اولان نار لاری عمره طابو ایدوب نفویض ایدوب
 رسم طابو ایدوب المادین زید فوت اولمش اول حاله زیدک اولغی بکره رسم
 طابو ایدوب عمر و دن المنه قادر اولور می **اجواب اولماز**
 زید بیماری فریبه کند محلول اولان نار لایه عمره شو قدر آنچه رسم طابو ایدوب
 و برود بعد زید مبلغ مزبوری عمر و دن المادین زید معزول اولوب برینه بکره
 سپاهی اول حاله زید مبلغ مزبوری عمر و دن طلب واخذه
 قادر اولور می **اجواب اولور** بچی افندی
 زید عمر و ک اشترک اوزر تصرف اولد قلمی بیمار ارضه کند محلول اولان نار لاری
 زید عمر و ک اذینله شو قدر آنچه رسم طابو ایدوب بکره نفویض ایدوب مبلغ مزبوری بکره
 اخذ ایسوه عمر و مبلغ مزبور هر حصه سن زید دن المنه قادر
 اولور می **اجواب اولور** بچی افندی
 بر نار لایه نمسک طابو ایدوب تصرفنده ایدوب کی ثابت بکن صاحب ارض ایدوب طابو ایدوب
 بود چه اخوه و بر مکه قادر اولور می **اجواب اولماز**
 زید طابو ایدوب تصرفنده اولان نار لاسنی و آمادی عمره و فحمانا اذن صاحب ارضه فرغ
 و نفویض عمر و دخی بعد التفویض اول نار لایه ضبط و زراعت اوزر و بکن اول نار لایه
 طابو سنی بر طبر قبیله ضایع اول حاله صاحب ارض اول نار لایه طابو ایدوب عمر و ک تصرفنده اولدیغی
 ثابت و ظاهر بکن مجرد ایدوب طابو سنی بود چه اول نار لایه عمر و دن المادین
 نفویض ایدوب و بکه قادر اولور می **اجواب اولماز** بچی افندی

راضی بیت المال الی قطعها استیجاب
 نظیره طابو فی الذبوت الی اخذ
 من دعوی التفریق
 اعطایا بورت کند فی صلح الی غیره
 من ذللت ایشیا فی ارض المکان

واختلافه بعینه و لا یملو به
 من التفریق

بستانه از کبوت عماره و اواعاره
غیر از آنکه کما حق

زید سپاهی بیماری طبر اعنه محلول اولان نار لاری عمره و آرزواعت ایله دیوان
و بر مکه عمره و دخی اول نار لاری اون سنه زراعت اید و ب عشرین زید و بر مکه و بر مکه
زید اول نار لاری طابو ایله و بر مدین معزول اولوب برینه بکر سپاهی اولدقه
بکر اول نار لاری عمره و دن الوب طابو ایله و بر مکه قادر اولور
اجواب عمره طابو ایله الما ایله اولور علیهم
زید سپاهی بیماری اراضیه سنه واقع عشر محصول النان نار لاری محلول اولدقه
سنه ده بر مقدار راقه مقاطعه نقد بر مکه با بلاق اولمق اوزن عمره نفویض اید و عمره و دخی
اوج و رت سنه ضبط و تصرف اید و بعد زید معزول اولوب برینه بکر سپاهی اولدقه بکر
عمره اول نار لاری زراعت ایله بکه عشر حاصل اولور و الا سنه الوب اخو
طابو ایله و بر مکه قادر اولور **اجواب** اولور کذا
بر قریه اراضیه سنه بر مقدار طابو ایله نار لایه منصرف اولان زید اول مقدار نار لایه قریه
مزوره تک سپاهی اولان عمره بر مقدار راقه مقاطعه سنه فارغ اولد قد نصکره زید اولان
نوت اولوب بعد عمره و دخی فوت اولمق بیماری اولمق بکره توجیه اولمق قریه مزوره تک
اهلیسنده بعضی سنه لر اول نار لایه طابو ایله مشابهه نفوضه طابو ایله بکره نفویض
ایتمیه مجر زید منوفی بابام عمره و وجه محرز اوزره فرغ ایتمکله بن ضبط
وزراعت اید برین و بکه قادر اولور **اجواب** اولماز علیهم
بکرمی اجنبی باب لو ازم چفتکک بیامنده در او کتیه
درت فصل اوزرینه در فصل اول مرغی اوزرینه بنا
و تغلبا ضبط و قبوی کز در مگ کرک مرغی و کرک تار لاوله
بر قصب خلقی کنده مرغی لرینه و صوا تکرینه قناعت ایتمیه مو ایشلرینه قرینه اولان
قریه تک قدیم کنده لرینه مخصوص اولان مرغی لرینی و صوا تکرینی و مرزعه لرینی چکندوب
کللی خنرا ایله لر قریه خلقی مرعازند و صوا تکرندن قصب خلقک طلوار لرینی شرعانه
قادر اولور لر می **اجواب** قریه تک مرغی و صوا دی تک اولماز
مرزعه لرینه ارسال ایندر ماکه قادر اولور لر
زید توطن ایتمیکه قریه دن اراضی زراعت اید و صاحب ارضه عشره و رسم و بر مکن
اهلی قریه زیدک دو آب و مو ایشینی اول قریه تک مرغی و صوا ایله و غیره شرعی
بودن ماکه قادر اولور لر می **اجواب** اولماز لر

وقی ایستاده الضرریه الی و الی
لا ضرر ولا ضرار

در موضع الذی ینهی الیه صومهم
فتنا و العران وهم حق باندر قریه
لر می و ایشیم آتاری انلیس بعد
این بچی اولمق موضع غیر رضام
من ایستاده شرعی

بر قریه اهلیتک قدیمدن ابا عن جد منصرف اولد قلمی مرعازنی قریه اخوی اهلی فضولی
اون بش سنه تصرف ایله لکمره قریه اولی اهلیتک سنه ایله قلمی ایدیکه معرف
و صوا ترا و بیتی قریه اولی اهلی قریه اخوی اهلی شرعانه
قادر اولور لر می **اجواب** اولور لر
بر قریه اهلیتک اولان و مرعازنده قریه اخوی اهلیسی قدیمدن قبوی لرینی و صغر لرینی مساک
انواع ضرری اوله قریه اخوی اهلیسی قدیمدن قبوی لرینی و حیوانا تکرین اولما و مرعازی
اولد بیتی اثبات ایتکه قادر اولما و قلمی نقد بر مکه قدیمدن مرعازی اولمق
اثبات ایدن شرعانه قادر اولور لر **اجواب** اولور لر
صاحب ارض اولان زید بر قریه اهلیتک قدیمدن مرعازی اولان بر می طابو ایله
و بر مکه قادر اولور لر می **اجواب** اولماز
بر قریه اهلیتک حیوانا قلمی مرغی اولمق اوزره اول قریه اراضیه سنه بر مقدار
ایچون شرعانه معین و آرمیدر بو حقه هر قریه ده قدیمدن تصرف اراضی
مرعازن اوزره اعدا و اولنوب تصرف اولنه کلایه اول قریه تک
مرعازی اولمق ایدر **اجواب** شق ثانیدر علیهم
بر قریه اهلیتک مرغی قدیمدن اولان برک بر مقدار برینی قریه مزوره
سپاهیسی زید زراعت ایدر اوله اهلی زیدی زراعت
منعه قادر اولور لر **اجواب** اولور لر علی افندی
بر بلده اهلیتک مرغی قدیمدن اولان برک بر مقدار برینی بلده مزبور
اهلیسنده زید زراعت ایدر اوله اهلی زیدی زراعت
منعه قادر اولور لر **اجواب** اولور لر علی افندی
بر قریه اهلیسی قریه اخوی اهلیسنده بر قنچ کسنده قریه اولانک مرغی سنه حیوانا قلمی
کر و روب اولما منغه اذن و بر مکه اول کسنده لرضه شو قدر راقه الد قد نصکره قریه اولی
ضابطی زید بر قریه ضابطی اولمق اول ایدیم اولمش اولور چو مبلغ مزوری قریه اولی
اهلیسنده تغلبا اله اهلی مزبور مبلغ مزوری زید و استراده
قادر اولور لر می **اجواب** اولور لر علی افندی
بر قریه اهلیتک مرغی قدیمدن اولان برک بر مقدار برینی اهلیسنده بر قنچ کسنده
عمره بیع ایله ربع مزبور میج اولور **اجواب** اولماز علی افندی

قلمی مرغی ارض کرک من زمان
الفتح با رسم مملکه لا ذبح و لا تحرس
و تصرف و حیوانا اوجده ایشیم
بن کرک با علی مرغی صوا شق
منه افندی

لیس کا حد من المسلمین افند مال بعد
بیتربیب شرعی کنده ایمنه ایدر
و باقی المسئله بعد نمازنی ایشیم
من فضول فی اجرة المسکن الخامسین
فی اجارة الفاسدة بطیب وان لانه
السبب عزانا انتهى

و لا یجوز بیع المرعی ولا اجاره ثمن
و المرز و الکلا و لا تقبل الوردات
فی بیع الفاسد من الهدیه

بر قریه ابا ایسکند قیدی مغانزدن بر مقدار بری فریده بهات منصرف اولان زید
تارلا ایتمک اوزره عمرده تفویض ایسه حال اباالی مرقومه اول مقدار بری عمرده
الوب مغانزدن اولمن اوزره اسکه قادر

اولور لر می **ابجواب** اولور لر

بر قریه ده جفتکله منصرف اولان زید قدره اول جفتکله منصرف اولن لر می اید کله کلری
مقدار قیوننی اول قریه مغانسده حق رعیتی اولمقله رعیتی مراد اید کده اباالی قریه
زید سنده شوقدر آنچه در و الا قیونلر کی رعیتی ایدر فرزد بیکه قادر

اولور لر می **ابجواب** اولما زلر **عبدلحم** افندی

بر قریه ابا ایسکند زید اول قریه ده مالک اولد یعنی املاکله قدره مالک اولن لر قریه
مرزوب مغانسده ایچن اوجر بوز قیون رعیتی اید کلمش لر کین حال زید اول رعیتی ده
اوج بیک قیون رعیتی ایدر بوز اباالی به تفویض ایتمکله حال اباالی مرقومه اوجیونر
قیوندن زیاده سنی مرعاده رعیتدن منعه قادر

اولور لر می **ابجواب** اولور لر **عبدلحم**

بر قریه زید مالک اولد یعنی املاکله قدره مالک اولن لر قریه مرقوم مغانسده مقدار
قیون رعیتی اید کلمش لر ایسه زید رعیتی اولمقدار قیوننی رعیتی مراد اید کده سائر اباالی قریه
زیدی منعه قادر اولور لر **ابجواب** اولما زلر **عبدلحم**

زید بر قریه به مسکره دن کلوب بر جفتکله اشتر ایدر بوز اول قریه تک مغانسده
قدیمدن اول جفتکله منصرف ایدر ایکی بوز قیون رعیتی اید کلمش لر کین حال زید
بش التی بیک قیون کنور بوز رعیتی مراد اید کده سائر رعایا تک طوار لر برینه ضایقه
وبر بیک رعایا زیدی قدره اولان دن زیاده قیون رعیتی ایتمکدن

منعه قادر اولنور می **ابجواب** منع اولنور

جواب آخر ایدر اولور لر **یحیی افندی**

بر قریه ابا ایسکند بر قاج کسند لر آخر قریه ابا ایسکند زید و عمر وک بر مقدار
انچه لر یعنی الوب قریه اول مغانسده حیوان لر یعنی اولان مغانسده اذن و بر طریقه زید و عمر
دخی حیوان لر یعنی قریه اولی مغانسده بغیر حق کز در بوز اولنور اولسده لر
قریه اولان تک سائر ابا ایسی زید و عمر وک منعه قادر

اولور لر می **ابجواب** اولور لر **علی افندی**

یعنی القیم علی قدره اولنور
مالک علی مالک انقلیه لکن ایسکند
باز ما وضع اوجر بوز رعیتی مغانسده

مراتبه سبب لر اولنور قیون نزل ایسده
افندی

نیز

زید سباهی بهاری قریه سنک سنوری داخلنده اولوب قریه مرقومه مغانسند
اولمیان بر مقدار بر لر می طابو ایله تفویض مراد اید کده قریه مرقومه ابا ایسی
اول اراضی قدره رعیتی اولما و بغنه معتر فلر ایکن مجرد اجناس حیوان لر یعنی اول
بر لره رعیتی ایدر بر زید بوز بوز زیدی منعه قادر

اولور لر می **ابجواب** اولما زلر **عبدلحم**

بر قریه ابا ایسی کند ولره مخصوص مغانزدن بر مقدار یعنی بعض کسند لر ک بر مقدار
انچه لر یعنی الوب حیوان لر یعنی کنور بوز اول مرعاده رعیتی ایدر مکه اذن و بر طریقه اول
کسند لر یعنی حیوان لر یعنی کنور بوز اول مرعاده رعیتی مراد اید کله زید قریه مرقومه سباهی

اول کسند لر می رعیتدن منعه قادر اولور **ابجواب** اولما زلر **عبدلحم**

زید عمر وک بر مقدار آنچه سبب الوب حصا و نصکره قیون لر یعنی طابو ایله نصرفنده
اولان مغانسده رعیتی ایدر مکه اذن و بر بوز عمر وک رعیتی ایدر رش اولسده سباهی
زید ک وجه مقرر اوزر الد یعنی آنچه تک جمله سبب یا خود عشرین زید منعه طلب

ایدوب اخذه قادر اولور **ابجواب** اولما زلر **عبدلحم**

بر قریه ابا ایسکند حصا و نصکره تار لارنده بعض کسند لر قیون لر یعنی کنور بوز بغیر حق
رعیتی ایدر اولسده لر اباالی مرقومه اول کسند لر می رعیتدن منعه قادر

اولور لر می **ابجواب** اولور لر **عبدلحم**

زید عمر وک شومقدار آنچه سبب الوب مقابله سنده قیون لر یعنی تار لارنده رعیتی ایدر مکه
اذن و بر رش اول حاله سباهی زید الد یعنی آنچه باک عائد اولور ایسه باک و بر
دیوب المنعه قادر اولور می **ابجواب** اولما زلر کین عمر وک

رعیتدن منعه قادر اولور **عبدلحم** افندی

بر قریه ده ساکن اولنور کسند قریه ده قیون بسلیبه کلیمه قیون کز تک بری بوز بیکن
ابالی قریه زید و عمر وک بر مقدار قیون اشتر ایدر کلرنده قدیم ایانده قیون کزه جک
رعیتی اولما منعه اباالی مرقومه تک تار لار می ایچنه بغیر حق صالی بوز بوز و تار لار بیک
اورنه بر رش بغیر حق با زوب زید و عمر وک مسکره هضر اعدا ایدر بیک قیون لر بیک
کند ولره ضرری اولد قده سائر اباالی قریه زید و عمر وک قدیمه مخالف

قیون بسلیوب تار لار می اوز زید کز در بوز و با تر مقدم

منعه قادر اولور **ابجواب** اولور لر **عبدلحم** افندی

مشاهه مانی شیخ المنصف اناس کلهم
شکره فی الامار و الخیر و انوار الی اخره

المرور فی ارمن الخیر و اوجده طریقا
شکره لاجل وان لم یجد طریقا زکات
مالهم بمنه صاحبه رش و ان اشعهم
علیه المرور لان الفرح بطل ایدر لار زید
و ان کان المار و بعد ان جاز و بیج
منه غلبه ایتر زید

زینت قبل الورق بعلت

بر قیاج کسند زیدک طابو ایلد نصر فنده اولان تارکسند بفرق مرور ایدر اولور

زید فروری منعه قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

بر قریه تک قدیمی مرعاسنده خدا یه نابت اولوب اهلای انقطاع ایدر کلد کلری بیله اغاجلرخی قریه فروری سپا بیسی قطع واخذ مراد ایدر کده اهلای رای حاکمه

منعه قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

بر قریه تک مرعاسنده قریه اولان قریه اهلای بیسی حیوانلری کنوروب بفرق ری ایدر کسند کلر زید قریه فروری ضابطی اهلای فروری یه رعیت منعه قادر

اولور **اجواب قریه اولی اهلای بیسی اولور علی افندی**

بر قریه ده ساکن اولان زیدک اون رأس صغری اولمقله قریه فروری مرعاسنده ری ایدر کسند کسند بیسی اول مرعاده ری ایدر اولدده سائر اهلای قریه تک صغریه مضایقه و برسه اهلای قریه رای حاکمه زیدک زیاده صغریه ری مرعاده

رعیت منعه قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

بر قریه اهلای تک قدیم مرعاری اولان موضع تک اونون سهای آخره ایدر قیون و صغریه کنور کسند بیج ایدر قادر **اجواب اولور علی افندی**

زینت قبل الورق بعلت

فصل ثانی بیلاف و فشق بیامنده در

زید عمر سپا ایدر قیون بیلاف فشق ایدر کسند بر مقدار بری طابو ایلد اولوب دستوی بر مقدار ایدر رسم تقدیر ایدر ربوب الی سنده ری سجا وز بود اوزره منصرف کین مال عمر ک برینه سپا ایلد اولان بکر زید اول بر لر دفتر لوقشق و کلد زرعت ایلد والا

طابو ایلد اخره و بررم و بیکه قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

بورگ طابو سنده بر جماعت دفتر حاقانیده مفید اولان بیلاف فنده قدیمه یا ایلد کسند مفاطع سن و بر لر کن ایدر زید بیلاف اولد سونی اولوب سپا بیسی عمر و بیک حصه سنی زرعت ایدر کسند طابو ایلد بکره طابو ایلد بر سر زرعت ایدر بررم و بیکه قادر اولور **اجواب**

قدیمه بیج اولد کلر سینه اولد اولور **بجی افندی**

زید سپا ایلد بیلاف اولان بر مقدار بری قیون ایدر کسند ایدر بیجده قیون ری ایدر کسند عمره و بر سر بعد زید فوت اولوب برینه بکر سپا ایلد اولد فنده عمره اول بر لر بی زرعت ایدر کسند ایدر عمر و اصفا ایدر سنی ایدر بیجده زیاده زرعت ایدر بیجده اولان ایدر کسند کسند کسند

اول بری طابو ایلد زرعت ایدر کسند قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

تجوز المفاطع علی ذکک اوزره ایلد
شرکات کسند شرکان کسند بیجا
و بعضی المفاطع معدوم و بعضی کسند
و بعضی منقطع اولان کسند باره ایلد
بیج المفاطع و اوزر قیون المفاطع
اشر و ایلد سنی مفاطع قیون باطلد
با ایلد و اوزر وقت باطلد کسند
کالعدم سزا جاره ایدر

المزاج فی ارض السهلانیه و الوضوح
او ایلد سنی ایلد کسند ایلد ایلد
بسی سنی ایلد کسند ایلد ایلد
اولد مفاطع سنی ایلد کسند ایلد
اولد مفاطع سنی ایلد کسند ایلد
اولد مفاطع سنی ایلد کسند ایلد
اولد مفاطع سنی ایلد کسند ایلد

زید سپا ایلد بیلاف اولان بر لر بیلاف اولان اوزره طابو ایلد کسند
شوقه راقی مفاطع ایلد بر قیاج کسند لره تفویض ایدر کسند بر لر بیلاف اولان اوزره
زید و بر رب بر قیاج کسند اول بر لر بیلاف اولان اوزره نصر فنده کسند کسند
اولوب برینه عمر و سپا ایلد اول کسند لره بعد ایلد اول نار لاری زرعت ایلد والا
اخره تفویض ایدر کسند اول کسند لره زرعت ایلد سنی ایلد ایلد کسند کسند

عمره اول بر لر بیلاف اولان تفویض قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

ایکی قریه ایلد کسند اوزره طابو و مفاطع ایلد نصر فنده اولان بیلاف اولور
معنا اوزر بیلاف کسند حیوانلری ری ایدر اولد کسند لره ایلد کسند لره بعضی صاحب ایلد کسند
اول بیلاف کسند بعضی بری زرعت مراد ایلد کسند لره صاحب ارض زرعت

منعه قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

زید سپا ایلد بیلاف اولان بر لر بیلاف اولان اوزره طابو ایلد کسند
عمره قیون فشق ایلد کسند بر مقدار ایلد مفاطع کسند تفویض ایدر کسند
اول بر لر قیون فشق ایلد کسند بعد زید معزول اولوب برینه بکر سپا ایلد اولد فنده
اولد فنده رضی ایلد کسند عمره و بر سر زرعت ایلد والا اخره بر بر کسند کسند کسند

عمره اصفا ایلد کسند کسند زرعت ایلد سنی ایلد ایلد کسند کسند

طابو ایلد و بر کسند قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

بر قریه ایلد کسند زید قریه اخری ارض سنده نار لاری اولمقله اول نار لاری زرعت ایلد
اخذ ایلد کسند اول کسند لره ارض سنده ری مراد ایلد کسند اهلای بیسی سنی بر سر کسند
اول کسند کسند قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

زید طابو و مفاطع قدیمه ایلد نصر فنده اولوب زرعت اولد کسند کلیمان بیلاف تک
مفاطع قدیمه سنی بر موجب دفتر حاقانیه سپا بیسی عمره و بر کسند کسند عمره و فشق
ایدر کسند زید اولد اول بیلاف بر بی زرعت ایلد کسند با کسند کسند و بر کسند

قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

بر بیلاف ایلد کسند اوزره منصرف اولان زید و عمره و بکر دن زید اول بیلاف کسند
صاحب ارض معرفت عمره و کسند کسند کسند فراق و تفویض ایلد کسند کسند و بر کسند
بدل تفویض کسند کسند و بر رب بکر ایلد کسند کسند اوزره نصر فنده

قادر اولور **اجواب اولور علی افندی**

مرآة القیوم بزرگ علی قدره
دی انکسانی و بجز ۱۰۰ ان کسند کسند
المزاج فی ارض السهلانیه و الوضوح
اینها ان قیون فشق ایلد کسند

زید و عمرو و بکر بر بیلاقی مشاعبت اوزره منصرفند بکن زید حصه شایسته سنی بشر
 و عمرو خالد معرفت صاحب ارمله تقویض و تسلیم اید و ب بکر دخی راضی اولوب
 اول بیلاقی بشر و خالد اوج سنه اشترک اوزره منبسط و تصرف اینسترا بکن
 حال بکر شریک کرم بر پدر دبو زید و عمرو و بکر دگری بدلی و بروب
 زید و عمرو ک حصه لرینی بشر و خالد ک بدل زدن المغه
 قادر اولور می **اجواب اولماز بجی افندی**
 زید و عمرو اشترک اوزره طاہو و مقاطعه لی بر قطعه بیلاقی منصرفند بکن زید
 اول بیلاقی حصه سی مقدار بنی اذن صاحب ارمله زراعته
 قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم**
 ہند عمی زید ابله مشترک بر قطعه بیلاقی منصرفند بکن فوت اولوب اول بیلاقی
 حصه سی محمول اولدقدہ ہند ک حصه سن اوغلی عمر صاحب ارمنہ طاہو اولوب ہند
 حال زید بن دخی اول بیلاقی ہند ابله شریک ہند ک حصه شک نصفی عمر ہند
 المغه قادر اولور می **اجواب اولماز عجبیم**
 بلا و ذکر فوت اولان زید ک سختی طاہو اولان بیلاقی صاحب ارمنہ طاہو ابله
 زید ک فریب سی اہالیسنہ و برمش اولہ مال زید ک فریب ہند اوز سنہ کچھ بن اہالی فریب ک
 و بکر بکن و بروب اول بیلاقی اہالیسنہ الوب منبسط نادر
 اولور می **اجواب اولور عجبیم افندی**
 زید سہا ہی بیماری طبر اغندہ محمول اولان بر قشلاق برینی طاہو ابله عمرو و تقویض
 ابله کدہ بکر کلوب مجر و منفذ ما بن اول قشلاقہ حیوانا نمی زید ک اذنیله بر نواج سنہ
 رعی ابله شجیم تقویض بن سندن اولیم دبوب عمر ک و بکر دیکنی
 و بروب اول قشلاق برینی عمر و دن المغه قادر
 اولور می **اجواب اولماز عجبیم**
 بر قرہ اہالیسنک غلی لاشترک طاہو و مقاطعه ابله نصر فلزندہ اولان قشلاق ندر نہ خارجہ بر نواج
 کسنہ لر جیوانا بنی کتور و ب بغیر حق قشلاق ہند ابله کلزندہ اہالی عرفہ اول کسنہ لر
 منعد قادر اولور می **اجواب اولور عجبیم افندی**
 زید طاہو و مقاطعه قدیمہ ابله نصر فلزندہ اولان بیلاقی اوز سنہ عناد و مقاطعه سنی و برماہ
 صاحب ارمنہ و بیلاقی طاہو ابله و بکر ک قادر اولور **اجواب اولور عجبیم**

منہ سب غیر نورث زید و عمرو

زید طاہو و مقاطعه ابله نصر فلزندہ اولان قشلاق برینک اوز سنہ عناد اید و ب
 مقاطعه سنی سہا ہی یہ و برماہہ حال سہا ہی اول قشلاق برینی
 طاہو ابله و بکر ک قادر اولور **اجواب اولور عجبیم**
 زید سہا ہی بیماری فریب سی ارمنہ سنہ بر مقدار خالی راضی یہ عمرو و فریب قشلاق
 مزبورہ اہالیسی بر نواج کسنہ لر ک بر مقدار اقلہ لرین الوب مقابلہ سنہ فریب برینی قشلاق
 اذن و بروب اول کسنہ لر دخی کلوب فریب برینی قشلاق سنہ کلزندہ زید اول
 کسنہ لر منعد قادر اولور **اجواب اولور عجبیم**
 زید سہا ہی بیماری فریب سی ارمنہ سنہ بر مقدار خالی راضی یہ عمرو و فریب قشلاق
 و برمش اولہ فریبہ نادر لر اولان بکر و بشر جانکہ نادر لہ فریبہ فریب کیر و ب ستری اوچ
 سہا ہی یہ منعد قادر اولور **اجواب اولماز عجبیم**
 زید صغیر ک و صیبی اولان عمرو زید ک بیماری فریب سنہ محمول اولان قشلاق برینی طاہو
 مشندن نقصان فاحشہ بکر و تقویض ابلہ حال زید بالغ اولدقدہ اول قشلاق
 برینی بکر دن الوب اسنہ بکنہ تقویضہ قادر
 اولور می **اجواب اولور عجبیم**
 زید خاصی فریب سنہ محمول اولان بر مقدار قشلاق برینی شوقہ راقہ رسم طاہو ابله عمرو
 تقویض اید و ب مبلغ مزبور عمر و دن الدقدہ بکر اول بر لہ سختی جیبوب شہ
 عمر و دن الوب منبسط ابله کدہ عمر و رسم طاہو نامنہ و بکر دیکنی اقلہ یہ
 زید بکر و المغه قادر اولور **اجواب اولور عجبیم**
 بر نواج کسنہ لر طاہو ابله نصر فلزندہ اولان قشلاق برینک اوز سنہ مقدار می مقاطعه سنی
 صاحب ارمنہ و برینک ترک اید و ب اخذ بارہ کسنہ لر سہا ہی اول قشلاق برینی
 طاہو ابله و بکر ک قادر اولور **اجواب اولور عجبیم**
 بر و دینک بر جانبنده بر بیلاق و جانب اخذت دخی بر بیلاق اولوب فریبندہ اولان
 یکی فریب اہالیسی قدیم دن بواندہ ک بو بیلاقی خذ اید نایت اولان اشجار و درون
 و کسنہ قطع ایدہ کلوب وضع قدیم بو بیلاقی بکن حال فریب سندن برینک اہالیسی
 و اذینک بر طرفندہ اولان بیلاقی بر سنہ تقویض اید و ب طرف آخری فریب آخری
 اہالیسی منبسط ایسون دبو بوجہ اوزرہ اقسامہ جبر قادر
 اولور لر می **اجواب اولماز عجبیم افندی**

نادر ثبت ذمت طہو بیلاقی
قبضہ ایشترک اوز سنہ با اید
نادر خانیہ

و اشترک لا شتباہ
من نادر خانیہ

سختی نمی ارمنہ سطاہی بیلاقی
از نواح اہالیسنہ و تقویض
ان سہا ہی و برمش برینک اہالیسی
علیہ قدیمہ اہالیسی قدیم علی قدیمہ
اجاب برینک اہالیسی علی قدیمہ
علی ذمت علما نونا
من نادر اہالیسی نایت ایشترک

زید و عمر و دیگر و بشر مشرک بر سیلان منصرف فلز ایکن زید بلا ولد فوت اولوب اول سیلان
 حصه سی سختی طابو اولد قده حصه مزبور به عمر و صاحب ارشدن مستقلا طابو ایله
 الهه حاله بکر و بشر مشرک و خلیط اولمقله نسی سنه بکجه بن عمر و ک و بر و بکنک ایشانی
 عمره و بر و ب حصه زیدی عمر و ایله مشرک نصره قاور
 اولور لر می **اجواب اولور لر عظیم افندی**
 زیدک طابو و مشاطعه لو نصره اولان سیلان اوز زنده بعض کسند لر بغیر حق
 حیوان لر می کر و رب اولور اولور اولور زید مزبور لر می منعه
 قاور اولور می **اجواب اولور علی افندی**

زین شاه قبل الوردین منصفین زید

فصل ثالث قور و و اور مان و طاع و جالیق
 اجوب نار لایکنک بیاننده در

بر قنک اطرافنده قور و االیسی جیلده اودون کسک عا و نری اولوب نفعند لر کین
 مسکه جیلده قریب اولان طائفه بعید اولنری مشرک منعه قاور اولور می **اجواب**
 اولدن اوله کلن نه حصه منعه قاور اولور احمد قاسمی زاده
 ایکی حصه زیدک بر حصه قزداشی قری مشرک مشاع و مشرک اولد قری ایشک قور و سی
 بالکر زید کندی نصره ایله سنه ایله نصره قان منعه قاور اولور **اجواب**
 سپاهی معرفتیه وضع قریم عمر ز قنور ابوالسعود افندی

زین شاه نظر الوردین منصفین زید

بلا ولد فوت اولان زیدک نصره اولان اودون قور و سی قزداشی اینه انتقال
 ایدر می **اجواب** صاحب ارشدن که و بر و ب جسی افندی
 زید سپاهینک بیماری طبر اغنده خدای نابت اولان قور و ب زید ضبط ایشک مر و اولد که
 این جیت ایشال زید و ضبط ایشک مر و ب بن ضبط ایدرم و
 دیکه قاور اولور می **اجواب اولور عظیم**

الاصل ان الشجرة اولم برف از قاری
 ولا لکن نشانه یکم از پیش عمادیه

زید طابو و مشاطعه ایله نصره اولان قور و بک خدای نابت اولان اشجار بنی صاحب
 او منصره قطع ایله استهلاک ایله سپاهی اول اشجار ک قانما قیمن لر می
 زید منعه قاور اولور می **اجواب اولور عظیم**
 بر قریب االیسیک طابو و مشاطعه ایله نصره اولان قور و بک اشجار بنی قریب اولان
 آخر قریب االیسی قطع مراد ایشک مر و ب قریب اول االیسی منعه قاور
 اولور لر می **اجواب اولور عظیم افندی**

ترک الشجرة علی الخاطی و منصفین
 الشجرة قانما ای منصفین

زید بیماری قریب سنده اولان قور و بک اشجار بنی عمر و طابو ایله و بر و کد مسکه عمر و فوت
 اولوب اولی بکر اول اشجار بنی ضبط و نصره اولان ایکن زید معزول اولوب برینه بشر
 سپاهی اولد قده بشر اول اشجار بنی بکر منصره طابو ایله آخره و بر و ک
 قاور اولور می **اجواب اولور عظیم افندی**

زیدک طابو ایله نصره اولان قور و بک سنده قریب اولان قریب االیسی ملا قری بو عیکن
 اودون قطع ایدر اوله لر حاله قریب مزبور االیسی من بعد اول قور و ب اودون
 کسکدن منعه قاور اولور می **اجواب اول قوری انصافا**
 و احتیاطا زید و تخیص ایشک مر و ب اولور عظیم

زیدک طابو ایله نصره اولان قور و بک بعض کسند لر بغیر حق اودون قطع
 مراد ایله لر زید بسیار مشرک صاحب ارشدن مزبور لر می منعه
 قاور اولور می **اجواب اولور علی افندی**

زید بر اور مانه عمر و ایله مشرک اکا منصرف فلز ایکن زید اول اور مانک بر مقدار بنی سپه
 اجوب نار لایک و ب زراعت ایشک مر و ب عمر و بندنی اول نار لادون حصه لوم
 دیکه قاور اولور می **اجواب اولور جسی افندی**

زید سپاهینک بیماری طبر اغنده اولان اور مانه طابو و مشاطعه ایله منصرف اولان
 کسند لر اول اور مانک اشجار بنی قطع ایشک مر و ب کسند لر زید اول کسند لر می
 قطع منعه قاور اولور می **اجواب اولور عظیم**

بر قریب االیسیک زید قریب مزبور االیسی سنه بر مقدار اور مانه صاحب ارشدن ایشک مر و ب
 اجوب نار لایک ایشک مر و ب صاحب ارشدن اول نار لایک طابو ایله و بر و ک قاور اولور
اجواب اولور کین زید و بر و کسند در عظیم

زید طابو و مشاطعه ایله نصره اولان اور مانه برینک سنه سنه منصفین صاحب ارشدن
 و بر و ک صاحب ارشدن اول بری فضولا بکره تخیص ایشک مر و ب کسند لر نار لایک
 طو تیسوب بر بنی ضبط قاور اولور می **اجواب اولور عظیم**

زید و عمر و دیگر مشرک اوزر بر اور مانه منصرف فلز ایکن زید اول اور مانه باله سبیله نار لایک
 ایله حاله عمر و دیگر زید ایله علی ایشک مر و ب منصفین مراد ایشک مر و ب زید نیم باله ایله ایشک مر و ب
 نیم اولور و ب مزبور لر می وجه محرز اوزر علی ایشک مر و ب منصفین
 منعه قاور اولور می **اجواب اولور**

در بیان اختلافات اشجار بنی کسند لر
 بلا ایشک مر و ب کسند لر کسند لر
 او مشاطعه ایله نار لایک سبیله
 ان الاشجار نخور عا و
 مناصات نصیبین

شجره فی مکنت ریل و برف نار لایک
 لیس له عد ان عیظیها بشیر ایشک مر و ب
 حایه فی فصل العشر
 اوله ایشک مر و ب نار لایک کسند لر
 کسند لر منصرف ان منصفین بسیار مشرک
 صاحب ارشدن ایشک مر و ب استیظان
 منصفین ان منصفین القاصب
 من القلع و انده اشجار

لا ترفع ید مناهار ام مزدها یعلی
 ما هو العنا و فیها علی و بطلوب
 من مزدها نخور عا

زیدک نصر فنده اولان چار دفا نند نصکره مستحق طابو اولد فنده قری اید ایل و بر بکی
 رسم طابو و بر ووب المغه طالبه ایکن سپاهی و بر میسوب اجانبه عمده
 و بر مکه قادر اولور می **اجواب اولماز بیجی آفتدی**
 زیدک فنده شو قدر اقبه مفاطعه قدیمه ایل نصر فنده اولان بر مقدار چار بر بی زراعت
 ایتک مراد ایتدکه صاحب ارض اول بر چار اولق اوزره مضبوط اولد کلش در
 دیوزرا عتد منعه قادر اولور **اجواب اولور بیجی**
 زیدک قدیمه چار اولق اولق اوزر نصر فنده اولوب مفاطعه قدیمه و طابو ایل چار کرک
 سینه مفاطعه سنی و بر کرک سپاهی اولان بکر زید چار بری زراعت ایلر و الا
 سینه الوب آخه و بر رم و بیکه قادر اولور **اجواب اولماز**
 زیدک طابو ایل نصر فنده اولان چار بر کرک طبر اغنی بعض کسند لر طابو برین اوزر کرک اچون
 قازوب کونور کرک استندکه زید اول کسند لری منعه قادر اولور **اجواب اولور**
 زید صغیره بابا سپاهی شونی عمر و دن انتقال ایلد بر فطعه بو بجه لغی و صیسی بکر عمر وک زوج سی
 بنده اولان شو مقدار اقبه مهر دینی مقابله کسند معرفت سپاهیل تفویض ایلد و ب
 هند دخی قبول ایلر بعد زمان صغیر فرور فوت اولد فنده سپاهی و صینک اول تفویضی بیج
 و کلد بر چار اول بو بجه لغی هندک اندن الوب آخه طابو ایلد و بر مکه قادر اولور
اجواب منعه تفویض معرفت سپاهیل و بیجی اولماز بیجی آفتدی
 بر قریه تک حدودی و آخلنده واقع اولان بر مقدار سزلق قدیمه چار ایتخا اولد کلر سپ
 اول قریه تک ابا لیسنگ مرعالمی اولوب مو اشیلر یکره کلش یکن حالا آخر قریه دن
 بعض کسند لر اول ساز لنگ بر مقدار دینی سپاهیلدن چار ایتخا ایتک اچون الوب
 چار ایتخا ایلر بر حالا قریه فرور ابا لیسلی اول وجه اوزر چار ایتخا
 ایتکدن منعه قادر اولور **اجواب اولور لر بیجی آفتدی**
بکرمی در بیجی باب رسوم و دنم و نار لاده بولنا
 مر طاش و سمعنه و مقبره و حق مرور بیاننده در
 ولایت تحریرند نصکره خواص همایون طبر اغنده مسلمان اعدا ایتدیگی باغله ایتسلی
 اولان عمر و عشر طلب ایتدکه مسائر ولایتده اهل اسلام انده اولان باغله دنم قید
 اولمش در بزده دنم حتی و بر بر چو عشر و بر ماکه شرمه قادر اولور لر می
اجواب اولماز لر ایتخ ارض عشر بیجی ابو السعد

بستانه ارضی و بار نامی سپاهی
 ارضی لشکر و قوت لایق و بیکه
 عطا عمر و فریاد فیکون فاصبا باغله
 ان سمار و اقبه فطس طام اوزا لیه
 ان بنده عطا ارضه فندک ای لشر

و بجه ایتخا ایلر با قریه من اعمال
 بر کرک مرعی لایق اقبه و مطر
 کصالح هم متقی اقبه

روم ایلر غایبسی بد لرنده اولان اراضی عشرت بر میدر بو حقه خرابه میدر
اجواب نه عشرت بر و نه خرابه در ارض مملکت در بیجی آفتدی
 بر ولایتی سلطان اهل اسلام فتح ایلد و ب به حاصل اولمغین خواص اراضی من
 هر دنم باشنده بدل عشرت سزاقه خراج موطف تعیین ایتمکه محرز ولایت دخی
 و قریه اولد قید ایلد و ب الی الان اول ولایتک اراضی تک و طیفه سی
 اول وجه اوزره و بر یورکن اول ولایتده بر فطعه نار لایه منصرف اولان زید هر سنده
 تعیین اولان خراجن صاحب ارضه و بر مکه بر تاج سنده دن برو خالی قیوب
 زراعت ایلماسه حاله سپاهی اولان عمر و محرز اول نار لایه سن زراعت ایتدی و ب
 بر قریه سنه خالی و معطل ایتدک دیو اول نار لایه طابو ایلد و بر مکه
 قادر اولور می **اجواب اولماز بیجی آفتدی**
 بر قریه تک حدودی و آخلنده اولان خالی بر لایه سپاهیلده رسم اولخاف یا زلدیغی
 و قریه فایده سلطوره اولسه حالا اول قریه تک سپاهیلده اولان زید اول بر لایه
 قیون بر بی کز و ب و منصرف ایلد نردن و قریه کور مو بجه لازم اولان رسومی طلب
 ایتدکه ابا لیلی قریه اول رسومی بز الویز دیوزید در مدرامغه
 قادر اولور **اجواب اولماز لر بیجی آفتدی**
 بر قریه ابا لیسلی نار لایه حاصل اولان جو بک عشرت سپاهی بر و بر دکلر نصکره
 سپاهی منصرف اولد لیکر نار لایه کرک بعضی سنی زراعت ایتد و بکلر سنده بعض
 کسند لر اوزر زنده قیون اولماق اچون اذن و بر بر مقدار اقبه سنی
 اولر سنر اول اقبه تک بر مقدار دینی باک و بر مکه قادر
 اولور می **اجواب اولماز بیجی آفتدی**
 زید و عمر و نصر فلرنده اولان نار لایه اکتلر بی قادر و فلرند نصکره بعض کسند لر
 قیون بر بی کتور و ب اولما و ب اوزر زنده کز و بر دکلر زید و عمر و اقبه ایلد
 اول کسند لری منعه قادر اولور **اجواب اولور لر بیجی آفتدی**
 زید سپاهی کندینک بیماری طبر اغنده بر نار لایه منصرف اولان عمر و دنم ذریع ایتدیگی
 جو بک عشرت سنی و سائر سنی طلب ایتدکه عمر و دار اول نار لایه بر مکه ایلد و ب
 بو بجه و بجه سبله زید اول نار لایه طابو ایلد آخه و بر مکه قادر
 اولور می **اجواب اولماز بیجی آفتدی**

بستانه ارضی و بار نامی سپاهی
 ارضی لشکر و قوت لایق و بیکه
 عطا عمر و فریاد فیکون فاصبا باغله
 ان سمار و اقبه فطس طام اوزا لیه
 ان بنده عطا ارضه فندک ای لشر

خان حاصله ان اقبه بیت المان
 و ایتخ لایق طابو من بجه اقبه

اولی اصل و بیجی عشر و ایتخ لایق
 و اعد سواد کانت ارض عشرت
 او فوجیه محیط البر اقبه فیلر اقبه

مر با شاکه قبل منته اوزق
 من غضب ایز ایزه

بر دیار و در زمان فتح ن قیام اولانان سلم چشنگلک بر منصرف اولان سلم
 اول چشنگلک نصرانی بود و اول نصرانی مضافه شده سفر سلطان به انجا
 معناد و ولایت محزری دفترنده مقید اولوب اول چشنگلک برینه منصرف
 اولان زید سفرده مضایقه سی حالده اول چشنگلک بر سفر آری عمره
 نفویض وجهی اوزر و برسه حال زید دیار برینه کلده اولمقداری
 عمر دون الدینی آنچه به اوزر برینه رز ایلد بدن المغه
 قادر اولور می **اجواب اولور بجی افندی**
 زید صاحب ارشدن رسم طابو ایلد نفوض ایلدیگی نار لاجه حولی جور کت
 مراد ایلد که صاحب ارشدن اولان عمر و حولی جور بیکت سند نسکره جاسر که
 ملکه ر دیوز آعه مؤدی اولد دیوب زیدت مانع اولمغه
 قادر اولور می **اجواب اولور بجی افندی**
 زید سپاهی اولدینی قریبک فراری دارا ضیسی اوزر لر زده خارج فرید با بستک قبول
 و طو آ لرین کز در ماکه قادر اولور **اجواب اولور بجی افندی**
 زید سپاهی ایلدیک بیماری ارا ضیسنده اولان بر قشلاق ایچون دفتر سلطان ایلد که
 اوجیوز آنچه رسم با زلمش اولوب حال زید نفع حاصل اولمغه منصرفیندن
 تحلنه کوره رسم النیق ایچون مجده امر سلطان و آرد اول طابو ایلد عمر و حولی
 کوره رسم طلب ایلد که عمر و زید و مجرد مقداد دفترده اوجیوز آنچه با زلمغه
 ایچنی اوجیوز آنچه و بر و بر تحلنه کورت و بر ماکه
 قادر اولور می **اجواب اولور می**
 بر قریه ایلدیک زید قبول فریدی عمر و زید مرعاسنده رسمی ایلد بر و ب ایلد
 قشلاق اولد قده قریه عمر و زید سپاهی سی اولان عمر و زید رسم قشلاق و رسم و قلاق
 نامنده شوقدر آنچه و بر با خود قبول فریدی رسمی ایلد رسم و بر ماکه قادر
 اولور می **اجواب اولور می**
 بر خاص ارا ضیسنده اولان قبول فریدی رسم اغنامی خاص صاحب لرینده حاصل قید اولور
 امر سلطان و بر ماکه خاص منصرفی امر مو جیب طلب ایلد که اول اغنام اصحاب
 رسم اغنامی جزده آره و بر پر ز دیوار اولدینی بره در ماکه قادر
 اولور می **اجواب اولور می**

این بر آراء ما صحت فیض با بره
 من اختیار و در حکم قمار انشا
 من عطا در من ان عام ان بیها
 الی من نصره فیها ما نقل الی من
 من الخلیج
 مریشا و بر سبقت راق و بر ماکه
 والبسوط
 بینه انما طلب من ارباب اغنام
 باسم الا رسم و زکوة الا غنام و منی
 تجوز فی الطلب ان لا سلطان ان
 یطاب بار ارباب الا سوال زکوة و منی
 الا من حوا به عطا اشد فی العشر
 و باقی السنه بیلم تا تر انشا
 من الاختیار

هنگام فوت اولوب زوجه زیدی و صغیرا و غلری عمر و بگری ترک ایلد که هفتک نار لاری
 زید نفسی چون طابو ایلوب بعد بکر صغیرت فوت اولسه بعد زید نفسی فوت اولد قده اول
 نار لاری زید که اوغلی خالد صبیط ابرعلا عمر و بالغ اولد قده اول نار لاری که رسم شغلی
 صاحب ارشدن و بر و خالد صغیر المغه قادر اولور **اجواب اولور بجی افندی**
 زید سپاهی بیماری طبر اغنده محلول اولان نار لاجه بش بیک آنچه رسم طابو ایلدی
 و آرا بکن بیدوب بیک آنچه طابو ایلد عمره نفویض ایلد حال زید عمره و درت بیک
 آنچه و غمی و بر و آرا سندن الوب آخره و بر بریم و بیکه قادر
 اولور می **اجواب اولور می**
 زید بیماری طبر اغنده محلول اولان نار لاری شوقدر آنچه رسم طابو ایلد عمره نفویض
 ایلد و بیدوب بیدوب بیک و بر و بر رسم طابو ایلد سننی الدین زید فوت اولسه حال زید ک
 و رت سی رسم طابو اولان اولمقدار آنچه به عمر دون طلب ایلد
 المغه قادر اولور **اجواب اولور می**
 زید سپاهی بر نار لاجه شوقدر آنچه طابو ایلد بکره و بر و بر رسم سننی الدین زید معزول
 اولوب برینه بشر سپاهی اولسه حال زید مبلغ فریوری بکردن المغه
 قادر اولور می **اجواب اولور می**
 زید سپاهی ایلدیک بیماری ارا ضیسنده اولان بر قشلاق ایچون دفتر سلطان ایلد که
 مستحق طابو اولد قده الی بیک آنچه رسم طابو ایلد و آرا بکن بکر زید کلوب محلول اولان نار لاری
 جزده سننه در ایچنی اون بش بگری بیک آنچه رسم طابو ایلد و بر یلور و بیکه زید نفسی معزول اولور
 اول نار لاری بگری بیک آنچه رسم طابو ایلد و بر و برش اول طابو ایلد قده بکره رسم
 طابو ایلد سنن کبیل ایلد و آرا آخره و بر بریم و بیکه قادر اولور **اجواب اولور بجی افندی**
 بر قریه ایلدیک زید بر قشلاق کسند بر بعد اکصا و حیوان لریننی نار لاری اوزر برینه رسمی ایلد
 اولد قده قریه عمر و زید ضابطی بشر اول کسند لریننم و منصرفی ایلد برینه و بر
 رسم اول قشلاق ایچنی المغه قادر اولور می **اجواب اولور می**
 زید نار لاری سننی عمره کوسه و ب تحدید ایلد و ب شوقدر آنچه بدل مضایق سنده اوزر صاحب
 ارشدن فرایغ و نفویض ایلد که هفتک بگری بش دو نم کلور دیوب بعد عمر و منصرف ایکن
 زید فوت اولد قده اوغلی بکر اول نار لاری اوزر زکی دو نم زیدی دو نم بن
 ابرو اولور و بیکه قادر اولور **اجواب اولور می**

قال حسن ان من سننی ایلد بگری
 ما انما استبدت نام سننه قبل زید
 عطا در ماکه و منصرف زید
 ابرو بر نار لاری استحقاق عطا
 بطریق السنه و سننه و منصرف
 قایه اسیان فی سننه

زیدارض مبری اوزرینه دکدی باغی اون سنه تصرف اولوب بعد الموت او علی عمر و نسی سنه
منصرف اولوب بعد الموت و آله سی تصرفه ایکن بر باغدن هر سنه ده و برسی
عادت اولان دوئم اچدی سی زید ایله عمر وک زمان تصرفت این اولنکره و بره کله کلزینی
مشعر حالا این اولان بکر مزبور لر سنه است آسا بقیمه مذکره طلبه بلده مذکره لر
بولنمسه این مرقوم مزبور لر سنه سابقه که هر سنه نکت دوئم اچدی لرینی المنعه قادر
اولور می اجدواب اولماز دوئم اچدی سی باغله خرآج مو تلف قبیلند ندر من بکک
موت ایله ساقط اولور و بر ما دیسه من الفصل الساس من کتاب خرآج
من انما رخاینه ومن خرآج الارضین من زکوة خزانة الفتاوی

درست خراج ارض بیوت من عید
 اولان خرآج و طیفه فی ظاهر روایت
 اسمائنا تا کار خاینه من الفصل المزبور

زید طاهرا بکره تصرفه اولان نار لاسنی فازوقه مرم طاش در کلر خرآج این بیت المال
اول در کلری بیت المال بچو ضبطه قادر اولور اجدواب اولور عجبیم
اسکدره سرای همایون بانته مبری نار لای زید تصرف ایدر کن مزبور نار لاده
کافری بنا جفسه ذکر اولن ان بنانک طاش لری پادشاه اچون بنا
اولن ان تمامه وضع اچون بککک طاش بجمیل المنعه قادر
اولور لر می اجدواب اولور لر ابولتعود افندی

املاک بکره اذنی خرآج من مزبور اجدواب
 او میرزا ای رقیب بیت المال سلسله
 او نامه افند و لیس منصرف فیها افند
 ان تا بککک مشایخ ارضی فقط

زید طاهرا بکره تصرفه اولان نار لاسنه طاش معدنه ظهور ایدر زید صاحب اثر و تصرف
اول معدنه طاش جعفر منعه قادر اولور اجدواب اولماز عجبیم
زید تصرفه اولان نار لاسنی مقبره انجا ایدوب میت دفن ایله سهایی زید
میشنی خرآج ایدر بروب کالاول نار لاولن اوزره انقابه قادر
اولور می اجدواب اولور عجبیم افندی

ترا بککک بول اوزریت من طاهرا

زید اسکی مقبره کک اولوب اوزر نه مقبره اثری قابیله مزوره کک اولوب زید اول بزور
بر حصه مقداری بز اولوب حولی ایدوب اوزر نه میوه اغا جلری غس ایدوب باغچه اولسه
بعده بعض کسنه لر اول بر مقبره کک رجو طلب ایله لر حال بوکه اول کسنه لر کک
اول بزوره متبیده اولماسه مشرعا اول بز اوزر نه زیدک باغچه سین

وان وقت میت فی ارض غیر مزبور
 انکککک فلانککک باغچه ان مشر
 امر با خرآج میت وان مشر سوی اوزر
 و نزع فیها ان ارض ککککک باغچه
 فلان ان تخلفن ظاهر و باطلت
 در ان بزککک باطلن و نفع الظاهر
 فی ان من اعلیین من طایفه ابراه

کیدروی بیلور لر می اجدواب بیلور لر
زیدک نار لاسی اچنده عمر وک قدی مخرق مروری اولمغله کالاول مرور مر آد ایدکده زید عمری
بغیر وجه شرعی مرورون منعه قادر اولور اجدواب اولماز بمشله افندی
علی افندی فی نوع فی الطريق من اجدباطان

باغی

بکر می بیشنجی باب صاحب ارشدن اذن سنکک لزومی
و تمسک الیه بولن سنکک لزومی بیاننده در

زید تصرف اولدیغنی ارض میریده اولان خرآج تصرفنی اینکک اذخسه مزوره بر مقدار اچدی سین ایدوب
خرآج اولوب عمر و بقدر ای اکوب بعده این عقده لرینه اذن و بر میوب عمر وک تصرفه
مانع اولوب ارض مرقومه کالاول زیدک اولوب بدنده فالده زید کک ارض مرقومه
ایسته طاهرا بروب طاهرا بکره سنه مزوره تخنی و ساخر خرآجی و بروب حاصل اولور فلزی
المنعه قادر اولور اجدواب عمر وک تصرفنی اینکک اذنه موقوف اولوب اذن و بر میوب
تصرفه مانع اولمغله ارض مرقومه کالاول زیدک اولوب بدنده فالماز زید مزوره بر مقدار اچدی سین
الوب خرآج تصرفه خرآج اولوب و بر مکله اسقاط حق ایشد حق اسقاط و ترک ایله باطل
اولور زیدک ارض مرقومه ده من بعد علاقه سی و دخلی فالما مشر بعده ذکک دخل و تصرفه
قطعا سیل بو قدر الساقط لایعود کک ارضینه طاهرا بولسی کدی جهته نام اولوب ایدوب
ایستکینی نقضه سعید مرود و باطلدر طاهرا بکره سی وخی لغو و جیده در و سدا و ون عا طله
این مزوره دخی اذن و بر ما دیسه منعه مانع علاقه و طاهرا بکره کک ارضی عدم تعطل ایدر
دخی نقضی اولمشد رجله غلات حاصله عمر وکدر زید اچون اصله ذره و فرغده جنبه بو قدر
این عشره نامه ارضک خرآج مقاسمه سنی لور و بو قدر علاقه ایدر مزوری ایدر ایدر مزور ایدر
غیر بچدی اذن اولور من فصل فی انهار من شرب خاینه و من الثامن و عشرین من جامع الفصولین و العا دیه
ومن بیما یقبل اسقاط الحقوق و بیان ان الساقط لایعود و من الکتابه و انظرا و من الکتابه
والوکاله من العنايه و النهایه و من قضاء الکتابه انکر مانع فی الاراضی

زید تصرف اولدیغنی چشنگی بنا لری و باغی و بکاری و مزوره و مره لرینه مزوره این معرفیه مساویه
عمر و دخی نار لایرینی زر اعت ایله اخر این ککده مزوره زید مزور اذن ایدر کک بز ارض میریده
یا کک زیدک بچی کفایت ایتمه صاحب ارض اولان ایسته خرآجی طاهرا بکره کک سنکک بچدی این
مهره طاهرا بکره کک بو قدر مزوره معرفیه اولماز دیوب مانع اولسه این سابقک طاهرا بکره
تمسکی لازم بیدر بچدی اذن افتر بکره مزور اجدواب ارض میریدی سهاییک اذن و اوزر می کک
ایتمه زید مرودن اذن سهاییک بر مقدار اچدی الوب بکره تصرفنی عمر و خرآج اولوب
و نفیض ایدر سهایی دخی تصرف دخی قراین مزوره بر مقدار اچدی سین
الوب طاهرا بکره و بر مزور اشداد و تمسک لازم در من حکم الاراضی شیخ مسلم
ابن کمال الوزیر و ابولتعود و همها اتمه تنع من تحمل المزبور

زید سپاهینک بیماری را آینه سنده نار لاسی اولان عمر و بنا ولد فوت اولد قد نصکره زید
 او نور فوناق بعدی اولان دیارده اولمغله خیر و اصل اولمبوب بعد برسنه مردن
 بیمار االیسنده بکر زید و آروپ عمر و سک سلام ابدی نار لاسی اکی ای مقدم پاکه
 فایغ اولدی سنخی فراغنه اذن و بر دیوب زید وخی فراغنه اذن و بر دیوب بعد زید بیمار
 و آرد قد عمر و ک برسنه مقدم فوت اولوب بدنده اولان نار لاسی سنخی طاپا اولمشکن بکر ک
 حبله و زور اینه بکنه واقف اولوب بکر وخی وجه بحر اوزن عمر و ک فوت قد نصکره کذب
 و زور اینه عمر و ک چنانده اولسین خیر و برسنه فراغنه اذن الیغنی اقرار ایلسه
 زید اول نار لاسی بکر دن الوب طاپا اولد اخره فطوبضه

قادور اولور می احوال اولور

یوه سورنده بکر مجرده بهر نظر بقوله اولور کسه اولسونم بدیمه اذن نمسکی و بر دکن دیوب

نار لاسی ضابطه قادور اولور احوال اولور

زید زیدیم بیماری محصلی نعش اینه ک نصکره وخی عشر الدین آخره لابنه کنده اول سنه بقوله
 وار به و سائر جوابات زیاده قیمتته حیقوق رعایا جمله محصل الدین صانوب و اکل
 اینه کلر قد نصکره زید کلوب اول سنه اولان نریخ اوزر رعایا دن عشر نیک قیمت طلب
 اینه کده مسکره کی بیلده اوجوزلق اولمغین رعایا مسکره که بیگت محصله اینه اکی سنه کت
 اعشارینی یعنی ایله بغدای و بر دیوب یاخود حال اولان نریخ اوزر برن و بر نریز

دیگره قادور اولور می احوال اولور

سبحاق کی اولان زیدک زمانده اوزوم بشوب باز زده ترا زوید کیر و ب
 صانوب بکر می بش کوند نصکره سبحاق عمر و و بر دیوب با بنده عمر و ایدن
 بکر می بش کون اینه و مقبول شیره و نک عشقونی

زید المشکین عمر و بن المورم دیگره قادور

اولور می احوال اولور معلول زاده

زید عشری چشمش بغد ایدن نخم اکوب حاصلی اولد قد نصکره نخم مقد اینه افران ایدر
 عشرین و بر ما کده قادور اولور می احوال اولور
 زید عمر و بر چفتنگ رهن فوبوب عمر و ارض مزبورده به نصرف اوزره ایکن
 سپاهی چغت حقی عمر و وخی الور بو سنه زید وخی الور

احوال اولور می احوال اولور

ویر کار و مشله نور العین
 و کونصیب عینا فانقطع عن ابدی التکر
 فعلی القاسم قیمت یوم المخصوصه فتنه
 اینه بینه حرمانه و فتنه اینه بر سنه اینه
 و عهد محمد یوم الاخطای و غیره کمالی
 اکتی صاحب اینه بقول به حقیقه
 حرمانه نفسالی
 رعایا جمله محصله بیع و استهنگ ایلد
 غاصب و متصدک اولد رر
 و آن سنه کده العشرین و صا ربنا
 فی ذننه سنه عشر الیجرانی الکره
 سنه اینه المعشر فی حق المشا بده
 زمان الیغنی الفقه و ظهور اکا اولمغین
 فی حق اولاد فی الوقت علقه اینه فی باب
 الفقه
 و بنا اخرج ایدر فان سنه اینه اینه
 و غیره صر و اهر و جوب العشر فی کل الفایغ
 من عشره در فی الکره

زیدک سپاهی بر عشرین و بره کلدی کی باخی اینه و کدی کی بسوه اغا جلزده سپاهی
 عشره المغه قادور اولور می احوال اولور

زید و نیک نصرف اینه کی بر دن سپاهی برک حاصله سبغ الکرک بکر مسلم اول
 بری زید دن اینه اینه نصرف اینه کده مزبور سپاهی بنه سبغ اینه شرعا
 قادور اولور می احوال اولور وظیفه قدیمه سی اینه اولور

رعایا و مشرف دن زید نصرف اولد یعنی زعامته متعلق نصبه و فرائک و فتر حانانی و سبغ
 سنوری متعین و ممتاز بر زنده واقع اولان باخی لرو باغ صا جلزده عمر و ک سبغ اونه
 مقابله لری باغ نک باغ و کلش بر بیک خندق فایغی اطراف اینه سنه عمر و اینه چاره و ک
 وضع اینه کدی اینه لک اوزومنی اونه ایدوب صانوب یعنی زمانه عشره طلب
 اینه و یوه ده بر بزم نصبه مزده جمعه نمازی قلنور باغ لری ک خندق بر بزم نصبه و زاده اولد
 متصل باغ و باغ لری مزده حاصل اولان اونه اوزومنی و سار بسوه وخی
 نقد صانوب کده عشر و بر مز و بزم لری مقبولد اینه کده کلدر

یوه سورنده سپاهی به عاند اولان حقوقی کتم و بیع ایدر قصد اینه بعضی انکار و بعضی ایدر
 یاخود جمله مشاعی بو قدر وین کسنه لک حال لری بجه در و کاحل بنه ضرر
 وار بیدر اینه کده کافرا اولان زید سپاهینک حقی و بر مک لازمدر

باغ و بستان صا جلزری بیع و شیره اینه کلر نریخ متاعلر نریخ لازم اولان
 عشرینی و بر ما کده ایلچون عشر و بر مک شرعی و کلدر سپاهینک
 الیغنی عشر اینه سی حوا ایدر و بو کلمات ایدن کسنه لره عشره حوا ایدر وینه
 تجدید نکاح لازم استغفار ایلد و بینه کده اینه برن و بر شرعا
 نه لازم اولور اینه کده تعزیر شد ایلد حاکم سپاهی به
 بی قصور ایلور بر مک لازمدر

یوه سورنده سپاهینک عاند اولان حقوق جمیع زمانده و بر ما کده نهسانه اولسونم
 دیونا مشروخ کلمات ایدن امور شرعیته به مشروخ و کل و او امر شرعی ایلد
 عامل اولنده ظالمدر و ابل عرف کجه لره و کوند زلرده ابل فساد و شراب انحر
 طومنی بدعنه درین جنکار قولنه شرعانه لازم اولور و نکاح لری
 بوزیلور می احوال اولور و بیل قطعی ایلد ثابت اولان امور شرعی به
 انکار کفر در اولد سعود اخدی

و احوال علی الامنه و اولاد و سنه
 ایصال حقوق لری اینه اینه

شیخ الزمعی حرکات قواعد فقهیه بر مطابقت جوامع صوابه مستغنا و اولاد علی ایماست که گندی نادر بخندم اولاد اولاد
 بود که بسط سؤالات مخالفین و انور قواعد تطبیق بر بسط سؤالات اقتضا اولاد یکدیگر جوامع بود که
 جمله محصول زبدک اولاد زبدک رفعت مقدی اولاد اولاد فقه عمده و معتزله قادر اولاد ۵

سائل شتی فیما يتعلق بالکلیف والذمی

اولاد یکی فصل او زبده در فصل اول محمول

اولاد منصبی وزیر سفره خلیفه حضرت توحید

ایند کلری و آسنان مشایخ بیاننده در

خلیفه نکت بر مقرب وزیر سفره کیدوب غیر برده ایکن بر منصب
 محمول اولوب اول وزیر بر منصبی زبده و زبده و بر دیکن
 بلیموب خلیفه عمره و بر سر انا زبده حاصلنی ضبط ایله مسکره عمره
 کلوب حاصلک اکثرین زبده ضبط اینمش بولوب حاصلنی طلب ایله
 شرفا عمره زبده دن طلب ایله کی حاصلنی دخی الوری بوخسه عمره بر آت
 نار بختدن بر بسببنی الوری باخود جمله سی زبده کی اولور
ایجاب زبده ضبط ایدر کن ایماز کندی

نار بختده اولاد الوری علی ایجاب

بشد شریفه نکت قزی و اوغلی دخی شریف اولور می **ایجاب** شریفه
 زاده لرون اولور لر ابو السعد و ائدی

بر مدرسه به طالب اولان زبده ایله عمره و انا بر آبر اولد نوری نقد برجه زبده کی
 زمان ملازمی زبده اولد بختدن ماعدا شرف سباده ای اولیجی مدرسه
 قفقسه و بر ملک اولی در **ایجاب** زبده
 و بر ملک اولی در

اولی ای سالی سالفه دن زبده کی خانقا بنده طریقه ساکت اولشردن
 مجاز ساکتیدن عمره خلیفه و آریکن خانقا مزبورده فقر آیه بشتن طعام
 شنجی اولان بکر طریق مزبور ساکت اولان مشایخدن مجاز اولیوب
 مشایخه دخی خدمت اینمیوب و کسینه پارسا شده و کسوه کیدر مکه
 مجاز اولیوب ساکتیدن و کل ایکن مجز و بر طریق بیلد مطبوعه
 و خانقا اده شیخ اوله و یوقه ایندر ملک خانقا
 مزبور کلندر و انده دور نظر کسوه بر بندم
 کینسونر و بیکه شرفا قادر اولور می
ایجاب اولاد ابو السعد

سئل فی رجل مات ففرغنا مني و نفا
 جماعت ثم ان رجلا مني انفق الميراث
 ففرغنا مني و طائف بنا على شرفه بالموت
 غير عام بتفرغنا مني السابقين من العبرة
 بتفرغنا مني ام بتفرغنا مني مع ان
 انما قرره بنا على ما انهي غير عام بانفس
 انفا مني اجاب العبرة بتفرغنا مني
 لا بتفرغنا مني بنا على ما انهي ايده
 كسوة الكيل اذا انجز ما وكل فيم
 المولى خصوصاً لم يوجد من السلف
 على عز الافرار و العا و منتهى على ام
 بين نفا و نفا بفتح و ان لم من نفا

سئل عن ابن شريفه نكت يكون شرفا
 لانه اجاب ان لم يكن ابو شرفا
 لا يكون شرفا لانه و انما اصل
 سائل شتی من خادكا بنجام
 ائدی صاحب بجه بكون ابن شرفه
 تبعا لها في آخر باب بكونه لاسب
 تحت و مفاد ان الشرف من الام فقط
 غير معتبر كافي خادكا بنجام من ساكت
 فليحفظ نعم لهم عزية في الجمله كافي خادكا
 شيخنا الزمعي در الشرفي في باب الوصية
 طاقار و كذا في الدر المنار

قوله و مفاد ان لا يتوجه ما في الهدية
 عن ابي يعقوب ثبت ان كعب و انب
 بنقض باب دون الام و قد نشاء
 خلا نعم بكونه و لا يكون كفاية
 و اكاك انما شرفه و ابو من غيرهم
 و بدليل في الوقت على الشرف ان بنس
 عليه و انما قوله سئل ان شرفه على
 على نسب بن شرفه فهو اية انما كان من انما
 فانه في او كان قال فانه و انما غير شرفه
 فهو من انصافه من انما بفتح و نفا

قوله نعم له عزية في الجمله الا على غيره ممن لم يكن
 كذا كذا لا تصار بالصدق الهما شرفه
 طحا على على الدر المنار

فقران

فصل ثانی منصرفک او زردن رفع

اولاد یعنی وکل اولاد برات و روز نامچه به

مخالف و بر بلان برات بیاننده در

زبده جلای وطن ایدوب منصرف اولاد یعنی شنجی عمره و وقتک اسلام بولده
 اولاد متولیبی عرضیله برات ایدوب بر و بگر دخی طبر آق قاضیبی
 عرضیله برات ایدوب عمره ک بر آت مؤخر اولاد بختدن غیر بر زبده
 لندن المق اولوزم بازلیوب مجز و آویده شیخ اولان لندن
 الوب عمره توحید اولندی دیو بازلیش اوله شرفا قفقسی ایله
 عمل اولنوب شیخه قفقسی منصرف اولور **ایجاب** شیخ
 جلای وطن ایدوب محمول اولمغن عمره توحید
 اولندی جو بازلیله بگر اولور

بر عمره نکت نصفنی زبده و نصف آخره یعنی عمره بر آتده منصرف ایدر لکن
 زبده فوت اولوب حصه سنی قاضی بکر اخذی بکره توحید ایدوب
 روز نامه ده نصف قید اولنوب انا بکرک بر آتده جمله مزور عد بازلیش اوله
 شرفا روز نامه ایله می عمل اولور بوخسه بر آتده می **ایجاب**
 روز نامه ایله عمل اولور ابو السعد

فصل ثالث عوارض طلب

اولاد یعنی کسینه لر بیاننده در

بر قلعه خارجنده اولان بر محله درت عد و خانه عوارضه بغلوا اولوب
 لکن مزبور لره ضعف طاری اولمغله حاله یعنی ذر و ولته اعلام ایند کلزده
 محله مزبور اها بینه اول قلعه اها بیسی عوارضه لرت امداد ایده لر و بو
 امر عالی صادر اولسه حاله محله مزبور اها بیسی اها بی قلعه به عوارضی بر آبر
 چکه لم دیوب اها بی قلعه دخی بزه مقدار معین خانه امر اولمادی اولیجی
 امداد نامه عوارضه کدرک درت برینی بره لم دیو نزاع ایدوب چکه مرافعه
 اوله لرحاکم قفقی طرکک قویله عمل ایدوب **ایجاب** احوالری ذر و ولته
 عرض اولنوب فرمان عالی بجه صادر اولور **ایجاب** بوجیله
 عمل اولور علی السجیم اخذی فی الشکایف

اجاب نعم لم یصادف کل من الغزل
 و استویله من اذ اعطاه بنا علی انما
 و حیث کان انما ههنا خلاف الواقع
 قال اعطاه لم یصادف من الغزل
 باقیه علی من وجهه لایدر اول من
 قد صرح العلماء بان لا یجوز غزل انما نظر
 ولا غزل صاحب و طیفه ما بقیه شیخه
 من عمل المزبور

قد تقررات القرامات السلطانية
حيث تغلف بالاملاك التي على حسب
الاملاك وان تغلف بالانفس
فهي على حسب الرؤس
من سنة الهجرة

برقرية محرز ولايت محرز ايندكده عوارضني املاك وارضني به بغير
رؤسه بغلامه حال محرز دفترنده عوارضه بغلوا وليوب عسكر بدم اولان
عمردون عوارض قولي مجرد سنك يدكده املاك وارضني اولوب
وسن بوقر بده ساكن سن ديو خلاف امر و دفتر عوارض نجسي
المغه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
برقرية محرز ولايت محرز ايندكده عوارضني املاك وارضني به بغير
رؤسه بغلامه حال محرز دفترنده عوارضه بغلوا املاك وارضني اولوب
مدرس اولان عمردون عوارض قولي سنك يدكده املاك وارضني اولوب
وسن بوقر بده ساكن اولورسن جو خلاف امر و دفتر عوارض
المغه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب افندي
عوارضه بغلوا وليسان نارالري زيد طا بول المغه اول نارالري بچون زيد
عوارض طلب اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
برمحلده واقع عرصه سي مقاطعه وقف و بناسي ملك اول منزل صورت دفتره قانده
عوارضه بغلوا و كل ايكن منزل مزبورك مالكي زيد عسكر بدم محله مزبوره ابا ليسي منزل مزبور
عوارضه بغلوا و ديوقول مجرد لر بده عوارض نجسي طلب ابدوب
المغه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
برقصيد ابا ليسي بر قاج كسند لرميري جلنگ خدمتي مقابله سنده عوارض ديوانه
معاف و مسلم فلتوب بدلر بده مجد و امر سلطان و برلكه نصكره قصيه مزبوره ابا ليسي
كندي اوزر لر بده لازم اولان عوارضه خلاف امر سلطان مزبور لر
اداء و نجسي المغه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
زيد و عمر و نزول و عوارضه بن ساكن اولد قلمي طبر اخه و بر محبوب اون
يبلدن متجاوز اخز قاضيلغه و بر لر كن ساكن اولد قلمي طبر اق قاضيسي
بشر زيد و عمردون طلب ابدوب المغه قادر اولورمي اجواب اولماز
نزول و عوارض سلطانك غراميد و سلطان تعين و بيان
و عيان ايندكده نصكره خارج نصيه بقضاة مولد و كلردور
افرناباطعه ولي الامر و اطاعته في تصديقه و قبول قوله
حزب الفقير محمد المأمور بالافتي

اذا كان بيده اذن من سلطان
تصرف عن طريقه و سائر الكاليف
ليس احد ان ياخذ من الفرائد

فصل رابع عوارض لازم كلنر بيانده در

برقصيه ده ساكن اولوب برقرية ده عوارضه بغلوا ملك باغي اولان زيد مزبوره ابا ليسي
مأمورا عوارض طلب ايندكده مزبوره بن قريه كزده ساكن اولماز ديوب
عوارض و برماكه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
زيد عوارضه بغلوا اولان ملك منزلي وقف ايندكده نصكره عوارضه جمعده مأمورا اولنر اول
منزل عوارضني بر موجب امر سلطان زيد مزبوره طلب ايندكده زيد بر مفاد ابرني و بر مفاد
مجرد و قضا ابدوب و برماكه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
عوارضه بغلوا باغ و باغچه سي اولان زيد اون عوارضه جمعده مأمورا اولنر عوارضه طلب
ايندكده مزبوره باغ و باغچه ملك بر لري مقاطعه لودر ديوب
و برماكه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
برقرية ابا ليسي زيد شو قدر ابدوب و قضا ابدوب غلبي عوارضه و سائر امر سلطان ابدوب
نازل اولان تكاليفه شرط ابدوب بعد مبلغ مزبور استراج اولننده رنجي انجن عوارضه
و فايدوب زياده بر سنده اولما سه قريه سي ابا ليسي زيد مزبوره عوارضه مأمورا سلطان
نازل اولان تكاليف عريفه ده حاله كوت سايبانه طلب ايندكده مزبوره زيد اول قريه
بن وقف ايندكده اهل قريه بعد اليوم سنده تكاليف عريفه ده سايبانه
الماز ديوب بد بجه حجت و بر شرا ابدوب ديوب عوارضه
مأمورا سي و برماكه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
برمحلده ساكن اولوب انده عوارضه بغلوا املاك و ارضي اولان زيد مزبوره عوارضه طلب ايندكده
زيد بن اخز محلده عوارضه قيد اولنر شديم ديوب ساكن اولد يني محلده اوزر بده لازم كلان
عوارضني و برماكه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب

فصل خامس سايبانه و تكاليف عريفه طلب ابدوب بيانده در

برقرية ده ساكن زيد صغير دن تكاليف عريفه ده سايبانه اجه سي طلب
اولورمي اجواب اولماز عجب عجب افندي
برقرية ده ساكنه بنده دن طرف سلطنت عليه دن نازل اولان تكاليف شافه مزبوره ابا ليسي
سايبانه المغه قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب
برقرية ده املاكي اولان بنده دن قريه سي ابا ليسي تكاليف عريفه ده سايبانه المغه
قادر اولورمي اجواب اولماز عجب عجب افندي

والعوارض المتعلقة بالمخانات التي
هي لدرني و ارضه مهاب و لودفت
فاذا طلبت طلبت من فلانها رنج ابدوب
لكالكان اور قضا من سنة الهجرة

ولا بد من في القرامات السلطانية
كان في سنة الدوله بجه بشباه
في احكام القسيان
ولا بد من النساء في القوامه السلطانية
بشباه في احكام الاراض

و انما وقع في بلادنا هذا العوارض من النساء على دور من لان السلطان يجمعها على المخانات وهي الدور و انما في ظهور ان عدم و خولهن في القرامات
عند الملاقاة القرامه و انما اذ اعنتها الامام على الدور و جعل على كل آردق را مجتبا و خلق بالقبيلن الصبح بنسبه اقدار و اذ من اقدار المستي لا محالك
وان لم يوفق على الغير و لم تضاعف الضرر على ربابه الدور و يظهر ملك ما اقيمت في القوامه من انها على قدر سهام ملك الدار و كوزا كانوا
او انما نشأت من شرح الاشباه كجز الدين الرضوي في احكام الاتقي بافتي صاحب البهجة في كتابه القسنة

برقریه ده ساکن اولان زیدک آخرقریه ده و جهنمان الوجوه علاقه سی بوغیکن آخرقریه
 اهابیسی اوزر لرینه تخصیص اموال ایچون امر سلطانبله نازل اولان تکالیفده
 مجرد قریه مره قریب برده ساکن سک دیوز بدون سالیانه
 المنه قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 هر دو فایه و عمل مانده اولوب صدقات و نوزور ایله تعینش اینده زید فقیر قریه سی اهابیسی
 تکالیف عرقیه ده سالیانه المنه قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 سگان باشنده هر اولوب کار و کسبه قدرته اولبانه تکالیف ایجاب بدر املاک
 و اراضیسی اولبانه زید دن قریه سی اهابیسی تکالیف عرقیه مره سالیانه
 المنه قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر**
 عجم دیار نده تجارت طریقله بر بله به نزول بدوب خانده ساکن اولوب بر فاج کون
 تجارت اینده کسبه لر اول بلده اهابیسی امر سلطانبله نازل اولان تکالیفده
 سالیانه طلبایدن المنه قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 بر قصبه به آخر دیار دن تجارت طریقله کلوب مسافرت و جهی اوزر انده ساکن
 اولوب اول قصبه ده تکالیف ایجاب بدر املاک اولبانه کسبه لر دن مالی قصبه
 کندی اوزر لرینه نازل اولان تکالیفده سالیانه المنه
 قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 اعلی اولوب فقیر اولان زید دن قریه سی اهابیسی سالیانه المنه قادر
 اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 بر محله ده ساکن اولوب اهل علم و موالی عظامدن برینک دانشمندی اولان
 زید دن اهابی محله سی تکالیف عرقیه طلب بدوب المنه
 قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 مشایخ عظامدن برینک فدای اولان زید فقیر تکالیف عرقیه طلب اولور لر می **اجواب اولمازلر**
 و اراضیندن بر سنه سی اولوب فقیر هر دو و نماز **عبدلحمید**
 امام و خطیب و مؤذن اولان زید دن تکالیف عرقیه و شاقه طلب
 اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 عسکری اولان زیدک مالی ایچون زیدک قریه سی اهابیسی تکالیف عرقیه طلبایدن
 المنه قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**

برقریه ده ساکن اولان زیدک آخرقریه ده نازل لر می اولمغله زید اول
 نازل لر دن نصر بد بدوب صاحب ارضه تسلیم ایندک نصره قریه
 مزبور اهابیسی اوزر لرینه طرف سلطنتدن بر تکلیف نازل اولدقده
 اهابی قریه مجرد منفذ باقریه مره اراضی سندن نازل لر منصرف ایدک
 دیوب زید دن بر وجهله علاقه سی بوغیکن تکالیف ندره
 ایدان نامنه بر سنه المنه قادر اولور لر می
اجواب اولمازلر **عبدلحمید**

فصل سادسین کیفیت توزیع و سالیانه بیاننده در

طرف سلطنتدن بر حرفت اهابیسی اوزر لرینه واقع اولان تکالیف
 و نواب اول حرفت اهابیستک فقیر و غنیسی ببنلر نه بر ابر می توزیع
 اولور بو حقه حالو حاله نجی توزیع اولور **اجواب اولور**
 حالو حاله نجی توزیع اولور **عبدلحمید**
 برقریه اهابیسی اوزر لرینه امر سلطانبله تخصیص اموال ایچون نازل اولان
 نواب اهابی ببنلر ندره قسمت اولور اولدقده اول قریه ده املاک و اراضی به
 منصرف اولوب آخرقریه ده ساکن اولان زید علاقه سنده کوره
 قسمته اوقال اولور لر می **اجواب اولور** **عبدلحمید**
 بر محله ده ساکن اولوب آخر محله ده باغچه سی اولان زید محله آخری اهابیسی اوزر لر
 طرف سلطنتدن تخصیص اموال ایچون امر ایله نازل اولان تکالیفده علاقه سنده کوره
 سالیانه و بر رکن اهابی محله راضی سندر اولوب زیاده المنه
 قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**
 برقریه اهابیسی اوزر لرینه تخصیص اموال ایچون طرف سلطنت علیه نازل اولان نوابی
 ببنلر نه وجه اوزر صالح اولور لر می **اجواب اولور** **عبدلحمید**
 طرف سلطنتدن تخصیص اموال ایچون برقریه اهابیسی اوزر لرینه بعض نواب
 نازل اولدقده اهابی سندن زید اول نواب سندن حالته و مالنه کوره
 سالیانه سن جامع اولور و بر و کده نصره املق قناعت ایتمیوب
 آخر دیار ده اولان اولنک عمر و ک سالیانه سن وخی سن و بر
 ویکه قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عبدلحمید**

و آنچه سلطان تخصیص املک
 فصل قدره منتهی القسمة
 فاهم هر دو بان نوات سلطانیته
 آن جعلت علی املک نهی بحسبها
 و آن جعلت علی الررس نهی بحسبها
 و آن جعلت علیها نهی بحسبها
 لایکن و فیهما فوجیه توزیع املک
 ذلک و در صورت ایضا باقیه تمام
 بتوزیع القسمة سلطانیته علی وجه
 العدل و المساوات کانت باجور
 و آن نامها علی وجه العلم و سنی
 مان باذره غیره القسمة

افترقات ان كانت كلف الاك
فالقسم على قدر الكلف وان كانت
كلف النفس فهي على عدد الرؤوس
وقوع الولد في القسم لا في
السلطان على قرية فانها قسم على
و هي في كنف الله انما غايته
استبانه في كتاب القسمة
وهي كنف الله العود في قسم الاول
لان السلطان ربهما على انما كانت
و هي الذور جبرية

العلماء يمنع عنهم الفوتات المتطابق
وكذا استاوات في رهن سكنوا فيها
من انما غايته

طرف سلطنة تخصين اموال ايجون برقرية الهاليسي اوزر زرينه بعض نواب نازل اولد قده
الوالي مزبوره دن قيقير اولنلر غني اولنلره نواب مرقومه يه ماللر مخره كوره حساب
ايدوب هر بر بجز حصه حره اصابت ايدن مقدارى سايبانه فرى ويره لم دب كلر نغنى
اولنلر راضيلر اولوب نواب مرقومه يه جمل يه مخره بر ابر توزيع ايدو لم
ديكده قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم
مقا عدا اولان زيبه بر سنده مامورا اولد ينى بدل كور هر جلد سن متقا عدا اينلر سنده
ويرر كن محله سى الهاليسي خلاف امر سلطان زيبه نكالييف عرفيه
المغه قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم
برقرية نك الهاليسي طرف سلطنة عليه دن بعض نواب نازل اولد قده
الوالي مزبوره اول نوابى نه وجه اوزر صال شور لر اجواب اولما زلر عجب عظيم
صال شور لر تخصين اموال ايجون اوليجى عجب عظيم افندى

فصل سابع رسم رعيت و بناك و جفت بوزان بيانده در
ملازم و مدرس اولوب بر قصبه ده طلب عله ده اولان زيبه بابا سكت
قرية سى سپاهيسى رسم رعيت نامنه افندى المغه قاور
اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم فى الاعتقاد
زيبه سپاهى دفتر لر عيشندن اولان عمرودن بر موجب امر سلطان رسم بناكى
طلب ايند كده عمر و بنم بابا سكت با با سى عسكر يه ايمش چو ادايم
اشاعه قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم
مسكين وكفره مختلط اولان برقرية الهاليسي اوزر زرينه تخصين اموال ايجون
بعض نواب نازل اولد قده الهالى مرقومه بينلر نده اول نوابى نه وجه
صال شور لر اجواب حاللر يه كوره عجب عظيم افندى
برآت پادشاه امام و خطيب اولان زيبه دن سپاهى باش خوجى نامنه بر سنده
المغه قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم
زيبه بر بلده ده فرق الهالى سنده دن بر ساكن اولوب اول بلده ده تكليفين و بر ريب
آخز برده قطعاً علا قده سى بوغيسكن حاللر برقرية نك سپاهيسى كلوب سكت بابا سكت
بنم بناكلى رعيا م ايدى ديو زيبه دن جفت بوزان افندى نامنه بر سنده
المغه قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم افندى

فصل ثامن

فصل ثامن معاف و سلم بيانده در

مدینه منوره او قاضى اولان رعيا بابا امير شاه ايله غرا فانت و كالييف سلطان ايدون مقص
وسلر ايجون نكالييف جمعه مامورا اولان كسند لر مزبور لر خلاف امر شريف بعض سنده
تكليف ايند كده قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم افندى
برقرية الهاليسي ايجنده ساد ايدن بعض كسند لر امر شريف ابله معاف ايد كلر نى ايلوب
ايجلر دن كلماته قاور كسند ولما مغلله الهالى قرية نكالييف معاف ايد كلر نى بلوب اللز
نقيب الاشراف دن تمسكللر ايليجى بر شمد كرو نكالييف و بر اوزر ديكده
قاور اولور لر مى اجواب اولور لر
بوصورت قرية مزبوره الهاليسي اول كسند لر دن الى الان بر سيزون اولد كده ديو
بينه اقامت ايديجك مال اشره نكالييف المغه قاور
اولور لر مى اجواب اولما زلر بستان زاده
بر قصبه ده ساكن اولان زيبه دن بر مبرى خدمت مقابله سنده نكالييف عرفيه
النماق اوزر زيبه بدينه مجددا امر سلطان و بر لشبكن خلافة امر وار اولد يين
نكالييف عرفيه جمعه مامورا اولنلر زيبه دن نكالييف عرفيه وسايبانه المغه
قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم

فصل ناسع نطق ايند يكي قرية دن آخز محله
نقل ايند كرك احوالى بيانده در
خارج رعيت دن بر قصبه ده اجاره ده ساكن زيبه بياده طبر آغنده ملك منزل اشتر
ايدوب اهل محله ابله لازم اولان نكالييف و برر كن حجت ايند يكي محله فلفى دن نى سنده
تكليف ايند كده قاور اولور لر مى اجواب اولما زلر صنع افندى
زيبه قرية سندن قطع علاقه ايدوب و آرو ب بر شهر ده نطق و انده اوغلى عمر و وجوده
كلوب بعده زيبه فوت اولوب عمر و اول شهر ده ساكن اولد ينى محله ده خانه
قيد اولد قده نسكره قرية مزبور الهاليسى عمو نا بر محله يه و آرو ب انده نطق
و زيبه يه قيد اولنلر حاله قرية مزبور الهاليسى كلوب مجر و مقده ماسكت
بابا ك قرية مز الهاليسى سندن ايدى كيز و زيبه يه قيد اولد ينى ايشه برنم و زيبه اولان
قرية مزه نكل با خود بزه شوقه در افندى و بر ديكده قاور
اولور لر مى اجواب اولما زلر عجب عظيم

انما كان بيده اذن من السلطان
ممنوع من الخروج و سائر انكالييف
فليس لاحد ان ياخذ من القرية

فان المؤمن امير نفسه فلا اقامة
في اني بلد شاه الى اضمول لا يجير
شخص على عمل غير رضا به و ديكده
او نصرانيا فضلا عن شخص يوحده
فعالي خبره يسيل جساء الموت

والا تسليق القياس ان كل من
في فاعل مكنه لا يمنع منه في الحكم
من المحيط لغيره

بر قریب ده ساکن اولان بوند قریب مزبور ده دن کوچوب آخر قریب ده نوطن ایتکله قریب اولاده
اولان مکت شترنی بدم ایدوب نقصنی اخذ مراد ایتدکه قریب مزبور ده امالیسی
دیعی مغه قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر**
زید قریب سندن بالکینه قطع علاقه ایدوب واروب آخر قریب ده نوطن ایتدکه
آخر قریب ده ضابط اولنلر زید دن نونس مکت المغه قادر
اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عجلیم قندی**
زید سپا بونک قریب سنده ساکن عمر و بوندی تزوج ایتدکه زید عمر دن رسم عمر دی
دیوانجه المغه قادر اولور می **اجواب اولمازلر** **عجلیم قندی**
زید ساکن اولدیغی قریب سندن بالکینه قطع علاقه ایدوب واروب آخر قریب ده نوطن
ایدوب انده رعیت قید اولنسه حاله قریب اولی سپا بیسی مغه قریب ده ساکن
اولور دک دیوب زید دن رسم رعیت نامنه انجه المغه
قادر اولور می **اجواب اولمازلر**
زید قریب سندن قطع علاقه ایدوب واروب بر شهر ده ساکن اولوب بایندن
اون سنه مردور ایتدکه نصکره زیدک انده اوغلی عمر و وجوده کلوب بعده زید فوت
اولملا قریب مزبور سپا بیسی بشر کلوب عمر دی جزا قریب مزبور ده بکنور ک
قادر اولور می **اجواب اولمازلر** **عجلیم قندی**
اون بئش بکر می سندن بری بر مزبور ده ساکن اولوب انده رعیت قید اولنان زید اوز بینه
کلان رسوم رعیتی قریب مزبور سپا بیسی اولان عمر و بررکن آخر قریب مکت سپا بیسی ای
بکر زید ه مجر دستک باباک و ذوک نیلارم رعیتنه نیش دیوب زید دن
رسم رعیت المغه قادر اولور می **اجواب اولمازلر** **عجلیم قندی**
زید قریب سندن بالکینه قطع علاقه ایدوب واروب آخر قریب ده نوطن ایتدکه نصکره
قریب اولی امالیسی کلوب زید ه مغه مانکا ایغی بر علمه برر دک چوسا ایلمانه طلبینه
قادر اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عجلیم قندی**
زید بر قریب ده سکر دن کلوب نوطن ایتدکه نصکره بکر می سنه مردنده قریب مزبور ده
امالیسی نون اولان بر قریب کسنه لر زید ه عرض ایتدکه بر دستک قریب مزور ده ساکن
اولدیغی کسنه مرزا البت قریب مزور دن کیت دیوب جیره قادر
اولور لر می **اجواب اولمازلر** **عجلیم قندی**

انما کن بهرم علی العودالی لفریضه
بها فان من غیر علی العودالی لفریضه
واجب ان فی و لینه فیهما جزالی جنت
بکن قریب من اکت کما یکنه انبیا
والضامین کافق علیه فیهما و صفا
الغیر و منهم بر استعدو العادای غشی
الذبا را زوبنه خیر فی سانی غشی

زید قریب سندن قطع علاقه ایدوب آخر قریب ده نوطن ایدوب و ما بینه اون سنه
مردور ایلملا قریب اولی سپا بیسی کلوب هفت بوزان نامنه دیوب مزور بینه
المغه قادر اولور می **اجواب اولمازلر** **عجلیم قندی**
فصل عاشر اهل برات فراغی و تراعی بیاننده در
اهل برات اولان زید در کتدن فراغت ایتدکه نصکره ایکی دفعه ولایت
شهر اولنسه زیدک قریبده اهل برات قریب دیوب لر می
اجواب دیوب لر می **عجلیم قندی**
زید برات ایلملاوت ایدوب کی جزا شریفی عمر دک بر مغه آراجه سین لوب و بر
عمر و بل برات تلاوت ایدرکن فوت اولوب حاکم جزا شریفی بکره نوجیه ایدوب
تلاوت ایدرکن زید کلوب بوندی المده براتم وارور دیوب
بکرک انده المغه قادر اولور می **اجواب اولمازلر**
زید جا بل بر زاویه برات ایدر دیوب عمر ده بوزاویه بر زید بنم اوزر بدن
بلا سبب خارج فضا ده اولان قاضینک عرضیده المشرک بر جو طلب ایل
زید بن زاویه بر کلنله بدر مزین دیوبه ایدوب بکنه عمل اولور می
بوخره عمر دک جا بل جهته اهل ایدوب بکنه می عمل اولور
اجواب رای اولوالامر منوطدر
زید بر زاویه بر شیخ اولوب برات ایلمه تصرف ایدوب ادا خدمت ایدرکن
قاضی زیدی خلاف واقع عرض ایدوب عمر ده بر سره صکره زید بنه زاویه بر
شیخ اولمغه قادر اولور می **اجواب** حالن ذر دولته
عرض ایدوب بنه بر یلور سه اولور
زید خطیب اگر خطابتی عمر ده برر سکت فراغت ایدرم دیوب قاضی دخی
قبول ایدوب صکره عمر ده بر میوب بکره و بر سره زید عمر ده برر مکت شریفیل
فراغت ایدرم والا قبول ایتننن دیوب بکردن المغه قادر
اولور می **اجواب بکر برات الماد بر سه اولمازلر**
بو صور نوح قاضی بکره عرض و بر دیوب بکر عرضی برات ایدر میوب خطابت
ایلمه بکره سنه لازم اولور می **اجواب اولمازلر**
خطابنه بساقتی اولیجی ابوالسعود قندی

و قدر مرزا ان لسا فط لا یعودی

ولا يخلو الاكل من الغلة قبل ان يخرج
وكذا قبل اداء العشرة اذا كان غارضا
على اداء العشرة ان كان قبل العشر
من زكوة البرزخية

ان شئت بنا وما ذكره في الكتاب
ان يخرج بسقطه من الغلة بمجمل
على ما ذكره من السنة مقدرا
ان يزرع الارض ثانيا قبل دخول سنة
تالية او يبيعها ما يمكن ان يزرع
الارض ثانيا قبل دخول السنة الثانية
فلم يزرعها لا بسقطه عنها يخرج
من الفصل السادس من خروج
اشارة غايته

لان حق الاخذ من غلة من المخرجة

انجيلير لرزده اكد كلري غلاندن بنوب حاصل اولانك بالتمام خراجي امينه
وبريدين حاصل اولان غلاندن لرين اكل الميسر لرحلال اولكور اجواب اولماز
ولا يخلو لصاحب الزرع ان ياكل الغلة حتى يودي الخراج
من فصل العشر من زكوة فتاوى فاضلخانه

من المحل المزبور

زید نصرتده اولان ارض میریدیه بر مقدار بقداینی اکوب باذن سدرسنه
حاصل اولیبوب عشر دیو و قدرنده اوزرینه طغوز کیل بقداینی باز یلوب
بش انی سنه و نسکره زیدون طلب اولند قدره زید بنم اددیکم اول سنه ده
بتمامی حاصل اولما دی بر سنه المادیم دیوب اوزرینه باز بلانی ویرماکه
قادر اولور می اجواب اگر اول سنه آخر سنه به دک زراعت و استغلا از
مکن اولیچن قدر زمان زراعته امکانه واقدرت وار حیرت خراج اوزر
ساقط اولماز والا ویرماکه قادر اولور

فصل ثانی عشر جزیه بیابانده در

زید و سنک باباسی بر قریه اهل سنه سنه و اناسی آخر قریه اهل بسندن اولوب
کندیسی بریزده جزیه به بغلنا سه حالا جزیه سنی اول قریه لرضه قنقنک
جزیه داری اخذ قادر اولور اجواب امر عالیه بنو طدر

عبد الرحیم افندی فی الجزیه

یاوه جزیه داری اولان زید عمرده شو قدر مهره جزیه تذکره سی و پرتو بو تذکره لری
جزیه سنی الدینک ذمبلره و بر دیوب عمر و حتی بر مقدار سنی بولوب جزیه سنی الوب
اول تذکره ذم بر مقدارین و پرتو بر مقدار تذکره بدنده قاله حاله عمر و بدنده زباده قلانه
تذکره لری زیده و بر رکن زید المیسر اینه اول تذکره لری اقله لرین و بر دیکه

قادر اولور می اجواب اولماز عبد الرحیم افندی فی الجزیه

زید دمی قریه بسندن بالکلیتہ قطع علاقه ایدوب واروب آخر جزیه جزیه دفرینه
بقدا اولنوب اوزرینه لازم کلاخ جزیه سنی قریه اخری جزیه دآرینه و بر دیکه نسکره
قریه اولی اهل بسنی کلوب مقصد ما جزیه به بزم ابله و بر رابدک
بنه بزم ابله و بر چو نکار جزیه طلبنه قادر
اولور لری می اجواب اولماز

افندی

زید دمی بر قریه ده جزیه دفرینه بقدا اولند قدر نسکره بر قاج سنه مرد و رنه
قریه مزبور سن کچوب واروب اخر قریه ده نوطن وانده جزیه دفرینه
بقدا اولنوب بر سنه جزیه سنی اخر قریه ذمبلره ادا ایدر کن حالا
قریه اول ذمبلری کلوب مجز و مقصد ما قریه مرک جزیه دفرینه
بقدا اولنمش ابدک جزیه که بزبله و بر دیکه

قادر اولور لری می اجواب اولماز

عبد الرحیم افندی

محرر ولایت زیدی بر نصبه ده جزیه دفرینه بقدا و تحریر ایدوب بعده زید
بر موجب دفر سلطانیه جزیه سنی اول نصبه تک جزیه دآرینه و بر رکن
اول نصبه ده یاوه جزیه دآری اولان بکر دخی زید جزیه

طلبنه قادر اولور می اجواب اولماز

عبد الرحیم افندی

بر قریه ده جزیه به بغلوا اولان زید دمی بر سنه ده اوزرینه لازم کلن جزیه سنی
قریه مزبوره جزیه دآرینه و بر دیوب بعده قریه مزبوره دن قرینه واقع نصبه به
بعض اشیا استمره اسچون وار دقدده اول نصبه ده جزیه دآر اولان
بکر دخی زید دن سنه مزبور اسچون نکار جزیه المغه قادر

اولور می اجواب اولماز

عبد الرحیم افندی

بر قریه ده ساکن اولوب اول قریه ده جزیه به بغلوا اولان زید جزیه سنی
بر موجب امر و دفر سلطانیه اول قریه جزیه دآرینه و بر دیکه نسکره اخر قریه تک
جزیه داری بکر زیدی طونوب سنک باباک بنم جزیه دآری اولد بنم اخر قریه
اهل بسندن ر اوبله اولیچن سنه دخی جزیه که باکه و بر

دیکه قادر اولور می اجواب اولماز

عبد الرحیم افندی

و اگر بودند سنه فی سنه اوزرینه و اینه
من غلانه الغله

صورت قانون نامه

متوفاتک محلول اولان بری فرزند بوغنیسه لاب فرزند اشمنه بوغنیسه
اول محله ساکنه فرزند اشمنه بوغنیسه باباسنه بوغنیسه اناسنه
طاهو ایله و بریلور بونوردون غیره افار به حق طاهو بونوردون اولان عوزک
محل اولان بری ایچی طاهو ایله اوغله و بریلور فوت اولان ذبکک بری
سلم اوغله انتقال اینتر مشترک بر تصرف ایندردون بری فوت اولدوقده
با خود فارجدن برکسنه به حصه سنی نفویض ایلدکه شریک آخر و بریلور
رسم شلید الور بش سنه به دک حق طلب و آردور تعطیل ایله طاهو به سخی اولان
بری نه طاهو ایله تصرف سابق الور بر نار لایه تصرف اولان آخر دباره
کبد ب اوج سنه تعطیل ایتمکله طاهو به سخی اولور صاحب ارض مخیردر استر سه
حق طاهوسی اولنله و بریلور استر سه اخره و بر وفاته کوره دکدر خدایه نابت
اولان اشجاری صاحب ارض و برکک مراد ایندکه مخیردر استر سه قدیمه
تصرف اولان و بریلور استر سه اخره و بر با یاف و تشناق احوال دخی سائر
اراضی احوالی کبیدر صفارک بری اخره و بر سه بعد البلوغ اذن سنه به دک
الور صفارک بری معطل فالمغله طاهو به سخی اولماز مشترک اورمان
تصرف ایندردون بری باله سبله آجوب نار لایه ایندکه شریکی اول نار لاده مشترک
اولور اذن صاحب ارض بوغنیکن نار لایه نفویضی معینه دکدر بر قاج سنه عشر
در سنی الملق اذن اولماز صریحا اذن لازمد نار لایه نفویضه بنمارده شریک
اولنردون بر بیک اذن کفایت ایدر نار لایه تصرف ایندردون علیین
قالدر دقلند نصکره اخرک قبونرینی رعی ایچون بر مقدر ارفه سین السه لر
صاحب ارض مزبور لری رعیت منعه قادرور بر قریه خلقتک تصرفلنده
اولان بر لردون بوز و قبر فالوب زراعت اولنیه بر لک اوزرنده بعض
کسنه لر طوار لرین قدیمه یوریده کلدک دیوجیز اویوریمکه قادر دکلردور
خارجدن بر قریه ده ساکن اولنلر اول قریه ده یوردرین الدفلی کسنه لک
نمقدار طوار لرین یوریده کلش ایه ممالرنده اولمقدار طوار لرین یوریدر
عشر و رسم المنغله رسم طاهو ساقط اولماز بر نار لایه تصرفی بیانده ایکن برکسنه
اول نار لایه اوزرنده اذن سها ایله بنا احدات ایلدکه اولنیا به رفع ایندردون

بر نار لایه فرنده و کرم احدات ایدن کسنه صاحب ارض و تصرف اولانک
اذن لری اولمدین اول نار لایه اوزرنده حق حفر ایدوب صواجر ایده مز
اراضی تصرف ایندردون صاحب ارض اذن سنه فارغ اولدوقده صاحب ارض
استر سه اذن و بریلور استر سه اسکی تصرفنه ردا ایدر رسم چفت
خاص بنیه بتر بردن ایکی دو نمه بر اجه وسط احوال اولان بردن اوج دو نمه
بر اجه اوتنه بردن بش دو نمه بر اجه رسم دو نمه ایویوره سنه دیوام شریف
و آرد اولمشدر اوقاف سلاطیندن اجاره معجله و مؤجله ایله اراضی
و متنازل و دکاکین تصرف ایندردون بر لرینه فراغ ایندکلرنده یا خود
با بالری و انالری وفات ایندکه بلا عذر اوج آمی اهما ل ایدوب
اذن المبوب و وقف و قریبه قید ایندردون بیچک متولک دیکلرینه نفویض
و ایجار ایده دیوبیک اوتوز درت رجیله متوخ امر شریف و آرد اولمشدر
زراعت اولنور خاص بردن بنمش سکان دو نم و وسط انکار

اولان بردن بوز دو نم اوتنه بردن بوز اوتوز
دو نم بر چفتک اعتبار اولنور
دو نم خطوه متوسطه ایله
قرق خطوه در

قد وقع الفراغ عن تحریر من الشیخه المقبوله المرغوبه الموسومه بیجامع الاجارین
عن ید اقر عبدا لله العفی مسوده السید الحاج علی العسکری
قره حصار صاحبی بولدا والاسلام بولک محمدا
غفر الله له ولوالديه ولین قرأ ونظر فیہ
و بیجمع المؤمنین ولین قال آمین
سنه اربع و اربعین و مائین و ثمانین
من هجره من له العزه
والشرف